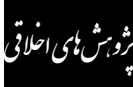




انجمن معارف اسلامی ایران



بیت

فصلنامه علمی انجمن معارف اسلامی (شاپا: ۳۲۷۹-۲۳۸۳)

سال یازدهم - شماره دو - زمستان ۱۳۹۹

شماره پیاپی ۴۲

صاحب امتیاز: انجمن معارف اسلامی

مدیر مسئول: دکتر رضا حاجی ابراهیم

سردبیر: دکتر محمود قیوم زاده

اعضای هیئت تحریریه:

محسن جوادی، احمد دیلمی، جعفر شانظری، امیر عباس علیزمانی، محمود قیوم زاده،

عبدالله نصری، علی احمد ناصح، محمدرسول آهنگران، ویلیام گراوند،

محمد محمدرضائی، رضا برنجکار، عین الله خادمی، محمدحسن قدردان قراملکی،

عبدالحسین خسرو پناه، سید ساجد علی پوری، مارتین براون.

مدیر داخلی و دبیر تحریریه: مصطفی قیوم زاده

مترجم: محمد احسانی

صفحه آرا: کامپیوتر احسان ۰۲۵۳۷۸۴۲۶۷۸

ویرایش: حمید رضا علیزاده

یادآوری: فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی در زمینه‌های فلسفه اخلاق، اخلاق اسلامی، اخلاق

کاربردی، اخلاق تطبیقی، چالش‌های اخلاقی دنیای جدید و تربیت اخلاقی مقاله می‌پذیرد.

مسئولیت مطالب هر مقاله از هر نظر بر عهده نویسنده است.

نقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ مانعی ندارد.

فصلنامه در ویرایش، اختصار و اصلاح مقاله‌ها آزاد است.

آدرس پستی: قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، ساختمان کتابخانه، دفتر فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی

تلفن: ۰۳۲۱۰۳۳۶۰، آدرس الکترونیکی: Akhlagh\_1393@yahoo.com

این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلامی (ISC) و ایران ژورنال و همچنین در پایگاه اطلاعات علمی

جهاد دانشگاهی (SID) نمایه می‌شود. نویسندگان محترم می‌توانند از طریق این پایگاه به نشانی

www.SID.ir مقالات خود را به صورت الکترونیکی (on-line) جهت بررسی به این نشریه ارسال کرده و

آن را رهگیری (Tracing) کنند و یا به ایمیل مجله (Akhlagh\_1393@yahoo.com) ارسال دارند.

بر اساس مجوز شماره ۳/۱۱/۳۶۵۲ مورخه ۱۳۸۹/۳/۳ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور در

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، درجه علمی به فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی اعطا شد.

پژوهش‌های اخلاقی - سال یازدهم - شماره دو - زمستان ۱۳۹۹

شماره سالی ۴۲

(فصلنامه باخیزند صاحبان اندیشه، قلم و مقالات مستشرمی شود.)

### راهنمای شرایط تنظیم و ارسال مقالات

از نویسندگان درخواست می‌شود:

۱. مقاله ارسالی از ۲۰ صفحه (هر صفحه ۳۰۰ کلمه) بیشتر نشود.
۲. مقاله ارسالی، باید در محیط word با دقت تایپ و اصلاح شده (با طول سطر ۱۲ سانتیمتر، قطع وزیری) و بر یک روی صفحه A4 همراه با فایل آن به وب سایت یا ایمیل مجله (Akhlagh\_1393@yahoo.com) ارسال شود.
۳. مقاله ارسالی حتماً باید تألیفی باشد و مقالات ترجمه‌ای در صورتی قابل چاپ خواهند بود که همراه نقد و بررسی باشند.
۴. مقاله ارسالی باید دارای بخش‌های ذیل باشد:
  - الف. چکیده فارسی مقاله، حداکثر در ۱۵۰ کلمه و در حد امکان چکیده انگلیسی آن به همین مقدار.
  - ب. مقدمه و نتیجه گیری.
  - ج. واژگان کلیدی فارسی و معادل انگلیسی آن (حداکثر ۵ واژه).
  - د. تعیین رتبه علمی نویسنده و مترجم و ایمیل نویسنده / نویسندگان هر درج اسامی و اصطلاحات مهجور، در پایین هر صفحه ضروری است.
۵. منابع و ارجاعات مقاله باید کامل و دقیق باشد، از ارسال مقالات با منابع ناقص جداً خودداری فرمایید.
۶. در صورتی که توضیحات پانویس‌ها فراوان باشد به پی‌نویس منتقل کنید.
۷. مقاله ارسالی نباید در هیچ نشریه داخلی یا خارجی چاپ شده باشد.
۹. منابع مورد استفاده در پایان مقاله به شکل زیر نوشته شود:

### الف) کتاب

نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، شماره جلد.

### ب) مقاله

نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره مجله.

## پژوهش های اخلاقی

فصلنامه علمی انجمن معارف اسلامی

زیر نظر هیأت تحریریه

سال یازدهم، شماره دو، زمستان ۱۳۹۹، شماره پیاپی ۴۲

- ۵ / تضمین قضایی و اخلاقی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران / صادق اسداللهی / علی اکبر گرجی ازندریانی / بیژن عباسی / صابر نیاورانی
- ۲۷ / شاخص های اخلاقی اسلامی جذب و استخدام منابع انسانی / حسین تاج آبادی / کاوه نامور
- ۴۹ / طراحی مدل مدیریت رفتار سیاسی سازمانی مبتنی بر اصول اخلاقی در صنعت بانکداری / فرزاد رضایی راد / محمود رضایی زاده / داود کیا کجوری / مهران مختاری بایع کلایی
- ۸۹ / ارزیابی تاثیر سطح افشای مسئولیت پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی بانک ها با تاکید بر اخلاقیات / محمد سعادت نیا / فرهاد دهدار / محمدرضا عبدلی
- ۱۲۵ / رابطه دین و اخلاق (با رویکرد فلسفی) / معصومه سعید
- ۱۴۵ / طراحی الگوی ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی ایران / فهیمه طالبی / حسینعلی جاهد / ناهید ساری خانی
- ۱۵۹ / بررسی اصول اخلاقی و حقوقی زیست محیطی در قراردادهای نفتی / مسعود طاهری / مسعود البرزی ورکی / عبدالله کیایی
- ۱۸۳ / سنجش اخلاقی انصاف مدارانه داوری پیش از رسیدگی های شبه قضایی در نظام حقوقی ایران با تاکید بر اصول دادرسی منصفانه / جمشید عباس زاده / بیژن عباسی / ولی رستمی / ابراهیم موسی زاده
- ۱۹۱ / بایسته های اخلاقی در بانکداری اسلامی / علی عربی / محمود باقری / محمود عرفانی
- ۲۱۱ / قبال نظام حقوقی شایسته سالاری بر قامت کرامت انسانی به عنوان مفهومی اخلاقی / سعید قبییدان / علی اکبر گرجی ازندریانی / بیژن عباسی
- ۲۲۳ / تحلیل مبانی اخلاقی نظارت قضایی در دادرسی های کیفری / عبدالرضا منصوری دهبید / احمد رضایی / منصور عطاشنه
- ۲۳۹ / بررسی تاثیر نگرش اخلاقی استراتژی های بازاریابی دیجیتال بر عملکرد صنعت هتلداری / علی نخچیان / علی حسین زاده / حسین مؤمنی مهمویی / محمد قاسمی نامقی
- ۲۶۱ / شاخصه های شفافیت و مبارزه با فساد و تاثیر سنجه ها و موازین بین المللی / حمید رحیمی / صابر نیاورانی / محمد جلالی / اسدالله یآوری
- ۲۸۹ / مدل اخلاقی ارزشی در مدیریت بازاریابی کارآفرینانه / فرشاد حاکم زاده / حسین وظیفه دوست / فریده حق شناس کاشانی
- ۳۱۵ / کرامت ذاتی و پاسداشت شخصیت انسانی در بستر اساسی سازی حقوق مسئولیت مدنی / امیر نجفی قامت / ابراهیم شعاریان / حسن پاشازاده
- 1-15 / چکیده مقالات به لاتین (Abstracts)



نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۶ - ۵

## تضمین قضایی و اخلاقی حقوق اقتصادی. اجتماعی و فرهنگی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

صادق اسداللهی<sup>۱</sup>علی‌اکبر گرجی ازندریانی<sup>۲</sup>بیژن عباسی<sup>۳</sup>صابر نیاورانی<sup>۴</sup>

### چکیده

این مقاله در صدد است تا ضمن تبیین تعهدات سه‌گانه عام حقوق بشری دولت نحوه تضمین آنها را در نظام حقوقی ایران بیان نماید. در تعهد به حمایت، قانونگذار از طریق ایجاد دادگاه‌های عمومی گام مطلوبی جهت تضمین این حقوق برداشته است. در تعهد به احترام نیز دیوان عدالت اداری توانسته است تا حدودی حق دادخواهی شهروندان را تضمین نماید. در تعهد به ایفاء با عدم ورود دیوان به حیطه این تعهدات عملاً از خود نفی صلاحیت نموده و قانونگذار با عدم تعیین یک نهاد صالح قضایی از پیش بینی یک رژیم حقوقی مطلوب غفلت نموده است. لذا مسأله‌ای که در این پژوهش به آن پرداخته شده است این است که نظام حقوقی ایران تا چه حد توانسته است در تضمین قضایی حقوق رفاهی موفق باشد و اینکه آیا قانونگذار توانسته است با پیش‌بینی اصل ۱۷۳ حق دادخواهی موضوع اصل ۳۴ را برآورده نماید یا خیر؟ علاوه بر بررسی تضمین قضایی مقاله سعی می‌کند تا چگونگی تضمین اخلاقی این حقوق را که ناشی از سوگند رئیس‌جمهور است در نظام حقوقی ما بررسی نماید و به این مسأله می‌پردازد که این سوگند تا چه حد توانسته است در جهت تحقق و تضمین این حقوق گام بردارد. این مقاله با روشی توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به مسائل مذکور است. حاصل آن که با ساخت یک رژیم حقوقی محکم می‌توان به تضمین این حقوق و تحقق حق دادخواهی شهروندان قوت بخشید.

### واژگان کلیدی

حقوق رفاهی، تعهد به حمایت، تعهد به احترام، تعهد به ایفاء.

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: sadeghasadolahi50@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).  
Email: gorji@gmail.com

۳. دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.  
Email: bizhanabbasi@gmail.com

۴. استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: niavarani@gmail.com

پذیرش نهایی: ۹۹/۱/۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۸

## طرح مسأله

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی<sup>۱</sup> جزو آن دسته حقوقی است که قوانین اساسی توجه ویژه‌ای به آنها داشته است (Philips and Jackson 1984:22-25) قانون اساسی ایران بسیاری از این حقوق را در فصل حقوق ملت گنجانده است. فصل کلیات و فصل اقتصاد و امور مالی هم، بسیاری از این حقوق را اغلب با ادبیاتی غیر از این حق‌ها، در قالب تکلیفی برای خود جای داده است.

اصل ۲۰ همه افراد ملت اعم از زن و مرد را برخوردار از این حقوق دانسته است. بند ۷ از اصل ۳ نیز تأمین آزادی‌های اجتماعی را از وظایف دولت برشمرده است. مصادیق این حقوق در قانون اساسی شامل آزادی اصناف (اصل ۲۶)، فراهم کردن شرایط اشتغال به کار (اصل ۲۸)، حق برخورداری از تأمین اجتماعی (اصل ۲۹)، حق بر آموزش و پرورش رایگان (اصل ۳۰) و حق بر مسکن متناسب با نیاز (اصل ۳۱) است که در فصل سوم بیان شده اند.

اصل ۳ نیز مواردی چون افزایش آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌های آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان، تسهیل و تعمیم آموزش عالی، ایجاد امکانات عادلانه برای همه و ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، و بهداشت و تعمیم بیمه را از وظایف دولت دانسته است. در اصل ۴۳ نیز ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک و پوشاک، درمان و آموزش و پرورش، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل از جمله موارد دیگر مرتبط با این حقوق است. (اسماعیلی و امینی پژوه، ۱۳۹۵: ۷۰) سوالی که در این پژوهش مطرح می‌گردد این است که آیا علیرغم ذکر کامل این حقوق در قانون اساسی حق دادخواهی فردی نسبت به این حقوق به طور کامل تضمین شده است؟ در پژوهش حاضر تلاش خواهیم کرد که از منظری توصیفی - تحلیلی به بررسی قابلیت دادرسی پذیری این حقوق در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران پرداخته و از میزان تعهد دولت در تضمین این حقوق پرده برداریم. به عبارت دیگر در چارچوب تعهدات عام حقوق بشری دولت تضمین هر یک از تعهدات سه گانه دولت را مورد بحث قرار می‌دهیم.

بر این اساس فرضیه این پژوهش اینگونه بیان می‌گردد که به دلیل عدم پیش بینی سازوکارهایی مناسب در قانون اساسی و قانون عادی، نظام حقوقی ما نتوانسته است در تضمین حق دادخواهی فردی نسبت به تعهدات حقوق بشری دولت به نحو مطلوب عمل نماید و عملاً از پیش بینی یک نظام حقوق مطلوب به خصوص جهت تضمین تعهدات ایفائی غافل شده است.

برای تبیین این فرضیه تعهدات سه گانه دولت در جهت تضمین حقوق رفاهی مصرح در قانون اساسی مورد بررسی قرار می گیرند. همچنین عملکرد دستگاههای قضایی و به خصوص دیوان عدالت اداری به عنوان متولی تضمین این حقوق مورد آسیب شناسی قرار می گیرد. قبل از بیان تعهدات عام حقوق بشری به بررسی نظرات مخالفین و موافقین قابلیت دادخواهی نسبت به این حقوق می پردازیم.

### ۱- ماهیت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: دادرسی پذیر یا غیر قابل دادخواهی

ماهیت حقوق اقتصادی، اجتماعی اغلب به لحاظ نظری مورد مناقشه قرار گرفته است. برای نمونه نئولیبرالها<sup>۱</sup> بر این باورند که حق های مشمول بازتوزیع درآمد و اموال نه تنها فساد آور بوده و اصلا حق نیستند، بلکه نقض کننده حق های واقعی (مثل مالکیت) بوده و مانعی برای اجرای درست حقوق بشر به شمار می روند. نئومارکسیستها<sup>۲</sup> حق های اجتماعی را استعمارگر می دانند. پسا ساختارگرایان<sup>۳</sup> این حق ها را ابزار گسترش قدرت اداری دولت برای تعریف و کنترل سوژه های فردی می انگارند. (Dean, 1998: 80)

عده ای معتقدند در اعتبار این حقوق جای تردید نیست. آنچه مورد اختلاف است بیشتر مربوط به قابلیت اعمال آنهاست. (ایده و دیگران ۱۳۹۰: ۴۷) از دید آنها مهم ترین چالش موجود این است که این حقوق قابلیت دادخواهی ندارند. اینک دلایل و استدلال آنها را مورد بررسی و کنکاش قرار می دهیم.

### ۱- بررسی دیدگاه های منتقدین دادرسی پذیری<sup>۴</sup> حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

بسیاری از صاحب نظران معتقدند که حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به جهت ماهیت شان، قابلیت دادخواهی ندارند، بدین معنا که این حقوق قابل استناد در دادگاه های حقوقی و قابل اعمال توسط قضات نمی باشند. برخی صاحب نظران این وضعیت را ناشی از ویژگی بارز سیاسی تعهدات ناشی از میثاق دانسته اند. (Alston and Tomasevski 1984: 97-11) از دید این افراد از آنجا که که حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باید با برنامه ریزی و به تدریج محقق شوند بنابراین موضوع حقوق نیستند. (Vierdag, 197: 69-103)

برنامه ای یا ایجابی بودن و وابسته به منابع کافی بودن این دسته از حقوق یکی از چالش هایی است که علیه قابلیت دادخواهی این حقوق عنوان شده است. به عنوان مثال کرنستون یکی از منتقدانی است که به برنامه ای و ایجابی بودن این دسته از حقوق توجه خاصی

1. Neo-Libral
2. Neo-Marxists
3. Post structuralism
4. Justiciability

نشان داده است. کرنستون چنین استدلال می‌کند که حق‌ها حائز منافع چنان مهم‌اند که باید در اینجا و الان رعایت شوند. در حالی که این مسأله در مورد حقوق مدنی و سیاسی که سلبی هستند و در قالب عدم مداخله تعریف می‌شوند صدق می‌کند، حقوق اقتصادی و اجتماعی ماهیتاً حق‌هایی ایجابی هستند که مستلزم تدارک منابع‌اند مثل سلامتی، آموزش و پرورش یا رفاه که نمی‌توان آنها را بلافاصله تحقق بخشید. (Alston, 2005:220)

از دیگر انتقادات وارده به دادخواهی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، ادعای مبهم و غیرقطعی بودن ماهیت این حقوق می‌باشد. از دید منتقدان بر دادخواهی این حقوق محتوای این حقوق کاملاً مشخص و واضح نبوده و در نتیجه این ابهام، این حقوق نمی‌توانند مورد دادخواهی قرار گیرند. از دید مخالفان به دلیل ماهیت غیرقطعی و مبهم حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این دسته از حقوق به عنوان حقوق آرمانی و خط‌مشی سیاسی در نظر گرفته می‌شوند. فیلیپ آلستون<sup>۱</sup> فقدان صراحت و شفافیت عبارات و مقررات حقوق اقتصادی و اجتماعی در تعیین محتوای این حقوق و حد و حصر قواعد رانقطه ضعف مهم و اولیه این حقوق می‌داند. (امیرارجمند و همتی، ۱۳۸۶: ۳۱) همچنین منتقدین حق دادخواهی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میزان بودجه لازم برای تحقق این حقوق را مطرح کرده و معتقدند که اجرای این حقوق هزینه‌بر است. (Beddar And Hill, 2016: 1-4)

## ۱-۲- بررسی مستندات دادرسی‌پذیری حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

بر خلاف انتقاداتی که نسبت به عدم دادرسی‌پذیری حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارد در حال حاضر چندین سند بین‌المللی وجود دارند که بیانگر قابل دادخواهی بودن این حقوق هستند. از جمله این اسناد می‌توان به پروتکل اختیاری میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، توضیحات شماره ۳، ۹ و ۱۴ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پروتکل الحاقی میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۲۰۰۹ اشاره کرد. (سادات اخوی، ۱۳۸۷: ۲۲۲-۲۲۴)

علاوه بر این اسناد، آرای دادگاه‌هایی که در سراسر جهان از جمله کمیسیون آمریکایی حقوق بشر، دادگاه آفریقایی حقوق بشر و دادگاه اروپایی حقوق بشر موارد زیادی از پرونده‌های مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از جمله در مورد دسترسی به آموزش، غذا، مسکن، خدمات پزشکی و رفاهی و کنترل بیماری‌ها را بررسی کرده‌اند و به صورت عملی نشانگر این هستند که در حال حاضر این حقوق قابلیت دادخواهی را پیدا کرده‌اند. (کوکبی سقی، ۱۳۹۵: ۲۳-۲۴).

1. Philip Alston



اینک پس از بیان تعهدات عام حقوق بشری دولت‌ها به قابلیت دادخواهی این حقوق در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران ورود نموده و کاستی‌ها و نقایص و همچنین عدم شکل‌گیری یک رژیم حقوقی مناسب در جهت تضمین این حقوق در نظام حقوقی ایران را مورد کنکاش قرار می‌دهیم.

## ۲- تعهدات عام حقوق بشری دولت‌ها در ارتباط با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

تمام حق‌های بشری متضمن سه شکل از تعهدات برای دولت‌ها می‌باشند ( کریون، ۱۳۷۸: ۱۵۳). به عبارتی تعهدات عام دولت‌ها برای تحقق حقوق بشر را به سه دسته کلی تعهد به احترام<sup>۱</sup>، تعهد به حمایت<sup>۲</sup> و تعهد به ایفاء<sup>۳</sup> تقسیم نموده‌اند. (ایده و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۰)

### ۲-۱- تعهد به احترام

تعهد به احترام به معنای عدم ایجاد مانع در بهره‌مندی از حقوق بشر است. در تعهد به احترام دولت موظف به اجتناب از مداخله در آزادی شهروندان می‌گردد. (قاری سیدفاطمی، ج ۲، ۱۳۸۸: ۲۵۷) تعهد به احترام بدان معناست که دولت‌ها در مسیر بهره‌مندی از این حقوق، موانع و محدودیت‌هایی برای افراد یا گروه‌هایی از افراد ایجاد نمایند یا آن‌که موانع موجود و محدودیت‌های جاری را مرتفع سازند. تعهد به احترام یعنی دولت به شیوه‌ای عمل کند که آزادی عمل فرد و کرامت او حفظ شود. (Carven, 1995: 27). تعهد به احترام مستلزم آن است که دولت‌ها به تصویب قوانین مناسب و همچنین لغو قوانین و سیاست‌های نامناسب اداری و برنامه‌هایی که در تعارض با تعهدات حقوق بشری می‌باشند، بپردازند. (نامه، ۱۳۹۰: ۷۶)

### ۲-۲- تعهد به حمایت

تعهد به حمایت مستلزم آن است که دولت‌ها ملزم به اتخاذ اقداماتی می‌باشند که کنشگران غیردولتی و دیگر افراد و گروه‌ها مانند افراد عادی، شرکت‌ها، احزاب و غیره را از ایجاد مزاحمت در تحقق حقوق بشر بازدارد. بنابراین دولت‌ها متعهد هستند از حقوق افراد در برابر نقض و تجاوز از سوی دیگران حمایت کنند. تعهد به حمایت را می‌توان تعهد به ایجاد فضا یا چارچوبی دانست که در آن قوانین و مقرراتی که لازمه حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های افراد می‌باشند، به راحتی اجرا شوند تا افراد آزادانه از حقوق خود بهره‌مند شوند. (حاتمی و زاهدی گلوگاهی، ۱۳۹۲: ۶۶)

### ۲-۳- تعهد به ایفاء

تعهد به ایفاء مستلزم آن است که دولت با اتخاذ اقدامات تقنینی، اداری، مالی، قضایی،

1. Obligation to respect
2. Obligation to protect
3. Obligation to fulfill

ترویجی، اتخاذ برنامه‌های عملی ملی و شبیه آن حداکثر توان خود را در تحقق حقوق بشر به کار برد. تعهد به ایفاء در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی به شکلی است که دولت باید افرادی که با کوشش شخصی خود قادر به برآوردن نیازهای خویش نمی‌باشند را تأمین نماید (نامه، ۱۳۹۰: ۷۸-۷۷). دولت‌ها همچنین مکلف به فراهم نمودن حقوق بشر خصوصاً در زمینه اقتصادی و اجتماعی برای افراد و گروه‌هایی هستند که خود از تحقق و دسترسی به حقوق‌شان ناتوان می‌باشند.

بعد از بیان تعهدات عام حقوق بشری دولت‌ها وضعیت تضمین این تعهدات را در نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۳- سازوکارهای پیش‌بینی شده جهت تضمین حق دادخواهی فردی در جهت تحقق تعهد به حمایت در نظام حقوقی ایران

همان‌طور که بیان کردیم در تعهد به احترام دولت‌ها متعهد هستند از حقوق افراد در برابر نقض و تجاوز از سوی دیگران حمایت کنند. (حاتمی و زاهدی گلوگاهی، ۱۳۹۲: ۶۶) جهت تحقق این تعهد دولت، نظام حقوقی ایران سازوکارهایی را پیش‌بینی نموده است. قانونگذار با پیش‌بینی دادگاه‌های عمومی عملاً زمینه‌های عملی جهت تحقق تعهد به حمایت را پیش‌بینی نموده است که به آن پرداخته می‌شود.

#### ۳-۱- دادگاه‌های عمومی

وجود دادگستری و دادگاه به عنوان مرجع رسمی رسیدگی به تظلمات و شکایات در اصل ۱۵۹ قانون اساسی پیش‌بینی شده است. بر طبق این اصل مرجع تظلمات و شکایات دادگستری است. از آنجایی که برخی از دادگاه‌ها مرجع رسمی و صلاحیت‌دار برای رسیدگی به برخی از شاخه‌های حقوق رفاهی مانند حق مالکیت<sup>۱</sup>، حق مالکیت معنوی<sup>۲</sup>، حق تشکیل خانواده و زندگی و حق حمایت از کودکان می‌باشند، از قبیل دادگاه خانواده و یا دادگاه‌های عمومی، در نتیجه به عنوان مرجع صلاحیت‌دار موظفند برابر قانون به شکایات و تظلمات افراد نسبت به آن دسته از حقوق رفاهی رسیدگی و حکم قانونی صادر نمایند.

بنابراین برخی دادگاه‌ها نیز می‌توانند مرجع رسمی و صلاحیت‌دار در جهت حقوق رفاهی بوده و نقش مهم و مثبتی در صیانت از حقوق رفاهی به عمل آورند. در زیر به ذکر بعضی از قوانینی پرداخته می‌شود که قانونگذار در جهت تحقق حقوق رفاهی وضع کرده و اجرا، تحقق و تضمین آن را بر عهده دادگاه‌های عمومی واگذار کرده است از جمله:

بر طبق ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی در عقد دائم، نفقه زن به عهده شوهر است و در ماده ۱۱۰۷

1.Right to Property

2.Intellectual Property

بیان می‌دارد که نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، غذا، البسه، اثاث منزل و هزینه‌های بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض. جهت تضمین این حقوق مصرح در ماده ۱۱۰۷، ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی تصریح می‌کند که زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند. در این صورت محکمه، میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد. (قانون مدنی، مواد ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۱۱)

همچنین در حق بر مسکن ماده ۱۱۱۴ بیان می‌دارد که زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید، مگر آن که اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد. در تکمیل این ماده، ماده ۱۱۱۵ بیان می‌دارد که اگر بودن زن با شوهر در یک منزل، متضمن خوف ضرر بدنی و یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن علیحده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور، محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد، و مادام که زن در بازگشتش به منزل معذور است، نفقه بر عهده شوهر خواهد بود. (قانون مدنی مواد ۱۱۱۴، ۱۱۱۵).

در حق بر مالکیت ماده ۱۱۱۸ بیان می‌دارد: زن مستقلاً می‌تواند در دارائی خود هر تصرفی که می‌خواهد بکند (قانون مدنی ماده ۱۱۱۸). همچنین در میان قوانین و مقررات متعدد که به نحوی حقوق فرهنگی را مورد توجه قرار داده‌اند، اقدام سازمان یافته و ویژه‌ای را در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱ می‌توان مشاهده کرد که بر اساس آن، تمامی آثار علمی، ادبی، هنری، سمعی، بصری، موسیقی، نقاشی و دیگر آثار ابتکاری به ترتیب زیر مورد حمایت قرار گرفته است که نام و عنوان و نشانه ویژه‌ای که معرف اثر است از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود و هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را برای اثر دیگر از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که القاء شبهه کند، به کار برد.

در ماده ۱۷ همان قانون هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده آن ممنوع است. در ماده ۲۳ این قانون «هرکس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است به نام خود یا به نام پدیدآورنده بدون اجازه او و یا عالماً و عامداً به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده نشر یا پخش عرضه کند، به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. بر طبق ماده ۲۴ هرکس بدون اجازه ترجمه دیگری را به نام خود یا یگیری چاپ کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد. (قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱)

در مورد حقوق فرهنگی مترجمین نیز قانونگذار تعهد به حمایت از حقوق رفاهی را از طریق مراجع قضایی تضمین نموده است. به موجب قانون ترجمه و تکثیر کتب یا نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۲/۶ «حق تکثیر یا تجدید چاپ و بهره‌برداری و نشر و پخش هر ترجمه‌ای با

مترجم یا وراث قانونی اوست. مدت استفاده از این حقوق که به وراث منتقل می‌شود از تاریخ مرگ مترجم سی سال است» و مجازات متخلف حبس از سه ماه تا یکسال می‌باشد. (مواد یک و هفت قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۶)

در قانون کار منع اجبار افراد به کار معین و بهره‌کشی از دیگری در ماده ۱۷۲ مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. بر طبق ماده ۱۷۲ «کار اجباری با توجه به ماده ۶ این قانون ممنوع است.» و برای متخلف نیز علاوه بر جبران خسارت و پرداخت اجرت‌المثل کار انجام شده، مجازات ۹۱ روز تا یکسال حبس و جریمه نقدی معادل ۵۰ تا ۲۰۰ برابر حداقل مزد روزانه را پیش بینی نموده است. بر طبق این ماده هرگاه چند نفر به اتفاق یا از طریق یک مؤسسه، شخصی را به کار اجباری بگمارند هر یک از متخلفان به مجازات‌های فوق محکوم و مشترکاً مسئول پرداخت اجرت‌المثل خواهند بود. بر اساس تبصره یک همین قانون چنانچه چند نفر به طور جمعی به کار اجباری گمارده شوند، متخلف یا متخلفین علاوه بر پرداخت اجرت‌المثل با توجه به شرایط و امکانات خاکی و مراتب جرم به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم خواهند شد.

از آنجایی که ماده ۱۸۵ قانون کار، رسیدگی به جرایم موضوع مواد ۱۷۱ تا ۱۸۴ را در صلاحیت دادگاه‌های کیفری دانسته است باید بیان داشت که این قانون دادگاه‌های عمومی را به عنوان مرجع صالح جهت تحقق حقوق رفاهی در نظر گرفته است. قانونگذار سعی کرده است در این مواد تعهد به حمایت دولت از حقوق رفاهی را از طریق دادگاه‌های عمومی تضمین کند، لذا برای تحقق و تضمین بهتر در قسمت دوم ماده ۱۸۵ قانون کار بیان نموده که رسیدگی به جرایم مذکور که باعث نقض حقوق رفاهی می‌شوند. در دادسرا و دادگاه خارج از نوبت به عمل بیاید. (ماده ۱۸۵ قانون کار)

البته قابل ذکر است که قانونگذار در جهت تضمین حقوق رفاهی افراد، قضات را مکلف به صدور رای کرده است. بر طبق ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی قضات دادگاهها موظفند موافق قوانین به دعوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. (ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی)

#### ۴- سازوکارهای پیش‌بینی شده جهت تضمین حق دادخواهی فردی در جهت تحقق تعهد به احترام در نظام حقوقی ایران

تعهد به احترام به معنای عدم ایجاد مانع در بهره‌مندی از حقوق بشر است. این تعهد مستلزم آن است که دولت در گام اول از مداخله مستقیم و یا غیرمستقیم و چه به تنهایی و چه با یاری دیگر افراد از مداخلاتی که بهره‌مندی افراد را از تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی آنها محروم می‌سازد، جلوگیری به عمل آورد. دولت‌ها ملزم به احترام به ذی‌حقان حقوق بشر، آزادی و

خودمختاری آنها، آزادی عمل و تابع امرار معاش آنها می‌باشند. احترام به حقوق بشر مستلزم آن است که دولت‌ها با تصویب قوانین مناسب و همچنین لغو قوانین و سیاست‌های نامناسب اداری و برنامه‌هایی که در تعارض با تعهدات حقوق بشری می‌باشند، بپردازند. Beiter and Klaus, (2005:949)

جهت تحقق این تعهد دولت، قانونگذار با پیش‌بینی نهادی به نام دیوان عدالت اداری سعی نموده است تا به این جنبه از تعهد دولت رنگ واقعیت ببخشد و عملاً شرایط را برای تحقق حقوق رفاهی فراهم سازد. اینک به طور کامل نقش دیوان در تحقق حق دادخواهی فردی در جهت تضمین تعهد به احترام دولت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۴-۱- دیوان عدالت اداری

دیوان عدالت اداری که به موجب اصل ۱۷۳ قانون اساسی تأسیس شده و مرجع تظلم‌خواهی مردم از اقدامات و تصمیمات واحدها و مأمورین دولتی به منظور احقاق حقوق آنها است و اجازه و امکان ابطال تصمیمات غیرقانونی و خارج از حدود صلاحیت اداره عمومی را داشته و می‌تواند مانع از تجاوز و سوء استفاده از اختیارات از سوی مقامات عمومی باشد. نهادی محوری و بسیار مهم در صیانت از قانون اساسی و حقوق و آزادی‌های افراد به حساب می‌آید. (امامی و شاکری، ۱۳۹۶: ۷۴) ماده‌ی ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری صلاحیت و حدود اختیارات دیوان را مشخص کرده است که عبارتند از:

#### ۴-۱-۱- ابطال مصوبات دولت

بند الف ماده ۱۰ به رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها می‌پردازد. (امامی و سلیمانی، ۱۳۹۲: ۱۵)

همچنین ماده‌ی ۱۲ نیز به تشریح حدود صلاحیت و وظایف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری می‌پردازد. بند ۱ ماده‌ی ۱۲ قانون دیوان بیان می‌دارد: «رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایف قانونی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود یا هیات عمومی دیوان عدالت اداری است.» (ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری)

در مورد شیوه رسیدگی به شکایات نسبت به آیین‌نامه‌ها و تصویب نامه‌ها باید گفت که بر طبق ماده ۸۶ قانون جدید در صورتی که رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان به هر نحو از مغایرت

یک مصوبه با شرع یا قانون و یا خروج آن از اختیارات مقام تصویب کننده مطلع شود، موظف است موضوع را در هیأت عمومی مطرح و ابطال مصوبه را درخواست نماید. (امامی و استوار سنگری، ۱۳۹۱: ۱۸۵)

بنابراین در نظام حقوقی ایران، قانون دیوان عدالت اداری در تبعیت از منویات قانونگذار اساسی، صلاحیت هیأت عمومی این نهاد را، در نظارت قضایی بر اعمال اداری مورد شناسایی قرار داده است. (شیرزاد، ۱۳۹۲: ۱) هیأت عمومی دیوان از طریق ابطال مصوبات مغایر با قانون اساسی در آراء متعدد، به حراست از حاکمیت قانون اساسی بر مقررات قوه مجریه می‌پردازد و این به معنای مشارکت دیوان عدالت اداری در فرایند دادگستری اساسی به مفهوم موسع آن است. (جلالی و سعیدی روشن، ۱۳۹۵: ۱۳۱)

بنابراین با بررسی رویه دیوان در مواردی شاهد هستیم که هیأت عمومی دیوان اقدام به ابطال بخش‌نامه‌های مغایر با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌کند. از جمله رأی شماره ۹۰۳ هیأت عمومی دیوان که اقدام به ابطال بخشنامه سازمان تأمین اجتماعی در مورد کیفیت محاسبه مستمری بازنشستگی بیمه‌شدگان اقدام نمود.

#### ۴-۱-۲- رسیدگی قضایی در دیوان عدالت اداری

مطابق بند ۲ ماده ۱۰ قانون دیوان، رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، هیأت‌های حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها منحصرأ از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت آنها با قانون و مطابق بند ۳ ماده مذکور رسیدگی به شکایات قضات و مشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر مستخدمان واحدها و مؤسسات مذکور در بند (۱) و مستخدمان مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به آنها محتاج ذکر نام است اعم از لشکری و کشوری از حیث تضییع حقوق استخدامی به دیوان عدالت اداری سپرده شده است.

همچنین بر طبق ماده ۱۱ قانون دیوان در صورتی که تصمیمات و اقدامات موضوع شکایت، موجب تضییع حقوق اشخاص شده باشد، شعبه رسیدگی کننده، حکم بر نقض رأی یا لغو اثر از تصمیم و اقدام مورد شکایت یا الزام طرف شکایت به اعاده حقوق تضییع شده صادر می‌نماید. بنابراین باید گفت که تضمین حقوق رفاهی در نظام حقوقی ایران به دیوان سپرده شده است. (ماده ۱۰ و ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری). از بین حقوق رفاهی موجود تأکید دیوان عمدتاً بر چند مورد است که به صورت اختصار به آنها پرداخته می‌شود.

#### ۴-۱-۲-۱- حق داشتن حداقل رفاه و امکانات زندگی در رویه قضایی دیوان عدالت

##### اداری

احترام به حق داشتن رفاه و امکانات در زندگی یکی از مهم‌ترین حق‌های رفاهی است که

دیوان به آن توجه داشته، چرا که حق داشتن حداقل رفاه و امکانات در زندگی ارتباط مستقیمی با شهروندان دارد. وجود آراء دیوان در این زمینه نشانگر این موضوع است. به عنوان مثال در دادنامه شماره ۲۰۸ تاریخ ۱۳۷۵/۱۰/۸ که بر اساس شکایت شاکی از بخشنامه صادره از سوی شهرداری تهران مبنی بر عدم صدور مجوز حفاری برای انشعاب آب و گاز و قبل از پرداخت عوارض و مطالبات شهرداری به دیوان عدالت شکایت نمود هیأت عمومی دیوان بخشنامه را خلاف قانون تشخیص و ابطال نمود.

بر اساس رای هیأت عمومی دیوان نظر به این که نحوه تعیین و وصول عوارض مقرر در قانون شهرداری در ماده ۷۷ قانون مزبور مشخص شده است و شهرداری می‌تواند با استفاده از مقررات نسبت به وصول عوارض قانونی اقدام نماید، لذا عدم موافقت با صدور جواز حفاری به منظور استفاده از انشعاب آب، گاز و غیره قبل از پرداخت عوارض مورد ادعای شهرداری که متضمن محرومیت اشخاص از حقوق مکتسب قانونی در خصوص برخورداری از امکانات رفاهی ضروری می‌باشد، خلاف قانون تشخیص و آن قسمت از بخشنامه که حاوی این معنی است مستنداً به ذیل ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد. (سایت دیوان عدالت اداری، مجموعه آراء وحدت رویه دیوان)

#### ۴-۱-۲-۲- حق آزادی کسب و کار در رویکرد قضایی دیوان عدالت اداری

حق کسب و کار، یکی از مهم‌ترین حق‌های رفاهی است و دیوان به آن توجه داشته است، چرا که حق کسب و کار ارتباط چشمگیری با حقوق شهروندان دارد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آرائی که در این خصوص صادر کرده بر آزادی انتخاب شغل تأکید کرده است. از جمله در رأی شماره ۱۲۱ مورخ ۱۳۶۹/۸/۱۴ بند ۸ صورتجلسه شماره ۱۰۹۱۲ مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۱۲ کمیته نظارت بر امور صنفی شهرستان ملایر، مبنی بر ابطال جواز کسب بانوانی که همسر آنان شاغل می‌باشند را به لحاظ ماده ۴۹ قانون نظام صنفی و اصول ۳، ۲۲ و ۲۸ قانون اساسی باطل اعلام نمود.

همچنین هیأت عمومی دیوان در رأی شماره ۱۴۹/۶۹/۵ مورخ ۱۳۷۳/۷/۲۳ بخشنامه شماره ۰۸/۷۰۳/۶۰۰۹ مورخ ۱۳۶۴/۴/۹ فرمانده پلیس راه مشعر بر ممنوعیت کارکنان دولت از اشتغال به رانندگی اتوبوس بین شهری به استناد اصل ۲۸ قانون اساسی و اینکه رانندگی اتوبوس بین شهری از نوع مشاغل ممنوعه نیست و اشتغال به آن به لحاظ داشتن شغل دولتی منع نشده است را باطل اعلام نمود. (امامی و شاکری ۱۳۹۶: ۸۲)

#### ۴-۱-۲-۳- حق مالکیت در رویکرد دیوان عدالت اداری

مسأله‌ی تملک و احترام به حقوق مالکانه یکی از مهم‌ترین حقوق شهروندی است که باید توسط مقامات عمومی و اداری مورد احترام قرار گیرد. امروزه سلب مالکیت به شدت مورد کنترل

قضایی دادگاه‌های اداری و دیوان قرار گرفته است که این نشان‌دهنده اهمیت این حق در روابط میان اداره‌کنندگان و شهروندان می‌باشد.

دیوان در این زمینه آراء متنوعی صادر کرده که ما به یک نمونه از آن اشاره می‌کنیم. از جمله ابطال بند ۸ صورتجلسه ۲۴ مورخ ۱۳۸۲/۵/۴ شورای اسلامی شهر آباده و نامه شماره ۳۷۸۲ مورخ ۱۳۸۶/۵/۲ شهردار آباده به فرماندار آباده بر اساس مصوبات شورای اسلامی شهر آباده مالک باید برای تفکیک سهم خدمات شهرداری را که میزان آن ۱۹٪ از کل ملک است به شهرداری پرداخت کند تا زمین مالک تفکیک و سند مجزا توسط اداره ثبت اسناد صادر و در اختیار مالک قرار گیرد.

بنابراین احترام به حقوق مالکانه یکی از مهم‌ترین حقوق شهروندی است که دیوان بیش از جنبه‌های دیگر حقوق شهروندی به آن توجه داشته است، چرا که این حق مالکانه ارتباط مستقیمی با شهروندان دارد. وجود آراء زیاد دیوان در این زمینه نشانگر این موضوع می‌باشد. (رنجبر ثابت و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۲)

#### ۴-۱-۲-۴- حق بر تأمین رفاه اجتماعی در رویکرد قضایی دیوان عدالت اداری

رویکرد قضایی دیوان در حق تأمین رفاه اجتماعی که زیرمجموعه حقوق رفاهی است بسیار چشمگیر بوده و دیوان توانسته نقش بسزایی را در خصوص صیانت از این حق از حقوق رفاهی ایفاء کند. آراء دیوان در بحث حقوق رفاه اجتماعی در چند محور خلاصه می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

#### ۴-۱-۲-۱-۴- بیمه بیکاری

دیوان آرای زیادی در باب بیمه بیکاری صادر کرده که به یک مورد از آن می‌پردازیم. از جمله به شکایت یکی از کارگران فرودگاه بین‌المللی که بدون میل و اراده از کار بیکار شده و طبق قانون بیمه بیکاری مستحق دریافت حق بیمه بیکاری بوده است. دیوان پس از بررسی استدلالات طرفین، این چنین اقدام به صدور رای نموده است:

هرچند در ماده ۲ قانون بیمه بیکاری مصوب ۶۹/۶/۲۶ بیکار از نظر این قانون بیمه‌شده‌ای است که بدون میل و اراده بیکار شده و آماده کار می‌باشد، اما در ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون بیمه بیکاری مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۱۲ تشخیص بیکاری بدون میل و اراده و تاریخ و نوع بیکاری به عهده واحد کار و امور اجتماعی محل واگذار شده و حسب ماده ۴ قانون موصوف بیمه شده بیکار با معرفی کتبی واحد کار و امور اجتماعی محل از مزایای این قانون مستفید خواهد شد که طی نامه ۱۱۰۸ مورخ ۷۸/۲/۲۳ نامبرده به سازمان تأمین اجتماعی معرفی شده و با عنایت به ماده ۶ قانون مزبور که بیمه شده استحقاق دریافت مقرری بیمه بیکاری را داشته و حسب ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی آن نیز اداره کار بیکاری شاکی را با میل و رضایت خود ندانسته و بنابراین به



کیفیت مطروحه، شکایت موجه تشخیص داده شده و حکم به ورود آن صادر و اعلام می‌گردد تا وفق ماده ۲ قانون بیمه بیکاری پرداخت گردد. (محمدی همدانی، ۱۳۷۸: ۱۳۶)

#### ۴-۱-۲-۴-۲- بازنشستگی

دیوان عدالت اداری سالانه در حدود ۱۶۰ هزار پرونده را رسیدگی می‌کند که حدود ۴۰ هزار پرونده مرتبط با دعاوی استخدامی و از جمله بازنشستگی مستخدمین می‌باشد. (هداوند، ۱۳۹۵: ۳۸) در مورد بازنشستگی مستخدمین دستگاه‌های اجرایی و مؤسسات عمومی دیوان احکام زیادی صادر کرده است که از جمله می‌توان به ابطال حکم بازنشستگی شماره ۱۶۳۳۰ - ۱۳۷۳/۱۰/۲۳ - ۲۷۲۱ - ۱۳۷۵/۲/۳۱ یکی از استادان دانشگاه اصفهان اشاره نمود.

در مورد رویکرد قضایی دیوان در خصوص حقوق فرهنگی به خصوص حق بر آموزش باید گفت که رویکرد دیوان مناسب نمی‌باشد، چرا که موارد طرح شده در دیوان بیشتر مربوط به مواردی غیر از حق آموزش است و بیشتر مباحث مربوط به مطالبات پرسنلی سازمانی وزارت آموزش و پرورش از قبیل استخدامی، مستمری، مأموریت، فوق‌العاده شغل و غیره می‌باشد.

#### ۵- بررسی موانع تحقق حق دادخواهی فردی در تعهد به احترام و تعهد به ایفاء در

#### نظام حقوقی ایران

در خصوص حق دادخواهی فردی نسبت به تعهدات فوق‌الذکر به خصوص تعهدات ایفائی با وجود تصریح قانونگذار متأسفانه وضعیت مطلوبی شاهد نیستیم که این امر ناشی از یکسری موانع و ایرادات قانونی می‌باشد که به آنها می‌پردازیم:

#### ۵-۱- ناکارآمدی دیوان عدالت اداری در تضمین کامل حق دادخواهی فردی نسبت به

#### تعهد به احترام دولت

دیوان عدالت اداری اگرچه تنها مرجع عمومی اداری کشور و به تعبیری دیوان عالی اداری کشور است که به موجب اصل ۱۷۳ قانون اساسی و ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی و حقوقی از تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها و نیز تصمیمات و اقدامات مأمورین واحدهای مذکور در امور راجع به وظایف آنها را بر عهده دارد. (شریعت باقری، ۱۳۸۶: ۱۶) ولی با توجه به قانون دیوان، قانونگذار در صدد کاهش صلاحیت دیوان برای رسیدگی به دعوای شهروندان علیه سازمان‌های دولتی یا وابسته به دولت است. (شش بلوکی، ۱۳۹۳: ۱۶۷-۱۶۶)

در نظام حقوقی ایران، صرف نظر از این که برخی اعمال دولت نظیر تقنین، سیاست‌گذاری و قضاوت ماهیتاً از شمول نظارت قضایی خروج موضوعی دارند، برخی صلاحیت‌های حکومتی و

اعمال سیاسی مختص قوه مجریه نیز که ریشه در قانون اساسی دارند از نظارت قضایی مصون هستند. بنا بر تفسیر شورای نگهبان از اصل ۱۷۰ قانون اساسی، تبصره ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ و تبصره ۸ قانون نحوه اجرای اصل ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی، و نیز خصوصی شدن بانک‌ها و شرکت‌های دولتی، محدودیت‌هایی بر صلاحیت دیوان وارد شده است.

همچنین به موجب تبصره ماده‌ی ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان رسیدگی به تصمیمات قضایی قوه قضائیه و صرفاً آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان رهبری و شورای عالی امنیت ملی از شمول صلاحیت هیأت عمومی دیوان خارج است. همچنین از ابداعات تبصره ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، نظارت ناپذیر ساختن مصوبات و تصمیمات رئیس قوه قضائیه است.

این امر خطر تعرض به حقوق بنیادین شهروندان، اعم از اصحاب دعوا و زندانیان و پرسنل دستگاه قضایی یا حقوق استخدامی قضات را در پرتو مصونیت از نظارت دیوان افزایش می‌دهد. به نظر می‌رسد که رویکرد نظارت ستیز مندرج در این تبصره با اصول بنیادین قانون اساسی به ویژه اصل ۳۴ این قانون و فلسفه نخستین دادرسی اداری که فراهم ساختن زمینه تظلم‌خواهی مردم علیه همه قوای حکومتی و تشکیلات دولتی است منافات دارد. (گرچی، ۱۳۸۹: ۳۶۶)

علاوه بر این، تبعیت دیوان از مصوبه ۶۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی که صراحتاً دیوان را از رسیدگی به پرونده‌های موضوع مصوبه فوق منع کرد محدودیت دیگری بر حق دادخواهی دیوان نسبت به تضمین حقوق رفاهی قلمداد می‌گردد. (بنایی اسکویی ۱۳۹۴: ۶۵۶ - ۶۵۵) بنابراین باید گفت که بدون تردید، یکی از اثرات منفی نشأت گرفته از محدودیت‌های وارد شده به صلاحیت دیوان را می‌توان تهدید حق شهروندان دانست که مخالف صریح اصل ۳۴ قانون اساسی است. (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۲-۱۳۱) با این همه هرچند که امید می‌رفت که با تصویب قانون جدید، جایگاه دیوان را ارتقا و صلاحیت دیوان را افزایش دهند، اما قانون جدید نیز نگرشی انقباضی نسبت به صلاحیت دیوان دارد.

## ۵-۲- عدم پیش بینی یک رژیم حقوقی کارآمد در نظام حقوقی ایران نسبت به تعهدات ایفائی دولت

دیوان نسبت به تعهدات ایفائی دولت تاکنون رأیی را صادر نکرده است و با وجود بیان صریح قانون اساسی از حق‌های رفاهی و مکلف ساختن دولت در جهت تأمین آنها برای آحاد جامعه، متأسفانه عدم تصویب قوانین عادی مناسب در جهت تضمین و ارائه راهکارهای عملی برای اعمال این حق مشاهده می‌شود. بنابراین هرچند مقرراتی در ارتباط با رفاه اجتماعی در

قوانین برنامه اول و دوم توسعه مشاهده می‌شود، به وضوح می‌توان بی‌نظمی و تشتت را در این زمینه مشاهده نمود. (شش بلوکی، ۱۳۹۳: ۱۶۲)

هر چند در ماده یک قانون نظام جامع با استناد به اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی، همه افراد کشور در مقابل رویدادهای اقتصادی، اجتماعی و طبیعی مورد حمایت قانونی از قبیل: بازنشستگی، بیکاری، بیمه خدمات بهداشتی، کاهش نابرابری، فقر و امداد و نجات قرار می‌گیرند، اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان با تمسک به اصل ۲۹ قانون اساسی و دیگر اصول مرتبط با رفاه اجتماعی بر علیه دولت اقامه دعوا کرد؟ (نصیری، ۱۳۸۰: ۱۱۴)

هر چند در نظام حقوقی ایران، مرجع صالح برای رسیدگی به شکایات مردم علیه دولت و نهادهای عمومی به موجب اصل ۱۷۳ در صلاحیت دیوان قرار گرفته است، اما نکته‌ای که وجود دارد، این است که دعاوی تأمین اجتماعی و حقوق رفاهی در دیوان و سایر مراجع، منحصر به دعاوی حوزه بیمه‌ای است و هنوز فرهنگ طرح دعوا در حوزه تعهدات ایفائی دولت به وجود نیامده است. در واقع تا به حال دیده نشده است که فرد معلول و زن بدون سرپرست به دلیل ارائه حمایت‌های قانونی علیه سازمان بهزیستی شکایت کند و خواهان استیفای حقوق خود بشود، در حالی که تأمین اجتماعی در عین حال که حق افراد است تکلیف دولت نیز است. (حسن کولیوند و زینب عصمتی، ۱۳۹۳: ۱۰۵-۱۰۴)

همچنین رویکرد قضایی دیوان در خصوص حق بر سلامت<sup>۱</sup> نیز به عنوان یکی از مصادیق تعهدات ایفائی دولت نیز بسیار کم‌رنگ می‌باشد، چرا که موارد مطرح شده در دیوان بیشتر مربوط به مواردی غیر از حق بر سلامت است و بیشتر مباحث مربوط به مطالبات پرسنل سازمانی وزارت بهداشت و درمان از قبیل استخدامی، مستمری، مأموریت، فوق‌العاده شغل و غیره می‌باشد؛ در صورتی که حق بر سلامت که یک حق بشری است و از مصادیق حقوق رفاهی می‌باشد و دولت موظف است تا موجبات سلامت و درمان افراد را تأمین کند، کمتر مورد مطالعه در دیوان بوده است. در حالی که اسناد بین‌المللی به مفهوم حق بر سلامت پرداخته و برای آن استانداردهایی را در نظر گرفته‌اند از جمله ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۲</sup> صراحتاً به حق بر سلامتی اشاره نموده است. (آل کجیاف، ۱۳۹۲: ۱۴۸-۱۴۴)

دعاوی دیوان در حق بر مسکن هم عمدتاً به الزام شهرداری به صدور پروانه ساختمانی، مجوز ساخت و ساز، آزاد کردن پلاک ثبتی از طرح، الزام شهرداری به صدور مجوز بنایی مسکونی و مانند اینها اختصاص دارد و از الزام دولت به تأمین مسکن برای شهروندان و پاسخ‌گویی دولت در این زمینه سخنی به میان نیآورده است.

1. Right to Health

2. Universal Declaration of Human Rights

علاوه بر این رویکرد دیوان در خصوص حق بر آموزش رشد خوبی نداشته است و موارد طرح شده در دیوان بیشتر مربوط به موارد غیرآموزشی است و بیشتر مباحث مربوط به مطالبات پرسنل سازمانی وزارت آموزش و پرورش از قبیل استخدامی، مستمری، مأموریت، فوق‌العاده شغل و غیره می‌باشد. در صورتی که حق آموزش که یک حق بشری و از حقوق فرهنگی است و دولت موظف است به استناد اصل سی‌ام قانون اساسی و وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. (شش بلوکی، ۱۳۹۳: ۱۶۵-۱۶۰)

بنابراین باید گفت که با عدم ورود دیوان به حیطة تعهدات ایفائی، عملاً از خود نسبت به رسیدگی به این تعهدات سلب صلاحیت نموده است و قانونگذار با عدم پیش بینی نهاد دیگری در جهت رسیدگی به حق دادخواهی افراد نسبت به این تعهدات عملاً از ایجاد یک رژیم حقوقی مطلوب نسبت به تحقق کامل این حقوق غفلت نموده است.

این نقص سیستم حقوقی ما در تضمین تعهدات ایفائی زمانی بهتر آشکار می‌گردد که تضمین این تعهدات را در نظام اروپایی حقوق بشر مطالعه نماییم. دادگاه اروپایی حقوق بشر<sup>۱</sup> نخستین نهادی است که توانست حق دادخواهی اشخاص در زمینه حقوق رفاهی را تضمین نماید. این دادگاه با برقراری نظام جبران خسارت اعم از جبران خسارت مادی و معنوی توانست گام اصلی در تضمین حق دادخواهی افراد بردارد. در آرای دادگاه اروپایی آرای به چشم می‌خورد که ورود خسارت و جبران آن مورد حکم قرار گرفته است از جمله در قضیه زد و دیگران حکم به جبران خسارت بابت هزینه های پزشکی و از دست دادن فرصت های آینده شغلی نمود. (قاری سید فاطمی وحسینی، ۱۳۹۲: ۲۲۸-۲۲۹)

این دادگاه با ورود به تعهدات ایفائی دولت‌ها عملاً بدون توجه به ماهیت این حقوق دادرسی‌پذیری کامل این حقوق را محقق نمود. از جمله در حق بر سلامتی و بهداشت به عنوان یکی از حقوق اجتماعی که نمود آن را می‌توان در رسیدگی به پرونده خانم مارلهنس علیه دولت فرانسه برای ابتلا به ویروس HIV از طریق تزریق خون آلوده در زمان عمل جراحی مشاهده نمود. (Judgment in the case of Marlhens v. France 1995)

همچنین در پرونده سنتورک<sup>۲</sup> و دولت ترکیه که تعدادی از بیمارستان‌های ترکیه اقدام به عدم پذیرش یک خانم باردار نمودند که در نهایت پس از ارجاع به اورژانس فوت کرد. دادگاه در رای خود تاکید کرد که اقدام بیمارستان‌های ترکیه نقض ماده دو (حق حیات) کنوانسیون است. از دید دادگاه مقامات یک دولت حق ندارند زندگی یک فرد را به دلیل عدم فراهم ساختن خدمات

1. European Court of Human Right

2. Senturk

مربوط به سلامت به خطر انداخته‌اند، در حالی که آنها موظفند آن را در دسترس جامعه قرار دهند. دادگاه تعهد مثبت<sup>۱</sup> دولت‌ها را برای ایجاد یک سیستم کارآمد که قادر باشد از ماده ۲ حمایت کند خواستار شد. در نهایت دادگاه دولت ترکیه را ملزم به جبران خسارت به خانواده قربانی نمود (Graham, 2017:2).

در قضیه تاس علیه دولت ترکیه دادگاه با توجه به اینکه پیش‌بینی امکانات از جمله در امور پزشکی از وظایف دولت می‌باشد و در اثر عدم تأمین خدمات پزشکی شخص بازداشت شده فوت می‌نماید اقدام دولت ترکیه را نقض شدید ماده دوکوناسون تشخیص و دولت ترکیه را محکوم به جبران خسارت حاصله و غرامت نمود. (Judgment in the case of Tas v Turkey 2000) علاوه بر این در قضیه دمور علیه دولت بلژیک در خصوص نقض بر حق شغلی، دادگاه دولت بلژیک را به خاطر ضرر و زیان وارده به ۴۰۰۰۰۰ هزار فرانک و به خاطر مخارج و هزینه‌ها نیز به ۴۰۰۰۰۰ هزار فرانک محکوم نمود. (Judgment in the case OF De Moor v. Belgium)

اکنون در مقایسه با رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر که تمام تعهدات دولت‌ها را دادرسی‌پذیر می‌داند و مسولیت مدنی دولت‌ها را به رسمیت پذیرفته و نظام جبران خسارت مطلوبی ایجاد نموده باید گفت که نظام حقوقی ما تا رسیدن به وحدت مطلوب فاصله دارد، زیرا دولت بخصوص در تعهدات ایفائی مطلقاً از پاسخ‌گویی نسبت به عدم تضمین این تعهدات مبرا شده است و عملاً یک رژیم حقوقی مطلوب در صورت نقض تعهدات ایفائی دولت مصرح در قانون اساسی شکل نگرفته است و دولت در صورت نقض این تعهدات از مسولیت مبرا است.

**۶- بررسی تضمین اخلاقی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظام حقوقی ایران**  
یکی از تضمیناتی که نظام حقوقی ایران و به خصوص اصل ۱۲۱ قانون اساسی در جهت تضمین و پاسداری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته است، تضمین اخلاقی است که نشأت گرفته از سوگند رئیس‌جمهور می‌باشد. رئیس‌جمهور از آنجا که دست‌اندرکار امور بسیار مهم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است، مسولیت او نسبت به سایر مقامات بسیار زیادتر می‌باشد، هرچند که وی در حدود اختیارات خود در برابر ملت، رهبر و مجلس مسؤل است و از این بابت، با شیوه‌هایی مورد بازخواست قرار می‌گیرد، اما وسعت و پیچیدگی کارها به گونه‌ای است که نظارت کامل بر اعمال وی امکان‌پذیر نمی‌باشد. فلذا، رابطه او با جامعه، در درجه اول بر اساس معیارهای اخلاقی و وجدانی تنظیم و بار سنگین امانت به او سپرده می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۷۵). برای تأمین این منظور، اصل یکصدویست و یک قانون اساسی

مقرر می‌دارد: «رئیس‌جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس‌قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود... سوگند یاد می‌کند.»

مضمون اصلی سوگند رئیس‌جمهور که در اصل ۱۲۱ قانون اساسی آمده است مبتنی بر چند محور اساسی است که عمده‌ترین آن شامل تلاش رئیس‌جمهور برای پاسداری از مذهب رسمی کشور، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی است. علاوه بر این، یکی دیگر از محورهای این سوگند، تلاش رئیس‌جمهور برای پاسداری از آزادی و حقوق بنیادین ملت مصرح در فصل سوم قانون اساسی می‌باشد که حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان در آن گنجانده شده است. این سوگند بیشتر وجهه اخلاقی دارد و یک تعهد اخلاقی ایجاد می‌کند. به این معنا که در این سوگند یک عهد اخلاقی با تمامی ملت منعقد می‌شود. در واقع در متن سوگند، سخن تازه‌ای گفته نمی‌شود و تنها بر اصول و بنیادهایی که باید به وسیله رئیس‌جمهور انجام شود و در قوانین مختلف اعم از قانون اساسی و مدنی ذکر شده، تأکید می‌شود و رییس‌جمهور با عمل اخلاقی سوگند، مجدداً به مردم اعلام می‌کند که من فراتر از قانون به حکم اخلاق موظف هستم این کار را انجام دهم.

همان‌طور که بیان شد کثرت و شدت تعهدات و مسئولیت‌های رئیس‌جمهور تا آن حد سنگین است که وی تنها از طریق ادای سوگند، خداوند بصیر را شاهد و ناظر اعمال خود در مقابل ملت قرار می‌دهد (هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۷۵).. این سوگند که البته بنا به تفسیر شورای نگهبان شرعاً اثر حقوقی نیز بر آن مترتب است، مسئولیت سنگینی را بر عهده رئیس‌جمهور می‌گذارد که در انجام وظایف گوناگون، در مقام خطیر ریاست قوه مجریه و ریاست دولت، ریاست شورای عالی امنیت ملی، عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام و دیگر سمت‌ها، هنگام اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرا، باید مراقب و دلواپس حقوق مردم باشد.

بنابراین، رئیس‌جمهور به عنوان یک مقام عالی سیاسی، و عضو بسیار مؤثر زمامداری کشور و به عنوان امینی پارسا، اخلاقاً موظف به ایفای وظیفه سنگین پاسداری از حقوق مردم خواهد بود (هاشمی، ۱۹۳۱: ۲۳۹ - ۲۳۸).

## نتیجه گیری

به رغم اینکه عده‌ای از صاحب نظران معتقدند که حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی غیر قابل دادخواهی هستند اما قانونگذار اساسی با ذکر صریح این حقوق در قانون اساسی و همچنین پیش‌بینی دیوان عدالت اداری جهت تضمین این حقوق بر این عقیده خط بطلان کشید. هرچند در عمل تضمین این حقوق و تعهدات ناشی از آن به نحو مطلوب تحقق نیافته است. بخصوص در تضمین تعهدات ایفائی، دولت عملاً ناکام بوده است.

از یک طرف دیوان از ورود به حیطة این تعهدات خودداری کرده و از طرف دیگر با توجه به تفسیری که از این حقوق می‌شود عملاً نهاد دیگری جهت تضمین این حقوق در قوانین عادی و قانون اساسی پیش‌بینی نشده است. به این ترتیب تعهدات ایفائی

دولت که اجرای آنها برای دولت بار مالی به همراه دارند از جمله حق برآموزش، سلامت، بهداشت، تأمین اجتماعی غیرقابل دادخواهی گردیده و در نتیجه اصل ۳۴ قانون اساسی به صراحت نقض شده است.

به این ترتیب عملاً قانونگذار اساسی با تأکید بر ماهیت این حقوق و تعهدات ناشی از آن از پیش‌بینی یک رژیم حقوقی مناسب در صورت نقض این تعهدات از سوی دولت غفلت نموده است. علت این امر را باید در نوع نگاه قانونگذار اساسی به ماهیت این حقوق و تعهدات ناشی از آن از جمله هزینه بر بودن و ایجاد بار مالی برای دولت و تدریجی‌الحصول بودن آن جستجو کرد.

از دید قانونگذار اساسی تعهد دولت در قبال این حقوق تعهد به وسیله است. در حالی که می‌توان تعهد دولت در خصوص حداقل‌ها را تعهد به نتیجه فوری و در سطوح بالاتر تعهد به نتیجه تدریجی دانست. هر چند می‌توان در مورد حداقل‌ها امکان مطالبه فوری را از دولت نمود و در مورد سطح فراتر از حداقل‌ها که ماهیت حصول تدریجی دارند، با توجه به شرایط و امکانات بوجود آمده آنها را قابل مطالبه دانست. بنابراین در حال حاضر قانونگذار می‌تواند این تفسیر از تعهدات مربوط به حقوق اقتصادی و اجتماعی را تغییر داده و در نتیجه برای دولت نسبت به نقض این تعهدات مسولیت مدنی و جبران خسارت فرض نموده و با پیش‌بینی یک رژیم حقوقی مناسب و ایجاد یک نهاد قضایی صالح و یا توسعه صلاحیت دیوان عملاً زمینه تحقق کامل و مطلوب اصل ۳۴ قانون اساسی را فراهم نماید.

## فهرست منابع

### منابع فارسی

۱. آسیبورن ایده و همکاران، ترجمه گروه مترجمان (۱۳۹۱). حقوق اقتصادی فرهنگی اجتماعی، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
۲. آل کج‌باف، حسین (۱۳۹۲). «مفهوم و جایگاه حق بر سلامت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال هفتم، شماره ۲۴.
۳. اسکویی بنایی، مجید (۱۳۹۴). «تحدید قلمرو صلاحیت دیوان عدالت اداری توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴.
۴. اسماعیلی، محسن، امینی پزوه، حسین (۱۳۹۵). «تحلیل ماهیت و نظام حقوقی حاکم بر تعهدات دولت در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله دانش حقوق عمومی، سال پنجم شماره ۱۴.
۵. امامی، محمد، استوار سنگری، کوروش (۱۳۹۱). حقوق اداری ایران، جلد اول، تهران، انتشارات میزان، چاپ پانزدهم.
۶. امامی، محمد، شاکری، حمید (۱۳۹۶). دیوان عدالت اداری و پاسداری از قانون اساسی، جستارهای حقوق عمومی، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۶.
۷. امامی، محمد، سلیمانی، مهسا (۱۳۹۲). ضوابط تشخیص دعاوی قابل طرح در دیوان عدالت اداری، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۲.
۸. امیرارجمند، اردشیر، همتی، مجتبی (۱۳۸۶). بررسی و تحلیل تضمینات حقوق اقتصادی و اجتماعی بین‌الملل در نظام‌های حقوق داخلی، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۲۳.
۹. جلالی، محمد، سعیدی‌روشن، حمیده (۱۳۹۵). «نقش دیوان عدالت اداری در صیانت از قانون اساسی»، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتم، شماره ۹۴.
۱۰. حاتمی، مهدی، زاهدی گلوگاهی، منیره (۱۳۹۲). حق بر آموزش و تعهدات دولت‌ها، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول.
۱۱. رنجبرنابت، ابوریحان و دیگران (۱۳۹۶). نقش دیوان عدالت اداری در ارتقاء و گسترش حقوق شهروندی، انتشارات آینه.
۱۲. سادات اخوی، سیدعلی (۱۳۸۷). پیش‌نویس پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مجله مطالعات حقوق خصوصی.
۱۳. شریعت باقری، محمد جواد (۱۳۸۶). «یک دیوان عدالت اداری دیگر»، مجله پژوهشنامه حقوقی، شماره یک.
۱۴. شش بلوکی، علیرضا (۱۳۹۵). نظارت قضایی بر حقوق رفاهی در آراء دیوان عدالت اداری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد مرودشت.
۱۵. شفیع‌ی سردشت، جعفر و همکاران (۱۳۹۵). اعمال نظارت‌ناپذیر دولت در نظام حقوقی ایران، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتم، شماره ۹۴.



۱۶. شیرزاد، امید (۱۳۹۲). تحلیل و بررسی جهات و ابطال مصوبات دولتی در پرتو آراء دیوان عدالت اداری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۷. عصمتی، زینب، کولیوند، حسن (۱۳۹۳). «قابلیت دادرسی حق بر تأمین اجتماعی، مطالبه تطبیقی حقوق ایران و انگلستان در پرتو اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۸، شماره ۸۵.
۱۸. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر؛ ج ۲، چ ۱، تهران: نشر شهر دانش.
۱۹. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، حسینی، سیده لطیفه (۱۳۹۲). مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۲.
۲۰. کریون، مترجم محمد حبیبی مجنده (۱۳۸۸). چشم‌اندازی به توسعه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
۲۱. کوکی سقی، فاطمه (۱۳۹۵). قابلیت دادرسی حق بر سلامت در نظام حقوق بین‌الملل، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۳۷.
۲۲. گرجی، علی‌اکبر (۱۳۸۹). «عدالت رویه‌ای و تحول‌گرایی در لایحه آیین دادرسی دیوان عدالت اداری»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۲۹.
۲۳. گرجی، علی‌اکبر (۱۳۹۵). حقوقی سازی سیاست، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول.
۲۴. محمدی همدانی، اصغر (۱۳۷۸). نمونه آراء شعب دیوان عدالت اداری، انتشارات جنگل، چاپ اول.
۲۵. نامه، فیروزه (۱۳۹۰). قابلیت دادخواهی حقوق اقتصادی اجتماعی در پرتو نظام بین‌المللی حقوق بشر، پایان‌نامه دکتری دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲۶. نصیری، مرتضی (۱۳۸۰). «اصول و تحولات حقوقی نهاد تأمین اجتماعی»، فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۹.
۲۷. نصیری خوزانی، مصطفی (۱۳۸۸). جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
۲۸. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۱). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: میزان، چاپ دوم.
۲۹. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۶). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: میزان، چاپ پانزدهم.
۳۰. هداوند، مهدی (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی دیوان عدالت اداری در مراحل سه‌گانه تأسیس، تثبیت و توسعه، همایش ملی قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، دانشگاه علوم قضایی تهران.

## قوانین

- ۱- قانون مدنی
- ۲- قانون آیین دادرسی مدنی
- ۳- قانون کار
- ۴- قانون دیوان عدالت اداری
- ۵- قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان
- ۶- قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی.



نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۴۸ - ۲۷

## شاخص‌های اخلاقی اسلامی جذب و استخدام منابع انسانی

حسین تاج‌آبادی<sup>۱</sup>

کاوه نامور<sup>۲</sup>

### چکیده

در اسلام به این موضوع اشاره شده است که تصمیمات کارمندیابی باید منصفانه و عاقلانه باشد و مدیر باید به باورهای اسلامی مانند نماز، روزه، زکات و ... پایبند باشد. ولی در آموزه‌های اولیه اسلام فرآیند جذب افراد مناسب به صورت مستقیم بیان نشده، بلکه کلیات آن مطرح شده است. افراد مومن صادق‌تر هستند و مدیر منابع انسانی باید در معیارهای جذب این موضوع‌ها را وارد کند. جهت روشن کردن این موضوع و چارچوب مند کردن شاخص‌های اسلامی جذب منابع انسانی؛ این پژوهش با هدف طراحی و آزمون الگوی شاخص‌های اسلامی جذب و تبیین روابط میان اجزای آن با استفاده از روش آمیخته اکتشافی انجام شده است که در نخستین مرحله آن، مطالعه‌ای کیفی (تحلیل دلفی) به منظور ارائه مدل پژوهش جهت بررسی کمی و همچنین آزمون مدل تحقیق در مرحله دوم (کمی) انجام گردید. به این منظور نمونه‌ای ۲۲۵ نفری از کارکنان یکی از سازمان‌های دولتی به طور تصادفی ساده انتخاب و پرسشنامه پژوهشگر ساخته‌ای با بُعد اصلی تحقیق، ۱۰ مؤلفه اصلی و ۲۴ شاخص که از دل داده‌های کیفی مستخرج از مرحله نخست پژوهش تدوین شده بود، توزیع و گردآوری شد. نتایج حاکی از آن بود که مدل پیشنهادی مناسب است و روابط بین بُعد اصلی یعنی جذب منابع انسانی در اسلام با مولفه‌های معرفی شده و شاخص‌های سنجش آنها مورد تایید قرار گرفت.

### واژگان کلیدی

منابع انسانی، شاخص‌های جذب، شاخص‌های استخدام، اسلام، تکنیک دلفی.

۱. دانشیار دانشکده مدیریت و مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران.

Email: ht171819@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران،

Email: kavehnamvar@gmail.com

ایران. (نویسنده مسئول)

پذیرش نهایی: ۹۸/۱۱/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۲۵

## طرح مسأله

جایگاه و منزلت انسان به عنوان اشرف مخلوقات و واجد خصیصه اراده در کشش‌های مختلف فردی و اجتماعی بسیار رفیع و حساس است. با عنایت به نقش محوری و پیچیده انسان در فرآیند تولید و محقق ساختن اهداف سازمانی، برعهده گرفتن مسؤلیت اداره و هدایت او، امری بسیار خطیر و مستلزم برخورداری از مهارت‌ها و قابلیت‌های خاصی می‌باشد (گلستانی، ۱۳۹۳). منابع انسانی اصلی‌ترین دارایی و سرمایه سازمان و عامل اصلی مزیت رقابتی سازمان‌ها عنوان می‌شود و این منبع تنها سرمایه و دارایی در سازمان بوده که قابل تقلید نیست و از ویژگی یکتایی برخوردار است. علاوه بر آن؛ از جمله دارایی‌هاییست که قابلیت رشد و توسعه دارد و این توسعه تنها از راه یادگیری و دانش حاصل می‌شود (پیمونراتانکان و پورپاکد<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). کارمندیابی و یافتن افراد مناسب برای شغل شاید مهمترین موضوعی باشد که به طور وسیع در متون مربوط به سازمان‌های بزرگ و کوچک مورد بررسی قرار گرفته است. اگرچه بیشتر سازمان‌های کوچک فاقد دپارتمان‌های رسمی برای منابع انسانی هستند اما همه آنها کارمندیابی و سیاست‌های منابع انسانی را دارند. فقدان کارکنان واجد شرایط نه تنها تهدیدی برای برنامه‌ها و توسعه سازمان است، بلکه شدیدترین تهدید برای بقای یک سازمان نیز می‌تواند باشد (هنمن و بارکلی، ۱۹۹۹؛ نقل از احمدی، ۱۳۹۶). برخی از محققین نظام جذب را شامل برنامه‌ریزی منابع انسانی، کارمندیابی و گزینش می‌دانند (باربیچ و رویل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰؛ ارمسترانگ، ۲۰۰۹؛ عباسپور، ۱۳۹۳). برخی محققین نیز، عواملی را که بر جذب و نگهداشت منابع انسانی تأثیر می‌گذارد بیان نموده‌اند، که عبارتند از: محتوا و ماهیت شغل، مدیریت و رهبری، مشخص بودن اهداف و انتظارات، فضای همکاری و انسجام گروهی، واگذار کردن کارها بر اساس شایستگی، نظام ارزشیابی اثربخش، امنیت شغلی، شرایط محیط کار، ماهیت کار و ارتباطات، آموزش و توسعه، حمایت اجتماعی، حمایت همکاران، حمایت سرپرستی، رفتارهای تشویقی مدیر، انگیزه کارکنان، عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای، عدالت تعاملی؛ عوامل جمعیت شناختی شامل: تحصیلات، سن، جنسیت، طول خدمت و درجه؛ و عوامل شغلی شامل: استقلال و تنوع شغلی، مهم بودن خود کار، قدردانی از طرف مدیر، تخصص و دانش لازم برای انجام کار، غنی‌سازی شغلی، طراحی پایه‌ای برای حقوق و دستمزد متناسب با تجربه و ... (هندریکس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵؛ قربانی و رضائی راد، ۱۳۹۰).

هدف اصلی از انجام این تحقیق، ارائه الگویی پیرامون شاخص‌های جذب منابع انسانی در اسلام می‌باشد که در متون اولیه اسلامی بصورت مستقیم بیان نشده است. دین ورزی قدمتی

- 1 . Pimortanakan & Pooripakdee
- 2 . Burbach & Royle
- 3 . Hendricks

دیرینه داشته، به طوری که مطالعات باستان‌شناسی و انسان‌شناسی نشان داده‌اند، مذهب جزء لاینفک زندگی بشری در تمام اعصار بوده است (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۳). در اسلام استراتژی‌های مدیریت منابع انسانی مبتنی بر اصولی است که عبارتند از: ۱. عدالت: تمام کارکنان سازمان حقی دارند و باید از ستم در امان باشند، ۲. انتخاب بر مبنای شایستگی و ۳. صداقت (الورفی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲). اولویت‌های مدیریت منابع انسانی اسلامی شامل رفتار مناسب با کارکنان، عدالت، برابری استخدامی و ارتقا است (علی، ۲۰۱۰). امام علی (ع) می‌فرماید که کارکنان برادران دینی شما هستند و با شما در آفرینش برابرند و حقوق برابری دارند (علی، ۲۰۱۰). در اسلام نیز بر این نکته تأکید شده است که کارکنان با کارفرمایان برابرند و باید کارفرمایان به آنها کمک کنند (رحمان و شدید<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). علی رغم تمام نکات ذکره شده، همانگونه که پیشتر نیز عنوان شد، فرایند شناسایی و جذب افراد مناسب در آموزه‌های اولیه اسلام به صورت مستقیم بیان نشده است (علی، ۲۰۱۰). در اسلام به این موضوع اشاره شده است که تصمیمات کارمندیابی باید منصفانه و عاقلانه گرفته شود. همچنین منصف و پارسا بودن دو مشخصه فردی است که باید کارمندیابی را انجام دهد. مدیر اسلامی باید به باورهای اسلامی مانند نماز، روزه، زکات و سایر موارد پایبند باشد. این باور وجود دارد که افراد مومن صادق‌تر هستند و مدیر منابع انسانی باید در معیارهای استخدام این موضوع‌ها را وارد کند (هاشیم<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹).

با بررسی پیشینه مشاهده می‌شود در این زمینه تحقیقاتی انجام شده است. فشارگی و صحت (۱۳۹۵) و علی احمدی و شمشانی (۱۳۹۵) مدیریت منابع انسانی در اسلام را مورد بحث قرار دادند، طیب (۱۳۹۲) معیارهای عمومی شایستگی و برتری نیروی انسانی در مدیریت اسلامی را بررسی نموده است، خلیلیان و همکاران (۱۳۹۲) مبانی و معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام را بررسی کرده‌اند. همچنین از می<sup>۴</sup> (۲۰۱۵)، شیوه‌های منابع انسانی اسلامی، الورفی (۲۰۱۲)، مدیریت منابع انسانی از منظر اسلامی، میلاهی و بادهور<sup>۵</sup> (۲۰۱۰)، اسلام و مدیریت منابع انسانی از دیدگاه کارکنان؛ و علی و الکاظمی<sup>۶</sup> (۲۰۰۷) اخلاق کاری اسلامی را مورد بحث قرار دادند. با توجه به جستجوی گسترده محقق ملاحظه می‌شود پژوهشی که مستقیماً پیرامون شاخص‌های اسلامی جذب منابع انسانی باشد انجام نشده است. لذا ضرورت و اهمیت این پژوهش را می‌توان به طور کلی شناسایی شاخص‌های جذب منابع انسانی در اسلام معرفی نمود.

- 1 . Alorfi
- 2 . Rahman & Shahid
- 3 . Hashim
- 4 . Azmi
- 5 . Mellahi & Budhwar
- 6 . Ali & Al-Kazemi

در مدل پیشنهادی انتظار می‌رود، شاخص‌های هر مولفه و زیرشاخص‌های آنها به منظور ارائه مدلی کارا تر بر اساس مطالعات انجام گرفته، معرفی و مشخص شوند. سوال اصلی پژوهش حاضر بدین شرح است: "مدل مطلوب شاخص‌های اسلامی جذب نیروی انسانی چگونه است؟" در ادامه مقاله پیش رو به ادبیات پژوهش شامل مبانی نظری و پیشینه پژوهش، چارچوب مفهومی طراحی شده برای این تحقیق، روش پژوهش به کار برده شده، بررسی سوال مورد نظر و نهایتاً بحث و نتیجه‌گیری؛ پرداخته خواهد شد.

### مبانی نظری پژوهش

**مدیریت انسانی در اسلام.** در نگاه نبوی، مدیریت امانت است و باید به مثابه امانت از آن نگهداری کرد نه اینکه مدیریت به ابزاری برای کسب اهداف مدیر تبدیل شود، لباس مدیریت را باید به اهل آن پوشاند و به افراد ناشایست و بدون اهلیت نباید مدیریت سپرد. طبق سیره نبی اکرم (ص) مدیر باید توانایی، کفایت و شایستگی لازم را داشته باشد، علاوه بر آن از دانش و آگاهی کافی برخوردار باشد، پیغمبر(ص) بارها تاکید کرده کسی که بدون علم عمل کند و آگاهی نسبت به کار نداشته باشد، فساد مدیریتی او از کارهای اصلاحی و ساماندهی‌اش بیشتر خواهد بود. بدون تردید چگونگی روابط انسانی در مدیریت، تابع نوع نگرش به انسان است. در مکتب اسلام بیش از تمام مکاتب بر ارزش انسان و رشد و تعالی مادی و معنوی او، تاکید شده است؛ در قلمرو مدیریت نیز توجه کافی به انسان و ابعاد آن از بالاترین اهداف به شمار می‌آید. لذا بدیهی است روابط انسانی در مدیریت نیز مورد توجه بوده است. پیامبر اسلام (ص) در حدیثی مدیر را نیازمند سه ویژگی می‌داند:

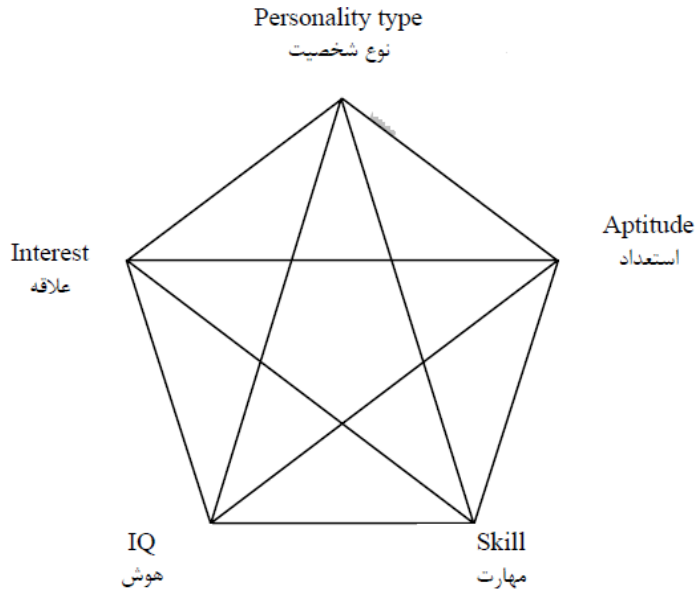
- **تقوا**، که او را به خدا متصل نماید و از موج‌های شیطانی برخواستنه از هوای نفسانی دور نماید.

- **سعه صدر** که زمینه ظرفیت روحی و روانی او را ارتقا بخشد.

- **مهارت‌های ارتباطی** که بتواند همکارانش را همچون پدری مهربان در زیر چتر محبت خویش قرار بدهد (اژدری، ۲۰۰۹).

**نظام جذب مدیریت منابع انسانی.** آنچه که در شرایط فعلی کشور ملاک انتخاب، استخدام حتی انتصاب می‌باشد تنها مهارت داوطلب است که شرایط احراز شغل تلقی می‌شود، آن هم در مفهوم میزان تحصیلات و تجربه کاری مرتبط خلاصه می‌شود، درحالی که یافته‌های تحقیقی و تجربه جوامع موفق نشان می‌دهد که راز موفقیت سازمان‌ها و رضایت کارکنان آنها چیزی فراتر از تاکید محض بر مهارت است. در حالی که متاسفانه در خیلی از موارد، حتی به مهارت هم به عنوان شرایط احراز شغل توجه چندانی نمی‌گردد. شکل ۱ عوامل موثر در انتخاب،

استخدام، انتصاب و تعامل بین آنها را نمایش می‌دهد (حسینی و همکاران، ۱۳۸۸).



شکل ۱، عوامل موثر در انتخاب، استخدام، انتصاب و تعامل آنها

نظام جذب مدیریت منابع انسانی به عنوان یکی از ارکان اصلی مدیریت منابع انسانی شامل مراحل برنامه‌ریزی، تعیین و تامین نیروهایی است که باید با گذر از مراحل قانونی پذیرش و استخدام و برای انجام وظایف مورد انتظار در مشاغل مختلف سازمانی آماده شده و بکار گمارده شوند. جذب اثربخش می‌تواند موسسه و سازمانی را فارغ از اندازه، صنعت، حوزه یا اهداف، زنده نگاه دارد. برخی از محققین نظام جذب را شامل برنامه‌ریزی نیروی انسانی، کارمندیابی و گزینش می‌دانند. البته برخی دانشمندان تجزیه و تحلیل شغل را نیز در درون خرده سیستم برنامه‌ریزی منابع انسانی قرار می‌دهند. جذب را شامل تجزیه و تحلیل و طراحی شغل، برنامه‌ریزی منابع انسانی، کارمندیابی، گزینش، ارزیابی عملکرد و برنامه‌ریزی و توسعه شغلی می‌دانند و برخی نیز در فرآیند مدیریت منابع انسانی مرحله‌ای را به صورت مجزا به عنوان جذب در نظر نگرفته، صرفاً آن را محدود به موضوعی سازمانی کرده و وارد ادبیات اکادمیک خود نکرده‌اند (نوربخش، ۱۳۹۴: ۱۸).

**کارمندیابی در اسلام.** فرد مسئول کارمندیابی باید از الزامات شغلی آگاه باشد. همچنین این فرد باید با صداقت، درباره واقعیت‌های شغلی آگاهی دهد. این حقیقت‌ها شامل معیارهای شرایط احراز شغل و جبران خدمات است. در اسلام به این موضوع اشاره شده است که متقاضیان نباید وظایفی را که برای آنها دشوار و یا فراتر از ظرفیت آنها است را بپذیرند. پیامبر (ص)

می‌فرمایند که هر کس به خدا و روز جزا ایمان دارد نباید فردی را استخدام کند مگر اینکه حقوق او را مشخص کند. متقاضیان شغلی نیز باید اطلاعات درستی را درباره خودشان ارائه دهند. قرآن کریم به شدت با دروغ، ادعای بیهوده و تهمت مخالف است (هاشیم، ۲۰۰۹). همچنین حضرت محمد (ص) می‌فرمایند که نباید تنها به دلیل این موضوع که فرد علاقه‌مند به کار است او را استخدام کرد (علی، ۲۰۱۰).

**جذب و استخدام در اسلام.** به صورت کلی آموزه‌های اسلام پنج شرط را برای استخدام کارکنان در نظر گرفته است. این شرایط عبارت است از: شایستگی، تجربه، مسئولیت پذیری، تناسب سازمانی و اعتبار (علی، ۲۰۱۰). پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند که هر کس فردی را استخدام کند در حالی که بداند فرد شایسته‌تر از او نیز وجود دارد به خدا، پیامبر و تمام مسلمانان خیانت کرده است (هاشیم، ۲۰۰۹). حضرت محمد (ص) از پذیرش درخواست استخدام دوست صمیمی‌شان ابوذر، به عنوان فرمانده دوری کردند و با مهربانی به او گفتند که او قابلیت انجام این کار را ندارد. همچنین ایشان فرمودند که استخدام باید براساس ارزش‌ها، اعتماد و مسئولیت پذیری باشد. پیامبر اکرم می‌فرمایند فردی که در جایگاه رهبری است و دانسته فردی را که واجد شرایط نیست را برای مدیریت دیگران برمی‌گزیند قانون خدا و پیامبرش را نقض کرده است و همچنین اگر مدیر یکی از کارکنان را به دلیل علاقه شخصی ارتقا دهد، مورد نفرین ابدی خداوند قرار می‌گیرد (علی، ۲۰۱۰). مطابق با پژوهش هاشیم (۲۰۰۹) اولین اصل استخدام در اسلام عدالت است. این واژه به معنای قرار دادن هر چیز در جای خودش است. اصل دوم استخدام در اسلام، شایستگی است، اصل سوم صداقت و اصل چهارم پرهیز از تحمیل کار زیاد و فراتر از توان کارمند بر اوست (هاشیم، ۲۰۰۹).

### پیشینه تحقیق

احمدی (۱۳۹۶)، به طراحی مدل جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت برای دستگاه‌های دولتی ایران پرداخت. نمونه آماری شامل ۱۷ نفر از خبرگان دانشگاهی و منابع انسانی بودند. از مهمترین نتایج تحقیق این است که برای جذب و استخدام منابع انسانی بر اساس عدالت، توجه به شایستگی‌های فردی، شغلی و بینشی داوطلبان، تعیین معیارها و شاخص‌های دقیق‌گزینه‌ش افراد، برگزاری آزمون، ایجاد فرصت‌های برابر برای همه، قانون‌گرایی و اعتمادسازی ضروری می‌باشند. همچنین در سیستم جذب منابع انسانی در نظر گرفتن همه عوامل سیستم یعنی کم و کیف احتیاجات منبع انسانی، روش‌های تامین منابع انسانی، روش‌های انتخاب و استخدام داوطلب، شرایط به کارگماری (انتصاب) و استراتژی انتخاب یا گزینش در برقراری عدالت استخدامی تأثیرگذار هستند. دقتی و یعقوبی (۱۳۹۵)، به بررسی اثر فرهنگ سازمانی بر جذب و نگهداشت نیروی انسانی متخصص پرداختند. هدف از این پژوهش بررسی اثر فرهنگ سازمانی بر



جذب و نگهداشت نیروی انسانی متخصص در سازمان بود که چهار مؤلفه درگیر شدن در کار، سازگاری، انطباق پذیری و مأموریت برای فرهنگ سازمانی مشخص گردید. همچنین با استناد به مطالعاتی که در زمینه فرهنگ سازمانی، جذب و نگهداشت نیروی انسانی متخصص صورت گرفته است، مشخص شد، فرهنگ سازمانی قوی با جذب نیروی انسانی متخصص در آن سازمان افزایش می‌یابد و همچنین تمایل به ترک خدمت در این افراد کاهش خواهد یافت. در پایان، با استناد به مبانی نظری تحقیق و مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته است، مدلی برای نمایش تأثیر فرهنگ سازمانی بر جذب و نگهداشت نیروی انسانی متخصص به صورت شماتیک نشان داده شد. میرکمالی و همکاران (۱۳۹۴)، به شناسایی ملاک‌های جذب و نگهداشت منابع انسانی و ارائه راهکارهای مناسب بر روی کارکنان دانشکده‌های پردیس فنی دانشگاه تهران پرداختند، که از روش تحقیق آمیخته تشریحی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل ۳۵۶ نفر از کارکنان پردیس فنی دانشگاه تهران بودند که در بخش کمی با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تعداد ۱۸۵ نفر از آن‌ها و در بخش کیفی با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند گلوله برفی تعداد ۱۰ نفر مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کمی پرسشنامه محقق ساخته در سال ۱۳۹۱ که ضریب آلفای کرونباخ آن ۰٫۸۹ بود و در بخش کیفی مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که اولاً وضعیت ملاک‌های جذب و نگهداشت منابع انسانی کارکنان پایین‌تر از حد متوسط و میانگین فرضی پژوهش قرار دارد. ثانیاً ملاک‌هایی که در جذب و نگهداشت منابع انسانی مورد توجه قرار می‌گیرد شامل سه دسته ملاک‌اند که عبارتند از: شایستگی و توانایی‌های شخصی، مسائل اعتقادی، اخلاقی و دینی و دارا بودن امتیازات ویژه. ویتانا سینه‌ها و پری یاتالی (۲۰۱۲) به نقل از احمدی (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان مروری بر روند در حال تغییر استخدام به منظور ارتقاء کیفیت استخدام در سازمان‌های جهانی انجام دادند. آنها بیان کردند روند استخدام در دهه‌های قبل تغییر کرده که از تبلیغات کار و آگهی در روزنامه آغاز شد و در حال حاضر به یک صنعت چند میلیارد دلاری افزایش یافته که آژانس‌های استخدام یا بخش استخدامی را در بر می‌گیرد. در واقع منابع انسانی به عنوان دارایی‌های اساسی هر سازمان مشخص شده‌اند.

**مدل مفهومی.** هدف اصلی از انجام این تحقیق ارائه الگویی پیرامون شاخص‌های جذب منابع انسانی در اسلام می‌باشد. بعد اصلی، مولفه‌ها و شاخص‌های آنها به منظور ارائه مدلی کارا تر بر اساس مبانی نظری و پیشینه تحقیق از جمله الورفی (۲۰۱۲)؛ خنیفر<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۱)؛ علی (۲۰۱۰) و هاشیم (۲۰۰۹) استخراج شده است. بدین منظور با استفاده از نتایج روش کیفی (روش

دلفی) مولفه‌ها و شاخص‌های جذب منابع انسانی در اسلام مشخص شده است. به عبارتی مدل مفهومی تحقیق با یک بعد (جذب منابع انسانی در اسلام)، ۱۰ مولفه و شاخص‌های آنها شامل ۲۴ شاخص (جدول ۱) می‌باشد. سوال اصلی پژوهش حاضر به شرح زیر است: "مدل مطلوب شاخص‌های جذب نیروی انسانی در اسلام چگونه است؟"



شکل ۲، مدل مفهومی پژوهش (محقق ساخته)

جدول ۱، مولفه‌های تحقیق (محقق ساخته؛ برگرفته از مبانی نظری و تحقیقات اخیر)

منبع	✓ شاخص	مولفه	ابعاد
الورفی (۲۰۱۲)؛ خنیفر و همکاران (۲۰۱۱)؛ علی (۲۰۱۰)؛ هاشیم (۲۰۰۹)	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ درک و احساس اهمیت کار</li> <li>✓ شکیبایی در کار برای حل مشکلات</li> <li>✓ یاری رساندن به همکاران برای حل مشکلات کاری</li> <li>✓ داشتن روحیه کار گروهی</li> </ul>	رفتاری مشابه با ارزش‌های اسلامی	جذب منابع انسانی در اسلام
	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ فروتنی علمی</li> <li>✓ تعهد به انجام امور در وقت خود</li> </ul>	شایستگی‌ها و توانایی‌های شخصی	
	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ محیط کار شاد</li> <li>✓ رعایت دقت در انجام وظایف به منظور صداقت در وظایف</li> </ul>	روحیه خوب و صداقت	
	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ تناسب جبران خدمات با تلاش‌های فردی</li> <li>✓ پرداخت عادلانه در مقایسه با دیگران، عدالت رویه‌ای در جبران خدمات</li> </ul>	عدالت (برابری استخدامی و ارتقا)	
	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ عدم وانمود به انجام کار</li> <li>✓ کوتاهی نکردن در کار</li> <li>✓ انجام دادن کار در زمان مقرر</li> </ul>	منصف و پارسا بودن	
	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ درک ارزش‌های معنوی کار</li> <li>✓ نگاه معنوی به کار</li> <li>✓ در نظر گرفتن کار به عنوان عبادت یا تفریح</li> <li>✓ احساس حضور خدا در کار</li> </ul>	پایبندی مسائل اعتقادی، اخلاقی و دینی	
	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ مزایای بیمه خوب و بیمه بازنشستگی</li> <li>✓ حقوق دریافتی کافی</li> </ul>	آگاهی در خصوص شرایط احراز شغل و جبران خدمات	
	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ داشتن دانش‌های موردنیاز شرح شغل</li> <li>✓ توانایی انجام کار براساس دانش و درک شخصی</li> </ul>	ارائه اطلاعات درست در خصوص دانش و تحصیلات	
	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ انجام دادن کار بدون بی دقتی</li> <li>✓ بررسی تمام جنبه‌های کار و اطمینان از صحت</li> </ul>	سوابق و تجربیات	
	<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ پذیرش مسئولیت و نتایج کار</li> </ul>	مسئولیت پذیری	

## روش شناسی

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و یک پژوهش دو مرحله‌ای با راهبرد روش‌های آمیخته اکتشافی محسوب می‌شود. جهت شناسایی مفاهیم، مولفه‌ها و شاخص‌های جذب در اسلام؛ پس از مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای کلاسیک، به منظور بررسی دقیق مولفه‌ها و شاخص‌ها از روش دلفی استفاده شد. در این روش با استفاده از توزیع پرسشنامه بین خبرگان موضوع سعی شده است که روی مولفه‌ها و شاخص‌های مدل بین خبرگان توافق حاصل شود. هدف از این مرحله شناسایی مفاهیم و مولفه‌های اولیه مدل می‌باشد. با این تکنیک می‌توان، مولفه‌ها و شاخص‌ها را آشکار کرده و مدل ابتدایی استخراج خواهد شد. بدین صورت مدل پژوهش جهت مرحله دوم و بررسی کمی سوال تحقیق در مرحله بعد بدست آمده است. هدف اصلی از انجام این راهبرد پژوهشی کاوش یک پدیده است که استفاده از آن زمانی مناسب است که پژوهشگر به دنبال آزمون مؤلفه‌های نظریه‌ای نوظهور است (مورگان<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸).

**جامعه و نمونه آماری.** به منظور گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای پژوهشگر ساخته با ۱۰ مولفه و ۲۴ شاخص مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل دلفی (مرحله نخست) پژوهش تدوین شد.

جامعه آماری پژوهش از دو گروه تشکیل شده است: گروه اول: شامل خبرگان و اساتید دانشگاهی منتخب و متخصص که دارای ویژگی‌هایی نظیر در دسترس بودن، تجربه، تناسب رشته تحصیلی، مدرک دکتری، اشتغال به تدریس در دانشگاه، سابقه پژوهشی و تألیفی در این زمینه بودند، به تعداد محدود می‌باشند. در پژوهش حاضر جهت انتخاب نمونه مناسب از جامعه خبرگان و اساتید دانشگاهی از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی از نوع گزینشی (روش نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع نظری و از تکنیک نمونه‌گیری افراد کلیدی (خبرگان)) می‌باشد. گروه دوم: کارکنان سازمان‌های دولتی به عنوان جامعه آماری بخش کمی در نظر گرفته می‌شود که به دلیل نامحدود بودن جامعه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بر اساس جدول کرجسی و مورگان<sup>۲</sup> (۱۹۷۰) حداقل تعداد ۳۸۴ نفر برای نمونه تحقیق محاسبه شد.

**تحلیل دلفی.** جهت شناسایی شاخص‌ها، در ابتدا محقق با مطالعه ادبیات نظری تحقیق و سایر پژوهش‌های این حوزه اقدام به شناسایی شاخص‌های ایجاد متغیرهای تحقیق کرده است، سپس عوامل شناسایی شده در قالب پرسشنامه‌ای در دو مرحله در اختیار خبرگان (جهت تایید عامل‌های شناسایی شده) قرار داده شد. نتایج بدست آمده از میانگین نظر خبرگان در مراحل اول

1 . Morgan

2 . Krejcie & Morgan

و دوم و اختلاف میانگین دو مرحله در جدول ۲ ارائه شده است:

جدول ۲، اختلاف میانگین نظرات خبرگان در مراحل ۱ و ۲ (پرسشنامه های اول و دوم)

شماره سوال	میانگین مرتبه اول	میانگین مرتبه دوم	میزان اختلاف
سوال ۱	۴ / ۵۵	۴ / ۶	۰ / ۰۵
سوال ۲	۴ / ۱۵	۴ / ۲	۰ / ۰۵
سؤال ۳	۴ / ۱	۴ / ۱۵	۰ / ۰۵
سؤال ۴	۴ / ۱۵	۴ / ۲	۰ / ۰۵
سؤال ۵	۴ / ۴	۴ / ۵	۰ / ۱
سؤال ۶	۴ / ۳	۴ / ۳۶	۰ / ۰۶
سؤال ۷	۴ / ۲	۴ / ۳	۰ / ۱
سؤال ۸	۴ / ۰۵	۴ / ۰	۰ / ۰۵
سؤال ۹	۴ / ۳	۴ / ۳۵	۰ / ۰۵
سؤال ۱۰	۴ / ۳۵	۴ / ۳۸	۰ / ۰۳
سؤال ۱۱	۴ / ۵	۴ / ۵۵	۰ / ۰۵
سؤال ۱۲	۴ / ۵۵	۴ / ۶	۰ / ۰۵
سؤال ۱۳	۴ / ۷۵	۴ / ۸	۰ / ۰۵
سؤال ۱۴	۴ / ۶	۴ / ۶۵	۰ / ۰۵
سؤال ۱۵	۳ / ۸۵	۳ / ۹۵	۰ / ۱
سؤال ۱۶	۴ / ۱	۴ / ۱۵	۰ / ۰۵
سؤال ۱۷	۴ / ۶	۴ / ۶۷	۰ / ۰۷
سؤال ۱۸	۴ / ۶	۴ / ۶۵	۰ / ۰۵
سؤال ۱۹	۴ / ۲۵	۴ / ۲۶۵	۰ / ۰۱۵
سؤال ۲۰	۳ / ۹۵	۴ / ۰۵	۰ / ۱
سؤال ۲۱	۴ / ۲	۴ / ۲۳	۰ / ۰۳
سؤال ۲۲	۴ / ۵	۴ / ۶	۰ / ۱
سؤال ۲۳	۴ / ۲۵	۴ / ۳۷	۰ / ۱۲
سؤال ۲۴	۴ / ۰۵	۴ / ۰	۰ / ۰۵

مشاهده می‌شود که اختلاف میانگین‌ها در جدول فوق کمتر از ۰/۲ است، لذا فرایند دلفی متوقف می‌شود. در واقع می‌توان گفت در این مرحله، اجماع خوبی میان خبرگان پدید آمده است. بنابراین تمامی ۲۴ شاخص با توجه به اینکه توافق خبرگان بر میزان قابل قبول قرار دارد از نظر خبرگان مورد تایید می‌باشند.

**ابزار سنجش، نمونه و فنون آماری.** به منظور ارزیابی پایایی سنج، پرسشنامه به صورت تصادفی در اختیار نمونه‌مقدماتی ۲۰ نفره‌ای از کارکنان یک شرکت قرار گرفت. ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای نمونه‌مقدماتی، گویای پایایی مناسب متغیرها و شاخص‌های آن بود (جدول ۲). به این ترتیب، ۴۵۰ پرسشنامه دیگر به صورت تصادفی ساده در اختیار کارکنان قرار گرفت که حدود ۲۲۵ پرسشنامه گردآوری شد و نرخ بازگشت پرسشنامه ۵۰ درصد

می‌باشد. پس از بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه مورد بررسی مشاهده شد که ۴۴ درصد پاسخ دهندگان در گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، ۲۰ درصد در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال و ۳۶ درصد در گروه ۴۱ سال به بالا قرار دارند. همچنین تحصیلات پاسخ دهندگان شامل ۵۱ درصد کارشناسی، و ۴۹ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر می‌باشد. جنسیت ۴۷ درصد از پاسخ دهندگان زن و ۵۳ درصد جمعیت مورد بررسی را مردان تشکیل داده‌اند. از نظر تجربه شغلی ۴۱ درصد پاسخ دهندگان دارای تجربه ۵ سال و کمتر، ۱۴ درصد دارای تجربه ۵ تا ۱۰ سال و ۴۲ درصد دارای تجربه شغلی ۱۰ سال به بالا قرار دارند.

پیش از انجام تحلیل‌های آماری لازم برای آزمون سوال پژوهش، نخست نسبت به انجام تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از فن آماری تجزیه مؤلفه‌های اصلی، با هدف بررسی روایی سازه شاخص‌ها و در صورت لزوم حذف برخی شاخص‌های کاهنده این روایی (گویه‌های با مقادیر اشتراک استخراجی کمتر از ۰/۵) اقدام شد، که نتایج به حذف شاخصی منجر نشد. همچنین از آنجا که همه داده‌های این پژوهش به طور همزمان از افرادی مشخص و با روشی واحد (پیمایش پرسشنامه‌ای) جمع‌آوری شده بود، به منظور پرهیز از تهدید پژوهشی "واریانس روش مشترک"، پیش از انجام تحلیل‌های لازم جهت آزمون سوال تحقیق، "آزمون یک عاملی هارمون" اجرا شد (پاداسکوف و اورگان<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶)؛ واریانس روش مشترک زمانی وجود دارد که تنها یک عامل (نخستین عامل یا عمده‌ترین عامل)، بیشترین میزان واریانس را تبیین کند. نتیجه اجرای تحلیل عاملی اکتشافی از طریق تجزیه بعد اصلی تحقیق، ۱۰ مؤلفه اصلی و ۲۴ شاخص را با مقادیر ویژه بزرگتر از ۱ شکل داد که عمده‌ترین آن‌ها ۵۶ درصد از کل واریانس را تبیین می‌نمود؛ با توجه به پایین بودن این مقدار، معلوم شد تهدید مزبور اثر قابل اعتنایی نداشت.

### یافته‌های پژوهش

برای انجام تحلیل‌های آماری لازم جهت آزمون سوال پژوهش، از مدل‌یابی معادلات ساختاری، طبق رویکرد دو مرحله‌ای اندرسون و گرینگ<sup>۲</sup> (۱۹۸۸) و با استفاده از نرم افزار Smart-PLS نسخه ۲ استفاده گردید؛ در رویکرد مزبور، نخست با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، روایی مدل‌های اندازه‌گیری بررسی و سپس از طریق تحلیل مسیر، داده‌ها به مدل‌های ساختاری برازش می‌گردد. در ابتدا، به سبب نقض نرمال بودن چندمتغیره در مدل‌های اندازه‌گیری، خودگردان سازی اجرا می‌شود؛ خودگردان سازی روشی مبتنی بر بازنمونه‌گیری با جایگذاری از نمونه مورد مطالعه می‌باشد که در صورت نقض مفروض نرمال بودن چندمتغیره

1 . Podsakoff & Organ  
2 . Anderson & Gerbing

قابل انجام است (اندرسون و گرینگ، ۱۹۸۸)، در ادامه نیز معناداری مدل اندازه‌گیری و روایی همگرای آن بررسی شده است.

### آزمون مدل اندازه‌گیری

برای آزمون مدل اندازه‌گیری در این پژوهش از آلفای کرونباخ و پایایی مرکب جهت بررسی پایایی مدل اندازه‌گیری استفاده شده است و از آزمون روایی همگرا و روایی واگرا جهت بررسی آزمون روایی مدل اندازه‌گیری استفاده شده است که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد:

**آلفای کرونباخ.** با توجه به اینکه آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش برخی مقادیر بالاتر از ۰,۷ می‌باشد که نشان دهنده وضعیت قابل قبول متغیر می‌باشد، بنابراین می‌توان بیان کرد آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش تأیید می‌شود.

**پایایی مرکب<sup>۱</sup> (p دلوین - گلدشتاین).** با توجه به اینکه پایایی مرکب متغیرهای پژوهش بالاتر از ۰,۷ می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت کلیه متغیرهای پژوهش از وضعیت مناسب و قابل قبولی از نظر پایایی مرکب برخوردار هستند.

**روایی همگرا.** این شاخص که به اندازه‌گیری میزان تبیین متغیرهای پنهان پژوهش توسط متغیرهای مشاهده پذیر آن (مؤلفه‌ها/سؤالات) می‌پردازد توسط شاخص AVE (متوسط واریانس استخراج شده) مورد سنجش قرار می‌گیرد و حداقل مقدار قابل قبول برای روایی همگرا ۰/۵۰ می‌باشد. با توجه به اینکه مقادیر بالاتر از ۰,۵ می‌باشد که نشان دهنده وضعیت قابل قبول متغیرهایی می‌باشد، بنابراین می‌توان بیان کرد روایی همگرا متغیرهای پژوهش در حد قابل قبول می‌باشد.

جدول ۳، آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

مؤلفه‌ها	آلفای کرونباخ	پایایی مرکب (p دلوین - گلدشتاین)	روایی همگرا
رفتاری مشابه با ارزش‌های اسلامی	۰ / ۷۸۷	۰ / ۷۶۴	۰ / ۵۴۵
شایستگی‌ها و توانایی‌های شخصی	۰ / ۷۸۶	۰ / ۷۹۳	۰ / ۶۵۸
روحیه خوب و صداقت	۰ / ۷۹۱	۰ / ۷۱۹	۰ / ۵۷۴
عدالت (برابری استخدامی و ارتقا)	۰ / ۷۴۱	۰ / ۷۸۱	۰ / ۶۴۱
منصف و پارسا بودن	۰ / ۷۱۷	۰ / ۷۴۳	۰ / ۵۱۲
پایبندی مسائل اعتقادی، اخلاقی و دینی	۰ / ۷۴۴	۰ / ۷۹	۰ / ۵۸۸
آگاهی در خصوص شرایط احراز شغل و جبران خدمات	۰ / ۷۷۷	۰ / ۸۲۵	۰ / ۷۰۲
ارائه اطلاعات درست در خصوص دانش و تحصیلات	۰ / ۷۰۷	۰ / ۸	۰ / ۶۶۸
سوابق و تجربیات	۰ / ۷۴۶	۰ / ۷۸۱	۰ / ۶۴۳

## 1. Composite Reliability

NA	NA	NA	مسئولیت پذیری
۰ / ۵۲۸	۰ / ۸۹۹	۰ / ۸۸۲	جذب منابع انسانی در اسلام

**روایی واگرا (تشخیصی).** این شاخص توانایی یک مدل را در میزان افتراق مشاهده-پذیرهای متغیر پنهان آن مدل با سایر مشاهده‌پذیرهای موجود در مدل می‌سنجد. جهت سنجش روایی واگرا از شاخص بار مقطعی (Cross Loading) استفاده می‌شود. مقدار قابل قبول برای این شاخص این است که بار عاملی هر متغیر مشاهده‌پذیر بر روی متغیر پنهان مربوط به خود باید حداقل ۰٫۱ بیشتر از بار عاملی همان متغیر مشاهده‌پذیر بر متغیرهای پنهان دیگر باشد. نتایج جدول روایی واگرا در مدل پژوهش، نشان داد کلیه متغیرهای مشاهده‌پذیر، دارای بارهای عاملی بالاتری نسبت به متغیر پنهان دیگر هستند و در حد قابل قبول بودند. نتایج روایی واگرا یا تشخیصی در جدول زیر قابل مشاهده می‌باشد.

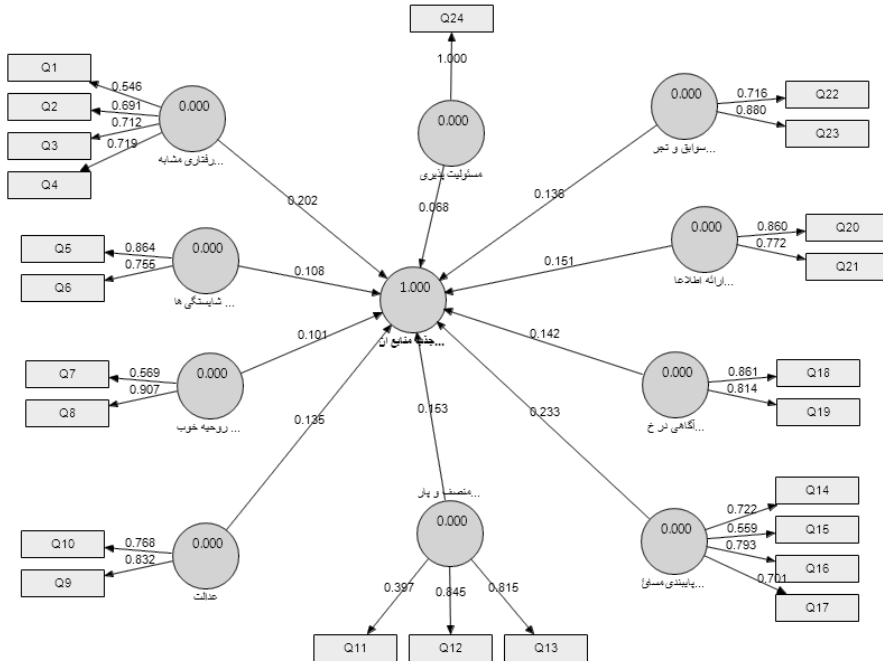
جدول ۴، روایی واگرا بر اساس بار مقطعی

سوال	آگاهی شرایط احراز	ارائه اطلاعات درست	رفتاری مشابه	روحیه خوب	سوابق و تجربیات	شایستگی‌ها	عدالت	مسئولیت پذیری	منصف بودن	پایبندی مسائل اعتقادی
سوال ۱	۰ / ۲۶۱	۰ / ۳۷	۰ / ۵۴۶	۱ / ۱۷۶	۰ / ۳۳۵	۰ / ۱۵	۰ / ۲۸۶	۰ / ۱۱۹	۳۳۴ /	۰ / ۲۵۱
سوال ۲	۰ / ۲۳۸	۰ / ۲۴۵	۰ / ۶۹۱	۰ / ۳۶۸	۰ / ۲۶۱	۰ / ۲۱۳	۰ / ۳۲۴	۰ / ۱۵۲	۲۵۱ /	۰ / ۴
سوال ۳	۰ / ۲۷۳	۰ / ۲۳۵	۰ / ۷۱۲	۰ / ۳۳۸	۰ / ۳۱۹	۰ / ۳۸۲	۰ / ۳۷۱	۰ / ۱۵	۳۰۹ /	۰ / ۳۶۷
سوال ۴	۰ / ۲۷۴	۰ / ۳۷۷	۰ / ۷۱۹	۰ / ۳۴۸	۰ / ۳۲۸	۰ / ۳	۰ / ۳۸۹	۰ / ۱۷۸	۳۳۴ /	۰ / ۳۶۵
سوال ۵	۰ / ۳۱۳	۰ / ۳۵۸	۰ / ۳۵۶	۰ / ۳۱	۰ / ۲۵۹	۰ / ۸۶۴	۰ / ۳۶۶	۰ / ۱۵۸	۳۱۴ /	۰ / ۲۶۷
سوال ۶	۰ / ۲۳۴	۰ / ۲۲۳	۰ / ۲۸۵	۰ / ۲۴	۰ / ۱۸۸	۰ / ۷۵۵	۰ / ۲۲۱	۰ / ۱۹۷	۱۵۷ /	۰ / ۲۶۵
سوال ۷	۰ / ۱۲۹	۰ / ۹۱	۰ / ۲۴۴	۰ / ۵۶۹	۰ / ۲۳	۰ / ۲۳۱	۰ / ۱۹۳	۰ / ۸۳	۱۰۵۳ /	۰ / ۲۳۵
سوال ۸	۰ / ۱۷۴	۰ / ۳۶۲	۰ / ۴۳۲	۰ / ۹۰۷	۰ / ۳۶۴	۰ / ۲۹۲	۰ / ۵۲۵	۰ / ۲۳۷	۳۷۸ /	۰ / ۳۴۸
سوال ۹	۰ / ۲۶	۰ / ۳۶۹	۰ / ۴۱۶	۰ / ۵۵۴	۰ / ۳۹۱	۰ / ۴۱	۰ / ۸۳۲	۰ / ۲۴۱	۰ / ۳۸	۰ / ۳۸۲
سوال ۱۰	۰ / ۳۱	۰ / ۳۹۸	۰ / ۴۰۹	۰ / ۲۶	۰ / ۲۶	۰ / ۱۶۷	۰ / ۷۶۸	۰ / ۱۹۷	۰ / ۴	۰ / ۳۴۴
سوال ۱۱	۰ / ۱۵	۰ / ۱۲۴	۰ / ۱۷	۰ / ۱۸	۰ / ۱۶۶	۰ / ۲	۰ / ۱۵۷	۰ / ۷۷	۳۹۷ /	۰ / ۰۸۶
سوال ۱۲	۰ / ۲۵۲	۰ / ۴۲۱	۰ / ۳۵	۰ / ۳	۰ / ۳۱	۰ / ۳	۰ / ۴۵۱	۰ / ۲۴۳	۱۸۴۵ /	۰ / ۳۹۸
سوال ۱۳	۰ / ۳۰۷	۰ / ۴	۰ / ۴۰۶	۰ / ۲۴۸	۰ / ۴۴۸	۰ / ۲۴۳	۰ / ۳۶۶	۰ / ۱۱۶	۱۸۱۵ /	۰ / ۳۷۲
سوال ۱۴	۰ / ۴۲۶	۰ / ۳۹۶	۰ / ۳۵۷	۰ / ۲۲۹	۰ / ۳۲۶	۰ / ۱۷۶	۰ / ۲۹۸	۰ / ۲۶۲	۳۸۸ /	۰ / ۷۲۲
سوال ۱۵	۰ / ۱۸۳	۰ / ۲۵۵	۰ / ۳۵	۰ / ۳۵۲	۰ / ۴۱۶	۰ / ۲۵۵	۰ / ۲۶۷	۰ / ۱۹۴	۲۸۸ /	۰ / ۵۵۹
سوال ۱۶	۰ / ۴۴۹	۰ / ۵۰۹	۰ / ۴۲۳	۰ / ۳۴۶	۰ / ۳۸۷	۰ / ۲۹۲	۰ / ۴۴	۰ / ۳۱۵	۳۳۸ /	۰ / ۷۹۳
سوال ۱۷	۰ / ۵۲	۰ / ۳۵۱	۰ / ۳۱۴	۰ / ۱۶۳	۰ / ۳۸۴	۰ / ۱۸۴	۰ / ۲۳۵	۰ / ۲۰۸	۲۲۱ /	۰ / ۱۰۱
سوال ۱۸	۰ / ۸۶۱	۰ / ۴۲۱	۰ / ۴۰۱	۰ / ۲۵	۰ / ۴۱۳	۰ / ۳۱۴	۰ / ۳۰۳	۰ / ۳۹۷	۲۸۶ /	۰ / ۵۱۱
سوال ۱۹	۰ / ۸۱۴	۰ / ۵۳۶	۰ / ۲۴۲	۰ / ۷۵	۰ / ۳۸۶	۰ / ۲۵۴	۰ / ۲۸۹	۰ / ۲۹۶	۲۳۶ /	۰ / ۴۴۵
سوال ۲۰	۰ / ۵۱۱	۰ / ۱۸۶	۰ / ۳۹۵	۰ / ۳۵۶	۰ / ۳۸۹	۰ / ۳۴۱	۰ / ۴۷۸	۰ / ۳۵۸	۴۳۲ /	۰ / ۵۳
سوال ۲۱	۰ / ۴۰۷	۰ / ۷۷۲	۰ / ۳۴۶	۰ / ۱۸۵	۰ / ۵۰۷	۰ / ۲۵۲	۰ / ۲۸۳	۰ / ۲۳۱	۴۴۸ /	۰ / ۳۵۹
سوال ۲۲	۰ / ۳۵۸	۰ / ۳	۰ / ۲۴۲	۰ / ۲۹۹	۰ / ۷۱۶	۰ / ۱۵۷	۰ / ۲	۰ / ۲۳۲	۱۷۹ /	۰ / ۴۰۹
سوال ۲۳	۰ / ۴۰۹	۰ / ۵۳۱	۰ / ۴۶۷	۰ / ۳۴۶	۰ / ۸۸	۰ / ۲۷۵	۰ / ۴۲۶	۰ / ۱۸۹	۴۹۸ /	۰ / ۴۵۵
سوال ۲۴	۰ / ۳۵۳	۰ / ۳۶۷	۰ / ۲۲۵	۰ / ۲۳۳	۰ / ۲۵۴	۰ / ۲۱۴	۰ / ۲۷۵	۱ / ۰۰۰	۲۱۵ /	۰ / ۳۵۶



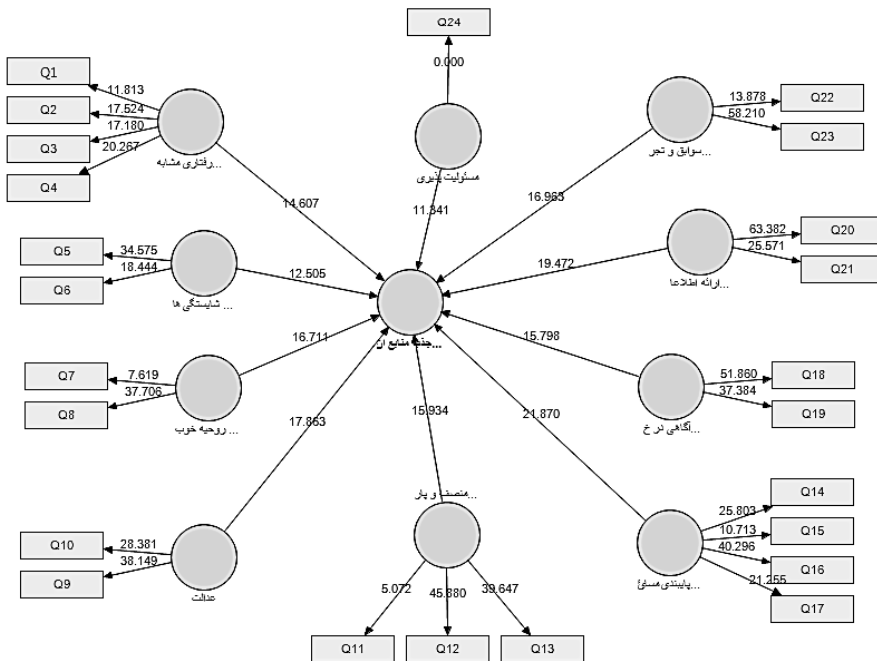
نتایج روایی واگرا در جدول فوق نشان می‌دهد اختلاف بارهای عاملی هر یک از متغیرهای مشاهده‌پذیر نسبت به متغیر مربوط به خود، حداقل ۰,۱ بیشتر از بار عاملی آن نسبت به سایر متغیرها می‌باشد؛ بنابراین روایی تشخیصی مدل پژوهش نیز قابل قبول می‌باشد.

**بررسی مدل پژوهش.** بررسی روابط بین بُعد اصلی، مولفه‌ها و شاخص‌ها در شکل ۳ و ۴ به ترتیب برای حالت‌های تخمین استاندارد و معنی‌داری روابط نشان داده شده است.



شکل ۳، مقادیر شدت تاثیر روابط بین بُعد اصلی، مولفه‌ها و شاخص‌ها در مدل نهایی (تخمین ضرایب استاندارد)

که سطح معناداری روابط فوق، در شکل ۴ زیر ارائه شده است:



شکل ۴، مقادیر T روابط بین بُعد اصلی، مولفه‌ها و شاخص‌ها در مدل نهایی جمع‌بندی نتایج مدل پژوهش در جدول ۵ نشان داده می‌شود:  
جدول ۵، بررسی روابط مفاهیم با شاخص‌ها در مدل پژوهش

نتیجه	سطح معنی‌دار	مقدار T	شدت تاثیر	روابط مفاهیم با شاخص‌ها در مدل
تایید روابط بین بُعد اصلی و مولفه مورد بررسی	P<0.01	۱۴ / ۶۰۷	۰ / ۲۰۲	رفتاری مشابه با ارزش‌های اسلامی
"	P<0.01	۱۲ / ۵۰۵	۰ / ۱۰۸	شایستگی‌ها و توانایی‌های شخصی
"	P<0.01	۱۶ / ۷۱۱	۰ / ۱۰۱	روحیه خوب و صداقت
"	P<0.01	۱۷ / ۸۶۳	۰ / ۱۳۵	عدالت (برابری استخدامی و ارتقا)
"	P<0.01	۱۵ / ۹۳۴	۰ / ۱۵۳	منصف و پارسا بودن
"	P<0.01	۲۱ / ۸۷	۰ / ۲۳۳	پایبندی مسائل اعتقادی، اخلاقی و دینی
"	P<0.01	۱۵ / ۷۹۸	۰ / ۱۴۲	آگاهی در خصوص شرایط احراز شغل و جبران خدمات
"	P<0.01	۱۹ / ۴۷۲	۰ / ۱۵۱	ارائه اطلاعات درست در خصوص دانش و

تحصیلات				
"	P<0.01	۱۶ / ۹۶۳	۰ / ۱۳۸	سوابق و تجربیات
"	P<0.01	۱۱ / ۳۴۱	۰ / ۰۶۸	مسئولیت پذیری

شدت تاثیر، میزان شدت ارتباط بین بُعد اصلی و مولفه مورد بررسی را نشان می‌دهد و طیف این ضریب بین ۰ تا ۱ می‌باشد. هر چه این میزان به ۱ نزدیک تر باشد، نشان‌دهنده قوی‌تر بودن روابط بین بُعد اصلی و مولفه مورد بررسی می‌باشد. مقادیر T که حاصل تقسیم شدت تاثیر بر خطای استاندارد است نشان‌دهنده معنی داری رابطه بین بُعد اصلی و مولفه مورد بررسی است. مقادیر T بین ۱ / ۹۶- و ۱ / ۹۶ نشان دهنده عدم وجود اثر معناداری میان متغیرهای مکنون مربوط است. مقادیر T بین ۱ / ۹۶ و ۲ / ۵۷۶ نشان دهنده اثر معناداری با بیش از ۹۵٪ اطمینان میان بُعد اصلی و مولفه مورد بررسی است. مقادیر T مساوی و بزرگتر از ۲ / ۵۷۶ نشان دهنده اثر معناداری با بیش از ۹۹٪ اطمینان میان بُعد اصلی و مولفه مورد بررسی است.

### ارزیابی برازش کلی مدل

معیار GOF: این معیار مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است. بدین معنی که توسط این معیار، محقق می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش، برازش بخش کلی را نیز کنترل نماید. مقادیر ۰,۰۱، ۰,۲۵ و ۰,۳۵ به ترتیب حاکی از برازش کلی ضعیف، متوسط و قوی می‌باشد. مقدار GOF در مدل پژوهشی حاضر، به شرح زیر می‌باشد:

$$GOF = \sqrt{\text{communality} \times R^2} = ۰ / ۴۱۶$$

با توجه به اینکه مقدار GOF برابر با ۰,۴۱۶ می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت سطح برازش کلی مدل در حد عالی و قابل قبول می‌باشد.

## نتیجه گیری

منابع مالی و تکنولوژیک تنها مزیت سازمان‌ها به شمار نمی‌روند، در اختیار داشتن افرادی مستعد و توانمند است که می‌تواند نه تنها مزیت رقابتی سازمان محسوب شود بلکه می‌تواند فقدان یا نقص دیگر منابع را جبران نماید. در وضعیت رقابتی موجود و در محیطی که تغییرات پی‌درپی و نوآوری‌های مداوم اصلی‌ترین ویژگی آن است تنها سازمان‌هایی موفق به کسب سرآمدی خواهند شد که نقش استراتژیک منابع انسانی خود را درک نموده و دارای منابع انسانی ماهر، دانش محور، شایسته، نخبه و توانمند باشد (آرمسترانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸؛ طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۱). بهترین راهبرد برای موفقیت در رقابت برای جذب استعدادها، گردآوری تمام افراد با استعداد نیست بلکه جذب مناسب‌ترین افراد است. به عبارت دیگر، کشف، جذب، مدیریت و تعامل با کسانی است که می‌توانند در محیط کاری شرکت، با انگیزه، متعهد و کارا باشند. هر چه سازمان بتواند نیروی شایسته‌تری جذب کرده و از آن نگهداری و استفاده موثرتری نماید در رسیدن به اهدافش موفق‌تر و نسبت به رقبایش پیش‌تر است. رقابت سازمان‌ها در کسب سود بیشتر و سهم بازار و ... خلاصه نمی‌شود، بلکه همه این موارد معلول یک عامل مهمتر یعنی نیروی انسانی شایسته است و این نکته‌ای است که سازمان‌ها بدان پی برده‌اند و در جذب این نیروها رقابت می‌کنند و سعی می‌کنند آنها را نگه داشته و مانع از ترک خدمتشان شوند. چه بسا در سازمانی با بهترین شیوه‌های استخدامی شایسته‌ترین افراد برگزیده و به خدمت آن سازمان درآمده باشند (نظام جذب)، سپس با روش‌های مختلف ارزیابی و آموزش (نظام بهسازی) موجبات افزایش بینش، مهارت و دانش این کارکنان فراهم شده باشد، لیکن چنانچه در طول خدمت از آنها به نحو خوب و مطلوبی نگهداری نشود یا در سازمان‌های دیگر جاذبه‌های بیشتر و بهتری فراهم شده باشد، باعث می‌گردد آن افراد به ویژه افراد خبره به راحتی سازمان مذکور را ترک کرده و جذب آن سازمان‌ها شوند و یا اینکه در مجموعه سازمان سلامت اداری را به مخاطره بندازند، در نتیجه زحمات، تلاش‌ها و هزینه‌های مربوط به استخدام، تربیت، تجهیز نیروی انسانی و سرمایه‌گذاری روی افراد به هدر می‌رود (رحیمی و میرزایی، ۱۳۹۴). در مکتب اسلام بیش از تمام مکاتب بر ارزش انسان و رشد و تعالی مادی و معنوی او، تاکید شده و بیان نموده که باید توجه کافی به انسان شود. بهترین روش‌ها و دستورات اداره و هدایت انسان‌ها، در گفتار و کردار پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) نمایان می‌باشد. از دیدگاه امام علی (ع) در جامعه انسانی یکی از حقوق اولیه مردم این است که همه حق دارند، شاغل باشند. کار، کوچکی و بزرگی ندارد مگر با توجه به کاری که انجام می‌دهند و هرکس اعم از مرد و زن پاداش کار خود را خواهد دید (مشایخی پور، ۱۳۹۰). هدف از پژوهش حاضر ارائه و آزمون الگویی پیرامون شاخص‌های جذب

منابع انسانی از منظر اسلام بوده است.

به منظور پاسخ به سوال تحقیق حاضر در گام نخست ما به شناسایی شاخص‌های جذب منابع انسانی در اسلام بر اساس انجام مطالعه‌ای کیفی پرداختیم. بعد از این مرحله مدل مفهومی پیشنهادی تحقیق ارائه گردید. به منظور بررسی و آزمون کمی مدل مفهومی با استفاده از پرسشنامه و مدل‌یابی معادلات ساختاری دریافتیم که مدل پیشنهادی می‌تواند مدل مناسبی باشد؛ از سوی دیگر روابط بین بُعد اصلی تحقیق یعنی شاخص‌های جذب منابع انسانی با مولفه‌های معرفی شده و شاخص‌های آنها را بررسی نمودیم و ملاحظه شد شاخص‌ها و مولفه‌های گردآوری شده در مدل مفهومی پیشنهادی مناسب می‌باشند و روابط مناسبی بین شاخص‌های جذب منابع انسانی و مولفه‌های آن وجود دارد. مولفه‌های معرفی شده در این پژوهش همراستا با احمدی (۱۳۹۶) در دو مولفه شایستگی‌ها و توانایی‌های شخصی و عدالت (برابری استخدامی و ارتقا)؛ میرکمالی و همکاران (۱۳۹۴)، در سه مولفه شایستگی‌ها و توانایی‌های شخصی، پایبندی مسائل اعتقادی، اخلاقی و دینی، سوابق و تجربیات می‌باشد. با توجه به اهمیت نیروی انسانی در اسلام بر اساس نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می‌گردد در سازمان‌ها شرایطی فراهم گردد که بتوانند خط مشی‌های سازمانی و برنامه‌های توسعه سازمان را بر اساس مبانی اسلامی طراحی نمایند و در اجرای آن در راستای مبانی اسلام قدم بردارند تا بتوانند نتایج مثبت و همسو با اهداف سازمان را دریافت نمایند تا بتوانند زمینه‌های مؤثر رشد و ارتقاء سازمان‌ها و همچنین افزایش کارایی نیروی انسانی و به تبع آن افزایش کیفیت سازمان را فراهم آورند.

**محدودیت‌های تحقیق.** در مجموع نتیجه تحقیق بیانگر این موضوع است که همه مولفه‌ها و شاخص‌ها شناسایی شده یک عامل زیربنایی را در قالب مدل مطلوب شاخص‌های اسلامی جذب نیروی انسانی تبیین می‌کنند اما قطعاً مولفه‌ها و شاخص‌های دیگری را می‌توان با توجه به بافت فرهنگی و منطقه‌ای بخش‌های دیگر کشور شناسایی نمود که به رغم تلاش فراوان همچنان مکنون مانده‌اند و می‌توانند کشف شوند. از جمله در توسعه شاخص‌های اسلامی جذب نیروی انسانی عوامل درون و برون سازمانی زیادی مؤثر می‌باشد که در تحقیق حاضر تأکید بر عوامل درون سازمانی بود. لذا فقط عوامل درون سازمان در الگوی تحقیق حاضر مورد تأکید می‌باشد.

**پیشنهاد برای تحقیق آتی.** باتوجه به اینکه شاخص‌های اسلامی جذب نیروی انسانی در سازمان‌های گوناگون بر اساس نوع فعالیت آنها دارای ابعاد و مولفه‌های گوناگونی می‌باشد، پیشنهاد می‌گردد شاخص‌های اسلامی جذب نیروی انسانی در پرتو فرهنگ سازمانی حاکم بر سازمان‌ها مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود در سایه فرهنگ سازمانی شاخص‌های اسلامی جذب نیروی انسانی چگونه تعریف می‌گردد.

## فهرست منابع

۱. احمدی، پرستو (۱۳۹۶) طراحی مدل جذب منابع انسانی مبتنی بر عدالت برای دستگاه‌های دولتی ایران. نشریه مدیریت شهری. سال شانزدهم. شماره ۴۷. صص ۴۹-۶۰.
۲. اژدری، علیرضا (۲۰۰۹). مدیریت در اسلام و مصادیق آن. پایگاه مقالات علمی مدیریت [www.SYSTEM.parsiblog.com](http://www.SYSTEM.parsiblog.com)
۳. خلیلیان، محمدجمال. جوشقانی نایینی، سیدحمید. عسکری، قاسم. بیدار، محمد. (۱۳۹۲) میانی و معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام. معرفت اقتصاد اسلامی. دوره ۴ - شماره ۲ - صفحه: ۷۷-۱۰۲
۴. حسینی، میرزا حسن. رحمانی، زین العابدین. حبیبی، فتانه. (۱۳۸۸). شناسایی و اولویت بندی شاخص‌های تناسب شغل و شاغل در جذب نیروی انسانی متخصص. مجله مدیریت توسعه و تحول. شماره ۳. ۲۵-۳۴.
۵. دقتی، عادل. یعقوبی، نورمحمد. (۱۳۹۵). بررسی اثر فرهنگ سازمانی بر جذب و نگهداشت نیروی انسانی متخصص. کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد پویا ایران - مالزی. مالزی - جزیره پنانگ دانشگاه USM، مرکز توسعه آموزشهای نوین ایران (متانا).
۶. رحیمی، منصوره. میرزایی پور، سعید. (۱۳۹۴). تأثیرانگیزه‌های مالی و غیرمالی بر جذب و نگهداشت نیروی انسانی. کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری. استانبول. موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ایلینا.
۷. شمس‌الدینی، سعادت. شمس‌الدینی، مجید. شمس‌الدینی، سجاد. کرد، حبیب‌الله (۱۳۹۳). بررسی رابطه عزت نفس، حمایت اجتماعی و نگرش مذهبی با رضایت شغلی امدادگران جمعیت هلال احمر شهر کرمان. کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی. مالزی. موسسه سرآمدهمایش کارین.
۸. طهماسبی، رضا. قلی پور، آرین. جواهری زاده، ابراهیم. (۱۳۹۱). مدیریت استعدادها: شناسایی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر جذب و نگهداشت استعدادهای علمی، پژوهش‌های مدیریت عمومی، سال پنجم، شماره هفدهم، صص ۵-۲۶.
۹. طبیب مهدی. (۱۳۹۲) معیارهای عمومی شایستگی و برتری نیروی انسانی در مدیریت اسلامی. فصلنامه علمی - پژوهشی فرایند مدیریت و توسعه. ۱۱ (۱): ۱۵-۲۶
۱۰. علی احمدی، حسین. شمشانی، فاطمه. (۱۳۹۵). مدیریت منابع انسانی در اسلام بررسی تحلیلی عوامل مؤثر بر رضایت شغلی منابع انسانی در شرکت‌های صنعت نفت ایران. اولین کنفرانس ملی مدیریت و مهندسی پیشرفت، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۱. عباس پور، عباس. (۱۳۹۳). مدیریت منابع انسانی پیشرفته: رویکردها، فرایندها و کارکردها. نشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). نوبت چاپ هشتم. تهران.
۱۲. فشارکی، فرزاد. صحت، سعید (۱۳۹۵) بررسی رابطه میان مدیریت منابع انسانی اسلامی و تعهد کارکنان با میانجی‌گری عدالت سازمانی. مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی. دوره ۴. شماره ۸.

صص ۴۷-۷۲

۱۳. قربانی، قاسم. رضائی راد، مجید. (۱۳۹۰)، نقش مدیریتی روسای کلانتری در نگهداشت کارکنان پلیس، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۶ (۱). صص ۱۱۷-۱۳۲.
۱۴. گلستانی، کیومرث (۱۳۹۳). بررسی نقش مدیریت به عنوان عامل تاثیرگذار بر تعهد و روابط سازمانی کارمندان با رویکرد اسلام، کنفرانس بین المللی توسعه و تعالی کسب و کار اقتصاد و مدیریت.
۱۵. مشایخی پور، محمدعلی (۱۳۹۰). مبانی اخلاق کار از دیدگاه امام علی علیه السلام. مدیریت اسلامی، ۱۹ (۱). صص ۳۷-۶۵.
۱۶. میرکمالی، میرمحمد. حاج خزیمه، مجتبی. ابراهیمی، صلاح الدین. (۱۳۹۴). شناسایی ملاک های جذب و نگهداشت منابع انسانی و ارائه راهکارهای مناسب (مورد: کارکنان دانشکده های پردیس فنی دانشگاه تهران). مدیریت توسعه و تحول. دوره ۷. شماره ۲۲. صص ۹-۱۸.
۱۷. نوربخش، محسن. (۱۳۹۴). مطالعه زمینه های جذب و نگهداری نیروهای انسانی کارآفرین در استان سیستان و بلوچستان (هفتمین محور سیاست های کلی نظام اداری نقشه و راه اصلاح نظام اداری). پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی. دانشگاه سیستان و بلوچستان. چاپ نشده.
18. Armstrong, M. (2009). *A Hand Book of Human Resource Management - Practice*, 10Th edition. Byars, L. L. & Rue. L. W. (2011). *Human Resource Management*. 10 ed. New.
19. Armestrang, M (2008). *Strategic human resource management: 4th Edition*. London *Creating a Flexible Organizational Culture to Attract and Retain Talented Workers Across Generations*.
20. Ali, J. A. (2010). Islamic challenges to HR in modern organizations. *Personnel Review*, 39, (6), 692-711.
21. Ali, A. J., & Al-Kazemi, A. A. (2007). Islamic work ethic in Kuwait. *Cross cultural management: An international Journal*, 14(2), 93-104.
22. Alorfi, S. (2012). Human Resource Management from an Islamic Perspective. *Journal of Islamic and Human Advanced Research*, 2(2), 86-92.
23. Azmi, I. (2015). Islamic human resource practices and organizational performance: Some findings in a developing country. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 6(1), 2-18.
24. Anderson, J. C., & Gerbing, D. W. (1988). Structural Equation Modeling in Practice: A Review and Recommended Two-Step Approach. *Psychological Bulletin*, 103(3), 411-423. DOI: 10.1037/0033-2909.103.3.41
25. Burbach, R., Royle, T., (2010), Talent on demand? Talent management in the German and Irish subsidiaries of a US multinational corporation, *Personnel Review*, 39(4), 414-431.
26. Hashim, J. (2009). Islamic revival in human resource management practices among selected Islamic organizations in Malaysia. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 2, (3), 251-267.

27. Hendricks, M. D., (2015). Towards an optimal teacher salary schedule: Designing base salary to attract and retain effective teachers, *Economics of Education Review*.47, 143–167
28. Khanifar, H., Matin, H., Jandaghi, G., Gholipour. A., & Hassanzadeh, (2011). Identifying the Dimensions and Components of Islamic Work Values (IWV) for Public services sector of Iran. *European Journal of Social Sciences*, 22, (2).246-261.
29. Krejcie, R., and Morgan, D. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-10.
30. Morgan, D. L. (1998). Practical strategies for combining qualitative and quantitative methods: Applications to health research. *Qualitative Health Research*, 8, 362-76.
31. Mellahi, K., & Budhwar, P. S. (2010). Introduction: Islam and human resource management. *Personnel review*, 39(6), 685-691.
32. Pimonrantanakan, S Pooripakdee S (2017). The Human Resource Development in the Learning Organization for the Organizational Development. *International Journal of Business and Economic A airs (IJBEA)*. 2(3), 183-192
33. Podsakoff, P. M., and Organ, D. W. (1986). Self-report in organizational research: Problems and prospects. *Journal of Management*, 12, 531-44.
34. Rahman, N. M., & Shahid, S. (2009). Islamic HRM Practices and Employee Commitment?. A Test Among Employees of Islamic Banks in Bangladesh. Unpublished report. Universiti Kebangsaan Malaysia.



نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۸۸ - ۴۹

## طراحی مدل مدیریت رفتار سیاسی سازمانی مبتنی بر اصول اخلاقی در صنعت بانکداری

<sup>۱</sup> فرزاد رضانی راد

<sup>۲</sup> محمود رضایی زاده

<sup>۳</sup> داود کیا کجوری

<sup>۴</sup> مهران مختاری بایع کلایی

### چکیده

هدف پژوهش حاضر طراحی مدل مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی در صنعت بانکداری بخش دولتی بوده است. بدین منظور پس از مرور ادبیات و مبانی نظری پژوهش با استفاده از تکنیک آمیخته یعنی (تحلیل مضمون و معادلات ساختاری) انجام شده است. در این پژوهش در بخش کیفی با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون به بررسی نظرات ۱۵ نفر از خبرگان که از رؤسا موفق و مدیران نمونه در صنعت بانکداری بخش دولتی در سطح صف و ستاد کشور می باشند از طریق مصاحبه باز و عمیق (نیمه ساختار یافته) به روش نمونه گیری گلوله برفی پرداخته شد. و جهت حصول اعتبار و بررسی استحکام داده های مستخرج از مصاحبه از معیارهای انتقال پذیری، قابلیت اطمینان و تایید پذیری استفاده شد. داده های مستخرج از مصاحبه های انجام شده با روش تحلیل مضمون، به صورت ۱۶۴ کدهای باز (مفاهیم) و ۴۱ محوری (مقوله) در هفت عامل و در ۲ دسته رفتار سیاسی سازمانی و مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی با استفاده از نرم افزار MAXQDA تجزیه و تحلیل شدند و

۱. گروه مدیریت دولتی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

Email: farzad\_ramezani\_rad@iauc.ac.ir

۲. گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: Mah.rezaeizade@iauctb.ac.ir

۳. گروه مدیریت دولتی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

Email: Davoodkia@iauc.ac.ir

۴. گروه مدیریت دولتی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

Email: Mokhtari@iauc.ac.ir

از خروجی نرم افزار مدل پژوهش ترسیم گردید. در بخش کمی با استفاده از ابزار پرسشنامه و پس از سنجش روایی و پایایی و اطمینان از آن، با روش طبقه بندی و نمونه تصادفی نظرات ۳۶۵ نفر از کارکنان بانکهای ملی و سپه مستقر در سطح شعب و ستاد استان تهران مورد بررسی قرار گرفت. سپس با استفاده از نرم افزار LIZREL و تکنیک تحلیل عاملی تاییدی (CFA) تأثیر مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی بر عوامل شش گانه شناسایی شده بروز رفتار سیاسی سازمانی مورد بررسی قرار گرفت. و بیشترین تأثیر بر روی عوامل شخصی (فردی و اخلاقی) حاصل شد. و برای تأیید پیشنهادی مدل نهایی از مدل سازی معادلات ساختاری با نرم افزار PLS استفاده شد.

### واژگان کلیدی

رفتار سیاسی، رویکرد اصول اخلاقی، صنعت بانکداری، مدیریت رفتار سیاسی.  
 " این مقاله مستخرج از رساله دکتری آقای فرزاد رضانی راد در رشته مدیریت دولتی، رفتار سازمانی می باشد."

### طرح مسأله

رفتار سیاسی در سازمان موضوع مطالعات متعددی بوده است. تجارب شخصی و شواهد به دست آمده در طی سال ها نشان می دهند رفتار سازمانی دارای ماهیتی سیاسی است. در واقع تعاملات اجتماعی در میان بازیگران اجتماعی (افراد و گروه ها) شرایط مساعدی برای ظهور و بروز رفتار سیاسی فراهم می کند. اگرچه ممکن است رفتار سیاسی پیامدهای مثبت و منفی داشته باشد، بخش اعظم پژوهش برجسته تاریخ آن تمرکز کرده است، به عنوان رفتارهایی که از دید سازمان نا مشروعند و بر اساس نفع شخصی مشخص می شوند. چنین رفتارهایی، محیط کاری تفرقه افکن و نامناسبی ایجاد می کند، به گونه ای که کارایی و اثر بخشی سازمانی را کاهش می دهد. برعکس برخی اندیشمندان از قبیل لوتانز<sup>۱</sup> رفتار سیاسی را لازمه پیشرفت افراد دانسته و بر جنبه مثبت آن تاکید دارند. (زارعی متین، ۱۳۸۱). به رغم وجود دیدگاه دوگانه نسبت به این مفهوم، رفتار سیاسی جزء لاینفک زندگی سازمانی قلمداد می شود. بدلیل فقدان ادبیات منسجم و یکپارچه در این حوزه، عدم اجماع در مورد عوامل به وجود آورنده چنین رفتاری در سازمان بر ادبیات موجود سایه افکنده است. برای درک بهتر رفتار سیاسی سازمانی و مدیریت اثرات غیر کارکردی آن، لازم است ریشه علل بروز این رفتار در سازمان مورد بررسی قرار گیرد. اکثر پژوهش های پیشین به تاثیر ادراک برداشت سیاسی با توجه به عوامل فردی و سازمانی بر رفتار

سیاسی و نقش متغیر تعدیل کننده مهارت سیاسی و اراده سیاسی بر رفتار سیاسی سازمانی پرداخته شده است و کمتر به شناسایی منطق بروز رفتار سیاسی سازمانی پرداخته و بعضاً پژوهشها در حوزه مدیریت رفتار سیاسی سازمانی بصورت کلی و عمومی پرداخته شده است. وجه تمایز پژوهش حاضر با سایر مطالعاتی که تاکنون در این زمینه انجام شده است، علاوه بر توجه به متغیرهای مهم موجود در ادبیات سیاست سازمانی به شناسایی دقیق عوامل بروز منطق رفتار سیاسی سازمانی بطور جامع از جنبه های مختلف (درونی، بیرونی، پیرامونی) با تاکید بر اصول اخلاقی (بعد روانشناختی افراد) و همچنین شناسایی عوامل مدیریتی جهت کنترل و کاهش پیامد های منفی این رفتار با توجه به رویکرد ارزشها و اصول اخلاقی بصورت تخصصی در صنعت بانکداری بخش دولتی پرداخته و بررسی آنها در یک مدل منسجم با روش (آمخسته)، کیفی و کمی با استفاده از نظرات خبرگان بانکی در بخش دولتی انجام شده است.

امروز در تجزیه و تحلیل رفتار سازمانها، پرداختن به اخلاق و ارزش های اخلاقی یکی از الزامات است. نماد بیرونی سازمانها را رفتارهای اخلاقی آنها تشکیل می دهد که خود حاصل جمع ارزش های گوناگون اخلاقی است که در آن سازمانها، ظهور و بروز یافته است. (عنایتی و همکاران، ۱۳۹۲).

در سازمان ها، مدیریت رفتار سازمانی و منابع انسانی نقش بسزایی در عملکرد کارکنان دارد، به طوری که نیروی انسانی عامل استراتژیک برای عملکرد سازمان ها در نظر گرفته می شود و مدیریت بر نیروی انسانی و گروه های سازمانی مهم ترین عامل موثر بر افزایش بهره وری است (رفیعی و بهمنی، ۲۰۱۳).

تاکنون سازمان ها به گونه های متفاوتی مورد ملاحظه قرار گرفته اند که مهم ترین آنها دو روش عقلانی و سیاسی می باشد، براساس نگرش عقلانی، سازمان برای دستیابی به هدف های روشن و مشخص تلاش می کند و برای تصمیم گیری، راه حل های گوناگون را شناسایی کرده و بهترین آنها را انتخاب می نماید. اما بر مبنای نگرش سیاسی، سازمان از ائتلاف هایی به وجود آمده است که از نظر هدف ها با هم توافق ندارند، در این الگو سازمان عبارت است از گروه هایی که دارای منافع، هدف ها و ارزش های جداگانه و مخصوص به خود می باشد. الگوی عقلایی بیشتر مناسب سازمان هایی است که در محیط باثبات قرار گرفته و اهداف و راه رسیدن به آنها مشخص و روشن می باشد و الگوی سیاسی مناسب سازمان هایی با شرایط عدم اطمینان، و شرایطی است که افراد در موارد متعدد با هم اختلاف نظر دارند. از آنجا که شرایط بسیاری از سازمان های امروزی نامطمئن و پیچیده می باشد، مناسب است مدیران از الگوی سیاسی بیشتر استفاده کنند این الگو در سال های اخیر اهمیت زیادی پیدا کرده است. (دفت، ۱۳۸۳)

مراد و مقصود از رفتار های سیاسی اینگونه که تصور می شود، نیست. پس می توان گفت

که رفتارهای سیاسی از یک طرف، اهداف سازمان را تحقق می‌بخشند و از طرف دیگر مانع نیل به اهداف سازمان می‌باشند. در بروز رفتار سیاسی افراد می‌کوشند با بروز رفتارهای مثبت و منفی یا به هدف سازمان جامعه عمل پیوستند یا به مخالف با آن پردازند. (زارعی متین، ۱۳۸۱)

برخی دانشمندان بیان می‌کنند که مدیران موفق سیاست مدارانه است و رفتار سیاسی را بخشی از زندگی سازمانی می‌پندارند. براساس تحقیقات انجام شده، وضعیت رفتار سیاسی مدیران و تعهد سازمانی کارمندان با تعدیل گری عدالت سازمانی بالاتر از حد متوسط و میانگین فرضی قرار دارد. (فرخ بخش و همکاران، ۱۳۹۵). افراد به منظور برآورده کردن نیازهای شخصی خود عضویت سازمانی را می‌پذیرند بدین منظور ناگزیر از برقراری ارتباط با یکدیگرند، در واقع، تعاملات اجتماعی میان افراد، شرایط مساعدی برای ظهور رفتار سیاسی فراهم می‌کند. چنین رفتاری محیط کاری مضر و تفرقه افکنی ایجاد می‌کند، به گونه‌ای که کارایی و اثربخشی سازمانی را کاهش می‌دهد و محیطی که آینده از رفتار سیاسی است ممکن است به جابجایی، کاهش کیفیت کار، عدم تحقق اهداف، کاهش عملکرد کارکنان و افزایش استرس و فشار روانی بینجامد (ویگودا و آران، ۲۰۰۶).<sup>۱</sup> رفتارهای سیاسی در سازمان را نمی‌توان از بین برد، مدیری که انتظار داشته باشد کسی دست به این گونه رفتار نزند، ساده لوحی خود را به معرض نمایش گذاشته است، ولی مانورهای سیاسی را می‌توان کنترل کرد تا در محدوده منطقی و سازنده ای قرار گیرند. (رضاییان، علی، ۱۳۹۰). ابراهام سالزیک<sup>۲</sup> استاد دانشگاه هاروارد چنین بیان می‌دارد: انسان‌ها می‌توانند توجه خود را روی تعداد معینی از چیزها متمرکز نمایند، بنابراین هرچه بیشتر بر رفتارهای سیاسی متمرکز شوند، انرژی احساسی و فکری کمتری از آنان برای پرداختن به مسایل واقعی کار باقی می‌ماند. مدیران موفق ولی ناموثر ظاهراً انرژی احساس و فکری زیادی صرف سیاسی کاری می‌کردند، بنابراین پژوهشگران قصد دارند تا حد متوسط رفتار سیاسی مورد نیاز را معین نمایند، گفته می‌شود میزان سیاسی بودن هر فرد به ارزش‌های فردی، روش اخلاقی و خلق و خوی او بستگی دارد. افرادی که شدیداً غیر سیاسی یا بسیار سیاسی اند، همگی زیان مند خواهند بود. اولی ممکن است به کندی ارتقاء یابد و احساس کند کنار گذاشته شده است. در حالی که دومی ممکن است به خوش خدمتی متهم شود و حیثیت و اعتبار خویش را از دست بدهد. افرادی که در دونهایت طیف سیاسی قرار می‌گیرند در تلاش گروهی افراد ضعیف به شمار می‌آیند. به طور معمول میزان متوسطی از رفتارهای سیاسی حساب شده به عنوان ابزار ادامه حیات در سازمان‌های پیچیده محسوب می‌شود. (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶). ارزش‌های اخلاقی سازمان یک بعد عمده فرهنگی است. فضای اخلاقی، ادراکات رسمی و غیررسمی کارکنان از

1. Vigoda&Aran

2. salzik

فرایندها، فعالیت‌ها و سیاست‌های سازمانی را دربر می‌گیرد و نگرش‌ها و رفتارهای کارکنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (ناصحی فر و همکاران، ۱۳۹۴)، تحقیقات انجام گرفته در مورد نهادینه سازی اصول اخلاقی، نسبتاً جدید بوده و کمتر بسط یافته‌اند، با این وجود در تمام تحقیقات موجود بر اهمیت نهادینه سازی اصول اخلاقی و تأثیر آن بر متغیرهای متفاوت سازمانی نظیر تعهد و رضایت تأکید شده است. ماچانداری و رومری، (۲۰۱۹)<sup>۱</sup> نشان داده است که رهبری منصفانه و رعایت عدالت تأثیر مثبتی بر عملکرد فردی و سازمانی دارد. در دنیای امروز نمی‌توان سازمان‌ها را جدای از رفتارهای سیاسی درون آنها مورد مطالعه قرار داد، آگاهی از نحوه بروز آنها می‌تواند مدیران را در کاهش اثرات مخرب آنها یاری دهد (سلاجقه و ناظری، ۱۳۸۹). بسیاری از رفتارها و تصمیم‌های کارکنان و مدیران در سازمانهای امروزی، تحت تأثیر ارزش‌های اخلاقی آنها است. با توجه به اهمیت اخلاق حرفه‌ای در توسعه سازمان، لازم است در تعیین اثر بخشی (میزان تحقق اهداف سازمانی) و هدایت منابع (از جمله منابع انسانی) به میزان آموزش اخلاق حرفه‌ای در سازمان توجه شود. (قراملکی، ۱۳۹۷). هر جامعه‌ای برای تأمین سلامت و ارتقا خود نیاز به رعایت یک سری ارزشها و اصول اخلاقی در رفتار و عملکرد خود مطابق قوانین و مقررات حاکم بر آن جامعه می‌باشد و آنچه که مانع بروز برخی رفتارهای غیر اخلاقی در جامعه می‌شود، وجود یکسری خط قرمزها است. آنچه خط قرمزها را در جامعه اسلامی ما معین و مشخص کرده، اخلاق، دین و قانون است. از بین این سه معیار، گرایش به اخلاق، فطری‌ترین ویژگی انسان است و اگر انسان گرایش به دین و آموزه‌های اسلام نیز دارد به دلیل گرایش فطری است که به اخلاق دارد؛ چراکه دین در خدمت اخلاق است. گویا اخلاق در بین هر سه عامل ذکر شده، از قدرت بالاتری برخوردار است و قانون و دین هر دو، اخلاق را منضبط تر می‌نمایند. مدیریت اخلاقی اهداف سود آوری، قانون‌مداری و اخلاق را هم لازم می‌داند و هم مطلوب. در واقع تمرکز این رویکرد مدیریت نه تنها بر لفظ قانون بلکه بر روح آن است. قانون در این دیدگاه به مثابه یک استاندارد حداقلی برای رفتار اخلاقی دیده می‌شود؛ زیرا مدیریت اخلاقی تلاش دارد که خود را در یک سطح بالاتر از الزامات قانونی حفظ کند. (نظری، ۱۳۹۲).

بعضی از پژوهشگران نیز اخیراً به معرفی قدرت سیاسی و قدرت غیر سیاسی پرداخته‌اند بطور مثال، استفاده غیرسیاسی از قدرت یعنی استفاده از ابزارهای اخلاقی برای رسیدن به مقاصد اخلاقی و استفاده سیاسی از قدرت یعنی استفاده از وسایل یا ابزارهای غیر اخلاقی برای رسیدن به اهداف غیر اخلاقی؛ بدین معنی که کارکنان به تنهایی یا بصورت گروهی بخواهند خارج از چارچوب حاکمیت و اختیارات رسمی و خط مشی‌های سازمانی عمل کنند و در استفاده از قدرت

خود در سازمان، خط مشی‌ها، روش‌ها و شرح مشاغل خاصی تدوین و اجرا کنند، این نوع استفاده از قدرت را سیاسی می‌گویند. (موبرگ و ولسکیوز،<sup>۱</sup> ۱۹۸۱).

با توجه به اینکه رفتارهای اخلاقی هر فرد، گروه یا سازمانی تحت تاثیر ارزشهای اعتقادی، نگرش‌های فلسفی و باورهای بنیادین حاکم بر انسان‌ها است و همه رفتارهای ارادی انسان در قالب ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی او معنی می‌یابد. (زندى پور، ۱۳۸۴) پرداختن به فضایل اخلاقی و دوری جستن از رذایل اخلاقی در فرایند تهذیب اخلاق در جهت تحقق هریک از عناصر فرهنگ اخلاقی و توسعه اخلاقیات در جامعه و سازمان ارتباط متقابل بین مجموعه‌ای از موضوعات اخلاقی را به عنوان واقعیتی انکارناپذیر می‌سازد. (مقیمى و رمضان، ۱۳۹۲) چرا که ارزش‌ها و حفظ استانداردهایی کمک می‌کند که بر هدایت افراد به سوی اقداماتی که برای سازمان مطلوب هستند تاثیر گذارند و موفقیت سازمانی افزایش یابد. (بهاری فر و همکاران، ۱۳۹۰).

مولوی می‌گوید: (من ندیدم در جهان جستجو هیچ اهلیت به از خوی نکو)، اخلاق کار مهمترین عامل توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. اهمیت این موضوع از آن جا ناشی می‌شود که می‌توان باعث ارتقاء عملکرد سازمان گردد.

کار در اسلام به مثابه ارزشی در سایه نیازهای انسان و لازمه ایجاد تعادل بین زندگی فردی و اجتماعی است (علی، ۲۰۰۵). سرچشمه اخلاق کار اسلامی قرآن، سنت نبوی و کلام امامان معصوم (ع) است. پیام قرآن کریم، سیره حضرت محمد (ص) و امامان معصوم (ع)، بیان کننده این است که اخلاق کار اسلامی هرگز به انکار زندگی مادی و تلاش برای آن نمی‌پردازد، بلکه کار را لازمه تحقق زندگی دانسته و به تلاش اقتصادی و کاری توجه زیادی دارد. اسلام فداکاری در راه کار را ارزش دانسته و بر این عقیده است که افراد باید برای انجام کاری که در توان آنهاست، حداکثر تلاش خود را انجام دهند (یوسف، ۲۰۰۱- الف).

رفتار شهروندی سازمانی، افعال و اقدامات ایثارگرانه و از خودگذشتگی کارکنان به منظور تأمین آسایش دیگران است؛ از این رو، سازمانها به شهروندان خوب و افرادی نیاز دارند که مایل به همکاری با کارفرمایان و مشتریان هستند. بنابراین رفتارهای شهروندی سازمانی بر پایه اخلاق بوده و درجات بالای اخلاق به بروز رفتار شهروندی سازمانی بهتری منجر می‌شود (طاهری، زنجیرچی و نجاتیان، ۱۳۹۰؛ اسکندری و ایران دوست، ۱۳۹۴؛ الهیاسات، ۲۰۱۲) به علاوه اسلام به عنوان دین جامع، با توجه به رابطه شایان توجه بین اخلاق کاری و ارزشهای حاکم بر جامعه، اصول اساسی را در اخلاق کار در هر گام زندگی ارائه می‌دهد

(الهیاسات، ۲۰۱۲). از این رو، اخلاق کار اسلامی می تواند تعدیلگر احتمالی مناسبی در رابطه میان نحوه رفتار سازمانی و ارزش ها مبتنی بر عملکرد کارکنان و مشتریان در صنعت بانکداری بخش دولتی باشد. از سوی دیگر، ایران به عنوان کشوری مسلمان، در مبحث اخلاق کار اسلامی مزیتی رقابتی پایداری دارد و می توان با شناسایی دقیق میزان و چگونگی تأثیرات این مفهوم مهم اسلامی، بر فرایند و خروجیهای سازمانی، از این مزیت رقابتی به شکل صحیح بهره برد. مهمترین عامل مهم بقا و تحقق اهداف سازمانی، تصمیم گیری مناسب مدیران کارآمد و توانا است (پاک نیت و فتحی زاده، ۱۳۸۷). یکی از سازمانهایی که تصمیم گیری مدیران و رؤسا اثر مستقیمی بر بقا و حیات آنها دارد، صنعت بانکداری می باشد. بنابر این نیاز است نحوه رفتار آنها در سازمان به منظور تصمیم گیری موثر در جهت تحقق اهداف کلان سازمانی، بصورت اخلاقی و عقلایی و به دور از رفتارهای سیاسی (منفعت طلبانه) باشد تا ضمن افزایش بهره وری و کیفیت عملیات بانکی، ارتقاء سلامت اخلاقی سازمانی، بهبود عملکرد و کاهش فساد اداری را به همراه داشته باشد.

بانکها در کنار وظایف اصلی خود مانند تخصیص منابع به فعالیت های اقتصادی، اجرای سیاست های پولی، ارزی و طراحی و اجرای نظام پرداختها در اقتصاد که در جهت حفظ ثبات اقتصادی و اجتماعی است، در مواردی همچون تحقق توزیع عادلانه درآمد، کاهش فقر و شکاف طبقاتی، قانون گذاری و فعالیت های بنگاه های اقتصادی در بخش مالی و واقعی اقتصاد نیز نقش حائز اهمیتی دارند. با عنایت به اینکه بانکها نبض اقتصاد کشورند در نتیجه نحوه رفتار و عملکرد بانکها، وابستگی و ارتباط تنگاتنگی با اقتصاد دارند و هر گونه تصمیم گیری و سیاست گذاری در سطح خرد و کلان در بانکها عملاً منجر به تغییر و تحول در اقتصاد کشور می شود، به نظر می رسد صنعت بانکداری بخش دولتی پیوند مستحکم و ملاحظه داری با رفتار سیاسی سازمانی دارد. بانکها ممکن است بخاطر تشدید رقابت و رسیدن به بهره وری و سود آوری مرتکب اعمال غیر اخلاقی و منفعت طلبانه شوند. بطور مثال: می توان بعضاً به انتصابات مدیران دولتی بدون توجه به شایسته سالاری و یا ارایه وام های کلان بدون رعایت قوانین و مقررات بانکی به افراد و... در صنعت بانکداری بخش دولتی نام برد، لذا با توجه به برجسته ترین جایگاه نمود اخلاق کار و تاثیر گذاری آن در نحوه رفتار سیاسی سازمانی و عملکرد میان کارکنان و مشتریان صنعت بانکداری، ضمن مطالعات گسترده بصورت کمی و کیفی در این پژوهش، به شناسایی عوامل مدیریتی رفتار سیاسی سازمانی با اصول اخلاقی پرداخته تا بتوان در کنترل و کاهش پیامدهای منفی این رفتار نقش بسزایی داشته باشد، همچنین از نتایج این پژوهش علاوه بر دستیابی به مزیت رقابتی ملی و بین المللی، خط مشی گذاران و مدیران دولتی می توانند برای افزایش دانش آگاهی و شناخت در راستای بهبود اثر بخشی تصمیمات خود در جهت ارتقاء سلامت سازمانی در صنعت بانکداری

بخش دولتی استفاده نمایند. در این پژوهش پاسخ سوالات ذیل دنبال می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. عوامل موثر بر مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی در صنعت بانکداری بخش دولتی کدامند؟
۲. میزان تأثیر مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی بر عوامل شناسایی‌شده بر بروز رفتار سیاسی سازمانی در صنعت بانکداری بخش دولتی تا چگونه است؟
۳. مدل مناسب مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی براساس مؤلفه‌های مستخرج شده از مصاحبه با خبرگان در صنعت بانکداری بخش دولتی چیست؟

رفتار سیاسی را در سازمان نمی‌توان از میان برد، زیرا آنها پدیده‌های اجتناب‌ناپذیر هستند، در میان وظیفه مدیران این است که رفتارهای سیاسی را کنترل کنند تا در محدوده، منطقی و سازنده‌ای قرار گیرند. لذا با توجه به اهمیت شناسایی عوامل بروز این رفتار و همچنین نقش ارزشها و اصول اخلاقی در مدیریت رفتار سیاسی سازمانی در صنعت بانکداری بخش دولتی، اهداف پژوهش به شرح ذیل دنبال می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. هدف اول: شناسایی مؤلفه‌ها و ابعاد مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی در صنعت بانکداری بخش دولتی
۲. هدف دوم: طراحی مدل مناسب مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی در صنعت بانکداری بخش دولتی
۳. هدف سوم: میزان تأثیر مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی بر عوامل شناسایی‌شده بر بروز رفتار سیاسی سازمانی در صنعت بانکداری بخش دولتی

### مبانی نظری و پیشینه داخلی و خارجی پژوهش

مدیریت، تنها با آگاهی عمومی و تخصصی و نیز مهارت‌های لازم در اجرای آموخته‌ها، به سازمان نمی‌رسد. جایگاه و کسب توفیق در انجام وظایف و مأموریت‌های آن، بطور کلی نیازمند آراز سه نوع قابلیت دانش، مهارت و اخلاق است. سلطانی (۱۳۸۸)، متعقد است برای سالم‌سازی محیط سازمانی، دوسازکار وجود دارد: یکی سازوکار قانون و دیگری سازوکار اخلاق که فراتر از قاون است و به صورت پایدار و نهادی می‌تواند سالم‌سازی را به صورت فرایند بر سازمان حاکم کند. اخلاق را به مجموعه‌ای از صفا روحی و باطنی انسان تعریف کرده‌اند که به صورت اعمال و رفتاری که از خلیات درونی انسان ناشی می‌شود، بروز ظاهری می‌یابد، بدین سبب گفته می‌شود که اخلاق را می‌توان از راه آثارش تعریف کرد. استمرار یک نوع رفتار خاص، دلیل بر آن است که این رفتار یک ریشه درونی و باطنی در عمق جان و روح فرد یافته است که آن را خلق و اخلاق می‌نامند (تولایی، ۱۳۸۸). اخلاق، یعنی رعایت اصول معنوی و ارزش‌هایی که بر رفتار شخص یا گروه، حاکم است؛ مبنی بر اینکه درست چیست و نادرست کدام است (دفت، ۱۳۷۴). اخلاق از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، بدان اندازه که پیامبر اسلام (ص) فرمودند: من



برای تکمیل کردن مکارم اخلاق مبعوث شده ام. جایگاه و اهمیت اخلاق در زندگی اجتماعی تا بدان جاست که عمل کردن به قوانین و مقررات اجتماعی نیز بدون پشتوانه اخلاق ممکن نیست و اخلاق، بهترین ضامن اجرای قوانین و مقررات است. از این رو، مباحث اخلاقی، از مهم ترین هدف های ارسال پیامبران به شمار می رود و بدون آن، نه دین برای مردم مفهومی خواهد داشت و نه دنیای آنها سامان می یابد.

اخلاق حرفه ای عبارت است از مجموعه قوانین اخلاقی که در وهله اول، از ماهیت حرفه یا شغل به دست آمده است. اخلاق حرفه ای، مسئولیت اخلاقی فرد از حیث شغل است. اخلاق حرفه ای، بهره وری را افزایش می دهد، ارتباطات را بهبود می بخشد و درجه ریسک را کاهش می دهد؛ زیرا در صورت حاکمیت اخلاق حرفه ای بر سازمان، اطلاعات به آسانی منتقل می شود و مدیر پیش از ایجاد حادثه، از آن مطلع می گردد. موفقیت، از اخلاق حرفه ای ناشی می شود. اخلاق حرفه ای نیز اعتماد آفرینی به وجود می آید. اعتماد آفرینی هم از پیش بینی رفتار ریشه می گیرد. پیش بینی رفتار، از قانونمندی و مستمر بودن رفتار و قانونمندی نیز از مسئولیت ناشی می شود، و مسئولیت از باورهای فرد و باورهای فرد نیز از دانش و معرفت فرد به وجود می آید. (قراملکی، ۱۳۸۸). معیارهای چهار گانه در باب اخلاق سازمانی عبارتند از: معیارهای ایدئولوژی (ایمان، تقوا، اخلاق در عمل و...)، معیارهای زمینه ساز (رازداری، امانت داری، رعایت حد اعتدال، دلسوزی و...)، معیارهای تخصصی (تجربه کافی، دانش کافی و تخصصی، اهمیت دادن به کار و...)، معیارهای رزشی (وجدان کاری، رعایت حرمت رشوه خواری، حفظ کرامت و منزلت انسانی و...) می باشد. (ایمانی لیل آبادی و همکاران، ۱۳۹۶). نماد بیرونی سازمانها را رفتار های اخلاقی آن ها تشکیل می دهد که خود حاصل جمع ارزشهای گوناگون اخلاقی است که در آن سازمانها ظهور و بروز یافته است. رعایت اخلاق و حفظ ارزشهای اخلاقی به صورت یکی از مهمترین پدیده هایی است که بیشتر سازمان ها مورد توجه قرار می گیرد. اخلاق اگر چه مفهومی دیرپا دارد، ولی در حیطه سازمان دانشی نو است. از اواسط قرن بیستم به تدریج دانش اخلاق حرفه ای، اخلاق سازمانی و اخلاق کار در سازمان ها ریشه دواند و سازمان ها شروع به حرکتی سازمان یافته برای ترویج، توسعه و مدیریت اخلاق کردند. (عنایتی و همکاران، ۱۳۹۲). اخلاق و اصول اخلاقی نمی توانند مجزا از هم باشند و عموماً بطور هم معنا بکار گرفته می شوند. فلسفه اخلاق یا اخلاق پژوهی، دانشی است که از اصول و ارزش های اخلاقی بحث می کند؛ ارزش هایی که ناظر بر رفتار ها و صفات ارادی مردمان و وجه تمایز آنها از حیث خوبی و بدی، شایستگی و ناشایستگی، نیکویی و زشتی و بایستگی و نبایستگی هستند (فراستخواه، ۱۳۸۵).

فرد آردیوید<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) می‌گوید: در سازمان، اصول اخلاقی خوب از پیش شرط‌های مدیریت استراتژیک خوب است؛ اصول اخلاقی خوب، یعنی سازمان خوب. در شکل‌گیری اخلاق سازمانی در شکل‌گیری اخلاق سازمانی سه دسته عوامل فردی، سازمانی و فرا سازمانی دخیل هستند. عوامل فردی شامل اخلاق شخصی، خودشناسی و خودکنترلی که به عنوان خمیرمایه اصلی زمینه‌های شکل‌گیری مدیریت اخلاقی در سازمان می‌باشد و عوامل سازمانی شامل ضوابط و مقررات سازمانی و فرهنگ سازمانی و ساختار سازمانی که مدیریت اخلاقی را نهادینه می‌کند و عوامل فراسازمانی شامل دولت، شرایط اقتصادی، محیط کاری و محیط بین‌المللی می‌باشد که موجب جهت‌گیری مدیریت اخلاقی شده و نهایتاً مدیریت اخلاقی را در سازمان کاربردی و عملی می‌کند.

اعمال مدیریت اخلاقی در سازمان‌ها نه تنها نتایج مستقیم و درون سازمانی خوبی از جمله افزایش بهره‌وری، تقویت وجدان کار جمعی، تولید و نهادینه شدن ارزش‌های اخلاقی جدید و تحول فرهنگ سازمانی را به دنبال دارد، بلکه از برکات مدیریت اخلاقی، مسئولیت‌های اجتماعی سازمان است که امروزه روی آن تاکید زیادی می‌شود و از جمله شاخص‌های مهم ارزیابی عملکرد سازمانها محسوب می‌گردد. (قراملکی، ۱۳۸۵). همانگونه که ذکر شد موفقیت در سازمان ناشی از ایجاد و به کارگیری مدیریت اخلاق در سازمان است. اخلاق سازمانی از اعتماد آفرینی شروع می‌شود. هرچه اعتماد به سازمان، برنامه‌ها و مدیران (ارشد، میانی و مدیران پایه) بیشتر باشد، میزان تعهد به سازمان و وظایف بیشتر خواهد شد. اعتماد آفرینی، منجر به افزایش توان سازمانی در پاسخ‌دهی به نیازهای محیطی خواهد گردید؛ زیرا اعتماد آفرینی هم‌افزایی در توان سازمان ایجاد خواهد کرد. هر چه اعتماد کارکنان به مدیران و سازمان، کاهش یابد، مدیران می‌بایست هزینه بیشتری را جهت کنترل رفتار کارکنان بپردازند که نهایتاً نتایج کمتری نیز به دست خواهند آورد. (لویز، ۲۰۰۷).<sup>۲</sup> بر اساس متون مرتبط، رفتار سیاسی در سازمان‌ها چنین تعریف شده است: رفتاری که به طور رسمی اجازه داده نمی‌شود، به طور اداری تأیید نمی‌شود یا به طور گسترده در سازمان پذیرفته نمی‌شود و به معنای تلاش برای حداکثرکردن نفع شخصی، به هزینه سازمان یا اعضای آن است (فریز و همکاران<sup>۳</sup>، ۱۹۹۱). رفتارهای سیاسی ماهیتی منفعت طلبانه دارند، لذا اعضای سازمان درگیر فعالیت‌های سیاسی سازمانی می‌شوند و می‌کوشند با استفاده از تاکتیک‌های گوناگون سیاسی، منافع خود را حفظ کنند یا توسعه بخشند (آشفوردر و لی، ۱۹۹۰). رفتار سیاسی ابزاری است که افراد با استفاده از آن سعی در به دست آوردن و استفاده

1. Ardiooid

2. lewis

3. Ferris

از قدرت دارند (سلاجقه و ناظری، ۱۳۸۹).

در حالی که دو نوع نگاه کاملاً منفی و کاملاً مثبت به سیاست و قدرت با انتقادات جدی رو به رو است، اسلام تصویری کلی و مطلق از سیاست و قدرت ارائه نکرده و هر دو بُعد مثبت و منفی را مورد توجه توجه قرار می دهد. در این تلقی، سیاست و قدرت به ذاته نمی تواند مثبت یا منفی باشد، بلکه این هدف است که خصلت واقعی آن را بازگو می کند. در این تلقی، سیاست نه صرفاً پدیده ای اخلاقی است و نه واقعیتی آکنده از شرور و تباهی، بلکه دارای ماهیت دوگانه ای است که در یک طرف آن، عقلانیت اندیشه و رفتاری مبتنی بر مصلحت وجود دارد و در طرف دیگر آن، قدرت طلبی، حسادت و فزون خواهی. هر چند غایت و حد نهایی این دوگانگی با مطلوبیت رفتاری مبتنی بر عقلانیت دینی تصویر می شود، اما همواره در این مسیر با قدرت طلبی و فزون خواهی انسان که بازتاب دهنده غرایز انسانی است رو به رو می باشد. (سجادی، ۱۳۸۱). رفتار سیاسی آن فعالیت‌های است که به عنوان بخشی از نقش رسمی فرد در سازمان ضرورت ندارد، اما در تعریف دیگر توزیع مزایا یا زبان‌هایی را در داخل سازمان تحت تأثیر قرار دهند، یا تلاش می کنند که تحت تأثیر قرار دهند (گیتیس و لیودنز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). رفتار سیاسی، رفتاری خارج از مقررات شغلی است، این رفتار نیازمند مقداری تلاش جهت به کارگیری قدرت شخصی است.

میزان سیاسی بودن یک مدیر مربوط می شود به محدودیت‌های سازمان رسمی، ضوابط اخلاقی فردی وجدان مدیر، بدیهی است که مقداری سیاست واقعیت زندگی هر سازمانی است، صرف نظر از گنجایش افراد درگیر یا میزان رسمی بودن قوانین و مقررات در سازمان (آدر، ۲۰۱۹)<sup>۲</sup>. وقتی سازمان با پدیده عدم اطمینان و اختلاف نظر اعضا روبه رو شود، می تواند به وسیله سیاست سازمانی به هدف یا نتیجه مورد نظر برسد (ریچارد، ۱۳۸۲). ریشه سیاست و رهبری در سازمان بر پایه قدرت است، اگر افراد قدرت را در راستای تحقق اهداف سازمانی استفاده نمایند، رفتار سیاسی مشروع یا قانونی نامند و اگر در راستای اهداف و نفع شخصی مورد استفاده قرار گیرد، رفتار سیاسی غیر مشروع یا غیر قانونی نامند. بنابراین رفتار سیاسی (مشروع) یعنی سیاست های عادی روزانه که نمونه های آن عبارتند از: شکایت به سرپرست، نادیده گرفتن سلسله مراتب اختیارات، تشکیل ائتلافها، سخت گیری افراطی در مقررات، از سوی دیگر، رفتار سیاسی افراطی یا نامشروع آنهایی هستند که قوانین و مقررات را نقض می کنند و اصطلاحاً اخلاقلگری نامیده می شود. و می توان مواردی از قبیل: تهدید کردن، دیگران را متهم کردن به رشوه، خلاف وسهیل انگاری خرابکاری، آشوب، اختشاش، تعهدات همزمان با چند سازمان و دورویی و... اشاره

1. Gintis&Liodenz

2. Ader

کرد. (مقیمی، ۱۳۸۵). بنابراین برای مدیریت رفتار سیاسی سازمانی می‌توان هم با رویکرد اصول اخلاقی (کاهش عدم اطمینان در سیستم، کاهش رقابت، ارتباطات آشکار، مطالعه علتها و فنون و رفتارهای سیاسی، مدیریت مشارکتی...) و هم با رویکردهایی دیگر از جمله قانون‌گریزی (عدم رعایت یا نقض قوانین و مقررات، پارتی بازی و...) مورد توجه قرار گیرد. (رضائیان، ۱۳۹۰) عوامل موثر بر شکل‌گیری رفتار سیاسی را می‌توان به دو دسته عوامل فردی و سازمانی تقسیم کرد (رابینز<sup>۱</sup>، ۱۳۸۱).

این که در انجام رفتار سیاسی باید اصول اخلاقی را رعایت کرد، یک اصل است، اگرچه در رفتارهای سیاسی نمی‌توان به صورتی دقیق مشخص کرد که چه نوع کاری اخلاقی و کدام یک غیر اخلاقی است. رعایت اصول اخلاقی در رفتار سیاسی باید در جهت تامین منافع سازمانی باشد. بطور مثال، اگر کسی دست به شایعه پراکنی زده درباره امنیت یا سلامت یک محصول یا خدمت حرف‌های نادرستی بزند و هدف او این باشد که گروه طراح محصول یا خدمت را بد نام کند، نوع کار او غیر اخلاقی است. اگر مدیر یک بخش از سازمان با مدیر بخش دیگر در مورد بستن یک قرارداد مبهم رایزنی و تبادل نظر کند، این کار به هیچ وجه غیر اخلاقی نیست، اما اگر این مدیر به اصطلاح بخواد آب را گل آلود کند و از این طریق باج‌خواهی کند، کار او غیر اخلاقی محسوب می‌شود، زیرا بدین گونه به حریم مشخص مدیر دیگر تجاوز کرده است. در رابطه با اصول اخلاقی و رفتار سیاسی سازمانی می‌بایست رفتار سیاسی با رعایت عدل و انصاف سازگار باشد. اگر یک مدیر درباره عملکرد یکی از کارکنان را گزاره‌گویی کند و در مورد فرد دیگر حق‌کشی کند، باید گفت نوع رفتار او درباره فرد دوم از روی بی‌عدالتی است. اگرچه هدف مدیر از این عمل، افزایش حقوق و پاداش به فردی بوده که مدیر قصد داشته است به او کمک یا لطف کند. از سوی دیگر، صاحبان قدرت می‌توانند با قدرت بیان بگونه‌ای وانمود کنند که تامین منافع شخصی آنان به نفع سازمان است. به همین شیوه، آنها می‌توانند خلاف کاری‌ها را نیکو و معقول جلوه دهند. نکته اساسی این است که افراد خلاف کار می‌توانند هر نوع رفتاری را توجیه کنند و از هر نوع اتهام خود را برهاند و همواره خود را از بدی مبرا سازند. بنابر این، پایگاه‌های قدرت قوی موجب فساد می‌شود. همچنین، افراد بدون قدرت، بیش‌تر اصول اخلاقی را رعایت می‌کنند و بهترین دلیلی را که می‌توان در این زمینه ارائه کرد این است که آنان هیچ پایگاه و هیچ نفع سیاسی ندارند تا از آن سوء استفاده کنند. (کونق و همکاران<sup>۲</sup>، ۱۹۸۱).

امروزه، ادراک اخلاقی از رفتارهای سازمانی توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است؛ به نوعی که حتی مطالعات مقایسه‌ای نیز در این خصوص بین قومیت‌ها و فرهنگی

1 Rabinz

2. Cavanagh & Et al

های قومی در سطح جهان انجام شده است. (رالستون و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴) که رعایت اخلاقی بین فرهنگهای ملی مخالف را مطالعه کردند، نشان دادند که بین ادراک مدیران هنگ کنگی و آمریکایی جهت به کار گیری رفتار سیاسی به منظور اعمال نفوذ و قدرت در سازمان تفاوت وجود دارد.

امروزه آموزش اخلاق پزشکی در دانشکده های پزشکی با چالش هایی همراه است. او بر این باور است که در دانشکده های پزشکی نیر رفتار های سیاسی وجود داشته و به همین خاطر این امر می تواند آموزش اخلاق پزشکی در این دانشکده ها را تحت الشعاع خود قرار دهد. (نیچولاس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹)

در معنای مدرن، «سیاست اخلاقی» غیر از «اخلاق سیاسی» است. «اخلاق سیاسی» به منطق حاکم بر پدیده های سیاسی اشاره دارد. سیاست اخلاقی» به این معنا است که باید سیاست با منطق مستقلی که دارد با استفاده از اخلاق و قواعد حاکم بر حوزه اخلاق که یک دانش هنجاری است و متصدی بیان مجموعه ای از بایدها و نبایدهای برآمده از دین، عقل، وجدان و... است، اصلاح شود و تحت کنترل اخلاقی درآید. بنابراین جهت اخلاقی کردن سیاست و سالم سازی سیاست، نیازمند مجموعه ای از خصوصیات است از جمله: عدالت، حدود الهی در جوامع دینی، عقلانیت، شفافیت می باشد. (شفیعی، ۱۳۹۷). هرچند تحقیقات مختلف، طبقه بندی های گوناگونی از محور مطالعات درباره سیاست عرضه کرده اند، اما به طور کلی، تحقیقات در این زمینه را می توان به دو دسته کلی بر مبنای واقعیت های رفتار سیاسی و به ادراک از رفتار های سیاسی، طبقه بندی نمود. دسته اول از تحقیقات بر توسعه رفتار های سیاسی و توسعه مهارت های سیاسی تمرکز کرده اند. دسته دوم تحقیقات بر ادراک از رفتار های سیاسی سیاست در سازمان متمرکزند. با عنایت به اینکه نظام بانکی یکی از مهمترین اجزاء نظام اقتصادی در ارتقاء جایگاه ایران در سطح بین المللی است چرا که در بخش مهمی از تامین مالی کشور بر عهده سیستم بانکی است و جهت حفظ مزیت رقابتی و جذب منابع و سرمایه های خارجی ناچار با تعامل سازنده و موثر با سایر ارگانها و سازمانهای دیگر هستند تا بتوانند به اهداف سند چشم انداز دست یابند، این ارتباطات درون و بیرون سازمانی، امکان بروز رفتار سیاسی سازمانی و آسیب پذیری را تشدید می کند. لذا بدلیل اهمیت این موضوع و اینکه رفتار سیاسی عملاً در سازمان ها غیر اجتناب پذیر است و نمی توان از بین برود، بلکه فقط می توان با رعایت اصول اخلاقی آنرا مدیریت کرد و در جهت کاهش پیامد های منفی رفتار سیاسی سازمانی گام بر داشت، به این پژوهش پرداخته شده است.

1 . Ralston & Et al

2. Nicholas

(موسوی و همکاران، ۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان «بررسی نقش رفتارهای سیاسی بر بروز رفتارهای منافقانه با نقش میانجی معنویت» انجام شده است. پروژه حاضر از لحاظ هدف، کاربردی از نظر جمع آوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی و از شاخه مطالعات پیمایشی به شمار می‌آید، جامعه آماری پروژه، کارکنان جهاد کشاورزی استان فارس هستند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، نمونه‌ای به اندازه ۱۰۴ نفر از کارکنان آن به عنوان اعضای نمونه انتخاب شده‌اند. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسشنامه استاندارد جمع‌آوری شده است که برای تحلیل آنها از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزاری SPSS استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رفتارهای سیاسی، رابطه مثبت و معنی‌داری بر رفتارهای منافقانه دارد. همچنین نتایج حاصل از بررسی داده‌ها نشان دهنده آن است که معنویت، رابطه معکوس و معنی‌دار بر رفتار منافقانه دارد. رفتارهای سیاسی نیز از طریق معنویت می‌تواند باعث کاهش رفتارهای منافقانه شود. تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه بین منابع قدرت مدیران با رفتار سیاسی کارکنان» انجام شده است. که در این پژوهش به منظور گردآوری داده‌ها از دو پرسش‌نامه استاندارد علمی منابع قدرت (هنکین و شرایخیم، ۱۹۸۹)<sup>۱</sup>، و پرسش‌نامه رفتار سیاسی (دوربین، ۱۹۷۸)<sup>۲</sup> استفاده شد. نتایج حاکی از آن است که سه منبع قدرت مدیران، شامل قدرت تخصص، قدرت پاداش و قدرت مرجعیت با رفتار سیاسی کارکنان رابطه معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد داشته و دو قدرت اجبار و قانونی با رفتار سیاسی کارکنان رابطه معنادار نداشته‌اند (باغ‌خواستی و ضامن، ۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر پارتی‌بازی بر نگرش و رفتار کارکنان مورد مطالعه: کارکنان یک شرکت دولتی» دریافته‌اند در صورتی که سازمانها از وابستگان رده‌های بالای سازمانی برای استخدام استفاده کنند، انگیزه کلیه کارکنان سازمان برای رقابت را از بین می‌برند. بطور کلی می‌توان استنباط کرد که پارتی‌بازی می‌تواند اقدامات و عملکرد مدیریت منابع انسانی را به طور منفی تحت تأثیر قرار داده و همچنین اثر منفی روی سطوح رضایت کارکنان داشته باشد. از طرفی پارتی‌بازی بر رفتارهایی مانند میل به ترک خدمت و تبلیغات شفاهی منفی علیه سازمان اثر مثبت می‌گذارد. بنابراین، در این پژوهش سعی شده است تا تأثیر پارتی‌بازی بر نگرش و رفتار کارکنان بررسی شود. با توجه به ادبیات و پیشینه پژوهش ۱۱ فرضیه اصلی مطرح و مورد آزمون قرار گرفت. داده‌ها توسط نرم‌افزار اس‌پی‌اس‌س هجده و اموس بیست تجزیه و تحلیل شدند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که پارتی‌بازی اثر منفی بر اقدامات منابع انسانی، رضایت شغلی و اثر مثبتی بر تمایل به ترک سازمان و بیان کلمات منفی در مورد سازمان دارد. به ترک سازمان و بیان کلمات منفی در مورد سازمان دارد. (آزاد بخت

1. Henkin&shraikhim

2. Dorbin

و مواهبی طلبابائی، ۱۳۹۴)، تحقیقی با عنوان «رفتار سیاسی فردی در روابط سازمانی» انجام شده است. در این تحقیق سعی در توضیح رفتار سیاسی افراد در سازمانها دارد. همچنین نشان می دهد که به عنوان سازمان نظریه از رفتار سیاسی فرد در سازمانها غفلت می ورزد، بنابراین، رفتار سیاسی فردی در زمینه های سازمانی با استفاده از سه بعد اصلی رفتارهای سیاسی مورد بررسی قرار می گیرد: داخلی/ خارجی، عمودی/ جانبی و مشروع/ نامشروع. الگویی بر اساس این ابعاد ارائه می شود که نتیجه می گیرد به دلایل مختلف مثلاً کار کردن با شخص، سیاسی کردن قدرت، منابع، دانش، اقتدار و تأمین امنیت مواضع آنها (ابدل لطیف<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱).

(مندجین و شیرکش، ۱۳۹۷)، پژوهشی با هدف بررسی رابطه اخلاق کار و رفتار شهروندی سازمانی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشت درمانی تهران انجام شده است. روش پژوهش کاربردی و از نوع تحقیقات توصیفی پیمایشی محسوب می شود. جامعه آماری بالای ۲۰۰۰ نفر هستند و حجم نمونه طبق فرمول کوکران تعداد ۴۲۶ نفر انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است و طبق نتایج تحقیق که آزمون پیرسون در راستای تایید یا عدم تایید فرضیات تحقیق، استفاده شده است، یافته ها حاکی از این است که بین اخلاق کار و رفتار شهروندی سازمانی در کارکنان دانشگاه رابطه وجود دارد و در دانشگاه تاثیر بسزایی دارد. (قیوم زاده و مقدم، ۱۳۹۳)، پژوهشی با هدف بررسی اخلاق مداری مبنای ارتقاء حقوق شهروندی انجام شده است. با وجود مشکلات و آسیب های اجتماعی- فرهنگی در شهرها، عدم آسایش شهروندان، ایجاد تاثیرات منفی بر سیاست کلان کشور، شکل گیری و نهادینه شدن اخلاق شهروندی برای ما ضرورتی اساسی دارد. لذا با ارایه پیشنهاداتی به منظور آگاهی و شناخت جامعه و فعال نمودن مشارکت شهروندان در ترویج اخلاق شهروندی و نهادینه نمودن آن در احقاق حق شهروندی گامی جدی برداشته تا درجه اجرای کامل حقوق شهروندی تلاشی موثر صورت گیرد. لازمه موفقیت سازمانها در صنعت بانکداری اخلاق مدار رهبری و مدیریت مبتنی بر ارزش های اخلاقی است. که با ایجاد هماهنگی و ثبات رویه، حرکت آنها را به سمت وضعیت مطلوب تسهیل می کند. مدیریت اخلاق مدار با رعایت اخلاق کار و مسولیت اجتماعی از طریق افزایش مشروعیت اقدامات سازمان، استفاده از مزایای ناشی از افزایش درآمد، سود آوری و بهبود مزیت رقابتی، موفقیت سازمان را تحت تاثیر قرار می دهد. مدیریت اخلاق مدار برای شناسایی و اولویت بندی ارزشهای اخلاقی در جهت هدایت رفتار در سازمان و تحقق مسولیت های اخلاقی در آن است. اصلی ترین هدف برنامه های مدیریت اخلاق، ایجاد تعامل میان ارزشهای رقیب است. (سلطانی، ۱۳۸۲).

## روش اجرا و پژوهش (متولوژی)

در این پژوهش از حیث فلسفه پژوهش در زمره پارادایم اثبات‌گرایی و از نوع کاربردی و از حیث صبغه پژوهش کیفی و کمی، دارای رویکرد استقرائی و قیاسی و راهبرد پیمایشی است. این پژوهش از حیث هدف اکتشافی است و به اکتشاف متغیرها می‌پردازد. همچنین، روش انجام پژوهش، آمیخته (کیفی و کمی) است.

## جامعه آماری و نمونه آماری

جامعه آماری در این تحقیق مدیران و کارکنان در سطح صف و ستاد کشور در صنعت بانکداری بخش دولتی است. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از مصاحبه عمیق (نیمه ساختار یافته) با طرح سؤالاتی که بر اساس مبانی نظری و اهداف پژوهش تدوین شده بود با ۱۲ نفر از خبرگان که از روسا موفق و مدیران نمونه در صنعت بانکداری بخش دولتی در مستقر در کلیه شعب و ستاد در سطح کشور که دارای پست سازمانی بالا، سابقه بالا، مدرک تحصیلی بالا، تجربه و دانش مناسب در رشته مدیریت و حوزه امور بانکی در صنعت بانکداری بودند، بصورت نمونه‌گیری از روش گلوله برفی انتخاب شدند انجام شد تا به مرحله اشباع داده‌ها رسیدیم، با این حال جهت اطمینان بیشتر از اشباع داده‌ها تا ۱۵ نفر مصاحبه از خبرگان ادامه یافت. در بخش کمی تعداد کل جامعه آماری ۷۵۰۰ نفر (در مجموع دو بانک دولتی ملی و سپه در سطح کارکنان و مدیران مستقر در شعب و ستاد استان تهران) می‌باشد و سپس با استفاده از جدول مورگان، تعداد ۳۶۵ نفر به‌عنوان نمونه تصادفی انتخاب شدند، سپس نظرات تعداد ۳۶۵ نفر کارکنان در بانکهای دولتی ملی و سپه مستقر در شعب و ستاد استان تهران جمع‌آوری شده است.

## روایی و پایایی ابزار پژوهش

در بخش کیفی جهت حصول اعتبار و بررسی استحکام داده‌های پژوهش نیز از معیارهای انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تایید‌پذیری استفاده شد. در بخش کمی جهت اعتبار‌گویی‌ها و پرسشنامه استخراج شده از اطلاعات مصاحبه از شاخص‌های CVI و CVR و جهت تایید پایایی (آلفای کرونباخ) انجام شد.

## روش تحلیل داده‌ها

در بخش کیفی تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مضمون و از نرم افزار MAXQDA انجام شده است و در بخش کمی با استفاده از نرم افزار Lizrel و تکنیک تحلیل عاملی تاییدی (CFA)،<sup>۱</sup> برای بررسی تأثیر مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی بر عوامل شناسایی شده بروز رفتار سیاسی سازمانی استفاده شد و برای تأیید الگوی پیشنهادی از مدل سازی معادلات ساختاری با نرم افزار PLS استفاده گردید.



## یافته های پژوهش

در ادامه عوامل شناسایی شده از داده های مستخرج شده از مصاحبه ها با خبرگان بوسیله روش تحلیل مضمون به همراه (کدهای باز و محوری) به طور تفصیلی مورد بررسی قرار گرفت. در مجموع ۱۶۴ مفهوم (کد باز)، ۴۱ مقوله (کد محوری) و هفت عامل در دو دسته ( رفتار سیاسی سازمانی و مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی) دسته بندی شدند.

۱. عوامل شخصی (فردی و اخلاقی): در بررسی عوامل فردی، ۵۳ کد باز و ۸ کد محوری شناسایی شده اند. در جدول (۱)، به شرح ذیل عوامل فردی و اخلاقی مؤثر بر رفتار سیاسی سازمانی اشاره شده است.

جدول (۱)، عوامل شخصی (فردی و اخلاقی) مؤثر بر رفتار سیاسی سازمانی

ردیف	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	شماره کد
۱	توجه به ارزش ها و اصول اخلاقی و الزامات آن در رفتار	رفتار متواضعانه کارکنان	۱.
		متقاعد کردن با دلیل و منطق	۲.
		انجام کارها بی منت	۳.
		عدم تهدید در مقابل قبول و رد درخواست ها	۴.
		عدم انعطاف پذیری	۵.
		رفتار اخلاق مدارانه کارکنان	۶.
		اعتقاد به ارزش ها	۷.
		انجام کار و مدیون کردن دیگران از نظر اخلاقی	۸.
		رفتار حرفه ای کارکنان و مدیران	۹.
		راز داری محرم اسرار	۱۰.
		مسئولیت پذیری	۱۱.
		پرهیز از رفتارهای پنهان	۱۲.
		قبول درخواست ها بدون مانع تراشی	۱۳.
۲	ویژگی های جمعیت شناختی	جنسیت	۱۴.
		میزان تحصیلات	۱۵.
		سابقه تجربه کاری	۱۶.
۳	ویژگی های شخصیتی	دارا بودن ویژگی های هوش هیجانی	۱۷.
		دارا بودن دیدگاه ماکیاولیسم	۱۸.
		منطق گرا	۱۹.
		شبیه گرایی	۲۰.

۴	تعلق و تعهد سازمانی	تعهد به انجام کارها	۲۱.
		انجام مطلوب وظایف شغلی	۲۲.
		ارتباط اثر بخش با دیگران	۲۳.
		ارتباط خوب و دوستانه	۲۴.
		احساس راحتی در مرادده های بین فردی	۲۵.
		توافق با عقاید دیگران	۲۶.
		عدم استفاده از رانت اطلاعاتی	۲۷.
		سوء استفاده از قدرت مقام برای انتصاب کارکنان	۲۸.
۵	مهارت سیاسی افراد	توانایی شبکه سازی	۲۹.
		زیرکی اجتماعی	۳۰.
		نفوذ بین فردی	۳۱.
		هوش سیاسی (هوش تدبیری)	۳۲.
۶	قدرت فردی	قدرت پاداش	۳۳.
		قدرت تنبیه یا سرکوب	۳۴.
		قدرت قانونی	۳۵.
		قدرت صلاحیت	۳۶.
		قدرت مهارت	۳۷.
		قدرت فرصت	۳۸.
۷	اراده سیاسی افراد	نیاز موفقیت (موقعیت طلبی)	۳۹.
		نگرش سیاسی	۴۰.
		فنون سیاسی	۴۱.
		قصد (اهداف) سیاسی	۴۲.
۸	مدیریت تصویر پردازی (اثر گذاری)	سازگاری	۴۳.
		عذر و بهانه	۴۴.
		عدم پوزش	۴۵.
		نداشتن ادعا	۴۶.
		عدم چاپلوسی	۴۷.
		لطف و محبت	۴۸.
		معاشرت	۴۹.
		خوش بینی	۵۰.
		خود محور	۵۱.
		فعال و پر تلاش جلوه دادن افراد	۵۲.
		اخراج و تعدیل	۵۳.

۲. عوامل شغلی: در بررسی عوامل شغلی، ۱۰ کد باز و ۴ کد محوری شناسایی شده اند. در جدول (۲)، به شرح ذیل عوامل شغلی مؤثر بر رفتار سیاسی سازمانی اشاره شده است. جدول (۲)، عوامل شغلی مؤثر بر رفتار سیاسی سازمانی

ردیف	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	شماره کد
۱	عدم تطبیق مسئولیت و تخصص کارکنان	جابجائی کارکنان در سازمان	۱
		تحقیر افراد	۲
		غیبت مکرر و بدون دلیل	۳
		استرس شغلی	۴
		بی هویتی شغلی	۵
		فرسودگی شغلی	۶
۲	غنی سازی شغلی	رضایت شغلی	۷
		بهره وری شغلی	۸
۳	استقلال در تصمیم گیری	تصمیم گیری در شغل به صورت انفرادی و بدون مشارکت	۹
۴	بازخورد محیط	حمایت از بازخورد با هدف عملکرد کارکنان	۱۰

۳. عوامل سازمانی: در بررسی عوامل سازمانی، ۲۰ کد باز و ۵ کد محوری شناسایی شده اند. در جدول (۳)، عوامل سازمانی مؤثر بر رفتار سیاسی سازمانی به شرح ذیل اشاره شده است.

جدول (۳)، عوامل سازمانی مؤثر بر رفتار سیاسی سازمانی

ردیف	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	شماره کد
۱	ساختار سازمانی	بعد رسمیت از منظر ساختار سازمان	۱
		بعد پیچیدگی از منظر ساختار سازمان	۲
		بعد تمرکز از منظر ساختار سازمان	۳
		تنوع در ساختار سازمانی	۴
۲	فرآیندهای سازمانی	تحقق اهداف سازمان به صورت دستوری	۵
		تغییر در چارت سازمانی	۶
۳	ارزشیابی سازمانی	عدم توجه به ارزش ها و هنجارهای سازمان	۷
		رعایت ارزشهای اصلی سازمان	۸

		معیار و شاخص جهت ارزیابی عملکرد	۹
		عدم رعایت سیاست و رویه های سازمان	۱۰
		اختصاص امتیازهای ویژه (پاداش)	۱۱
۴	انتصابات و انتخابات سازمانی	ریاست طلبی	۱۲
		عدم توجه به دانش و تخصص مدیران	۱۳
		عدم به کارگیری افراد متعهد و متخصص (شایسته گزینی)	۱۴
		عدم شایسته سالاری در انتصابات و ارتقاء کارکنان	۱۵
		عدم جانشین پروری	۱۶
۵	فرهنگ سازمانی	عدم جامع پذیری کارکنان	۱۷
		عدم فرهنگ قوی در سازمان	۱۸
		عدم وجدان کاری کارکنان	۱۹
		زبان سازمان	۲۰

۴. عوامل اجتماعی و فرهنگی: در بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی، ۱۷ کد باز و ۵ کد محوری شناسایی شده اند. در جدول (۴)، عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر رفتار سیاسی سازمانی به شرح ذیل اشاره شده است.

جدول (۴)، عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر رفتار سیاسی سازمانی

ردیف	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	شماره کد
۱	باور عمومی	قدرت رسانه و فضای مجازی در شایعه سازی	۱
		عدم ادراک سیاسی از فرهنگ غالب	۲
		انتظارات مختلف بر اساس نیاز مردم از بانکها	۳
		پاسخ گویی به انتظارات جامعه	۴
		بدبینی به عرصه سیاست در جامعه اکثریت مردم	۵
۲	رفتار مذهبی و فرهنگی	عضویت در تیم های فرهنگی و مذهبی (بسپج)	۶
		حمایت از مراسم فرهنگی	۷
۳	تبلیغات و بازاریابی	بزرگنمایی محصولات و خدمات بانکی	۸
		جذب مشتریان با دادن وعده خدمات ویژه به آنها	۹

۴	نهادینه کردن الگوی قوانین و مقررات بانکی	مراجع متعدد تصویب قوانین و مقررات	۱۰
		عدم نظارت و کنترل بر قوانین و مقررات	۱۱
		عدم بروز رسانی قوانین و مقررات	۱۲
		عدم شفافیت قوانین و مقررات بانکی	۱۳
		رعایت قوانین و مقررات بانکی	۱۴
۵	شکاف فرهنگی و اجتماعی	شکاف قومی فرهنگی در ایران	۱۵
		شکاف متقاطع	۱۶
		عدم مشارکت سیاسی	۱۷

۵. عوامل اقتصادی و سیاسی: در بررسی عوامل اقتصادی و سیاسی، ۹ کد باز و ۲ کد محوری شناسایی شده اند. در جدول (۵)، عوامل اقتصادی و سیاسی مؤثر بر رفتار سیاسی سازمانی به شرح ذیل اشاره شده است.

جدول (۵)، عوامل اقتصادی و سیاسی مؤثر بر رفتار سیاسی سازمانی

ردیف	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	شماره کد
۱	ماهیت دولتی صنعت بانکداری (نوع نظارت بانکها)	اعمال نفوذ عوامل بیرونی به سازمان	۱
		دخالت دولت	۲
		عدم استقلال بانک مرکزی و بانکها	۳
		عدم نظارت و کنترل سیستمیک و سیستماتیک بر فعالیتهای	۴
		بانک محور بودن اقتصاد کشور	۵
		عدم نیاز مدیریت حرفه ای	۶
		غیر رقابتی بودن صنعت	۷
۲	تخصیص منابع	دولت رانتیبر(دولتی که منبع درآمد آن از نفت است)	۸
		عدم تناسب بین منابع بانکها و نیازهای مردم در جامعه	۹

۶. عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی: در بررسی عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی، ۷ کد باز و ۵ کد محوری شناسایی شده اند. در جدول (۶)، عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی مؤثر بر رفتار سیاسی سازمانی به شرح ذیل اشاره شده است.

جدول (۶)، عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی مؤثر بر رفتار سیاسی سازمانی

ردیف	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	شماره کد
۱	تأثیر نظام پولی جهانی بر بانکها	تأثیر پول رسمی سایر کشور (دلار و یورو) بر صنعت بانکداری	۱
		هژمونی پولی	۲
۲	تأثیر نظام مالی جهانی بر بانکها	نقش سوئیف در تبادلات مالی در عرصه بین‌المللی	۳
		عدم تبادلات مالی / غیر مالی با سایر کشورها	۴
۳	مسائل فنی و تکنیکال	فقدان آگاهی تکنیکال از فرایند بانکی جهانی	۵
۴	توافقات سیاست خارجی (بین‌المللی)	اعمال قدرت و نفوذ کشورهای بیگانه بر سیاست‌های بانکها/ اقتصاد	۶
۵	جایگاه منطقه‌ای خاورمیانه	شرایط اقلیمی بانکها در منطقه	۷

۷. عوامل مدیریتی با رویکرد اخلاقی: در بررسی عوامل مدیریت رفتار سیاسی با رویکرد اخلاقی، ۴۸ کد باز و ۱۱ کد محوری شناسایی شده‌اند. در جدول (۷)، عوامل مؤثر بر مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اخلاقی به شرح ذیل اشاره شده است.

جدول (۷)، عوامل مؤثر بر مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی

ردیف	کد محوری	کدهای باز	شماره کد
۱	بازنگری فرهنگ سازمانی	توانمند سازی واحد های مرتبط با تخلفات سازمانی	۱
		تدوین اصول و الزامات اخلاقی در سازمان (با وجدان بودن در کار پاسخگویی فردی (مسئولیت اجتماعی)	۲
		ترویج اصول اخلاقی و ترویج ارزش‌ها مدیریت و رعایت آن‌ها (حفظ صداقت، حفظ تعهد و تعلق افراد، سلامت اداری و اعتماد آفرینی)	۳
		حل تعارض بین کارکنان	۴

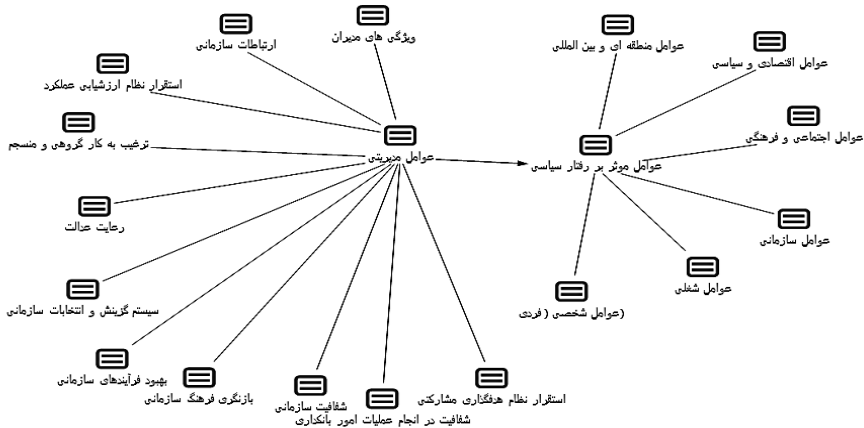
		اعتماد سازی در سازمان	۵
		وظیفه شناسی	۶
		قانون مداری	۷
		صداقت	۸
		معنویت در کار	۹
۲	سیستم گزینش و انتخابات سازمانی	استقرار سیستم جانشین پروری در سازمان	۱۰
		استقرار سیستم شایسته سالاری و شایسته گزینی	۱۱
		گزینش کارکنان / مدیران با ظرفیت بالقوه اخلاقی	۱۲
۳	استقرار نظام ارزشیابی (ارزیابی) عملکرد	معیارها و شاخص های ارزیابی عملکرد کارکنان	۱۳
		نظام ارزشیابی مستمر	۱۴
		سطح اطمینان در سازمان	۱۵
		رعایت انصاف	۱۶
		پاداش بر اساس عملکرد کارکنان	۱۷
۴	استقرار نظام هدفگذاری مشارکتی در سازمان MBO	مشارکت در تصمیم گیری	۱۸
		تعیین اهداف سازمان	۱۹
		تحقق اهداف در سازمان با مشارکت همه کارکنان	۲۰
۵	بهبود فرایندهای سازمانی	ایجاد محیط رقابتی در سازمان	۲۱
		توجه به محیط کار کارکنان جهت رشد و شکوفایی	۲۲
		مدیریت عقلایی در سازمان	۲۳
۶	شفافیت سازمانی	نظارت و کنترل بر هزینه های سازمانی	۳۴
		شفافیت در میزان تخصیص بودجه	۲۵
		شفافیت انتظارات از کارکنان	۲۶
		رویت رفتار و عملکرد شغلی مدیران	۲۷
۷	شفافیت در انجام	ممنوعیت سرمایه گذاری بانکها در فعالیتهای غیر بانکی	۲۸

	عملیات امور بانکداری (جذب منابع و اعطای تسهیلات، مدیریت دارایی و..)	شفافیت پرداخت سود به سپرده مشتریان	۲۹
		شفافیت در اعلام نرخ سود و نرخ جریمه در تسهیلات اعطایی	۳۰
		رونق بخشی در تولید کشور	۳۱
		عدم بنگاه داری بانکها	۳۲
		عدم دریافت رشوه از مشتریان	۳۳
۸	رعایت عدالت	عدالت رویه‌ای	۳۴
		عدالت توزیعی	۳۵
		عدالت تعاملی	۳۶
		عدالت سازمانی	۳۷
۹	ترغیب به کار جمعی و گروهی منسجم	ایجاد گروه های کاری	۳۸
		مشورت و همفکری	۳۹
۱۰	ارتباطات سازمانی	ارتباطات بین کارکنان و مدیران و مشتریان	۴۰
		شناسایی افراد افراد قدرتمند و با نفوذ در سازمان	۴۱
		احترام در روابط	۴۲
۱۱	ویژگی‌های مدیران	پاسخگو بودن مدیران	۴۳
		قدرت تصمیم‌گیری مدیران	۴۴
		شناسایی موقعیت‌ها و فرصت‌ها	۴۵
		تعهد مدیران بر رفتار سیاسی مشروع	۴۶
		آگاهی مدیران از رفتار سیاسی مشروع	۴۷
		شناسایی علتها و فنون رفتار سیاسی	۴۸

بنابراین در مرحله اول، بر اساس مصاحبه‌های نیمه ساختارها بر اساس مبانی نظری و اهداف تحقیق، با خبرگان (رؤسا و مدیران در سطح شعب و ستاد بانکهای دولتی) و با روش تحلیل مضمون به شناسایی و استخراج عوامل مؤثر بر بروز رفتار سیاسی سازمانی و همچنین مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی پرداخته شد و از روش تثلیث (تاکید پذیری، انتقال پذیری و اطمینان پذیری) جهت حصول اعتبار بیشتر داده‌ها استفاده گردید. سپس مدل مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی با نرم افزار مکس کیودا به شرح



ذیل در شکل (۲)، بیان شده است.



شکل (۲)، مدل مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اخلاقی

در ادامه به بررسی عوامل شناسایی شده با تکنیک‌های کمی پرداخته شده است. ابتدا ویژگی‌های دموگرافیک جامعه پژوهش جهت توزیع پرسشنامه به شرح ذیل بیان شده است و سپس از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف<sup>۱</sup> برای آزمون نرمال بودن داده‌ها استفاده شده است.

### ویژگی‌های دموگرافیک جامعه

از شاخص‌های آمار توصیفی برای بررسی ویژگی‌های دموگرافیک پاسخ دهندگان استفاده شده است. فراوانی پاسخ دهندگان براساس جنسیت، سن، میزان تحصیلات به شرح ذیل مورد بررسی قرار گرفته است.

#### الف) جنسیت

از کل ۳۶۵ نفر نمونه آماری، ۲۹۶ نفر (۸۱٪) از پاسخ دهندگان مرد هستند و ۶۹ نفر زن می باشند (۱۹٪).

#### ب) سن

از کل ۳۶۵ نفر نمونه آماری، ۱۰۸ نفر از پاسخ دهندگان ۲۵ تا ۳۵ سال سن دارند. (۲۹,۵٪)، ۱۴۴ نفر از پاسخ دهندگان ۳۶ تا ۴۵ سال سن دارند. (۳۹,۵٪)، ۹۹ نفر ۴۵ تا ۵۵ سال سن دارند (۲۷٪) و ۱۴ نفر بیش از ۵۶ سال می باشند. (۴٪)

#### ج) مدرک تحصیلی

از کل ۳۶۵ نفر نمونه آماری، افراد دارای مدرک کارشناسی ۲۸۱ نفر بوده (۷۷٪) و افراد دارای مدرک کارشناسی ارشد ۷۹ می باشند. (۲۱,۵٪)، همچنین ۵ نفر دارای مدرک دکتری

بودند. (۰,۵٪)

همچنین براساس نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف در تمامی متغیرها مقدار معناداری بزرگ‌تر از سطح خطا (۰,۰۵) به دست آمده است؛ بنابراین دلیلی برای رد فرض صفر وجود ندارد و توزیع داده‌ها نرمال است. و در جدول (۸)، به شرح ذیل اشاره شده است.

جدول (۸)، آزمون نرمال بودن داده‌ها

متغیرها	آماره کلموگروف اسمیرنوف	سطح معناداری	نتیجه آزمون
عوامل شخصی (فردی و اخلاقی)	۰,۸۴۷	۰,۱۸۳	نرمال
عوامل شغلی	۰,۹۶۸	۰,۳۴۵	نرمال
عوامل سازمانی	۰,۸۵۷	۰,۳۴۵	نرمال
عوامل فرهنگی و اجتماعی	۰,۹۱۰	۰,۱۱۷	نرمال
عوامل اقتصادی و سیاسی	۱,۱۰۸	۰,۰۹۸	نرمال
عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی	۱,۳۲۸	۰,۱۶۲	نرمال
عوامل مدیریت رفتار سیاسی با رویکرد اصول اخلاقی	۰,۹۳۲	۰,۱۳۰	نرمال

### روایی و پایایی پرسشنامه

جهت اعتبار گوینه‌ها و پرسشنامه استخراج شده از اطلاعات مصاحبه از شاخص‌های CVI و CVR استفاده شد. برای ارزیابی روایی محتوا و جهت اطمینان از اینکه مهم‌ترین و صحیح‌ترین محتوا (ضرورت سوال) انتخاب شده است، نسبت روایی محتوا (CVR) و برای اطمینان از این که سوالات ابزار به بهترین نحو جهت اندازه‌گیری محتوا طراحی شده، از شاخص روایی محتوا (CVI) استفاده شد.

$$CVR = \frac{n_g - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

برای تعیین CVR پرسشنامه، پرسشنامه طراحی شده در اختیار ۱۵ نفر از متخصصین در این حوزه قرار گرفت و با توجه به اینکه مقدار CVR قابل قبول ۰/۴۹ در نظر گرفته شده است. پس از محاسبه CVR، عدد ۰/۶۲ به دست آمد، بنابراین مشخص شد تمام سوالات پرسشنامه اعتبار لازم را دارا بودند.

بدین صورت که متخصصان مربوط بودن هر گوینه را بر اساس یک طیف لیکرتی ۴ گزینه‌ای «۱- غیر مرتبط»، «۲- تا حدی مرتبط»، «۳- مرتبط» و «۴- کاملاً مرتبط» مشخص

می‌کنند. سپس بر اساس فرمول زیر، شاخص روایی محتوایی محاسبه می‌شود:

$$CVI = \frac{\text{تعداد ۴ یا ۳ نمره گویه به که متخصصین تعداد}}{\text{متخصصین کل تعداد}}$$

حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص CVI برابر با ۰/۷۹ در نظر گرفته شده است و اگر شاخص CVI گویه‌ای کمتر از ۰/۷۹ باشد، آن گویه بایستی حذف شود. برای تعیین CVI پرسشنامه، پرسشنامه طراحی شده در اختیار ۱۵ نفر از متخصصین در این حوزه قرار گرفت و پس از محاسبه CVI مشخص شد که تمام گویه‌های پرسشنامه مقدار قابل قبول ۰/۷۹ را کسب کردند.

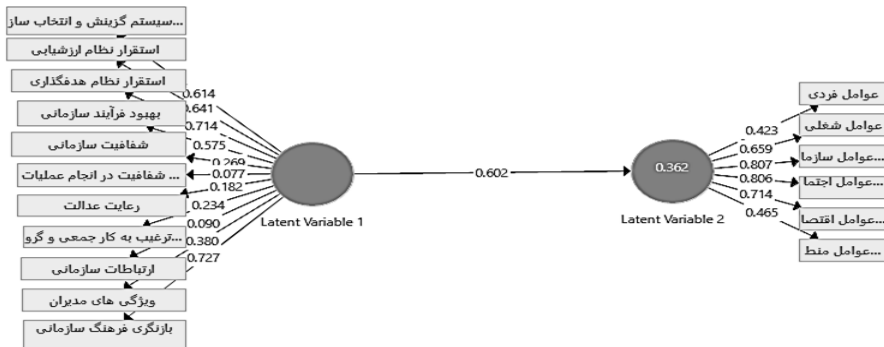
به منظور بررسی پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده می‌شود. محاسبه آلفای کرونباخ یکی از روش‌های مورد تانید در آزمون پایایی پرسشنامه‌ها و مقیاس‌های سنجش نگرش استفاده می‌شود و به شرح ذیل در جدول (۹)، پایایی پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ نشان داده شده است.

جدول (۹)، پایایی پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ

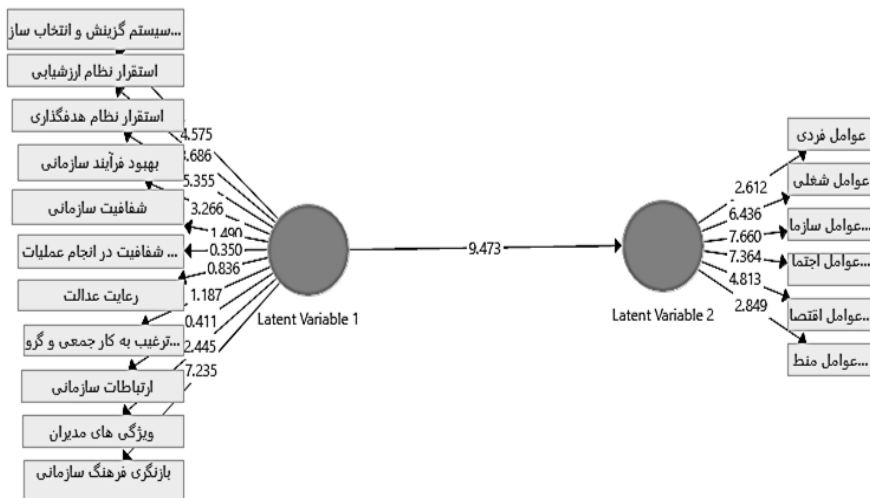
معیارها	آلفای کرونباخ
عوامل شخصی (فردی و اخلاقی)	0.793
عوامل شغلی	0.750
عوامل سازمانی	0.757
عوامل اجتماعی و فرهنگی	0.744
عوامل اقتصادی و سیاسی	0.736
عوامل منطقه ای و بین المللی	0.782
عوامل مدیریتی	0.735

برای سنجش فرضیه‌های تحقیق معادلات ساختاری استفاده شده است. مدل معادلات ساختاری که ساختار علی خاص بین مجموعه‌ای از سازه‌های غیرقابل مشاهده است. یک مدل معادلات ساختاری از دو مؤلفه تشکیل شده است: یک مدل ساختاری که ساختار علی بین متغیرهای پنهان را مشخص می‌کند و یک مدل اندازه‌گیری که روابطی بین متغیرهای پنهان و متغیرهای مشاهده شده را تعریف می‌کند. با استفاده از نرم افزار Smart Pls می‌توان مدل‌های معادلات ساختاری را تحلیل کرد. با استفاده از مدل معادلات ساختاری روابط بین متغیرهای پنهان با یکدیگر و نیز گویه‌های سنجش هر متغیر پنهان با متغیر مربوط قابل بررسی است.

مدل‌های نظری چند متغیره را نمی‌توان با شیوه دو متغیری که هر بار تنها رابطه یک متغیر مستقل با یک متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود، ارزیابی کرد. تجزیه و تحلیل چند متغیره به یک‌سری روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاق می‌شود که ویژگی اصلی آن‌ها، تجزیه و تحلیل همزمان K متغیر مستقل و n متغیر وابسته است. و در اشکال (۳ و ۴) به شرح ذیل به ترتیب بار عاملی مدل کلی و آماره تی مدل کلی تحقیق اشاره شده است.



شکل (۳)، بار عاملی مدل کلی تحقیق



شکل (۴)، آماره تی مدل کلی تحقیق

معیار R squares یا  $R^2$ : هر چه قدر مقدار  $R^2$  مربوط به سازه‌های درون‌زا یک مدل بیشتر باشد نشان از برازش بهتر مدل است. چین (۱۹۹۸) سه مقدار ۰، ۰، ۱۹، ۰، ۳۳، ۰، ۶۷ را به‌عنوان ضعیف، متوسط، قوی بودن مدل را تعیین می‌کنند. مقدار  $R^2$  برای سازه عوامل ۰/۳۶۲ که در

شکل مشخص شده است. با توجه به سه مقدار ملاک مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تایید می سازد.

### برازش کلی مدل (معیار GOF)

این معیار مربوط به بخش کلی مدل های معادلات ساختاری است. بدین معنی که توسط این معیار، محقق می تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود برازش بخش کلی را نیز کنترل نماید. معیار GOF توسط تتنهاس و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) ابداع گردید و طبق فرمول زیر محاسبه می گردد:

$$GOF = \sqrt{Avg(Communalities) \times R^2}$$

وتزلس و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۹)، سه مقدار ۰،۰۱، ۰،۳۶، ۰،۲۵ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی نموده اند.

محاسبه معیار GOF:

$$R^2 = 0.362$$

$$GOF = \sqrt{0.822 \times 0.362} = 0.545$$

**فرضیه: مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی بر عوامل شناسایی شده بروز رفتار سیاسی سازمانی تاثیر دارد.**

**H0:** مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی بر عوامل شناسایی شده رفتار سیاسی سازمانی تاثیر دارد.

**H1:** مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی بر عوامل شناسایی شده رفتار سیاسی سازمانی تاثیر ندارد.

جدول (۱۰)، بارعاملی استاندارد تأثیر مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی بر عوامل شناسایی شده رفتار سیاسی سازمانی به شرح ذیل اشاره شده است.

جدول (۱۰)، بار عاملی استاندارد تأثیر مدیریت رفتار سیاسی بر عوامل شناسایی شده رفتار سیاسی سازمانی

نتیجه	سطح معنی داری	آماره t	بارعاملی	تأثیر
تائید فرضیه	۰،۰۰۰	۹،۴۷۲	۰،۶۰۲	مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی بر عوامل شناسایی شده بروز رفتار سیاسی سازمانی

برای آزمون این فرضیه مدل ساختاری بین متغیرها طراحی شده است. بارعاملی استاندارد

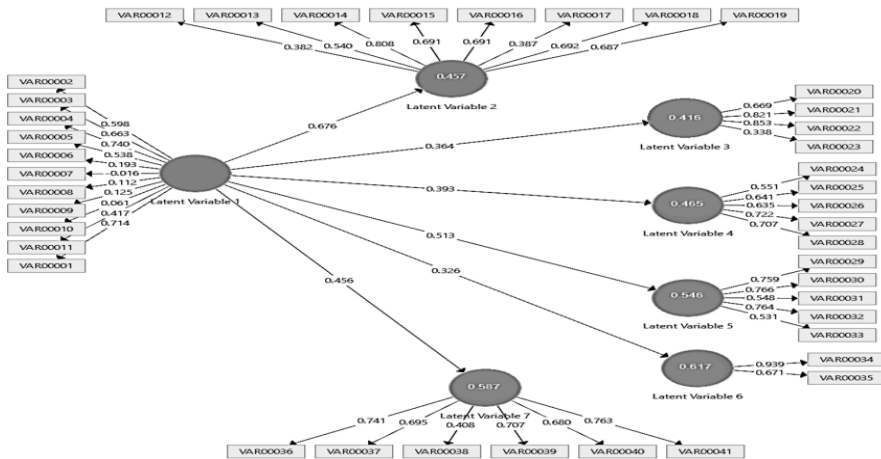
1. Tetenhas&et al

2. Vetzls

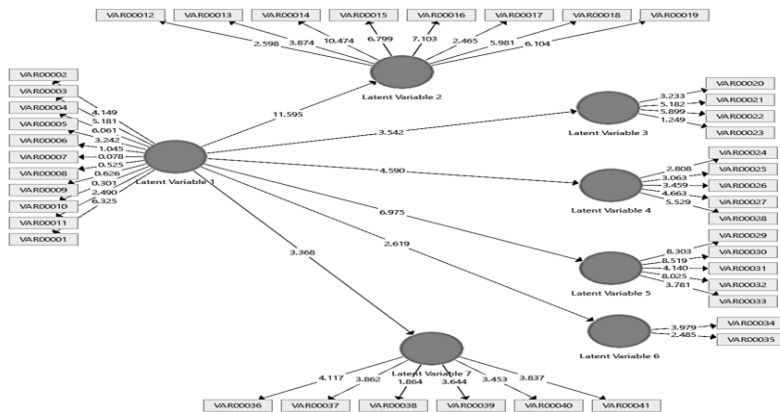
میان دو متغیر مدیریت رفتار سیاسی بر عوامل شناسایی شده رفتار سیاسی ۰.۶۰۲ بدست آمده است. مقدار آماره تی نیز ۹,۴۷۳ به دست آمده است که از ۱,۹۶ بزرگ‌تر بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است؛ بنابراین با اطمینان ۹۵٪ مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی بر عوامل شناسایی شده رفتار سیاسی سازمانی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد.

### آزمون فرضیه پژوهش

به منظور سنجش تأثیر مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی بر عوامل شناسایی شده یک مدل دیگر طراحی شده است که در اشکال (۵ و ۶)، به شرح ذیل اشاره شده است.



شکل (۵)، بار عاملی مدل جزئی



شکل (۶)، آماره تی مدل جزئی

معیار  $R$  squares یا  $R^2$ : مقدار  $R^2$  برای سازه عوامل  $0.514$  که در شکل مشخص شده است. با توجه به سه مقدار ملاک مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تایید می سازد.

$$\frac{0.457 + 0.416 + 0.465 + 0.546 + 0.617 + 0.587}{6} = 0.514$$

محاسبه معیار GOF:

$$R^2 = 0.514$$

$$GOF = \sqrt{0.717 \times 0.514} = 0.607$$

بنابراین معیار GOF نیز مورد تایید است. در جدول (۱۱)، بارعاملی استاندارد تأثیر مدیریت رفتار سیاسی سازمانی بر عوامل شناسایی شده رفتار سیاسی سازمانی (به تفکیک) به شرح ذیل اشاره شده است.

جدول (۱۱)، بار عاملی استاندارد تأثیر مدیریت رفتار سیاسی بر عوامل شناسایی شده رفتار سیاسی (به تفکیک)

تأثیر	بارعاملی	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
عوامل شخصی (فردی و اخلاقی)	۰,۶۷۶	۱۱,۵۹۵	+,+++	تائید فرضیه
عوامل شغلی	۰,۳۶۴	۳,۵۴۲	+,+++	تائید فرضیه
عوامل سازمانی	۰,۳۹۳	۴,۵۹۰	+,+++	تائید فرضیه
عوامل اجتماعی و فرهنگی	۰,۵۱۳	۶,۹۷۵	+,+++	تائید فرضیه
عوامل سیاسی و اقتصادی	۰,۳۲۶	۲,۶۱۹	+,+++	تائید فرضیه
عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی	۰,۴۵۶	۳,۳۶۸	+,+++	تائید فرضیه

بر اساس جدول (۱۴)، مدیریت رفتار سیاسی بر تمامی عوامل شناسایی تأثیرگذار بوده است. بار عاملی عوامل شخصی (فردی و اخلاقی)  $0.676$  و آماره تی آن  $11,595$  به دست آمده است، بار عاملی عوامل شغلی  $0.364$  و آماره تی آن  $3,542$ ، بار عاملی عوامل سازمانی  $0.393$  و آماره تی آن  $4,590$ ، عوامل اجتماعی و فرهنگی  $0.513$  و آماره تی آن  $6,975$  عوامل سیاسی و اقتصادی  $0.326$  و آماره تی آن  $2,619$  و در نهایت بار عاملی عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی  $0.456$  و آماره تی آن  $3,368$  محاسبه شده است؛ بنابراین می توان گفت مدیریت رفتار سیاسی با رویکرد اخلاقی بر عوامل شناسایی شده تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. و طبق نتایج حاصله بیشترین تأثیر مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی بر عامل فردی و اخلاقی می باشد.

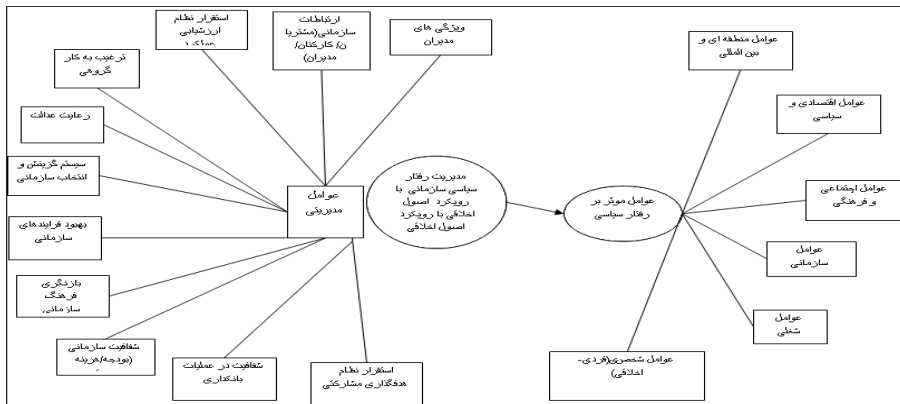
## بحث

بنابراین در مرحله اول، بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده از خبرگان بانکهای دولتی و تجزیه و تحلیل داده ها به روش تحلیل مضمون، ۶ عامل مؤثر بر بروز رفتار سیاسی سازمانی و

همچنین ۱۱ مؤلفه برای مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی مشخص شده است. با استفاده از تکنیک تحلیل عامل تأییدی و محاسبه بار عاملی مدل جزئی و آماره تی مدل جزئی، ارتباط بین عوامل شناسایی شده با رفتار سیاسی سازمانی و همچنین ارتباط آنها با عوامل مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با اصول اخلاقی بررسی و مورد تأیید قرار گرفت، که دقیقاً همسو با هدف اول پژوهش می باشد. در راستای انجام هدف دوم پژوهش مدل نهایی مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی در نرم افزار MAXQDA طراحی شد. به منظور سنجش تأثیر مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی بر عوامل شناسایی شده یک مدل ساختاری با نرم افزار PLS طراحی شد و بار عاملی مدل جزئی و آماره تی مدل جزئی مشخص گردید، لذا با معیار  $GOF = 0.607$ ، مناسب بودن برآزش مدل ساختاری را مورد تأیید قرار گرفت که همسو با هدف سوم پژوهش است. و از نتایج حاصله مشخص شد، مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی بر عوامل شناسایی شده تأثیر مثبت و معنی داری دارد.

### مدل نهایی پژوهش

در شکل (۷)، به شرح ذیل مدل نهایی تحقیق نشان داده شده است.



شکل (۷)، مدل نهایی تحقیق



## نتیجه گیری

همانطور که بیان شد در اکثر پژوهش‌های پیشین به تاثیر ادراک برداشت سیاسی بر رفتار سیاسی سازمانی و بعضاً به شناسایی بروز رفتار سیاسی سازمانی بر اساس عوامل فردی، شغلی، سازمانی و عواملی جهت مدیریت رفتار سیاسی سازمانی نیز بصورت کلی و عمومی پرداخته شده است. بطور نمونه: رضایی و همکاران (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان "بررسی و الویت بندی ابعاد رفتار سیاسی - اجتماعی مدیران" انجام داده اند و نتایج حاصل از وزن دهی به ابعاد رفتار سیاسی مدیران ارشد بانک مسکن با فرآیند تحلیل سلسله مراتبی فازی نشان داد که بعد نگرش‌های شغلی رتبه اول و ابعاد پیامدهای کاری، ابعاد سازمانی و بعد ویژگی‌های فردی رتبه های دوم تا چهارم را کسب نمودند. بیکزاده و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان "طراحی و تبیین الگوی مدیریت رفتار سیاسی کارکنان دانشکده های فنی و حرفه ای استان آذربایجان" انجام داده اند که ابزار جمع آوری عوامل موثر بر رفتار بصورت کمی از پرسشنامه ای.جی.دوبرین (۱۹۷۸) و برای برای عوامل موثر بر مدیریت رفتار سیاسی با استفاده از نظر خبرگان امر بصورت ۵۵ عامل بصورت کیفی شناسایی شده و با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی بصورت کمی در سطح جامعه آماری انجام شد. و در نهایت با شناسایی مولفه هایی در سه دسته عوامل فردی، شغلی، سازمانی و عوامل مدیریتی دسته بندی شدند. شیخی نژاد و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان "طراحی مدلی برای تبیین رفتار سیاسی کارکنان بخش دولتی" پرداخته اند. تبیین نظری مدل نهایی نشان می‌دهد عوامل فردی، شغلی و سازمانی موجب ایجاد برداشت از سیاست در سازمان می‌شوند که به نو به خود رفتار سیاسی را رواج می‌دهد. مهارت سیاسی و اراده سیاسی نیز ارتباط بین برداشت از سیاست و رفتار سیاسی را در جهت مثبت تعدیل می‌کنند. در این پژوهش تأثیر متغیرهای فردی کانون کنترل و خود پایشی بر برداشت از سیاست مورد تأیید قرار نگرفت.

لذا این پژوهش با سایر پژوهشهایی که تاکنون انجام شده است کاملاً از نظر روش، محتوا و یافته ها متفاوت است در این پژوهش به بررسی و شناسایی عوامل بروز رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی و با در نظر گرفتن کلیه عوامل درونی (شخصی، شغلی و سازمانی) بیرونی (اقتصادی و سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) و پیرامونی (منطقه ای / بین المللی) تاثیر گذار بر صنعت بانکداری بخش دولتی بصورت جامع و دقیق پرداخته است. لازم به ذکر است عوامل شخصی شامل عوامل فردی و اخلاقی می باشد عوامل فردی به ویژگی های ابعاد رفتاری (روانشناسی) و شناختی افراد پرداخته ، و عوامل اخلاقی به ویژگی های از ابعاد روانشناختی افراد می پردازد. از ابعاد رفتاری می توان از مواردی از جمله شخصیت و میزان تحصیلات افراد و از ابعاد شناختی می توان از مواردی که بر ذهن افراد بر بروز رفتار سیاسی سازمانی تاثیر می گذارد

از جمله هوش سیاسی (مهارت و...) و هم از ابعاد روانشناختی می‌توان از مواردی که بر مغز افراد بر بروز رفتار سیاسی سازمانی تاثیر بگذارد از جمله اصول و ارزشهای اخلاقی (مسئولیت پذیری و رفتار حرفه‌ای) و رعایت الزامات این اصول و ارزشها در رفتار (رفتار متواضعانه و...) اشاره کرد. که عوامل فردی در بروز رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی در صنعت بانکداری بخش دولتی بصورت تخصصی با ابعاد ذکر شده تاکنون به این جامعی در پژوهشی به این شکل پرداخته نشده است. و همچنین ضمن طراحی مدلی مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی در صنعت بانکداری بخش دولتی نه سایر رویکردهای غیر اخلاقی از جمله قانون‌گریزی، با استفاده از مدل معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار لیزرل و پی ال اسمارت، میزان تاثیر مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با اصول اخلاقی بر عوامل شناسایی شده بروز رفتار سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است.

بر اساس نتایج به دست آمده در تحلیل مسیر معادلات ساختاری، مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اخلاق مدار بر تمامی عوامل شناسایی شده، تأثیر مثبت و معنی‌داری داشته است. همچنین مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اخلاق مدار بر عوامل شخصی (فردی و اخلاقی) بیشترین تأثیر را داشته است. مؤلفه‌های مدیریت رفتار سیاسی همان‌طور که نشان داده شده است عبارت‌اند از: بازنگری فرهنگ سازمانی، سیستم‌گزینش و انتخابات سازمانی، استقرار نظام ارزشیابی (ارزیابی) عملکرد، استقرار نظام هدف‌گذاری مشارکتی در سازمان MBO، بهبود فرایندهای سازمانی، شفافیت سازمانی، شفافیت در انجام عملیات امور بانکداری (جذب منابع و اعطای تسهیلات و...)، رعایت عدالت، ترغیب به کار جمعی و گروهی منسجم، ارتباطات سازمانی و ویژگی‌های مدیران.

شناسایی ابعاد اخلاقی مورد پذیرش افراد هر سازمان، از یک سو حافظ بقا و بالندگی سازمان است و از سوی دیگر، راهنمای مدیران در امور مربوط به خط‌مشی‌گذاری درباره توسعه و بهبود منابع انسانی است؛ بنابراین با تابعیت رفتار سیاسی از رویکردهای اخلاقی، می‌توان مهم‌ترین عامل در بروز رفتار سیاسی، یعنی عوامل فردی و اخلاقی را بهبود بخشید. مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با بازنگری در فرهنگ سازمانی که بر آموزش اخلاق تأکید دارد و همچنین رعایت عدالت و ارزیابی عملکرد کارکنان، تأثیر زیادی بر عوامل فردی و اخلاقی دارد.

برخی کاربردهای نتایج حاصل برای مدیران این است که کارکنان را در تصمیم‌های سازمانی مشارکت دهند. از طریق مشارکت دادن افراد در تصمیم‌گیری، عدم اطمینان آن‌ها کاهش می‌یابد. همچنین، کارکنان باید فعالانه در فرایند هدف‌گذاری نقش ایفا کنند. از طریق این دو ابزار کارکنان احساس می‌کنند از فعالیت‌های درون سازمان کنار گذاشته نشده‌اند. ایجاد ارتباط اجتماعی صمیمانه بین مدیران و کارکنان متناسب با بلوغ شخصیتی

آن‌ها در کاهش برداشت از سیاست وقوع رفتار سیاسی اثربخش است. ضروری است مدیران مهارت‌های برقراری ارتباط مؤثر با کارکنان را فراگیرند. سازمان‌ها باید ارتباط رو دررو بین مدیر و کارمند را تقویت کنند و مدیران باید به جای مدیریت سایه‌ای از سبک مدیریت از طریق سرکشی به واحدها استفاده کنند و در جریان امور کارکنان قرار گیرند. لازم است مدیران بازخورد مناسب از نحوه انجام وظایف کارکنان ارائه دهند تا آن‌ها شفافیت نقش بیشتر و ابهام در نقش کمتری را تجربه کنند. برداشت از سیاست و انجام رفتار سیاسی در اکثر مواقع به دلیل عدم اطمینان و ابهام رخ می‌دهد. در صورتی که مدیران اطلاعات مورد نیاز کارکنان برای انجام کار را در اختیار آنان قرار دهند، احتمال برداشت از سیاست و ارتکاب چنین رفتاری کم‌رنگ می‌شود. بطور کلی فلسفه سیاسی بر مبنای آزادی و برابری یا آزادی و عدالت است. لذا با توجه به نتایج تحقیق، مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با رویکرد اصول اخلاقی می‌بایست بصورت عدالت محور (دمکراسی محور) و به عبارت دقیق‌تر انصاف محور با رعایت اصول اخلاقی در سطح خرد و کلان در تمام امور و فعالیت‌های سازمانی در صنعت بانکداری بخش دولتی، آموزش عملی اخلاقی مدیران و کارکنان و در نهایت تدوین منشور اخلاقی برای سازمان‌ها مد نظر قرار گرفته شود. اخلاق در کنار دانش و مهارت از مهم‌ترین قابلیت‌های هر مدیر در سازمان به شما می‌رود. محیط‌های سازمانی در رشد اخلاقی افراد نقش اساسی دارند و اخلاق و رفتار مدیران این سازمانها به شدت بر دیگران و نتایج عملکرد سازمان در حال و آینده تاثیر گذار است.

براساس نتایج به دست آمده و با عنایت به اینکه اقتصاد کشور، بانک محور است در جهت بهبود عملکرد نظام بانکی و ارتقاء و توسعه سلامت سازمانی، اقبال به جهت‌گیری اخلاقی در توسعه اقتصادی راهی برای تبدیل تهدید به فرصت تلقی می‌شود و مدیران نیز می‌بایست علاوه بر توجه جایگاه راهبردی اخلاق در موفقیت سازمانی، بر اساس دغدغه‌های دینی و ارزشهای جامعه به اخلاق سازمانی توجه ویژه‌ای داشته باشند.

لذا پیشنهادات به شرح ذیل جهت مدیریت رفتار سیاسی سازمانی با اصول اخلاقی در صنعت بانکداری بخش دولتی بیان می‌گردد تا بتوان در کنترل و کاهش پیامد‌های منفی و ناهنجاریهای اجتماعی این رفتار و افزایش رشد اقتصادی و رضایت مندی و بهره‌وری کارکنان نقش بسزایی داشته باشد:

۱. کنترل بانک مرکزی بر نحوه اعمال رفتار بانکها مطابق با قوانین و مقررات و اصول اخلاقی در حوزه تمامی امور عملیات بانکداری باشد.
۲. تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی عقلایی و اخلاق محور مدیران در تصویب و اجرای امور عملیات بانکی

۳. مدیران با شفاف سازی امور بانکداری در راستای اجرای صحیح عملیات بانکی بدون ربا، در جهت رسیدن به اهداف کلان سازمانی و ملی با مد در نظر قرار دادن اصول مشارکت نظامند و تعامل سازنده با سایرین گام بردارند.
۴. هدفهای قابل اندازه گیری اولین اقدام اساسی در برابر بروز رفتار سیاسی در سازمان است. مدیران برای حل تعارض میان افراد و اجرای راهبرد، به ایجاد تعهد سازمانی نسبت به برنامه های راهبردی و عملیاتی با استفاده از هدفگذاری مشارکتی و رهبری اخلاق مدار و اثر بخش با رعایت قوانین و مقررات در کلیه امور نیازمند هستند.
۵. در ارتباطات متقابل شخصی یا گروهی، همکاری بر رقابت مزیت دارد لذا جایگزین کردن فرهنگ همکاری به جای رقابت در سازمان مد نظر قرار گیرد.
۶. واضح و شفاف کردن وظایف مسئولیت ها و نقش افراد، هرچه ایهام نقش بیشتر باشد فرد به رفتار سیاسی بیش تری دست می زند.
۷. عدم رانت خواری و رفیق بازی در فرایند اجرای عملیات بانکی
۸. شایسته سالاری و گزینش مدیران بر حسب تجربه و تخصص و عدم وابستگی جناحی
۹. توجه به مسائل فرهنگی و اجرای آموزش صحیح به کارکنان و مدیران نظام بانکی مطابق با تخصص و وظایف آنها
۱۰. استفاده از افراد متخصص و خبره و دارای تجربه در پست های مدیریتی که در حوزه بانکی و پولی اشراف دارند.
۱۱. انتخاب مدیران بر مبنای راستی و سلامت ( روانی و مالی)
۱۲. تمرکز بیشتر به تغییر ساختار نظام بانکی بجای تغییر مدیران در نظام بانکی مد نظر باشد.

### پیشنهادات آتی

در این تحقیق براساس نظرات خبرگان بانکی، عوامل استخراج شده است، پیشنهاد می گردد در تحقیقات بعدی می توان از تکنیک های داده کاوی و پایش انبار داده های موجود استفاده کرد.

## فهرست منابع

۱. ابراهیمی، الهام؛ شجاع، علی؛ پیرانی احمدآباد، ندا (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر ابعاد رفتار شهروندی سازمانی بر ارزش ویژه برند مبتنی بر مشتری در صنعت هتلداری: نقش تعدیلگر اخلاق کار اسلامی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، دوره ۹، شماره ۳، پاییز ۳۳۹-۴۶۲.
۲. ایمانی لیل آبادی، علی؛ شاه صفی، حسن، تاج آبادی، حسین (۱۳۹۶)، اصول اخلاقی سازمانی در اسلام، فصلنامه مطالعات منابع انسانی، سال ششم، شماره بیست و پنج، پاییز ۹۶، صص ۱۴۱-۱۶۴.
۳. آزاد بخت جمید، مواهبی طباطبائی فرزانه (۱۳۹۴)، بررسی تاثیر پارتی بازی بر نگرش و رفتار کارکنان مورد مطالعه: کارکنان یک شرکت دولتی، کنفرانس سالانه مدیریت و اقتصاد کسب و کار ۱۳۹۴، تعداد صفحات ۱۲ صفحه.
۴. باغ خواستی، فاطمه، و ضامنی فرشید. (۱۳۹۵)، بررسی بین منابع قدرت مدیران با رفتار سیاسی کارکنان، پژوهش ملل. سال ۱۲، شماره ۱، صص ۱۰۵-۱۲۲.
۵. بیک زاد جعفر، علوی متین یعقوب، سیدیان (۱۳۹۲)، سیدحامد طراحی و تبیین الگوی مدیریت رفتار سیاسی کارکنان دانشکده های فنی و حرفه ای استان آذربایجان شرقی، مطالعات کمی در مدیریت: زمستان ۱۳۹۲، دوره ۴، شماره ۴؛ از صفحه ۱۷۴ تا صفحه ۱۹۴.
۶. بهاری فر، علی. جواهری کامل، مهدی، احمدی، سید علی اکبر، (۱۳۹۰)، "رفتار های اخلاقی و رفتار های شهروندی سازمانی: تاثیر ارزشهای اخلاقی، عدالت و تعهد سازمانی" پژوهش نامه مدیریت منابع انسانی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۴۲-۲۳.
۷. تولایی، روح الله (۱۳۸۸)، عوامل تاثیر گذاری بر رفتار اخلاقی کارکنان در سازمان، ماهنامه و توسعه انسانی پلیس، شماره ۲۵، صص ۸-۱.
۸. دفت، ریچارد ال، تیوری سازمان و طراحی ساختار، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی (۱۳۷۴)، تهران، مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
۹. ال دفت، ریچارد، تیوری و طراحی سازمان (جلد دوم)، چاپ چهارم، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۳.
۱۰. رضاییان، علی (۱۳۹۰)، مدیریت رفتار سیاسی در سازمان (مدیریت رفتار سازمانی پیشرفته) انتشارات سمت، تهران، چاپ پنجم.
۱۱. رضایی امیر؛ پورصادق ناصر؛ رشید ذوالفقاری زعفرانی بررسی و اولویت بندی ابعاد رفتار سیاسی- اجتماعی مدیران با استفاده از تکنیک فرآیند تحلیل سلسله مراتبی فازی (FAHP)، مقاله ۹، دوره ۱۲، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۹۷، صفحه ۲۰۳-۲۳۲.
۱۲. رستگار، عباسعلی؛ شول، حسین؛ شرفی، وحید (۱۳۹۶)، نقش نظام ارزیابی عملکرد در بروز پدیده ریاکاری سازمانی: اثر تعدیل کنندگی جو سازمانی، فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی، سال ششم، شماره ۲ (شماره پیاپی ۲۲)، تابستان ۱۳۹۶: صص ۲۷-۵۰.

۱۳. رابینز، استیفن پی، مبانی رفتار سازمانی، چاپ بیست و هفتم، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۶
۱۴. ال.دفت، ریچارد (۱۳۸۲)، تئوری و طراحی سازمان (جلد دوم)، علی، پارسیان و سید محمد، اعرابی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ چهارم، تهران.
۱۵. زارعی، متین حسن، (۱۳۸۱)، رفتار سیاسی و نقش آن در سازمان و مدیریت، مقاله ۲، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۵۲۴، زمستان ۱۳۸۱.
۱۶. زندی پور، طیبه، (۱۳۸۴)، "آسیب شناسی فرهنگ و اخلاق کار"، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ج ۴، شماره ۱۶، صص ۶۲-۴۷
۱۷. سلاجقه، سنجر و ناظری، مژگان (۱۳۸۹)، پژوهش تحلیلی در زمینه مدیریت رفتار سیاسی در سازمان، مجله عصر مدیریت، ش ۱۴، خرداد، صص ۱۰۲-۱۰۵.
۱۸. سلطانی، مرتضی (۱۳۸۲)، مدیریت اخلاق در سازمان، مجله تدبیر، شماره ۱۳۳، اردیبهشت.
۱۹. سلطانی، ایرج (۱۳۸۸)، نگاهی به توسعه منابع انسانی در سلامت نظام اداری تحول اداری، دوره هفتم، شماره ۳۵ و ۳۶، صص ۱۰۶-۹۵
۲۰. سجادی، سید عبد القیوم دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، مجله علوم سیاسی، دانشگاه باقر العلوم (ع)، زمستان ۱۳۸۱، شماره ۲۰ صص ۱۶۱-۱۸۴.
۲۱. شفیعی، محمود، (۱۳۹۷)، عضو هیات علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه مفید، روزنامه ایران، شماره ۶۹۵۱، ۲۷ آذر.
۲۲. شیخی نژاد، فاطمه؛ اصغر فانی، علی؛ حسن زاده، علیرضا و دانایی فرد، حسن (۱۳۹۲)، طراحی مدلی برای تبیین رفتار سیاسی کارکنان بخش دولتی (مورد مطالعه: صنعت آب)، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده مدیریت و اقتصاد
۲۳. فرخ بخش، سعید؛ نیک پی، ایرج؛ شجاعی، عظیمه (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین رفتار سیاسی مدیران و تعهد سازمانی کارمندان با تعدیل‌گری عدالت سازمانی در دانشگاه لرستان، دوره ۱۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵، صفحه ۷-۳۲
۲۴. فراستخواه، مقصود (۱۳۸۵)، اخلاق علمی رمز ارتقای آموزش عالی، جایگاه سازو کارهای "اخلاقیات حرفه ای علمی" در تضمین کیفیت آموزشی عالی ایران، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، دوره ۱، شماره ۱، صص ۲۷-۱۳.
۲۵. قیوم زاده، محمود؛ جهانگیری مقدم، روح الله (۱۳۹۳)، اخلاق مداری مبنای ارتقاء حقوق شهروندی، فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، سال پنجم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۳
۲۶. قرا ملکی، احد فرامرزی، (۱۳۹۷)، کتب با عنوان اخلاق حرفه ای: ضرورت و ترویج آن، انتشارات مجنون، چاپ ۱۲.
۲۷. قرا ملکی، احد فرامرزی، (۱۳۸۵)، سازمانهای اخلاقی در کسب و کار، قم: مجنون.
۲۸. قرا ملکی، احد فرامرزی، (۱۳۸۸)، درآمدی بر اخلاق حرفه ای، چاپ دوم، تهران: انتشارات سرآمد.

۲۹. طاهری، د. م.، زنجیری، م.، نجatian، ق. م. (۱۳۹۰) نقش اخلاق کاری در ارتقای رفتار شهروندی سازمانی. اخلاق در علم و فناوری، ۲(۳۹)، ۳۰-۳۹
۳۰. عنایتی، ترانه و همکاران، (۱۳۹۲) رابطه اخلاق کار و تعهد سازمانی در پرستاران بیمارستان حضرت فاطمه زهرا (س) شهرسازی، فصلنامه نسیم تندرستی، شماره ۲، دوره ۲
۳۱. میرزایی، ا. احمدی، ی. بخارایی، ا. نایی، ه. (۱۳۹۶) قانون گریزی و پیوندهای اجتماعی: (مطالعه موردی: شهر اهواز)، فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی، ۳: ۹۷-۱۲۳.
۳۲. مقیمی، سید محمد، سازمان و مدیریت (رویکرد پژوهشی). تهران: انتشارات ترمه. ۱۳۸۵
۳۳. مقیمی، سید محمد. رمضان، مجید (۱۳۹۲). پژوهشنامه مدیریت (۴)، روانشناسی سازمانی، تهران، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، چاپ دوم
۳۴. موسوی، سید نجم الدین، زارع، فرجام، بررسی نقش رفتارهای سیاسی بر بروز رفتارهای منافقانه با توجه به نقش میانجی، معنویت، فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی، زمستان ۱۳۹۶، صفحه ۱۶۱-۱۸۷.
۳۵. مندجین، محمد رضا ربیعی؛ شیرکش، سعید صیاد (۱۳۹۷)، بررسی رابطه اخلاق کارو رفتار شهروندی سازمانی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشت درمانی تهران، پژوهش های اخلاقی، سال هشتم، شماره سه، بهار ۱۳۹۷، صص ۵۸-۴۱
۳۶. ناصحی فر، وحید، آرزمجو، هانیه و تقوی فرد، محمد تقی (۱۳۹۴)، طراحی الگوی یکپارچه تغییرات در سازمان های ایرانی با استفاده از رویکرد دلفی فازی، فصلنامه پژوهش های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، سال هفتم، ش، ۲، تابستان، صفحات ۲۳۷-۲۶۶.
۳۷. نظری، محمد جعفر (۱۳۹۲)، خبرگزاری رسمی حوزه، ۷۸۰۲ - <http://www.donya-e-sghtesad.com/fa/ting/news>
38. Akar, A. (2019). Meta-Analytic Review on the Causes and Consequences of Organizational Cynicism, International Online Journal of Educational Sciences, 1309-2707.
39. Ashforth, B. E. & Lee, R. T. (1990). Defensive behavior in organizations: A preliminary model. Human Relations, 43(7): 621-648
40. Ali, A. (2005). Islamic Perspectives on Management and Organization. Edward Elgar, Cheltenham, Northampton, MA
41. Abdul Latif, Zain Ul Abideen. (2011), Muhammad Suhail Nazar Individual Political Behavior in Organizational Relationship, Journal of Politics and Law, Vol. 4, No. 1; March 2011.
42. Alhyasat, K.M.K. (2012). The role of Islamic work ethics in developing organizational citizenship behavior at the Jordanian Press Foundations. Journal of Islamic Marketing, 3(2), 139-154
43. Cavanagh GF, Mobery DJ, Velasquez M. The ethics of organizational politics. Acad Manage J 1981; 6(3): 363-74
44. Ferris, G. R. & King, T. R. (1991). Politics in human resources decisions: A walk on the dark side. Lewis, Kenneth D. - "Bank of America corporation

code of ethics – "handbook- 2007

45. Ralston DA, Giacalone RA, Terpsta RH. Ethical perceptions of organizational politics: a comparative evaluation of American and Hong Kong managers. *J Bus* 1994; 13(12): 989-99.

46. Rafiee M, Bahmani A. (2013). Identifying and prioritizing factors affecting organizational behavior of system brokers with Islamic approach. *Journal of Management of Government Organizations*, 1(5).

47. Gintis, H. (2016). Homo Ludens: Social rationality and political behavior. *Journal of Economic*.

48. Kim, T., Atkin, D. J. & Lin, C. A. (2016). Investigating the role of education in the incidence of political citizenship behavior. *Journal of Broadcasting & Electronic Media*, 60(1), 23–39.

49. Masciandaro, d. Romelli, D. (2019). Behavioral Monetary Policymaking: Economics, Political Economy and Psychology. *Baffi Carefin Centre Research*. 105.

50. Nicholas B. Power and the teaching of medical ethics. *J Med Ethics* 1999; 25(6): 507-13

51. Moberg DJ, Velasquez M. The ethics of organizational politics. *Acad Manage* 1981; 6(3): 363-74

51. Vigoda, Eran & Cohen, Aaron (2006). Influence tactics and perceptions of organizational politics A Longitudinal study. *Journal of Business Research*, 55: 311-324.

52. Yousef, D. (2001a). The Islamic work ethic as a mediator of the relationship between locus of control role conflict and role ambiguity. *Journal of Managerial Psychology*, 15(4), 283–302.



نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۲۴ - ۸۹

## ارزیابی تاثیر سطح افشای مسئولیت پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی بانک‌ها با تاکید بر اخلاقیات

محمد سعادت نیا<sup>۱</sup>

فرهاد دهدار<sup>۲</sup>

محمد رضا عبدلی<sup>۳</sup>

### چکیده

مسئولیت اجتماعی شرکت تعهدی فراتر از الزمات قانونی و اقتصادی است که در آن، شرکت مسائل اخلاقی و مشارکت در توسعه اقتصادی را ضمن بهبود کیفیت نیروی کار، در مقیاسی وسیع تر یعنی جامعه مورد توجه قرار می‌دهد و فرآیند تجاری خود را به گونه‌ای مدیریت می‌کند که اثرات مثبتی در جامعه به همراه داشته باشد. بانک‌ها با پیامدهای اجتماعی و محیطی سرمایه‌گذاری یکی از حساسترین بنگاه‌های اقتصادی در رابطه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی است که به دنبال جنبش بانکداری اخلاقی در جهت توسعه اجتماعی و اقتصادی در یک جامعه می‌باشد. بر این اساس هدف از این پژوهش ارزیابی تاثیر سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی بانک‌ها است. در راستای هدف پژوهش، داده‌های ۱۰ بانک پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷، با استفاده از نرم افزار Eviews تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سطح افشای مسئولیت-پذیری اجتماعی بانک‌ها تاثیر مثبت و معناداری بر حاشیه سود قبل از کسر بهره و مالیات و استهلاک (EBITDA) دارد، همچنین سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک‌ها تاثیر منفی و معناداری بر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام (MTB) دارد. این نتایج لزوم توجه بانک مرکزی برای ایجاد استانداردهای مدون و الزام به گزارشگری یکپارچه برای افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بانک‌ها را مطرح می‌سازد.

### واژگان کلیدی

ارزیابی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، عملکرد مالی.

۱. دانشجوی دکتری حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

Email: saadatnia.acc@gmail.com

۲. استادیار گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: farhad\_13500830\_tmu@yahoo.com

۳. دانشیار گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

Email: mra830@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۹۹/۱/۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۵

## طرح مسأله

اصطلاح مسئولیت اجتماعی به شیوه‌های متنوعی تعریف شده است، از دیدگاه اقتصادی، حداکثر کردن ثروت سهامداران تا ملاحظه‌های اخلاقی، قانونی احتیاطی، محیطی و در نهایت رویکرد سازمان به عنوان یک شهروند خوب را دربرمیگیرد. مسئولیت اجتماعی عموماً به تصمیم‌گیری تجارت بر مبنای اصول اخلاقی، اطاعت از ابزارهای قانونی و احترام به مردم، اجتماع و محیط زیست اطلاق می‌شود. درحقیقت مسئولیت اجتماعی در شرکت‌ها عملکرد شرکت‌ها به شیوه‌ای که توقعات عمومی و همگانی، اخلاقی و قانونی را که جامعه از تجارت دارد، برآورده می‌سازد. در سالهای اخیر مسئولیت اجتماعی در بنگاه‌ها به دغدغه‌ای جهانی در میان دولت‌ها و مدیران بنگاه‌ها تبدیل شده است. رشد جهانی بنگاه‌ها موجب حرکت به سمت مسئولیت اجتماعی در سطح جهانی شده است. رشد و توسعه بنگاه‌ها در سطح جهانی علاوه بر کمک به رونق اقتصادی جوامع، افزایش نگرانی عمومی و کاهش اعتماد نسبت به نحوه فعالیت بنگاه‌ها را نیز در پی داشته است. بنگاه‌ها نقشی حیاتی در دستیابی به منافع جهانی شدن بازی می‌کنند و مسئولیت اجتماعی بنگاه‌ها این امکان را فراهم می‌سازد تا در حین بهره‌مندی از مزایای جهانی شدن بتوان تا حد امکان از آثار سوء اجتماعی و زیست محیطی فعالیت در سطح جهانی دوری جست.

در مقایسه با سایر بنگاه‌ها، با توجه نقش بانک‌ها در اقتصاد و تجارت به عنوان تسهیل‌گر و محرک چرخ‌های اقتصاد و تجارت و همچنین به عنوان فراهم‌آورندگان خدمات برای اجتماعات محلی، ملی و بین‌المللی، نقشی کلیدی در نهادینه‌سازی و توسعه مسئولیت‌پذیری اجتماعی در جامعه ایفا می‌کنند. بانک‌ها به عنوان نهادهای مولد ثروت اهمیت زیادی در به جریان انداختن حرکت فکری مسئولیت‌پذیری اجتماعی در کل جامعه دارند. در سالهای اخیر بانک‌ها و موسسات مالی با توجه به وسعت دامنه فعالیت‌های اجتماعی و زیست محیطی خود، نقشی بسزایی در تشویق و ایجاد انگیزه برای مشتریان (حقیقی و حقوقی) خود در راستای کاهش اثرات سوء اجتماعی و زیست محیطی فعالیت‌های خود دارند. همچنین از آنجاکه مهم‌ترین عامل اثرگذاری بر ارتقای سطح اعتماد و اطمینان مشتریان به نظام بانکی منوط به رعایت اصول اخلاقی از سوی این مجموعه است بانک‌ها بر عملکرد کسب و کارهای تحت حمایت خود از طریق کنترل جریان سرمایه، وام‌دهی، تامین مالی پروژه‌ها و سیاست‌ها و اقدامات بیمه‌ای، نظارت و کنترل دارند. از این رو بانک‌ها می‌توانند از طریق نظارت بر اجرای فعالیت‌های اجتماعی و زیست محیطی در بنگاه‌ها آنها را مجبور به پاسخگویی در خصوص مسئولیت اجتماعی و زیست محیطی در کسب و کار خود نماید. در ادامه، پس از بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌ها و روش پژوهش معرفی خواهد شد. سپس، متغیرهای پژوهش و یافته‌های به دست آمده از تجزیه و تحلیل اطلاعات مطرح می‌شود. بحث و نتیجه‌گیری نیز در بخش پایانی این پژوهش بیان خواهد شد.

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی

منظور از مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی (CSR<sup>۱</sup>) این است که واحد اقتصادی باید نسبت به پیامدهای زیست محیطی و اجتماعی فعالیت‌های تجاری‌شان مسئولیت‌پذیر باشند. علاوه بر دلایل اخلاقی برای پذیرش مسئولیت اجتماعی توسط شرکت‌ها، شرکت‌ها ممکن است به خاطر تقویت چهره بیرونی‌شان در زمینه سود سبز به منظور جذب سرمایه‌گذاران مسئول‌پذیر اجتماعی، تصمیم بگیرند تا در خصوص مباحث اجتماعی مسئول‌پذیرتر باشند (دیانتی دیلمی و خداکرمی، ۱۳۹۶).

با توجه به فروپاشی و رسوایی مالی برخی شرکت‌ها از جمله انرون در اوایل قرن ۲۱، بحث در خصوص جایگاه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در اقتصاد جهانی و خصوصاً شرکت‌های بین‌المللی برای بهبود شرایط محیطی و اجتماعی افزایش یافته است. همگام با توسعه تجارت جهانی، پژوهش‌های اخیر حرکت در مسیر افشای بیشتر در سطح بین‌المللی را نشان می‌دهد. در قرن جدید، مقایسه درک ملل از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و نقش واحدهای تجاری در جامعه بسط یافته است و توسعه بین‌المللی قابل ملاحظه‌ای در جنبش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در این قرن رخ داده است و در سطح جهانی توجه به حقوق انسانی، اجتماعی و محیطی بسیار مورد توجه است. این توسعه در تکامل پژوهش‌های حوزه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به وضوح قابل مشاهده است و حتی ارتباط میان دولت و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفته است (حساس یگانه و برزگر، ۱۳۹۲). به منظور رقابت در محیط جهانی، کسب و کارهای دارای اقتصادهای در حال ظهور نیاز به توجه بیشتر در ارزیابی عملکرد کسب و کار خود را دارند. علاوه بر این، برای اندازه‌گیری عملکرد به معنا و ارائه اطلاعات مفید، برای مقایسه بین و درون سازمانی نیاز است. این مقایسه می‌تواند در ارزیابی پیشرفت دستیابی به اهداف، ارزیابی روند در عملکرد یا وزن‌دهی به عملکرد یک سازمان در مقابل سازمان‌های دیگر موثر باشد (وای دیا و چیتنس، ۲۰۱۲).

## تعاریف مسئولیت‌پذیری اجتماعی

پیچیدگی عوامل و متغیرهای تأثیرگذار بر پدیده‌هایی که به نوعی به اجتماع باز می‌گردند ارائه تعریف واحدی از آنها را غیرممکن ساخته و مسئولیت اجتماعی نیز از این امر مستثنا نیست. در اینجا از چند صاحب‌نظر تعاریفی را ارائه می‌دهیم:

بر اساس نظر تراکر مسئولیت‌پذیری اجتماعی، یک مفهوم در حال تکامل است به عنوان

روشی است که شرکت‌ها دغدغه‌های اجتماعی، محیطی و اقتصادی خود را در ارزش‌ها، فرهنگ-ها، تصمیمات، استراتژی و عملیات؛ به گونه‌ای شفاف برای پاسخگویی یکپارچه کرده است و در نتیجه، رویه‌های بهتر برای شرکت، ایجاد رفاه و بهبود جامعه تدوین کنند (تراکر، ۲۰۰۹). استوارت و سالمون، مسئولیت اجتماعی را چنین تعریف می‌کنند: شیوه‌ای از مدیریت که طبق آن، سازمان‌ها فعالیت‌هایی را که اثر مثبتی بر جامعه و ترفیع کالاهای عمومی داشته باشد انجام می‌دهد. در واقع استوارت و سالمون خواهان حذف آثار منفی سازمان بر جامعه بوده و سعی داشتند تا بتوانند در نگرش و رفتار مصرف‌کنندگان تغییر ایجاد کنند (کاوسی و چاوه باشی، ۱۳۸۹).

انجمن کیفیت آمریکا (ASQ<sup>۱</sup>) «مسئولیت اجتماعی» را به عنوان رفتار و مشارکت تجاری مردم و سازمان‌ها از نظر اخلاقی با در نظر گرفتن جامعه، فرهنگ و اقتصاد تعریف نموده و آن را تلاشی می‌داند که افراد، سازمان‌ها و دولت‌ها از طریق آن می‌توانند اثر مثبتی بر توسعه، تجارت و جامعه داشته باشند.

تجارت برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی (BSR<sup>۲</sup>) مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را روشی برای دستیابی به موفقیت تجاری از طریق ارزش‌های اخلاقی و محترم شمردن مردم، تعهدات و محیط طبیعی تعریف می‌کند.

کمیسیون اروپایی (۲۰۰۲)، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را به عنوان مفهومی که از طریق آن تعامل اجتماعی و اهمیت محیطی در عملیات تجاری و تعاملشان با سهامداران مقایسه می‌شود، تعریف می‌کند (حیدری کرد زنگنه، نوروش و جعفری، ۱۳۹۶).

### بانک‌ها و مسئولیت اجتماعی

بانک‌ها نقشی کلیدی در رونق اقتصادی هر کشور ایفا می‌کنند. نقش بانک به عنوان تسهیل‌گر و محرک چرخه‌های اقتصاد و تجارت، به عنوان نهاد مولد ثروت و همچنین به عنوان تامین‌کننده خدمات برای اجتماعات محلی، ملی و بین‌المللی حیاتی و غیر قابل انکار است. با توجه به مسئولیت عظیم بانک‌ها در توسعه اقتصادی اجتماعات، چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، مسئولیت اجتماعی بانک‌ها در مقایسه با سایر بنگاه‌های فعال در عرصه صنعت و اقتصاد پرنرنگتر است و در عین حال تاثیر مستقیم بر عملکرد مسئولان سایر بنگاه‌ها دارد. اگرچه بانک‌ها و بازارهای مالی در معرض نوسانات بازار هستند و با مشکلاتی از قبیل بدهی‌های پرداخت نشده و مسائل مربوط به ساختار ترازنامه مواجهند ولی بانک‌ها موظفند با این مشکلات به صورت

1 - American Society for Quality

2 - Business for Social Responsibility

مسئولانه به مقابله بپردازند. به علاوه، بانکها وظیفه دارند در قبال مشکلاتی که برای جامعه و شهروندان اجتماعی خود به وجود می‌آورند، پاسخگو باشند.

چندین مطالعه در کشورهای مختلف نقش مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در صنعت بانکی از جمله: سیمپسون و کوهرز (۲۰۰۲)، کورنت و همکاران (۲۰۱۶)، بوتون (۲۰۱۳) و نانیدس (۲۰۱۹)، اسکولتن (۲۰۰۷)، مناسا (۲۰۱۰)، کالادو و اوترو (۲۰۱۱)، ادین و حسن (۲۰۱۲)، ساکسنا و کهلی (۲۰۱۲)، کمال (۲۰۱۳)، آدوال و رحمن (۲۰۱۴)، مالک و نادم (۲۰۱۴)، پائولیم و همکاران (۲۰۱۵) مورد بررسی قرار داده اند که در ادامه به ابعاد مسئولیت‌پذیری پرداخته می‌شود.

### ابعاد مسئولیت اجتماعی در بانکها

برای مسئولیت اجتماعی شش بعد جامعه، روابط کارکنان، تنوع قدرت، محصول، حاکمیت شرکتی و انرژی در نظر گرفته شده است که در ادامه توضیح مختصری در باره هر یک از این ابعاد ارائه می‌گردد.

#### جامعه

توجه به رفاه عمومی جامعه در اصول اخلاقی و اعتقادات و ارزش‌های مذهبی ما نیز وجود داشته و در جای‌جای کتب و نوشته‌های اجتماعی و مذهبی ما به این مهم، تأکید و توجه شده است. خداوند متعال در کتاب آسمانی خود، مسلمانان را نسبت به یکدیگر مسئول دانسته و با صراحت و دقت، مسئولیت آنان را نسبت به یکدیگر تعیین و مشخص نموده است. بدین جهت بسیاری از مردم معتقدند که سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی باید در بهبود و گسترش رفاه عمومی جامعه مشارکت داشته باشند؛ مشارکت در مسائلی همچون کمک به مؤسسات و انجمن‌های خیریه و غیر انتفاعی، فقرا و مستضعفان، افراد سالخورده و کودکان بی بضاعت (گریفین، ۱۹۸۷).

مسئولیت اجتماعی یک تعهد مستمر رفتار به سبک اخلاقی در راستای بهبود کیفیت زندگی افراد و در سطح فراتر جامعه می‌باشد (کاستکا و بالزارووا، ۲۰۰۷). مسئولیت اجتماعی مراعات و احترام به حقوق دیگران، رقابت میان فردی، توسعه اخلاقی، داشتن احساس تصمیم‌گیری، خلاقیت و تفکر مستقل است که در مقابل اطاعت و رفتار سلطه‌پذیر است (ونتزل، ۱۹۹۱).

#### روابط کارکنان

به منظور جلب اعتماد مردم، سازمانها نه تنها محصولات و خدمات با کیفیت ارائه می‌دهند، بلکه افراد مسئول و با اخلاق را نیز توسعه می‌دهند. توانمندسازی در ایجاد فرهنگ سازمانی باز دارای اهمیت است. مدیریت باید به کارمندان خود برای مشارکت در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری اعتماد داشته باشد. توانمندسازی نه تنها به معنای مشارکت کارکنان در تدوین

سیاست‌های سازمانی بلکه علاوه بر آن تفویض و مشارکت در تصمیم‌گیری است. شیوه مدیریت باز باید به کارکنان آزادی تصمیم‌گیری دهد تا بهره‌وری و کیفیت کار خود را افزایش دهد (یونگ، ۲۰۱۱).

میشالوس (2006) بیان کرده است که تعهد کارکنان بسیار مهم است و تجربه یادگیری و تجربه رضایت شخصی از زندگی می‌تواند به سازمانها و کارمندان اجازه دهد تا برای پیشرفت بهتر شوند. طبق گفته هریسون (۲۰۰۰)، اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر عملکرد فرد عبارتند از "دانش، مهارت، انگیزه و محیط."

بخش عمده‌ای از نیروی انسانی هر جامعه‌ای در سازمان‌ها و مؤسسات مختلف مشغول به کار هستند و از آنجا که اکثر مردم، بیشترین وقت خود را در درون سازمان‌ها می‌گذرانند، این انتظار از مدیران وجود دارد که به کارکنان تحت امر خود توجه بیشتری داشته باشند. به عبارت دیگر، مردم از مدیران می‌خواهند که به نیازهای کارکنانشان بیشتر توجه کرده و تلاش کنند نیازهای آنها را برآورده سازند. جامعه از مدیران این توقع را دارد که یار و غمخوار کارکنان خود بوده، به شخصیت آنها به عنوان یک هم‌نوع احترام گذارده و در زمان لازم به عملکرد خوب آنها پاداش دهند. همچنین، امروزه جامعه اعمال تبعیض آمیز مدیران نسبت به کارکنان خود را زشت قلمداد کرده، آنان را از چنین رفتاری برحذر می‌دارند. با وجود این، چون نیروی انسانی جزء مهم‌ترین منابع هر جامعه‌ای است، این توقع را هم از مدیران و سازمان‌ها دارد که از کارکنان خود به بهترین شکل استفاده کرده و بهره‌وری نیروی انسانی خود را بالا ببرند. همچنین، از مدیران انتظار می‌رود که با اختصاص حداکثر زمان ممکن برای هدایت و آموزش پرسنل زبردست خود، آنها را در انجام صحیح وظایفشان راهنمایی کنند و در صورت ارائه روش‌های جدید و طرح‌های نو از سوی آنها، از طرح‌های فوق‌استقبال‌کنند و تلاش به خرج دهند تا حس نوآوری در افراد تقویت شود (هرسی و بلانچارد، ۱۳۷۱).

### تنوع قدرت

در جوامع امروزی، توسعه پایدار بر توانمندسازی زنان تکیه دارد. به طوری که اندیشمندان اجتماعی همواره بر رفع موانع جنسیتی به عنوان لزوم تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی تأکید دارند (بیابانی و گرکز، ۱۳۹۳). در راستای ارتقاء مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حمایت از حقوق سهامداران اقلیت، حضور زنان در هیات مدیره و نقش سهامداران اقلیت در تصمیم‌گیری شرکت‌ها دارای اهمیت می‌باشد.

### محصول

جامعه از سازمان‌ها انتظار دارد که در زمینه‌های مختلف نسبت به مشتریان احساس مسئولیت کنند، از جمله اینکه به موقع و به درستی نیازهای مشتریان را بشناسد و محصول سالم

و خدمات درست به آنها عرضه کنند، آنها را از جنبه‌های مختلف محصول و نظارت ایمنی نسبت به آنها مطلع کنند و نیز این حق را به مشتریان بدهند که آنچه را که دولت داشته و تمایل دارند، اتباع نمایند. چنانچه مشتری از مصرف کالا یا دریافت خدمتی، زبانی متحمل شد، خسارت وی را تقبل و تلاش کنند که رضایت او را جلب سازند. به علاوه، مردم از سازمان‌ها می‌خواهند در ازای ارائه محصول یا خدمت به مشتری، رعایت انصاف را به عمل آورده و نسبت به آن اجحاف نکنند.

### حاکمیت شرکتی

تعریف صندوق بین‌المللی پول (IMF<sup>۱</sup>) و سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصاد (OECD<sup>۲</sup>) از حاکمیت شرکتی: ساختار روابط و مسئولیت‌ها در میان یک گروه اصلی شامل سهامداران، اعضاء هیأت مدیره، مدیر عامل و سایر طرف‌های ذیربط برای ترویج عملکرد بهتر در رقابت به منظور دستیابی به اهداف اولیه مشارکت و تنظیم معیارها و مکانیزم‌های نظارتی و کنترلی- تعریف فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC<sup>۳</sup>) در سال ۲۰۰۴: حاکمیت شرکتی عبارت است از مسئولیت‌ها و شیوه‌های اعمال شده توسط هیأت مدیره و مدیران با هدف مشخص کردن مسیر راهبردی است که تضمین‌کننده دستیابی به اهداف، کنترل مناسب ریسک‌ها و مصرف منابع بطور مسئولانه باشد. تری‌گر (۱۹۹۴)، حاکمیت شرکتی تنها مربوط به اداره عملیات شرکت نیست بلکه مربوط به هدایت، نظارت و کنترل اعمال مدیران اجرایی و پاسخگویی آنها به تمام ذینفعان شرکت یا اجتماع می‌باشد. پارکینسون (۱۹۹۴)، حاکمیت شرکتی عبارت است از فرایند نظارت و کنترل برای تضمین اینکه مدیریت شرکت مطابق با منافع سهامداران عمل می‌نماید. در تعاریف فوق به موضوع حاکمیت شرکتی از دیدگاه‌های متفاوتی توجه شده است. در یک طیف تأکید و توجه بر روابط بین سهامداران و مدیریت در قالب مالی می‌باشد و در طیف دیگر اشاره به پاسخگویی شرکت در برابر ذینفعان از جمله جامعه دارد. اما به نظر می‌رسد وجه مشترک تمام تعاریف به عمل آمده اشاره به یک نکته یا مفهوم اساسی "پاسخگویی" دارد. پاسخگویی در برابر حقوق سهامداران، پاسخگویی در برابر ذینفعان، پاسخگویی در برابر کل جامعه و نسل‌های آتی.

1 – International Monetary Fund

2 – Organization for Economic Co-operation and Development

3 – International Federation of Accountants

## انرژی

با آغاز انقلاب صنعتی و گسترش روز افزون صنایع مختلف، آلودگی‌های گوناگون زیست محیطی رشد فزاینده یافت؛ به نحوی که امروزه یکی از اساسی‌ترین زمینه‌های مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها، حفظ محیط زیست است. افزایش گازهای سمی در نتیجه فعالیت واحدهای مختلف سازمان‌های تولیدی و ایجاد آلودگی در هوا و آب رودخانه و دریاچه‌ها بر اثر ریختن پساب‌های صنعتی و مواد زائد، صدای شدید برخورد چرخ‌های ماشین‌های صنعتی و ... که همگی حاصل فعالیت مؤسسات تولیدی است، باعث شده‌اند که محیط زیست آلوده‌ای در اطراف خود داشته باشیم. کارخانجات و مؤسسات تولیدی با اشاعه آلودگی‌های مختلف (اعم از آلودگی هوا، آلودگی زمین، آلودگی آب، آلودگی صدا و بخش ضایعات) ادامه حیات را برای نسل انسان با مشکل همراه کرده‌اند.

### مزایای مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها

پتتلا (۲۰۱۰) مزایای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را به صورت زیر بیان می‌کند:

- ۱- مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌تواند هزینه ثابت را کاهش دهد مثل هزینه مواد، انرژی، اتلاف زمان.
- ۲- مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌تواند بهره‌وری کارکنان را از طریق افزایش انگیزه و علائق آنان نسبت به کار خود؛ افزایش دهند.
- ۳- مسئولیت اجتماعی می‌تواند ریسک مدیریت را کاهش دهد (مثل دسترسی آسان به اعتبارات، افزایش ارزش‌داری‌ها برای سرمایه‌گذاران، حمایت از جانب ذینفعان و غیره).
- ۴- مسئولیت اجتماعی شرکت می‌تواند تصویر رقابتی شرکت را بهبود ببخشد (پتتلا، ۲۰۱۰).

### عملکرد مالی

در گذشته سازمان‌ها با استفاده از روش‌های سنتی حسابداری قادر بودند تا ارزش و اندازه عوامل تولید خود را به طور کامل محاسبه کنند، امروزه این روش‌ها دیگر دارای کارایی لازم نیستند (گتچالک، ۲۰۰۵). این مسئله که امور مالی به عنوان نبض هر سازمان باید از سلامت و دقت بالایی برخوردار باشد، در دوره‌های اخیر اهمیت بیشتری یافته است. روش‌ها و فرایندهای ناصحیح مالی و حسابداری و مقررات نسنجیده، مانند قلب نارسای یک بیمار، پیکره سازمان را مریض کرده و ادامه حیات آن را متزلزل می‌سازد. شاخص‌های عملکرد مالی سازمان شامل بازده دارایی، بازده حقوق صاحبان سهام، بازده فروش و نسبت هزینه‌های عملیاتی به درآمدهای عملیاتی هستند. مدیریت مالی نیز از گرایش‌های مدیریت کسب و کار است شاخص‌های



گوناگونی از جمله نرخ بازگشت سرمایه، نرخ فروش، نرخ بازده حسابداری، ارزش فعلی خالص و نسبت‌های گوناگونی از جمله نسبت جاری، نسبت آئی، نسبت گردش کالا، دوره وصول مطالبات، بازده فروش، بازده ارزش ویژه، بازده دارایی و ... را تعریف می‌کند (حیدری کرد زنگنه، نوروش و جعفری، ۱۳۹۶).

در این پژوهش، عملکرد مالی مورد بررسی بازده حسابداری شامل حاشیه EBITDA و نسبت MTB است. حاشیه EBITDA توسط تعدادی از محققان از جمله گرگوری و همکاران (۲۰۱۴) و سعیدی و همکاران (۲۰۱۵) مورد استفاده قرار گرفته است. MTB بیانگر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام است، که در پژوهش وو و شن (۲۰۱۳) و حاجیها و سرفراز (۱۳۹۳) مورد استفاده قرار گرفته است.

### پیشینه پژوهش

#### پیشینه خارجی

گونن و شوولتز (۲۰۱۹) رابطه بین عملکرد مالی و مسؤلیت‌پذیری اجتماعی در صنعت بانکی را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که نسبت کفایت سرمایه به طور معنادار و مثبت با شاخص‌های مسؤلیت‌پذیری اجتماعی همراه است. بر همین اساس، موسسات قوی‌تر می‌توانند با مسؤلیت‌پذیری بیشتری عمل کنند و این مسؤلیت‌پذیری اجتماعی سلامت بانک‌ها را نشان می‌دهد.

لی و همکاران (۲۰۱۹) مسؤلیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و تأثیر آن بر عملکرد شرکت‌ها در چین برای سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ را مورد بررسی قرار دادند و نتایج این بررسی نشان می‌دهد که اجرای هر دو پروژه زیست‌محیطی و مسؤلیت‌پذیری اجتماعی تأثیرات مثبتی بر عملکرد مالی شرکت‌ها داشته است. و روندها، زمینه‌ها و تأثیرگذاری پروژه‌ها با توجه به زمان، نوع شرکت و مکان (استان) متفاوت است. علاوه بر این، نتایج حاکی از آن است که شرکت‌هایی که در مناطقی با شرایط اقتصادی پایین‌تر فعالیت می‌کنند (تولید ناخالص داخلی سرانه) انگیزه کمتری برای اجرای پروژه‌های پایداری زیست‌محیطی و مسؤلیت‌پذیری اجتماعی در مقایسه با شرکت‌هایی که در مناطقی با شرایط اقتصادی بالاتر فعالیت می‌کنند، دارند.

گنجی و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی تأثیر دانش مسؤلیت‌پذیری اجتماعی شرکت (CSR) بر عملکرد مالی شرکت‌ها؛ در صنعت بانکداری اروپا پرداختند. به این منظور 72 بانک از ۲۰ کشور اروپایی را طی هفت سال (۲۰۰۹-۲۰۱۵) مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج این بررسی نشان داد که CSR داخلی بانک‌ها بر عملکرد شهروندی تأثیر مثبت می‌گذارد و همچنین عملکرد شهروندی بر عملکرد مالی بانک تأثیر مثبت دارد.

مقبوان و زاهر (۲۰۱۸) به بررسی مسؤلیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی در بانک‌های هند

پرداختند. در این پژوهش داده‌های ۲۸ بانک تجاری هند در بورس اوراق بهادار بمبئی (BSE) به مدت ۱۰ سال (۲۰۱۶-۲۰۰۷) جمع‌آوری و بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی تاثیر مثبتی بر عملکرد مالی بانک‌های هند دارد.

استفان سانچز و همکاران (۲۰۱۷) شواهد بین‌المللی عملکرد اجتماعی شرکتی و ارتباط آن با عملکرد مالی در صنعت بانکی را بررسی نمودند. نتایج این بررسی نشان داد که بانک‌هایی که حاکمیت شرکتی و روابط کارمند بهتری داشته شرکتی عملکرد مالی بهتری دارند. با این وجود، بحران منفی این اثر را در دومین بار تعدیل کرد، که نشانگر شکست در مکانیزم‌های مدیریت شرکت است. همچنین ابعاد مسئولیت محصول بر عملکرد مالی شرکت تأثیری مثبتی نداشت. این پژوهش نشان داد که در طول بحران روابط بهتر با جامعه می‌تواند توسط سرمایه‌گذاران مثبت ارزیابی شود که به نوبه خود باعث افزایش عملکرد مالی شرکت می‌شود.

آلانی گابادمیوس (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان مسئولیت اجتماعی شرکتی و عملکرد مالی بانک‌ها در ایالات متحده در نمونه‌ای از ۷۱ بانک ایالات متحده، داده‌های اقتصادی اخلاقی عمومی، اطلاعات مالی و اطلاعات بازار سهام با استفاده از مدل‌های رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. این بررسی نشان داد که رابطه اداری، تنوع و کارکنان با بازده حسابداری رابطه مثبت دارد در حالیکه عوامل تولیدی و اجتماعی منفی است به سود. هزینه بالاتری از افزایش سرمایه متعاقبا در تعامل با فعالیت‌های اجتماعی درس‌هایی برای مدیران شرکت‌ها است که در رفتار اجتماعی خود با احتیاط رفتار کنند و سرمایه‌گذاران را همراهی کنند. گیناراکیس و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکتی بر عملکرد مالی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دخالت در ابتکارات اجتماعی مسئولانه تاثیر مثبتی بر عملکرد مالی دارد. علاوه بر این، متغیرهای کنترل مانند جبران خسارت به مدیران، دوگانگی مدیر عامل و حضور زنان در هیئت مدیره از لحاظ آماری برای عملکرد مالی تاثیر قابل توجهی دارد.

جو و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی مسئولیت محیط زیست و عملکرد شرکت در بخش خدمات مالی پرداختند. آنها استدلال می‌کنند که عملکرد محیطی بانک‌ها باعث افزایش کارایی عملیاتی آنها و در نتیجه عملکرد اقتصادی بهتر می‌شود.

تیوهین (۲۰۱۴) اثر هزینه‌های مرتبط با فعالیت‌های اجتماعی بر عملکرد مالی بانک‌های اسلامی در بنگلادش را مورد بررسی قرار داد. برای این منظور نسبت‌های  $ROA^1$  و  $ROE^2$  را

1- Return on Asset

2- Return On Equity

به عنوان معیارهای عملکرد مالی برای بانک‌های اسلامی در نظر گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که مخارج مرتبط با ایفای مسئولیت‌های اجتماعی بر عملکرد مالی بانک‌های اسلامی بی‌تأثیر می‌باشد.

مالین و همکاران (۲۰۱۴) رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و عملکرد مالی را در بانک‌های اسلامی مورد بررسی قرار دادند. به این منظور آن‌ها با استفاده از شاخص‌های جامع مسئولیت اجتماعی و با پوشش دهی ده بعدی، سطح افشای شاخص‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را در ۹۰ بانک اسلامی در ۱۳ کشور، مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین افشای مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی رابطه مثبت وجود دارد. علاوه بر آن بین اندازه هیئت نظارت شرعی و شاخص مسئولیت اجتماعی رابطه مثبت و معنی داری برقرار می‌باشد.

وو و شن (۲۰۱۳) استدلال می‌کنند که هرچه بانک‌ها بیشتر با مسئولیت‌پذیری درگیر شوند، عملکرد مالی آنها بهتر خواهد بود زیرا در چندین نسبت کارایی و عملکرد بانک منعکس می‌شود.

زبیر و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی روش‌های گزارشگری اجتماعی بانک‌های اسلامی در عربستان پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت معنی داری میان سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بانک‌های اسلامی و بانک‌های متعارف وجود ندارد.

آلپرهم (۲۰۱۲) در پژوهش خود نشان داد که شکاف بزرگی میان ادعای نظری بانک‌های اسلامی در مورد فعالیت‌های اجتماعی آنها و یافته‌های تجربی وجود دارد. این بانک‌ها کمتر، فعالیت‌های اجتماعی را در گزارش‌های مالی یا سایت‌ها افشا می‌کنند.

عباسی (۲۰۱۲) به مقایسه شاخص مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بانک‌های اسلامی و متعارف پرداخت. یافته‌های او نشان داد که تفاوت اندکی در سطح و اندازه افشا بین این دو گروه از بانک‌ها هست.

نتایج بررسی‌های موسعید و بوتی (۲۰۱۲) نشان می‌دهد که افشای مناسبی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی - اسلامی در گزارش‌های سالانه بانک‌های اسلامی انجام نمی‌شود و هیچ‌گونه رابطه معنی داری بین عملکرد مالی و شاخص افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی - اسلامی در این بانک‌ها نیست.

ارشد و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی اثر افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی اسلامی بر عملکرد مالی بانک‌های اسلامی پرداختند. در این پژوهش از نسبت‌های ROA و ROE برای متغیر عملکرد مالی استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی اسلامی به طور قابل توجهی، رابطه مثبتی با عملکرد مالی بانک‌های اسلامی دارد.

حسن (۲۰۱۰) به بررسی گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بانک‌های اسلامی پرداخت. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای بانک‌های اسلامی اهمیت چندانی ندارد.

چوی و همکاران (۲۰۱۰) یک مرور کلی در مورد مسئولیت‌پذیری اجتماعی ارائه می‌دهند و نتیجه می‌گیرند که بسیاری از ویژگی‌های اصلی عملکرد اجتماعی با نسبت‌های مالی و شاخص‌های عملکرد در صنعت بانکداری به طور مثبت همراه است.

حنیفا و حدیب (۲۰۰۷) با طراحی چک لیست هویت اخلاقی به بررسی هویت اخلاقی بانک‌های اسلامی در کشورهای حوزه خلیج فارس پرداختند. چک لیست هویت اخلاقی طراحی شده توسط این محققان حاوی هشت بعد می‌باشد. نتایج این بررسی نشان داد که در بانک‌های اسلامی فاصله زیادی میان سطح واقعی افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سطح مطلوب آن وجود دارد.

سیسمسون و کوهر (۲۰۰۲) در پژوهشی با عنوان "ارتباط بین عملکرد مالی و عملکرد اجتماعی شرکت" در صنعت بانکداری کشور هلند به بررسی رابطه بین عملکرد مالی و عملکرد اجتماعی بانک‌ها پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین عملکرد مالی و عملکرد اجتماعی بانک‌ها رابطه مثبت وجود دارد.

### پیشینه داخلی

طالب نیا، رجب دری و خانی ذلان (۱۳۹۷) به بررسی عوامل موثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها از دیدگاه اسلام پرداختند. یافته‌های این بررسی نشان داده است که در ابتدا نظام اخلاقی اسلامی، در مرحله دوم اصول تجارت اسلامی، سپس سامانه سود و زیان و در انتها مقررات حسابداری و حسابرسی اسلامی دارای بیشترین میزان اهمیت است.

نمازی و مقیمی (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر نوآوری و نقش تعدیلی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکتها در صنایع مختلف پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در صنایع دارویی، شیمیایی و پلاستیک نسبت به صنایع دیگر، نوآوری تأثیری بیشتری روی عملکرد مالی شرکت‌ها دارد. همچنین در صنایع کانی‌ها و دارویی، شیمیایی و لاستیک نسبت به صنایع دیگر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیر بیشتری بر عملکرد مالی شرکت‌ها دارد. افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی، موجب بهبود عملکرد مالی شرکت‌ها می‌شود. علاوه بر این هنگامی که مسئولیت اجتماعی به عنوان متغیر تعدیلی در نظر گرفته شود، قدرت مدل در تمامی صنایع افزایش می‌یابد، اما تأثیر آن در صنعت کاشی، سیمان، آهک و گچ و همچنین صنعت کانی‌ها بیشتر از سایر صنایع است.

فخاری و فلاح پور (۱۳۹۶) به بررسی اثر میانجی عملکرد مالی بر رابطه بین مسئولیت

اجتماعی و ارزش افزوده بازار با روش تحلیل ترکیبی داده‌ها پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که سود هر سهم و شاخص کیوتوین نقش میانجی کامل را در رابطه مسؤلیت‌پذیری اجتماعی و ارزش افزوده بازار ایفا می‌نماید.

حیدری کرد زنگنه، نوروش و جعفری (۱۳۹۶) به بررسی مسؤلیت اجتماعی و عملکرد مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از بازده داری، بازده حقوق صاحبان سهام و کیوتوین به عنوان شاخص‌های عملکرد مالی شرکت‌ها پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که از نظر شاخص‌های شفافیت سازمانی، پایداری اقتصادی-اجتماعی، مسؤلیت بشر دوستانه و حاکمیت شرکتی، مسؤلیت اجتماعی بهتری دارند، عملکرد مالی بهتری دارند. علاوه بر این، این بررسی نشان داد که سودآوری شرکت‌ها از نظر بازده داری، منجر به افزایش سطح مسؤلیت اجتماعی آن‌ها می‌شود.

گرمسیری، وکیلی فرد و طالب نیا (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی اثر کیفیت گزارشگری مسؤلیت اجتماعی شرکت‌ها، ویژگی‌های حاکمیت شرکتی، عملکرد مالی، بر شهرت اجتماعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت گزارشگری مسؤلیت اجتماعی با شهرت اجتماعی شرکت ارتباط مستقیم دارد، و همچنین از میان ویژگی‌های حاکمیت شرکتی عامل دوگانگی پست مدیر عامل با شهرت اجتماعی دارای رابطه‌ای معکوس، میزان مالکیت هیئت مدیره و عضویت صنعتی دارای رابطه مستقیم با شهرت اجتماعی دارند و سه عامل اندازه هیئت مدیره، اندازه شرکت و نسبت اعضای موظف هیئت مدیره فاقد رابطه معناداری با شهرت اجتماعی هستند. علاوه بر این بین عملکرد مالی و شهرت اجتماعی شرکت رابطه معناداری وجود ندارد.

جبارزاده کنگرلوئی، فاتحی و متوسل (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "ایدئولوژیهای اخلاقی، مسؤلیت‌پذیری اجتماعی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌ها" به این نتیجه رسیدند که بین مسؤلیت‌پذیری اجتماعی و عدم تقارن اطلاعات رابطه وجود ندارد. همچنین مؤلفه‌های ایدئولوژی اخلاقی، نسبی‌گرایی و عدم تقارن اطلاعات رابطه مثبت و معنادار با یکدیگر دارند ولی ایده‌آل‌گرایی رابطه‌ای با عدم تقارن اطلاعات ندارد.

امیرحسینی و قبادی (۱۳۹۵) در شرکت‌های سرمایه‌گذاری به بررسی گزارشگری مسؤلیت اجتماعی، عملکرد مالی و مالکیت نهادی در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عملکرد مالی بر رابطه بین مسؤلیت اجتماعی و مالکیت نهادی تأثیر دارد.

احمدی نیاسانی، رستمی، صبوری (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه بین شاخص‌های مسؤلیت اجتماعی شرکت‌ها و اجزای عملکرد مالی پرداختند. در این پژوهش اثر سه شاخص تأثیر اجتماعی فعالیت‌ها، تعهدات اجتماعی و منافع اجتماعی بر عملکرد شرکت‌ها مورد بررسی

قرار گرفت. نتایج این پژوهش بیانگر این است که ارتباط میان شاخص‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با اجزای عملکرد مالی شرکت‌ها مثبت و معنی‌دار می‌باشد.

کرمی، قیومی و ابراهیمی کردلر (۱۳۹۳) در پژوهشی به ارزیابی شاخص افشای مسئولیت پذیری اجتماعی و بررسی ارتباط این شاخص با عملکرد مالی بانک‌ها در ایران (تحت رویکرد اسلامی) پرداختند. پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که بانک‌ها در ایران به طور مناسبی به ایفای مسئولیت‌های اجتماعی - اسلامی نمی‌پردازند و نیز ایفای این مسئولیت‌ها بر عملکرد مالی آنها تأثیری ندارد.

بادآور نهندی، برادران حسن زاده و جلالی فر (۱۳۹۳) به بررسی ارتباط بین مسئولیت پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داده است که پس از کنترل اندازه شرکت، اهرم مالی و ریسک سیستماتیک، بین مسؤولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت‌ها ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

حاجیها و سرافراز (۱۳۹۳) رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. پژوهشگران مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفتند. معیارهای مؤسسه آمریکایی KLD<sup>۱</sup> که هر ساله سازمان‌ها را بر اساس معیارهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی رتبه‌بندی می‌کند برای سنجش مسئولیت‌پذیری اجتماعی استفاده نمودند. یافته‌های آن نتایج این پژوهش‌ها نشان داد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی با هزینه حقوق صاحبان سهام، رابطه معکوس و معنی‌داری دارد.

حساس‌یگانه و برزگر (۱۳۹۲) با ارائه مؤلفه‌ها و شاخص‌های بُعد اجتماعی مسئولیت شرکت‌ها به بررسی وضعیت موجود آن در ایران پرداختند. پژوهشگران از طریق پرسشنامه مؤلفه-ها و شاخص‌های افشای بعد اجتماعی مسئولیت شرکت‌ها از روش تحلیل مدل مسیر با رویکرد توسعه پایدار مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های اخلاق کسب و کار، فساد و رشوه خواری و مشارکت در توسعه جامعه از مهمترین مؤلفه‌های بعد اجتماعی و مؤلفه‌های کار و کارکنان، مشتریان و مصرف‌کنندگان بیشترین افشای اجتماعی را در گزارش‌های شرکت‌ها دارند. سطح افشای بعد اجتماعی در شرکت‌های ایرانی پایین بوده و بیانگر اختلاف زیاد وضعیت موجود با انتظارات جامعه می‌باشد.

عرب صالحی، صادقی و معین‌الدین (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی رابطه مسئولیت اجتماعی با عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده

در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، از طریق پرسشنامه در زمینه مسئولیت اجتماعی آن‌ها نسبت به مشتریان، کارکنان، محیط زیست و نهادهای موجود در جامعه اندازه‌گیری گردید. نتایج این پژوهش نشان داده است که عملکرد مالی با مسئولیت اجتماعی شرکت نسبت به مشتریان و نهادهای موجود در جامعه ارتباط دارد. ولی عملکرد مالی با مسئولیت اجتماعی شرکت نسبت به کارکنان و محیط زیست رابطه معناداری ندارد.

بهار مقدم، صادقی و صفرزاده (۱۳۹۲) رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش در یازده زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۵ بیان داشت که، متغیرهای حاکمیت شرکتی به استثناء مسئولیت دوگانه مدیرعامل در هیأت مدیره با افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری داشته و سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در شرکت‌های مورد بررسی پایین می‌باشد.

صنوبر، خلیلی و تقفیان (۱۳۸۹) به بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی با عملکرد مالی شرکت‌ها در شرکت‌های سهامی عام تولیدکننده مواد و محصولات دارویی در استان‌های آذربایجان شرقی و تهران پرداختند. پژوهشگران متغیرهای اندازه و ریسک سازمان را به عنوان متغیرهای تعدیل کننده استفاده نمودند و از ضریب همبستگی اسپیرمن و رگرسیون چندگانه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، استفاده نمودند. نتایج این پژوهش بیان می‌دارد که رابطه‌ای میان مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی شرکت‌ها، وجود نداشته و همچنین، بین اندازه و ریسک سازمان با عملکرد مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

### فرضیه‌های تحقیق

در این پژوهش عملکرد حسابداری بانک‌ها شامل حاشیه سود قبل از کسر بهره و مالیات و استهلاک (EBITDA) و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MTB) می‌باشد. از این رو دو فرضیه به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه ۱: مولفه‌های نظام مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی، بعد از کنترل اثر همسانی شرکتی و ترجیحات مدیریتی، قادر به پیش‌بینی حاشیه سود قبل از کسر بهره و مالیات و استهلاک بانک‌ها و موسسات اعتباری غیر بانکی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

فرضیه ۲: مولفه‌های نظام مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی، بعد از کنترل اثر همسانی شرکتی و ترجیحات مدیریتی، قادر به پیش‌بینی نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام بانک‌ها و موسسات اعتباری غیر بانکی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

### اهداف اساسی از انجام این تحقیق

هدف اصلی پژوهش این است که اجزای مسئولیت‌پذیری اجتماعی به چه میزان می‌تواند عملکرد مالی بانک‌ها و هزینه‌های سرمایه بانک‌ها را پیش‌بینی نماید. اگر چه، صنعت بانکداری برای مدتی طولانی، به عنوان بخشی با تاثیرات منفی زیست محیطی و اجتماعی قابل چشم‌پوشی در نظر گرفته می‌شد، اما موسسات مالی در سال‌های اخیر به وسعت دامنه فعالیت‌های اجتماعی و زیست محیطی قابل اجرا در موسسات خود پی برده‌اند. موسسات مالی علاوه بر نقشی که از طریق مدیریت و ارزیابی تاثیر عملکرد خود بر جامعه دارند، نقشی حیاتی و مهم در تشویق و انگیزش مشتریان خود به اقدام مسئولانه و کاهش اثرات سوء اجتماعی و زیست محیطی فعالیت‌های خود دارند. از آنجا که موسسات مالی نظارت و کنترل جریان سرمایه، وام دهی، تامین مالی پروژه‌ها و سیاست‌ها و اقدامات بیمه‌ای را بر عهده دارند، قادرند در نحوه عملکرد کسب و کارهای تحت حمایت خود اعمال نفوذ نمایند. مسائل و معضلات اجتماعی و زیست محیطی می‌توانند ریسک‌های سرمایه‌گذاری و اعتباری چشمگیری به همراه داشته باشند.

### روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف از دسته پژوهش‌های کاربردی به شمار می‌رود و از نظر روش، پژوهشی توصیفی مبتنی بر تحلیل رگرسیونی است که در آن از روش تحلیل داده‌های ترکیبی و ادغام استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز از نرم افزار ره آورد نوین، لوح فشرده شرکت تدبیر پرداز و گزارشات انتشار یافته سازمان بورس و اوراق بهادار تهران استخراج گردیده است. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از نرم افزار Eviews انجام شده است.

جامعه آماری این پژوهش، بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ هستند. انتخاب نمونه جامعه آماری، بر اساس معیارها و شرایط زیر انجام گرفته است:

تا قبل از پایان سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشند.  
به منظور افزایش قابلیت مقایسه دوره مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد.  
طی سال‌های مالی مذکور تغییر سال مالی و توقف فعالیت (بیش از ۶ماه) نداشته باشند.  
اطاعات مدیریتی مورد نیاز (گزارش‌های هیات مدیره) در دسترس باشد.  
بانک‌هایی که معیارهای فوق را نداشتند از نمونه آماری حذف شدند. با در نظر گرفتن محدودیت‌های بالا تعداد ۱۰ بانک به عنوان نمونه‌های آماری پژوهش انتخاب شدند. برای آزمون فرضیه این پژوهش از مدل رگرسیونی به شرح زیر استفاده شده است:

$$FPit = \beta_0 + \beta_1 CSR_{jit-1} + \beta_2 \log TotAsset_{it} + \beta_3 NPLR_{it} + \beta_4 LLPR_{it} + \beta_5 AssetGrowth_{it} + \beta_6 \log FP_{it-1} + \beta_7 CapexR_{it} + \epsilon_{it}$$



که در آن  $FPit =$  عملکرد مالی بانک‌ها، به صورت حاشیه EBITDA و نسبت MTB به طور جداگانه

$CSR =$  میانگین امتیاز شاخص مسئولیت‌پذیری اجتماعی

$TotAssett =$  مجموع دارایی‌های هر بانک

$NPLRit =$  مجموع مطالبات غیر جاری (معوق، سررسید گذشته، مشکوک

الوصول) / مجموع مطالبات جاری و غیر جاری

$LLPRit =$  مجموع ذخائر عام و خاص برای مطالبات غیر جاری / مجموع مطالبات جاری

و غیر جاری

$AssetGrowth =$  نسبت کل دارایی در دوره جاری به کل دارایی‌ها در دوره قبل

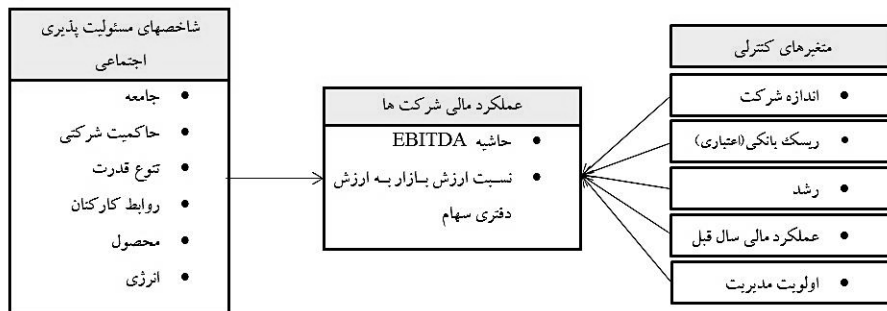
$FPit-1 =$  عملکرد سال گذشته (ROA)

$CapexRt =$  نسبت هزینه‌های سرمایه‌ای به کل دارایی برای اندازه‌گیری اولویت مدیریت

$i$  و  $t$  به ترتیب نماد بانک و سال هستند

شکل شماره ۱ مدل مفهومی این پژوهش را نشان می‌دهد. این مدل براساس مبانی

نظری و پیشینه پژوهش ارائه شده و روابط بین متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۱ مدل مفهومی پژوهش

### متغیر مستقل

شاخص مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانکها (CSR) به عنوان متغیر مستقل پژوهش استفاده شده است. برای سنجش افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک‌ها و شناسایی ابعاد، شاخص‌ها و مولفه‌های آن اگرچه هنوز هیچگونه اجماعی میان پژوهشگران و سازمان‌ها وجود ندارد، با این حال معیارها و استانداردهای بین‌المللی زیادی را پژوهشگران در کشورهای مختلف برای بررسی نقش مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بانک‌ها از جمله سیمپسون و کوهرز (۲۰۰۲)، کورنت و همکاران (۲۰۱۶)، بوتون (۲۰۱۳)، نایدس (۲۰۱۹)، اسکولتن (۲۰۰۷)، مناسا (۲۰۱۰)، کالادو و

اوترو (۲۰۱۱)، ادین و حسن (۲۰۱۲)، ساکسنا و کهلی (۲۰۱۲)، کمال (۲۰۱۳)، آدوال و رحمن (۲۰۱۴)، مالک و نادم (۲۰۱۴)، پائولیم و همکاران (۲۰۱۵) و سازمان تدوین استاندارد و شاخص KLD تهیه و مورد استفاده قرار داده اند. بر این اساس به منظور تهیه و تدوین چک لیست افشای مسئولیت پذیری اجتماعی بانک‌ها ابتدا با استفاده از مبانی نظری، پیشینه پژوهش، استانداردها و معیارهای بین‌المللی مرتبط در حوزه مسئولیت‌پذیری اجتماعی بررسی شد و با توجه به فراوانی ابعاد، شاخص‌ها و مولفه‌های استفاده شده در پژوهش‌های قبلی و همچنین با ترکیب استانداردها و رهنمودهای بین‌المللی و در نظر گرفتن شرایط محیطی ایران، چک لیست نهایی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک‌ها به شرح جدول شماره ۱ استخراج گردید.

جدول شماره ۱ ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی

ایجاد زیرساخت برای عموم مردم در جامعه و منطقه بومی / محلی از جمله احداث پل، جاده و ...	جامعه	ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی
استخدام / جذب کارآموز پاره وقت دانشجو / دانش آموز و ارتباط با دانشگاهها و مراکز پژوهشی		
حامی یا اسپانسر برای پروژه‌های مربوط به سلامت و بهداشت جامعه و کمک و حمایت از تحقیقات پزشکی		
حامی یا اسپانسر همایش‌های آموزشی، سمینارها و نمایشگاه‌های هنری		
منابع مصرفی / کمک‌های مالی به صورت نقدی، محصولات، خدمات برای حمایت از فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی، پرورشی و هنری		
کمک‌های مالی برای قربانیان بلایای طبیعی شامل سیل، زلزله و ...		
پرداخت تسهیلات قرض الحسنه مانند وام ازدواج		
حمایت از توسعه صنایع کوچک و کارآفرین بویژه افراد بومی / محلی		
پرداخت تسهیلات جهت حمایت از تولید و اشتغال		
بینش، نگرش، استراتژی و مسئولیت‌های هیئت مدیره و مدیران ارشد نسبت به CSR		
جوایز / گواهینامه‌های دریافتی مربوط به فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی، آموزشی، ورزشی		
عضویت در انجمن‌ها، نهادها و جوامع ملی / منطقه ای / بین‌المللی فعال در حوزه CSR	روابط کارکنان	
کل کارکنان بر حسب نوع استخدام، گروه سنی، منطقه جغرافیایی، جنسیت و ...		
فرایندها و سیاستهای ارتباط با کارکنان شرکت و نظر سنجی از کارکنان و بررسی نتایج آن در محیط شرکت		
تشریح فعالیت‌ها و ساعات آموزش و تعداد و درصد کارکنان/کارگران آموزش		

دیدگاه بر حسب طبقات و گروه‌ها.	
توصیف / تشریح معیارها و فعالیتهای بهداشتی و ایمنی و سلامت شغلی کارکنان و رعایت قوانین بهداشت و استانداردهای ایمنی و سلامت کار	
دریافت گواهینامه یا جوایز مربوط به امنیت شغلی، ایمنی، بهداشت و سلامت کارکنان	
راه‌اندازی و یا مشارکت در ایجاد مرکز آموزش نیروی کار یا واحد مستقل آموزش در شرکت	
فعالیت‌های رفاهی کارکنان ( طرح خانه‌کارگری، صندوق رفاه کارکنان و بیمه عمر و ... )	
افشای سیاست‌ها و رویه‌های جذب و استخدام، حقوق و دستمزد، پاداش کارگران و ...	
عضویت زنان در هیات مدیره	تنوع قدرت
نقش سهامداران اقلیت در تصمیم‌گیری	
جوایز یا گواهینامه‌های کیفیت / رعایت حقوق مصرف‌کنندگان و ...	
افشای مشخصات محصول مطابق با استانداردهای ایمنی و وجود دستورالعمل‌های استفاده از محصولات و خدمات شرکت	محصول
سیستم‌های مدیریت رضایت مشتریان و اقدامات مربوط به رضایت‌مندی مشتری	
افشای اطلاعات در خصوص توسعه محصولات شرکت و پروژه‌های تحقیقاتی برای بهبود محصولات شرکت شامل نوآوری، مخارج D&R و ...	
کد/ نظام نامه / منشور اخلاقی / اجتماعی شرکت	
قوانین، آیین‌نامه‌ها و اصول داوطلبانه مرتبط با ارتباطات، روابط صنعتی، بازاریابی، تبلیغات و ...	
تشریح اقدامات انجام شده برای جلوگیری و مقابله با فساد، رشوه‌خواری، پول‌شوئی	
تعهد مدیریت به رویه‌های گزارشگری	حاکمیت شرکتی
افشای اطلاعات مربوط به تغییرات حاکمیتی با مدیران ارشد و اجرایی	
اعلان‌داری‌های در دسترس اکتسابی شرکت	
اعلان‌گزارش‌های عمده موثر بر حقوق سهامداران و بازده سهام شرکت	
افشای اطلاعاتی برای شفاف‌سازی در مورد مواد اولیه که منجر به تأثیر بر روی قیمت سهام شرکت می‌شود.	
افشای درآمد عملیاتی ماهانه شرکت و شرکت‌های تابعه	

افشای ماهیانه اطلاعات مربوط به وام دهی و ضمانت نامه های شرکت		
افشای اطلاعات مربوط به تعداد کارکنان شرکت		
افشای سطح تخصص مدیران و حسابداران شرکت و ارزیابی کیفی آنها		
ارائه گزارش های مربوط به مواد اولیه و کالا		
انتشار بیانیه های تاکیدی پیش بینی شاخص های مالی شرکت		
اقدامات و ابتکارات برای ارائه محصولات و خدماتی مبتنی بر مواد قابل بازیافت و کاهش مصرف انرژی	انرژی	
میزان انرژی ذخیره شده یا صرفه جوئی شده به دلیل بهبود فرآیندها و عملیات شرکت		

سپس برای محاسبه و سنجش میانگین مسئولیت پذیری اجتماعی از روش تحلیل محتوا مطابق رابطه شماره ۱ استفاده شده است  
رابطه شماره ۱:

$$CSR = \frac{\text{تعداد مولفه های افشا شده}}{\text{تعداد کل مولفه های قابل افشا}}$$

در رویکرد تحلیل محتوا استنباط نتایج بر اساس افشا شدن و یا نشدن مولفه هایی که تعریف شده است، می پردازد. در این رویکرد اگر یک مولفه از مولفه های مسئولیت پذیری اجتماعی بانک ها افشا شده باشد، امتیاز یک و اگر افشا نشده باشد امتیاز صفر داده می شود. در پژوهش حاضر در صورتیکه هر یک از شاخص ها و مولفه های مطرح شده در جدول شماره ۱ در گزارش های هیات مدیره بانک ها افشا شده باشد به آن مولفه عدد یک و در صورتیکه افشا نشده باشد عدد صفر تعلق می گیرد. سپس برای هر بانک میانگین مولفه های افشا شده به کل مولفه های قابل افشا، بیان کنند درصد افشای مسئولیت پذیری اجتماعی بانک ها است.

### متغیر های کنترلی

با توجه به پیشینه و میانی نظری پژوهش متغیرهای اندازه شرکت، ریسک بانکی (اعتباری)، رشد، عملکرد مالی سال قبل و اولویت مدیریت به عنوان متغیرهای کنترلی این پژوهش به شرح زیر در نظر گرفته شده اند.

اندازه بانک عبارت است از مجموع دارایی های هر بانک  
ریسک بانکی و اعتباری شامل مجموع مطالبات غیر جاری (معوق، سررسید گذشته، مشکوک الوصول) / مجموع مطالبات جاری و غیر جاری و همچنین مجموع ذخائر عام و خاص برای مطالبات غیر جاری / مجموع مطالبات جاری و غیر جاری  
رشد عبارتست از نسبت کل دارایی در دوره جاری به کل دارایی ها در دوره قبل

عملکرد مالی سال قبل عبارتست از عملکرد سال گذشته (ROA) اولویت مدیریت عبارت است از نسبت هزینه‌های سرمایه‌ای به کل دارایی

### متغیرهای وابسته

استفاده کنندگان گزارش‌های مالی با استفاده از معیارهای مختلف عملکرد بانک‌ها را ارزیابی می‌کنند. در این پژوهش از دو متغیر سود قبل از بهره و مالیات و استهلاک (EBITDA) و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام (MTB) برای اندازه‌گیری عملکرد مالی بانک‌ها استفاده شده است.

### تحلیل داده‌ها

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش شامل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و سپس آماره استنباطی ارائه شده است. در این پژوهش اطلاعات مربوط به میانگین و میانه از گروه شاخص‌های مرکزی، کمینه، بیشینه و انحراف معیار از گروه شاخص‌های پراکندگی ارائه شده است. که در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲ داده‌های مربوط به آمار توصیفی

متغیر	مشاهدات	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
CSR	80	0.4161	0.4048	0.3810	0.6905	0.0634
MTB	80	1.2536	1.1141	-14.981	9.9660	2.5690
LogTotAsset	80	33.4919	33.6125	30.5996	35.7641	1.1691
ROAt	80	0.0107	0.0087	-0.0458	0.0507	0.0163
ROAt-1	80	0.0129	0.0109	-0.0458	0.0507	0.0157
TotAsset	80	33.4919	33.6125	30.5996	35.7641	1.1691
NPLR	80	0.0775	0.1634	-6.8565	0.4200	0.7903
LLPR	80	0.0568	0.0489	0.0208	0.3541	0.0392
AssetGrowth	80	0.2338	0.2018	-0.0258	0.5689	0.1406
CapexR	80	0.0072	0.0028	-0.0017	0.0788	0.0127
EBITDAMGN	80	0.1229	0.1197	-0.3404	0.3701	0.1266
EBITDA_t-1	70	0.1106	0.1023	-0.3404	0.3701	0.1263
MTB_t-1	70	1.1381	1.0767	-14.981	9.9660	2.5452

اصلی‌ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع

است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر مستقل مسئولیت‌پذیری اجتماعی (CSR) ۰/۴۱۶ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. به طور کلی پارامترهای پراکندگی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین می‌باشد به عنوان مثال انحراف معیار متغیر مستقل مسئولیت‌پذیری اجتماعی (CSR) ۰/۰۶۳ و حداقل این شاخص ۰/۳۸۱ و حداکثر آن ۰/۶۹۰ ریال می‌باشد.

اختلاف بین حداقل و حداکثر داده‌ها، بیانگر دامنه مناسب برای استفاده از متغیرهاست.

### ۴-۳- آزمون فرضیه پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش از دو مدل رگرسیونی فرعی استفاده شد که نتایج آنها در ادامه ارائه شده است.

در هر یک از مدل‌ها متغیر مستقل مورد بررسی ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌باشد. در مورد مدل‌های رگرسیون پژوهش، ابتدا الگوی مناسب برازش مدل‌ها با استفاده از آزمون‌های F لیمر، هاسمن و بررسی اثرات ادغام شده، تشخیص داده شده و سپس مدل‌ها برازش داده شده‌اند. پس از تشخیص مدل مناسب جهت برازش فرضیه زیربنایی شامل بررسی همسانی واریانس‌ها، خودهمبستگی سریالی و مانایی باقیمانده‌های مدل، بررسی شده و در صورت عدم برقراری این فرضیات از مدل رگرسیون تعمیم یافته جهت برازش نهایی مدل استفاده شده است. برای بررسی نتایج برازش مدل‌های رگرسیون پژوهش مواردی مانند معنی‌داری کلی مدل، معنی‌داری ضرایب متغیرهای مدل و ضریب تعیین مدل گزارش و مورد بررسی قرار گرفته است.

### ۴-۳-۱- آزمون فرضیه اول پژوهش

با استفاده از مدل رگرسیونی زیر، تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی بانک‌ها (EBITDA) در فرضیه اول پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است:

$$FPit = \beta_0 + \beta_1 CSR_{jit-1} + \beta_2 \text{LogTotAsset}_{it} + \beta_3 NPLR_{it} + \beta_4 LLPR_{it} + \beta_5 \text{AssetGrowth}_{it} + \beta_6 \text{LogFPit}_{-1} + \beta_7 \text{CapexRit} + \varepsilon_{it}$$

در ابتدا و پیش از بررسی مدل‌های مورد نظر، مقادیر شاخص VIF برای بررسی همخطی میان متغیرها در مدل‌های مورد نظر در جدول شماره ۳ ارائه شده است. این شاخص بیان می‌کند که چه میزان از تغییرات مربوط به ضرایب برآورد شده بابت همخطی افزایش یافته است. در صورت عدم وجود همخطی انتظار می‌رود این شاخص کمتر از مقدار ۱۰ باشد.

جدول شماره ۳ آزمون VIF برای فرضیه اول

نام متغیر	CSR	LogTotAs set	NPLR	LLPR	AssetGro wth	EBITDA_ t-1	CapexR
شاخص VIF	1.1366	2.1920	7.9699	7.6884	1.2462	1.1039	1.2338

نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که مشکل همخطی در بین متغیرهای فرضیه اول پژوهش وجود ندارد. برای اینکه بتوان مشخص نمود که آیا استفاده از روش داده‌های پانل در برآورد مورد نظر کارآمد است یا خیر از آزمون چاو استفاده می‌گردد. همانگونه که نتایج آزمون چاو در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، مقدار سطح معنی داری برای مدل رگرسیونی کمتر از سطح خطای آزمون یعنی ۰,۰۵ است. بنابراین در این مدل فرضیه  $H_0$  در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و بیانگر این است که می‌توان از روش داده‌های پانل برای برازش استفاده نمود. در مرحله بعد آزمون هاسمن با هدف تعیین مدل مناسب میان مدل‌های پانلی با اثرات ثابت و پانلی با اثرات تصادفی، انجام شده است. همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود سطح معنی داری آماره‌های هاسمن نشان می‌دهد که الگوی اثرات ثابت بر الگوی اثرات تصادفی برتری دارد. در نتیجه با توجه به نتایج حاصل از آزمون‌های ترکیب‌پذیری چاو و اثرپذیری هاسمن، مدل پانلی با اثرات ثابت جهت برازش مدل رگرسیون در این مرحله انتخاب شد.

جدول شماره ۴ آزمون انتخاب الگوی رگرسیون مدل فرضیه اول پژوهش

آزمون	آماره	مقدار	درجه آزادی	احتمال	نتیجه
ترکیب‌پذیری چاو	اف لیمر	۷,۴۴۷	(۹۰۵۳)	< ۰,۰۰۱	مدل پانلی
اثرپذیری هاسمن	کای دو	۱۶,۹۹	۷	۰,۰۱۷	اثرات ثابت

جهت پرهیز از نادیده گرفتن نقض فرض همسانی واریانس و رخداد نتایج کاذب در روند تخمین، آزمون تشخیص وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانس از آماره  $F$  روش پاگان استفاده شده است که نتایج حاصل در جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که سطح معنی داری حاصل بیش از سطح خطای ۰,۰۵ است بنابراین فرضیه  $H_0$  صفر آزمون یعنی برقراری همسانی واریانس‌ها

تایید شده است. برای آزمون وجود یا عدم وجود خود همبستگی سریالی از آزمون بروش گادفری-ولدریج استفاده شده است. نتایج حاصل در جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که سطح معنی داری حاصل بیش از سطح خطای ۰,۰۵ است بنابراین خودهمبستگی میان متغیرهای مدل وجود ندارد. در مورد مانایی باقیمانده‌های مدل ملاحظه می‌شود که با توجه به نتیجه آزمون دیکی فولر در سطح معنی داری ۰/۰۵ عدم برقراری مانایی تایید نمی‌شود. بنابراین، مدل رگرسیون پانلی با اثرات ادغام شده را برازش داده و نتایج حاصل را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

جدول شماره ۵ بررسی فرضیات زیربنایی مدل رگرسیون پژوهش

آزمون	آماره	مقدار	درجه آزادی	احتمال	نتیجه
همسانی واریانس‌ها	بروش پاکان	۱۲,۰۹	۷	۰,۰۹۷	برقراری همسانی واریانس‌ها
خودهمبستگی سریالی	بروش گادفری-ولدریج	۱۳,۲۲	۷	۰,۰۶۷	عدم وجود خودهمبستگی
آزمون مانایی	دیکی فولر	-۵,۶۴	۴	۰,۰۱	برقراری مانایی

جدول شماره ۶ آزمون مدل فرضیه اول پژوهش

مدل رگرسیون پانل اثرات ادغام شده

متغیر وابسته: EBITDA<sub>i,t</sub>

متغیرهای توضیحی	ضرایب	خطای استاندارد	آماره T	احتمال آماره
CSR	0.516	0.193	2.670	0.010
LogTotAsset	-0.183	0.041	-4.523	0.000
NPLR	-0.137	0.045	-3.063	0.003
LLPR	-3.655	0.969	-3.771	0.000
AssetGrowth	0.118	0.082	1.443	0.155
EBITDA <sub>t-1</sub>	-0.043	0.111	-0.389	0.699
CapexR	0.901	0.890	1.013	0.316
ضریب تعیین	۰,۶۲۳	آماره آزمون		۱۲,۵۳
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۵۰۹	احتمال آماره آزمون		<۰,۰۰۱

نتایج جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری متغیر مستقل سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد که مبین این موضوع است که میان مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد ملی بانک‌ها (EBITDA) رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به ضریب متغیر سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی (۰/۵۱۶)، معنی‌دار و مثبت است. از این رو می‌توان بیان داشت که با افزایش سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی، عملکرد مالی



بانک‌ها (EBITDA) افزایش می‌یابد و این موید تایید فرضیه اول پژوهش با استفاده از معیار EBITDA می‌باشد. علاوه بر این ضریب متغیرهای کنترلی اندازه بانک (-۰/۱۸۳) و ریسک بانکی و اعتباری (به ترتیب ۰/۱۳۷- و ۳/۶۵۵-) نیز معنی‌دار هستند، به عبارتی بانک‌ها با اندازه کوچکتر و ریسک بانکی و اعتباری کمتر از عملکرد بهتری بر اساس معیار EBITDA برخوردار هستند.

همچنین همان‌طور که نتایج جدول شماره ۶ نشان می‌دهد، مقدار ضریب تعیین ۰/۶۲۳ و ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۵۰۹ می‌باشد که بیانگر این است که قدرت توضیح دهنده و برازش مدل در سطح خوبی قرار دارد و حدود ۵۱ درصد از تغییرات عملکرد مالی بانک‌ها (EBITDA) ناشی از تغییر متغیر مستقل سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک‌ها می‌باشد.

#### ۴-۳-۱- آزمون فرضیه دوم پژوهش

در این بخش نیز پیش از بررسی مدل آماری مورد نظر، مقادیر شاخص VIF برای بررسی همخطی میان متغیرها در مدل‌های مورد نظر ارائه شده است. در صورت عدم وجود همخطی انتظار می‌رود این شاخص کمتر از مقدار ۱۰ باشد.

جدول شماره ۷ آزمون VIF برای فرضیه دوم

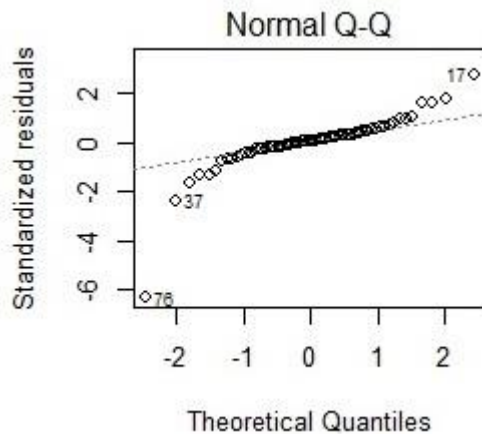
نام متغیر	CSR	LogTotAsset	NPLR	LLPR	AssetGrowth	MTB_t-1	CapexR
شاخص VIF	1.1531	2.3616	8.2694	7.9081	1.2375	1.1560	1.2777

نتایج جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که در بین متغیرهای پژوهش همخطی وجود ندارد و جهت مشخص نمودن کارآمدی روش داده‌های پانل از آزمون چاو استفاده می‌گردد. همان‌طور که نتایج آزمون چاو در جدول شماره ۸ نشان می‌دهد، مقدار سطح معنی‌داری برای مدل رگرسیونی بیش از سطح خطای آزمون یعنی ۰,۰۵ می‌باشد. بنابراین در این مدل، فرضیه H0 در سطح اطمینان ۹۵٪ تایید شده و بنابراین بایستی در این مدل از مدل رگرسیون ساده OLS نمود.

جدول شماره ۸ آزمون انتخاب الگوی رگرسیون مدل فرضیه دوم پژوهش

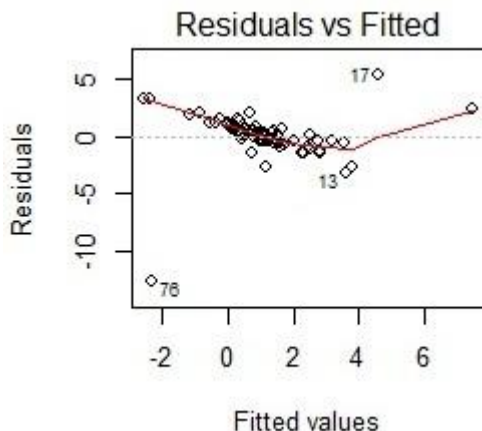
آزمون	آماره	مقدار	درجه آزادی	احتمال	نتیجه
ترکیب‌پذیری چاو	اف لیمر	۱,۸۴۷	(۹۰۵۳)	۰,۰۸۱	مدل رگرسیون ساده OLS

برای بررسی همسانی واریانس‌ها از آزمون بروش پاگان استفاده شده است. آزمون بروش - پاگان<sup>۱</sup> به منظور آزمودن واریانس ناهمسانی در مدل‌های رگرسیون خطی استفاده می‌شود و وابستگی واریانس جملات پسماند بدست آمده از رگرسیون خطی را به مقادیر متغیرهای توضیح دهنده مدل، بررسی می‌کند. نتایج جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری حاصل بیش از سطح خطای ۰,۰۵ بوده و همسانی واریانس‌ها را بیان می‌کند. همچنین برای بررسی خودهمبستگی سریالی از آزمون دوربین واتسون استفاده شده است. در جدول شماره ۹ مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری حاصل بیش از سطح خطای ۰,۰۵ بوده و بنابراین عدم وجود خودهمبستگی سریالی تایید می‌شود. جهت بررسی نرمال بودن خطاهای مدل از آزمون کلموگروف اسمیرنوف استفاده گردید که نتایج جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری حاصل بیش از سطح خطای ۰,۰۵ بوده و خطاهای حاصل از مدل نرمال می‌باشد.



شکل شماره ۲ نمودار چندک چندک احتمال نرمال

1 - Breusch-Pagan test



شکل شماره ۳ نمودار خطاها در مقابل مقادیر پیش بینی شده برای بررسی نرمال بودن توزیع خطاها از نمودار چندک چندک احتمال نرمال (شکل شماره ۲) استفاده شده است که نشان دهنده نرمال بودن توزیع خطاها می‌باشد. همچنین برای بررسی ثبات واریانس خطاها از نمودار خطاها در مقابل مقادیر پیش بینی شده استفاده شده است (شکل شماره ۳) که نمودارهای فوق نشان می‌دهد ثبات واریانس خطاها برقرار است. که این نمودارها موید نتایج جدول شماره ۹ می‌باشد.

جدول شماره ۹ بررسی فرضیات زیربنایی مدل رگرسیون پژوهش

نتیجه	احتمال	درجه آزادی	مقدار	آماره	آزمون
برقراری همسانی واریانس ها	۰,۲۶۱	۷	۸,۸۷	بروش پاکان	همسانی واریانس ها
عدم وجود خودهمبستگی	۰,۵۰۴	-	۲,۰۳۵	دوربین واتسون	خودهمبستگی سریالی
برقراری نرمال بودن	۰,۶۹۷	-	۰,۰۸۲	کلموگروف اسمیرنوف	نرمال بودن خطاها

جدول شماره ۱۰ آزمون مدل فرضیه دوم پژوهش

مدل رگرسیون ساده OLS

متغیر وابسته:  $MTBi,t$

احتمال آماره	آماره T	خطای استاندارد	ضرایب	متغیرهای توضیحی
<۰,۰۰۱	4.227	11.000	46.499	(Intercept)
0.036	-2.143	4.188	-8.975	CSR
<۰,۰۰۱	-3.757	0.351	-1.317	LogTotAsset
0.047	2.022	0.883	1.787	NPLR

0.041	2.088	17.639	36.835	LLPR
0.948	-0.066	1.987	-0.131	AssetGrowth
0.366	0.910	0.110	0.100	MTB_t-1
0.029	2.238	22.002	49.239	CapexR
۴,۹۱	آماره آزمون		۳۵۶.۰	ضریب تعیین
<۰,۰۰۱	احتمال آماره آزمون		۰,۲۸۴	ضریب تعیین تعدیل شده

نتایج جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری متغیر مستقل سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد که مبین این است که میان سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد ملی بانک‌ها (نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام MTB) رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به ضریب متغیر سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی (-۸/۹۷۵)، معنی‌دار و منفی است. از این رو می‌توان استدلال کرد که با افزایش سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بانک‌ها، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام (MTB) آنها کاهش خواهد یافت و این موید تایید فرضیه دوم پژوهش با استفاده از نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام (MTB) می‌باشد. همچنین ضریب متغیرهای کنترلی اندازه بانک (۱/۳۱۷-)، ریسک‌های بانکی و اعتباری (به ترتیب ۱/۷۸۷ و ۳۶/۸۳۵) و اولویت مدیریت (۴۹/۲۳۹) نیز معنی‌داری هستند.

همان‌طور که نتایج جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد، مقدار ضریب تعیین ۰/۳۵۶ و ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۲۸۴ می‌باشد که بیانگر این است که قدرت توضیح‌دهندگی و برازش مدل در سطح خوبی قرار دارد و ۲۸/۴ درصد از تغییرات نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام بانک‌ها (MTB) ناشی از تغییر متغیر مستقل سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک‌ها می‌باشد.

## نتیجه‌گیری

نظریه‌های مربوط به مسئولیت‌پذیری اجتماعی مؤید آن هستند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی به دلیل در نظر گرفتن منافع همه ذی‌نفعان سازمان از جمله محیط زیست، به طور عمده تأثیر مثبتی بر عملکرد شرکت‌ها می‌گذارد (رحمان، رحمان و بنتلی، ۲۰۱۷).

نتایج به دست آمده برای فرضیه اول نشان می‌دهد که مولفه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی بانک‌ها تأثیر دارد. علاوه بر این، مقدار ضریب به دست آمده مثبت می‌باشد یعنی افزایش سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک‌ها، عملکرد مالی بانک‌ها افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر با ارتقا سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک‌ها، حاشیه سود قبل از کسر بهره و مالیات و استهلاک (EBITDA) در بانک‌ها بهبود خواهد یافت.

همچنین با توجه به نتایج فرضیه دوم، شاخص مسئولیت‌پذیری بانک‌ها همانند فرضیه اول پژوهش بر عملکرد مالی بانک‌ها تأثیر دارد و ضریب منفی آن بیانگر رابطه معکوس میان سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک‌ها و عملکرد مالی آنها می‌باشد. به بیان دیگر با افزایش سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک‌ها نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام (MTB) کاهش می‌یابد.

در صنعت بانکداری، بانک‌ها و موسسات اعتباری که به مشارکت در مسئولیت اجتماعی پایبند هستند و خود را ملزم به رعایت شاخص‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌کنند، در بلندمدت عملکرد مالی بهتری بروز می‌دهند. در راستای همسوسازی اهداف بانک با منافع جامعه، بانک‌ها ممکن است متحمل هزینه‌هایی شوند، اما اگر منافع حاصل از آن بیشتر از هزینه‌های آن شود، عملکرد مالی و بهره‌وری و کارایی بانک بهبود می‌یابد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌گورن و شوولتز (۲۰۱۹)، لی و همکاران (۲۰۱۹)، گنجی و همکاران (۲۰۱۹)، مقبوان و زاهر (۲۰۱۸)، آلانی گابادمیوس (۲۰۱۶)، گیناراکیس و همکاران (۲۰۱۶)، جو و همکاران (۲۰۱۵)، نمازی و مقیمی (۱۳۹۷)، حیدری کرد زنگنه، نوروش و جعفری (۱۳۹۶)، امیرحسینی و قبادی (۱۳۹۵)، احمدی نیاسانی، رستمی، صبوری (۱۳۹۴)، بادآور نهندی، برادران حسن زاده و جلالی فر (۱۳۹۳) و کرمی، قیومی و ابراهیمی کردلر (۱۳۹۳) همسو است. همچنین نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش صنوبر و همکاران (۱۳۸۹)، حاجیها و سرافراز (۱۳۹۳)، استفان سانچز و همکاران (۲۰۱۷) و تیوهین (۲۰۱۴) همسو نمی‌باشد.

## پیشنهاد‌های پژوهش

۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تصویب قوانین و استانداردهای لازم برای نظارت بر فعالیت بانک‌ها از منظر توجه به مسئولیت‌های اجتماعی بانک‌ها، عملکرد بانک‌ها را نظارت نموده و ارزیابی نماید. از جمله اقداماتی که می‌توان جهت افزایش سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بانک‌ها انجام داد می‌شود به برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارها با موضوع مسئولیت‌پذیری اجتماعی در صنعت بانکداری و آثار آن، الزام بانک‌ها به ارائه گزارش‌های سالانه فعالیت‌های خود در خصوص مسئولیت‌پذیری اجتماعی، الزام شفافیت اطلاعات بانکی برای ذینفعان و همچنین وضع استانداردهای مناسب برای بانک‌ها به عنوان یکی از مهمترین نهاد‌های سرمایه‌گذاری فعال در جامعه اشاره نمود.

۲- عدم گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی به صورت مجزا و نبود استانداردهای لازم در زمینه مسئولیت‌پذیری اجتماعی در ایران موجب گزارشگری و افشای مسئولیت‌پذیری به صورت سلیقه‌ای شده است. بنابراین این ضعف باعث شده است مه سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران نتوانند از این منظر بانک‌ها را مقایسه نمایند. از این رو به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌شود که بانک‌ها را به افشاء مسئولیت‌پذیری اجتماعی در چارچوب استانداردهای مدون و یک پارچه و ارائه گزارش‌های مجزا و مستقل ملزم نماید و به رتبه بندی بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به لحاظ کیفیت سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بپردازد.

۳- با توجه به رابطه مثبت بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی بانک‌ها، به سازمان بورس و اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود افشای شاخص‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک‌ها و امتیاز مربوط به آن را برای بانک‌های پذیرفته شده در بورس الزامی نماید و این اطلاعات را را سازمان‌دهی نماید.

۴- به کلیه متصدیان مسؤلیت‌پذیری اجتماعی بانک‌ها اعم از دانشگاهیان، مدیران، نهاد‌های اجرایی، تحلیلگران و سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود، با توجه به اینکه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی بانک‌ها رابطه مثبت وجود دارد، همه بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در جهت بهبود مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حرکت به سمت توسعه پایدار هماهنگ سازند. سرمایه‌گذاران در تصمیمات سرمایه‌گذاری در بانک‌ها به امتیاز مسئولیت‌پذیری اجتماعی آنها به عنوان عامل مؤثر و مرتبط با عملکرد بانک توجه نمایند.

۵- به مدیران بانک‌ها پیشنهاد می‌شود که کلیه شاخص‌ها و مولفه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی این پژوهش را در بانک تحت مدیریت خود اجرایی و عملیاتی نمایند و به تبع آن منافع اقتصادی بلندمدت حاصل از اجرای آن را کسب نمایند.

۶- به مدیران توصیه می‌شود به مسئولیت اجتماعی بانک‌ها، توجه ویژه‌ای داشته باشند و به سازمان بورس و اوراق بهادار تهران نیز پیشنهاد می‌شود، افشای شاخص‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک‌ها و امتیاز مربوط به آن را برای بانک‌های پذیرفته شده در بورس الزامی کند.

### پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

- ۱- بررسی رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی در صنایع دیگر مانند صنعت بیمه و شرکت‌های سرمایه‌گذاری
- ۲- بررسی کیفیت گزارشگری شاخص‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بانک‌ها بر اساس استانداردهای بین‌المللی
- ۳- مقایسه تطبیقی سطح افشای شاخص‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک‌های داخلی با بانک‌های کشورهای حوضه خلیج فارس و سایر کشورهای اسلامی
- ۴- مقایسه تطبیقی سطح افشای شاخص‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی در بانک‌های دولتی و غیر دولتی

## فهرست منابع

۱. احمدی نیاسانی، آسیه، رستمی، شعیب، صبوری، مریم، (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین شاخص‌های مسئولیت-پذیری اجتماعی شرکت‌ها و اجزای عملکرد مالی؛ شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. ماهنامه پژوهش‌های مدیریت و حسابداری. ۱۴، ۴۲-۲۵
۲. امیرحسینی، زهرا، قبادی، معصومه. (۱۳۹۵). گزارشگری مسئولیت اجتماعی، عملکرد مالی و مالکیت نهادی. *حسابداری مدیریت*، ۹(۲۸)، 55-66.
۳. بادآور نهندی، یونس، برادران حسن زاده، رسول، جلالی فر، ژیلدا. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مدیریت بهره‌وری، ۸(۲۸) (بهار)، ۱۳۹-۱۶۴.
۴. بیابانی، سروش، گرکز، منصور. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین حضور مدیران زن در هیئت مدیره با عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. ۳(۱۲)، 63-74.
۵. بهار مقدم مهدی، صادقی زین العابدین، صفرزاده ساره. (۱۳۹۲). بررسی رابطه‌ی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها. فصلنامه حسابداری مالی. ۵ (۲۰)، ۹۰-۱۰۷
۶. پال هرسی و کنت بلانچارد، مدیریت رفتار سازمانی کاربرد منابع انسانی، ترجمه علی علاقه بند، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱
۷. جبارزاده کنگر لویی، سعید، فاتحی، سمیه، متوسل، مرتضی. (۱۳۹۵). ایدئولوژی‌های اخلاقی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌ها. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی ۸(۳۱)، 40-22.
۸. حاجیها، زهره، سرفراز، بهمن. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری. ۴(۲)، 105-123.
۹. حساس یگانه یحیی، برزگر قدرت اله. (۱۳۹۲). ارائه‌ی مؤلفه‌ها و شاخص‌های بُعد اجتماعی مسئولیت شرکت‌ها و وضعیت موجود آن در ایران. مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی. ۲ (۱)، ۲۰۹-۲۳۴
۱۰. حیدری کرد زنگنه غلامرضا، نوروش ایرج، جعفری محمد حسن. (۱۳۹۶). مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی). ۱۷ (۳ و ۴)، ۷۸-۵۳
۱۱. دیانتی دیلمی، زهرا، خداکرمی، الهام. (۱۳۹۶). تأثیر انتشار اخبار زیست محیطی روی قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش سرمایه‌گذاری، ۶(۲۳)، ۱۸۹-۲۱۲.
۱۲. صنوبر، ناصر، خلیلی، مجید، ثقفیان، حامد. (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی با عملکرد مالی شرکت‌ها. کاوش‌های مدیریت بازرگانی. ۲(۴)، 28-52.



۱۳. عرب صالحی، مهدی، صادقی، غزل، معین الدین، محمود. (۱۳۹۲). رابطه مسئولیت اجتماعی با عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری. ۱۳(۱)، 1-20.
۱۴. طالب نیا، قدرت اله، رجب دری، حسین، خانی دلان، امیررضا. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتها از دیدگاه اسلامی. فصلنامه مدیریت اسلامی. ۲۶(۲)، 183-211.
۱۵. فخاری، حسین، فلاح‌پور، فرهاد. (۱۳۹۶). بررسی اثر میانجی عملکرد مالی بر رابطه میان مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش افزوده بازار در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. چشم‌انداز مدیریت مالی، ۷(۲۰)، ۹۷-۱۱۴.
۱۶. کاوسی، اسماعیل؛ چاوش باشی، فرزانه (۱۳۸۹)، بررسی رابطه مسئولیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در سازمان، پژوهشنامه. ۶۱ ۶۸-۵۱.
۱۷. کرمی، غلامرضا، قیومی، زهره، ابراهیمی کردلر، علی. (۱۳۹۴). ارزیابی شاخص افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و بررسی ارتباط این شاخص با عملکرد مالی بانکها در ایران (تحت رویکرد اسلامی). فصلنامه مدیریت اسلامی، ۲۲(2)، ۱۳۱-۱۴۹.
۱۸. گرمسیری، صدیقه، وکیلی فرد، حمیدرضا، طالب‌نیا، قدرت‌اله. (۱۳۹۶). بررسی اثر کیفیت گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکتها، ویژگیهای حاکمیت شرکتی، عملکرد مالی، بر شهرت اجتماعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مدیریت. ۱۰(۳۵)، 31-43.
۱۹. نمازی، محمد، مقیمی، فاطمه. (۱۳۹۷). تأثیر نوآوری و نقش تعدیلی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت‌ها در صنایع مختلف. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. ۲۵(۲)، 289-310.
20. Abbasi, H. & et. al. (2012). The Tendency of Customers towards the Acceptance of Islamic Banking in Bahawalpur Region, Pakistan. Research Journal of Finance and Accounting.
21. Alperhan, B. (2012). Corporate social responsibility disclosure by Islamic financial institutions: an Australian case study. International Academy of Business and Economics.
22. Arshad, R. & et.al. (2012). Islamic Corporate Social Responsibility, Corporate Reputation and Performance. World Academic of Science, Engineering and Technology.
23. Cho, E., & Fiore, A. (2015). Conceptualization of a holistic brand image measure for fashion-related brands. Journal of Consumer Marketing, Vol. 32, No. 4, pp. 30-45.
24. Choi, J.-S., Kwak, Y.-M., & Choe, C. (2010). Corporate social responsibility and corporate financial performance: Evidence from Korea. Australian Journal of Management, 35(3), 291-311.
25. Esteban-Sanchez, P., de la Cuesta-Gonzalez, M., & Paredes-Gazquez, J. D. (2017). Corporate social performance and its relation with corporate financial performance: International evidence in the banking industry. Journal of Cleaner Production, 162, 1102-1110.

26. Gangi, F., Mustilli, M., & Varrone, N. (2019). The impact of corporate social responsibility (CSR) knowledge on corporate financial performance: evidence from the European banking industry. *Journal of Knowledge Management*, 23(1), 110-134.
27. Gbadamosi, W. A. (2016). Corporate social responsibility and financial performance of banks in the United States.
28. Giannarakis, Grigoris & et. al. (2016). The impact of corporate social responsibility on financial performance. *Investment Management and Financial Innovations*, 13, 170-182
29. Gonenc, H.; Scholtens, B. Responsibility and Performance Relationship in the Banking Industry. *Sustainability* 2019, 11, 3329.
30. Griffin, K. (1987). World hunger and the world economy. In *World Hunger and the World Economy* (pp. 1-24). Palgrave Macmillan, London.
31. Haniffa, R. & Hudaib, M. (2007). Exploring the Ethical Identity of Islamic Banks via Communication in Annual Reports. *Journal of Business Ethics*. 76(1), 97-116.
32. Harrison, N. 2000. *Improving Employee Performance*, Kogan Page Limited, London.
33. Castka, P. & Balzarova, A.M. (2007) "ISO 26000 and Supply Chains – on the Diffusion of the Social Responsibility Standards", *International Journal of Production Economics*, 111:274-286.
34. Hasan, A. (2010). "Exploring Corporate Social Responsibility Disclosure: The case of Islamic banks", *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, vol.3, no.3, 2010, pp.203-227.
35. Li, K.; Khalili, N.R.; Cheng, W. Corporate Social Responsibility Practices in China: Trends, Context, and Impact on Company Performance. *Sustainability* 2019, 11, 354.
36. Mallin, b.C., Farag, H. and Ow-Yonga, K (2014). Corporate social responsibility and financial performance in Islamic banks. *Journal of Economic Behavior & Organization*, Vol. 103. S21–S38.
37. Maqbool, S., & Zameer, M. N. (2018). Corporate social responsibility and financial performance: An empirical analysis of Indian banks. *Future Business Journal*, 4(1), 84–93.
38. Michalos, A.C. 2006. *Ancient Observations on Business Ethics: Middle East Meets West*.
39. Mosaid, F. & Bouti, R. (2012). Relationship between Corporate Social Responsibility and Financial Performance in Islamic Banking. *Research Journal of Finance and Accounting*.
40. Parkinson, J.E. (1994); " Corporate Power and Responsibility", Oxford University Press, Oxford.
41. Pettenella, D. (2010). CSR: What it is, what issues it incorporates? What costs/benefits of implementation? Paper presented at United Nations

Economic Commission for Europe, UNECE Workshop on Corporate Social Responsibility. Belgrade, Serbia, 13-14 April.

42.Ramanathan, R., Ramanathan, U., Bentley, Y. (2017). The debate on flexibility of environmental regulations, innovation capabilities and financial performance -A novel use of DEA, *Omega*, 75(5), 131-138.

43.Simpson, G.W. and Kohers, T (2002). The link between corporate social and financial performance: evidence from the banking industry. *J. Bus. Ethics*, Vol. 35(2), 97–109.

44.Tricker, R. (1994). " International Corporate Governance", Singapore: Prentice- Hall.

45.Tuhin, M.H. 2014. Dose Corporate Social Responsibility Expenditure Affect Financial Performance of Islamic Banks in Bangladesh?. *Middle East Journal of Business*. 9(2), 44-50.

46.Turker D, (2009)" Measuring Corporate Social Responsibility: A Scale Development Study". *Jornal of Business Ethics* 85 (4), 411-27.

47.Vaidya, O., & Chitnis, A. (2012). Performance Evaluation in Indian Corporate Organizations: A Survey. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 37, 38–45.

48.Wu, M.-W., & Shen, C.-H. (2013). Corporate social responsibility in the banking industry: Motives and financial performance. *Journal of Banking & Finance*, 37(9), 3529–3547.

49.Wood, D. J. (1991). "Corporate social performance revisited". *Acad. Manag. Rev*, 16, pp. 691-718

50.Zubairu, U.M. & et.al. (2012). Evaluation of Social Reporting Practices of Islamic Banks in Saudi Arabia. *Electronic Journal of Business Ethics and Organization Studies*



نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۴۴ - ۱۲۵

## رابطه دین و اخلاق (با رویکرد فلسفی)

معصومه سعید<sup>۱</sup>

### چکیده

رابطه‌ی دین و اخلاق از پرسابقه‌ترین بحث‌های اندیشه‌ی دینی است. فیلسوفان دین و عالمان علم اخلاق در زمینه‌ی رابطه‌ی دین و اخلاق، اصالت دین یا اخلاق، ضمانت اجرایی اخلاق به وسیله‌ی دین، سرچشمگی دین از اخلاق یا اخلاق از دین و سایر وابستگی‌ها و نیازمندی‌های دین و اخلاق سخن گفته‌اند. اما هنوز پرسش از "رابطه‌ی دین و اخلاق" از مهم‌ترین مسائلی است که ذهن اندیشمندان را به خود مشغول داشته است. پژوهش حاضر ابتدا معانی دین و اخلاق و اهداف هر یک از این دو مقوله را مطرح نموده، سپس دیدگاه‌های برخی از اندیشمندان مسلمان و غرب پیرامون روابط بین دین و اخلاق را در یک تقسیم‌بندی جدید بیان کرده است و در نهایت پس از ارزیابی نظرات مذکور، دیدگاه مورد نظر را ذکر می‌کند.

### واژگان کلیدی

دین، اخلاق، تباین، تقابل، اندراج.

## طرح مسأله

مسأله‌ی ارتباط دین و اخلاق، یکی از مسائل بسیار مهم روزگار ماست. یکی از مباحث مهم در کلام جدید و نیز در حوزه‌ی فلسفه‌ی اخلاق، دین و اخلاق و ارتباط این دو می باشد. بدین منظور که هرکدام جایگاه حقیقی خویش را داراست و در جامعه و حیات شخصی و اجتماعی انسان نقش خود را ایفاء می نماید. این بحث سابقه‌ی ای بسیار طولانی دارد و همواره یکی از مسائل مورد توجه متفکران دینی به شمار می آمده است. ریشه‌ی این مباحث را در آثار افلاطون و ارسطو نیز می توان دید، آن جا که افلاطون در آثار خود در گفت‌وگو با اوثیفرن، مسأله را این گونه مطرح می کند که آیا خدا هم باید معیارهای اخلاقی را محترم بدارد؟ (برن ژان، افلاطون، ۵۴) در علم کلام بحث معتزله و اشاعره نیز در همین ارتباط بود که آیا بنیان‌های اخلاق را باید بر دین استوار کرد یا اخلاق بنیانی مستقل دارد؟ اما آنچه که بحث دین و اخلاق را در دنیای جدید بسیار حائز اهمیت می سازد، مباحثی است که به خصوص پس از دوره‌ی رنسانس مطرح می شود. از زمانی که دین به تدریج از عرصه‌ها و حوزه‌های گوناگون کنار گذاشته شد، اخلاق همیشه یکی از ارکان دین تلقی می شده است اما از دوره‌ی جدید و به ویژه در عصر روشنگری، حضور دین را تحمّل نمی کنند و سعی بر این است که اخلاق را از دین و مفاهیم دینی خالی کنند. در این راستا فعالیت‌هایی در شرق و غرب صورت گرفته است که در شرق می توان به فلاسفه‌ای نظیر علامه طباطبایی، شهید مطهری و استاد مصباح اشاره کرد. در غرب نیز کانت، فروید، جیمز راشلز از جمله فلاسفه‌ای هستند که در این زمینه نظریات قابل توجهی دارند. در این نوشتار برآنیم که پس از تعریف دین و اخلاق، با استفاده از منابع معتبر، به بررسی رابطه‌ی دین و اخلاق بپردازیم. این بررسی از نگاه برخی فلاسفه با رویکردی جدید صورت گرفته است، بدین شکل که نظرات متفاوت اندیشمندان در ضمن تقسیم‌بندی بدیع بیان شده است و در پایان آراء مذکور را نقد کرده و دیدگاه صحیح را بیان می کنیم.

## تعریف دین

دین در لغت، به معنای متفاوتی نظیر جزاء و اطاعت آمده است. این دو معنی از جمله معانی است که در صحاح و قاموس و مجمع و مفردات نقل شده است. (قرشی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۳۸۰)

اما تعریف دین در اصطلاح دشوار است؛ زیرا تعاریف متعددی از سوی اندیشمندان مسلمان و غرب ارائه شده است و شمار آن به قدری زیاد است که به سختی می توان آن‌ها را جمع و شمارش کرد. علامه محمد تقی جعفری در این خصوص می گوید: «بسیاری از دین‌پژوهان برای ارائه‌ی تعریفی جامع و فراگیر نسبت به ادیان متعدّد و متنوع سعی کرده‌اند وجه مشترک ادیان را مورد بررسی قرار داده و از عناصر مشترک تعریفی عام و فراگیر ارائه کنند. این شیوه با روش‌های

متداول که به تعریف انتزاعی فیلسوفان از دین پردازند متفاوت است. «جعفری: فلسفه دین، ص ۴۱) در این مجموعه، ابتدا تعاریف برخی از متفکران مسلمان و غربی را مطرح کرده و در ادامه تعریف جامعی را بیان می‌کنیم.

۱. تعریف علامه طباطبائی:

ایشان در موارد گوناگونی از میزان، دین را به روش یا سنت اجتماعی تعریف می‌کند؛ از جمله: «دین راه زندگی است که آدمی در دنیا به ناچار آن را می‌پیماید.» (طباطبائی، میزان، ج ۸، ص ۱۳۴)

۲. تعریف آیت الله جوادی آملی:

دین مجموعه‌ی عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره‌ی جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها باشد. (جوادی آملی، شریعت در آئینه معرفت، ص ۹۳)

۳. تعریف استاد محمد تقی مصباح یزدی:

دین در اصطلاح، به معنای اعتقاد به آفریننده‌ی برای جهان و انسان و دستورهای عملی متناسب با این عقاید است؛ از این رو کسانی که مطلقاً معتقد به آفریننده‌ی نیستند و پیدایش پدیده‌های جهان را تصادفی و یا صرفاً معلول فعل و انفعال‌های مادی و طبیعی می‌دانند بی‌دین نامیده می‌شوند. بنا به تعریف ذکر شده هر دینی از دو بخش تشکیل می‌گردد:

الف) عقیده یا عقایدی که حکم پایه و اساس و ریشه دارند مانند اعتقاد به وجود خداوند یکتا و دادگر و توانای مطلق، اعتقاد به معاد و...

ب) برنامه‌ی حرکت به سوی هدف که احکام و تکالیف نامیده می‌شود و اخلاقیات و احکام فقهی را تشکیل می‌دهد. (مصباح یزدی، آموزش عقاید، ج ۱، ص ۲۸-۲۹)

پس از بیان نظرات برخی از متفکرین مسلمان در این زمینه، لازم است به دیدگاه برخی از فلاسفه‌ی غرب نیز اشاره کنیم. با توجه به این که نظرات متعددی در این مورد وجود دارد در این مجموعه به صورت گزینشی به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

۱. تی‌یل، دین را وضعیتی روحی یا حالتی ناب و حرمت‌آمیز می‌داند که آن را خشیت گویند.

(پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی درآمدی بر فلسفه دین، ص ۱۸)

۲. از نظر برگسن، دین، مطابق و موافق با عزم، نیت و طبیعت است. (برگسن، دو سرچشمه

اخلاق و دین، ص ۲۱۹)

۳. شلایر ماخر در تعریف دین می‌گوید: «دین عبارت است از احساس وابستگی مطلق به

چیزی دیگر.» (ویلیام، دین و روان، ص ۶)

۴. از نگاه ویلیام جیمز، دین عبارت از تأثرات و احساسات و رویدادهایی است که برای هر

انسانی در عالم تنهایی و دور از همه‌ی وابستگی روی می‌دهد، به طوری که انسان از این

مجموعه درمی‌یابد که بین او و آن چیزی که آن را امر خدایی می‌خواند رابطه‌ای برقرار است. (همان)

۵. ایمانوئل کانت در تعریف دین می‌گوید: «دین عبارت است از تشخیص همه‌ی وظایف به عنوان دستورات الهی.» (همان، ص ۲۲۶)

در نهایت می‌توان دین را مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و احساسات فردی و جمعی دانست که حول مفهوم حقیقت غایی سامان یافته است؛ (جمعی از نویسندگان، جستارهایی در کلام جدید، ص ۳۰۰). این تعریف جامعی از دین است؛ زیرا دین به این معنی، عام است و شامل ادیان توحیدی و غیر توحیدی می‌شود.

### تعریف اخلاق

اخلاق در لغت، از خُلق به معنی عادت و طبع و مروّت و دین است. خُلق و خُلق در اصل یکی اند اوّلی مخصوص هیئت و اشکال و صور ظاهری است و دوّمی مخصوص به قوا و صفات است که با بصیرت قابل درک می‌باشد (قرشی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۲۹۳)

در اصطلاح اخلاق، عبارت از هیأت نفسانی و صور باطنی است که رفتار انسان از آن سرچشمه می‌گیرد و به عبارت دیگر هیأت و سیمایی است که در روح و جان انسان راسخ گشته است به گونه‌ای که رفتار به سهولت از آن برخاسته و نیازی به درنگ و تأمل و فشار بر خود ندارد. بنابراین، حقیقت اخلاق غیر از رفتار است، چون ممکن است کسی دارای خلق و خوی سخاوت باشد ولی بذل و بخشش نداشته باشد؛ زیرا، گاهی ندارد تا ببخشد. (خیراللهی، فلسفه اخلاق، ص ۳-۲). بنابراین، اخلاق عبارت است از یک سلسله خصلت‌ها و سجایا و ملکات اکتسابی که بشر آن‌ها را به عنوان اصول اخلاقی می‌پذیرد یا به عبارت دیگر قالبی روحی برای انسان که روح انسان در آن کادر و طبق آن طرح و نقشه ساخته می‌شود. در واقع اخلاق، چگونگی روح انسان است. آری، اخلاق، مرتبط با ساختمان روحی انسان است و بر این اساس با آداب و رسوم مرسوم در جوامع تفاوت دارد؛ چرا که آداب و رسوم یک سلسله قراردادهای صرف می‌باشند که ربطی به ملکات و خلقیات و قالب‌های روحی درونی ندارد.

### اهداف دین

هریک از ادیان، به تناسب آموزه‌های عقیدتی خود، غایت و هدف خاصی را دنبال می‌کنند؛ به عنوان نمونه، در جایی مبدأ هستی و خالق جهان خدای واحد است، در جایی روح نهان هستی یا آتمن است که همان جوهره‌ی اصلی انسانی است که الوهیت نام دارد، در جایی دیگر به شکل قانونی کلی و فراگیر درمی‌آید که از اقتضای آن گریز نتوان یافت و به شکل اصل اساسی و تزلزل‌ناپذیر هستی است (تائو)، در جایی دیگر الوهیت متجسد است که باید در گوشت و خون او شریک شد و با رنج‌های او رنج کشید و از طریق مصائب او از این زندان حیات مادی به



بهشت حیات الوهی و ملکوتی خدا راه یافت (مسیح) و... البته همه در این جهت با یکدیگر مشترکند که واقعیت غایی خود را اصل حقیقت هستی می‌دانند. بنابراین، می‌توان غایت همه‌ی ادیان را در یک جمله خلاصه کرد که ادیان آمده‌اند تا انسان‌ها را از خودمحوری به حق‌محوری برسانند. ادیان آمده‌اند تا انسان‌ها را متحول کنند و تعالی بخشند و برای این کار، هم غایت و هدف را به آن‌ها معرفی می‌کنند و هم طریقه‌ی رسیدن به آن را، هر چند ممکن است تنها برخی از آن‌ها به واقع رسیده باشند. (صادقی، درآمدی بر کلام جدید، ص ۲۵۷) از نظر برخی از اندیشمندان، مهم‌ترین هدف دین، تربیت افراد و انسان‌های نیک و اخلاقی است. (سروش، مدارا و مدیریت، ص ۲۵۸)

### اهداف اخلاق

با توجه با این‌که در زمینه‌ی دین و اخلاق و رابطه‌ی میان این دو اختلافات زیادی وجود دارد، به تبع این اختلافات، در اهداف هر یک نیز تأثیر گذار بوده است، لیکن با تأمل در نظریات گوناگون، می‌توان آن‌ها را به دو بخش کلی تقسیم نمود، بخش اول مربوط به کسانی است که اخلاق را جزئی از دین می‌دانند و قسم دوم مربوط به دیدگاه‌هایی است که به جدایی و استقلال اخلاق از حوزه‌ی دین اعتقاد دارند. براین اساس در توضیح اهداف اخلاق با دو رویکرد اساسی مواجه می‌شویم، رویکرد محافظه‌کارانه یا ناظر به خوشایند و رویکرد اصلاح‌طلب یا ناظر به مصلحت.

طرفداران رویکرد اول غایت اخلاق را این می‌دانند که انسان‌ها با وضع نفسانی و روحانی خودشان همزیستی و همراهی داشته باشند. در این فرض باید ابتدا دید که انسان‌ها چه هستند، چه روحیاتی دارند، تمایلات و خواسته‌ها و خوشایند و ناخوشایند آن‌ها چیست و آنگاه متناسب با آن راهنمای عمل داد. اصول و دستورات اخلاقی برای آن وضع می‌شوند که به انسان‌ها بیاموزند چگونه می‌توانند بیشترین ارضاء را برای بیشترین خواسته‌هایشان به دست آورند. محافظه‌کاران نمی‌خواهند تحولی اساسی در روحیات و نفسانیات انسان‌ها پدید آید، بلکه هدف آن‌ها در حفظ و رعایت مقتضیات همین روحیات و نفسانیات است که انسان‌ها بالفعل دارند. آرمان اخلاق ناظر به خوشایند، حصول بیشترین همراهی و همزیستی میان انسان‌ها و تدبیر وضع آنان به نحوی است که دو اصل آزادی و عدالت تأمین گردند. اهداف این اخلاق، اهدافی حداقلی هستند و به همین مقدار اکتفا می‌شود که جلو تعدی و تجاوز انسان‌ها به حقوق یکدیگر را بگیرد. (صادقی، پیشین، ص ۲۶۰-۲۵۸)

اما اخلاق اصلاح‌طلب، هیچ‌گاه به وضع موجود رضا نمی‌دهد و همواره به دنبال دستیابی به آرمان‌های بلند است. از نظر این اخلاق، انسان‌ها را نباید به نحوی اساسی به ارضای تمایلات زیستی و نفسانی‌شان دعوت کرد، بلکه اگر هم دعوتی در این زمینه وجود دارد، دعوتی فرعی و

تبعی و به منظور دستیابی به هدفی والاتر است. این اخلاق می‌خواهد فضائل جدیدی را در انسان‌ها به وجود آورد و آن‌ها را به موجوداتی جدید و برتر تبدیل کند. در این‌جا خوشایند و ناخوشایند انسان‌ها مورد توجه نیست، بلکه آنچه مورد توجه است، مصالح آن‌هاست. توصیه‌های اخلاقی و احکام ارزشی بر این اساس صورت می‌گیرند که انسان‌ها را تعالی بخشند. (همان.)

مقایسه‌ی این دو رویکرد، ما را به این نکته هدایت می‌نماید که میان اهداف دین و اهداف اخلاق اصلاح طلب سازگاری وجود دارد، بدین طریق که هر دو یک هدف که تعالی انسان است را دنبال می‌کنند و این همخوانی بدین علت است که طرفداران این اندیشه، اخلاق را جزء دین می‌دانند؛ اما در رویکرد محافظه‌کارانه با وضعیتی برعکس مواجه هستیم. این تفکر به دنبال رضایت انسان در این دنیاست و بس، درحالی که دین رضایت و سعادت پایدارتری را مطرح می‌نماید. بنابراین، بین اهداف این اندیشه با اهداف دین منافات و ناسازگاری وجود دارد.

### دیدگاه‌های گوناگون پیرامون رابطه‌ی دین و اخلاق

مسئله‌ی ارتباط دین و اخلاق از مسائل خاص و دیرینه‌ی فیلسوفان است که نه فقط تداخل و هم‌پوشی این دو حوزه بلکه نحوه‌ی فهم ارتباط درست این دو مسئله است که بحث‌های فراوانی را برانگیخته است. رابطه‌ای که بین دین و اخلاق می‌توان فرض کرد در پنج بخش کلی قابل طرح است که هر یک طرفداران خاص خود را دارد. در ذیل به بررسی این روابط براساس نظریات مطرح شده در این زمینه می‌پردازیم:

۱. رابطه‌ی تباين: پاره‌ای از متفکران به تمایز و جداسازی قلمرو دین و اخلاق باور دارند و هر گونه نسبت میان دین و اخلاق را نفی کرده‌اند. براساس این نظریه دین و اخلاق، دو عنصر متباين و غیر مرتبط با یکدیگر تلقی می‌شوند به گونه‌ای که هیچ ارتباط منطقی با یکدیگر ندارند. این دیدگاه مربوط به دوران رنسانس به بعد است که اخلاق سکولار نام دارد و به هیچ رابطه‌ای بین دین و اخلاق قائل نیست. این گروه تأیید کرده‌اند که دین انسان را به بلوغ اخلاقی نمی‌رساند. (استامپ و دیگران، درباره دین، ص ۱۰۷) اخلاق سکولار از مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و نیز از برخی اصول و مبانی معرفت‌شناختی بهره می‌برد. اموری هم‌چون شک‌گرایی، نسبت‌گرایی، عقل‌گرایی، علم‌باوری و کثرت‌گرایی معرفتی اموری هستند که به عنوان مبانی معرفت‌شناختی اخلاق سکولار مطرح هستند. ابتلا انسان معاصر غربی به شکاکیت و نسبت‌در معرفت از یک سو و گرایش‌های علم‌باورانه، عقل‌گرایانه، کثرت‌گرایی معرفتی و اخلاقی از سوی دیگر موجب دور شدن از اخلاق دینی گردید تا زمینه را برای طرح اخلاق سکولار فراهم ساخت. (سربخشی، بررسی و نقد مبانی معرفت‌شناسی اخلاق سکولار، ص ۲۱)

بنابراین، اخلاق سکولار، گرایشی است مربوط به چگونگی صفات، رفتارها و هنجارهای حاکم بر آن‌ها، مبتنی بر دیدگاه غیردینی که مرجعیت دینی در امور اخلاقی را برنتافته و دخالت

انحصاری و مطلق عقل خودبنیاد و علم تجربی را در تنظیم رفتارهای اخلاقی خواستار است و سعادت دنیوی و رفاه اجتماعی بشر، تنها غایت مطلوب آن است. از دیدگاه این مکتب آن چه برای انسان ارزش نهایی دارد همین زندگی دنیوی و رسیدن به سعادت در آن است. سعادت اخروی یا به طور کلی مورد انکار واقع می‌شود و یا آنکه از آن صرف نظر شده و بدان بی‌توجهی می‌گردد. بنا بر اخلاق سکولار، وضع قواعد و دستورات اخلاقی برای آن است که راه ارضای هر چه بیشتر، برای بیشترین هوس‌ها به انسان‌ها آموزش داده شود. از نظر سکولاریست‌ها نیازی به تحول اساسی در روحيات و نفسانیات انسان نیست؛ بلکه حفظ همین روحيات و رعایت مقتضیات نفس، هدف نهایی اخلاق است. یکی از عناصر اصلی اخلاق سکولار، غیردینی بودن آن است. در اخلاق سکولار مرجعیت هر گونه متن یا شخص دینی، مردود اعلام شده و هیچ اصل مسلم و ثابت دینی، در تنظیم اخلاق پذیرفته نمی‌شود. در حقیقت اخلاق سکولاریستی بر عناصری از اخلاق طبیعت‌گرایانه محض که ارتباطی با دین و حیانی یا گرایش‌های ماوراء طبیعی ندارد پی‌ریزی شده است. در اخلاق سکولار آزادی کمترین قید را داراست و سعی می‌شود حداکثر آزادی برای افراد فراهم شود. تنها قیدی که به طور طبیعی باقی می‌ماند عدم سلب آزادی دیگران است. اخلاق سکولار با طرح فواید و لذات افعال و کشف رابطه آن‌ها به نحو عقلی و تجربی، اخلاق را عاری و فارغ از اندیشه‌ی خدا نموده، جرم را چیزی چون بیماری و مجرم را شخصی بیمار، مجازات را عملی تأدیبی و درمانی دانسته، و دیگر از بدی و خوبی فاعل، و پلیدی و پاکی فعل دم نمی‌زند. به اعتقاد بسیاری از سکولارها، مسأله‌ی نیت و نقش آن در عمل اخلاقی چندان مهم نیست. این امر موجب می‌شود حقوق با اخلاق چندان تفاوتی نداشته و تنها در روش یا منشأ وضع و اعتبار با آن فرق نماید.

۲. رابطه‌ی تقابل: برخی بر آنند که میان دین و اخلاق رابطه‌ی تقابل و ستیز برقرار است و این دو مانع هم هستند. افرادی نظیر نیچه و مارکس و فروید و راشلز از این دسته اند. این دیدگاه، نفی دین را موجب می‌شود.

جیمز راشلز در این زمینه بیان می‌دارد که اعتقاد به خدا مستلزم تعهد مطلق و بی‌چون و چرا به فرمانبری از اوامر الهی است و چنین تعهدی برای فاعل اخلاقی مناسب نیست. زیرا فاعل اخلاقی، یعنی فاعل خودمختار یا مستقل. بنابراین، انسان دارای با فضیلت با انسان دارای وحدت و تمامیت یکی می‌شود. یعنی با انسانی که براساس احکامی عمل می‌کند که می‌تواند آن‌ها را پس از تفکر و تأمل آگاهانه و قلباً تصویب کند. لذا، راشلز معتقد است می‌توان وجود خدا را انکار کرد. او این‌گونه استدلال می‌کند:

الف) اگر موجودی خدا باشد باید شایستگی پرستش داشته باشد.

ب) هیچ موجودی ممکن نیست شایستگی پرستش داشته باشد چرا که پرستش، مستلزم نفی

نقش شخص به عنوان عامل اخلاقی خودمختار است.

بنابراین، موجودی که خداست امکان ندارد که وجود داشته باشد. (همان، ص ۱۵۱) نیچه یکی دیگر از مدافعان این دیدگاه، بر این باور بود که تنها «مرگ خدا» و رهایی انسان از قیود دین است که توسعه‌ی صحیح اخلاق را فراهم می‌آورد. فرو ریختن ایمان به خدا، راه را برای پرورش کامل نیروهای آفریننده‌ی انسان می‌گشاید. خدای مسیحی با امر و نهی‌هایش دیگر راه را بر ما نمی‌بندد و چشمان انسان دیگر به قلمروی دروغین زبر طبیعی، به جهان دیگر به جای این جهان دوخته نمی‌شود.» (نیچه، فراسوی نیک و بد، قطعه ۲۲۲ و ۲۶۰) به عقیده‌ی نیچه، مسیحیت با ترغیب انسان‌ها به کسب صفاتی مانند نوع دوستی، شفقت، خیر خواهی، تسلیم و سرسپاری، شخصیت واقعی انسان را سرکوب می‌کند و آن را از شکوفایی باز می‌دارد.

۳. رابطه‌ی تطابق یا اندراج: این گروه به رابطه‌ی ارگانیکی و اتحاد دین و اخلاق معتقد هستند. بر این اساس، رابطه‌ی ارگانیکی و جزء و کل میان دین و اخلاق برقرار می‌گردد. بر اساس این تلقی، نه تنها قلمرو اخلاق از قلمرو دین جدا نیست بلکه اخلاق جزئی از گستره‌ی دین به شمار می‌آید. علامه طباطبایی و استاد مطهری و استاد مصباح یزدی از طرفداران این دیدگاه می‌باشند که در ذیل به عقاید این بزرگان اشاره می‌شود.

در تعاریفی که علامه در خصوص دین به عمل آورده‌اند، دین را مجموعه‌ای «مشمول بر یک سلسله عقاید و اخلاق و عبادات» نامیده‌اند. (طباطبایی، بررسی‌های اسلامی، ۳۵). این تعریف را می‌توان ناظر به «جنبه‌ی معرفت‌شناختی دین» قلمداد نمود. در این حالت می‌توان گفت: دین، از جهتی، مجموعه‌ای از مفاهیم و گزاره‌هایی است که در خصوص عقاید و اخلاق و احکام می‌باشد. این تعریف چنان که معلوم است تنها ناظر به جنبه‌ی صوری مفاهیم و گزاره‌ها نمی‌باشد، بلکه صراحتاً به محتوای آن‌ها اشاره می‌کند. مفاهیم و گزاره‌های دینی، در محتوایی خاص به نام «کتاب مقدس» به صورت الفاظ و جملات تعین یافته است. از نظر علامه، دین داری «جنبه‌ی هستی‌شناختی» نیز می‌باشد. بدین معنا که محتوایی که دین از آن برخوردار است و در قالب کتاب مقدس تحقق یافته دارای حقیقتی عینی است که مرتبه‌ای از هستی را اشغال نموده است و غیر از وجود لفظی، از وجود عینی و خارجی برخوردار می‌باشد. (طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۲۱)

جنبه‌ی «روانشناختی» دین را باید در مسأله‌ی «ایمان» و «فطرت» جستجو نمود. در مورد «ایمان» باید گفت در مجموع، از نظر علامه طباطبایی عناصری که ذیل مفهوم ایمان قرار می‌گیرند از این قرارند:

۱- تصدیق جزمی و قطعی یا اذعان، درک، علم، اعتقاد. ۲- سکون آرامش، اطمینان، تسلیم شدن، قرار گرفتن در قلب، تعلق قلبی. ۳- اخلاق یا ملکات نفسانی ۴- التزام به لوازم و آثار عملی یا عمل. (طباطبایی، پیشین، ج ۱، ص ۵۵) با این وصف، جوهر و حقیقت ایمان از نظر علامه،

همانا عبارت است از تعلق و وابستگی قلب به خضوع در برابر خداوند و تسلیم شدن در برابر اوست.

جایگاه ایمان «قلب» است و اثر و صفتی است که در دل شخص با ایمان تحقق دارد. ایمان صرف ادراک نیست، بلکه عبارت است از پذیرفتن و قول مخصوص از ناحیه‌ی نفس نسبت به آنچه که درک شده است، قبولی که باعث تسلیم شدن نفس می‌گردد. نفس در مقام ایمان واجد حالت و تعین جدیدی می‌گردد. علامه در این مورد می‌فرماید: «اینکه می‌گوییم برای مؤمن حیات و نوری دیگر است، مجاز گویی نبوده بلکه به راستی در مؤمن، حقیقت و واقعیتی دارای اثر، وجود دارد که در دیگران وجود ندارد و این حقیقت سزاوارتر است به اینکه اسم حیات و زندگی بر آن گذاشته شود تا آن حقیقتی که در مردم دیگر است و آن را در مقابل حیات نباتی، حیات و زندگی حیوانی می‌نامیم. جایگاه این حیات یا روح ایمان، در دل است.» (همان)

در مورد «فطرت» نیز علامه معتقدند که ریشه‌ی دین را باید در فطرت جست. (طباطبایی، پیشین، ج ۱۶، ص ۲۸۴-۲۸۲)

در این مقام، منظور از فطرت، همانا «حس پرستش» می‌باشد. یکی از گرایش‌های نفسانی انسان، حس پرستش است که او را به سوی مبدأ و منشأ کمالات و نیکی‌ها فرا می‌خواند. در «جنبه‌ی جامعه شناختی» دین، نظر به تأثیرات دین در حفظ نظم و بنیادهای جامعه است. از نظر علامه، دین حافظ و نگهدارنده و ضامن اخلاق فاضله در جامعه و علت اصلی و اساسی جلوگیری از هوی و هوس‌های انسانی است و در پی چنین جایگاهی برای دین است که نظم و انتظام جامعه باقی می‌ماند و شیرازه جامعه از هم نمی‌گسلد. (طباطبایی، مجموعه رسائل، ص ۳۳۴)

پس از نظری اجمالی به دین و ابعاد آن از نظر علامه، به دیدگاه ایشان در اخلاق می‌پردازیم. از «جهت معرفت‌شناسی»، اخلاق، مجموعه‌ای از مفاهیم اعتباری عملی و گزاره‌های مرکب از این نوع مفاهیم می‌باشد. از نظر علامه طباطبایی، ادراکات ما به ادراکات ماهوی و اعتباری تقسیم می‌شوند. از طرف دیگر ادراکات اعتباری بالمعنی الاعم و بالمعنی الاخص (طباطبایی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۲، ص ۱۹۷-۱۹۴)

اخلاق از جنبه‌ی معرفت شناختی، جزء ادراکات اعتباری بالمعنی الاخص یا اعتباریاتی عملی است.

در مورد «جنبه‌ی هستی شناختی» اخلاق باید گفت علامه بیاناتی در خصوص رابطه اعتباریاتی و حقایق دارند که می‌تواند راهگشا باشد. ایشان می‌فرمایند: «نظام انسانی از طریق معانی وهمی امور اعتباری، که ظاهر آن نظام اعتباری دارد و در باطن و ماورای آن نظام طبیعی قرار دارد، حفظ می‌شود. انسان ظاهراً با یک نظام اعتباری زندگی می‌کند، اما در حقیقت و به حسب باطن، در یک نظام طبیعی بسر می‌برد.» (طباطبایی، ولایت نامه، ص ۳۰). بر این اساس

اگر نظام اعتباری منتهی به نظام طبیعی و تکوینی می‌گردد و نظام تکوینی معلول مراتب وجودی فوق خود است و تحقق آن قائم به موجودیت سابق بر وجود اوست. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نظام اعتباری و آنگاه نظام اخلاقی نیز به نوعی، مستند به مراتب وجودی ما قبل خود است و تحقق آن را باید وامدار آن مراتب وجودی دانست. در نهایت می‌توان گفت که نظام اخلاقی به نوعی در مراتب عالی هستی دارای عینیت و تحقق می‌باشند. «جنبه‌ی روانشناختی» اخلاق مربوط است به «فطری بودن امور اخلاقی» یا حس اخلاقی و نیز مربوط به «خلقیات یا ملکات نفسانی» می‌شود. از نظر علامه، فجور و تقوی و امور اخلاقی (هم مثبت و هم منفی) به انسان الهام شده است و این از خصوصیات خلقت آدمی است. (طباطبایی، المیزان، ج ۲۰، ص ۶۹۴-۶۹۳)

انسان دارای فطرتی است که در جنبه‌ی عملی او را به اعمالی فرا می‌خواند که سعادت او را تأمین نماید. این مورد، همان بابدا و نیایدهایی هستند که از درون انسان برمی‌خیزند و حس اخلاقی او را تشکیل می‌دهند و انسان به گونه‌ای است که فطرتاً مجهز به ملکات و اصول اخلاقی می‌باشد. (طباطبایی، پیشین، ج ۱۹، ص ۵۴۶)

انسان در جریان عمل به باید و نیایدها و گام نهادن در مسیر اخلاق، واجد خلقیات و ملکات نفسانی خاصی می‌گردد. نفس انسان در این حالت به تدریج به صفات رسوخ یافته‌ای مزین می‌شود.

علامه در مورد این جنبه از اخلاق می‌فرماید: «اخلاق جمع خلق می‌باشد. خلق به یک صورت ادراکی می‌گوییم که در درون انسان جایگیر شده و در هر موقع مناسب، در درون انسان جلوه کرده و او را به اراده عمل وادار می‌نماید. (طباطبایی، بررسی‌های اسلامی، ص ۸۳-۸۴) به عبارت دیگر می‌توان گفت خلق به معنای ملکه نفسانی است که اگر افعال بدنی، مطابق اقتضای آن ملکه بخواهد از آدمی سرزند، آسان سر می‌زد. حال چه اینکه آن از فضایل باشد و چه از ردائیل. (طباطبایی، المیزان، ج ۲۰، ص ۴۹)

در خصوص «جنبه‌ی جامعه‌شناختی» اخلاق، علامه به تأثیر اخلاق در جامعه نظر دارند. ایشان می‌فرمایند: «قوانین عملی (در جامعه) در گرو و بر عهده‌ی اخلاق است. چون که اخلاق در سرّ و آشکار و خلوت و جلوت، وظیفه و کار خود را خیلی بهتر از یک پلیس مراقب و یا هر نیروی دیگری که در حفظ نظم کوشش کند، انجام می‌دهد.» (طباطبایی، مجموعه رسائل، ص ۳۳۳). بر این اساس علامه اخلاق را حافظ نظم و انتظام جامعه قلمداد می‌کنند.

از دیدگاه شهید مطهری پیوند دین و اخلاق را می‌توان از جهات مختلفی مورد توجه قرار داد: (۱) دین می‌تواند بنیاد اخلاق باشد و از این طریق می‌تواند آن را ضمانت کند. اساساً اگر قرار است اخلاق به طور کامل تحقق یابد باید براساس دین و با تکیه بر دین باشد. قدر مسلم این

است که دین حداقل به عنوان پشتوانه‌ای برای اخلاق بشر ضروری است چرا که اولاً تاریخ و تجربه نشان داده است که هر جا دین از اخلاق جدا شده اخلاق خیلی عقب مانده است. ثانیاً دین به راحتی می‌تواند انضباط‌های اخلاقی محکم و پولادین به وجود آورد. ثالثاً به عنوان مؤید می‌توان گفت حتی برخی از متفکران که در مبحث اخلاق به تأمل پرداخته‌اند به این مسأله اذعان دارند که دین بهترین پشتوانه برای اخلاق به شمار می‌آید، برای مثال داستایوفسکی معتقد است اگر خدا نباشد همه چیز مباح یا مجاز است. (مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۳۶-۱۳۵)

۲) وجود اخلاق و نیاز بشر به آن، دلیلی بر نیاز به دین است، بدین معنا که انسان‌ها هرگز نمی‌توانند بدون اخلاق زندگی کنند، جامعه‌ی بشری لزوماً نیازمند اخلاق است. از طرف دیگر اخلاق مورد نیاز جوامع بشری باید اخلاقی همه‌جانبه با مبنا و پایه و اساسی محکم باشد، این نوع اخلاق تنها با وجود دین و معنویت دینی امکان‌پذیر است که بهترین تغذیه‌کننده و تنها راه آن است، پس بشر به دین محتاج و نیازمند است. (مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۲۹۱)

۳) اوصاف اصول اخلاقی مانند جاودانگی و یا نسبیت و ... عیناً به دین هم منتقل و باعث جاودانگی یا ... اصول اخلاقی دین نیز می‌گردد. توضیح این‌که دین اسلام از سه بخش عقاید، احکام و اخلاق تشکیل شده است. حال اگر کسی اخلاق و یک سلسله تعلیمات اخلاقی و انسانی را جاودانه نداند و به این نتیجه برسد که اخلاق اساساً نسبی و موقت است، نتیجه‌ی این عقیده آن خواهد بود که اصول اخلاقی و تربیتی و تعلیماتی اسلام (یا به طور کلی دین) هم نمی‌تواند اعتبار جاودانه داشته باشد و باید پذیرفت که اصول اخلاقی اگر هم اعتباری داشته باشد در زمان خودش بوده است و بعد از تغییر مقطع تاریخی و تغییر اوضاع باید اصول اخلاقی و به تبع آن اصول اسلام نیز تغییر کند و بخشی از اسلام (اخلاقیات) منسوخ گردد. (مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۳۹)

استاد مصباح یزدی، در کتاب «فلسفه اخلاق»، به طور تفصیلی به بحث رابطه‌ی دین و اخلاق پرداخته است. خلاصه‌ی نظر ایشان به شرح ذیل است: خیر و شر اخلاقی، در واقع مبین رابطه‌ی است که بین افعال اختیاری انسان و نتایج نهایی آن‌ها برقرار است و ما می‌توانیم بفهمیم که کاری خیر است یا شر؛ اگر یک فعل با کمال نهایی ما رابطه‌ی مثبت داشته باشد، خیر است و اگر رابطه‌ی منفی داشته باشد شر می‌باشد. در اصل، این نظریه از هیچ اعتقاد دینی اخذ نشده است؛ یعنی لازمه‌ی پذیرفتن این نظریه پذیرفتن وجود خدا یا قیامت و یا دستورات دینی نیست؛ منتها در این‌که کمال نهایی چیست؟ و چگونه باید رابطه‌ی بین افعال و کمال نهایی را کشف کرد؟ در این جاست که ارتباط با دین پدید می‌آید. پس اگر ما فقط اصل این نظریه را در نظر بگیریم، متوقف بر دین نیست؛ اما وقتی بخواهیم به آن شکل خاصی دهیم و معین کنیم که چه اخلاقی خوب است و چه اخلاقی بد است، ارتباط با اصول دین و با محتوای

وحی و نبوت... پیدا می‌کنیم. ما وقتی می‌خواهیم کمال نهایی انسان را مشخص کنیم، ناچاریم مسئله‌ی خدا را مطرح کنیم تا اثبات کنیم که کمال نهایی انسان، قرب به خداست. این جاست که این نظریه با اعتقاد دینی ارتباط پیدا می‌کند و همین‌طور برای تشخیص افعال خیر و رابطه‌ی آن با کمال نهایی انسان باید مسئله‌ی خلود و جاودانگی نفس را در نظر بگیریم تا اگر با پاره‌ای از کمالات مادی منافات پیدا کرد و معارض شد، با کمالات ابدی و جاودانه بتوانیم ترجیحی بین این‌ها قائل شویم و بگوییم که فلان کار بد است؛ نه از آن جهت که نمی‌تواند کمال مادی برای ما به وجود آورد؛ بلکه از آن جهت که معارض است با یک کمال اخروی؛ پس باید اعتقاد به معاد هم داشته باشیم.

به علاوه، آن‌چه ما می‌توانیم به وسیله‌ی عقل از رابطه‌ی بین افعال و کمال نهایی به دست آوریم، یک سری مفاهیم کلی است که این مفاهیم کلی، برای تعیین مصادیق دستورات اخلاقی چندان کارایی ندارند؛ مثلاً می‌فهمیم که عدل، خوب است یا پرستش خدا خوب است؛ اما این که عدل در هر موردی چه اقتضایی دارد و چگونه رفتاری در هر موردی عادلانه است، در بسیاری از موارد روشن نیست و عقل خود به خود نمی‌تواند تشخیص دهد. فرض کنید آیا در جامعه، حقوق زن و مرد باید کاملاً یکسان باشد یا باید تفاوت‌هایی بین آن‌ها لحاظ گردد؟ وقتی می‌توان حکم به عدالت یک دیدگاه داد که به تمام روابط افعالمان با غایات و نتایج نهایی آن‌ها احاطه داشته باشیم و چنین احاطه‌ای برای عقل عادی بشر ممکن نیست؛ پس برای این که مصادیق خاص دستورات اخلاقی را به دست آوریم، باز احتیاج به دین داریم؛ یعنی وحی است که دستورات اخلاقی را در هر مورد خاص با حدود خاص خودش، با شرایط و لوازمش تبیین می‌کند و عقل به تنهایی از عهده‌ی چنین کاری بر نمی‌آید؛ پس نظریه‌ی ما هم در شکل کاملش به اصول اعتقادی دین (اعتقاد به خدا و قیامت و وحی) احتیاج دارد و هم در تشخیص مصادیق قواعد اخلاقی به محتوای وحی و دستورات دین. طبعاً طبق نظریه‌ای که ما صحیح می‌دانیم، باید بگوییم که اخلاق از دین جدا نیست؛ نه از اعتقادات دینی و نه از دستورات دینی. هم در مقام ثبوت و هم در مقام اثبات، این نظریه‌ی اخلاقی با دین ارتباط دارد و جزئی از دین به شمار می‌آید. (مصباح یزدی، فلسفه اخلاق، ص ۱۹۰-۱۹۵)

۴. رابطه‌ی تعامل: طرفداران این رابطه به استقلال قلمرو دین از اخلاق و نوعی ترابط میان آن دو حکم رانده‌اند. براساس این نظریه دین و اخلاق دارای هویتی مستقل هستند ولی در عین حال با هم تعامل دارند، یعنی اخلاق و دین از زوایای گوناگون به یکدیگر نیازمند هستند. از جمله نیاز خداشناسی به اخلاق؛ وجوب شکر منعم در کتاب‌های کلامی به عنوان یکی از دلایل ضرورت خداشناسی یعنی حکم اخلاقی سپاس‌گزاری ولی نعمت، مقدمه ضرورت شناخت خدا است. عده‌ای دیگر از طریق امر و نهی اخلاقی به وجود امر و نهی کننده، یعنی خداوند متعالی



پی برده‌اند. نیاز هدف دین به اخلاق: اداره زندگی فردی و اجتماعی انسان از اهداف دین به شمار می‌آید و این هدف تنها در پرتو مجموعه‌ی خاصی از دستورات اخلاقی تأمین پذیراست. پس دین بدون اخلاق نمی‌تواند به اهداف خود دست یازد. نیاز تبلیغ دین به اخلاق: کارترین شیوه تبلیغ و ترویج دین، رفتارهای اخلاقی و ارزشی دین‌داران و متولیان دین است. خداوند سبحان نیز نرم‌خویی پیامبر را رحمت الهی دانسته و تصریح می‌کند که اگر خشن و سنگ‌دل بود، همه از اطراف او پراکنده می‌شدند. از طرف دیگر تصدیق دسته‌ای از گزاره‌های اخلاقی متوقف بر پاره‌ای از قضایای دینی است. یکی از کارکردهای دین، این است که ارزش‌ها، خوبی و بدی‌های اخلاقی را تبیین و تعیین می‌کند. دین، علاوه بر شناسایی افعال خوب و بد، ضمانت اجرایی ارزش‌های اخلاقی را به عهده دارد. براساس روان‌شناسی انسان نیز می‌توان گفت که بسیاری از انسان‌ها با تشویق یا تنبیه، به انجام کارهای خوب و ترک کارهای بد رغبت پیدا می‌کنند. آموزه‌های دینی و اعتقاد به عدالت الهی و حسابرسی به اعمال بندگان در معاد، اصول و ارزش‌های اخلاقی را الزام‌آور می‌کند. علاوه بر این که افعال و ارزش‌های اخلاقی به هدف و غایت نهایی نیازمند است، دین در تعیین هدف والای اخلاقی نیز نقش تعیین کننده دارد.

۵. رابطه‌ی یک‌سویه: این نظریه همانند دیدگاه تعامل به استقلال قلمرو دین از اخلاق حکم رانده است با این تفاوت که معتقدین به این نظر، به رابطه‌ی یک طرفه‌ی بین دین و اخلاق اعتقاد دارند. برخی معتقدند تنها دین بر اخلاق اثر دارد و برخی تأثیر اخلاق بر دین را پذیرفته‌اند. کانت، از جمله فیلسوفانی است که معتقد است، اخلاق، دین را تأیید می‌کند. کانت، برای برهان وجودی جهت اثبات وجود خدا اهمیت چندانی قائل نیست. اما از آن نتیجه نمی‌گیرد که اعتقاد به خدا نامعقول است. برعکس، او استدلال می‌کند که اخلاق بر وجود خدا دلالت دارد. بسیاری از نویسندگان استدلال کرده‌اند که می‌توان از وجود قوانین اخلاقی به وجود خدا پی برد. گفته شده است که وجود این قوانین، دلالت بر وجود امری اخلاقی است، زیرا تصور امر بدون تصور امر ممکن نیست. (براین، درامدی به فلسفه دین، ص ۱۴۹-۱۴۶)

البته چیزی که برای کانت اهمیت دارد این است که سعی کنیم اغراضی را جامعه‌ی عمل بیوشانیم. این که در این راه موفق شویم یا نه، غالباً از اختیار ما خارج است. اگر آن اغراض از حیث اخلاقی صواب باشند و ما برای رسیدن به آن‌ها سعی کرده باشیم، تکلیف خود را ادا کرده‌ایم. اما همه چیز در همین خلاصه نمی‌شود، به همان اندازه که سعی در انجام دادن کاری که درست است اهمیت دارد، این نیز مهم است که آن کار را با انگیزه‌ای درست انجام دهیم. (هولمز، مبانی فلسفه اخلاقی، ص ۲۳۳)

در نظریه‌ی کانت، تعدادی از عوامل موجد اخلاق‌اند. این عوامل شامل تکلیف اخلاقی و آزادی عمل برای انجام دادن آن است. کانت هم‌چنین فکر می‌کند الزامی برای ایجاد حالت و

وضعیت مطلقاً کاملی وجود دارد که او آن را خیر اعلی می‌نامد. در این حالت، فضیلت تنها بر فضیلت همراه با سعادت غلبه دارد و برای کانت، اخلاق مقتضی تحقق خیر اعلی است، اما این امر به طور آشکار در دنیا تحقق نمی‌یابد. حتی اگر افراد بتوانند خود را به طور کامل وقف اصول اخلاقی کنند، عواملی خارج از اختیار آن‌ها وجود دارد که مانع از تحقق آن می‌شود. بنابراین، باید چیزی جز انسان وجود داشته باشد که بتواند موجب شود وضعیت و حالت مطلقاً کاملی تحقق پیدا کند و آن وجود علت کل عالم طبیعت است. از این رو، به نظر کانت، این حقیقت که اخلاق مقتضی تحقق بخشیدن به خیر اعلی است و این حقیقت که تنها خدا می‌تواند موجب تحقق یافتن خیر اعلی گردد، منجر به این نتیجه می‌شود که خدایی وجود دارد. (براین، پیشین، ص ۱۴۹-۱۴۶) پس، از نگاه کانت، دین زاییده‌ی اخلاق است، و اخلاق بر دین تقدم دارد.

دیدگاه دیگر در این زمینه تحت عنوان "نظریه‌ی فرمان الهی" وجود دارد. در توضیح این بیان باید گفت، اگر شخصی بخواهد هم به خداوند تمکین کند و هم به آن چه درست است، ناگزیر است درباره‌ی نسبت میان درستی از حیث اخلاقی و اراده‌ی خداوند فرضیه‌هایی در ذهن بیوراند:

(الف) هر آن چه خداوند صواب می‌شمرد، درست است.

(ب) هر آن چه خداوند جایز می‌شمرد، درست است.

(ج) هر کاری که خدا به آن فرمان می‌دهد، درست است.

(د) هر کاری که خدا به آن فرمان می‌دهد، واجب است.

گزاره‌ی سوم، معرف چیزی است که می‌توان آن را نظریه‌ی فرمان الهی خواند. برای تکمیل این دیدگاه، خوب است که در قالب اصل ذیل بیان شود: "هر آن چه خداوند جایز می‌شمرد، نهی می‌کند و فرمان می‌دهد، به ترتیب درست، نادرست و واجب است." (هولمز، پیشین، ص ۱۶۸-۱۶۵) این دیدگاه، مورد قبول عده‌ای از متفکرین اسلامی به نام اشاعره و برخی از فلاسفه‌ی غرب می‌باشد. اشاعره، گروهی از متفکرین اسلامی هستند که به حسن و قبح شرعی معتقدند. براساس باور این گروه، گزاره‌های اخلاقی از آن جهت که امر خداوند به آن‌ها تعلق گرفته صحیح و واجب هستند، نه از آن جهت که عقل آن‌ها را تأیید می‌کند. نتیجه‌ی این عقیده، حاکمیت دین بر اخلاق یا تقدم دین بر آن است.

## نتیجه گیری

همانطور که گذشت رابطه‌ی دین و اخلاق از موضوعاتی است که مورد چالش زیادی واقع شده است و در این زمینه نظرات متفاوتی از سوی اندیشمندان غرب و شرق مطرح شده است و این اختلاف نه تنها در بین فلاسفه‌ی غرب مشاهده می‌شود بلکه در بین فیلسوفان اسلامی نیز تنوع دیدگاه‌ها زیاد است که در این مجموعه به پاره‌ای از آن‌ها اشاره شد. نظرات پیرامون رابطه‌ی دین و اخلاق در ضمن پنج عنوان قابل طرح است که عبارتند از: رابطه‌ی تباین، تقابل، تطابق، تعامل و یک‌سویه.

رابطه‌ی جدایی دین از اخلاق از عصر رنسانس به بعد به صورت جدی مطرح شد و سکولارها طرفدار این دیدگاهند. اشکال اساسی سکولارها، مادی‌نگری آن‌ها نسبت به زندگی است. از آنجا که دین در این مکتب جایگاه چندانی ندارد، ارزش‌های اخلاقی را از دین جدا کرده تا جایی که این ارزش‌ها را در راستای رسیدن به لذات مادی تنزل می‌دهند، حال آن‌که با تأملی می‌توان به این نتیجه رسید که بیشترین کارکرد اصول اخلاقی مربوط به بعد معنوی انسان می‌باشد. تأثیر دین در تنظیم روابط زندگی در جوامعی که ادیان الهی بر آن‌ها حاکم بوده است، امری نیست که مورد تردید کسی باشد. البته در خصوص ادیان غیرالهی، به ویژه آن‌ها که فاقد شریعت هستند باید به گونه‌ای دیگر سخن گفت. این تأثیر در همه‌ی عرصه‌های زندگی مشهود بوده و به عبارتی، موضوعی وجود نداشته است که بدون مراجعه به دین درباره‌ی آن تصمیمی گرفته شود. مسئله‌ی اخلاق نیز از این قانون مستثنا نیست و تا جایی که تاریخ به یاد دارد دین و آموزه‌های آن بوده‌اند که اصول و هنجارهای اخلاقی را به انسان‌ها آموزش داده و از آن‌ها خواسته‌اند به آن عمل کنند. در این راه، تشویق و ترغیب از یک‌سو، و انذار و تحذیر از سوی دیگر، آدمی را به سوی عمل به دستورات اخلاقی سوق داده است.

سکولارها هدف نهایی اخلاق را رعایت مقتضیات نفسانی می‌دانند، در صورتی که نه تنها هدف نهایی این نیست بلکه با رعایت ارزش‌های اخلاقی است که می‌توان امور نفسانی را کنترل کرد.

یکی دیگر از نقدهای وارد بر این دیدگاه این است که مرجع اخلاق را اصول ثابت دینی نمی‌دانند بلکه منشأ اخلاق در این مکتب فکر آدمی است و اولین مقوله‌ی مهم در اخلاق سکولار، آزادی بی حد و مرز است، مسلم است که چنین اخلاقی که پایه و اساس آن عقل محدود انسان است از دین الهی جداست. در ضمن اخلاق سکولار چون نسبی است، به شکاکیت اخلاقی یا پوچ‌انگاری اخلاقی و یا قراردادن‌گاری اخلاقی منتهی می‌شود.

در رابطه‌ی تقابل دین و اخلاق، با دیدگاه جیمز راشلز آشنا می‌شویم که طی یک برهان با وجود دلایل روشن عقلانی دال بر اثبات وجود خدا، آن را نفی می‌کند. براهین مربوط به اثبات

وجود خدا از چنان استحکامی برخوردار هستند که با یک مطلب برهان‌نما زیر سؤال نمی‌روند. ایشان در ضمن برهان به دو مقدمه اشاره می‌کند که یکی خالی از اشکال نیست. جیمز، پرستش را مستلزم نفی عنوان فاعل اخلاقی خود مختار می‌داند، حال آن‌که نه تنها دین و پرستش به عنوان یکی از گزاره‌های مهم دینی مانع اختیار انسان نیست، بلکه اساساً ادیان الهی خصوصاً اسلام بر اختیار انسان تأکید زیادی دارد. انذار و پاداش مطرح در ادیان الهی، نتیجه‌ی کردار انسان است و منجر به جبر نمی‌شود. بحث اختیار در زمره‌ی مسائل بدیهی است که نیازی به اثبات ندارد و انسان با اراده‌ی خود یک دین را برمی‌گزیند. بنابراین، دین با بیان اصول اخلاقی، اراده و اختیار را که جزء امور ذاتی است سلب نمی‌کند.

نیچه یکی دیگر از مدافعان این دیدگاه است. ایشان عمل به دین را مانع شکوفایی شخصیت انسان می‌داند حال آن‌که یکی از اهداف ادیان آسمانی، حفظ شخصیت و کرامت انسانی در درجه‌ی والای خود است و این ادیان الهی بودند که تأکید زیادی بر بعد اخلاقی داشتند. ناگفته پیداست که ریشه‌ی رویکرد فیلسوفان اخلاق مغرب زمین، در تعارض دین و اخلاق، تعارض علم و دین در مسیحیت یا ناسازگاری آموزه‌های مسیحیت با اخلاق است. در حالی‌که، هیچ‌یک از این‌ها، در مورد اسلام جاری نیست. اسلام نه تنها سد راه پرورش توانایی‌های بشری، سبب ذلت‌پذیری و برده‌پروری، ترس و ضعف و زبونی، حامی طبقات مرفه و گروه‌های حاکمه نیست، بلکه شکوفا کننده‌ی استعدادهای درونی، آزادی و عزت بخش به فرد و جامعه، ظلم ستیز، فضیلت طلب و عدالت جو است.

نیچه بر این باور بود که تنها «مرگ خدا» و رهایی انسان از قیود دین است که توسعه‌ی صحیح اخلاق را فراهم می‌آورد. در عصر پست مدرن که شاهد گسترش اومانیسم و کم‌رنگ شدن دین در دنیا خصوصاً کشورهای غربی هستیم به همان اندازه که دین جایگاه خود را از دست داده است، اخلاق نیز کم‌رنگ گردیده است. تجربه‌ی بی‌دینی در عصر حاضر خود بهترین شاهد بر این است که اخلاق و دین از هم جدا نیستند. طبق گفته‌ی نیچه اگر مرگ خدا توسعه‌ی اخلاق را به دنبال داشت، عصر حاضر باید عصر اخلاقیات بود، حال آن‌که امروز بی‌اخلاقی به دنبال بی‌دینی گسترش یافته است.

دیدگاه تطابق یا اندراج باوری صحیح است که در عین این‌که اخلاق را جزئی از دین می‌داند، نیازمندی دین به اخلاق و اخلاق به دین را ثابت می‌نماید. اخلاق از این جهت به دین نیاز دارد که با عقل تنها می‌توان کلیات اخلاق را درک کرد و عقل در درک مصادیق و جزئیات اخلاق ناتوان است، اینجاست که وحی به کمک عقل می‌شتابد و دستورات اخلاقی را به صورت کامل در اختیار انسان قرار می‌دهد. نیازمندی دین به اخلاق هم با این نکته قابل تبیین است که خدا ولی نعمت ماست و شکر ولی نعمت واجب است، پس ما باید به عنوان شکر منعم، او را بشناسیم تا بتوانیم به ادای شکرش موفق شویم. در اینجا، اخلاق سبب می‌شود که ما به سوی خداشناسی

گام برداریم تا بتوانیم حق او را ادا کنیم. وجوب شکرمنعم، دستوری اخلاقی است و وجوب خداشناسی در گرو پذیرش این حکم اخلاقی است. یکی دیگر از موارد نیاز دین به اخلاق، وابستگی اساس دین، یعنی وجوب پرستش خدا، به قواعد اخلاقی است. چه چیزی عبادت خدا را ضروری می‌سازد و ما را به بندگی او می‌دارد؟ در پاسخ گفته می‌شود که چون خداوند خالق ما است، حق مولویت و عبودیت بر ما دارد. ما مخلوق و بنده او هستیم، باید حق او را ادا کنیم، و راه ادای این حق، عبادت و بندگی است.

طرفداران رابطه‌ی تعامل، استقلال دین و اخلاق را بیان نمودند، حال آن‌که با توضیحات داده شده روشن گردید که اخلاق جزئی از دین است. این دیدگاه به ارتباط و نیازمندی دین و اخلاق نیز باور دارد که قابل قبول است.

یکی دیگر از این نظریات رابطه‌ی یک‌سویه بود که دربردارنده‌ی دو نگاه متفاوت تحت عناوین تقدم اخلاق بر دین و تقدم دین بر اخلاق است. همانطور که گذشت کانت نظر تقدم اخلاق بر دین را طرح نمود. در نظام اخلاقی کانت، ایشان از طریق وجود قوانین اخلاقی، وجود امر اخلاقی یعنی خدا را ثابت می‌نماید. بدین ترتیب اگر پایه و اساس اخلاق کانتی سست و متزلزل گردد، خداوند هم جایگاه خود را از دست می‌دهد؛ حال آن‌که از یک طرف امر اخلاقی می‌تواند عقل انسانی باشد که کلیات اخلاق را درک می‌کند و لاجرم نباید امر اخلاقی خدا باشد و از سوی دیگر براهین اثبات وجود خداوند، وجود خدا را جدای از اخلاق ثابت می‌کند و لیکن کانت این براهین را بی‌اهمیت تلقی می‌کند.

اشاعره گروهی هستند که رابطه‌ی یک‌سویه را طرح می‌نمایند ولی برخلاف کانت، تقدم دین بر اخلاق را برمی‌گزینند. براساس باور این گروه، گزاره‌های اخلاقی از آن جهت که امر خداوند به آن‌ها تعلق گرفته صحیح و واجب هستند، نه از آن جهت که عقل آن‌ها را تأیید می‌کند؛ لذا دین بر اخلاق تقدم دارد. روشن است که عقل دستورات اخلاقی را درک می‌کند، برای همین است که حتی افراد بی‌دین نیز گزاره‌های اخلاقی را قبول دارند. با توجه به این مطلب می‌توان گفت حسن و قبح افعال اخلاقی عقلی (ذاتی) است نه ذاتی. افعال، قطع نظر از حکم شارع، دارای حسن و قبح ذاتی اند. برخی افعال در ذات خود حسن، و برخی دیگر قبیح و برخی، نه حسن و نه قبیح اند. و شارع مقدس امر نمی‌کند جز به حسن، و نهی نمی‌کند جز از قبیح؛ از این رو، خداوند به راستگویی امر کرده است؛ زیرا راست‌گویی ذاتاً نیکو است و از دروغ‌گویی نهی کرده است؛ چون دروغ‌گویی ذاتاً قبیح است.

پس اخلاق و دین دو رکنی هستند که در عین نیازمندی به یکدیگر، جدا و متباین از هم نیستند و اخلاق بخشی از دین است. این نکته با مراجعه به دین اسلام قابل اثبات است. در پایان می‌توان گفت که دیدگاه اندراج دیدگاه مورد قبول است.

## فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. استامپ النور و دیگران، (۱۳۸۳)، درباره‌ی دین، ترجمه: مالک حسینی، فاطمه مینایی، محمدمنصور هاشمی، لیلا هوشنگی، تهران، هرمس.
  ۲. براین، دیویس، (۱۳۷۸) درآمدی به فلسفه‌ی دین، ترجمه: ملیحه صابری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
  ۳. برگسن، هانری، (۱۳۵۸) دو سرچشمه اخلاق و دین، ترجمه: حسن حبیبی، تهران، شرکت انتشار.
  ۴. برن، ژان، (۱۳۶۳) افلاطون، ترجمه: ابوالقاسم پورحسینی، تهران، هما.
  ۵. پترسون مایکل و دیگران، (۱۳۸۷) عقل و اعتقاد دینی درآمدی بر فلسفه‌ی دین، ترجمه: احمد نراقی، ابراهیم سلطانی، تهران، طرح نو، چاپ پنجم.
  ۶. جعفری، محمدتقی، (۱۳۸۶) فلسفه‌ی دین، عبدالله نصری؛ احمد فرامرزی قراملکی؛ محمدرضا اسدی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، چاپ سوم.
  ۷. جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۸) جستارهایی در کلام جدید، قم، سازمان مطالعه و تدوین سمت، چاپ دوم.
  ۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۲) شریعت در آینه معرفت، قم، مؤسسه فرهنگی رجا، چاپ اول.
  ۹. خیراللهی، محمود، (۱۳۸۴) فلسفه اخلاق، اصفهان، گلبن.
  ۱۰. سربخشی، محمد، (۱۳۸۹) بررسی و نقد مبانی معرفت‌شناسی اخلاق سکولار، نشریه معرفت اخلاقی، ۴۶، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، شماره ۴.
  ۱۱. سروش، عبدالکریم، (۱۳۷۲) مدارا و مدیریت، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.
  ۱۲. صادقی، هادی، (۱۳۸۳) درآمدی بر کلام جدید، قم، معارف، چاپ دوم.
  ۱۳. طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۶۷) المیزان، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ پنجم، ج ۲، ۸، ۱۶، ۱۹، ۲۰.
  ۱۴. طباطبائی، محمد حسین، بررسی‌های اسلامی، به کوشش سید هادی خسرو شاهی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
  ۱۵. طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۷۰)، مجموعه رسائل، به کوشش سید هادی خسرو شاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
  ۱۶. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۶۸)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، قم، ج ۲.

۱۷. طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۶۶) ولایت نامه، ترجمہ: ہمایون ہمتی، تہران، امیر کبیر ..
۱۸. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۸) ، قاموس قرآن، چاپ سیزدہم، تہران، دارالکتب الاسلامیہ، ج ۲.
۱۹. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۷۰) آموزش عقاید، تہران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ ہفتم، ج ۱ و ۲.
۲۰. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۹) ، فلسفہ اخلاق، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ پنجم.
۲۱. مطہری، مرتضیٰ (۱۳۶۷) تعلیم و تربیت در اسلام، قم، صدرا.
۲۲. مطہری، مرتضیٰ، (۱۳۷۰) ، فلسفہ اخلاق، قم، صدرا.
۲۳. نیچہ، فردریش، (۱۳۷۶) فراسوی نیک و بد، ترجمہ: داریوش آشوری، خوارزمی.
۲۴. ویلیام، جیمز، (۱۳۶۷) دین و روان، ترجمہ: مہدی قاینی، قم ، دارالفکر.
۲۵. ہولمز، رابرٹ ال، (۱۹۳۵) مبانی فلسفہ اخلاق، ترجمہ: مسعود علیا، تہران، ققنوس، چاپ سوم.





نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۵۸ - ۱۴۵

## طراحی الگوی ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی ایران

<sup>۱</sup> فهیمه طالبی

<sup>۲</sup> حسینعلی جاهد

<sup>۳</sup> ناهید ساری خانی

### چکیده

هدف مقاله حاضر طراحی الگوی ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی ایران است. این پژوهش با استفاده از رویکرد پژوهش کیفی و تحلیل تم، به مطالعه و طراحی الگوی ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی ایران پرداخته است. جامعه آماری پژوهش حاضر را صاحب نظران و متخصصان و اعضای هیئت علمی تشکیل دادند که از طریق نمونه گیری هدفمند تعداد ۱۲ نفر از اعضا انتخاب شدند. برای گردآوری داده ها از مصاحبه عمیق و جهت تحلیل داده ها از تکنیک تحلیل موضوعی (تم) استفاده شد. روایی یافته های پژوهش با استفاده از روش های بازبینی توسط اعضا، بررسی همکار، مشارکتی بودن پژوهش تضمین گردید. همچنین به منظور سنجش پایایی کدگذاری های انجام شده، از روش های پایایی بازآزمون و توافق درون موضوعی استفاده شد. یافته های پژوهش نشان داد که ابعاد و مولفه های ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی ایران شامل (نظارت سازمانی، تجهیزات فیزیکی، پژوهشگران متخصص، منابع به روز، اهداف روشن، حمایت سازمانی، کاربردی بودن پژوهش و ارتقاء مراکز آموزشی) است و شاخص های ارتقاء پژوهش شامل تربیت پژوهشگر، جلوگیری از سرقت علمی، اصلاح ساختار و قوانین دانشگاه، رعایت عدالت و توجه به نیازها می باشد.

### واژگان کلیدی

آموزش عالی، کیفیت پژوهش، هیئت علمی.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. عضو هیئت علمی گروه مدیریت، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب. (نویسنده مسئول) Email: Jahediau@gmail.com

۳. استادیار گروه مدیریت، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران.

استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب. Email: Na\_s\_16@Yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲

## طرح مسأله

در طول دو دهه گذشته، آموزش عالی در پاسخ به نیازهای اجتماعی، اقتصادی و آموزشی دچار تغییرات اساسی شده است (چانگ و یانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). موسسات آموزش عالی نقش مهمی در توسعه پایدار جوامع به عنوان مراکز دانش و نوآوری دارند. علاوه بر این، آنها در حال حاضر با فرآیندهای مدیریت تغییر خود مواجه هستند که شامل آموزش، تحقیق، مدیریت موسسات و مناطق محروم جامعه هستند (یانز و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹). آموزش عالی به عنوان بالاترین سطح آموزشی جامعه از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است؛ زیرا نقشی اساسی در رشد و توسعه جامعه در ابعاد مختلف فناوری، علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کند و حاصل کلیه فعالیت‌ها و تلاش‌های نظام آموزشی در آن منعکس می‌شود؛ به عبارت دیگر بازده کل نظام آموزشی در آن متجلی شده است و به تعبیری نمود می‌یابد (ابطحی و ترابیان، ۱۳۸۹). افزون بر این، اهداف و رسالت‌های مختلفی نیز برای نظام آموزش عالی در نظر گرفته شده است که از آن جمله، افزایش درک بین‌المللی، بهبود کل نظام آموزشی، تشویق پژوهش در بالاترین سطح، ترویج تفکر انتقادی، درک و پذیرش دیدگاه‌های مختلف می‌باشد (اسکالتر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸؛ خان<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴). تقسیم‌بندی‌های موسسات آموزش عالی به آموزش، پژوهش و تولید علم، مشاوره و ارائه خدمات علمی و فنی نوآورانه به جامعه و کمک به ارتقای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی از متداول‌ترین دسته‌بندی‌های ماموریتی آموزش عالی است. در این میان پژوهش، محور و زیربنای توسعه در هر جامعه‌ای است و همچون چراغی است که وضعیت حال و آینده را روشن می‌سازد (آخمتووا و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴). تغییرات در پژوهش و نوآوری آموزش عالی در طول چند سال گذشته به خاطر رویدادهایی است که بر اقتصاد و جامعه ما تأثیر گذاشته است (روبیا و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴).

شتاب روز افزون پیشرفت‌های فناورانه در دنیای حاضر و احساس نیاز به کسب توانمندی‌های لازم جهت بقا در صحنه‌های رقابت ملی و بین‌المللی، اندیشمندان را به تفکر واداشته که برای همپا شدن با این شتاب دگرگونی چه بکنند؟ بدون تردید بر کسی پوشیده نیست که مسائل و موضوعات تحقیق می‌توانند کلیه نکات ناشناخته و مبهم موجود در طبیعت و زندگی روزمره انسان بوده و می‌تواند به عنوان بزرگترین ابزار در جهت رفع معضلات و چالش‌های

1 . chan & yang

2 . yanez & et al

3. schultz

4. khan

5. Akhmetova & et al

6 . Rubbia

موجود در سر راه رقابت کمک کند. بدین ترتیب تحقیق و پژوهش مهم‌ترین مولفه‌ای است که می‌تواند پیشرفت و ترقی و موفقیت را برای هر کشور و سازمانی به وجود آورد. پژوهش نیروی محرک توسعه در تمامی حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. توان هر کشور به میزان پژوهش آن کشور وابسته است. پژوهش بازوی نرم افزاری مدیریت محسوب می‌شود (جعفری تهرانی، دولتی و کریمی، ۱۳۹۵).

حال با توجه به نقش اساسی و مهم آموزش عالی در نظام تحقیقاتی کشور باید گفت متأسفانه یکی از کلیدی‌ترین و مهم‌ترین ضعف‌های نظام تحقیقاتی کشور در این واقعیت رخ می‌نماید که آموزش عالی صرفاً به نقش آموزشی خود تقلیل یافته است. از طرف دیگر وضعیت تحقیقات در زمینه آموزش با ضعف و نقصان بیشتری همراه است. تحقیقاتی که موضوع آن انسان است و دقیق‌ترین، ارزشمندترین و پیچیده‌ترین موضوعات را به خود اختصاص داده است (تصدیقی و تصدیقی، ۱۳۸۸). از این رو روشن است که هر چه کیفیت علمی پژوهش‌ها بیشتر باشد، آن پژوهش‌ها در تولید و کاربست علم مؤثرترند. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که در شرایط کنونی چالش‌های بسیاری در زمینه کیفیت پژوهش در کشور وجود دارد و تا رسیدن به وضعیت مطلوب خلق دانش در مراکز آموزش عالی کشور، فاصله هست (سلیمی و حسینی، ۱۳۹۶). در این راستا، دانایی‌فرد (۱۳۸۸) پژوهش‌های تزیینی را به عنوان یکی از موانع خلق دانش در کشور قلمداد می‌کند. وی اظهار می‌دارد در برخی از حوزه‌های مطالعاتی علوم انسانی هدف از انجام پژوهش، نشان دادن تعداد مقاله‌ها است و پژوهش‌ها رنگ و لعاب تزیینی برای رزومه‌ها دارند. در واقع در برخی موارد به جای اینکه پژوهش از بطن مسئله یا نیازی که در جامعه وجود دارد یا پژوهشگر بر مبنای تجربیات خود با آن روبه‌رو شده یا در ذهن وی شکل گرفته است و با هدف حل آن مسئله و رفع آن نیاز، آغاز شود، تنها با هدف توسعه رزومه انجام می‌گیرد. علاوه بر این، کپی برداری و موازی کاری و تکرار پژوهش‌های مشابه، کم‌رنگ بودن حمایت از پژوهشگران، محققان و اندیشمندان جوان داخلی، نبود نظامنامه و منشور اخلاقی و حرفه‌ای علم و یا نبود ضمانت اجرایی برای آن و وجود ضعف در جو علمی و پژوهشی برانگیزاننده و حمایتی در برخی محیط‌های دانشگاهی، گرفتن ایده و موضوع از تحقیقات خارجی به جای توجه جدی به مسائل و مشکلات جامعه، قابلیت اجرایی و کارایی و اثربخشی پایین برخی تحقیقات علیرغم ارائه مدل‌ها و نظریات علمی قابل قبول (دانایی‌فرد، ۱۳۸۸)، فقدان ساختار و قوانین و ضوابط مشخص در جهت ارزیابی کیفیت فعالیت‌های پژوهشی محققان، در نظر گرفتن میزان و تعداد تولیدات علمی به مثابه معیار ارتقا و غلبه دید کمیت‌گرایی و عدم توجه کافی به کیفیت فعالیت‌های پژوهشی و ... از دیگر چالش‌های موجود در زمینه کیفیت پژوهش و خلق دانش در کشور به شمار می‌روند (نوروزی، ابوالقاسمی و قهرمانی، ۱۳۹۴).

در حال حاضر فاصله زیادی بین تولید علمی کشورمان با بسیاری دیگر از کشورهای جهان وجود دارد. مقایسه آمار در کشورها نشان می‌دهد علیرغم رشد پنجاه درصدی ایران در تولیدات علمی در سال ۲۰۱۰ هنوز با کشورهای رقیب در منطقه فاصله داشتیم و این فاصله در حوزه علوم اجتماعی و انسانی عمیق‌تر بود. فقر تولید علم در کشور یک مشکل تاریخی، سیاسی، فرهنگی و روانشناختی است. با مقایسه جمعیت ایران و جهان، حداقل سهم مورد انتظار ایران در پژوهش و تولید علم یک درصد است. ولی کماکان، سهم پژوهش و تولید علم در حوزه علوم انسانی بسیار ناچیز است (باقری‌مجد و همکاران، ۱۳۹۲). اطلاعات پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (۲۰۱۸) حاکی از آن است که جمهوری اسلامی ایران با ۲۲,۳ درصد، بیشترین سهم تولیدات علمی را در میان کشورهای اسلامی از آن خود کرده است. ترکیه، عربستان سعودی، مالزی و مصر به ترتیب با ۱۶,۲ درصد، ۸,۴ درصد، ۸,۷ درصد و ۷,۵ درصد جایگاه‌های دوم تا پنجم را کسب کرده‌اند. همچنین جمهوری اسلامی ایران با اختلاف قابل ملاحظه‌ای نسبت به ترکیه و عربستان سعودی جایگاه نخست را در میان ۵۷ کشور اسلامی از نظر تولید علم در ۶ ماهه نخست سال ۲۰۱۸ میلادی به خود اختصاص داده است. اکنون همه کشورهای دنیا حجم توسعه یافتگی خود را با شاخص‌های پژوهشی چون تعداد نیروی محقق، سهم بودجه پژوهشی، تعداد مقالات چاپ شده در مجلات علمی و نظایر آنها نشان می‌دهند. اگر چه در سال‌های اخیر فعالیت‌های پژوهشی کشورمان از رشد نسبی برخوردار بوده، اما مقایسه تطبیقی شاخص‌های پژوهشی در مقیاس جهانی نشان می‌دهد میزان این شاخص‌ها هنوز از مطلوبیت کافی برخوردار نیست. در مقایسه با سایر کشورهای منطقه، ترکیه با فاصله قابل قبولی از ایران اولین مقام را به خود اختصاص داده است (کربمیان، صباغیان و صدیق‌پور، ۱۳۹۰). از آنجایی که ماموریت اصلی دانشگاه‌ها، تربیت نیروی انسانی از طریق آموزش و پژوهش است، شناسایی شاخص‌های بهره‌وری در دو بخش آموزش و پژوهش و تعیین اعتبار هر یک از شاخص‌ها اهمیت زیادی دارد. همچنین با توجه به اینکه دانشگاه خاستگاه دانش و علم محسوب می‌شود، شناخت بهره‌وری پژوهشی دانشگاه‌ها، توسعه علمی کشور را در پی دارد و در تدوین برنامه‌ریزی‌ها و اتخاذ راهبردهای توسعه مهم و موثر واقع می‌شود. در همین زمینه، تحقیقات حاکی از این است که از دلایل نارسایی کیفی فعالیت‌های پژوهشی دانشگاه‌ها، ضعف در تخصیص بودجه به پژوهش‌های دانشگاهی و دشواری هزینه‌کرد در پژوهش‌های دانشگاهی و نبود قراردادهای متناسب با هزینه‌ها و جایگاه دانشگاه‌ها، با بخش‌های مختلف جامعه است (رضایی و نوروزی چاکلی، ۱۳۹۴). از آنجا که ارتقای کیفیت فعالیت‌های پژوهشی و توسعه کیفی خلق دانش، یکی از عوامل مهم و اثرگذار در توسعه و پیشرفت کشورها و موفقیت در رقابت جهانی است (محمدی، اسحاقی، پرنده و احتشام حسینی، ۱۳۸۸)، عدم توجه به سنجش عملکرد پژوهشی، منجر به بروز

تصور ذهنی اشتباه در تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران ذیربط گردیده و به هدف‌گذاری نامناسب در حوزه مورد مطالعه می‌انجامد (قمی، رحمانی و خاکزار، ۱۳۹۶). کاساداول و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) در پژوهش خود با عنوان چارچوبی برای بهبود کیفیت پژوهش در علوم بیولوژیکی به این نتیجه دست یافتند که (۱) طراحی معیارهای ارزیابی جامع برای شناخت و پاداش تحقیقات علمی با کیفیت بالا؛ (۲) نیاز به آموزش جهانی در زمینه‌های علمی خوب، استفاده از آماری مناسب و شیوه‌های تحقیق مسئولانه برای دانشمندان در همه سطوح، با محتوای آموزشی که به طور مرتب به روز شده و توسط دانشمندان واجد شرایط ارائه می‌شود؛ (۳) ایجاد داده‌های باز در زمان انتشار به عنوان روش عملیاتی استاندارد در سراسر شرکت علمی؛ (۴) تشویق مجلات علمی برای انتشار داده‌های منفی که با استانداردهای متدولوژیکی کیفیت مطابقت دارند، (۵) معیارهای مشترک در مجلات علمی برای رد مدارک منتشر شده، برای تطابق و شفافیت؛ و (۶) تقویت نظارت و آموزش جامع پژوهش یک چارچوب عملی فراهم می‌سازد که می‌تواند کیفیت تحقیقات بیولوژیکی را بهبود بخشد. این نتایج در سایر شاخه‌های علمی در راستای ارتقای کیفیت پژوهش قابل استفاده می‌باشد. هیرز و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود با عنوان ویژگی‌های و گزارش‌های از کیفیت پژوهش‌های تاثیر گذار به روش مطالعات موردی به این نتیجه دست یافتند که ضعیف‌ترین موارد مربوط به شناسایی نیازهای ذینفعان و مشارکت ذینفعان، و اخلاق و منازعات متمرکز بود.

با توجه به چالش‌های موجود در خصوص کیفیت پژوهش در کشور و نیز با توجه به این نکته که پژوهش‌های دانشگاهی از مهمترین منابع خلق دانش در هر کشوری به شمار می‌رود، طراحی مدل ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی ایران ضروری به نظر می‌رسد، طراحی و بکارگیری این مدل، سوء رفتارهای پژوهشی را کاهش داده و تحسین و اعتماد عمومی را نسبت به ارزشمندی فعالیت‌های پژوهشی ایجاد می‌کند. کاربست مدل ارتقای کیفیت پژوهش می‌تواند از طریق کاهش چالش‌های موجود به بهبود کیفیت پژوهش و توسعه کیفی خلق دانش و بهبود قابلیت استفاده از دانش خلق شده در کشور انجامیده، و ضمن کمک به تعالی علمی، مسیر پیشرفت و توسعه کشور را هموار سازد.

بنابراین مسأله کیفیت پژوهش در آموزش عالی یکی از ارکان مهم و حیاتی است، اینکه علیرغم کسب رتبه‌های برتر در تولید علم و جایگاه مناسب ایران در منطقه و جهان در این زمینه، هنوز نیازهای تولیدی و خدماتی بخش‌های مختلف کشور وابستگی زیادی به خارج از کشور دارد، خود نشانگر کیفیت پایین بسیاری از پژوهش‌های انجام شده و عدم استفاده یا عدم امکان

استفاده از نتایج این پژوهش‌ها در عمل برای توسعه کشور است. از طرف دیگر پژوهش‌های صورت گرفته در باب ارتقای کیفیت پژوهش‌های علمی و دانشگاهی و عوامل آن در ایران، کفایت و جامعیت لازم را ندارد و فقر مطالعه در این زمینه و عدم وجود یک مدل بومی، مسئله‌ای است که مورد توجه این پژوهش است. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن چالش‌ها و مسائل پژوهش دانشگاهی فوق و ارتباط توسعه کیفی پژوهش با جامعه و نیازهای آن، تلاش دارد به این سوال مهم پاسخ دهد که چه مدلی را می‌توان به منظور ارتقای کیفیت پژوهش در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی وابسته به آنها در کشور ایران طراحی کرد تا بتوان از رهگذر تولید علم نافع و با کیفیت، به توسعه همه جانبه کشور یاری رساند. با توجه به آنچه ذکر شد هدف این پژوهش تعیین ابعاد و مولفه‌های ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی ایران و شناسایی شاخص‌های ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی ایران می‌باشد.

### روش تحقیق

به منظور دستیابی به مولفه‌ها و شاخص‌های ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی ایران از روش‌های پژوهش کیفی و تحلیل تم استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش همه صاحب نظران و متخصصان و اعضای هیئت علمی هستند. بنابراین به منظور انجام نمونه‌گیری، از نمونه‌گیری نظری استفاده شد. در نمونه‌گیری نظری از نمونه‌هایی مصاحبه به عمل آمد که از لحاظ هدف‌های پژوهش دارای اطلاعات غنی‌اند. در این روش نمونه‌گیری وقتی خاتمه می‌یابد که هر مقوله به اشباع نظری برسد. به منظور شناسایی مولفه‌ها و شاخص‌های ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی ایران با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند از همه صاحب نظران و متخصصان و اعضای هیئت علمی نظرخواهی شد. در نهایت داده‌ها از طریق مصاحبه با ۱۲ نفر از اعضای هیئت علمی گردآوری شد.

برای حصول اطمینان از روایی پژوهش از بازبینی توسط اعضا، مشارکتی بودن پژوهش و به طور هم‌زمان از مشارکت‌کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد. همچنین، برای محاسبه پایایی کدگذاری‌های انجام شده، از روش‌های پایایی بازآزمون و پایایی توافق بین دو کدگذار (توافق درون موضوعی) استفاده شد. در پایایی بازآزمون از میان مصاحبه‌های انجام گرفته، تعداد ۳ مصاحبه انتخاب شده و هر کدام از آن‌ها دو بار در یک فاصله زمانی ۱۷ روزه توسط پژوهشگر کدگذاری شد. پایایی توافق بین دو کدگذار در این پژوهش ۷۹ درصد به دست آمد، که چون بالاتر از ۶۰ درصد است، مورد تأیید است. در آخر به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها از فن تحلیل موضوعی (تم) استفاده گردید.

## یافته‌ها

نظر به ارتباط ملموس اعضای هیئت علمی با مسئله پژوهش از آن‌ها خواسته شد تا در مطالعه شرکت کرده و به مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته پژوهشگر پاسخ دهند. آنچه در ادامه می‌آید، نتایج یافته‌های به دست آمده از مصاحبه با آن‌ها است. به منظور سازمان‌دهی بهتر یافته‌ها، هر کدام از یافته‌ها در ارتباط با سؤالات پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند.

## ابعاد و مولفه‌های ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی ایران کدامند؟

یافته‌های به دست آمده از این پژوهش حاکی از آن بود که ابعاد و مولفه‌های ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی ایران (نظارت سازمانی، تجهیزات فیزیکی، پژوهشگران متخصص، منابع به روز، اهداف روشن، حمایت سازمانی، کاربردی بودن پژوهش و ارتقاء مراکز آموزشی) است که به شرح زیر گزارش می‌شود:

جدول ۱- ابعاد و مولفه‌های ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی ایران

مقوله استخراج شده	نمونه (مفاهیم شناسایی شده)	فراوانی
نظارت سازمانی	تخصیص درست منابع	۹
	میزان نظارت	۳
	عدم سرقت علمی	۵
	عدم گرایش به گروه مذهبی و سیاسی	۵
تجهیزات فیزیکی	مکان و موقعیت‌های مناسب پژوهشی	۱۰
	بهره‌گیری از تکنولوژی روز دنیا	۵
پژوهشگران متخصص	صلاحیت‌های علمی پژوهشگر	۱۱
	مسئولیت‌پذیری علمی	۵
منابع به روز	منابع معتبر	۸
	اصالت و بداعت	۵
	دسترسی به منابع حقیقی و به روز دنیا	۷
	نو و جدید بودن	۵
اهداف روشن	روشن و واضح بودن هدف	۵
حمایت سازمانی	حمایت و ایجاد انگیزه	۳

۵	قابلیت اجرایی بودن	کاربردی بودن پژوهش
۳	ارتباط با صنعت	
۵	ارتقا سطح علمی دانشگاه ها	ارتقاء مراکز آموزشی
۳	آموزش اختصاصی در رابطه با موضوع های پژوهش	
۵	ارتقای سطح علمی مراکز آموزش عالی	
۳	ارتقا مهارت و تخصص	

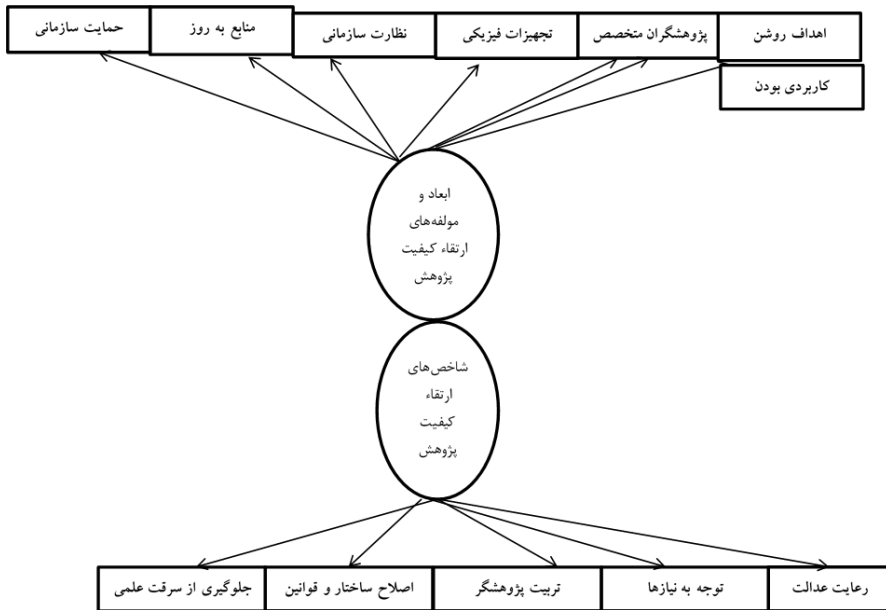
### شاخص‌های ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی ایران کدامند؟

نتایج تحلیل یافته‌ها نشان داد شاخص‌های ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی ایران شامل تربیت پژوهشگر، جلوگیری از سرقت علمی، اصلاح ساختار و قوانین دانشگاه، رعایت عدالت، توجه به نیازها می باشد.

#### جدول ۲- شاخص‌های ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی

فرآوانی	مقوله فرعی	کدها(مفاهیم شناسایی شده)
۹	آموزش اختصاصی در رابطه با موضوع های پژوهش	تربیت پژوهشگر
	تربیت پژوهشگر زبده	
۷	رفع کپی برداری	جلوگیری از سرقت علمی
۳	عدم تکرار پژوهش ها	
۵	اصلاح ساختار و قوانین مرتبط د ر دانشگاه ها	اصلاح ساختار و قوانین دانشگاه
	نوع و سطح فعالیت‌های پژوهشی	
۷	رعایت عدالت و انصاف د ر پژوهش	رعایت عدالت
	اجتناب از کاربرد سلیقه شخصی	
۵	حل نیازهای اساسی کشور	توجه به نیازها
	نیازهای انگیزشی	





شکل ۱- الگوی کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی

نتایج یافته‌ها طبق شکل ۱ حاکی از آن بود که ابعاد و مولفه‌های ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی ایران شامل (نظارت سازمانی، تجهیزات فیزیکی، پژوهشگران متخصص، منابع به روز، اهداف روشن، حمایت سازمانی، کاربردی بودن پژوهش و ارتقاء مراکز آموزشی) است و شاخص‌های ارتقاء پژوهش شامل تربیت پژوهشگر، جلوگیری از سرقت علمی، اصلاح ساختار و قوانین، رعایت عدالت، توجه به نیازها می‌باشد.

## نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر شناسایی مولفه‌ها و شاخص‌های ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی ایران بود. نتایج حاکی از آن بود که ابعاد و مولفه‌های ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی ایران شامل (نظارت سازمانی، تجهیزات فیزیکی، پژوهشگران متخصص، منابع به روز، اهداف روشن، حمایت سازمانی، کاربردی بودن پژوهش و ارتقاء مراکز آموزشی) است و شاخص‌های ارتقاء پژوهش شامل تربیت پژوهشگر، جلوگیری از سرقت علمی، اصلاح ساختار و قوانین دانشگاه، رعایت عدالت، توجه به نیازها می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های اسلامی، حکیم‌زاده و صبوری (۱۳۹۷)، سلیمی و حسینی (۱۳۹۶)، قمی، رحمانی و خاکزار (۱۳۹۶)، نوروزی، ابوالقاسمی و قهرمانی (۱۳۹۶)، زیاری و همکاران (۱۳۹۵)، هیرز و همکاران (۲۰۱۹)، برمن، راوال و گولدین (۲۰۱۸)، کاساداول و همکاران (۲۰۱۶)، پینتو (۲۰۱۴) همخوانی دارد. در تبیین این یافته پژوهشی می‌توان که جهت ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی ایران باید یک سری مولفه‌ها و شاخص‌هایی را جهت بهبود پژوهش مهیا کرد. زیاری و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان تبیین عوامل موثر بر پژوهش از دیدگاه اعضای هیئت علمی: یک مطالعه کیفی در دانشگاه علوم پزشکی سمنان به این نتیجه دست یافتند که این عوامل شامل انگیزه، ویژگی شخصیتی، حمایت، بستر سازی مناسب، تعامل و کار تیمی و عوامل سازمانی می‌باشد. در این مطالعه درون مایه‌های جدیدی مانند عدم وجود محور تحقیقاتی مشخص برای اعضای هیئت علمی، الزام به حضور در مراکز تحقیقاتی، عدم وجود هیئت علمی صرفاً پژوهشی به تعداد کافی، گسترش رشته‌های تحصیلات تکمیلی، ایجاد نظام آموزشی پژوهش محور و برخی از خصوصیات فردی مانند پیگیری، صبر و داشتن پشتکار به دست آمد.

از این رو روشن است که هر چه کیفیت علمی پژوهش‌ها بیشتر باشد، آن پژوهش‌ها در تولید و کاربست علم مؤثرترند. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که در شرایط کنونی چالش‌های بسیاری در زمینه کیفیت پژوهش در کشور وجود دارد و تا رسیدن به وضعیت مطلوب خلق دانش در مراکز آموزش عالی کشور، فاصله هست. از این رو جهت دستیابی به همین کیفیت پژوهش مولفه‌های و شاخص ارتقای کیفیت پژوهشی باید مورد توجه قرار گرفته و بتوانند همانند یک سیستم ماشینی جهت دستیابی به اهداف پژوهشی کشور موفق باشد. در جامعه ما به بعد اثر پژوهش توجه چندانی نمی‌شود، زیرا محیط و فضای پژوهشی مناسب و مطلوبی در دانشگاه‌ها حاکم نیست تا بتواند کیفیت پژوهش را تضمین کنند. از سویی دیگر، دامنه حداکثری اثربخشی پژوهش در راستای رفع نیازهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، زیست محیطی و منطقه‌ای از ضروریات کیفیت پژوهش محسوب می‌شود لذا باید پژوهش در داخل کشور مسائل مبتلا به جامعه را مورد توجه قرار دهند تا پژوهش‌ها به لحاظ بهره‌وری در سطح مطلوبی قرار

گیرند. البته پژوهش‌های بنیادی به منظور گسترش مرزهای دانش، ارزش خود را داشته و زیربنای تحقیقات کاربردی را می‌کنند.

از این رو طبق نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود:

- پژوهشگران ماهر و متخصص در مراکز آموزش عالی به کار گرفته شوند.
- تجهیزات نرم افزاری و سخت افزاری جهت تسهیل در فرایند پژوهش در اختیاران پژوهشگران قرار داده شود.
- نظارت سازمانی در دانشگاه جهت کاهش سرقت‌های ادبی دایر شود.
- ساختار و قوانین دانشگاه مورد تجدید نظر قرار گیرد تا فرایند پژوهش در مسیر طبیعی خودش بتواند به اهداف خود دست یابد.
- انجام پژوهش باید در راستای نیازهای جامعه باشد تا بتواند کاربردی واقعی شده و مشکلی از مشکلات جامعه را رفع کند.

### فهرست منابع

1. Abtahi, Seyyed Hossein and Torabian, Mohsen (2010). Assessment of Higher Education Goals Based on Twenty Year Country Vision Document Using Analytical Hierarchy Process (Ahp) Method, Quarterly Journal of Educational Systems, Volume 4, Number 8: 60-31 . [in Persian]
2. Bagheri Majd, Ruhollah Ghavavandi, Hassan Miraghaee, Ali Abbas; Sedghi Bukani, Nasser and Bagheri Majd, Amin (2013). Analysis of Humanities Research Gap in Higher Education, Journal of Research in School and Virtual Learning, Volume 1, Number 3: 90-79. [in Persian]
3. Danayee fard, Hassan (2009). An Analysis of the Barriers to Creating Knowledge in the Humanities: Guidelines for Improving the Capacity of Iran's National Science Policy, Science and Technology Policy, Volume Two, Number One: 16-1. [in Persian]
4. Eslami, Zahra; Hakimzadeh, Rezvan; Sabouri, Ali Akbar (۲۰۱۹). A Comparative Study of Explaining Research Quality Assessment Frameworks in Iranian Higher Education System with Leading Countries in the World such as England, Australia, Netherlands, Italy and Hong Kong, Journal of Research in Educational Systems, Volume 12, Number 42: 1-1. [in Persian]
5. Heyeres, M., Tsey, K., Yang, Y., Yan, L., & Jiang, H. (2019). The characteristics and reporting quality of research impact case studies: A systematic review. Evaluation and program planning, 73, 10-23.
6. Jafari Tehrani, Peyman-Dovlat, Hassan and Karimi, Farzad (2016). Pathology of Higher Education System in Research Using Topsis Multi-Criteria Decision Making Technique, Journal of Marine Science Education, No. 6: 78-65. [in Persian]
7. Karimian, Zahra; Sabaghian, Zahra and Sadeghpour, Bahram Saleh (2011). Investigating the Obstacles and Challenges of Research and Production of Science in Medical Sciences Universities, Iranian Journal of Higher Education, Volume 3, Number 4: 22-12. [in Persian]
8. Khan, M. A. (2014). Students' Passion for Grades in Higher Education Institutions in Pakistan. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 112, 702-709.

9. Norouzi, Abbas Ali; Abolghasemi, Mohammad and Ghahramani, Mohammad (2015). Investigating Barriers to Science Production from the Viewpoints of Faculty Members of Shahid Beheshti University, A New Approach in Educational Management, Journal 6, No. 2,: 77-108. .[in Persian]
10. Qomi, Mohammad Reza; Rahmani, Morteza and Khakzar, Morteza (1396). Evaluating the Research Performance of a State University Using Hierarchical Analysis and Network Data Envelopment Analysis, Journal of Military Management, Volume 17, Number 67: 147-171. .[in Persian]
11. Rezaei, Mina and Norouzi Chakli, Abdolreza (2015). Identification and Validation of Research Productivity Indicators of Iranian Universities, Journal of Academic Library and Information Research, Volume 49, Number 2: 237-213. .[in Persian]
12. Rubbia, G., Franco, C., Pellizzon, D., & Nannipieri, L. (2014). Research support services in Italian Higher Education and Research Institutions: approaches, tools and trends .
13. Salimi, Qasem and Hosseini, Nayra (1396). Explaining the Framework for Research Excellence: A Step Towards Presenting a Model for Research Quality Assessment in Higher Education, 65, 84-97. .[in Persian]
14. Schultz, J. (2008). Purpose of college: Integrative literature review. Research & Teaching in Developmental
15. tasdqi, Mohammad Ali and Tasadeghi, Forough (2009). Barriers to Research and Culture Research in Higher Education, Cultural Engineering, Fourth Year, Nos. 35 and 36: 37-37. .[in Persian]
16. Yáñez, S., Uruburu, Á., Moreno, A., & Lumbreras, J. (2019). The sustainability report as an essential tool for the holistic and strategic vision of higher education institutions. Journal of Cleaner Production, 207, 57-66.
17. Ziyari, Abbas; Ghods, Ali Asghar; Rashidipour, Ali; Bozorgi, Hossein and Babamohammadi, Hassan (2016). Explaining Factors Affecting Research from the Faculty Viewpoint: A Qualitative Study in Semnan University of Medical Sciences, Koomesh Journal, Volume 19, Number 1: 35-22. .[in Persian].



نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۸۲ - ۱۵۹

## بررسی اصول اخلاقی و حقوقی زیست محیطی در قراردادهای نفتی

<sup>۱</sup> مسعود طاهری<sup>۲</sup> مسعود البرزی ورکی<sup>۳</sup> عبدالله کیایی

### چکیده

وخامت و عواقب زیان‌بار بهره‌برداری بی‌رویه از طبیعت و محیط زیست و پیدایش انواع آلاینده‌ها، حیات انسان و سایر موجودات کره زمین را به مخاطره انداخته است و توسعه بدون برنامه‌ریزی همه جانبه باعث تخریب و آلودگی محیط زیست بوده، علاقمندان به محیط زیست را به مبانی نظری تعیین کننده تعامل انسان با طبیعت از جمله اخلاق سوق داده است. توجه و رعایت اصول اخلاق زیست محیطی که نظر به آرمان‌های اخلاق الهی داشته باشد و در عین حال توسعه و رونق اقتصادی را نیز در برگیرد، جدی‌تر از هر زمان دیگر است به طوری که تبیین نظریه اخلاق زیست محیطی مناسب، از ضروریات حفاظت و بهره‌برداری از محیط زیست محسوب می‌گردد. محیط زیست عبارت است از هر چیزی که در اطراف ما وجود دارد که روی ما اثر می‌گذارد و نیز ما می‌توانیم روی آنها اثر بگذاریم. از منظر اسلام می‌توان به اصولی اشاره کرد که مهم‌ترین آنها از این قرارند: عدالت در محیط زیست، آبادانی محیط زیست، مراقبت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست، بررسی اثرات مخرب طرح‌های توسعه، مصرف بهینه، بهداشت محیط، ایجاد سیستم بازیافت و... با توجه به جایگاهی که صنعت نفت در جهان امروز پیدا کرده است نباید از حیطة نظارت دور شده و از صدمات آن به انسان و محیط زیست غافل بود بلکه باید به دنبال راه‌حلی برای کاهش این آسیب‌ها باشیم. امروزه پالایشگاه‌ها میلیون‌ها آلاینده در هوا منتشر می‌کنند که خطری جدی برای سلامت انسان و محیط زیست می‌باشد. در این مقاله ضمن توجه به اصول اخلاقی و حقوقی زیست محیطی، رعایت ملاحظات زیست محیطی در قراردادهای نفتی و موضع قوانین و مقررات ایران در این خصوص بررسی می‌شود.

### واژگان کلیدی

اصول، اخلاق، الزامات قانونی، محیط زیست، قراردادهای نفتی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

Email: Masoudtaheri60@yahoo.com

۲. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه بین الملل امام خمینی، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: alborzivm@yahoo.com

۳. استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

Email: Abdallah.kiaee@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۴ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۱/۱۶

## طرح مسأله

یکی از حقوق مندرج در نسل سوم حقوق بشر، حق داشتن محیط زیست سالم است که دولت‌ها باید سعی در حفظ آن داشته باشند. عملیات نفتی از قبیل اکتشاف، توسعه، بهره‌برداری، حمل و نقل و تصفیه نفت بر محیط‌زیست آثار مخربی دارد و محیط زیست را آلوده می‌کند. از آنجا که این آثار مخرب با تمهیداتی قابل کنترل و کاهش است، دولت‌ها سعی می‌کنند از طریق وضع قوانین و مقررات، تبعات منفی عملیات نفتی بر محیط زیست را کاهش دهند. کشور ایران به لحاظ برخورداری از منابع نفت و گاز، جایگاه قابل توجهی را در دنیا دارد. طبق اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این منابع در اختیار دولت قرار می‌گیرد تا با توجه به مصالح ملت نسبت به واگذاری یا بهره‌برداری از آن اقدامات لازم از ناحیه متولیان امر صورت پذیرد. در این راستا قوانین و مقررات داخلی، چهارچوبی را برای اقدامات دولت در این زمینه ترسیم نموده که از جمله می‌توان به ماده ۱۰۵ "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی فرهنگی"، ماده ۷۱ "قانون برنامه چهارم توسعه" ماده ۱۲۵ و ۱۹۲ "قانون برنامه پنجم توسعه"، مصوبات "شورای عالی حفاظت از محیط زیست"، مواد ۱۲ و ۱۳ "قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا" و ماده ۱۱ "آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب" اشاره نمود. با توجه به آثار و گسترش فعالیت‌های مرتبط با صنعت نفت و گاز و نیز ضرورت توجه به ملاحظات زیست محیطی در جریان توسعه؛ قوانین، مقررات و استانداردهای متنوع و متعددی در این راستا به تصویب رسیده است (مشهدی، ۱۳۹۳، ۱۲۲). امروزه در شرکت‌های مرتبط با نفت و گاز و سایر منابع انرژی از نظام‌های رایج مدیریت سلامتی، ایمنی و محیط زیست (اچ اس ای<sup>۱</sup>)، ارزیابی اثرات زیست محیطی اجرای پروژه‌های نفت و گاز (ای آی ای<sup>۲</sup>) و نیز رعایت استانداردهای ایزو<sup>۳</sup> برای اجرا و مدیریت قوانین و مقررات زیست محیطی بهره گرفته می‌شود.

## ۱- اهمیت اخلاق زیست محیطی

اهمیت درک و شناخت اخلاق تا حدی است که اغلب دانشمندان و بسیاری از متخصصان محیط زیست، حفاظت محیط‌زیست را یک موضوع مهم اخلاقی می‌دانند در جهان امروزی، بشر متوجه عواقب زیان‌بار و مخرب بهره‌برداری بی‌رویه از طبیعت و پیدایش آلاینده‌های محیط زیست شده است. پیشرفت و توسعه عتاق گسیخته و بدون برنامه‌ریزی جامع و همه جانبه، با تخریب و آلودگی محیط زیست همراه است و با این عمل بسیاری از کشور های پیشرفته؛ سرمایه‌ها، امکانات و رفاه خود را چند برابر کرده‌اند اما در مقابل، اثرات جبران‌ناپذیری به محیط

1 . H.S.E  
2 . E.I.E  
3 . ISO



زیست وارد کرده‌اند. تغییرات ایجاد شده در طبیعت به وسیله فعالیت‌های انسان، ضرورت ارزیابی مواضع اخلاقی نسبت به طبیعت را منجر شده است و به دنبال آن، اخلاق زیست محیطی با تعریف مجدد بایدها و نبایدها در ارتباط با محیط زیست و ارزیابی موقعیت بشر نسبت به آن، مواجه شده است. ضرورت رعایت اخلاق زیست محیطی از تأثیری که جهان بینی و راهنمایی‌های اخلاقی، بر رفتارهای فردی و جمعی دارند ناشی می‌شود. (احمد عابدی سروستانی، دکتر منصور شاه ولی، دکتر سیدمصطفی محقق داماد، بهار و تابستان ۶۰۸۶)

بنا به آمارهای منتشر شده سازمان ملل<sup>۱</sup>، دی اکسید کربن<sup>۲</sup> و سایر گازهای مضر منتشر شده در کشورهای توسعه یافته حدود ۹۸ درصد است و فقط سهم کشورهای جهان سوم دو درصد از کل این آلاینده‌ها است. در این راستا در کمتر از دو قرن با مصرف سوخت‌های فسیلی و نابود شدن جنگل‌ها، مقدار کل دی اکسید کربن در اتمسفر به میزان ۲۵ درصد بالا رفته است (متین، ۱۳۸۳، شماره ۱۳).

جنگل‌زدایی با سرعت زیادی در حال افزایش می‌باشد. سالانه ۱۷ میلیون هکتار از میزان وسعت کره زمین کاسته می‌شود و به عبارتی ریه‌های زمین در حال چروکیده شدن است؛ از طرفی پالایشگاه‌ها و کارخانجات صنعتی، زباله‌های مضر زیادی را در جهان تولید می‌کنند و با فعالیت انسان، سیاره زمین در حال نابود شدن است که این امر باعث خطرات جبران‌ناپذیری مثل گرم شدن کره زمین، بیابانی شدن زمین، تخریب و از بین بردن لایه ازن<sup>۳</sup> شده است.

به هر حال، امروز سیاستمداران غرب هم ملزم به رعایت مسائل محیط زیست هستند و یا اینکه لااقل از این به بعد ناگزیر هستند این امر را رعایت کنند، چون افکار عمومی غرب احساس خطر کرده است و توده‌های میلیونی مردم در این امر دخالت می‌کنند. تقریباً در تمامی کشورهای توسعه یافته، احزاب طرفدار محیط زیست و اکوژیست‌ها قدرت یافته‌اند و مردم احساس خطر می‌کنند و در حقیقت این مردم هستند که برای حفظ طبیعت و سلامت و محیط خود، سرمایه‌داران و سیاستمداران را ملزم به رعایت مسائل زیست محیطی می‌نمایند (پاپلی یزیدی، ۱۹۰۱۳۷۴). اینکه بشر چه عملکردی را در پیش خواهد گرفت رابطه نزدیکی به اخلاق زیست محیطی دارد و در واقع اخلاق، راهنمای عمل انسان است. اخلاق زیست محیطی بر این ایده استوار است که اخلاق باید به شکلی گسترش یابد تا روابط انسان‌ها و طبیعت را نیز شامل شود. موضوع دیگر در بحران محیط زیست، افزایش بی‌رویه جمعیت است؛ در منابع اسلامی، افزایش جمعیت مسلمانان را کاری پسندیده شمرده شده ولی مسأله مهم این است که آیا این یک قاعده و قانون غیرقابل

- 
1. United nations organization
  2. CO2
  3. Ozone layer

تغییر است و باید در همه زمان‌ها اجرا شود و یا اینکه قاعده کلی نمی‌باشد و صرفاً یک برنامه مقطعی محسوب می‌شود. در شرایط زمانی خاصی و در موقعیت مکانی ویژه‌ای می‌تواند باعث رشد و پیشرفت گردد. همین ابزار رشد و قدرت و پیشرفت، اگر از حد و مرز خود خارج شود، می‌تواند به صورت یک اهرم ویران‌گر نیروهای اقتصادی تبدیل شود. (فغفور مغربی، تابستان ۱۳۸۸، ۱۶).

## ۲- اصول اخلاق در محیط زیست

در جهان کنونی توجه به اصول اخلاقی زیست محیطی که به آرمان‌های الهی پایبند باشد و در عین حال به بحث توسعه و افزایش رفاه اقتصادی نیز توجه کند دارای اهمیت دو چندان شده است و این اصول و مبانی را نمی‌توان به صورت جامع و به شکل فردی یا گروهی جمع‌آوری کرد. در ابتدا به تعریف علمی در مورد محیط زیست پرداخته و سپس اصول اخلاق زیست محیطی را بررسی می‌کنیم. محیط زیست عبارت است از همه چیزی که در اطراف ما وجود دارند و روی آنها تأثیر می‌گذاریم و آن‌ها نیز ما را متأثر می‌سازند (بخشکی، ۱۳۸۱، ۳۶).

محیط زیست انواعی دارد که عبارت است از:

- ۱- محیط طبیعی: که شامل همه عوامل طبیعی است که در پیرامون ما وجود دارد ولی به وسیله انسان ایجاد شده است.
- ۲- محیط اجتماعی: محیطی که افراد با توجه به قومیت و ملیتی که دارند و با هرنوع فرهنگی در کنار هم زندگی می‌کنند و اثرات متقابلی بر یکدیگر می‌گذارند.
- ۳- محیط مصنوعی: همه چیزهایی که به وسیله انسان ایجاد می‌شود مانند خانه، جاده، راه و....

با توجه به انواع محیط زیست، مهم‌ترین اصول اخلاقی و ارزشی که بر آن حاکم است را مورد بازنگری قرار می‌دهیم:

### ۲-۱- اصل عدالت در محیط زیست

عدالت، قانونی عام است که تمام نظام آفرینش را شامل می‌شود و مفهوم عدالت این است که حق هر موجودی، چنان که شایسته اوست ادا شود. این تعریف از عدالت، به نظر تعریف جامعی است که شامل انسان‌ها، حیوانات، گیاهان و حتی اشیاء به ظاهر بی‌جان، مانند آب، سنگ و خاک نیز می‌شود. مصادیق مهمی که می‌توان در مورد عدالت برشمرد برهم خوردن نظام اکوسیستم طبیعت توسط انسان که به معنای برهم خوردن حقوق عناصر زیست محیطی و در واقع تهی شدن منابع طبیعی توسط انسان از انرژی، ذخایر زیرزمینی و مواد غذایی و بطور کلی منابع تجدیدناپذیر است (حلم سرشت و دل‌پیشه، ۱۳۸۲، ۷۶).

## ۲-۲- اصل امنیت در محیط زیست

امنیت نقش بسیار مهمی در محیط مصنوعی و محیط اجتماعی دارد. اگرچه تا انسان آن را از دست ندهد قدرش را نمی داند. پیامبر اکرم (ص) فرمودند "نعمتان مکفرتان" الا من و العافیه (مجلسی، ۱۴۱۳ق، ۸۱). در کلامی دیگر از امام علی (ع) آمده است که "بالا تر از امنیت، نعمتی نیست و هیچ نعمتی آرامش بخش تر از امنیت نیست" (محقق داماد، ۸۲، ۱۳۷۳). امنیت زیست محیطی وضعیتی است که یک کشور یا یک منطقه از طریق حکمروانی شایسته، مدیریت توانمند و استفاده پایدار از منابع طبیعی و محیط زیست، گامهای مؤثری در مسیر ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و تضمین رفاه جمعیت بردارد. امنیت زیست محیطی به معنای پاسداری از محیط طبیعی، منافع حیاتی شهروندان، جامعه و دولت از تأثیرات داخلی و خارجی و تهدیدات منفی طی فرآیند توسعه است که سلامت انسان، تنوع زیستی و عملکرد پایدار زیست بوم و بقای نوع بشر را تهدید میکند. بر این پایه، امنیت زیست محیطی بخش جدایی ناپذیر امنیت ملی نیز محسوب می شود. (کاوایی راد، نجفی و متقی، پاییز ۷۷، ۱۳۹۴)

## ۲-۳- اصل لاضرر در محیط زیست

قاعده فقهی "لاضرر" پشتوانه‌ای در حفاظت از محیط زیست است. اصل لاضرر یکی از اصول مسلم فقهی است که می توان با استناد به آن بسیاری از مشکلات زیست محیطی را حل کرد. این اصل در حقیقت روح حاکم بر همه قوانین اسلامی است. به موجب این اصل، در اسلام زیان رساندن به دیگران به هیچ وجه مشروعیت ندارد؛ چه در مرحله وضع قانون و چه در مرحله یا اجرای آن. بنابراین اگر قانونی به تصویب برسد که موجب ورود زیان به فرد یا جامعه شود و یا در مرحله اجرا موجب زیان گردد از نظر اسلام مشروعیت ندارد (فغفور مغربی، تابستان ۲۱، ۱۳۸۸). مرحوم علامه در کتاب قواعد درباره استفاده از مکان های عمومی مثل راه ها، مساجد، مدارس و مشاهد نوشته است: فایده راه ها تردد و استفاده بهینه بردن از آن است و در صورتی که توقف و نشستن در مسیر موجب ضرر و زیان به عابران گردد، حق استفاده از منافع راه از او ساقط می - شود. در باب تراحم حقوق در استفاده از راه های عمومی نیز می نویسد: همه مردم در منافع راه ها شریک و مستحقند و کسی نمی تواند با بهره برداری بیش تر از منافع راه ها موجب از بین بردن حقوق دیگری شود، یا با سوء استفاده، خرابی و نقص در آنها وارد سازد و یا منافع راه را از بین ببرد، یا با بنا کردن دیوار و ساختن دکه و سایر تصرفات نابجا موجب وارد آوردن ضرر به عابران گردد. پس با این وصف می توان گفت که با مطالعه و ملاحظه این قواعد و اصول فقهی و به پشتوانه آنها نیز می توانیم در زمینه بسط و گسترش اصول اخلاق زیست محیطی گام های

مؤثری برداریم.

## ۲-۴- اصل آبادانی و سرسبزی محیط زیست در قرآن

انسان موجودی است که خداوند متعال به او مسئولیت آبادگری زمین را داد. اوست که شما را آفرید و مسئولیت آبادانی آن را به شما داد (قرآن کریم، هود، ۶۱). در آیه‌ای دیگر خداوند انسان را از تخریب و برهم زدن نظام انسجام یافته طبیعت و ویرانی آن برحذر می‌دارد (قرآن کریم، اعراف، ۵۶). از سوی دیگر، قرآن کریم در بسیاری از آیات، انسان‌ها را به مطالعه طبیعت و عناصر آن فراخوانده است. همچنین بسیاری از سوره‌های قرآن کریم به نام یکی از عناصر طبیعت خوانده می‌شود، مانند سوره شریفه بقره، رعد، نحل، نور، عنکبوت، نجم، فجر، شمس، حدید، لیل، قمر، تین، ناس و... خداوند منان، سرنوشت بشر را به گونه‌ای رقم زده است که در دامان طبیعت رشد کند و به آن نیازمند باشد. طبیعت به شکلی خلق شده است که در خدمت انسان باشد و نیازهای او را برطرف کند. با در نظر رفتن این نکته که به حکم قرآن کریم همه چیز در جهان آفرینش بر پایه‌ی نظم و عدالت استوار است و هر چیزی به اندازه لازم آفریده شده است، (قرآن کریم، قمر، ۴۹). در قرآن کریم از نابود کردن و تخریب محیط زیست به عنوان اعتداء (تجاوز) نام برده شده است و بر این اساس کسانی که رفتار ناشایست نسبت به محیط زیست داشته باشند، از رحمت و محبت خداوند محروم خواهند بود (قرآن کریم، مائده، ۸۶). درست است که خداوند طبیعت را مقهور انسان آفریده و به او قدرت و توانایی عطا کرده، اما این به آن معنا نیست که او آزاد باشد تا هر گونه که مایل است رفتار کند بلکه انسان در برابر خداوند و تمامی آفرینش مسئول اعمال و رفتار خود است.

## ۲-۵- اصل دعوت به حفاظت محیط زیست در روایات

باید از میان شما، جمعی دعوت به امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند (طوسی، ۱۴۱۵، ۲۰). وقتی که محیط زیست در اثر عملکردهای عده‌ای دچار انواع آلودگی‌ها می‌شود و یا وقتی که کره زمین دچار بحران‌های زیست محیطی مختلف می‌گردد؛ این مسائل تنها دامن انسان‌های بدکار و متخلف را نمی‌گیرد بلکه همه انسان‌ها باید بهای آن را بپردازند. بنابراین هیچ کس نمی‌تواند بگوید که چون وظیفه خود را انجام داده از آثار ناگوار اینگونه مسائل اجتماعی فراگیر است. این درست مانند آن است که در حدیث پیامبر آمده است و سوراخ کردن کشتی که همه در آن هستند فقط به خود فرد ضرر نمی‌رساند. حضرت امام علی - علیه السلام - در فرمان معروف خود به مالک اشتر، فرماندار بصره نوشته است: "أَلَيْكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أْبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاكِ، لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ، وَمَنْ طَلَبَ الْخَرَاكِ بَغَيْرِ عِمَارَةٍ أُخْرِبَ الْبِلَادَ وَ أَهْلَكَ الْعِبَادَ" "باید توجه تو در آبادی زمین بیشتر از توجه تو به گرفتن مالیات و خراج از مردم باشد؛ زیرا خراج بدون توجه به آبادانی به دست نمی‌آید و

کسی که بدون آباد نمودن به گرفتن مالیات و خراج پردازد، به ویرانی شهرها و از بین بردن بندگان خدا دست زده است".

## ۲-۶- اصل بررسی اثرات زیست محیطی طرح‌های توسعه‌ای

مسائل و ملاحظات زیست محیطی باید و می‌تواند در فعالیت‌های اقتصادی به کار برده شود، تا به توسعه پایدار رسید. در این راستا محیط زیست باید مورد ارزیابی و بررسی قرار بگیرد. ارزیابی محیط زیست ابزاری است که در جهت دستیابی به توسعه پایدار، کاربردی کلیدی و تعیین کننده دارد. یکی از تکنیک‌ها و ابزارهای موجود جهت ارزیابی محیط زیست، ارزیابی اثرات محیط زیستی (EIA) می‌باشد. ارزیابی اثرات محیط زیستی، رویکردی است که به بررسی اثرات و پیامدهای یک پروژه بر محیط، قبل از اجرای پروژه و در حین انجام آن، می‌پردازد و برای هر نوع فعالیت توسعه‌ای، نیازمند ارزیابی از نوع EIA می‌باشیم. (عالم رجبی، هدی و رضا مکنون، ۱۳۹۳، ۱۳)

انجام طرح‌های توسعه‌ای گاهی اثرات جبران ناپذیری را به همراه می‌آورد و در جوامع پیشرفته قبل از انجام طرح‌های توسعه‌ای جوانب آن را از نظر زیست محیطی بررسی می‌کنند؛ بطوری که بسیاری از طرح‌های زیست محیطی با وجود صرفه اقتصادی به دلیل بررسی و عواقب زیست محیطی کنسل شده و به اجرا در نمی‌آید.

## ۲-۷- اصل ممانعت از تخریب محیط زیست

در اسلام تخریب و نابودی طبیعت بسیار مورد نکوهش قرار گرفته است و احادیث و سخنان زیادی در زمینه نگهداری و حفظ محیط زیست بیان شده است. رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - به مجاهدان اسلام سفارش و تأکید می‌کرد که از قطع کردن درختان، و سوزاندن مزارع شدیداً اجتناب نمایند. فقهای شیعه، قطع درختان و تخریب مزارع را حتی در سرزمین دشمن که در حال جنگ با مسلمانان باشند، جایز نشموده‌اند و آن را مکروه و ناپسند قرار داده‌اند و این روایات نشانگرحمایت و اهتمام اسلام از محیط زیست می‌باشد. بدون تردید تشویق به درختکاری و هشدار و نهی از نابودی درختان، فوق‌العاده به حفظ و بقای محیط زیست کمک می‌کند. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید "واذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها و یهلك الحرث و النسل و الله لا یحب الفساد" و چون به قدرت و حاکمیت دست یابد می‌کوشد تا در زمین فساد کند و کشت و نسل رانابود سازد و خداوند فساد را دوست ندارد. (قرآن کریم، بقره، ۹۹).

## ۲-۸- اصل حمایت از حیوانات

حضرت علی - علیه السلام - در خطبه‌ای که در آغاز خلافتشان ایراد کردند و در آن مسؤولیت و حقوق مسلمانان را یادآوری نمودند، فرمودند:

”اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ، أَطِيعُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْصُوهُ“

”درباره بندگان و بلاد و شهرها از خداوند بترسید، مبادا بر کسی ستم کنید و به ویرانی و تبهکاری زمین در بلاد و شهرها اقدام کنید) همه شما مسئولید و مورد پرسش قرار می‌گیرید، حتی درباره زمین‌ها و چهارپایان که به چه دلیل مزارع و جنگل‌ها را از بین بردید، شهرها و خانه‌ها را ویران نمودید و حیوانات زبان بسته را مورد اذیت و آزار قرار دادید“ (فیض الاسلام، خطبه ۱۶۶، ۵۴۴ - ۵۴۶) در این خطبه شریف به گونه‌ای از «محیط زیست» حمایت شده که همانند آن در هیچ مکتب بشری دیده نشده است. در اسلام کشتن حیوانات بدون جهت و دلیل ممنوع شده است. رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - به مجاهدان اسلام سفارش می‌نمود که حیوانات را بی‌جهت کشتار نکنند: ”وَ لَا تَعْقُرُوا مِنَ الْبِهَائِمِ مِمَّا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ إِلَّا مَا لَا بُدَّ لَكُمْ مِنْ أَكْلِهِ“ حیوانات حلال گوشت را جز در صورت احتیاج به گوشت آنها، کشتار نکنید. (حر عاملی، ج ۱۵، ۵۹)

### ۳- اصول حقوقی زیست محیطی در صنعت نفت

#### ۳-۱- اصل اطلاع‌رسانی

اصل اطلاع‌رسانی از دولت‌ها می‌خواهد که فجایع و آلودگی‌ها و مخاطرات را به کشورها اطلاع دهند؛ مثلاً کنفوانسیون مونته‌گبی ۱ ماده ۱۹۸ از دولت‌ها می‌خواهد که آلودگی دریایی را اطلاع‌رسانی کنند. بر طبق این اصل دولت‌ها موظف هستند، در همه با حسن نیت برای حفاظت از محیط زیست با یکدیگر شرایط و همکاری کنند. در این راستا، آن‌ها باید قبل از وقوع حوادث زیست محیطی آگاه سازند و با هدف جلوگیری از گسترش و زیست محیطی، سایر کشورها را از وجود خطرات احتمالی کاهش آثار مخرب این گونه وقایع بر محیط زیست با آنان به کشورهای در معرض خطر نیز کمک کنند. باید متذکر شد که اصل اطلاع‌رسانی در ماده ۱۹۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیز وارد گردیده و یک دولت بلافاصله پس از آگاهی از احتمال خطر قریب الوقوع یا ورود خسارت به محیط زیست دریایی، موضوع را به سایر دولی که احتمال می‌دهد چنین خسارتی به آن‌ها لطمه بزند، اطلاع خواهد داد. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در کانال کورفو اعلام داشته است که دولت‌ها موظف هستند دول دیگر را از وجود خطرات احتمالی در سرزمینشان مطلع نمایند (جلالیان، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ۵۱).

### ۳-۲- اصل وفای به عهد

به موجب این اصل بنیادین حقوق معاهدات، رعایت تعهدات ناشی از کنوانسیون‌های بین-المللی ضروری است. تعهدات زیست محیطی بین‌المللی نیز از این اصل تبعیت می‌نمایند. ماده ۲۶ کنوانسیون ۱۳۶۹ وین<sup>۱</sup> به لزوم پایبندی طرفین معاهده و اجرای باحسن نیت آن تصریح دارد. این اصل به نوعی یکی از ابتکارات اعلامیه ریو (۱۹۹۲) نیز می باشد که بیان داشته " به منظور حفظ محیط زیست کشورها باید ضوابط و معیارهای پیشگیری حمایتی را بر اساس توتنایی های خود بطور مبسوط مورد استفاده قرار دهند در جایی که امکان خطر جدی وجود دارد و مسائل و مشکلات ناشناخته ای را به بار می آورد باید نواقص بطور کلی و علمی مورد بررسی قرار گیرند . نباید به این دلیل که مبارزه با آلودگی محیط زیست پر هزینه است از آن چشم پوشی کرد" (قوام آبادی، تابستان ۱۳۶، ۱۳۸۹).

### ۳-۳- اصل رضایت

اصل رضایت ریشه در احترام به اراده آزاد کشورها از آزادی پذیرش یا عدم‌پذیرش تعهد را دارند. براین اساس مطابق این اصل، پذیرش تعهدات زیست محیطی بین‌المللی قراردادی منوط به رضایت کشورها است (قربانی لاچوانی، ۳۶، ۱۳۹۷). در حقوق و فقه ما نیز انعقاد هر قراردادی منوط به رضایت طرفین می باشد و هیچگونه اجبار در قراردادهای پذیرفته نیست و باعث باطل شدن قرارداد می شود. در این زمینه هر چند نمی توان کشورها را مجبور نمود ولی براساس اصول و ارزش های اخلاقی می توان امیدوار به اجرای مفاد بیانیه ها و کنوانسیون ها بود.

### ۳-۴- اصل پیشگیری

سیاست‌های پیشگیرانه در حقوق محیط زیست مهم است، زیرا جبران خسارت‌های زیست محیطی بعد از وقوع خسارت دشوار است و سیاست‌های پیگیرانه ضمن اینکه نفی نمی‌شود اما در اولویت حقوق محیط زیست نیستند و دولت‌ها باید اقداماتی انجام دهند که زمینه ایجاد خسارت زیست محیطی کاهش بیابد. تقریباً اکثر اسناد حقوق بین‌المللی محیط زیست، اصل جلوگیری از تخریب محیط زیست را به عنوان یک حقیقت، واقعیت بخشیده اند که بیشتر آن ها راجع به آلودگی دریاها، آب های داخلی، هوا یا حفاظت از منابع زنده است و فقط تعداد کمی سند بین‌المللی، راه های دیگر حفاظت محیط زیست از جمله اصل سنتی مسوولیت دولت در جهت همکاری مستقیم با قربانیان تجاوز به محیط زیست را مورد توجه قرار داده اند. مطابق ماده ۲۰۶ کنوانسیون حقوق دریاها " هر گاه دولت ها دلایلی منطقی در دست داشته باشند حاکی از این که فعالیت هایی که تحت صلاحیت یا نظارت آن ها برنامه ریزی شده ، موجب آلودگی شدید محیط زیست دریایی شده یا تغییرات اساسی و زیان آوری در آن به

وجود آورده، باید تا حدی که عملی باشد اثرات بالقوه این فعالیت‌ها را بر محیط زیست ارزیابی کرده و گزارش‌های مربوط به نتایج این ارزیابی‌ها را برای اعضاء ارسال دارند" (قوام آبادی، پاییز ۱۳۹۲، ۱۳۸).

### ۳-۵- اصل حمایت و حفاظت

اصل حمایت و حفاظت بسیار قدیمی است و فرابخشی است و تمام حوزه‌ها از جمله حمل و نقل و ... را در برمی‌گیرد. این تعهد صرفاً ناظر به تعهد دولت هم نیست بلکه این تعهد عمومی و خصوصی است و افراد و حتی جامعه بین‌المللی هم تعهد دارند. هم‌چنین در کشور ما نیز اصل ۵۰ قانون اساسی و مشهورترین اصل در حفاظت محیط زیست در این زمینه بیان داشته "در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است". در خصوص مقررات بین‌المللی هم می‌توان به اصل ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دولت‌ها، کنوانسیون تنوع زیستی (۱۹۹۲) و استراتژی حفاظت جهانی که در سال ۱۹۸۰ به وسیله اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی جهان شد، اشاره کرد (جهانگرد، زمستان ۱۳۹۶، ۱۱۷).

### ۳-۶- اصل احتیاطی

اصل احتیاطی در ماده ۱۵ ريو مورد شناسایی قرار گرفته است. برخی از فعالیت‌ها وجود دارند که ما عدم قطعیت علمی داریم، پس بایستی با احتیاطی بیشتری عمل نمود بویژه در جایی که نسبت به آثار زیست محیطی یک فعالیت با احتمال عدم قطعیت علمی وجود دارد. با این وجود دولت‌ها تنها وقتی می‌توانند کاری انجام دهند که نشان دهند آن کار، سبب ورود ضرر غیر قابل قبول به محیط زیست نخواهد شد هر چند که به نظر شاید نتوان کشورها را مجبور نمود ولی در برخی موارد سازمان‌های جهانی مثل بانک جهانی در زمان اعطای وام به این اصل توجه ویژه‌ای دارد و در صورتی که طرح‌ها یا پروژه‌های کشور متقاضی تهدیدی برای محیط زیست باشد از همکاری با آنها خودداری می‌کند (قوام آبادی، پاییز ۱۳۹۲، ۱۴۳).

### ۳-۷- اصل حسن همجواری

این قاعده عرفی در اصل ۲۱ سخلف و ۲ ريو مورد شناسایی قرار گرفته و در رویه بین‌المللی دولت‌ها مخصوصاً قضیه کانال و دریاچه یلانو هستیم. همسایگی و مراعات اصول حسن همجواری می‌تواند کمک کننده به تحقق ایده‌هایی باشد که در هر کشور و از جمله در کشور ما معطوف به منطقه گرابی، ایده پردازی و پیگیری می‌شود. در این بین ما ظرفیت‌ها و مشترکاتی



با همسایگان خود به ویژه همسایگانی که با آنها دارای زبان و ادبیات و دین و فرهنگ مشترک هستیم، داریم که با توجه به آنها می‌توانیم در توجه عمیق‌تر به اصل منطقه‌گرایی از نوعی تبدیل همسایگی به یگانگی سخن بگوییم. هنگامی که روابط ما با کشورهای همجوار و کشورهایی که دارای مشترکات فراوان با آنها هستیم از همسایگی به سمت یگانگی حرکت میکند، ما هم افزایی‌های قابل ملاحظه‌ای پیدا می‌کنیم که می‌شود آنها را سرمایه‌های موثر در مسیر اقتدار بیشتر در منطقه تلقی کرد. (صنعتی، خرداد ۹۸) در رویه بین‌المللی و در مسائل مربوط به حفاظت از محیط زیست از اصل همجواری و همکاری بهره‌فراوانی می‌توان برد که نمونه‌های زیادی از اجرای آن را در سطح بین‌المللی شاهد بوده‌ایم مثل همکاری کشورهای همجوار در جمع‌آوری لکه‌های نفتی از سطح دریاها.

#### ۴- الزامات قانونی قید قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی

با توجه به جایگاهی که صنعت نفت در جهان امروز پیدا کرده است، نباید از صدمات آن به انسان و محیط‌زیست غافل بود و باید به دنبال راه‌حلی‌هایی برای کاهش این آسیب‌ها باشیم. عملیات نفتی از قبیل اکتشاف، توسعه، بهره‌برداری، حمل و نقل و تصفیه نفت بر محیط زیست آثار مخرب دارد که با تمهیداتی قابل کنترل و کاهش است. در این زمینه دولت‌ها سعی می‌کنند از طریق وضع قوانین و مقررات، تبعات منفی عملیات نفتی بر محیط زیست را کاهش دهند. از آن جایی که مسائل زیست محیطی با سه قلمرو (دریایی، خاکی و هوایی) سروکار دارد، بایستی در قراردادهای نفتی به این مسأله توجه جدی‌تری شود. عملیات اکتشاف و توسعه شامل مراحل مختلف و مستلزم صرف وقت است که آسیب‌های زیست محیطی زیادی را با خود به همراه دارد. صنعت نفت به طور کلی بستری برای ایجاد آلودگی‌های زیست محیطی است. در جریان عملیات اکتشاف، اقداماتی نظیر لرزه‌نگاری، حفر چاه‌های متعدد، استفاده از حفاری صورت می‌گیرد که سبب ایجاد آلودگی‌های زیست محیطی زیادی می‌شود (مصدق، ۵۶، ۱۳۸۲). بنابراین بایستی در این حوزه توجه ویژه‌ای به رعایت مقررات زیست محیطی داشته باشیم. اصطلاح محیط‌زیست را می‌توان به یک منطقه محدود یا تمام یک سیاره و حتی به فضای خارجی که آن را احاطه کرده اطلاق کرد، اصطلاح بیوسفر یا لایه حیاتی که یونسکو خصوصاً آن را بکار می‌برد یکی از وسیع‌ترین تعاریف است که با موضوع بحث ما مطابقت دارد. ضرورت حفظ محیط‌زیست، اصل غیرقابل تردیدی است که دارای مقبولیت بوده و این ضرورت به موازات رشد صنعت و فناوری و به دنبال آن بروز آلودگی‌ها، اهمیت بیشتری پیدا کرده است، رشد ناموزون صنایع در سالهای اخیر و ادامه روند فعلی آن، اکوسیستم‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده و می‌دهد، بنابراین هدایت فعالیت‌های صنعتی به گونه‌ای که کمترین آثار زیان‌بار را بر محیط‌زیست داشته باشد، امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. سازمان ملل متحد در برنامه یونسکو در رابطه بشر و

یونسکو (سال ۱۹۸۸ میلادی) در تعریف خود از محیط‌زیست بیان می‌دارد: «محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان که بنا به دانش کنونی بشر همه حیات در آن استقرار دارد» در تعریف آلودگی محیط زیست گفته شده است که «از هر نوع تغییر مستقیم یا غیرمستقیم در ویژگی‌های فیزیکی، شیمیایی، زیست‌شناختی یا رادیواکتیوی هر بخش از محیط‌زیست مانند آب، هوا یا زمینی با تخلیه یا انباشتن آلاینده‌ها و یا انجام اعمال آلاینده به نحوی که در سودمندی محیط‌زیست یا هر بخشی از آن تأثیر زیان‌آوری بگذارد و شرایطی پیش بیاورد که برای بهداشت انسان و بهزیستی او، سلامتی پرندگان، حیات‌وحش، ماهی‌ها و دیگر آبزیان و گیاهان مخاطره‌آمیز یا شدیداً خطرناک باشد و محیط‌زیست را برای نسل امروز و نسل‌های آینده نامرغوب، نامطمئن و یا غیرقابل استفاده کند.» (صادقی بنیس، ۱۳۹۰) حاکمیت دولت یکی از کهن‌ترین اصول در عرصه داخلی و بین‌المللی است که توسط اکثر نظام‌های حقوقی موردپذیرش قرار گرفته است. قلمرو دولت نه تنها شامل خشکی بلکه شامل آب‌های سرزمینی واقع در محدوده مرزهای یک دولت نیز می‌شود که در سطح شامل رودخانه‌ها، خلیج‌ها، دریاچه‌ها و در عمق شامل آب زیرزمینی می‌شود. همچنین شامل بخش‌های معینی از دریای ساحلی شامل خلیج‌های باز و جزایر واقع در آن که فاصله کمتری از ۲۴ مایل دریایی دارند، تحت صلاحیت انحصاری دولت ساحلی هستند، این صلاحیت سرزمینی همچنین تا ۱۲ مایلی از طول خط ساحلی با تأکید بر نظارت در این محدوده و عبور بی‌ضرر کشتی‌های خارجی مجاز است (کیس، الکساندر، بهار ۱۶۱، ۱۳۷۹). بنابراین با توجه به اینکه موضوع قراردادهای بیع متقابل می‌تواند به واسطه وجود منابع نفتی و گازی در خشکی یا دریا باشد اعمال حاکمیت دولت را در پی خواهد داشت. مهم‌ترین مسئله در رعایت الزامات زیست‌محیطی، عدم سوزاندن گازهای همراه نفت است که یکی از دغدغه‌های اصلی زیست‌محیطی در صنعت نفت محسوب می‌شود به اضافه اینکه پروژه‌های مزبور نباید به سفره‌های زیرزمینی آب لطمه وارد کرده و آن‌ها را آلوده کند (شیروی، ۱۳۴، ۱۳۹۳). از این رو قوانینی که حاوی مقررات زیست‌محیطی هستند، در کشور ما به تصویب رسیده که عبارت‌اند از قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ و اصلاحیه مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴، اصل پنجاهم قانون اساسی، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳، قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۰، بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ (مواد ۶۷۵، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۶، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱ و ۶۹۶) و بعضی دیگر از قوانین راجع به محیط‌زیست در عرصه‌های مختلف. علاوه بر این‌ها ماده ۷ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶/۷/۹ وزارت نفت را مکلف کرده است که «در جریان عملیات نفتی ضمن برنامه‌ریزی‌های صحیح، نظارت و مراقبت کامل جهت صیانت و حفاظت منابع و ثروت طبیعی و تأسیسات و جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست (آب‌وهوا و خاک) با هماهنگی سازمان‌های ذیربط به عمل آورد. همچنین

مقررات و ضوابط محیط‌زیست در مناطق آزاد تجاری- صنعتی مشابه مقررات مزبور در سرزمین اصلی ایران می‌باشد و واحدی از اداره محیط‌زیست که در سازمان هر یک از مناطق آزاد تجاری مستقر می‌باشد به انجام وظایف و نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات محیط‌زیست در این مناطق می‌پردازد». بر این اساس، مقررات عمومی کشور، سیاست‌هایی را در جهت حفظ محیط زیست مقرر داشته است؛ ماده ۱۰۵ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ بیان می‌دارد: «در کلیه طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ تولیدی و خدماتی باید پیش از اجرا و در مرحله انجام مطالعات امکان‌سنجی و مکان‌یابی، بر اساس ضوابط پیشنهادی شورای عالی حفاظت محیط‌زیست و مصوبات هیات وزیران مورد ارزیابی زیست‌محیطی قرار گیرد. رعایت نتایج ارزیابی توسط مجریان طرح‌ها و پروژه‌های مذکور الزامی است». همچنین در بند (ج) ماده ۱۰۴ قانون فوق آمده است: «به منظور کاهش آلوده کننده محیط‌زیست، بالاخص در مورد منابع طبیعی و منابع آب کشور، واحدهای تولیدی موظف‌اند برای تطبیق مشخصات فنی خود با ضوابط محیط‌زیست و کاهش آلودگی‌ها اقدام کنند». در عرصه بین‌المللی نیز مقررات مختلفی در زمینه حفاظت از محیط زیست در قالب کنوانسیون‌ها، بیانیه‌ها و نشست‌های بین‌المللی وجود دارد و این حاکی از اهمیت موضوع می‌باشد که به تعدادی از آنها به اختصار اشاره می‌کنیم:

۱. کنوانسیون بین‌المللی آمادگی، مقابله و همکاری در برابر آلودگی نفتی - ۱۳۶۹ه. ش - لندن ۱۹۹۰.
۲. پروتکل کیوتو در مورد کنوانسیون تغییرات اقلیم ۱۳۷۶ ه. ش - کیوتو ۱۹۹۸.
۳. کنوانسیون مدیریت زیست محیطی آلاینده‌های آلی پایدار- استکهلم.
۴. پروتکل راجع به آلودگی دریایی ناشی از اکتشاف و استخراج از فلات قاره ۱۳۶۸ - ه.ش - کویت ۱۹۸۹.
۵. پروتکل راجع به حمایت محیط زیست دریایی در برابر منابع آلودگی مستقر در خشکی- ۱۳۶۹ ه. ش - کویت - ۱۹۹۰.
۶. پروتکل کنترل انتقالات برون مرزی مواد زاید خطرناک و دیگر ضایعات در دریا- ۱۳۷۶ ه. ش - تهران - ۱۹۹۸.
۷. کنوانسیون بازل درباره کنترل انتقالات برون مرزی مواد زاید زیانبخش و دفع آنها - ۱۳۶۸ ه.ش - بازل - ۱۹۸۰.
- کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه ازن ۱۳۶۶ ه. ش - وین - ۱۹۸۷.
۸. پروتکل مونترال در مورد مواد کاهنده لایه ازن ۱۳۶۶ ه. ش - مونترال - ۱۹۸۷.
۹. کنوانسیون بین‌المللی نجات دریایی ۱۳۶۸ ه. ش - لندن - ۱۹۸۹.

۱۰. کنوانسیون بین‌المللی مربوط به مداخله در دریا‌های آزاد در صورت بروز سوانح آلودگی نفتی ۱۳۸۴ ه. ش - بروکسل ۱۹۶۹.
۱۱. کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از دفع تخلیه مواد زائد و دیگر مواد - ۱۳۵۱ ه. ش - لندن - ۱۹۷۲.
۱۲. کنوانسیون منطقه ای کویت برای همکاری درباره حمایت و توسعه محیط زیست دریایی و نواحی ساحلی در برابر آلودگی ۱۳۵۷ ه. ش - کویت ۱۹۷۸.
۱۳. پروتکل همکاری منطقه ای برای مبارزه با آلودگی ناشی از نفت و سایر مواد مضره - ۱۳۵۷ ه. ش - کویت ۱۹۷۸.
۱۴. برنامه محیط زیست ملل متحد (یونپ ۱۹۷۲ - ۱۳۵۱ ه. ش).
- علیرغم وجود مقررات مختلف بایستی در خصوص ضمانت اجرای قوانین نیز به این نکته اشاره کرد که در عرصه بین‌المللی با توجه به اصل پرداخت غرامت ناشی از آلودگی محیط زیست می‌توان دعاوی را علیه کشور متخلف اقامه کرد ولی خوشبختانه در کشور ما آلودگی زیست‌محیطی در برخی از موارد موجب مسئولیت کیفری می‌شود و اگر آلودگی زیست‌محیطی دارای دو شرط ذیل باشد جرم تلقی می‌شود:
- الف) نقض شدید تعهد.
- ب) تعهد نقض شده دارای اهمیت اساسی برای حفاظت محیط‌زیست باشد.
- حال در مواردی که پیمانکار خارجی در قرارداد بیع متقابل نفتی جهت اکتشاف، توسعه، استخراج و بهره‌برداری از نفت، نقض شدید تعهد مربوط به عدم آلودگی محیط‌زیست را انجام دهد و در قوانین بین‌المللی و داخلی برای تعهد نقض شده، مسئولیت کیفری تعیین شده باشد، قطعاً موجبات مسئولیت کیفری وی را از طرف شرکت ملی نفت و دیگر سازمان‌های ذیربط فراهم می‌آورد. با توجه به رشد و گسترش مسائل مربوط به حوزه نفت و گاز، مکان‌یابی و محل دفن پسماندهای حفاری، یکی از روش‌های جدید برای حفاظت از محیط‌زیست در برخی از شرکت‌های تابعه شرکت ملی نفت ایران از جمله شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب است. از دیگر روش‌های جمع‌آوری پسماندهای ناشی از حفاری نصب سامانه‌های مدیریت پسماند روی دکل‌های حفاری است که از ورود هرگونه آلاینده شیمیایی ناشی از حفاری به محیط‌زیست جلوگیری کرده و کنده‌های حفاری که به وسیله دستگاه‌های کنترل جامدات جدا می‌شود، پس از عملیات بهسازی به صورت جامد و تثبیت شده به محل مخصوص حمل و به طور استاندارد دفن می‌شود؛ بنابراین ملاحظات محیط‌زیستی از مواردی بوده که لازم است اولاً پیمانکاران بین‌المللی نفتی قبل از شروع پروژه‌های بالادستی نفتی مطالعات جامع میدانی انجام دهند و ریسک‌های احتمالی نسبت به محیط‌زیست و محیط سبز را شناسایی و ارزیابی کنند و طرح‌های

پیشگیرانه از آلودگی‌ها و آسیب‌های زیست‌محیطی را در پروژه به نحو مطلوب ملاحظه کرده و توافقنامه جامع با سازمان‌ها و یا مراکز ذیربط به ویژه سازمان محیط‌زیست اخذ کنند. (ابراهیمی، ۱۳۹۲، ۸۷) از این رو جهت بهینه‌سازی برنامه‌های بهداشت، ایمنی و محیط‌زیست در صنعت نفت سیاست‌های پیش‌بینی شده است که عبارتند از:

الف) استقرار نظام مدیریت بهداشت، ایمنی، محیط‌زیست در شرکت‌های اصلی و فرعی و کنترل صحت انجام اقدامات

ب) حذف زمینه‌های ایجاد حوادث و اثرات سوء بر افراد و محیط‌زیست و کاهش احتمالی آن‌ها در مناطق نفت‌خیز

ج) ارتقاء استاندارد فرآورده‌های تولیدشده هیدروکربوری به سطح استانداردهای جهانی و حذف مواد مضر از فرآورده‌ها

د) اعمال سیاست‌های مصرف بهینه منابع پایه مانند: مدیریت مصرف انرژی، آب، مواد اولیه، کاهش مواد زائد، مهار و کنترل گازهای همراه و تبدیل آن به محصولات با ارزش افزوده بالا و بازیافت در مناطق مذکور است. (ابراهیمی، صادقی مقدم و سراج، ۱۳۹۱، ۲۲)

#### ۴-۱- ایجاد تعادل در بهره‌برداری نفتی و حفاظت از محیط زیست

عدم تعادل موجود بین تولید نفت و رعایت مقررات زیست محیطی برخاسته از تعارض منافع و اشتیاق به سود حداکثری است. از لحاظ تاریخی و به‌رغم جذابیت تئوری مشارکت و یا توزیع متناسب بین شرکت نفتی خارجی و دولت میزبان، از دیدگاه شرکت‌های نفتی خارجی تأمین منفعت به عنوان هدف اصلی تلقی می‌گردد و این تأمین منفعت جز در قالب ثبات معاملاتی متصور نمی‌باشد. ثبات به این معناست که شرکت نفتی خارجی سرمایه‌گذار در فضای حقوقی، مالی و اقتصادی قرار گیرد که انجام عملیات اکتشاف، توسعه، تولید، استخراج و انتقال نفت و گاز به پایانه‌ها و نهایت اینکه عرضه آن به بازار فروش متضمن منافع مالی ثابت و قابل پیش‌بینی برای وی باشد. در مقابل دولت میزبان نیز در مقام حفظ منافع ملی قرار داشته و در این راستا، نظارت دقیق بر انعقاد قراردادهای نفتی و نحوه اجرای آن را در راستای اعمال حاکمیت ملی خود بر منابع زیر زمینی می‌داند و بر این اساس سعی در تدوین ساختاری می‌نماید تا محیط زیست خود را در کنار منافع خود حفظ نماید (ایران‌پور، ۱۳۸۶، ۱۱)

#### ۴-۲- دوری از شروط تحمیلی

یکی از دلایل عمده گریز شرکت‌های نفتی خارجی از پذیرش حاکمیت قانون‌های داخلی در رعایت مقررات زیست محیطی نسبت به پروژه‌های نفتی، نگرانی آنان از درج ((شروط تحمیلی)) در قراردادهای نفتی همسو با قوانین دولت میزبان می‌باشد. منظور از شرط تحمیلی در قراردادها، شرطی است که یکی از متعاقدين با سوء استفاده از شرایط اقتصادی، اجتماعی و یا

تخصص خود به طرف دیگر تحمیل می‌کند (موحد، ۱۳۸۳، ۱۲۶). به عنوان مثال چنانچه دولت میزبان رعایت سطح مشخصی از استانداردهای های محیط زیستی در استخراج مواد نفتی از پیمانکار درخواست کند ولی آن را در مبلغ قرارداد محاسبه نماید و از طرف دیگر از استرداد ضمانت شرکت تا تأمین مقررات خواسته شده نیز خودداری نماید، از نظر شرکت نفتی، شرط تحمیلی محسوب می‌شود که از ناحیه قوانین داخلی نیز حمایت می‌گردد و از آن به عنوان سوءاستفاده از قوانین داخلی تعبیر می‌شود. در واقع کسی که در حین انعقاد قرارداد، شروطی را به طرف مقابل تحمیل می‌کند و به این طریق امتیاز افراطی از قرارداد تحصیل می‌کند، از حق قرارداد خویش سوء استفاده کرده است. اما در مقابل آنان که قائل به حاکمیت قانون دولت در وضع قواعد زیست محیطی ناظر بر قراردادهای نفتی و اجرای آن هستند منکر سوءاستفاده در چنین قراردادهایی هستند و چنین اظهار عقیده کرده‌اند که معیار تشخیص سوءاستفاده از حق، قصد آزار و اذیت دیگری است. این در حالی است که در بحث شروط تحمیلی چنین قصدی منتفی است و برعکس، در قراردادها معمولاً جلب رضایت طرف مد نظر است. به این ایراد چنین می‌توان پاسخ داد که معیار واقعی سوءاستفاده از حق به کار بستن حق در خارج از هدف و منظور آن است و کسی که با توسل به حق انعقاد قرارداد خویش در جهت تحصیل نابرابری فوق‌العاده است، این حق را در خارج از هدف خویش استعمال می‌کند. ایراد دوم در رابطه با دایره شمول قاعده سوءاستفاده از حق ((توسط دولت میزبان بر علیه شرکت‌های نفتی خارجی)) است. ایرادکنندگان معتقدند این تئوری فقط برای مبارزه با سوءاستفاده از حق کارساز است و بنابراین سوءاستفاده از آزادی قراردادی مضمون این تئوری نمی‌گردد. در پاسخ باید گفت که اولاً آزادی قراردادی تعبیر دیگری از حق انعقاد قرارداد است و ثانیاً وقتی سوءاستفاده از حق ممنوع باشد به طریق اولی سوءاستفاده از آزادی نیز ممنوع است. ایراد سوم به این شرح است که ضمانت اجرای تئوری سوءاستفاده از حق، پرداخت خسارت است درحالی که در بحث شروط تحمیلی ((بطلان شرط)) به عنوان ضمانت مطرح است. در پاسخ به این ایراد نیز می‌توان گفت که ضمانت اجرای ضمانت اجرای تئوری سوءاستفاده از حق، در وهله اول ضمانت اجرای طبیعی است و در صورت عدم امکان این ضمانت اجراء، پرداخت خسارت مطرح می‌شود. ضمانت اجرای طبیعی در رابطه با درج شروط تحمیلی در قراردادها نیز حذف همان شرط است (کریمی، زمستان ۲۳۲، ۱۳۹۵).

## ۵- رعایت اصول و قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی

وجه شاخص رعایت قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی، تسهیل حق دادخواهی در دعاوی زیست محیطی ناشی از آلودگی‌های نفتی است. هرچند تسری مقررات مدون در کنوانسیون‌های بین المللی به متن قراردادهای نفتی و به عبارت دیگر وضع قانون، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مراحل در حفاظت از محیط زیست محسوب می‌شود اما به تنهایی برای

صیانت از منابع طبیعی وافی به مقصود نیست، زیرا مقررات وضع شده و تحقق اهداف مندرج در قوانین باید توسط ارکان اجرایی به مرحله اجرا گذاشته شود. تحقق اهداف مندرج در قوانین و مقررات وضع شده، در صورتی ملموس خواهد بود که برای عدم اجرای آنها ضمانت اجرایی وجود داشته باشد (قوام آبادی، ۱۳۹۰، ۲۱۵). بدین منظور در مقررات بین المللی و کنوانسیون ها تدابیری برای نظام مند کردن رعایت اصول حفاظت محیط زیست توسط طرفین قرارداد اندیشیده شده و در برخی موارد ضمانت اجرایی برای آنها وجود دارد و حتی می توان رعایت این مقررات را جزء شروط قراردادی قرار داد و ضمانت عدم رعایت آن را نیز در قرارداد لحاظ کرد.

### ۱-۵- رعایت قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی ناظر بر نظام امتیازی

قراردادها مبتنی بر نظام امتیازی از جمله ابتدایی ترین قراردادهای نفتی هستند که در آنها دولت میزبان، مخزن یا میدان را به شرکت نفتی واگذار می کند و شرکت مورد نظر عملیات اکتشاف، توسعه، بهره برداری و تولید و بازیابی محصولات آن میدان را با سرمایه و هزینه های خود برعهده گرفته و در تمام عملیات، بر مخازن نفت و گاز تا پایان دوره قرارداد حق مالکانه و یا حق الارض و درصدی از درآمد خالص را به عنوان مالیات پرداخت کند. قراردادهای امتیازی به طور تقریبی معادل عمر میدان اعتبار دارند (موسوی، ۱۳۹۶، ۲۸۱) لذا ویژگی های عمده قراردادهای نفتی در قالب نظام امتیازی عبارتند از:

- طولانی بودن مدت قرارداد و وسیع بودن مناطق واگذاری به شرکت های نفتی.
- حق انحصاری شرکت نفتی و یا مالکیت کامل وی بر مخازن نفتی و فروش نفت تا پایان دوره.
- پرداخت بهره مالکانه به دولت.
- تعهد به نتیجه و با خطرپذیری کامل شرکت نفتی در خصوص تمام مراحل اکتشاف، توسعه و تولید.

ویژگی های مذکور کمابیش در تمام نقاط جهان به طور یکسان به چشم می خورد. برخی از این ویژگی ها امکان عدم رعایت مقررات زیست محیطی در قراردادهای نفتی در نظام امتیازی را برای پیمانکار فراهم می آورد. طولانی بودن مدت قرارداد و وسعت محدود جغرافیائی عملاً امکان ارزیابی عملیات پیمانکار نفتی و نظارت بر رعایت مقررات زیست محیطی را از کشور میزبان سلب می نمود. و نکته مهمتر اینکه شرکت پیمانکار در این نوع قرارداد خود نیز مالک میدان نفتی می شود و نظارت و مدیریت کشور میزبان عملاً ناچیز می باشد و حتی می توان گفت چون بهره مالکانه دریافت می کند عملاً نمی تواند فشار زیادی بر پیمانکار وارد کند.

### ۲-۵- رعایت قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی از نوع مشارکت

از دیدگاه حقوقی، مشارکت دولت میزبان در قرارداد نفتی چه در تولید و چه در سرمایه گذاری

بیانگر مسئولیت دولت در قبال رفاه و رعایت منافع عمومی و نظارت بر آن از جمله مقررات زیست محیطی و جلوگیری از ورود خسارت به محیط زیست ناشی از آلودگی نفتی می‌باشد. قراردادهای مشارکتی، محصول اراده مشترک دولت میزبان و شرکت سرمایه‌گذاری خارجی است که عموماً از آن به عنوان "مشارکت در تولید" نام برده می‌شود. در این قرارداد سرمایه‌گذار متعهد به تأمین سرمایه مورد نیاز برای اکتشاف و استخراج منابع معدنی در چارچوب قوانین و مقررات دولت میزبان است و در مقابل دولت متعهد می‌شود در صورت موفقیت‌آمیز بودن عملیات اکتشاف و توسعه میدان نفتی و به بیان دیگر کشف یا توسعه تجاری میدان از محل نفت استحصال شده، هزینه‌های انجام شده توسط شرکت بین‌المللی را جبران کند که البته میزان هزینه‌ها و کیفیت بازپرداخت آن در فرمول‌های مختلف با یکدیگر تفاوت دارد. با این توضیح که گاهی حتی در فرض کشف تجاری نفت، ریسک یا خطر افزایش هزینه‌ها از حد سقف معینی در قرارداد به عهده شرکت بین‌المللی نفتی است و بیش از سهم تعیین شده در قرارداد به شرکت نفتی تعلق نخواهد گرفت. به بیان دیگر قرارداد مشارکت در تولید به مشابه یک قرارداد فروش محصول است که دولت میزبان سهمی از نفت تولیدی را با تحویل این سهم به شرکت بین‌المللی نفت در مقابل هزینه‌های اکتشاف، توسعه و اداره میدان به شرکت اخیر می‌فروشد. در این نوع قراردادها اعمال شروط رعایت زیست محیطی برای دولت میزبان ممکن است ولی نکته‌ای که وجود دارد تأمین هزینه‌های ناشی از اجرای مقررات و ملاحظات زیست محیطی است که در این نوع قراردادها با توجه به عدم سرمایه‌گذاری کشور میزبان، تحمیل آن به پیمانکار با توجه به ریسک سرمایه‌گذاری، عملاً موجب خروج یا انصراف پیمانکار از سرمایه‌گذاری در آن کشور می‌شود. (فاتح، ۱۳۸۴، ۱۵۶)

### ۳-۵- قواعد زیست محیطی با توجه به ماهیت قراردادهای نفتی

در مجموع، قراردادهای نفتی دارای چهار ویژگی اصلی هستند که عبارتند از:

- نحوه و میزان مداخله دولت میزبان در تصمیم‌گیری در پروژه‌های نفتی.
- قواعد ناظر بر خطرپذیری برای شرکت سرمایه‌گذار و دولت میزبان.
- میزان مشارکت دولت میزبان در عملیات ناظر بر اکتشاف و تولید نفت.
- نحوه سرمایه‌گذاری شرکت خارجی (ایران‌پور، پیشین ۱۶). همگی به استناد معاهده منشور انرژی و پروتکل معاهده منشور انرژی راجع به بهینه‌سازی انرژی و جنبه‌های زیست محیطی مربوطه ملزم به انجام ارزیابی‌های زیست محیطی و تطبیق با استانداردهای محیط زیست می‌باشد. معاهده مذکور همه جنبه‌های مهم انرژی از اکتشاف گرفته تا بهره‌برداری را در برداشته و بر اصول سیاست‌گذاری جهت ترویج بهینه‌سازی انرژی به عنوان یک منبع انرژی و کاهش آثار نامطلوب زیست محیطی در نظام‌های انرژی تأکید می‌ورزد (طلایی، ۱۳۹۰، ۲۰۰).



#### ۴-۵- رعایت قواعد زیست محیطی در قراردادهای نفتی خدمت

قرارداد خدمت که در نظام حقوقی ما از آن به عنوان قرارداد پیمانکاری یا اجاره خدمات نیز یاد می‌شود یک رابطه قراردادی است که براساس آن در قبال خدمات انجام شده اجرت پرداخت می‌شود. در خصوص رابطه این گونه قرارداد با مقاطعه‌کاری، نویسندگان حقوقی قرارداد مقاطعه کاری را قراردادی دانسته‌اند که اگر چه مقاطعه‌کار با پیمانکار در مقام انجام عمل معینی مستحق دریافت اجرت قراردادی می‌شود ولی در انتخاب شیوه اجرای خدمتی که به عهده گرفته آزاد است. به بیان دیگر صاحب کار نتیجه‌ای را که طالب آن است معین می‌سازد و مقاطعه‌کار نیز برای رسیدن به همان نتیجه تلاش می‌کند ولی ترسیم نقش رسیدن به مطلوب قرارداد آزاد است (لنگرودی، ۱۳۸۹، ۱۳۷) به نوعی در این قراردادها هزینه رعایت مقررات و ملاحظات زیست محیطی بر عهده کشوری است که از خدمات استفاده می‌کند و با توجه به سرمایه‌گذاری هنگفتی که بایستی تا به نتیجه رسیدن و بهره‌برداری از میدان نفتی، انجام دهند و ریسک بالای که برای تامین این هزینه‌ها وجود دارد باعث عدم ورود جدی کشورها به این مقوله است.

#### ۶- ضوابط زیست محیطی در قراردادهای نفتی در ایران

در قراردادهای اولیه نفتی مثل قراردادهای امتیازی نیمه اول قرن بیستم اشاره‌ای به محیط زیست نشده است، تنها در ماده ۲۱ قرارداد امتیازی ۲۳۳۳ تکلیف کلی کمپانی به استفاده از آخرین فناوری دنیا مقرر شده است. در قرارداد کنسرسیوم و سایر قراردادهای نفتی قبل از انقلاب نیز به الزام شرکت‌های نفتی به رعایت ملاحظات زیست محیطی تصریحی نشده است، اما شرکت‌ها ملزم به انجام عملیات نفتی با روش خوب صنعت شده‌اند. در قراردادهای بیع متقابل بعد از انقلاب اسلامی، رعایت ضوابط زیست محیطی پیش‌بینی شده است. (شیروی، ۱۳۹۳، صص ۸-۵۶۶). در جمهوری اسلامی ایران، براساس مصوبه شورای عالی حفاظت محیط زیست (۱۳۹۰) مجریان پروژه‌های نامبرده شده در مصوبه موظفند به همراه گزارش امکان‌سنجی و مکان‌یابی نسبت به تهیه گزارش ارزیابی اثرات زیست محیطی اقدام کنند. حوزه فعالیت برخی از این پروژه‌ها عبارتند از: پالایشگاه درهر مقیاس، پتروشیمی در هر مقیاس، طرح‌های خطوط نفت و گاز، طرح‌های سکوهای نفتی، طرح‌های ذخیره‌گاه‌های نفتی، طراح‌های احداث و بهره‌برداری از میادین نفت و گاز جدید بایش از ۱۰ حلقه چاه و همچنین طرح‌های توسعه میادین نفت و گاز موجود در صورتی که بعد از توسعه تعداد چاهها به بیش از ۱۰ حلقه برسد. به طور مثال رعایت ضوابط محیط زیستی به طور تفصیلی در ماده ۳۳ قرارداد توسعه میدان نفتی دارخوین (شیروی: پیشین، صص ۳-۵۶۶) به مسأله "ایمنی، بهداشت و محیط زیست" می‌پردازد و طرفین این قرارداد متعهد هستند تا عملیات توسعه را مطابق با عالی‌ترین استانداردهای قابل‌اعمال در خصوص ایمنی، بهداشت و ملاحظات زیست محیطی انجام دهند. دکتر شیروی با اشاره به یکی

از قراردادهای اخیر بیع متقابل، برخی مقررات ناظر به محیط زیست را احصاء می‌کند، که به چندمورد آن در زیر اشاره می‌کنیم (همان منبع):

۱- پیمانکار باید در اجرای عملیات توسعه کلیه قوانین، قواعد و مقررات مربوط به ایمنی، سلامت و محیط زیست درختی و دریا را اعم از محلی، ملی و یا بین‌المللی رعایت کند.

۲- پیمانکار موظف است از طریق برنامه‌های آموزشی، کارکنان و کارآموزان ایرانی را که توسط شرکت ملی نفت ایران معرفی می‌شوند، در خصوص ایمنی، سلامت و محیط زیست بر اساس استانداردهای شناخته شده بین‌المللی آموزش دهد. کلیه هزینه‌های مربوط جزء هزینه‌های سرمایه‌گذاری منظور می‌گردد.

۳- هرگاه پیمانکار مقررات مندرج در قرارداد را رعایت نکند، یا هرگونه قانون مربوط را نقض کند و در نتیجه به محیط زیست خسارت وارد شود، پیمانکار باید فوراً اقدامات متعارف و ضروری را برای جبران آن و بهبود اثرات آن انجام دهد.

۴- اگر شرکت ملی نفت ایران بر طبق قوانین دلایل صحیحی داشته باشد که کارهای انجام شده یا تأسیسات نصب شده توسط پیمانکار، به اشخاص یا اموال دیگران آسیب وارد خواهد کرد، یا باعث آلودگی یا صدمه به محیط زیست خواهد شد یا به گونه‌های گیاهی یا جانوری آسیب وارد خواهد کرد، شرکت ملی نفت ایران می‌تواند از پیمانکار تقاضا کند که اقدامات جبرانی را طبق قوانین و مقررات ایران در یک مدت متعارفی انجام دهد و خسارات وارده به محیط زیست را اصلاح کند. اگر جلوگیری از آسیب به محیط زیست به تشخیص طرفین مستلزم توقف عملیات توسعه و یا تولید باشد، عملیات مزبور تا جبران و اصلاح صدمات وارده به محیط زیست متوقف می‌شود. این ماده از قرارداد بیع متقابل به نحو مناسبی مسائل زیست محیطی را پوشش داده است و کلیه مسئولیت‌ها را به عهده پیمانکار قرار داده است.

## نتیجه گیری

فقدان نگاه معطوف به امنیت زیست محیطی، در دهه های گذشته بخوبی مشهود است. چنان که اگر در گذشته متولیان امور امنیت کشور و دست اندرکاران حفاظت از محیط زیست، مسلط به چنین نگاهی بودند، امروز بجای اطلاق واژه بحران به این رویدادهای طبیعی، اثرات آن تحت کنترل درآمده، محدود شده، راهکارهایی برای آن اندیشیده شده و کشور در جهت نیل به توسعه پایدار گام بر می داشت. توسعه پایدار کشور مرهون بهره برداری مناسب از محیط زیست است. لذا، لازم است متولیان امر با تأکید بر حفظ محیط زیست در جهت نیل به اهداف توسعه پایدار گام های مستحکمی بردارند. در حقیقت در شرایطی میتوان به جایگاه قدرت اول منطقه رسید که امنیت کشور و تداوم حیات آن با تکیه بر غنای محیط زیست، آماده و مهیا باشد. اما در شرایطی که دغدغه های جدیدی، با ابعاد امنیتی ذهن سیاستگذاران و مجریان را به خود معطوف کرده و باعث اختلال در زندگی روزمره و سلامت آحاد ملت شده، بی گمان از مسیر تحقق این مهم دور شده ایم. با توجه به مواردی که در این مقاله برای رعایت مقررات و ملاحظات زیست محیطی بیان شد می توان اینگونه نتیجه گرفت که استناد به مسوولیت حقوقی و قانونی دولت ها در زمینه حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از صدمه به آن، هنوز با چالش ها و موانع زیادی روبروست و با عنایت به ناکارآمدی نظام حقوقی در مقابل اعمال کشورها، زمینه طرح ایده مسوولیت اخلاقی فراهم شده است چرا که علم اخلاق با توجه به نظام ارزش ها به تبیین باید ها و نبایدها و درستی و نادرستی رفتارها ی انسان می پردازد، و در قالب اخلاق زیست محیطی نیز می توان به تبیین رفتارهای انسان با طبیعت و محیط زیست پیرامون خود پرداخت. در واقع وظیفه اخلاق زیست محیطی، تعیین اصول و معیارهایی است که بر روابط انسان با طبیعت به منظور ممانعت از آسیب رساندن به طبیعت و حفاظت از آن، حکومت می کند. این اصول با ایجاد بازدارنده های درونی اخلاقی، به دنبال تصحیح رفتار نا درست انسان ها با طبیعت هستند؛ پس با این وصف از این خصیصه انسانی می توان برای قانونمند ساختن اجماع جهانی روی ارزش های اخلاقی حاکم در حوزه محیط زیست بهره برد، چراکه تمامی اسنادی که به آن اشاره شد به نوعی مبتنی بر ارزش ها و اصول اخلاقی خاصی هستند که توانسته اند حمایت جامعه جهانی در این حوزه را جلب کنند. شاید در ابتدا اینگونه بنظر برسد که اصول و ارزش های اخلاقی نمی توانند به طور کامل یا کافی مسائل مربوط به محیط زیست را حل کنند ولی قطعاً قادر خواهند بود خلاء راهکارهای حقوقی را پر کنند و حتی در این مسیر می توان اصول اخلاقی را به عنوان حقوق نرم قلمداد کرد که در آینده قابلیت تبدیل به قانون را نیز خواهند داشت. پس می توان گفت که نقش علم اخلاق در عرصه بین المللی و در تمامی حوزه ها و رشته ها پررنگ تر از گذشته می باشد.

- با توجه به اهمیت موضوع بایستی اقدامات و گام‌های مؤثرتری در جهت حفاظت از محیط زیست برداشت که پیشنهادهاتی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:
- ۱- توجه به سیاست‌های کلی محیط زیست، ابلاغی از طرف مقام معظم رهبری در اجرای بند ۱۱۰ قانون اساسی.
  - ۲- بومی‌سازی قوانین و مقررات زیست محیطی.
  - ۳- توجه به تکنولوژی‌های سازگار با محیط زیست در پروژه‌ها با توجه به زیست بوم منطقه مورد اجرا.
  - ۴- تدوین ارزیابی زیست محیطی استراتژیک، منطبق با زیست بوم هر منطقه.
  - ۵- درج شروط قراردادی برای پیمانکاران نفتی جهت حفاظت از محیط زیست و نظارت بر آن.
  - ۶- اخذ گزارشات و ملاحظات و ارزیابی زیست محیطی از پیمانکاران قبل از اجرای قراردادهای نفتی.
  - ۷- درج شرط پرداخت غرامت و در صورت امکان بازگشت به حالت اولیه محیط زیست با هزینه پیمانکار.
  - ۸- ایجاد مراکز مطالعاتی و پژوهشی، تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری پیرامون مسائل زیست محیطی و پیوند دانشگاه با صنعت.
  - ۹- اجرای طرح‌های توسعه و بهبود کیفیت فرآورده‌های نفتی و جایگزین کردن سوخت فسیلی با گاز.
  - ۱۰- مدیریت به موقع بحران‌های زیست محیطی و بهره‌گیری از تمامی امکانات در اختیار دستگاهها و نهادها جهت جلوگیری از بروز خسارات جبران ناپذیر.

## فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶، ص ۵۴۴ - ۵۴۶.

۱. ابراهیمی، سیدنصرالله، ۱۳۹۲، میزگرد هم اندیشی نظام جدید قراردادهای صنعت نفت، کمیته بازرگاری قراردادهای نفتی وزارت نفت، جلد دوم، چاپ اول، موسسه ارتباط گستران انرژی، ص ۸۷.
۲. ابراهیمی، سیدنصرالله؛ صادقی مقدم، محمدحسن؛ سراج، نرگس، ۱۳۹۱، انتقادهای وارده بر قراردادهای بیع متقابل صنعت نفت و گاز ایران و پاسخ های آن، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۴، ص ۲۲.
۳. الحر عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۳، وسائل الشیعه، جلد پنجم. تهران، کتابفروشی الاسلامیه.
۴. ایرانیپور، فرهاد، ۱۳۸۲، نظام حقوقی حاکم بر قراردادهای تجاری بین المللی دولت، فصلنامه حقوق، دانشگاه تهران، شماره ۶۲.
۵. ایران پور، فرهاد، ۱۳۸۶، مبانی عمومی قراردادهای نفتی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۳.
۶. پاپلی یزدی، محمدحسین، ۱۳۷۴، اهمیت مسأله محیط زیست، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۶.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۹، حقوق تعهدات، چاپ چهارم، تهران، گنج دانش.
۸. جلالیان، عسکر، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، معضل وجود نیروگاههای هسته ای و آلودگی ناشی از آنها در مناطق مرزی از نگاه قوانین بین المللی، دو فصلنامه حقوق محیط زیست، شماره ۲، صص ۴۸-۵۸.
۹. جهانگرد، اسفندیار زمستان ۱۳۵۹، «محیط زیست و برنامه های توسعه در ایران فصلنامه اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی سال اول، شماره ۲، صص ۱۰۵ تا ۱۴۲.
۱۰. حلم سرشت، پریوش؛ دل پیشه، اسماعیل، ۱۳۸۲، اصول و مبانی بهداشت محیط، تهران، چهر.
۱۱. شیروی، عبدالحسین، ۱۳۹۳، حقوق نفت و گاز، انتشارات میزان، چاپ اول.
۱۲. صادقی بنیس، محمدرضا؛ منجینی، غزاله، ۱۳۹۰، قوانین و مقررات HSE، انتشارات فن آوران، تهران، ص ۶۵.
۱۳. صنعتی، محمدحسن، خرداد ۱۳۸۹، سرمایه حسن همجواری، فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه.
۱۴. طلایی، فرهاد، حقوق انرژی، ۱۳۹۰، بررسی حقوق و تعهدات دولت ها در چارچوب حقوق بین المللی انرژی، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۵، الرجال، قم، چاپ جواد قیومی اصفهانی.
۱۶. عابدی سروستانی، احمد؛ شاه ولی، منصور؛ محقق داماد، سیدمصطفی، تابستان ۱۳۸۶، ماهیت و دیدگاه های اخلاق زیست محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی، فصلنامه ی اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره های ۱ و ۲.

۱۷. عالم رجبی، رضا؛ مکنون، هدی، تابستان ۱۳۸۳، مقاله ارزیابی اثرات زیست محیطی و نقش آن در تحقق توسعه پایدار، مجله فرهنگ جهاد، شماره ۳۶.
۱۸. فاتح، مصطفی، ۱۳۸۴، پنجاه سال نفت ایران، تهران، انتشارات پیام.
۱۹. فغفور مغربی، حمید، تابستان ۱۳۸۸، اصول اخلاقی محیط زیست از منظر اسلام، فصلنامه اخلاق پزشکی سال سوم، شماره هشتم.
۲۰. قربانی لاجوانی، مسعود، ۱۳۹۷، مجموعه قوانین و مقررات محیط زیست، چاپ اول، تهران، چتر دانش.
۲۱. قوام آبادی، محمدحسین، تابستان ۱۳۸۹، بررسی محتوای اصل مشارکت در حقوق بین الملل محیط زیست، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۲۹، صص ۱۶۰-۱۱۵.
۲۲. قوام آبادی، محمد حسین، پاییز ۱۳۹۲، حفاظت از محیط زیست در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی شماره ۶۳، صص ۹۳ تا ۱.
۲۳. کاویانی راد، مراد؛ نجفی، سجاد؛ متقی، افشین، پاییز ۱۳۹۴، رابطه امنیت زیست محیطی با امنیت ملی، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و دوم، شماره هشتاد و سه.
۲۴. کریمی، محمدصادق، زمستان ۱۳۹۵، آسیب شناسی و ارائه راهکارهای توسعه صنعت بالادستی نفت در ایران، فصلنامه راهبردی سیاستگذاری عمومی، شماره ۲۱.
۲۵. کیس، الکساندر، پیتراچ سند و وین فراید لانگ، حقوق محیط زیست، (ترجمه حبیبی، محمد حسن، بهار ۱۳۷۹) تهران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول، چاپ اول، صص ۱۶۴-۱۵۸.
۲۶. متین، ابوالقاسم، تهدید جانی زیست گره، تشدید پژوهش و سازندگی، شماره ۱۳.
۲۷. محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۷۳، طبیعت و محیط زیست از نگاه اسلام. نامه ۷۸، فرهنگ، دوره ۴، شماره ۱۳، ص ۸۹.
۲۸. مشهدی، علی، ۱۳۹۳، مجموعه قوانین و مقررات محیط زیست در صنعت نفت، چاپ اول، تهران، نشر خرسندی.
۲۹. مصدق، احمد، ۱۳۸۲، تخریب محیط زیست جهانی و آینده جهان، تهران، انتشارات علوم کشاورزی.
۳۰. موحد، محمدعلی، نفت ما و مسائل حقوقی آن، انتشارات خوارزمی، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۳.
۳۱. موسوی، سیدحسن، ۱۳۹۶، تحلیل حقوقی الگوی قراردادی خدمت در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز ایران، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
۳۲. یخشکی، علی، ۱۳۸۱، حفاظت و بهسازی محیط زیست ایران، چاپ اول، تهران، نشر آموزش کشاورزی.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۹۰-۱۸۳

## سنجش اخلاقی انصاف مدارانه داوری پیش از رسیدگی‌های شبه قضایی در نظام حقوقی ایران با تاکید بر اصول دادرسی منصفانه

جمشید عباس زاده<sup>۱</sup>

بیژن عباسی<sup>۲</sup>

ولی رستمی<sup>۳</sup>

ابراهیم موسی زاده<sup>۴</sup>

### چکیده

نهاد داوری به عنوان یک روش حل اختلاف مبتنی بر توافق و تراضی طرفین اختلاف، از قدیم الایام مورد توجه و اقبال مردم قرار داشته است. این سیستم قراردادی موسوم به داوری مردمی دارای امتیازاتی است که آن را نسبت به سایر روش‌های حل اختلاف ممتاز ساخته است. پراکندگی و تنوع مراجع و همچنین کارکرد آنان امکان تدوین قانون آیین دادرسی اداری واحد که براساس اصول دادرسی منصفانه باشد کار را مشکل می‌کند، اما ماهیت شبه قضایی و متمایز بودن آنها از محاکم قضایی و حاکمیت اصول حقوقی و اعمال اداری می‌تواند نقاط اشتراک برای بررسی انجام تحقیق که امکان ایجاد آیین دادرسی واحد و عدم مغایرت با الزامات قانونی وجود دارد.

در قضاوت، داوری، رسیدگی‌های اداری و به طور کلی هر نوع اقدام حقوقی بر مبنای انصاف، وجدان اخلاقی است که به تشخیص موضوع می‌پردازد. در مجموع می‌توان برای اصل انصاف ویژگی‌هایی چون بی طرفی و نفی جانبداری، نفی غرض ورزی، گوش دادن به حرف طرف مقابل (استماع منصفانه)، انجام وظیفه بدون در نظر گرفتن گرایشهای شخصی و گروهی انجام وظیفه با رعایت صداقت، تقوی و امانتداری و... را برشمرد. بنابراین سعی داریم به بررسی سنجش اخلاقی انصاف مدارانه داوری پیش از رسیدگی‌های شبه قضایی در نظام حقوقی ایران با تاکید بر اصول دادرسی منصفانه بپردازیم.

### واژگان کلیدی

اخلاق، آیین دادرسی اداری، مراجع شبه قضایی، دادرسی منصفانه.

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: j.abbaszade@yahoo.com

۲. دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: babbsia@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: vrostami@ut.ac.ir

۴. دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: e.mousazadeh@ut.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۲/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۰

## طرح مسأله

تحقق عدالت در یک جامعه به قانونمند بودن زمامداران و مردم بستگی دارد و دادرسی اداری یکی از راه‌های تضمین قانونمندی این رابطه، حق شکایت و دادخواهی از اعمال و تصمیمات مقامات اداری و دولتی است. در جمهوری اسلامی ایران کنترل اعمال و تصمیمات اداری یا به وسیله دستگاه اداری یا قوه مقننه و یا قوه قضاییه بعمل می‌آید. اگر چه کنترل اداری در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران برای ارزیابی درجه پیشرفت اهداف و برنامه‌ها می‌باشد تا جوابگوی دعاوی و شکایات افراد از دستگاه اداری که یک حق طبیعی و مسلم شهروندان می‌باشد با توجه به این که دولت‌ها به ارائه خدمات عام المنفعه دست می‌زنند اجرای ارائه خدمات بعضاً با حقوق و منافع خصوصی در تعارض است و برای تثبیت عدالت نمی‌توان از کنار آن به سادگی گذشت، نیاز به دادرسی اداری بوده و از سویی دیگر چون دادگاه‌های عمومی، تخصص لازم را در زمینه اداری دارا نمی‌باشند و ساز و کار لازم را ندارند برای رسیدگی به این گونه اختلافات دولت ناچار به تاسیس دادگاه‌های اختصاصی می‌باشد. (رستمی، ۱۳۹۸)

ارتباط بین اخلاق و حقوق از دو منظر ارتباط اخلاق با حقوق ماهوی و شکلی قابل بررسی است. اخلاق در دادرسی از منظر کارکرد آن که به دنبال اجرای عدالت از طریق اعمال حکم بر موضوع است، از دیدگاه طبیعت مقررات آن که باید از پیش مقرر و معلوم امری و تضمین‌کننده باشد، ممتنع می‌نماید. ظهور این امتناع باعث دشواری در تشخیص رابطه‌ی حقوق و اخلاق می‌گردد. اگر ارزش‌های اخلاقی را از اصول اولیه علم حقوق و اخلاق بدانیم، این ارتباط نزدیک‌تر شده و زمینه‌ی ورود اخلاق به حقوق، نه فقط به معنای تکمیل‌کننده‌ی قاعده‌ی حقوقی بلکه در برخی موارد سازنده‌ی آن، می‌شود. از این رو واجب است به موارد دخالت قاعده‌ی اخلاقی در حقوق به شکل رابطه‌ی حقوق و اخلاق پرداخت. (محسنی؛ رضایی نژاد، ۱۳۹۰: ۶۶)

آیین دادرسی مدنی مجموعه اصول، قواعد، احکام و موضوعاتی است که در بستر قوانین دادرسی روند و رویه فصل خصومت و حل اختلافات مدنی میان متداعیین را توسط دادرس یا دادرسان حقوقی به شیوه‌های عادلانه و منصفانه و نظام مند سازماندهی می‌نماید. اجرای عدالت مدنی در تمامی نظام‌های حقوقی مستلزم وجود قوانین شکلی است که اصول و تشریفات و نحوه عملکرد دادرس حقوقی و اداره دعاوی مدنی را در رسیدگی به دلایل و ادعاها و ادله و استدلال طرفین دعاوی مدتی به شیوه‌های سازمان یافته در راستای نیل به هدف نهایی یعنی فصل خصومت وضع می‌نمایند. پژوهش حاضر در پی کشف نابسامانی‌ها و رفع قوانین و ضوابط بروکراسی دست و پاگیر و رسیدن به مقصد عالی می‌باشد تا پویش و پژوهشی در پاسخ به نیل عدالت‌خواهانه باشد.



## ۱. مبانی حقوقی مراجع اختصاصی در رسیدگی های شبه قضایی

اصولا مناسبات جدید در روابط حقوقی و اجتماعی موجب گسترش دخالت دولت ها، در فرایند رسیدگی های معمول و سنتی قضایی شده است و علاوه بر سامانه مراجع عمومی قضایی، شکل دیگری از رسیدگی به امور اجتماعی در طول تاریخ روابط زندگی بشر به وجود آمده است. در سامانه مراجع عمومی قضایی و بر اساس اصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صلاحیت رسیدگی به دعاوی به طور کلی در اختیار دادگاه های دادگستری است، ولی ترتیب اعمال و تقسیم آنها میان دادگاه ها بر عهده قوانینی عادی واگذار شده است تا با توجه به موقعیت و مقتضیات کار به آن عمل کند. بنابراین اصل بر این است که دادرسانی به پرونده ها رسیدگی کنند که به معنای واقعی قاضی و دادرس هستند اما مراجعی که به مراجع شبه قضایی یا غیرقضایی موسوم هستند.

اولا، بخشی از قوه قضاییه محسوب نمی شوند و تصدی این مراجع به وسیله قضات و دارندگان پایه قضایی نیست؛

ثانیا، اغلب این مراجع در زیرمجموعه قوه مجریه کار می کنند؛

ثالثا، نام آنها دادگاه، دیوان، محکمه و عناوین مشابه نیست، بلکه با عنوان های سازمان، هیات، کمیسیون های حل اختلاف و... به وجود آمده اند؛

رابعاً، براساس قوانین ماهوی و شکلی ویژه، به اختلافاتی که از اجرای قوانین خاص ناشی می شود، رسیدگی می کنند؛

خامسا، ماهیت موضوعات و مسائل مطرح در این مراجع، دارای ویژگی هایی منحصر به فردی است که بر اساس آن، به پاره ای از موارد می پردازند که جنبه محلی یا صنفی یا خاص دارد که مستلزم توجه، سرعت در تصمیم گیری یا عنایت خاص است. بنابراین هرچند که در مقام رسیدگی به برخی دعاوی کیفری شبیه دستگاه قضایی و مراجع قضایی عمل می کنند و احکامشان هم لازم الاجراست، اصولاً تابع رسیدگی مراجع قضایی نیستند.

قانون موقتی اصول محاکمات خصوصی به طور کامل صلاحیت ذاتی بین محاکم عدلیه و محاکم اداری را بیان کرده، ولی قانون مدنی به جای عبارت محاکم اداری، مراجع غیردادگستری را به کار برده است. به عنوان مثال در ماده ۱۰۳ قانون مالیات های مستقیم از اصطلاح «مراجع اختصاصی غیرقضایی» استفاده شده است. در برخی از قوانین نیز از اصطلاحات دیگری نام برده شده است؛ به عنوان مثال در ماده ۲۵۳ قانون مالیات های مستقیم در خصوص شورای عالی مالیاتی، برای تأکید بر جنبه شبه قضایی آن، اصطلاح «دادگاه اختصاصی اداری» به کار رفته است. یا اینکه در بند ۲ ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۵ که در مقام بیان صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری در رسیدگی به اعتراضات و شکایات آرای این قبیل مراجع

بود، به ذکر مصادیقی از این مراجع پرداخته شده است و «هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده (۱۰۰) قانون شهرداری‌ها» به عنوان مصادیقی از این قبیل مراجع مذکور شده‌اند. با این حال در ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی سابق در مقام بحث صلاحیت ذاتی، صلاحیت دادگاه شهرستان نسبت به دادگاه استان و بالعکس و صلاحیت دادگاه دادگستری نسبت به مراجع غیر دادگستری را قید کرده است. این امر گویای آن است که ادبیات واحدی در هنگام تدوین قواعد قانونی توسط قانونگذار مورد استفاده قرار نگرفته است.

به زعم برخی از حقوقدانان مراجع شبه قضایی یا دادگاه‌های اختصاصی اداری، مراجعی هستند که به موجب قوانینی خاص یا ویژه و خارج از سازمان رسمی قضایی و محاکم دادگستری و عموماً به عنوان واحدهای مرتبط با واحدهای دولتی و سازمان‌های حرفه‌ای با صلاحیت ترافعی تشکیل می‌شوند و صلاحیت آنها منحصر به رسیدگی و تصمیم‌گیری در مورد اختلافات و شکایات و دعاوی از قبیل استخدامی، مالی، ارضی و ساختمانی میان سازمان‌های عمومی و دولتی و حرفه‌ای با اشخاص خصوصی است که معمولاً در اجرای قوانین خاصی که توسعه اجتماعی و اقتصادی و تامین نیازهای افراد است، پیش می‌آید؛ در نتیجه، حکم آنها جنبه قضایی ندارد و تصمیم اداری محسوب می‌شود (مدنیان، ۱۳۹۲، ۱۳).

## ۲. معیارهای منصفانه دادرسی پیش از رسیدگی

آئین دادرسی با رعایت برخی تضمینات می‌تواند ابزاری موثر در جهت حمایت قضایی از حقوق و آزادی افراد به شمار رود (یاوری، ۱۳۸۶، ۲۵۲). اگرچه حق برخورداری از دادرسی منصفانه در رسیدگی دعاوی امری جدید نبوده و به خصوص در حوزه دعاوی کیفری دارای قدمت کهن می‌باشد و در حال حاضر دادرسی منصفانه به سمت جهانی شدن می‌رود با این توصیف حق برخورداری از دادرسی منصفانه را می‌توان در بردارنده مجموعه‌ای از اصول و قواعد دانست که جهت رعایت حقوق طرفین در رسیدگی به دعوی آنان پیش‌بینی گردیده است. وفق این اصول هرکس حق دارد دعوايش در دادگاهی مستقل و بی طرف، به طور منصفانه و ظرف مهلتی و امکان وسایل دفاعی برابر و به طور علنی مورد رسیدگی قرار گیرد. بنابراین در دادرسی‌های منصفانه قبل از تشخیص جلسه رسیدگی یک سری اصول و معیارها توسط دولت تضمین شود تا فرد به بهترین نحو ممکن بتواند به دفاع از خود بپردازد (خسروی، ۱۳۹۲، ۳۲۳).

### ۱) حق بر دادخواهی و دسترسی آسان به مراجع حل اختلاف اداری

محدودیت‌های وارده بر حق دادخواهی یکی از معضلاتی است که محاکم اختصاصی اداری با آن مواجه هستند، کمبود شعب رسیدگی‌کننده و حجم عظیم پرونده‌ها مانند کمیسیونهای حل اختلاف گمرک، هیات‌های حل اختلاف ثبتی در سطوح شهرستانها و استقرار

هیات های بدوی و تجدیدنظر صرفاً در سطح استان و مرکز ایران حق دادخواهی را برای شهروندان با دشواری مواجه می سازد. البته در پاره ای از موارد عدم آگاهی مردم از حقوق اولیه خود موجبات عدم حق بر دادخواهی را ایجاد می نماید که دولت مکلف است آموزش های همگانی و تخصصی را برای مردم فراهم نماید.

اگرچه اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی «همه مردم از حقوق مساوی برخوردارند و همچنین یکسان در حمایت قانون قرار دارند» ولی در مراجع اداری شاید این دست نیافتنی است دولت باید اقدامات لازم برای حق دادخواهی و دسترسی به مرجع دادرسی اداری را به سهولت برای عموم فراهم نماید تا افراد به راحتی بتوانند دسترسی به مراجع اختصاصی اداری در ایران داشته باشند. واژه ها و کلمات نامانوس از ادبیات حقوقی حذف و کلمات آسان جایگزین آنان گردد و سازمانهای دادرسی اداری که بتوانند معضلات مردم را مرتفع کنند در دسترس باشد همانند دفاتر دیوان عدالت که در مراکز دادگستریهای استان مستقر شده اند به قبول شکایت مردم و ارسال به تهران اقدام می نمایند.

## ۲) حق بر استفاده از وکیل و نمایندگان حقوقی

حق برخورداری از وکیل و نماینده حقوقی باعث شده تا افرادی که از علم حقوقی مطلع نیستند زمینه اجرای احقاق حق فراهم شود. امروزه حق برخورداری از وکیل و نماینده قانونی در اسناد حقوق بشر هم مورد توجه قرار گرفت در دادگاه های قضایی حق برخورداری از وکیل معاضدتی و وکیل تسخیری یک الزام قانونی برای دولت تلقی شده است ولی در نظام حقوق اداری به لحاظ عدم وجود افراد متخصص اداری و همکاران فرد به عنوان نماینده قانونی در مراجع حل اختلاف نیازی نیست که حتماً در جلسات، وکیل دادگستری که دارای پروانه وکالت است شرکت نماید و وکیل مدنی و نماینده قانونی می تواند در این مراجع به عنوان نماینده فرد شرکت کرده و از موکلش دفاع نماید. حق برخورداری از وکیل و نماینده قانونی در نظام دادرسی اختصاصی اداری ایران تا حدودی مورد مقبول قرار گرفته و در برخی از مراجع به صراحت طرح دعوی از سوی وکیل، قیمومت و نماینده قانونی مورد توجه قرار گرفته و در بعضی دیگر اگر چه تصریح نشده اما مانع از حضور نماینده و یا وکیل فرد در جلسات وجود ندارد.

بعضی از وکلاء دادگستری به دلیل غیرتشریفاتی بودن دادرسی مراجع اختصاصی اداری این گونه پرونده ها را مورد پذیرش قرار نمی دهند در ثانی حضور یک فرد متخصص اداری سریعتر می تواند پرونده را به نتیجه برساند تا یک وکیل دادگستری که صرفاً با قوانین قضایی سر و کار داشته و آگاهی از قوانین مالیاتی، شهرداری، مالی، ندارد به عنوان مثال اگر فردی که تخصص لازم در امور مالیاتی و با پزشکی دارد با استفاده از تجارب خود هم موجبات تسریع رسیدگی را فراهم می کند و دفاع موثری داشته باشد تا یک وکیل دادگستری بنظر می رسد تا

تعیین تکلیف آیین دادرسی واحد در مراجع شبه قضایی و در مراجعی که نظارت قضایی حاکم است هم از وکلاء مدنی و هم وکلای دادگستری در تحقق عدالت می‌تواند کمک حال مردم باشد.

### ۳. ارتباط اخلاق و حقوق

ارتباط حقوق و اخلاق از قدیمی‌ترین مباحث فلسفه حقوق است؛ تا آنجا که پایه اکثر مباحث آن را تشکیل می‌دهد امری که طبیعی می‌نماید زیرا برای فهم حقوق باید آن را از نظام‌های مشابه باز شناخت و اخلاق شبیه‌ترین نظام رفتاری به حقوق است. در خصوص رابطهی این دو نظام به تعبیر عده‌ای سلوکی (دل و کیو، ۱۳۸۶: ۲۳) که به روابط انسانی می‌پردازند، نزاعها خاتمه نیافته‌اند، اما می‌توان در سیر اندیشه‌های فلاسفه‌ی حقوق و حتی واقعیت‌های قضایی وجوه اشتراک و افتراق و تأثیر و تأثر این دو را دید از منظر بنیادین هر دو نظام هنجاری هستند؛ هنجارهایی که البته بر ارزش مبتنی می‌باشند. بر این اساس، اگر بتوان هنجار را دستور آمرانه‌ی رعایت ارزش تعریف کرد، (یولانزاس، ۱۳۸۶: ۷۳) و ارزش‌های نهفته در پس هنجارهای اخلاق و حقوق را دریافت، به وضوح می‌توان به ایتنای بسیاری از قواعد حقوقی بر این ارزش‌ها پی برد الزام طرفین یک عقد به انجام تعهدات قراردادی در واقع نمود یک ارزش اخلاقی در قالب یک هنجار حقوقی است، این دو نظام همیشه در هنجارهایشان بر یکدیگر متطبق نمی‌شوند، بلکه برخلاف آنچه گفته‌اند که میان حقوق و اخلاق نمی‌تواند تعارض باشد. (دل و کیو، ۱۳۸۶: ۴۷) گاهی اجرای قاعده‌ی حقوقی به نقض قاعده‌ی اخلاقی می‌انجامد. اگر مطابق ماده‌ی ۲۳۰ قانون مدنی وجه التزام مقطوع است بدون ورود به نزاع مکاتب حقوقی دریاب رابطه‌ی حقوق و اخلاقی، باید بپذیریم که حقوق و اخلاقی به شدت در هم تنیده‌اند و هر گونه تلاش برای تهی کردن اولی از دومی بیهوده به نظر می‌رسد. (محستی، رضایی نژاد ۱۳۹۰: ۶۸)

## نتیجه گیری

در دادرسی های اداری همه اصول دادرسی منصفانه، مانند محاکم قضایی به خصوص مراجع کیفری قابلیت تسری ندارد. از سویی دیگر عمل محاکم اداری دارای بعد اداری و از نهادهای وابسته به دستگاه اداری هستند و اکثراً تصمیم گیری آنها ادامه تصمیم گیری های اداری بوده و اصول حقوق اداری نیز در این مراجع حاکم است به عبارتی ساده تر اصولی بر خدمات عمومی مانند اصل انطباق، اصل استمرار، اصل تقدم خدمات عمومی، اصل رایگان بودن خدمات عمومی، سرعت و غیره حاکم است. در اعمال اصول دادرسی منصفانه و اصول حقوق اداری باید با دقت بیشتری عمل شود و به گونه ای اقدام به عمل آید که بر کیفیت و کمیت هر کدام خدشه ای وارد نشود.

استانداردهای دادرسی چهره دیگری از المان اصول کلی حقوقی باشند که در تمام نظام های حقوقی مدرن پذیرفته شده و مبنایی سنجی عادلانه بودن دادرسی ها قلمداد می شوند. این اصول واجد نوعی از قواعد حقوقی نیز می باشند بارگاه اصول کلی حقوق را در قلمرو آیین دادرسی پیاده نماییم، استانداردهای دادرسی را به دست آورده ایم

قوانین و مقررات آیین دادرسی مدنی لازم الرعایه می باشند و در مقام رسیدگی باید تعلیمات و ترتیبات آن اعم از اصول مقررات آمره و مقررات تشریفاتی را مورد توجه قرار داد و به کار گرفت. در این میان رسیدگی هایی هستند که قانون گذار به جهت شرایط و اوضاع حاکم بر آن دعواء رعایت مقرراتی که بیشتر جنبه ی تشریفاتی داشته و به اصطلاح دست و پاگیر می باشند را لازم دانسته است. در این موارد برای تشخیص اصول باید به اوصافی که برای آن ذکر شده رجوع شود. مقررات امره، در ارتباط با نظم عمومی حقوق مکتسبه ی افراد و تامین رعایت اصول دادرسی قابل تمییز می باشند و سایر مقررات تشریفاتی هستند با این اوصاف می توان بر ارتباط اخلاق با حقوق را به ویژه در بطن اصول اخلاق مدارانه قواعد دادرسی و به طور مشخص تر قابلیت پیش بینی بودن این قواعد صحنه گذاشت.

بررسی وضعیت رعایت اصول دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی غیرقضایی نشان می دهد که این مراجع با شرایط مطلوب و استاندارد فاصله داشته و قوانین باید حداقل تشریفات قانونی رسیدگی در مراجع اختصاصی غیرقضایی را که اصول دادرسی عادلانه را تضمین می کند تبیین نماید.

## فهرست منابع

۱. رستمی، ولی، «حقوق مؤدیان مالیاتی»، ۱۳۸۸، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، دوره ۳۹ شماره ۱.
۲. مدنیان، غلامرضا، رویکرد نظام دادرسی به مراجع شبه قضایی، ۱۳۹۲، روزنامه حمایت، بخش حقوقی، ۱۱ آبان
۳. یاوری، اسدا...، «حق برخورداری از دادرسی منصفانه در آئین دادرسی نوین»، ۱۳۸۸، نشریه حقوق اساسی، تهران، سال دوم، شماره ۲.
۴. خسروی، احمد، جایگاه اصل دادرسی عادلانه در حل اختلافات مالیاتی، ۱۳۸۸، پایان نامه جهت دریافت کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی.
۵. مدنیان، غلامرضا، مراجع شبه قضایی به کدام مراجع گفته می شود؟ قابل دسترسی در [hemayatoline.ir](http://hemayatoline.ir) تاریخ
۶. پولانزاس، ن. آر، ۱۳۸۶، فلسفه حقوق، ترجمه ی نجاد علی الماسی، تهران، میزان
۷. دل و کیو، ژرژ، ۱۳۸۶، فلسفه حقوق، ترجمه ی جواد واحدی، تهران، میزان
۸. محسنی، حسن، رضایی نژاد، امیرحسین، ۱۳۹۰، اخلاق و دادرسی: تاملاتی پیرامون اعتبار صدای ضبط شده بدون اخطار، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۳

## بایسته های اخلاقی در بانکداری اسلامی

۱ علی عربی  
۲ محمود باقری  
۳ محمود عرفانی

### چکیده

روایتی از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده که می‌فرماید: (العبادة سبعون جزئا افضلها طلب الحلال) یعنی عبادت هفتاد جزء دارد که برترین آنها کسب حلال است. بر این اساس مومنین واقعی به اخلاق حرفه ای بانکداری برای کسب حلال خود اهمیت ویژه می‌دهند بنا بر این از نظر آنها بانکی که می‌خواهد بر اخلاق اسلامی استوار باشد می‌بایست ۶ هدف اصلی به شرحی که در متن مقاله شرح داده شده از جمله اجرای عدالت اقتصادی در سطح جامعه را دنبال نماید لذا ایده بانکداری اسلامی اولین بار در دهه ۱۹۵۰ مطرح و اولین بانک سرمایه‌گذاری اسلامی در دهه ۱۹۶۰ در مالزی و مصر تأسیس شد و هم اکنون بیش از ۱۰۰ نوع بانک اسلامی وجود دارد اما در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران قانون بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲ شمسی تصویب شد اما هنوز بحث نظری و فقهی موجود در افکار عمومی که خود را متعلق به اخلاق اسلامی میدانند به طور واقعی حل نشده لذا در وجدان خود استفاده از عقود اسلامی را صوری می‌انگارند و تصور می‌کنند سود رد و بدل شده ربا می‌باشد. لذا در این مقاله سعی شد با بررسی عملیات بانکها با تکیه بر ارزش پولی زمان و ارزش زمانی پول از نظر فقه اسلام بررسی و سعی کنیم پاسخ در خوری بیابیم. بدیهی است بانک به هنگام تجهیز منابع، به سپرده‌گذاران سود پرداخت می‌کند و نیز هنگام تخصیص منابع به مشتریان از آنها سود دریافت می‌کنند این دو در بستر زمان اتفاق می‌افتند، نحوه پرداخت و دریافت این سودها راه بانکداری اسلامی را از بانکداری متعارف جدا می‌کند و ربا که جزء حرام‌های مسلم شرع مقدس اسلام است از گذر زمان پدید می‌آید. به همین دلیل به مسلمات فقه از جمله معاملات سلف و نسیه که مورد اجماع فقهای است استناد می‌کنیم تا فرق این دو را با ربا بیابیم.

### واژگان کلیدی

اخلاق، بانکداری اسلامی، بانکداری متعارف، سود، ربا، زمان، معاملات سلف، معاملات

نسیه.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبئی، امارات متحده عربی.

Email: Arabi1391@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) Email: Mahmood31@hotmail.com

۳. استاد تمام گروه حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Email: Erfani4@yahoo.fr

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۳

## طرح مسأله

در این برهه از زمان که ما زندگی میکنیم و جهان را دهکده جهانی مینامند و ارتباطات گسترده شده طبیعتاً نقش «پول» در اقتصاد نقشی مهم و اساسی و جزء جدایی‌ناپذیر از زندگی انسان محسوب می‌گردد.

و نقش گردش پول در اقتصاد تو سطر بانکها انجام میشود بانکها در این خصوص که محل جریان و نیز رسوب پولهای کلان هستند دو نوع نگرش دارند یکی صرفاً موضوع را تجاری مینماید و همه چیز بر حسب سود و درآمد زایی تعریف میگردد و لاغیر که این نوع نگرش مخصوص انانی است که یا اعتقاد دینی مذهبی ندارند یا اعتقادات را دخالت نمیدهند و نگرش دوم بانکداری اخلاق محور است که ویژه نظامهای اعتقاد و مذهب محور میباشد از جمله در مسیحیت نیز به این موضوع اهمیت داده میشود لیکن در مانحن فیه تمرکز بحث ما اخلاق اسلامی میباشد لهذا مقاله پیش روی موضوع اهمیت اخلاق اسلامی در بانکداری و مشخصاً نقش «زمان» در بانکداری و اهمیت آن از نظر اخلاق اسلامی در بانکداری را به عنوان دو عنصر مهم از عناصر بارز و حاضر و مؤثر در اغلب عملیاتهای بانکی را انتخاب نموده است، چرا که با وجود ابداع غربی بودن بسیاری از ابزارهای مالی در عملیات بانکداری، اغلب کشورهای اسلامی نیز از عملیات مزبور بهره گرفته و استفاده می‌کنند. با توجه به اصل قابلیت تعمیم داشتن دین اسلام به همه زمانها و موضوعات و توانایی ارتباط و قاعده‌مندسازی موضوعات با مبانی نظری که اقتصاد نیز تحت قاعده مزبور قرار می‌گیرد؛ بر آن شدیم تا موضوع مزبور را حسب مقدمات، مورد بررسی فقهی حقوقی قرار دهیم تا حکم شرعی ابزارهای مورد استفاده در بانکداری اسلامی را روشن نماییم.

در این مقاله موضوع مورد بحث استنتاج یک اصل کلی در خصوص اینکه ابتدا در روابط تجاری و سپس در روابط عبادی، آیا پول ارزش زمانی دارد یاخیر؟ و اگر دارد چه تفاوتی بین ارزش زمانی پول در قراردادهای سلف و نسیه از یک طرف و قرارداد قرض تجاری و همینطور قرض عبادی که به آن قرض الحسنه گفته میشود وجود دارد. ابتدا مورد بحث قرض در روابط تجاری است که در این قراردادهای تجاری اعم از اینکه از طریق اوراق بدهی (اوراق صکوک) و یا قرض عادی باشد، عمل عبادی و قربه الی الهی مورد نظر نیست. سوال این است که آیا اگر به هر دلیل قراردادی یا غیر قراردادی پولی از یک نفر در نزد یک نفر دیگر باشد، فارغ از بحث تورم، نفر دوم از این پول بهره تجاری برده باشد، آیا نفر اول مستحق هیچ جبران خساراتی یا دریافت پاداشی از باب ارزش زمانی پول هست یا خیر؟

(ضمناً به دلیل اینکه بانکها عملاً از عقود مشارکی عدول می‌کنند و در واقع پول را از سپرده گذار تملک می‌کنند و به مشتری تملیک می‌کنند چون در هر حال پول مثلی است و



بانک امین سپرده گذار نیست که پول او را صرفاً نگهدارد و مشتری نیز امین بانک نیست. اگر غیر از این باشد این دیگر در تعریف بانک نمی‌گنجد، لذا از لفظ قرض تجاری استفاده شده چون در قرض است که تملیک می‌شود در مقابل عوض)

### ۱- پیشینه بحث: ایران بعد از اسلام

ورود اسلام به ایران ابتدا سبب رکود فعالیت بانکداری در شکل آن روزیش گردید، زیرا از رایجیات بانکداری، اخذ ربا بوده است که با احکام اسلام منافات داشت و همین سبب توقف بانکداری در ایران بود و تا اوایل قرن نوزدهم میلادی در ایران فعالیت و جایگزین بانکداری، صرافی بود و گاهاً همین فعالیت دچار رکود می‌شد که دوران صفویه به لحاظ رونق دادن فعالیت اقتصادی و ایجاد امنیت نسبی در کشور از گزند مغولان، صرافی را دوباره به رونق رسانید.<sup>۱</sup>

با توسعه تجارت خارجی در اواخر حکومت صفویه، نیاز به داشتن بانک و پول کاغذی بیشتر احساس شد. با این همه، تأسیس بانک در ایران تا سال ۱۲۶۶ شمسی که بانک جدید شرق در تهران شروع به فعالیت کرد، به تأخیر افتاد. مرکز این بانک در لندن بود و بدون هیچ‌گونه امتیازی اقدام به جلب پس‌اندازها و اندوخته‌های مردم و آشنا نمودن آنان با

نظام بانکی جدید می‌کرد. پس از این اتفاقات و تحولات بسیاری در جهت ایجاد نظام بانکی و بانک‌های مختلف توسط روس‌ها یا انگلیس‌ها و روشن شدن این مهم که بانکداران خارجی توجه به منافع ملی ما ندارند، سرانجام پیشنهاد تأسیس بانک ایرانی در سال ۱۲۸۵ مورد قبول دولت قرار گرفت تا اولین بانک ایرانی در سال ۱۳۰۴ تأسیس شود. البته تا سال‌ها وضعیت نابسامانی در نظام بانکی کشور چه از لحاظ نظارت و چه از لحاظ مقررات دریافت مجوز تأسیس و فعالیت بانک‌های خارجی در کشور حاکم بود تا اینکه در سال ۱۳۳۹ بانک مرکزی ایران تأسیس شد. بعد از انقلاب نیز تحولات مهمی در نظام بانکی رخ داد از جمله ملی کردن بانک‌ها، ادغام بانک‌ها و مهم‌تر از همه حذف ربا از نظام بانکی ایران و شناسایی بانکداری بدون ربا به عنوان تنها شیوه بانکداری با تصویب قانون بانکداری بدون ربا در سال ۶۲ بود.<sup>۲</sup>

### ۱-۱- ماهیت اسلامی بانک

#### طرح بحث

دلایل اقتصادی متعددی وجود دارد که سیستم مالی مبتنی بر مشارکت در سود و زیان به تجمع بهتر پس‌اندازها و به‌کارگیری منابع مالی بانکی به بهترین کاربردهای ممکن می‌انجامد و

۱ بهنود، محمد و سایرین، بانکداری داخلی یا تجهیز منابع، موسسه عالی آموزش بانکداری ایران، تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۱.

۲ برای توضیحات بیشتر ر.ک به: السان مصطفی، ۱۳۹۱، صص ۱۰-۱۳.

به دنبال آن باعث عدالت در توزیع درآمد و تقویت روحیه مشارکت میان دارندگان پول و پس‌انداز کنندگان و عاملین و کار آفرینان می‌گردد. بانک‌های اسلامی طی بیش از نیم قرن، در کشورهای اسلامی به تجمیع پس‌اندازهای کسانی همت گمارده‌اند که به خاطر اعتقادشان به حرام بودن بهره (ربا) از تعامل با بانک‌های متعارف پرهیز نموده‌اند. در بانکداری اسلامی نه تنها دریافت سود (آنچه ربا نامیده می‌شود) ممنوع است،<sup>۱</sup> بلکه اوراق قرضه، عقود مدت‌دار و قراردادهای بانکی خاص، به شکل رایج در غرب، به عنوان مثال در بانک‌های آمریکایی، نیز وجود ندارد. همچنین بر اساس قوانین بانک‌های اسلامی، فرد نمی‌تواند چیزی را معامله کند که هنوز وجود خارجی ندارد یا خود مالک آن نیست. این عاملی است که ریسک سیستمی را کاهش می‌دهد. گرچه محدودیت‌های دیگری را در پی دارد.

## ۲-۱- انعقاد قراردادهای مشارکتی

بانک‌های اسلامی سود مورد نیاز خود را از راه‌هایی همچون بستن قراردادهای مشارکتی تأمین می‌کنند. بدین ترتیب که بانک در یک پروژه به عنوان شریک وارد می‌شود و سهمی از سود حاصل دریافت می‌کند؛ البته اگر پروژه‌ها با شکست مواجه شود، دارایی بانک نیز از بین خواهد رفت لذا برای جلوگیری از این خطر معمولاً در حین انعقاد قرارداد شریک مقابل بانک یا به عبارتی مشتری بانک شرط ضمن عقد می‌کند که اگر پروژه سود مورد انتظار را نداشت یا با شکست روبرو شد تا درصد معینی از سود مورد انتظار بانک را از اموال شخصی خود به بانک می‌پردازد و منطق این موضوع هم سه مطلب است:

الف: بانک به اعتماد مشتری و توجیهی که مشتری برای اقتصادی بودن طرح ارائه کرده وارد چنین مشارکتی می‌شود که مطمئناً از تخصص‌های بانک نمی‌باشد و مشتری برای اثبات واقعی بودن طرح و واقع بینانه بودن ارزیابی طرح چنین تضمینی می‌دهد و البته همین که از اموال خود مایه می‌گذارد قطعاً در جلب رضایت و رغبت بانک برای حضور در چنین مشارکتی مؤثر است.

۱ بهره به مفهوم امروزی در نظام بانکداری مدرن با تمام تحولاتی که در مفهوم، ماهیت، کارکرد و بررسی‌ها اتفاق افتاده، با ربا متفاوت است. آنچه امروزه از آن به عنوان بهره یاد می‌شود، چیزی نیست جز هزینه پول به مفهوم جمع رجحان زمانی و تاریخی پول و نقدینگی و مفهوم ریسک در مدیریت تجهیز و تخصیص منابع و ذخیره‌گیری برای ریسک‌های مترتب بر دارایی‌های مالی به علاوه شکاف هزینه واسطه‌گری که با نظام اعتبارسنجی شناسایی شده و هزینه‌ای است که ارتباط مستقیمی در صورت‌های مالی بانک‌ها نیز ممکن است نداشته باشد. بنابراین حتی اگر بپذیریم که پول کالا نیست، این بدان معنی نیست که واجد قیمت نباشد. ما بسیاری پدیده‌ها داریم که کالا نیستند ولی قیمت دارند؛ مانند زمان در عملیات مالی بانکی و غیربانکی که کالا نیست ولی قیمت دارد و بحث ما معطوف به همین موضوع است.

ب: شرع مقدس برای چنین تضمینی منعی نفرموده و در باب مضاربه جایز هم دانسته پس امکان پذیر است.

ج: چون مشتری مجری طرح است و خود در ریسک پروژه شریک می‌شود بانک اعتماد می‌کند اجرای کار را به او بسپارد.

علی‌ایحال بانک‌ها از طریق ابزارهای تأمین مالی جدید بر گرفته از عقود اسلامی مانند مضاربه، مرابحه، اجاره، مشارکت و ... در تأمین مالی تعداد زیادی از پروژه‌های کوچک و متوسط موفق بوده‌اند که در شرایط عدم وجود بانک‌های اسلامی چنین پروژه‌هایی نمی‌توانستند در سیستم بانکی موجود به منابع مالی موردنیاز دست یابند. این در حالی است که کمک به چنین پروژه‌هایی اقدامی مهم در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.

در همه عملیات بانکی دو عمل تجهیز منابع و مدیریت مصارف از جمله اصلی‌ترین عملیات بانکی است که بانک را به صورت یک واحد مالی از دیگر واحدهای اقتصادی متمایز می‌کند. نظام بانکداری بدون ربا نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بانک اسلامی نیز نظیر سایر بانک‌ها با استفاده از منابع پس‌انداز گروهی از افراد جامعه، نیازهای مالی دیگر گروه‌ها را تأمین می‌نماید.

بدین ترتیب از نقطه نظر اتکا بر منابع پس‌انداز جامعه، تفاوتی بین بانکداری متعارف متداول در کشورهای دیگر با بانکداری بدون ربا وجود ندارد، لیکن آنچه که بانکداری بدون ربا را از بانکداری متعارف متمایز می‌کند ماهیت و شکل آن است. اصولاً شیوه‌های رفتاری در چارچوب روابط حقوقی که بین بانک و مشتری به وجود می‌آید شکل می‌گیرد. البته آن دسته از عملیات بانکی که تابع اصول و ضوابط مشابهی هستند، چه در محیط اسلامی و چه غیراسلامی، نبایستی از یکدیگر متفاوت باشند چرا که آن دسته از رفتار یا روابط حقوقی بین بانک و مشتری که با موازین اسلامی در تعارض نباشند در محیط اسلامی هم پذیرفته شده‌اند. مانند خدمات بانکی مختلف که فوراً ارائه میشوند و بانک نیز کارمزد خود را دریافت میکنند و زمان نیز در اینگونه خدمات مطرح نیست لذا مورد بحث ما هم نیست.

## ۲- ارزیابی دکتترین بانکداری اسلامی

به هر حال، برای بررسی تلقی محققان بانکداری اسلامی از بانک، می‌توانیم به آثار آنها مراجعه کنیم. فهیمی که عمده محققان بانکداری اسلامی از بانک دارند، در نظر گرفتن بانک به عنوان یک نهاد واسطه مالی (میان سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان) است. شهید صدر در کتاب «البنک اللاربوی» یا همان بانکداری بدون ربا به دنبال ترتیبات بانکی بوده است که در آن ربا نباشد. از منظر وی بانک ربوی یک نهاد مالی است که نقش اساسی آن واسطه‌گری میان سپرده‌گذاران و فعالان اقتصادی متقاضی تأمین مالی است. از نظر ایشان مهم‌ترین فعالیت‌های بانک ربوی عبارت از قرض گرفتن با بهره یا بدون بهره و سپس قرض دادن با بهره بالاتر است

و درآمد بانک ربوی از تفاوت بین دو نرخ بهره حاصل از قرض مذکور به دست می‌آید. دکتر توتونچیان در کتاب «پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری» درباره ماهیت پول، سرمایه، سود و بهره به‌طور مستقل بحث کرده است، اما بحثی از ماهیت بانک در نظام سرمایه‌داری ندارد. او ذیل عنوان نحوه عمل بانکداری سرمایه‌داری و اسلامی به ماهیت واسطه‌گری بانک ربوی اذعان می‌کند. ایشان خلق پول بانک‌ها را بر اساس رویکرد ضریب فزاینده پولی با عنوان تسلسل «سپرده وام» طرح می‌کند و بر نقش تغییرات نرخ ذخیره قانونی در کاهش یا افزایش آزادی عمل بانک‌ها در اعطای وام تأکید می‌کند. البته توتونچیان ماهیت حقوقی بانک اسلامی را متفاوت از بانک ربوی می‌داند. از منظر او بانک اسلامی واسطه وجوه نیست، بلکه یک مؤسسه تأمین مالی می‌باشد که وکیل سپرده‌گذار و شریک سرمایه‌گذار می‌باشد. بانک اسلامی به نیابت از طرف سپرده‌گذاران مسلمان، بخشی یا تمام سرمایه مورد نیاز متقاضیان را تأمین می‌کند. بانک اسلامی نمی‌تواند مانند بانک ربوی واسطه وجوه باشد زیرا این بانک جز در مورد قرض الحسنه به هیچ شخص حقیقی یا حقوقی وام نمی‌دهد، بلکه بر اساس تقاضای متقاضی و به استناد طرح‌های سرمایه‌گذاری او آن‌ها را تأمین مالی می‌کند. در نظام اسلامی اگر چه وظایف بانک‌ها شبیه به وظایف آنها در بانکداری متعارف است، ولی به هر حال باید احکام شرعی را رعایت کنند. بدین معنی که بانک‌ها به عنوان نظم‌دهنده نظام پرداخت‌ها و نیز واسطه‌های مالی عمل می‌کنند.

### ۱-۲- ارزیابی بحث

به‌طور کلی تلقی اقتصاددانان مسلمان از ماهیت بانک متعارف همچون تلقی بعضی از اقتصاددانان غربی، کامل نیست. اقتصاددانان مسلمان بانک متعارف را به عنوان یک نهاد واسطه مالی صرف در نظر می‌گیرند که در چارچوب رویکرد ضریب فزاینده پولی اقدام به خلق پول می‌کند.<sup>۱</sup> بر اساس این تبیین از ماهیت بانک متعارف، آنچه با آموزه‌های اسلام در تعارض قرار می‌گیرد، عقد (قرارداد) قرض مبتنی بر ربا است. بر اساس این تبیین از ماهیت بانک است که بخش اعظم مطالعات بانکداری اسلامی معطوف به حذف ربا از ترتیبات بانکی شده است. بر این اساس در صورت تغییر ماهیت قرارداد میان سپرده‌گذار و بانک و در سوی دیگر تسهیلات گیرنده با بانک، بانک بدون ربا یا اسلامی خواهیم داشت. بانک بدون ربا یا اسلامی وکیل سپرده‌گذار است و شریک سرمایه‌گذار (در عقود مشارکتی) می‌باشد. این رویکرد مبنای تدوین قانون عملیات

۱ در رویکرد ضریب فزاینده بانک بخشی از سپرده‌هایی که تحت عنوان قرض و در مقابل پرداخت بهره به دست آورده است را به عنوان ذخیره قانونی نگه می‌دارد و بقیه را نیز تحت قرارداد قرض و در قبال دریافت بهره در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد.

بانکداری بدون ربا قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

### ۳- بانکداری اسلامی و بانکداری بدون ربا

#### طرح مطلب

نظام بانکداری ایران از سال ۱۳۶۲ با توجه به اینکه قانون جدید بیشتر ناظر بر حذف ربا از سیستم بانکی است «بانکداری بدون ربا» نام‌گذاری شد اما در بانکداری اسلامی علاوه بر حذف ربا از سیستم بانکی و انجام قراردادهای بر اساس عقود اسلامی روی موازین دیگر اسلام هم تأکید می‌شود.

#### ۱-۳- ایجاد مساوات در دسترسی افراد با توزیع عادلانه تسهیلات بانکی

توزیع عادلانه تسهیلات بانکی بین بخش‌ها و اقشار مختلف جامعه دومین ویژگی بانکداری اسلامی است. منابع بانک‌ها منابعی ملی است که از طریق سپرده‌های بانکی جمع‌آوری می‌شود و باید به شکل عادلانه بین اقشار مختلف جامعه و بخش‌های مختلف اقتصادی و جغرافیایی توزیع شود و اینگونه نباشد که بخش مهمی از منابع در یک استان و بخش خاصی متمرکز شده و بقیه بخش‌ها و مناطق از تسهیلات بانکی محروم بمانند.

#### ۲-۳- تعیین نرخ‌های سود بر حسب کاربرد تسهیلات در تولید و ایجاد اشتغال

#### با هدف اجرای عدالت اجتماعی

موضوع دیگر، تعیین نرخ‌های سود به صورت عادلانه است، یعنی در بانکداری اسلامی باید نرخ‌های سود به صورت تعادلی به وجود آید و عادلانه بین سپرده‌گذاران، بانک و گیرنده‌های تسهیلات توزیع شود. در واقع در بانکداری اسلامی با سه گروه سپرده‌گذاران، گیرنده‌های تسهیلات (فعالان اقتصادی) و بانک‌ها به عنوان بنگاه‌های اقتصادی روبرو هستیم به همین جهت نرخ‌های سود در بانکداری اسلامی به گونه‌ای باید تعیین شود که هر سه گروه متناسب با ارزش سرمایه و ارزش فعالیت اقتصادی، سهمی از ارزش افزوده یا رشد تولید ملی داشته باشند. گرچه در این موضوع اختلاف نظر جدی وجود دارد و عده‌ای بر این عقیده هستند که در تعیین نرخ بهره نباید به صورت دستوری و حاکمیتی دخالت شود بلکه تعیین نرخ بهره را بازار باید تعیین کند و بر عقیده خود استدلال میکنند که: اولاً که این واقعاً سود نیست و ثانیاً اینکه بازار باید درصد سود را تعیین کند. در زمان پیامبر که ایشان با حضرت خدیجه کار می‌کرد، در واقع

۱ حسینی دولت‌آبادی، سید مهدی، هجدهمین نشست نقد پژوهش‌های بانکداری و مالی اسلامی (سلسله جلسات نقد و بررسی پژوهش‌های بانک‌داری و مالی اسلامی)، «ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی»، ۱۳۹۵ موجود در:

ایشان و یا هر عامل دیگر در بازار کار بر اساس شرایط بازار درصد خود از سود ناشی از مضاربه را مثلاً ۵۰٪ درصد از سود تعیین می‌کرد و این تابع قدرت چانه زنی و شرایط بازار بود. حال با کدام مجوز شرعی باید درصدهای را بر طرفین تحمیل کرد؟ اینجا که بازار بهره است، حتی در بازار سود اگر وجود داشته نیز شرایط بازار تعیین کننده است. البته این موضوع به اصل بحث شما هم ارتباطی ندارد.

### ۳-۳- رعایت اخلاق اسلامی

«رعایت اخلاق اسلامی در در کسب و کار یا به عبارتی اشاعه کسب حلال»، یکی دیگر از ویژگی‌های بانکداری اسلامی است. در متون اسلامی بخش مهمی به نام اخلاق بازار و کسب و کار وجود دارد که در آن توصیه‌های زیادی به بازاریان مسلمان شده است که در معاملاتشان چه نکات اخلاقی را رعایت کنند. نظام بانکداری ایران بدون ربا است و هنوز ادعای بانکداری اسلامی نشده است و قانون هم در حد قانون عملیات بانکی بدون ربا مطرح شده و مسؤولان هم در همین حد ادعا دارند البته تلاش می‌شود که به سمت بانکداری اسلامی ارتقا بدهند.

### ۳-۴- حفاظت از محیط زیست

در بانکداری اخلاق محور برای حفاظت از محیط زیست به عنوان اساسی ترین نیاز زندگی اجتماعی بشر اهمیت ویژه قائل است و از این رهگذر بانکداری سبز و اسامی شبیه اینها در حال گسترش میباشد.

۳-۵ رعایت حقوق اجتماعی عموم جامعه اعم از مشتریان و سهامداران و کارکنان بانکها و قرار گرفتن اموال در موضع قوام و کارایی با رعایت اصل (الاهم فالاهم)

۳-۶ امانتداری، وفای به عهد، صداقت و راستگوئی برای حفظ و ارتقای خوشنامی و اعتبار نظام بانکی اخلاق محور.

### نقد و ارزیابی

بانکداری اسلامی می‌خواهد براساس روندهای کلی به صورت اسلامی عمل کند و معتقد است باید در همه موازین بانکی، ربا، قمار، غرر، ظلم و... نباشد و همچنین عدالت و کارایی وجود داشته باشد اما بانکداری بدون ربا می‌خواهد گوشه‌ای از نظام بانکی را اصلاح کند. همچنین برای تحلیل جامع بانکداری اسلامی باید به سطح کلان‌تر یعنی اقتصاد

اسلامی توجه داشته باشیم؛ چراکه بانکداری اسلامی از دل اقتصاد اسلامی بیرون می‌آید و این اشتباه است که گمان کنیم می‌توانیم در دل بانکداری متعارف، بانکداری اسلامی داشته

باشیم.<sup>۱</sup>

در واقع یکی از اشتباهات رایج در بین کارشناسان بانکی کشور و عامه مردم آن است که بانکداری بدون ربا را معادل بانکداری اسلامی می‌پندارند؛ حال آن که بانکداری بدون ربا تنها بخشی مهم از بانکداری اسلامی است و نه همه آن. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که اجرای کامل عملیات بانکداری بدون ربا تنها یکی از گام‌های تحقق بانکداری اسلامی است و نظام بانکداری کشور بایستی جهت برآورده شدن سایر بخش‌های بانکداری اسلامی فعالیتی مجدانه از خود نشان دهد.

#### ۴- چگونگی تأثیر زمان بر محصولات بانکی

احکام شرعی به دو دسته متغیر و ثابت یا به عبارت مانوس تر احکام اولیه و ثانویه تقسیم می‌شوند که احکام متغیر یا ثانویه بر حسب مقتضیات زمان و مکان تغییر می‌کنند و مصلحت موجود بر حسب زمان و مکان حرمت یا وجوب اعمال و رفتار را مشخص می‌سازند. اما احکام ثابت به این شکل از زمان تأثیر نمی‌پذیرند. البته این بدان معنی نیست که این احکام از زمان و مکان متأثر نیستند بلکه بدین معنی است که نباید انتظار داشت تأثیرپذیری احکام ثابت مانند تأثیرپذیری احکام متغیر باشد.

در احکام ثابت ولی امر حق ندارد به حرمت آنچه در شریعت حکم اصلی آن وجوب است یا به وجوب آنچه در شریعت حکم اصلی آن حرمت است حکم کند. در واقع زمان و مکان به شکل دیگری در این احکام تأثیر می‌گذارند. یعنی هرچند زمان و مکان در تعیین نوع آن دخالت ندارد، ولی در تطبیق آنها بر مصادیق و تشخیص موضوعاتشان مؤثر است. به عبارت دیگر احکام ثابت از جهت نظری ثابت هستند ولی به هنگام تطبیق و تعیین مصادیق ممکن است تغییر یابند.<sup>۲</sup>

حال در موضوع ربا نیز به همین ترتیب عمل می‌شود. حرمت ربا که از احکام ثابت شرعی است در طول زمان تغییر نمی‌کند، اما تطبیق آن با موضوع تغییر می‌کند. در ایام قدیم موضوع گرفتن زیاده در قرض بود که مابین دو فرد اتفاق می‌افتاد، ولی اکنون موضوع گرفتن زیاده در عقود بالاختصاص عقود بانکی است که به شکل دیگری در جریان است.

در واقع باید گفت پول دارای یک ارزش زمانی است که در نظام بانکداری کنونی اهمیت بسیاری دارد و نمی‌توان چنین مفهومی را نادیده گرفت. در واقع زمان دارای ارزشی است که در نظام بانکی با پول سنجیده می‌شود و بهترین نمود آن در عقود است که برای اعطای اعتبار

۱ عیوضلو، حسین؛ توسلی، محمداسماعیل، نشست تخصصی «ما و بانکداری اسلامی»، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۵ دی‌ماه ۹۶

۲ زمانی، محمود، نقش زمان و مکان در اجتهاد از دید شهید صدر، نقد و نظر، سال دوم، ش. ۵، ص. ۲۳.

استفاده می‌شود و یا در ابزارهایی است که برای جلوگیری از نقض عهد استفاده می‌شود از جمله وجه التزام.

### ۵- تأثیر زمان بر شکست بازاری

عنصر زمان در بسیاری از معاملات، به عنوان یکی از ارکان عقد و یکی از عوامل کارایی بازار مسلمین به حساب می‌آید تا جایی که عدم شفافیت عنصر زمان، موجب بطلان عقد خواهد شد. در برخی موارد نیز ابهام و نامشخص بودن عنصر

زمان در عقود و معاملات موجب نقص کارایی بازار و شکست بازاری می‌گردد. در واقع معاملات بانکی باید در چارچوب اصول اساسی صحت معاملات صورت پذیرد از جمله اینکه معامله نباید به هیچ شکلی ربوی و غرری باشد،

لذا در اقتصاد اسلامی، هر جا که معامله‌ای در جهل منجر به خطر و غرر واقع شود و به‌ویژه در معاملات مدت‌داری که اکثر عقود اسلامی را شامل می‌شوند و در نظام بانکی به وفور از آنها استفاده می‌شود، عنصر زمان به عنوان یکی از ارکان قراردادی محسوب می‌شود تا جایی که اگر مقطع زمانی عقد نامشخص باشد یا حتی مبهم باشد، می‌تواند به صحت عقد خلل ایجاد کند و این امر در سطح وسیع شکست بازاری را در پی خواهد داشت.

### ۶- ارزش زمانی پول در نظام مالی اسلامی

در فقه اسلامی مقبول همه فقهای عظام است که در هر معاوضه‌ای می‌باید عوضین مالیت داشته باشند و صرف مال بودن کفایت نمی‌کند. از سوی دیگر پر واضح است که جنس و کالا غیر از اوصاف آن است و زمان از اوصاف کالاست، همانطور که در کتب فقهی، فقهای محترم بین یخ در زمستان و یخ در تابستان، حسب وصف زمانی آن، تفاوت قائل شده‌اند. لذا بنظر می‌رسد همین امر منجر می‌شود تا بین مال و مالیت فرق بگذاریم. مال امری است اصیل، ناظر بر علت مادی و وجودی؛ اما مالیت امری است تبعی برخاسته از دستگاه‌های اعتباری و بشری و از همین مقوله است که مالیت عرفی غیر از مالیت شرعی است و مالیت اقتصادی حسب شرایط زمان و مکان متفاوت می‌گردد. از این‌رو می‌گوییم زمان هر چند مال نیست ولی موجب زیادت و نقصان در مالیت می‌شود، چرا که از اوصاف مهم مال در نزد عرف محسوب می‌شود.

نتیجه اینکه مالیت زمان و ارزش آن در اندیشه اسلامی قابل طرح و مقبول است. حسب عموماً فقه و اجماع جمیع فقهای عظام در باب قاعده «لأجل قسط من الثمن» به نظر بلا اشکال و مقبول می‌رسد.<sup>۱</sup> و بیشترین سوال این مقاله هم ناشی از این مسلمات است به عنوان مثال می‌گوئیم در معاملات سلف و نسبه اجماع علمای می‌پذیرند که زمان در قیمت تاثیر بگذارد

۱ زاهدی وفا، محمد هادی، پیغامی، عادل، پول و زمان در نظریه توزیع اقتصاد اسلامی، مطالعات اقتصاد اسلامی، سال دوم، ش. ۱، ۱۳۸۸، صص. ۵-۳۸، ص. ۲۶.



چرا در وام‌های بانکی برای زمان بازپرداخت ارزش قائل نمی‌شوند و هر اضافه دریافتی را مصداق ربا و حرام اعلام میکنند؟ در حالیکه اگر برای زمان ارزش قائل شوند میشود هزینه تمام شده پول.

## ۷- زمان در قواعد بانکداری اسلامی

نقش زمان در بازار پول، نقشی محوری است که در نظام بانکداری متعارف پذیرفته شده و پنهان نمی‌شود، ولی در نظام بانکداری بدون ربا کشور، هر چند از زمان تأثیر می‌پذیرد اما نقش محوری آن پذیرفته نشده است و همین موضوع مشکلاتی ایجاد کرده و باعث شده که قواعد بانکداری اسلامی به درستی پیاده نشوند. در این خصوص ابتدا نظریه مشارکت در سود و زیان و سپس برخی از مهمترین عقود بانکی و سایر ابزارهای مالی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۷-۱- نظریه مشارکت در سود و زیان و ربا

از حدود چهار دهه پیش، بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی اعتباری اسلامی براساس نظریه مشارکت در سود و زیان تأسیس شدند. این نظریه گرچه در ساحت ایده و نظر باعث افزایش سرمایه‌گذاری و توزیع تسهیلات بانکی می‌شد، اما در

ساحت اجرا و عمل با چالش‌ها و مشکل‌هایی جدی چون اشتقاق نرخ‌های سود بانک‌های اسلامی از نرخ‌های بهره بین‌المللی، تعیین نرخ سود معین برای سرمایه، خطر اخلاقی متقاضیان تسهیلات، تأخیر بازپرداخت بدهی‌ها، فقدان راهکار مناسب جهت تأمین مالی دولت و فقدان زیرساخت‌های نهادی روبه‌رو شد.<sup>۱</sup>

عقود مشارکتی یکی از کاراترین روش‌های تحقق مشارک واقعی در نظام بانکداری بدون ربا قلمداد شده و گسترش آن، رشد و شکوفایی و پیشرفت اقتصادی کشور را به ارمغان می‌آورد. بر این اساس برخی از متفکران حوزه اقتصاد اسلامی اعتقاد دارند که عقود مشارکتی با توجه به ویژگی‌های خاص، از جمله پیشرفته‌ترین نوع معاملات در بانکداری اسلامی محسوب می‌شود. اما نحوه عملکرد عقود مشارکتی در نظام بانکی و مشکلات شرعی آن به‌ویژه در زمینه شناسایی و تقسیم سود، تا حدی است که گروه دیگری از اندیشمندان عرصه بانکداری اسلامی، عدم استفاده از عقود مشارکتی را برای پرهیز از شبهات شرعی و ربوی توصیه و حرکت به سمت بهره‌گیری از عقود مبادله‌ای را در تخصیص منابع بانکی تجویز و فاصله گرفتن از عقود مشارکتی به علت ناهمخوانی با کارکردهای بانکی را پیشنهاد می‌کنند.<sup>۲</sup>

۱ آقا نظری، حسن، نظریه مشارکت در سود و زیان، چالش‌ها و راهکارها، اقتصاد اسلامی، سال هشتم، ش. ۲۹، ۱۳۸۷، صص. ۶۳-۷۹، ص. ۱۰.

۲ نظریور، محمدنقی، کشاورزیان پیوستی، اکبر، الزامات احیای عقد مشارکت حقوقی راهبردی برای تحقق بانکداری PLS در نظام بانکدار بیدون ربا، راهبرد اقتصادی، سال دوم، ش. ۷، ۱۳۹۲، صص. ۳۹-۷۹، ص. ۲۰.

یکی از مصادیق فقدان تطابق ماهوی عقد مشارکت با بانک تفاوت آنها در درجه ریسک است. عقد مشارکت در ذات خود، در بردارنده درجه ریسک بالایی است. پذیرش این میزان ریسک برای بانک اساساً امکان‌پذیر نیست. از آنجا که بانک در عمل نمی‌تواند این میزان از ریسک را بپذیرد، بندهای موجود در قرارداد را طوری تغییر می‌دهد تا در حد امکان، همه ریسک‌های موجود در طرح را به مشتری منتقل کند و به دریافت سود ثابت اکتفا می‌کند. این در واقع، ریشه اصلی تغییر شکل قراردادهای مشارکتی در نظام بانکداری است.<sup>۱</sup>

اما جدای از ریسک موضوع مدت و زمان نیز مطرح است. اگر در عقود مشارکتی مدت مبنا قرار گیرد آن معامله ربوی خواهد بود. در واقع در عقود مشارکتی مدت دخیل نیست. به عنوان مثال، در عقد مشارکت مدنی نمی‌توان بانک را الزام به تخفیف کرد. به طور مثال اگر تسهیلات داده شده ۶ ماهه است و شخص ۳ ماه زودتر مبلغ را به صورت یکجا پرداخت کند نمی‌توان از بانک انتظار داشت که سودی دریافت نکند چرا که در این صورت ماهیت این عقود بانکداری غربی یا همان ربوی می‌شود. اگر تسهیلات باید در شش ماه پرداخت شود و سپرده‌گذار در سه ماه اقدام به تصفیه حساب کند باید سود و بهره‌ای که دریافت می‌کند تابعی از زمان باشد.

## ۲-۷- وجه التزام تعویق در پرداخت اقساط

در تمام کشورها به‌ویژه کشورهای توسعه یافته، قوانین و مقررات محکمی برای جلوگیری و نیز مقابله با تعویق در پرداخت دیون و آثار سوء آن وضع و اجرا شده است که به‌طور کلی می‌توان این مقررات را به دو دسته تقسیم کرد.

ابتدا کسانی که به علل مختلفی دچار ورشکستگی و اعسار شده و قادر به پرداخت دیون خود نخواهند بود؛ و دوم کسانی که با وجود تمکن مالی از پرداخت دیون خود در نظام بانکی خودداری می‌کنند.

در خصوص گروه اول مقررات ورشکستگی و اعسار وجود دارد و وضعیت و تکلیف مدیونین آنها را مشخص نموده است. در خصوص گروه دوم نیز از برخی ابزارهای حقوقی همچون وجه التزام برای مقابله با آنها استفاده شده و البته قوانینی همچون قانون چک و یا قانون نحوه وصول مطالبات بانک‌ها نیز بر اعمال آنها حکومت می‌کند.

در واقع یکی از مسایل مهمی که نظام بانکی کشور با آن روبرو بوده بحث امتناع بدهکار از پرداخت به موقع بدهی است. در واقع از جمله پدیده‌هایی که آثار مخرب زیادی به همراه دارد و منجر به سلب اعتماد عمومی و کاهش معاملات مدت دار می‌شود، تأخیر در پرداخت دیون است.

۱ کار گروه دیدگاه فارس نیوز، محدودیت‌های بانک‌داری مشارکتی و لزوم تفکیک نهادی کارکرد تأمین مالی - بخش اول: صوری‌سازی برخی از عقود مالی، اقتصاد و حقوق، قابل دسترس در:

مراجع عظام تقلید در خصوص معوقات بانکی و امتناع بدهکاران از پرداخت به موقع بدهی، تأکید می‌کنند که عدم اهتمام به پرداخت به موقع بدهی، شرعاً حرام است به خصوص اینکه تسهیلات بانکی از محل سپرده‌های مردم پرداخت می‌شود و از نظر شرعی بانک‌ها باید به عنوان وکیل حافظ منابع و منافع سرمایه‌گذاران باشند.

با این حال در مورد دریافت وجه التزام اختلاف نظر وجود دارد. در اینجا دیون مشتری که در مواعد مقرر باید پرداخت شود مصداق ارزش پولی است که زمان دارد و بانک‌ها این ارزش را مد نظر قرار می‌دهند و هزینه زمانی آن را از مشتری اخذ می‌کنند. هر چند وجه التزام به عنوان ابزاری برای مقابله با تأخیر در پرداخت دین استفاده می‌شود ولی سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا از نظر فقهی وجه التزام دارد یا خیر؟ آیا هزینه زمانی در نظر گرفته شده با مبانی فقهی سازگار هست؟ و آیا اصلاً وجه التزام قیمتی است که مشتری بابت مدت زمانی که پول را در اختیار دارد می‌پردازد؟ از همه مهمتر پولی که بانک به مشتری داده از محل سپرده‌های دریافتی از مردم بوده و تا زمانیکه مشتری آن را پس ندهد بانک بهره آن را به سپرده‌گذاران داده، حال چه منطقی دارد که به بانک بگوئیم هزینه این پول را داده‌ای ولی حق دریافتش را نداری؟ حتی از باب تسبیب هم که شده مسئول این تأخیر مشتری بوده نه بانک.

بر اساس انواع ربا که در فصول قبلی توضیح داده شد، برخی از مراجع تقلید وجه التزام را مصداق بارز ربای جاهلی معرفی کرده و آنرا حرام می‌دانند. اما برخی دیگر همانند آنچه توسط شورای نگهبان تصویب شده است، اخذ وجه التزام را با شرایطی صحیح دانسته‌اند از جمله اینکه در متن قرارداد بانکی، اخذ وجه التزام به عنوان شرط ضمن عقد قید شده باشد، یا اینکه منظور بانک از وجه التزام جنبه بازدارندگی آن باشد نه برای سود بردن؛ یعنی اخذ وجه التزام به معنای رضایت بانک به تأخیر مشتری در پرداخت اقساط خود نباشد یا اینکه حق تأخیر در پرداخت دین برای مشتری قائل نباشد بلکه همچون جرایم رانندگی، صرفاً برای ملتزم کردن مشتری برای پرداخت به موقع بدهی باشد. به هر حال در اینجا باید میان دو نوع وجه التزام در عقود بانکی تمایز قائل شویم: اول وجه التزام تخلف از مفاد قراردادی و دوم، وجه التزام تأخیر در پرداخت دیون که به صورت جداگانه بررسی می‌کنیم.

### ۳-۷- تخلف از مفاد قراردادی

همچون سایر عقود، قراردادهای بانکی نیز دارای شروط و مفادی هستند که بانک‌ها بر مبنای آن اقدام به اعطای تسهیلات می‌نمایند. لذا بانک‌ها نیز برای اینکه مشتری را از تخلف از شروط مزبور منع کرده و وی را ملزم به مفاد قراردادی گردانند مبلغی را با عنوان وجه التزام تخلف از شروط قراردادی به صورت شرط ضمن عقد تعیین می‌کنند که

به موجب آن، گیرنده تسهیلات ملتزم می‌شود در صورت تخلف از مفاد و شرایط قرارداد، علاوه بر پرداخت اصل مبلغ تسهیلات، مبلغی نیز با عنوان وجه التزام به‌خاطر تخلف از مفاد

قرارداد پردازد.

در اینجا مبلغی که از مشتری معمولاً دریافت می‌شود، نرخ سود تسهیلات به علاوه ۶ درصد می‌باشد. اما موضوعی که مطرح می‌شود این است که با توجه به اینکه قرارداد منقضی شده است، و مشتری مبلغ وام را پرداخت نکرده، سودی که باید پرداخت کند بابت کدام توافق یا هزینه زمانی است؟ لذا در اینجا دیگر میباید سود تسهیلات از مشتری به عنوان هزینه زمان باشد بلکه و چون در متن قرارداد دیده شده، الزام وی به ایفای تعهدات که در ماده ۲۳۰ قانون مدنی تصریح گردیده ممکن است: اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی را به عنوان خسارت تادیه نماید حاکم نمیتواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است محکوم کند.

#### ۴-۷- تأخیر در پرداخت دیون

به طور کلی برای پرداخت دیون ناشی از قرارداد اعطای تسهیلات، موعد یا مواعیدی مشخص می‌شود که مشتری باید مطابق آن بدهی خود را تسویه نماید. برای اینکه مشتری از پرداخت به موقع بدهی تخلف ننماید، بانک در متن قرارداد به صورت شرط ضمن عقد مبلغی را به عنوان وجه التزام تأخیر در پرداخت دیون تعیین می‌نماید که به موجب آن مشتری ملتزم می‌شود در صورت تأخیر در پرداخت دیون، این مبلغ را به بانک پردازد. میزان این وجه التزام ابلاغیه‌های بانک مرکزی مشخص شده است و در متن عقود بانکی نیز درج می‌گردد که میزان آن بین ۶ الی ۱۴ درصد به تناسب دوره و مدت زمان تأخیر تعیین شده است.

مبلغی که مشتری در فرض اخیر باید پردازد را برخی بانک‌ها سود ادامه قراردادی که منقضی شده نامیده‌اند. این بدان معنی است که بانک چنین مبلغی را در قبال زمان دریافت می‌کند. در اینجا و در این صورت شبهه‌ای مطرح می‌شود که دریافت این مبلغ را با مشکل شرعی همراه می‌سازد. لذا بانک‌ها از استعمال چنین اصطلاحی خودداری می‌کنند. در واقع مطابق ضوابط بانک مرکزی، در متن قراردادهای اعطای تسهیلات قید وجه التزام به عنوان شرط ضمن عقد ضروری است. این امر به خاطر دوری از شبهه ربا و نگاه درآمدی به وجه التزام است. به همین دلیل، بانک‌ها در صورتی که مشتری مبلغ وام خود را زودتر از موعد پرداخت نماید مبلغی را به عنوان پاداش خوش حسابی در نظر می‌گیرند. یعنی اینکه برای زمان ارزش پولی در نظر می‌گیرند.

#### ۵-۷- چالش‌های فقهی

دریافت جریمه دیرکرد بازپرداخت تسهیلات بانکی از جمله بحث‌های چالشی و مورد نقد نظام بانکداری بدون ربا در ایران است. به کارگیری راهکار دریافت جریمه دیرکرد بر مبنای شرط ضمن عقد درباره حل معضل مطالبه‌های معوق از جمله بحث‌های جنجالی در دوران پس از

انقلاب شمرده می‌شود که امروزه بیش از هر زمان دیگر انتقاد شده است. گرفتن این جریمه از لحاظ فقهی مورد مناقشه است و از لحاظ کارآمدی و اقتصادی روش مطلوبی برای کاهش معضلات مطالبه‌های معوق در کشور نیست.

در یک نگاه کلی دریافت جریمه دیرکرد، به نظر برخی از فقها، مخالف با موازین شرعی است و از نظر گروهی دیگر با در نظر گرفتن شرایطی، راهکاری صحیح و مشروع برای حل معضل مذکور به شمار می‌آید. طرفداران دیدگاه مشروعیت، دریافت جریمه دیرکرد در عقود بانکی را بر اساس دو مبنا صحیح و مشروع می‌دانند. مبنای اول شرط

کیفری مالی است که از نظر فقهی تحت عنوان قاعده المؤمنون عند شروطهم قرار می‌گیرد و مبنای دوم نیز تعزیر مالی مشتری متخلفی است که با وجود تمکن مالی در ایفای تکلیف شرعی خود یعنی ادای دین کوتاهی نموده است. مخالفان دریافت جریمه دیرکرد نیز بر این باورند که دریافت این جریمه در عقود بانکی بر اساس دو مبنای شرط کیفری مالی و تعزیر مالی متخلف مخدوش است. این دسته از فقها بر این قائلند که شرط دریافت جریمه از مشتریان بدحساب بر اساس مبنای اول به جهت ربوی بودن، باطل محسوب می‌شود، زیرا دریافت زیاده بر مبلغ اصلی دین اگر در قرارداد قرض باشد، شرط سود به شمار می‌آید و اگر در سایر عقود باشد، مصادق ربای جاهلی است. همچنین مبنای دوم نیز به جهت قرار گرفتن در زمره امور قضایی برای نظام بانکی که متشکل از بانک‌ها و موسسات دولتی و خصوصی است، کاربردی ندارد.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر می‌توان گفت که دریافت خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای ضمان کاهش ارزش پول استوار است. در واقع اگر مدیون با وجود مطالبه داین و برخورداری از تمکن مالی لازم ادای دین را به تعویق اندازد و از زمان سررسید تا تاریخ تسویه کامل مالیت و قدرت خرید پول با کاهش مواجه شود، به طور قطع و مستندا به ماده ۵۲۲ قانون این دادرسی مدنی می‌بایست آن را جبران کند، زیرا با فعل خود یعنی تأخیر در پرداخت بدهی به نحوی در ورود ضرر ناشی از این کاهش به صاحب پول دخیل بوده و بر ذمه اوست که نرخ تورم را بر مبلغ اصلی دین بیفزاید تا معادل ارزش واقعی دین را به طلبکار پرداخت کرده باشد و بری الذمه شود. در واقع اگر تنزل ارزش پول بین زمان تحقق دین و ادای آن به نحو فاحش باشد، عرف وقتی مدیون را بری الذمه می‌شمارد که معادل ارزش واقعی پول را به داین بپردازد. بنابراین اگر مدیون تنها به پرداخت ارزش اسمی پول اکتفا کند عرف عام او را بری الذمه نمی‌داند.<sup>۲</sup> ضمن اینکه در آیه شریفه ۲۷۹ سوره بقره با بیان لاتظلمون و لا تظلمون تصریح می‌دارد که وام دهنده نیز نباید مورد ظلم قرار

۱ رحیم پور، حامد، جرایم دیرکرد؛ از شروط مراجع تا عملکرد بانک‌ها، روزنامه اصبح ایران، ۱۳۹۳، ص. ۱۰.  
 ۲ ملاکریمی خوزانی، فرشته، بررسی مبنای دریافت جریمه دیرکرد و خسارت تأخیر تأدیه در نظام بانکی، ویژه نامه بانکداری اسلامی، ۱۳۹۰، ص. ۲۰.

گیرد بدیهی است می باید ارزش واقعی پول خود را دوباره دریافت کند وگرنه به او ظلم می‌شود اما این راهکار از جهت فقهی محل بحث است. گروهی از فقیهان به عدم مشروعیت ضمان کاهش ارزش پول به صورت مطلق حکم داده اند. یعنی چه پرداخت بدهی به موقع باشد و چه با تأخیر انجام شود اگر پدیده کاهش ارزش پول اتفاق افتد، مدیون به پرداخت مبلغ اسمی بدهی مؤظف است و جبران کاهش ارزش پول بر وی لازم نیست. آنان در حکم به عدم جواز به دلایلی مانند مثلی بودن پول و شبهه ربا استناد کرده اند. در برابر گروه اول، برخی از فقیهان باور دارند اگر در شرایط تورمی ارزش پول با کاهش روبه رو شود، جبران آن بر عهده مدیون است. آنان باور دارند آنچه در پول امروزی اعتبار دارد، مالیت، ارزش و قدرت خرید آن است، بنابراین آنچه در ادای دین باید مراعات شود، پرداخت پول به همان میزان قدرت خرید است.

بعد از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، نظام بانکی با استناد به موافقت شورای نگهبان، متناسب با انواع قراردادهای بانکی ماده‌ای را به صورت شرط ضمن عقد، در متن قراردادهای بانکی گنجانده که در نتیجه آن مشتری به مقتضای شرط ضمن عقد متعهد می‌شود در صورت تأخیر در پرداخت بدهی مبلغی معادل دوازده درصد بدهی به عنوان جریمه تأخیر به بانک بپردازد.

این راهکار گرچه مورد تأیید شورای نگهبان بوده و نظام بانکی ایران به استناد آن عمل می‌کند، اما از جهت فقهی محل بحث است و فقیهان نسبت به جواز آن شبهه‌هایی را وارد دانسته‌اند. تحلیل فقهی این موضوع که در بحث‌های فقهی تحت قاعده مطرح می‌شود، نشان می‌دهد که هر شرط ضمن عقدی که اولاً مخالف مقتضای عقد نباشد؛ ثانیاً مخالف کتاب و سنت نباشد و ثالثاً مورد توافق طرفین باشد، صحیح و مانند عقد لازم الوفا است. شبهه‌های وارده به این راهکار اغلب مربوط به شرط دوم می‌شود، چرا که احتمال وقوع ربای قرضی یا ربای جاهلی افزایش دین در برابر تمدید مدت و نیز احتمال به کارگیری حيله برای دریافت ربا از جمله مواردی است که چنین شبهه‌هایی را پدیدار ساخته است.

به ظاهر امر عملکرد بانک‌ها در اینکه به بدهکار این اختیار عمل را می‌دهند که اصل بدهی را در سررسید تأدیه کنند یا با تأخیر اصل بدهی و اضافه‌ای بر آن را بپردازند به معنای استمهال در ازای پرداخت اضافه است و در دایره ربای جاهلی قرار می‌گیرد. از آنجا که موضوع قراردادهای بانکی دین است یا در سررسید به دین تبدیل می‌شود ماهیت و حکم شرط گرفتن جریمه در قراردادهای گوناگون بانکی بدون تغییر باقی می‌ماند.<sup>۱</sup>

۱ قلیچ، وهاب، ملاکریمی، فرشته، تحلیل چالش‌های جریمه تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا و ارائه راهکار جایگزین، اقتصاد اسلامی، سال پانزدهم، ش. ۵۹، ۱۳۹۴، صص. ۱۲۹-۱۵۵، صص. ۷-۱۰

## نتیجه‌گیری

۱- در بانکداری اخلاق محور بخصوص اخلاق اسلامی که مورد بحث ما میباشد میبایست اصول اخلاقی حاکم بر بانکداری اسلامی در تمام بخش‌های بانکداری حاکم باشد تا بانک بتواند علاوه بر اهداف متعارف نظام بانکی، با احترام به حقوق احاد جامعه به حفظ ثبات نظام اقتصادی اجتماعی، صیانت از محیط زیست و اجرای عدالت اقتصادی به بهبود کیفیت زندگی بشر کمک برساند.

۲- در فقه اسلام همه فقها قبول دارند در هر معاوضه‌ای عوضین باید مالیت داشته باشند و صرف مال بودن کفایت نمی‌کند چرا که مال امری است اصیل و ناظر بر علت مادی و وجودی اما مالیت امری است تبعی برخاسته از دستگاه‌های اعتباری و بشری و به همین دلیل خوشبختانه در کتب فقهی ملاحظه می‌شود فقهاء عظام بین یخ در زمستان با یخ در تابستان حسب وصف زمانی آن تفاوت قائل شده‌اند در حالیکه از نظر مال بودن تفاوتی ندارد این کالا (یخ) همان کالا است علیهذا با تفصیل و قیودی ارزش زمان را می‌پذیرند و در این راستا میتوان به قاعده معروف (و للاجل قسط من الثمن) نیز اشاره کرد بخصوص در معاملات سلف که ثمن حال و مثنی موجب است این تأخیر در تحویل مثنی را مجوزی برای پرداخت ثمن کمتر از قیمت حال می‌پذیرند و عکس آن نیز در معامله نسبه یا اقساطی که مثنی حال است و ثمن موجب این تأخیر در دریافت ثمن را مجوز اخذ قیمت بیشتر نسبت به قیمت حال می‌دانند.

بنابراین نتیجه به رسمیت شناختن ارزش برای زمان به این معنی است که در تسهیلاتی که بانک‌ها با هدف اجرای طرحهای تولیدی، خدماتی و بازرگانی (بجز قرض الحسنه که احکام خود را دارد) به کارآفرینان می‌پردازند هم، زمان دارای ارزش است و اگر برای زمان ارزش قائل شویم که قطعاً دارای ارزش است در اینصورت ارزش زمان در بازپرداخت تسهیلات به عنوان هزینه تمام شده پول لحاظ می‌گردد نه زیادتی مصداق ربا.

لذا مشاهده می‌شود اولین ویژگی بانکداری متعارف این است که در این سیستم، قرض در مقابل بهره و با تضمین اصل سرمایه صورت می‌گیرد و دومین ویژگی بانکداری متعارف، خلق پول اعتباری توسط بانک‌ها است و اثر این دو شاخصه در اقتصاد کلان منجر به توزیع ناعادلانه ثروت می‌شود. هم در مسیر بانکداری ذخیره جزئی و هم قراردادهای ربوی ممکن است تولید ثروت کنند اما در زمان توزیع ثروت، بی‌عدالتی پدید خواهد آمد و به همین دلیل رباخواری در نزد اسلام مذموم و به شدت منع شده است چرا که دین اسلام معتقد است ثروت باید در میان همه مردم به صورت عادلانه تداول داشته باشد.

در قانون عملیات بانکی بدون ربا فرض را بر این گرفته‌اند که خلق پول، حق مُسَلَّم

بانک‌هاست اما باید سعی کنیم در تخصیص منابع از عقودی شامل عقود مبادله‌ای و مشارکتی استفاده کنیم که مبتنی بر بانکداری اسلامی باشد این به عنوان قدم اول خوب است اما کافی نیست لذا لازم است اولاً: فرق زیادتی دریافت نمودن به دلیل ربا با زیادتی دریافت نمودن به دلیل هزینه تمام شده پول مثل ارزش زمانی پول و نیز دریافت نمودن زیادتی به دلیل کاهش ارزش پول ناشی از تورم فرق قائل شویم و البته به وسیله خبرگان این مرزبندی مشخص شود بعد بگویند حالا اضافه دریافتی از این مبالغ مصداق رباست و حرام و ممنوع است.

ثانیاً: فرق اضافه دریافتی در پول قرض داده شده برای رفع حوائج شخصی که طرفین دیدگاه تجاری و درامدی به آن ندارند با پول تجاری که برای سرمایه‌گذاری و کسب منفعت تعریف و تعیین شود، در اولی قرض دهنده به عنوان امر عبادی با خدا معامله میکند ولی در دومی یک امر تجاری و با هدف سود اوری اقدام میشود که مصداق تجارتا عن تراض میباشد. تنها در این صورت و پس از این شفاف سازی مردم دیگر تصور نخواهند کرد که عقودشان صوری است و با رعایت مرزبندی توسط خبرگان مردم کسب حلال را انتخاب کرده و به سمت ربا نخواهند رفت.

با سپاس فراوان از تمامی اساتیدی که از محضرشان فیض برده‌ام.



## فهرست منابع

قرآن کریم

- ۱- باقری محمود، رحمانی سعید، حمایت از حقوق مصرف کننده در نظام بانکی، پژوهشکده پولی بانکی بانک مرکزی، تهران، ۱۳۹۶
- ۲- عیوضلو، حسین، کریمی، مجید، شناسایی و اندازه‌گیری شاخص عدالت و کارایی در نظام بانکی؛ مورد مطالعه: بانک توسعه صادرات ایران، استان اصفهان، دوره ۸، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۴
- ۳- السان، مصطفی، حقوق پرداخت‌های بانکی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، ۱۳۹۰
- ۴- توتونچیان، ایرج، اقتصاد پولی، بانکداری، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، ۱۳۷۵
- ۵- زمانی فراهانی، مجتبی، پول، ارز و بانکداری، تهران، ترمه، ۱۳۸۹
- ۶- ماجد، علی، گلریز، حسن، پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مرکز آموزش بانکداری، تهران، ۱۳۶۷
- ۷- حسینی بهشتی، سید محمد، بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلامی، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید دکتر بهشتی، تهران، ۱۳۸۷
- ۸- زمانی فراهانی، مجتبی، بانکداری خارجی، ترمه، تهران، ۱۳۸۵
- ۹- بهنود، محمد و سایرین، بانکداری داخلی یا تجهیز منابع، موسسه عالی آموزش بانکداری ایران، تهران، ۱۳۸۹
- ۱۰- حسینی دولت‌آبادی، سید مهدی، هجدهمین نشست نقد پژوهش‌های بانکداری و مالی اسلامی (سلسله جلسات نقد و بررسی پژوهش‌های بانک‌داری و مالی اسلامی)، «ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی»، ۱۳۹۵
- ۱۱- ملاکریمی خوزانی، فرشته، بررسی مبانی دریافت جریمه دیرکرد و خسارت تأخیر تأدیه در نظام بانکی، ویژه نامه بانکداری اسلامی، ۱۳۹۰
- ۱۲- زمانی، محمود، نقش زمان و مکان در اجتهاد از دید شهید صدر، نقد و نظر، سال دوم، ش. ۵.
- ۱۳- زاهدی وفا، محمدهادی، پیغامی، عادل، پول و زمان در نظریه توزیع اقتصاد اسلامی، مطالعات اقتصاد اسلامی، سال دوم، ش. یک، ۱۳۸۸



نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۱۱ - ۲۲۲

## بر قامت کرامت انسانی به عنوان مفهومی اخلاقی قبای نظام حقوقی شایسته‌سالاری

<sup>۱</sup> سعید قبییدیان<sup>۲</sup> علی اکبر گرجی ازندریانی<sup>۳</sup> بیژن عباسی

### چکیده

یکی از موضوعات مهم در قلمرو حقوق، کرامت انسانی است. این موضوع از این جهت دارای اهمیت است که خود پایه بسیاری از حقوق، امتیازات و تکالیف انسانی شناخته می‌شود و امروزه کرامت انسانی نه تنها به عنوان یک حق غیرقابل سلب شناخته می‌شود، بلکه مبنای حقوق بشر است. از آنجایی که اداره امور عمومی با تکیه بر نظام حقوقی، نقش‌ها، حقوق و تکالیف را در یک جامعه مشخص می‌کند، و به نیازهای جامعه پاسخ می‌دهد، بر سرنوشت جامعه و کرامت انسانی تاثیرگذار است. شایسته‌سالاری به عنوان مفهومی شاخص در مدیریت، به دلیل اینکه به توانمندی انسان‌ها و تبدیل آن به توانایی توجه کرده و نقش‌ها، حق‌ها و تکالیفی برای بهره‌مندی از توانایی‌های انسان‌ها در اجتماع، پیش‌بینی می‌کند، نقش بسزایی در بهبود نظام حقوقی دارد. پرسش پژوهش پیش رو این است که آیا شایسته‌سالاری در نظام حقوقی منتهی به کرامت انسانی می‌گردد؟ به نظر می‌رسد که شایسته‌سالاری به دلیل تاثیری که در ایجاد نظام حقوقی کارآمد از طریق پاسخگویی به نیازهای انسان و ایجاد اداره مطلوب امور عمومی دارد، منتهی به بهبود اخلاق عمومی و کرامت انسانی می‌شود. پژوهش پیش‌روی، با روش توصیفی و تحلیلی و روش گردآوری کتابخانه‌ای، بابررسی و نقداطلاعات، به توصیف و تفسیر آنچه که باید باشد، می‌پردازد.

### واژگان کلیدی

اداره امور عمومی، اخلاق، شایسته‌سالاری، کرامت انسانی، نظام حقوقی.

۱. دانشجوی دوره دکترای رشته حقوق، گرایش حقوق عمومی، دانشگاه تهران، واحد پردیس بین‌المللی کیش.  
Email: Ghabidian.s3@gmail.com (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی تهران.  
Email: Gorji110@yahoo.fr

۳. دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه تهران.  
Email: babbasi@ut.ac.ir

## طرح مسأله

کرامت انسان، اخلاق و حیثیتی است که همه انسان‌ها به جهت داشتن توانایی فکر کردن، قدرت انتخاب، آزادی اراده و وجهه الهی، به طور فطری و یکسان از آن برخوردارند. در صورت بی‌توجهی به کرامت انسانی<sup>۱</sup>، ارزش‌هایی مانند عدالت<sup>۲</sup>، آزادی، برابری و صلح معنا و مفهوم خود را از دست می‌دهند و ما بیننده جهانی پر از ستم، بی‌عدالتی و خشونت خواهیم بود.

بنابراین انسان‌ها برای زیستن اجتماعی، نیازمند رعایت کرامت انسانی هستند که تحقق آن تا حدود زیادی نیازمند اداره مطلوب امور عمومی است. اداره امور عمومی، با نگرش به اقتداری که دارد، با سیاست‌گذاری، تصویب و اجرای قوانین و تعیین ضمانت اجرا، نقش‌ها، حقوق<sup>۳</sup> و تکالیف<sup>۴</sup> را در یک جامعه مشخص می‌کند، و به نیازهای جامعه پاسخ می‌دهد، و بدین ترتیب بر کیفیت و کمیت زندگی انسان‌ها و کرامت انسانی تأثیر اساسی می‌گذارد.

اداره امور عمومی برای تحقق نیازمند نظام حقوقی است، و بنابراین نوع نظام حقوقی برای دستیابی به اداره مطلوب امور عمومی مورد توجه است. شایسته‌سالاری<sup>۵</sup> به عنوان یک نظام حقوقی که منابع انسانی را هم‌سو با نیازهای درون جامعه پرورش داده و در جایگاه مرتبط با توانایی خود قرار می‌دهد، و با پاسخگویی<sup>۶</sup> به نیازها، نظام حقوقی کارآمدی<sup>۷</sup> را بوجود می‌آورد، نقش بسزایی در اداره مطلوب امور عمومی و توجه به کرامت انسانی دارد.

خوشبختانه در قانون اساسی<sup>۸</sup> جمهوری اسلامی ایران، به موضوع شایسته‌سالاری اشاره شده و در بخش مقدمه، آرمان قانون اساسی حرکت به سوی خداوند بیان گردیده است که حرکت به سوی این آرمان، از طریق خودسازماندهی<sup>۹</sup> که همان توجه به توانمندی‌ها<sup>۱۰</sup> و تبدیل آن به توانایی و بهره‌مندی از آن در جامعه می‌باشد، مشخص شده است.

در این چهارچوب، تلاش می‌شود که برای مشخص شدن تأثیر شایسته‌سالاری بر کرامت انسانی، ضمن بیان مفاهیم مرتبط، به ارتباط نظام حقوقی شایسته‌سالاری با کرامت انسانی پرداخته و توجه قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان نظامی که خود را مقید به اخلاق و مذهب می‌داند، به مفهوم شایسته‌سالاری، بررسی شود.

## مفاهیم

### اداره مطلوب امور عمومی

اداره از نظر لغوی به معنی گرداندن، نظام دادن می‌باشد، (۱) و مفهوم اداره عبارتند از سازماندهی امور مردم و توجه کردن به کارهای آنان است. (۲) اداره امور عمومی نیز به معنای چگونگی اداره امور دولت می‌باشد.

اداره مطلوب امور عمومی اصطلاحی است که بر الگوی سالم اداره سازمان‌های اجتماعی

دلالت دارد. این نوع اداره به تحقق جامعه سالم و رو به پیشرفت کمک می‌کند، و اداره فاسد نیز به سرعت جامعه را به فساد می‌کشاند.

### کرامت انسانی

کرامت در لغت دارای معانی گوناگونی است که مهمترین آن عبارت است از: ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شان، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه، منزلت، نزهت از آلودگی و پاک بودن از آلودگی. (۳)

علامه محمدتقی جعفری درباره کرامت انسانی بیان می‌کند که: «در اسلام دو نوع کرامت برای انسان‌ها ثابت شده است: ۱- کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان‌ها مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیات و جنایت بر خویشتن و دیگران آن‌را از خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند. ۲- کرامت ارزشی که از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است و ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است.» (۴)

### شایسته‌سالاری

خداوند حکومت و سروری بر زمین را برای بندگان صالح و شایسته<sup>۱۱</sup> می‌داند: «ان الارض یرثها عبادی الصالحون» (آیه ۱۰۵ سوره انبیاء)، و سنت الهی چنین است که خداوند به هیچ‌کس جز براساس شایستگی و اهلیت‌های لازم مسئولیتی نمی‌دهد. بنابراین در اسلام موضوع شایسته‌سالاری اهمیت فراوانی دارد.

شایسته در فرهنگ لغت به معنای درخور، سزاوار، لایق و محترم آمده است. (۱) و واژه شایسته‌سالاری از دو واژه مستقل شایسته و سالاری بوجود آمده و مفهوم جدیدی را ایجاد نموده است. سالار به معنای سردار و پیشرو است. بنابراین شایسته‌سالاری در لغت به معنای پیشرو بودن در شایستگی است.

شایسته‌سالاری به مفهوم گزینش براساس معیارهای همگانی مانند تخصص، تجربه، کارایی، علاقه، توانایی و اجتناب از گزینش براساس معیارهای اختصاصی مانند وابستگی، دلبستگی به مرام خاصی مانند روابط خانوادگی، توصیه‌ها، منزلت اجتماعی و طبقاتی، زبان، قومیت، نژاد، فرقه، رابطه و باندبازی می‌باشد. (۵)

چنانچه شایسته‌سالاری را به معنای اداره امور بر مبنای شایستگی بدانیم، شایسته‌سالاری نباید همواره متمرکز بر شناسایی و به‌کارگیری افراد شایسته باشد، و بلکه باید همه زوایای اداره امور عمومی را در چهارچوب شایسته‌سالاری بازتعریف نماییم تا به جامعه شایسته‌سالار دست یابیم. بدین معنا که همه افراد جامعه در اداره امور عمومی نقش‌آفرینی کنند؛ به‌این ترتیب که توانمندی آنان شناسایی و زمینه تبدیل شدن توانمندی آنان به توانایی فراهم گردد تا نیازهای

جامعه با بهره‌مندی از توانایی‌های تک‌تک افراد جامعه، پاسخ داده گردد و کسانی که بیشترین شایستگی را در جامعه از خود نشان می‌دهند، در جایگاه‌های بالاتری از اداره امور جامعه نقش آفرینی کنند.

### نظام حقوقی

نظام حقوقی، فرآورده دانش حقوق است که بنا به دیدگاه حقوقی راسکو پاوند، به مهندسی اجتماع می‌پردازد (۶). از دیدگاه حقوق، در جهان هستی راه‌کارها بر پایه نظامی است که بر مجموعه قواعد حقوقی حاکم می‌باشد و آن را باید بر هر قاعده دیگر برتر دانست. (۷)

نظام حقوقی؛ مجموعه‌ای از هنجارهای حقوقی است و این مجموعه هنگامی یک نظام را بوجود می‌آورد که سرچشمه اعتبار هنجارها، به یک هنجار اصلی بازگردد. و در واقع هنجار اصلی، سبب یگانگی همه هنجارهای تشکیل دهنده یک نظام می‌شود. (۸)

اعتبار نظام حقوقی حاکم بر رفتار انسان‌ها، به رفتار بالفعل افراد جامعه وابسته است و رفتارهای آنان سبب می‌شود که هنجار اصلی یک نظام حقوقی توجیه گردد. بنابراین می‌توان گفت که اعتبار نظام حقوقی به کارآمدی آن وابسته است که برابر آن نظام حقوقی توانایی ایجاد رفتارهایی در جامعه دارد که با هنجار اصلی مطابقت دارد. (۸)

نظام حقوقی ابزار ضروری برای اداره امور عمومی است و این نظام می‌تواند با آرایه راهکارهای استاندارد، از انحصارطلبی حقوق جلوگیری و اصل سودمندی همه برای هم را طراحی و عملیاتی نماید. بنابراین وظیفه اصلی حقوق، اجرای اخلاق<sup>۱۲</sup> است (۹) و توانایی گسترش اخلاق مطلوب که منتهی به جامعه مطلوب می‌شود را دارد.

### قواعد و مقررات

قواعد و مقررات به عنوان ابزار نظام حقوقی و موثر در اداره مطلوب امور عمومی و کرامت انسانی، باید دارای ویژگی منظم‌ساز، روابط‌ساز و توانمندساز در عرصه اجتماع باشند، تا بتواند با جذب رفتارهای جامعه به سوی خود، کارآمدی نظام حقوقی را شکل دهد. بنابراین برای مشخص شدن ضرورت این ویژگی‌ها برای قواعد و مقررات، به بررسی هریک از آنها می‌پردازیم.

### منظم‌سازی اجتماعی<sup>۱۳</sup>

برای زندگی در جهان انسان‌ها و حل مسایل و رعایت کرامت انسانی، نیازمند حقیقت هستیم. حقیقت مفهومی است که برای اشاره به اصل هر پدیده استفاده می‌شود. اصل هر پدیده، چیزی است که وجودش سبب بودنش و عدم وجودش سبب نبودن آن می‌گردد. نظم سبب بودن و بی‌نظمی سبب نبودن است، بدین معنا که براساس نظم یک پدیده شکل می‌گیرد و چنانچه نظم خود را از دست بدهد، ضعیف می‌شود و سرانجام از میان می‌رود. برای زندگی در جهان انسان‌ها

و دستیابی به اخلاق، نیازمند نظم هستیم، چراکه در بی‌نظمی، بی‌برنامگی و روابط سودجویانه، ظهور می‌کند.

بنابراین از دیدگاه نویسنده، اصل و حقیقت هر چیزی نظم می‌باشد و ابزار شناخت نظم، علم است. نظم در ایجاد نظام حقوقی مطلوب که به کرامت انسانی پایند باشد، موضوعی حیاتی است و باید در هنگام تصویب قوانین، نظم‌دهی در امور، نخستین هدف قانونگذار باشد.

### روابط‌سازی اجتماعی<sup>۱۴</sup>

موجودات برای زیستن وابسته به محیط هستند و راز بقا، ارتباط موثر با محیط است. از دیدگاه تاریخی، انسان‌ها به دلیل محدودیت‌ها و پاسخ‌دهی به نیازهایشان، وارد کانون‌های خانواده، قوم، شهر و کشور شده‌اند، (۱۰) و بدین ترتیب به برقراری ارتباط با یکدیگر و رعایت اخلاق در جامعه پرداخته‌اند.

انسان‌ها دارای سرشت تاثیرپذیر هستند و نخستین تاثیری که از محیط دریافت می‌کنند، از خانواده و جامعه است. افراد درون یک جامعه پرورش می‌یابند و ویژگی‌های سالم و یا ناسالمی که به دست می‌آورند، به جامعه خویش بازمی‌گردانند. بنابراین سلامت یک جامعه وابسته به نظام روابطی حاکم در آن است و روابط در جامعه مطلوب، همان‌گونه که در خانواده مطلوب مبتنی بر حس احترام و دوستانه است، باید اخلاقی باشد.

حاکمیت که فلسفه وجودی‌اش برخواسته از پاسخگویی به نیازهای مردم است، (۱۱) نیازمند رابطه با جامعه خویش و کنترل روابط درون آن است و این موضوع از طریق روند جامعه‌پذیری تحقق می‌یابد. در این روند، نظام حقوقی، دارای محتوایی منظم از نقش‌ها، حق‌ها و تکالیف است، تا مردم بانگش به حقوق و تکالیف و نقش‌هایی که می‌توانند برعهده بگیرند، به اداره مطلوب امور عمومی کمک نمایند. در این روند حکومت، با در نظر گرفتن سودمگانی که در ختم‌سازی قرار می‌گیرد (۱۲) روابط درون یک جامعه را تنظیم می‌کند، و مردم در مواجهه با این نظام حقوقی، متوجه زمینه‌های برقراری ارتباط اخلاقی خود با حکومت می‌شوند که در نتیجه آن، حس توجه به مسائل اخلاقی و کرامت انسانی در جامعه بیشتر می‌شود.

### توانمندسازی اجتماعی<sup>۱۵</sup>

خداوند، در درون هر شخصی توانمندی قرار داده تا خود اولیه را تغییر و رشد دهد و در جامعه خویش تاثیرگذار باشد. بنابراین هر انسانی دارای توانمندی است و تبدیل توانمندی به توانایی و جاگیری او در کاری متناسب با توانایی‌اش که منتهی به رشد و قدرتمندی او می‌گردد، بهترین هدیه اخلاقی به اوست که کرامت فرد در جامعه را می‌آفریند. در جوامعی که به این مسئله توجه می‌کنند، توانایی انسان‌ها به دلیل خودسازی، رشد می‌یابد و افراد دارای قدرت‌درونی می‌گردند؛ و به مرور زمان این‌گونه جوامع نسبت به دیگر جوامع ممتاز می‌شوند. در این راستا،

فیلسوفان سیاست در دوران جدید بازگو داشته‌اند که بدون توجه به سرشت انسان و نیازهای او نمی‌توان پیرامون قدرت و دولت نظریه‌پردازی نمود. (۱۳)

بنابراین می‌توان گفت که توانمندی هر انسانی بیانگر بخش مهمی از ذات اوست و انسان با فراهم شدن امکان بهره‌مندی از توانایی‌های خویش، حس رضایت به دست می‌آورد و بدین- ترتیب نظم هر جامعه‌ای هنگامی رخ می‌دهد که میان ذات انسان و رضایت او و نیازهای اجتماع، ارتباط‌سازی شود و این ارتباط به نظر می‌رسد که از طریق مفهومی به نام توانمندسازی اجتماعی شکل می‌گیرد؛ که نقش پررنگی در توجه به کرامت انسانی دارد.

### نظام حقوقی شایسته‌سالار

به تناسب افزایش تجربه و دانش، انسان‌ها و جوامع دگرگون می‌شوند. دانش، مقوله‌ای انسانی است و افراد قلب مدیریت دانش‌اند. (۱۴) دستیابی به اداره مطلوب که منتهی به اخلاق مطلوب در جامعه گردد، نیازمند انسان‌هایی است که با ساختن و پرداختن خود به توانایی و دانایی رسیده‌اند، و ذهنیت پرداختن به مسائل جامعه را دارند. در این باره افلاطون باور دارد که بیشتر انسان‌ها، ساده‌بین، راحت‌طلب و ناتوان در کشف حقیقت هستند و شمار اندکی می‌توانند به هدایت جامعه پردازند. (۱۳)

شایسته‌سالاری نماد خرد و مردم‌سالاری است و غایت آن به نتیجه رساندن دانش و عقل در قوم‌های انسانی است. (۱۳) آمارتیا سن، استاد برجسته اقتصاد و فلسفه دانشگاه هاروارد و برنده جایزه نوبل در سال ۱۹۹۸، در این باره بازگو می‌نماید که: «ترویج خوبی یا تسلیم در برابر درستی دو مقوله قابل ستایش هستند. بنابراین حمایت از فرد شایسته، دارای منطقی عقلانی است». (۱۵)

دامنه تاثیرگذاری شایسته‌سالاری و ایجاد نظم‌ها و هنجارهای دور و نزدیک ناشی از آن، آن‌را در قامت یک نظام حقوقی به نمایش می‌گذارد. نظام حقوقی شایسته‌سالاری مبتنی بر شناخت، اثرگذاری و نتیجه‌گرایی است و به دلیل اینکه بستر پله‌های پیشرفت و پایان‌یافتن تبعیض‌ها را فراهم می‌کند، عادلانه‌تر و مولدتر از دیگر نظام‌ها است. (۱۳) این نظام حقوقی، در برون‌رفت چالش‌های پیشرفت افراد زیرک و سخت‌کوش در رسیدن به جایگاه‌های مدیریتی موثر است. (۱۳) این نظام حقوقی، با شفاف‌سازی فرایندها و توانمندسازی جامعه، زیرساختار عادلانه‌ای را شکل می‌دهد که طی آن همه شهروندان در تعیین سرنوشت خود نقش‌آفرینی می‌کنند.

### رابطه شایسته‌سالاری با کرامت انسانی

اداره مطلوب امور عمومی، مبتنی بر شناخت از حقوق و تکالیفی است که به همه نیازهای جامعه توجه می‌کند و سبب می‌گردد حکومت در خدمت مردم قرار گیرد. در این صورت می‌توان از حکومت انتظار داشت که بتواند به رسالت خود که رسیدگی به مشکلات مردم است، (۱۷) پاسخ



دهد. این پاسخگویی از نشانه‌های اداره نوین است (۱۸).

اداره امور عمومی از طریق نظام حقوقی، بر سرنوشت جامعه و کیفیت و کمیت زندگی انسان‌ها تاثیر اساسی دارد، و اگرچه اخلاق از سوی افراد جامعه بروز پیدا می‌کند، ولیکن نظام حقوقی حاکم، با تصویب قوانین، به آن دسته از نیازهای جامعه که متمایل است، پاسخ می‌دهد و رفتارهای افراد جامعه را با تعیین حقوق و تکالیف، هدایت می‌کند.

در نظام حقوقی شایسته‌سالار؛ به توانمندی انسان‌ها و تبدیل آن به توانایی توجه می‌شود و با ایجاد زمینه رشد توانمندی افراد و تبدیل آن به توانایی و جایگاه‌سازی برای توانایی‌های آنان در نقش‌هایی که در یک جامعه باید ایفا نمایند، به ایجاد نظم و مطلوبیت اداره امور کمک می‌کند. در این باره لوئیزی، بازگو داشته است که: «اگر به شیوه‌های گوناگون توانمندی‌های خود را شکوفا کنیم، بدترین زندگی به بهترین تبدیل خواهد شد» (۱۹) بنابراین با تحقق اداره مطلوب امور عمومی، به عنوان یک حق عمومی، زمینه توجه به کرامت انسانی در جامعه فراهم می‌شود. شایسته‌سالاری مفهوم کیفی است که ویژگی‌های کیفی را بر قانون اداره امور جامعه حاکم می‌نماید و در اداره امور چنانچه به شایسته‌سالاری بی‌توجهی شود، زمینه ورود ناشایستگان در اداره امور فراهم می‌شود. در این راستا، ملاک انتخاب اغلب افراد، بر مبنای فامیل‌بازی، قوم‌گرایی و پارتی‌بازی می‌گردد، و پنهان‌کاری، عدم پاسخگویی، ناکارآمدی، بی‌نظمی، بی‌عدالتی و بی‌توجهی به قانون، عادت مدیران می‌شود. ولیکن در اداره امور عمومی بر مبنای شایسته‌سالاری، شفافیت، پاسخ‌گویی، اثربخشی، نظم، برابری و حاکمیت قانون تضمین می‌شود و در این ساختار، معیارهایی به مانند تعهد، تخصص، توانایی، تجربه و دلسوزی ملاک انتخاب افراد شایسته قرار می‌گیرد. (۵)

نظام حقوقی شایسته‌سالاری، با طراحی قرارداد اجتماعی و حقوقی که نقش‌ها، حق‌ها و تکالیف در آن مشخص است، آغاز می‌گردد. در این طراحی، نقش‌های اجتماعی به شهروندان معرفی و با به دست آمدن مهارت در نقش اجتماعی، حق جایگاه آن نقش اجتماعی به فرد تعلق می‌گیرد. تحقق این روند سبب کرامت انسانی در یک جامعه شده و اعتبار ملی برای کشور را در صحنه بین‌المللی بوجود می‌آورد.

### شایسته‌سالاری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی که بیانگر آرمان یک ملت، شکل و ساختار حاکمیت، تکالیف و حقوق حکومت، حقوق و تکالیف ملت، چگونگی روابط میان قوای حکومت و روابط مردم با آن است، نقش مهمی در سرنوشت یک ملت و کرامت انسانی دارد. خوشبختانه در قانون جمهوری اسلامی ایران، آرمان نظام، حرکت به سوی خداوند مطرح شده و این موضوع در مقدمه قانون اساسی و در مبحث شیوه حکومت در اسلام بیان گردیده است.

در این بخش آمده است که جامعه با خودساماندهی، به سوی خداوند حرکت می‌کند. بنابراین شیوه حاکمیت در اسلام، خودساماندهی است، و رسالت قانون‌اساسی ایجاد زمینه‌هایی است که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی، پرورش یابد و مانع هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی گردد و مردم حاکم بر سرنوشت خود شوند.

برابر مقدمه قانون‌اساسی، مدیریت نهادها و بنیان‌های سیاسی با صالحان است و به روشنی بیان شده که هدف از حکومت، رشد دادن انسان به منظور تجلی ابعاد خدا گونه انسان است، و قانونگذار این را جز در گرو مشارکت موثر و گسترده همه عناصر اجتماع در روند تحول جامعه، نمی‌داند. در این راستا، قانون‌اساسی مکلف شده است زمینه‌چنین مشارکتی را در همه مراحل تصمیم‌گیری سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع، فراهم سازد تا در مسیر تکامل انسان، هر فردی خود دست اندرکار و مسئول رشد و ارتقا و رهبری گردد.

در این چهارچوب؛ آرمان قانون‌اساسی حرکت به سوی حق است و از سوی دیگر، برابر اصل ۵۶ قانون‌اساسی، خداوند انسان را بر سرنوشت خود حاکم کرده و حق حاکمیت انسان بر سرنوشت خود را غیرقابل سلب دانسته است و برابر اصل ۶ این قانون، اداره امور با تکیه بر آرای مردم می‌باشد. بنابراین پرسش اساسی که پیش می‌آید این است که منظور از خودساماندهی در قانون‌اساسی چیست؟ و چه ارتباطی میان این مفهوم با اصول ۶ و ۵۶ قانون‌اساسی است؟

بانگرس به اینکه همه انسان‌ها دارای توانمندی می‌باشند، بنابراین منظور از خودساماندهی، رشد توانمندی‌های افراد جامعه و تبدیل آن به توانایی است که شایستگی افراد جامعه و به پیرو آن شایسته‌سالاری را در یک جامعه پدید می‌آورد. بنابراین مفهوم شایسته‌سالاری در قانون از این مفهوم قابل کشف است. و همچنین از آنجا که حاکمیت ملی، امانت الهی است که از راه انتخابات و همه‌پرسی بروز پیدا می‌کند، (۲۰) بنابراین حاکمیت ملی هنگامی معنادار است که انتخابات هم‌سو با شیوه حکمرانی که خودسازماندهی است، تحقق یابد، بدین معنا که در روند رقابت سالم و طبیعی افراد جامعه برای رشد توانمندی‌ها، افرادی اداره امور عمومی را از طریق انتخابات به دست بگیرند، که شایستگی بیشتری به دست آورده‌اند. در این چهارچوب؛ مفهوم خودسازماندهی برای حرکت به سوی حق و اخلاق، ایجاب می‌کند که همه اصول قانون‌اساسی در راستای شیوه حکمرانی پی‌ریزی و معنا یابد.

### برآمد پژوهش

کرامت انسانی پایه و اساس حقوق و امتیازات و تکالیف انسانی است و بنابراین رعایت آن، یکی از معیارهای اساسی قانونگذاری است و حکومت‌ها در فرآیند قانونگذاری، محدود و پایبند به ضوابط اخلاقی هستند. حکومت‌ها با تاثیرگذاری بر سرنوشت افراد از طریق اداره امور عمومی، بر اخلاق عمومی و کرامت انسانی موثر هستند و در این راستا، نظام حقوقی، ابزار ضروری برای

اداره امور عمومی است. بنابراین نوع نظام حقوقی حاکم بر ساختار حاکمیت، رابطه نزدیکی با رعایت کرامت انسانی دارد.

نظام حقوقی شایسته‌سالار؛ به دلیل ایجاد چشم‌اندازی از نقش‌ها، حق‌ها و تکالیف در قوانین، تاثیرگذاری گسترده‌ای بر رشد فردی و جمعی و ایجاد اداره مطلوب دارد و به تبع آن، کرامت انسانی را نیز به ارمغان می‌آورد.

شایسته‌سالاری، اگرچه به ظاهر در قانون اساسی نیامده، ولیکن منظور قانونگذار از خود ساماندهی همان شایسته‌سالاری است و از آنجاییکه در قانون اساسی به اهدافی مانند برابری، عدل و رشد انسان توجه شده است، می‌توان به این نتیجه رسید که میان اهداف قانون و شایسته‌سالاری، اشتراکات روشنی وجود دارد که شفاف‌سازی حقوقی، می‌تواند در تحقق و تأمین آن‌ها نقشی اساسی داشته باشد.

در پایان این پژوهش، می‌توان گفت که بزرگترین انقلابی که می‌تواند در دوران زندگی انسان اتفاق افتد، خودسازی، و بزرگترین انقلابی که می‌تواند در دوران زندگی یک جامعه اتفاق افتد، شایسته‌سالاری است. شایسته‌سالاری صدای خودسازی اجتماعی است که اخلاق جامعه را هنرمندان به دستان عالم عاقل می‌سپارد و دستاورد این انتخاب خود را با کرامت انسانی درو می‌کند.

### ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش با معرفی منابع مورد استفاده اصل اخلاقی امانت‌داری علمی توجه گردیده و حق مالکیت فکری نویسندگان آثار، محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Human dignity	کرامت انسانی
2. Justice	عدالت
3. Rights	حقوق
4. Task	تکلیف
5. Meritocracy	شایسته سالاری
(merit+cracy) (شایستگی + اداره امور یا حاکمیت)	
6. Responsiveness	پاسخگویی
7. Effective legal system	نظام حقوقی کارآمد
8. Constitution	قانون اساسی
9. Self-organization	خودساماندهی
10. Ability	توانمندی
11. Worthy	شایسته
12. Ethics implementation	اجرای اخلاق
13. Social ordering	منظم سازی اجتماعی
14. Social Relationships	روابط سازی اجتماعی
15. Social Empowerment	توانمندسازی اجتماعی

### فهرست منابع

1. Moein M. (2003). Moein Pocket dictionary. Tehran: zarrin publications.(In Persian)
2. Gladden EN.(1952). An Introduction to Public Administration. London: Staples publication.
3. Dekhoda AK. (1994). Dictionary. 1<sup>st</sup> ed. Tehran: Tehran university publications. (In Persian)
4. Jaffari-Tabrizi MT. (1991).Global human rights from the perspective of Islam and the West.Tehran: Publications of the Office of International Law Services of the Islamic Republic of Iran.(In Persian)
5. Ataa-far A, Azarbajejani K. (2001). Investigating the amount of meritocracy in selecting public and private sector managers. Management knowledge. 14(54):15-38.(In Persian)
6. Saket MH. (1992). Jurisprudence, the knowledge of law. Mashhad: first publications. (In Persian)
7. Shonberg S. (2008). Legitimate expectations in administrative law. Translated by: Ranjbar A. Tehran: Mizan publication.
8. Kelsen H. (2008). Lean legal theory. Translated by: Nematollahi S. Tehran: Publication of Institute of Domain and University
9. Ebdali M. (2012).Legal approaches and extra-legal approaches. Tehran: Mizan publication.(In Persian)
10. Saljooghi M. (2011). Searches for the understanding of man and the civilization he has made in his society and the error he has made. Tehran: Mizan publication.(In Persian)
11. Pour-ezzat AA, Dehghani-kasvayi MS. (2015). Recognizing the identity of government management and knowledge management. Public Management Research.(30): 5-31. (In Persian)
12. Mckay S, Micheal M, Sean M and etc.(2015). Evidence-based policymaking and the public interest: lessons in legitimacy, Town Planning Review. 2(86).
13. Ansari MM. (2007). Political elitism. Tehran: Dadgostar publication.(In Persian)
14. Chase R.(1997).The knowledge based organization an international survey. Journal of knowledge management.

15. Sen A. (2000). Justice in Meritocratic Environments. Meritocracy and Economic Inequality. Editors: Kenneth Arrow, Samuel Bowles, Steven Durlauf, Princeton University Press.
16. Golkar B, Nasehifar V. (2002). Overview of meritocracy. Journal of Management Development .(8): 7-10. (In Persian)
17. Peters, Guy B. (2005). The Problem of Policy Problems, Journal of Comparative Policy Analysis. Research and Practice, 7(4).
18. Rajaei Z, Danesh-fard K, Faghihi A. (2017). Formation of policy in the field of administrative system health in Iran. Public Management Research. (38): 5-34. (In Persian)
19. Ehsani-konari G. (2009). Lights Of Life (Inspirational words from world celebrities). Tehran: Scientific Publications .(In Persian)
20. Vakil AS, Askari P. (2009). The constitution in the current legal order. 3<sup>st</sup> ed. Tehran: Majd publications.

## تحلیل مبانی اخلاقی نظارت قضایی در دادرسی‌های کیفری

عبدالرضا منصوری دهبید<sup>۱</sup>  
احمد رضانی<sup>۲</sup>  
منصور عطاشنه<sup>۳</sup>

### چکیده

وضع و تدوین قوانین و مقررات متعدد منطبق با موازین اخلاقی همگی ناشی از شناخت و احترام به وجود کرامت ذاتی برای افراد می‌باشد. کرامت ذاتی انسان ایجاب می‌نماید که در فرآیند رسیدگی‌های کیفری الزاماتی در راستای حفظ و رعایت این شاخصه جهت حمایت از حقوق طرفین خصوصاً متهمین پیش بینی گردد. فرض بی‌گناهی یا اصل براءت، اصل حاکمیت قانون، اصل پاسخگویی و جلوگیری از انحراف دادرسی و اشتباهات قضایی را می‌توان در زمره مهم‌ترین مبانی اخلاقی نظارت قضایی قلمداد نمود. در این راستا رعایت حقوق شهروندی، در بعد داخلی و بین‌المللی که نمود آن در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ متجلی گردیده، منجر شده، نظارت قضایی بر عملکرد مقامات قضایی در فرآیند تعقیب و تحقیق بدین لحاظ که با حقوق اساسی افراد در ارتباط می‌باشد مورد توجه خاص مقنن قرار گیرد. ب‌اشناسایی قانون در دادرسی - های کیفری و به تبع آن مسولیت و پاسخگو بودن مقامات قضایی مرتبط از تعدی و نقض حقوق افراد خصوصاً متهمین جلوگیری به عمل می‌آید؛ با این اوصاف نگارندگان در این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی به واکاوی تعیین فلسفه و مبانی اخلاقی وجودی تأسیس حقوقی نظارت قضایی در نظام‌های دادرسی کیفری نوین می‌باشند.

### واژگان کلیدی

نظارت اخلاقی، موازین اخلاقی، کرامت ذاتی انسانی، فرض بی‌گناهی، اشتباهات قضایی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

Email: mansouriabdoreza@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: ramezani@USC.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.

Email: matash1338@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۹۹/۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۹

## طرح مسأله

از لحاظ اصطلاحی نظارت به مجموعه عملیاتی که طی آن میزان تطابق عملکرد اشخاص با قوانین و مقررات سنجیده می‌شود تا از این طریق به مطابقت نتایج عملکرد با هدف‌های مطلوب، اطمینان به دست آید، بیان گردیده است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۲: ۳۱)؛ در مفهوم نظارت حقوقی نیز بیان گردیده است: «بازرسی و سنجش و ارزیابی اقدامات مجریان و ناظر کسی است که به منظور چنین بازرسی و ارزیابی و سنجشی تعیین می‌شود» (عمیدزنجانی و موسی زاده، ۱۳۹۶: ۱۵).

نظارت نوعی آگاهی و اطلاع از آنچه در حال وقوع است نیز تعریف گردیده است. به عبارتی نظارت مقایسه ضمنی بین آنچه هست و آنچه باید باشد و انجام اموری در راستای رسیدن به هدف مطلوب است که می‌تواند در موضوعات مختلف و به شیوه‌های مختلف اعم از پیشینی یا پسینی، استصوابی یا استطلاعی، مستقیم یا غیرمستقیم، نهان یا آشکار و بسیاری انواع دیگر اعمال گردد (ایزددهی، ۱۳۹۰: ۶).

شاید جامع‌ترین و کامل‌ترین تعریفی که بتوان در خصوص نظارت قضایی بیان داشت: «به روندی اطلاق می‌شود که از طریق آن قوه قضائیه، قانونی بودن هرگونه اقدام شخص یا مرجع عمومی یا خصوصی را مطابق با قانون اساسی یا هر قانون دیگر یک کشور بررسی می‌نماید. بنابراین نظارت قضایی بر بروکراسی به رویه‌ها و مکانیسم‌های دستگاه قضایی اطلاق می‌شود که با استفاده از آن کارکردهای دیوان سالاری بر اساس شواهد به دلایل اعتبار یا مشروعیت آن بررسی و آزمایش می‌شوند» (Mollah, 2018, 12).

نظارت قضایی که در این تحقیق مورد نظر می‌باشد مجموعه اعمال و اقدامات و تصمیماتی است که توسط مقام قضایی بی طرف بر فرآیند رسیدگی‌های کیفری اعم از تعقیب و تحقیق تا مهیا شدن پرونده جهت ارسال به مقامات ذی صلاح جهت صدور حکم صورت می‌پذیرد، می‌باشد تا از این طریق شاهد دادرسی منصفانه و نیز رعایت حقوق دفاعی متهم به نحو احسن باشیم. به عبارتی دیگر نظارتی که از سوی یک مقام بی طرف قضایی در فرآیند رسیدگی‌های کیفری پیرامون دستورات و قرارهای صادره که موجبات نقض حریم خصوصی افراد یا سلب آزادی آن‌ها و یا محدود کردن آن‌ها را فراهم می‌آورد، خصوصاً در مرحله تعقیب و تحقیق که می‌تواند موجبات حاکمیت قانون، دادرسی عادلانه و حفظ شأن و کرامت افراد را فراهم آورد مدنظر می‌باشد.

نظارت بر عملکرد مقامات قضایی در راستای رعایت و احترام به حقوق طرفین دعوی خصوصاً متهمان در فرآیند رسیدگی‌های کیفری به لحاظ آن که با حقوق اساسی افراد من جمله حق آزادی، ارتباط تنگاتنگی دارد را منجر خواهد شد؛ در واقع مکانیسم نظارت قضایی مانع از



سوء استفاده‌های احتمالی و مانع از بروز اشتباهات قضایی خواهد شد؛ ضمن آن که سازوکارهای نظارت، رعایت استانداردهای اخلاقی، قانونی و نظارتی را ارتقاء می‌دهد. پیدایش و شکل‌گیری تئوری نظارت بر مولفه‌هایی استوار می‌باشد که وجه مشترک آن‌ها احترام به گوهر وجودی انسان و ارزش قائل گردیدن برای افراد در زندگی خویش می‌باشد که نگارندگان در این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این سوال اصلی هستند که مهم‌ترین مبانی اخلاقی نظارت قضایی در دادرسی‌های کیفری چیست؟

## ۱. احترام به کرامت انسانی

احترام به کرامت انسانی در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران<sup>۱</sup> بر اساس آیات قرآن و شریعت اسلامی، جایگاه والایی دارد. طبق اصل دوم قانون اساسی، بقای نظام بر پایه ایمان به کرامت و ارزش‌های والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا مقرر شده است. از آن جایی که مشروعیت یک نظام دینی از منظر ادیان الهی و استمرار یک نظام سیاسی از منظر دموکراسی بر محوریت انسان، احترام به وی و احترام به کرامت انسانی تبلور می‌یابد، بی‌تردید ارکان آن نظام نیز باید این وجه ممیزه یعنی احترام به کرامت انسانی را در قوانین خود گنجانده باشد تا مشروعیت و اقتدار پیدا کند. تمام ادیان الهی بالاخص دین مبین اسلام، اغلب سازمان‌های جهانی و فیلسوفان و اندیشمندان، کرامت انسانی را گرمی داشته و رعایت این حق را تأکید کرده‌اند. امروزه، کرامت انسانی یکی از بنیادهای شکل‌گیری نظم سیاسی و حقوقی در قلمرو داخلی و بین‌المللی است و این مفهوم در عرصه حقوق کیفری اهمیت دوچندانی دارد. از این رو می‌توان فلسفه وجودی حقوق کیفری را استوار بر پاسداشت کرامت انسانی شناسایی کرد و به جرأت می‌توان گفت سیاست جنایی در جوامع امروزی در پرتو آن شکل می‌گیرد و از ملزومات و مقتضیات اصلی اقتدار قضایی به شمار می‌رود (اعتمادی، شاملو، علیمردی و احمدی

---

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توجه ویژه‌ای به بحث وجود کرامت انسان داشته به نحوی که در فصول مختلف و در اصول متعددی متذکر آن گردیده است. در بند ششم از اصل دوم در کرامت و ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا به عنوان یکی از پایه‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی نام برده شده است. همچنین در اصل بیست و دوم قانون اساسی هرگونه تعرض به حیثیت و کرامت اشخاص را ممنوع و بیان می‌دارد: «حیثیت، حقوق، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». در اصل ۳۹ قانون اساسی نیز پیرامون حفظ حیثیت و کرامت اشخاص متهم و مجرم آمده است: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هرصورت ممنوع و موجب مجازات است». ضمن آنکه در اصل ۳۳ قانون اساسی نیز پیرامون آزادی و اختیار عمل اشخاص در انتخاب محل اقامت خویش بیان می‌دارد: «هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد».

موسوی، ۱۳۹۸: ۱۵۹).

مطابق ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ رسیدگی‌های کیفری بایستی به موجب قانون باشد به عبارت دیگر همان طور که جرم انگاری رفتاری بایستی به موجب قانون و براساس آن باشد (حقوق کیفری ماهوی)، دادرسی‌های کیفری نیز بایستی قانونی و به موجب قانون صورت پذیرد (حقوق کیفری شکلی) (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۶)، که این امر مبتنی بر اصل حاکمیت قانون بوده که اصل مزبور نیز ریشه در کرامت انسان دارد.

پس وجود کرامت انسان ایجاب می‌نماید که حقوق اساسی افراد من جمله حق آزادی و حفظ حریم خصوصیشان در پرتو قانون محترم شمرده شود و در مواردی که به موجب قانون نقض آن‌ها ایجاب می‌نماید، می‌بایستی منطبق با موازین و اصولی باشد که از قبل مورد شناسایی واقع گردیده باشد. لذا قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ضمن رعایت کرامت افراد و مدنظر قراردادن این امور در مواد مختلف به آن‌ها اشاره و تأکید نموده است.

آن چنان که رسیدگی به اتهامات انتسابی متهمین، بایستی با بی‌طرفی و استقلال کامل و در کوتاه‌ترین مهلت ممکن صورت پذیرد،<sup>۱</sup> جاری نمودن اصل برائت در فرآیند رسیدگی‌های کیفری، وجود قانون در راستای اقدامات محدودکننده، سالب آزادی، ورود به حریم خصوصی اشخاص،<sup>۲</sup> اطلاع از موضوع و ادله اتهام انتسابی، حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی متهم،<sup>۳</sup> رعایت حقوق شهروندی،<sup>۴</sup> توقف تعقیب کیفری به لحاظ ابتلا به جنون شخص متهم،<sup>۵</sup>

۱. ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند.

۲. ماده ۴ قانون فوق مقرر می‌دارد: «اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند».

۳. ماده ۵ قانون فوق مقرر می‌دارد: «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود».

۴. ماده ۷ قانون فوق مقرر می‌دارد: «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/ ۲/ ۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۲/ ۳/ ۱۳۷۵ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد».

۵. تبصره ۲- ماده ۱۳ قانون فوق مقرر می‌دارد: «هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. مگر آنکه در جرائم حق الناسی شرایط اثبات جرم به نحوی

عدم اختیار أخذ تأمین از متهمین توسط ضابطان دادگستری،<sup>۱</sup> عدم اختیار قانونی در راستای بازداشت متهم توسط ضابطان دادگستری مگر با وجود قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی،<sup>۲</sup> حق داشتن وکیل با شروع تحت نظر قرار گرفتن،<sup>۳</sup> دسترسی به تلفن یا هر وسیله ممکن توسط متهم، جهت آگاه نمودن افراد خانواده یا آشنایان خود از تحت نظر بودن خویش،<sup>۴</sup> عدم اجازه ورود به منازل، ممنوعیت انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه ها و مراجع انتظامی و قضائی مگر در موارد خاص،<sup>۵</sup> ممنوع بودن انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت

باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افافه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم یا سرپرست قانونی وی ابلاغ می شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می شود و تعقیب و دادرسی ادامه می یابد».

۱. ماده ۴۱ قانون فوق مقرر می دارد: «ضابطان دادگستری اختیار أخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضایی نیز نمی توانند أخذ تأمین را به آنان محول کنند. در هر صورت هرگاه أخذ تأمین از متهم ضرورت داشته باشد، تنها توسط مقام قضایی طبق مقررات این قانون اقدام می شود».

۲. ماده ۴۴ قانون فوق مقرر می دارد: «... ضابطان دادگستری درباره جرایم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می آورند، تحقیقات لازم را انجام می دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می رسانند».

۳. ماده ۴۸- با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.

۴. ماده ۵۰ قانون فوق مقرر می دارد: «شخص تحت نظر می تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای أخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند».

۵. ماده ۹۶ قانون فوق مقرر می دارد: «انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است:

الف. متهمان به ارتکاب جرایم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهرهنگاری آنان منتشر می شود.

توسط مقامات قضایی<sup>۱</sup> ترغیب متهم و توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار در جرم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت در صورت عدم وجود شاکي و درحالی که متهم بدو قصد اقرار داشته باشد، توسط قاضی رسیدگی کننده پرونده<sup>۲</sup> ممنوع بودن کنترل ارتباطات مخابراتی افراد، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد.<sup>۳</sup>

با این اوصاف از آن جایی که مقررات آیین دادرسی کیفری و چگونگی عملکرد مراجع قضایی و ضابطان دادگستری، بیانگر حدود و قلمرو حقوق آزادی‌های شهروندان در جامعه است، احترام به کرامت ذاتی انسان‌ها<sup>۴</sup> و رعایت حقوق و آزادی‌های آنان در بستر رسیدگی‌های کیفری از اهمیت بیشتری برخوردار است و با ضمانت اجراهای خاص خود تأمین و تضمین می‌گردد (رجبی تاج میر، ۱۳۹۸: ۴۷).

دستگاه قضایی بازوی توانمند یک نظام و کشور می‌باشد؛ این دستگاه موظف است عدل و انصاف را گسترش دهد و از حقوق آحاد ملت دفاع نماید. آنچه دستگاه قضایی را قدرت می‌بخشد وجود قانون خوب و اجرای بهینه‌ی آن می‌باشد بنحوی که اعتماد و رضایت مردم را به همراه داشته باشد و مردم در سایه این اقتدار در آرامش و امنیت زندگی نمایند. یکی از مولفه‌های شاخص که معرف اقتدار قضایی ملی است احترام به کرامت انسانی است و چون این احترام در جای جای قوانین ایران بنحوی که گذشت پیش بینی شده است به جرات می‌توان گفت این

ب. متهمان دستگیر شده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه‌ی دعوای خصوصی توسط آنان، منتشر می‌شود».

۱. ماده ۱۰۲ قانون فوق مقرر می‌دارد: «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکي یا به عنف یا سازمان یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضائی انجام می‌شود».

۲. تبصره ۱. ماده ۱۰۲ قانون فوق مقرر می‌دارد: «در جرائم منافی عفت هرگاه شاکي وجود نداشته باشد و متهم بدو قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند».

۳. ماده ۱۵۰ قانون فوق مقرر می‌دارد: «کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رییس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده (۳۰۷) این قانون منوط به تأیید رییس قوه قضاییه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نمی‌باشد».

۴. کرامت ذاتی به آن نوع شرافت و حیثیتی گفته می‌شود که تمام انسان‌ها به جهت استقلال ذاتی، توانایی تعقل و تفکر و وجهه و نفخه الهی که دارند، به طور فطری و یکسان از آن برخوردار هستند (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۳۰).

قوانین دارای اقتدار است. تنها نکته ای که باید به آن اشاره کرد اجرای این قوانین می باشد در عرصه ی حقوق کیفری اگر مقررات قانون آیین دادرسی سال ۱۳۹۲ در عمل اجرا شود، اعتماد مردم حاصل خواهد آمد و از کرامت انسانی بنحو احسن پاسداری خواهد شد و این نقطه عطفی در تاریخ کیفری ایران محسوب خواهد شد. به عنوان نمونه اگر منظوق ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری که اشعار می دارد «ضابط دادگستری علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن، مهارت های لازم را با گذراندن دوره های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی سپری نمایند...» مسلماً کرامت انسانی افرادی که به کلانتری ها مراجعه می نمایند حفظ می شود و تکریم ارباب رجوع که از مصادیق احترام به کرامت انسانی است تحقق می یابد (اعتمادی، شاملو، علیمردادی و احمدی موسوی، ۱۳۹۸: ۱۸۱)؛ با این اوصاف یکی از مهم ترین مبانی اخلاقی نظارت قضایی در دادرسی های کیفری؛ موضوع احترام به کرامت انسانی است.

## ۲. اصل برائت (فرض بی گناهی)

کرامت ذاتی انسان ایجاب می نماید که در فرآیند رسیدگی های کیفری الزاماتی در راستای حفظ و رعایت این شاخصه جهت حمایت از حقوق متهم پیش بینی گردد یکی از این الزامات، فرض بی گناهی<sup>۱</sup> یا اصل برائت می باشد. در فرض بی گناهی که می توان اصطلاح مترادف آن را «اصل برائت کیفری» نامید یکی از اصول راهبردی و حاکم بر حقوق جزا است (شاملو، ۱۳۹۱: ۲۹۸)؛ همچنین می توان از «اصل برائت به عنوان «ام الاصول» در دادرسی کیفری تعبیر کرد» (شمس ناتری، ۱۳۹۱: ۲۹۰) و به عبارت دیگر «اصل برائت» یا «فرض بی گناهی» یکی از اصول بنیادین دادرسی های کیفری مدرن و میراث مشترک ملل متمدنی جهان<sup>۲</sup> است (آقای جنت مکان، ۱۳۹۶: ۵۶).

اصل برائت سنگ بنا دادرسی عادلانه و منصفانه به شمار می رود و در حال حاضر، تبدیل به یک هنجار ملی و بین المللی شده است. این اصل بدین معناست که تا مجرمیت فرد به اثبات نرسیده باشد وی باید هم چنان از حاکمیت اصل برائت بهره مند شود. آن چه از معنای حقوقی فرد بی گناهی در اصل برائت استنباط می شود این است که بی گناهی، عبارت است از بی گناه از

### 1. Innocence

۲. این اصل را می توان در اسناد بین المللی و منطقه ای به شرح زیر یافت: ماده ۱۲ اعلامیه جهانی و حقوق بشر (۱۹۴۸)؛ بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین المللی (۱۹۶۶)؛ بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های بنیادین (۱۹۵۳)؛ بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹)؛ شق ب بند ۱ ماده ۷ منشور آفریقای حقوق بشر و ملت ها (۱۹۸۱)؛ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)؛ ماده ۶۶ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی (۱۹۹۸)؛ ماده ۲۱ (۳) اساسنامه دیوان کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق؛ ماده ۲۰ (۳) اساسنامه دیوان کیفری بین المللی برای رواندا.

آن چه قانون گذار جرم دانسته و فرد نسبت به آن، به هر شکلی و در چارچوب هر رویه‌ای متهم شده است (مدی، ۱۳۹۲: ۲۰۳). نویسندگان حقوقی، مبانی اصل برائت یا فرض بی‌گناهی در حقوق کیفری را «کرامت ذاتی انسان»، «ضرورت ایجاد توازن بین طرفین دعوی»، «تضمین امنیت افراد جامعه»، «اصل قانونی بودن جرم‌ها و مجازات‌ها»، «اصل عدم»، «اصل اباحه»، «قاعده درأ»، «قاعده غلبه» و «قاعده ترجیح اشتباه در عفو بر اشتباه در کیفر» دانسته‌اند (قربانی و موحدی، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

این اصل به طور مستقیم از اصل حاکمیت قانون و لزوم حمایت از حقوق متهمین نشأت می‌گیرد که یکی از حقوق متهم در داری‌های کیفری محسوب می‌شود که بخشی از اصول دادرسی عادلانه محسوب می‌گردد (Bubalo Pajic, 2019:84).

جلوه‌های آثار اصل برائت را بایستی در حقوق دفاعی متهم جستجو نمود چرا که فلسفه وضع اصل برائت کیفری، جلوگیری از زدن برچسب مجرمانه به شخص مظنون یا متهم و رعایت حقوق وی و جلوگیری از تعرض غیرمجاز به حقوق و آزادی‌های وی می‌باشد. پذیرش اصل مزبور موجباتی جهت تضمین حقوق متهم و تشریفات رسیدگی عادلانه می‌باشد. در آثار اصل برائت در فرآیند رسیدگی‌های کیفری مجریان قانون اعم از ضابطان دادگستری، دادیاران، بازپرسان، قضات و نیز سایر مراجع ذی ربط و ذی سمت در فرآیند رسیدگی‌های کیفری می‌بایست به این اصل توجه و آن را مبنای عملکرد خویش قرار دهند. در پرتو اصل برائت بایستی جان، آزادی، اموال و حیثیت و حریم خصوصی افراد محترم شمرده شود و در مواردی که تحقیق و یا نقض یکی از آنها را قانون ایجاب می‌نماید بایستی به موجب قانون و در چهار چوب قانون و اعطای این حق توسط مرجعی بی‌طرف صورت پذیرد.

### ۳. پیشگیری از انحراف در دادرسی‌های کیفری

نظارت قضایی در روند دادرسی کیفری بر کیفیت مراحل آن افزوده و با دانش حقوقی خود از انحراف دعوی در جریان دادرسی جلوگیری می‌کند؛ در جریان یک دادرسی، احتمال لغزش و خطا، از طرف قضات، اصحاب دعوی و غیره وجود دارد؛ لذا نظارت قضایی قانونمند در روند دادرسی می‌تواند تضمین مناسبی در جلوگیری از انحراف دادرسی تلقی گردد و به مانند ابزار کنترل و نظارت بر دستگاه قضا عمل کرده و با تحقق عدالت قضایی از تضییع حقوق متهم و انحراف قضایی جلوگیری می‌کند.

تحقیقات بسیاری صورت گرفته که بیانگر ضریبی از خطا و اشتباه در صدور آرای کیفری را نشان داده است. حال دولت که حافظ نظم عمومی است و در تقابل حفظ «نظم عمومی» با «حقوق فردی» افراد، موظف به رعایت تساوی و توازن میان آن دو می‌باشد، چنان چه به واسطه اعمال حاکمیتی خود که قضاوت دادرسان و دستگاه عدالت کیفری بخشی از آن است ضرر و

زیانی به حقوق فردی و آزادی‌های مشروع افراد وارد نماید، ناگزیر و موظف به جبران خسارت از آنان می‌باشد (یوسفیان شورذلی و رسولی آستانه، ۱۳۹۲: ۲۵۳).

بنابراین باید پذیرفت که یکی از راه‌های کاهش انحرافات در دادرسی‌های کیفری و اجرای دقیق مقررات که در برخی موارد دست اندرکاران نظام عدالت کیفری نیز از تفسیرهای درست آن عاجز هستند، نظارت قضایی در فرآیند دادرسی کیفری است.

#### ۴. جلوگیری از اشتباهات قضایی

بین خطای قضایی با محکومیت بی‌گناهان رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق برقرار است؛ هر محکومیت بی‌گناهی، خطای قضایی است، اما عکس آن صادق نیست. احتمالاً از آن جا که محکومیت بی‌گناهان شایع‌ترین و مهم‌ترین نوع خطای قضایی است، برخی از پژوهشگران و حقوق دانان، آن را معادل خطای قضایی دانسته‌اند. به طور معمول، منظور از محکومیت گناهان، محکومیت‌هایی است که بر مبنای ادله‌ی اثبات نادرست صادر می‌شوند. برای نمونه، فردی براساس شهادت نادرست، اقرار نادرست، کارشناسی نادرست، جعل ادله و مانند آن به جرم مرتکب نشده محکوم می‌شود (غلاملو و فرجیها، ۱۳۹۳: ۷۰).

اگر خطای قضایی را محدود به موارد صدور حکم، اعم از محکومیت یا تبرئه‌ی نادرست بدانیم تکلیف مشخص است، اما اگر قائل به مفهوم وسیع تری از آن باشیم در مواردی با دادرسی منصفانه تداخل مفهومی پیدا می‌کند. برای نمونه، بازداشت نادرست می‌تواند یکی از مصادیق نقض دادرسی منصفانه باشد، زیرا بازداشت متهمان باید جنبه‌ی استثنایی داشته و کاملاً موجه باشد. فرست اعتقاد دارد خطای قضایی دو نوع است: نقض دادرسی عادلانه و بی‌کیفرمانی. خطای نوع نخست شامل اتهام انگاری نادرست، بازداشت نادرست، محکومیت نادرست و کیفر دهی نادرست می‌شود. منظور از خطای نوع دوم، رهایی و مجازات نشدن مجرمان واقعی است (Forst, 2004, 23). با این اوصاف یکی از عمده‌ترین دلایلی که می‌تواند منجر به کاهش تصمیمات اشتباه قضایی شود؛ تدابیر نظارت قضایی است.

#### ۵. اصل پاسخ‌گویی مقامات قضایی

پاسخ‌گویی یعنی جواب‌گویی در قبال اعمال و رفتار در مقابل افراد و نهادهایی که متصدی این امر و دارای حق بررسی و ارزیابی و قضاوت می‌باشند. پاسخ‌گویی را دلیل آوردن و دلیل خواستن برای کارهای انجام شده تعریف کرده‌اند (علیخانی، ۱۳۸۴: ۵۳).

یکی از چند مولفه حکمرانی خوب پاسخ‌گو بودن است. اقتضای اصل حاکمیت قانون، عمل در چهارچوب قانون توسط مقامات و مراجع ذی صلاح حکومتی اعم از اداری و قضایی می‌باشد و در صورتی که اقدامی مغایر با قانون و خارج از حیطه وظایف و اختیارات قانونی آن‌ها رخ داده باشد بایستی پاسخ‌گویی عمل ارتكابی بوده و در این خصوص مسئول می‌باشند. قلمرو پاسخ‌گویی

قلمرو وسیعی بوده و از پاسخ‌گویی در مقابل خدا تا پاسخ‌گویی در مقابل فرد و پاسخ‌گویی در مقابل دیگران و جامعه را در بر می‌گیرد. همچنین پاسخ‌گویی با توجه به موقعیت و منصب اشخاص از لحاظ درجه دارای شدت و حدت می‌باشد (منصورنژاد، ۱۳۷۸: ۱۰۸).

یک نظام سیاسی کارآمد که به خوبی بتواند امور محوله خویش را به انجام برساند نظامی است که تمام اجزای آن با هم در ارتباط و هماهنگ باشند و از پیش شرط‌های چنین نظامی، پاسخ‌گو بودن آن‌ها در قبال اعمال و اقدامات محوله به خویش می‌باشد. در این راستا، افزایش و تقویت مکانیسم‌های پاسخ‌گویی به عنوان راهکار عملی در استراتژی‌های مقابله با فساد مورد توجه حکومت‌ها قرار گرفته است (ابراهیم آبادی، ۱۳۸۸: ۲۲).

پاسخ‌گویی را می‌توان ابزاری برای توضیح و پاسخ دادن تصمیمات و اعمال یک شخص یا مقام به مقام یا نهادهای دیگر تعبیر نمود که دارای آثار حقوقی و سیاسی و اداری می‌باشد ممکن است شخص مسئول مرتکب هیچ‌گونه تفصیر یا قصوری پیرامون کارهایی که به وی محول گردیده نشده باشد ولی بابت کارهایی که انجام داده و صحیح نیز می‌باشد مورد سوال قرار گیرد که این سوال و پرسش مبتنی بر حق است و همین حق موجبات پاسخ‌گویی را فراهم می‌آورد. مفهوم پاسخ‌گویی را بایستی در ارزشهای اساسی و بنیادین جوامع مردم‌سالار یعنی در اصول دموکراسی، حاکمیت قانون و تفکیک قوا و اثربخشی دولت مطلوب جستجو نمود (قهقهایی، ۱۳۹۲: ۱۸).

نظر به حاکمیت قانون هرگونه استثنایی که مقامات دولتی یا طبقات دیگر را از اطاعت قانونی که شهروندان دیگر پیروانند معاف سازد، یا آنکه آنان را از حدود صلاحیت دادگاه‌های عمومی خارج نماید خلاف اصل حاکمیت قانون می‌باشد (بوشهری، ۱۳۸۴: ۲۹) کشوری که پایبند قانون باشد، تضمین می‌کند که کلیه اشخاص و سازمان‌ها از جمله دولت در سیطره قانون قرار دارند و پاسخگو هستند. همه افراد بی‌گناه محسوب می‌شوند، تازمانی که جرم آن‌ها در دادگاه صالح اثبات شود. هیچ‌کس به‌طور خودسرانه نبایستی دستگیر و بازداشت شود. مجازات بایستی توسط دادگاه صالح و متناسب با جرم تعیین گردد. حاکمیت قانون شامل مفاهیم دیگری مانند استقلال قوه قضائیه، اصل برائت، دسترسی به دادگاه صالح و حق داشتن یک دادرسی عادلانه می‌باشد.

دادرسی عادلانه<sup>۱</sup> یا منصفانه فرآیندی است، مبتنی بر برخورداری متهم از کلیه حقوق دفاعی، امکانات و شرایط برابر با طرف خویش جهت تدارک دفاع، که نقض معیارهای آن موجب سلب وصف انصاف از دادرسی و رعایت معیارهای آن نوید بخش تحقق یک دادرسی منصفانه



خواهد بود (فتحی و دادیار، ۱۳۹۱: ۱۳۳). امروزه دادرسی عادلانه به ویژه در پرتو تحولات حقوق بشر اهمیت چشمگیری در سامانه حقوق بین الملل و سامانه های حقوق ملی پیدا کرده است. هرچند برخی از مولفه های دادرسی عادلانه در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی پیش بینی شده اند لکن این مفهوم به ویژه در بستر کنوانسیون و دیوان اروپایی حقوق بشر مورد واکاوی و بررسی دقیق و جدی تری قرار گرفته است و تحولات خود را بیشتر در آن بستر می گذارند. آن مفهوم در سامانه حقوقی ایران تا سال ۱۳۹۲ به شکل نظام مند و انسجام یافته مورد توجه قرار نگرفته، لکن فقط شماری از مولفه های آن به طور رپراکنده در برخی از قوانین و مقررات بازتاب یافته بود. اما قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برخی از اصول دادرسی عادلانه را جزء در برخی موارد مثل عدم استقلال دادیار و تبعیت وی از دادستان و انتخاب وکلای اختصاصی در دادگاه های ویژه و وحدت تعقیب و تحقیق توسط دادستان به طور منسجم و نظام مند وارد حقوق کیفری نموده است. البته صرف پیش بینی اصول پیشرفته، تصویب، تدوین قوانین مترقی و منطبق با حقوق بشر و ایجاد سیستم کارآمد وافی مقصود نمی باشد، بلکه باید به نقش مجریان عدالت نیز توجه نمود چرا که در تحقق دادرسی عادلانه قضات نقش تعیین کننده دارند، گرچه اشخاص متعدد حقیقی و حقوقی در فرایند دادرسی دخالت دارند، لکن مسوولیت اصلی و اساسی با قاضی است. اگر قضات تخصص و تعهد لازم را نداشته باشند، انتظار تحقق دادرسی عادلانه سرابی بیش نخواهد بود، فلذا پس از تهیه و تدوین قوانین مترقی و همه سونگر بایستی به پروراندن نیروی دانشور، عدالت محور و دلبسته به کار قضایی توجه کافی و وافی نمود (قرشی زاده، جمشیدی و رحمدل، ۱۳۹۸: ۳۰۵).

اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی را یکی از وظایف اصلی دولت دانسته است. اصل ۱۰۷ نیز به برابری بالاترین مقامات اجرایی کشور با دیگر افراد جامعه در برابر قانون اشاره می نماید. حدود وظایف و اختیارات مقامات کشوری اعم از رهبری، رئیس جمهور و هیأت دولت، مجلس شورای اسلامی، قوه قضاییه و سایر نهادها در قانون اساسی همگی بیانگر و موید این مطلب است که نامردگان نیز بایستی بر اساس قانون اقدام نمایند و در غیر این صورت می بایستی نسبت به اعمال و اقدامات و تصمیمات خویش پاسخ گو باشند. پاسخگویی یا پاسخگو بودن همان گونه که بیان گردید از ارکان اساسی نظام های مردم سالار محسوب می گردد. از نظر جامعه شناسی مقامات و مدیران با پاسخ گویی چندگانه مواجه هستند منجمله پاسخ گویی عمومی و شهروندی، پاسخ گویی قانونی یا حقوقی، پاسخ گویی سازمانی و مدیریتی و پاسخ گویی سیاسی و حرفه ای (قهقهایی، ۱۳۹۲: ۱۸).

اصل بیستم قانون اساسی به صورت عام و کلی به تساوی افراد در مقابل قانون اشاره دارد که شامل تمام مسئولین و مقامات کشوری نیز می گردد. لذا نامبردگان نیز مکلف به پاسخ

گویی در برابر تصمیمات و اقداماتشان در مراجع ذی صلاح قضایی و قانونی می‌باشند. در میان قوای سه گانه؛ قوه قضاییه با توجه به موقعیت ویژه‌ای که دارا است از استقلال بسیار بیشتری نسبت به سایر قوا برخوردار بوده، لذا پاسخگویی در این قوه دارای اهمیت خاصی می‌باشد، چراکه اصول مهمی مانند ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای عموم افراد جامعه و تساوی آحاد جامعه در مقابل قانون، حق دسترسی و دادخواهی به وسیله دادگاه‌های صالح، رعایت اصل برائت، ممنوعیت شکنجه برای گرفتن اقرار یا اجبار شخص به شهادت یا سوگند، مستدل و مستند بودن احکام دادگاه‌ها و... که بر عهده این قوه قرار داده شده است، لذا بایستی پیرامون اعمال دقیق این حقوق و رعایت آن‌ها پاسخگو باشند، چرا که این امور همگی به بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق افراد جامعه گره خورده و اغفال و سهل انگاری در اعمال و رعایت آن‌ها موجبات تضعیف و محرومیت افراد را از حقوق اساسی خویش فراهم می‌آورد.

## نتیجه گیری

نظارت قضایی که در این تحقیق مورد نظر می باشد مجموعه اعمال و اقدامات و تصمیماتی است که توسط مقام قضایی بی طرف بر فرآیند رسیدگی های کیفری اعم از تعقیب و تحقیق تا مهیا شدن پرونده جهت ارسال به مقامات ذی صلاح جهت صدور حکم صورت می پذیرد، می باشد تا از این طریق شاهد دادرسی منصفانه و نیز رعایت حقوق دفاعی متهم به نحو احسن باشیم. از این رو مهم ترین مبانی اخلاقی نظارت قضایی عبارتند از: احترام به کرامت انسانی؛ اصل برائت (فرض بی گناهی)؛ پیشگیری و جلوگیری از انحراف در دادرسی های کیفری و جلوگیری از اشتباهات قضایی است.

اهمیت حقوق بشر و الزام به رعایت حقوق افراد همه مبتنی بر کرامت انسانی می باشد. بدین معنا، کرامت انسانی پایه و اساس موازین اخلاقی و حقوق بشر تلقی می گردد. بنابراین کرامت انسانی افراد ایجاب می نماید، حقوق بشر به بهترین نحو در فرآیند رسیدگی های کیفری رعایت گردد. در واقع دادرسی منصفانه و عادلانه ریشه در اصل حاکمیت قانون دارد که از نتایج آن پاسخ گویی اشخاص و دولت می باشد. لذا در این راستا پاسخ گویی قوه قضائیه واجد اهمیت خاص می باشد؛ چرا که اصول مهمی مانند: ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای عموم افراد جامعه، رعایت اصل برائت، ممنوعیت شکنجه برای گرفتن اقرار، مستدل و مستند بودن احکام دادگاه و اصل قانونی بودن جرم و مجازات و نیز اصل قانونی بودن رسیدگی های کیفری، تفسیر شک به نفع متهم و تفسیر مضیق قوانین کیفری، حق داشتن وکیل همگی برعهده این قوه می باشد. بنابراین نظارت قضایی موجب می گردد، سیستم کیفری ملزم گردند، حقوق دفاعی متهم را بهترین وجه ممکن مورد توجه قرار داده و در فرآیند دادرسی های کیفری نظارت قضایی لازم را پیش بینی تا این حقوق اساسی به بهترین نحو اجرا گردد.

## فهرست منابع

۱. آقای جنت مکان، حسین (۱۳۹۶). حقوق دادرسی عادلانه و منصفانه، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول.
۲. ابراهیم آبادی، غلامرضا (۱۳۸۸). پاسخ گویی: مسایل و ابعاد آن، مطالعات سیاسی، شماره ۱۰.
۳. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۲). نظارت در نظام اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۴. اعتمادی، علی؛ شاملو، باقر، علیمرادی، امان اله و احمدی موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۸). جایگاه احترام به کرامت انسانی در ارتقای اقتدار قضایی، فصلنامه تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین-الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم.
۵. ایزددهی، سیدسجاد (۱۳۹۰). مبانی فقهی نظارت بر قدرت از دیدگاه امام خمینی ره، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج، چاپ اول.
۶. خالقی، علی (۱۳۹۴). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات موسسه پژوهش‌های حقوقی، چاپ پنجم.
۷. شاملو، باقر (۱۳۹۱). اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی، علوم جنایی: مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران: انتشارات سمت، چاپ پنجم.
۸. شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۹۱). اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری، علوم جنایی: مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران: انتشارات سمت، چاپ پنجم.
۹. رجبی تاج میر، ابراهیم (۱۳۹۸). حق دسترسی به وکیل در تحقیقات پلیسی، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
۱۰. رحیمی نژاد، اسمعیل (۱۳۸۷). کرامت انسانی در حقوق کیفری؛ تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.
۱۱. عمیدزنجانی، عباسعلی و موسی زاده، ابراهیم (۱۳۹۶). نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۱۲. علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۴). پاسخ گویی در نظام جمهوری اسلامی ایران، دوفصلنامه دین و ارتباطات، پژوهش دانشگاه امام صادق، شماره ۲۶.
۱۳. فتوحی، محمدجواد؛ هادی دادپار (۱۳۹۱). جایگاه دادستان در سیاست جنایی نوین و الزامات

- دادرسی عادلانه، نشریه علمی و پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره هفتم.
۱۴. قربانی، علی و موحدی، جعفر (۱۳۹۰). اصل برائت در اندیشه های فقهی و فرض بی گناهی در اندیشه های اروپایی، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۲۶.
۱۵. قرشی زاده، میرناصر؛ جمشیدی، علیرضا و رحمدل، منصور (۱۳۹۸)؛ جایگاه و موقعیت قضایی در تحقق اصول دادرسی عادلانه، فصلنامه تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین الملل، دوره ۱۲، شماره ۴۳.
۱۶. قهقایی، طاهره (۱۳۹۲). پاسخ گویی در نظام جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران .
۱۷. غلاملو، جمشید و فرجیها، محمد (۱۳۹۳). محکومیت بی گناهان: از خطای قضایی تا بی گناهی واقعی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۸.
۱۸. مدی، بهنام (۱۳۹۲). بررسی گستره اعمال فرض برائت توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر، مجله پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، شماره .
۱۹. منصورنژاد، محمود (۱۳۷۸). تفکیک قوا، ولایت مطلقه فقیه و استقلال قوا، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۱.
۲۰. یوسفیان شورذلی، بهنام و رسولی آستانه، لیلا (۱۳۹۲). نگرش تطبیقی به جبران خسارت واده شده بر محکوم بی گناه: از نظر تا واقعیت، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۲.
21. Forst, B. (2004) *Errors of justice: Nature, sources, and remedies*. New York: Cambridge University Press.
22. Mollah M.A.H. (2018) *Judicial Oversight of Bureaucracy*. In: Farazmand A. (eds) *Global Encyclopedia of Public Administration, Public Policy, and Governance*. Springer, Cham
23. Bubalo, Lana & Pajic, Denes. (2019). *In dubio pro reo principle in modern criminal procedure*. vol 1. University of Stavanger.



## بررسی تاثیر نگرش اخلاقی استراتژی های بازاریابی دیجیتالی بر عملکرد صنعت هتلداری

علی نخچیان<sup>۱</sup>  
علی حسین زاده<sup>۲</sup>  
حسین مؤمنی مهمویی<sup>۳</sup>  
محمد قاسمی نامقی<sup>۴</sup>

### چکیده

اخلاق کاری مهمترین عامل در موفقیت صنعت هتلداری می باشد. جهان معاصر با سرعتی شگفت انگیز در حال تحول است. سازمان ها، به عنوان یکی از بارزترین مشخصه های جوامع امروزی نیز به سرعت در حال تغییر و تحول هستند و در نظام کنونی ارتقاء عملکرد یکی از اهداف عمده هر سازمان زنده و فعال محسوب می گردد. بنابراین واضح است که بررسی متغیر های اثرگذار بر آن تا چه اندازه می تواند راهنمای مدیران در بهبود شرکت باشد. در این راستا در این تحقیق بدنبال بررسی تاثیر استراتژی های بازاریابی دیجیتال بر عملکرد صنعت هتلداری هستیم. این تحقیق از حیث نوع و ماهیت، تحقیقی توصیفی - تحلیلی و از نظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی می باشد و روش جمع آوری اطلاعات نیز میدانی و پیمایشی (با استفاده از پرسشنامه) و از نوع فرضیه آزمایی است. در این تحقیق، مدل معرفی شده با استفاده از نمونه ای ۱۲۵ تایی و با استفاده از روش حداقل مربعات جزئی (PLS) مورد آزمون قرار گرفته است. یافته ها بیانگر تاثیر مثبت و معنادار بازاریابی ایمیلی و بازاریابی شبکه ای، بازاریابی محتوا بر ابعاد عملکرد هتل ها (از هر ۴ منظر مالی، مشتری، فرایندهای داخلی و اخلاقی) است. اما تاثیر بازاریابی وپروسی بر عملکرد مورد تایید قرار نگرفت. این پژوهش برای مدیران این حقیقت را روشن می سازد که آنها با سرمایه گذاری بر روی استراتژی های بازاریابی دیجیتال نه تنها ضرر نمی کنند بلکه به یک مزیت رقابتی از طریق بهبود عملکرد نیز دست می یابند.

### واژگان کلیدی

نگرش اخلاقی، استراتژی های بازاریابی دیجیتال، صنعت هتلداری، بازاریابی شبکه ای.

۱. دانشجوی دکتری گروه مدیریت، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.  
Email: alinakhchian@gmail.com
۲. استادیار گروه مدیریت، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران. (نویسنده مسئول)  
Email: Hosseinzadeh56@gmail.com
۳. دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.  
Email: Momenimahmouei@yahoo.com
۴. استاد مدعو گروه مدیریت، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران و استادیار مدیریت بازرگانی، گروه اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.  
Email: mghn2008@yahoo.com

## طرح مسأله

بررسی‌ها نشان می‌دهد که صنعت هتلداری، به نظام‌های اخلاقی توجه نشان می‌دهد. این صنعت به سه دلیل اساسی ملزم به اعمال اخلاق در این حرفه است: اول، به دلیل داشتن تأثیرات فوق‌العاده بر روی محیط و جامعه بومی که در آن فعالیت می‌کند و ضرورت نیاز به جلب حمایت جامعه میزبان برای دوام این صنعت. دلیل دوم اینکه، این صنعت پذیرای میهمانانی با فرهنگ‌های گوناگون می‌باشد و با توجه به ویژگی‌های ذاتی صنعت هتلداری (تفکیک ناپذیری، ناملموس بودن، تنوع و ...)، مسایل اخلاقی به نگرانی عمده این صنعت تبدیل شده است. اگر رفتارهای یک کارمند هتل از دیدگاه میهمانان، غیراخلاقی جلوه نماید، بدون شک، میهمانان نمره ارزیابی خود از خدمات آن هتل را کاهش می‌دهند زیرا رضایت میهمانان، تنها با عوامل ملموس تجارب هتل امکانپذیر نیست، بلکه تا حد بسیار زیادی تحت تأثیر این است که رفتار کارمندان هتل با خود را چگونه درک و دریافت نمایند. دلیل سوم اینکه توجه به مسایل اخلاقی، بر افزایش کیفیت و ارزش افزوده خدمات صنعت هتلداری تأثیرگذار خواهد بود (شریفی، احمد حسین، ۱۳۸۴).

از جهتی شرکت‌های امروزی به شدت نیازمند برقراری ارتباط با مشتریان به منظور، شناخت بهتر آن‌ها، بهره‌گیری از ایده‌های آن‌ها، یادگیری از آن‌ها، تحقق نیازهایشان، ارائه بهترین خدمات به آن‌ها و در نتیجه بهبود عملکرد خود هستند. یکی از راه‌های برقراری ارتباط که امروزه توجه زیادی را به خود جلب نموده‌اند، استفاده از اینترنت است. شبکه‌های اینترنتی، پویایی‌های کلاسیک کسب و کار را تغییر میدهند (برسون و همکاران، ۲۰۱۵). علاوه بر این، قابلیت‌های اینترنت به فروشندگان اجازه میدهند تا توابع ایجاد ارزش درونی را هماهنگ کنند و ارزش زیادی را در روابط با مشتریان، کسب کنند (سگارا و همکاران، ۲۰۱۶). در سالهای اخیر، رشد استفاده از اینترنت در کسب و کارها و افزایش استفاده از آنها توسط مشتریان، باعث شده تا اینترنت به یک ابزار استثنایی برای ارتباط شرکت با مصرف‌کنندگان و انجام بازاریابی تبدیل شوند. این نقطه‌ای است که بازاریابی دیجیتالی ورود پیدا می‌کند (فریا و همکاران، ۲۰۱۴). در بازاریابی دیجیتالی، شرکت تمرکز اصلی خود را بیشتر روی دیده شدن با استفاده از تکنیک‌های متفاوت قرار می‌دهد؛ زیرا در بازاریابی به شیوه سنتی، پیام بازاریابی توسط بسیاری از دریافت‌کنندگان به علل مختلف، نادیده گرفته می‌شود (چانگ و همکاران، ۲۰۱۵). برای موفقیت در بازاریابی دیجیتال، طراحی و اجرای استراتژی بازاریابی اینترنتی بسیار مهم و حیاتی می‌باشد، چرا که سازمان‌ها با بهره‌مندی از استراتژی بازاریابی دیجیتال، می‌توانند فرآیند نوآوری در سازمان را تسهیل کنند، خدمات فرعی و اصلی خود را بصورت دیجیتالی ارائه نمایند، در مقابل تغییرات سریع محیط دیجیتالی انعطاف‌پذیر و پویا عمل



نمایند و در این محیط با حداقل ریسک مواجه شوند، کنترل شرکت را بهبود دهند و به کمک آن تجربیات و دانش مشتریان را بهتر مدیریت نمایند (کیم و کو، ۲۰۱۲). سازمان با اتخاذ استراتژی دیجیتال انتظار بهبود عملکرد در حوزه‌های مختلف خود را دارد.

بازاریابی دیجیتالی در صنعت هتلداری در چند سال اخیر تأثیر قابل توجهی بر این صنعت گذاشته چرا که در میان مردم و به ویژه گردشگران؛ محبوبیت خاصی پیدا کرده‌اند. به طوری که در فرآیند برنامه ریزی سفر و انتخاب مقاصد گردشگری سهم و ارزش بالایی در ذهن مصرف کننده پیدا کرده است. با توجه به این که برای هتل‌ها، رقابت با رقبای، ارتباط نزدیک و موثر با گردشگران و لزوم حضور در دنیای دیجیتال از اهمیت و خاصی برخوردار است، داشتن بازاریابی دیجیتالی قدرتمند، امروزه به انتخابی اجباری تبدیل شده است که در صورت توجه به آن و استفاده اثر بخش از آن‌ها می‌توان به مزیت رقابتی مناسبی جهت رقابت در بازار دست یافت و به صورت اثر بخشی اهداف بازاریابی را به ثمر نشاند و هزینه‌های هتلداری را کاهش داد. از سوی دیگر با انجام فعالیت‌های مناسب و اثر بخش در رسانه‌های اجتماعی، موتورهای جست و جو شما را بیشتر از پیش جلوی دیدگان گردشگر قرار می‌دهد و در سئوی وب سایت نقش موثر و حائز اهمیتی دارد به همین دلیل باعث بهبود ارزش و رتبه وب سایت می‌شود. مطالعات اخیر در این رابطه نشان می‌دهد، گردشگرانی که در جست و جوی هتل هستند از رسانه‌های اجتماعی برای رصد فعالیت‌ها و کشف جاذبه‌های یک منطقه استفاده می‌کنند.

از آنجا که صنعت گردشگری به دلیل نیاز کم‌تر به منابع سرمایه‌ای در مقایسه با صنایع دیگر برای کشورهای در حال توسعه و خصوصاً کشور ایران که با مشکل تأمین سرمایه روبروست از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین با توجه به اینکه در عصر حاضر بازاریابی دیجیتالی یکی از مهمترین عناصر بهبود عملکرد یک کسب و کار بالاخص هتل‌ها می‌باشد توجه به تأثیر نگرش‌های اخلاقی استراتژی‌های بازاریابی دیجیتالی بر عملکرد صنعت هتلداری می‌تواند نقش بسزایی در بهبود عملکرد یک سازمان داشته باشد که در پژوهش حاضر به صورت تجربی بدان پرداخته خواهد شد.

بازاریابی دیجیتالی در هتلداری به عنوان یک کانال توزیع در صنعت گردشگری می‌تواند به بهبود و اثر بخشی استراتژی‌های بازاریابی و ارائه خدمات مناسب به گردشگران ایفای نقش کند. به همین خاطر بازاریابی دیجیتالی در هتلداری می‌تواند عامل جذب یا دفع گردشگر به هتل باشند. چرا که در جذب ترافیک برای وب سایت، جذب و آشنایی گردشگر بالقوه با وب سایت و خدمات هتل، ارائه و انتقال ارزش و کیفیت خدمات هتل؛ رسانه‌های اجتماعی به عنوان یک درگاه ورودی عمل کند. اما نکته حائز اهمیت در استفاده از رسانه‌های اجتماعی در هتلداری این است که چه رسانه‌ای با چه نوع محتوایی انتخاب شود که متناسب با اهداف کسب و کار

باشد یا به عبارت دیگر دیگر استراتژی‌های مناسب در بازاریابی دیجیتال برای بهبود عملکرد سازمانی آنها چگونه باید باشند. در این راستا هدف پژوهش حاضر پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است که استراتژی بازاریابی دیجیتال چه تاثیری بر عملکرد صنعت هتلداری دارند؟

## ادبیات تحقیق

### اصول اخلاقی در بازاریابی دیجیتال

یکی از شایع‌ترین و گزنده‌ترین انتقادات از بازاریابی دیجیتال آن است که شرکتها، مصرف‌کنندگان را متقاعد می‌کنند که آنها به چیزهای مادی زیادی نیاز دارند و اگر این ضرورت‌ها را نداشته باشد، آدمهای بدبخت و فرودستی خواهند بود اما واکنشی که بازاریابان به این ادعا نشان دادند این است که نیاز یک انگیزه زیستی است در حالی که خواسته‌راهی است که جامعه برای تامین آن توصیه می‌کند بنابراین نیاز از قبل هست و بازاریابان فقط روشهایی را برای برطرف کردن آن توصیه می‌کند یک هدف اساسی بازاریابی ایجاد آگاهی است به عبارتی نیاز فطری است و قابل خلق نیست. انتقاد دیگر که توسط ونس پاکارد مطرح شده این است که چالشهای بزرگ با موفقیت زیاد انجام می‌شود تا عادات بدون فکر ما، تصمیمات خرید ما و فرآیندهای فکری ما تغییر مسیر داده می‌شود. بسیاری از افراد احساس می‌کنند که بازاریابان محصولات را عملاً با صفات اجتماعی مطلوب پیوند می‌دهند و یک جامعه مادی‌گرایانه را ایجاد می‌کنند که در آن ما براساس آنچه در تملک خود داریم، اندازه‌گیری می‌شویم. واکنش به این ادعاها به این شکل مطرح شده است که محصولات برای برطرف کردن نیازهای موجود طراحی می‌شوند و تبلیغات فقط به اطلاع‌رسانی در مورد موجود بودن آن کمک می‌کند. طبق دیدگاه اقتصاد اطلاعات تبلیغات خدمتی است که مصرف‌کنندگان حاضرند برای آن پول بدهند زیرا اطلاعاتی که عرضه می‌کند زمان جستجو را کاهش می‌دهد (شریفی، احمد حسین، ۱۳۸۴).

### بازاریابی دیجیتال

تبلیغات، پیشبرد فروش، روابط عمومی، فروش شخصی و بازاریابی مستقیم عوامل تشکیل‌دهنده ترویج و گسترش از عناصر آمیزه بازاریابی و یکی از تاکتیک‌های مهم متقاعد کردن مشتریان آگاه که دارای حق انتخاب هستند، می‌باشد. امروز بسیاری از شرکت‌هایی که به صورت مستقیم بازاریابی می‌کنند درمی‌یابند روش بازاریابی مستقیم که بازاریابی از روند مبتنی بر روابط با مشتری است در مقایسه با روش مبتنی بر فقط فروش محصول، نقشی گسترده‌تر ایفا می‌نماید. آن‌ها مشاهده می‌نمایند که این روش، به‌عنوان یکی از ابزارهای اثربخش در ایجاد رابطه دوطرفه با مشتریان به‌طور بلندمدت می‌باشد. ظهور اینترنت، بازاریابی مستقیم را تکامل بخشیده و امکانات مناسبی را برای ایجاد رابطه تولیدکننده با مشتری و بالعکس فراهم نموده

است. مشتری به راحتی پیام‌های تولیدکنندگان را دریافت نموده و در صورت تمایل، با آن‌ها تعامل برقرار می‌کند. واژه‌هایی مانند بازاریابی اینترنتی، بازاریابی وبی و بازاریابی الکترونیکی به وفور در ادبیات تجارت الکترونیک مشاهده می‌شود و اغلب معادل یکدیگر به کار می‌روند (طالقانی و مهدی زاده، ۱۳۹۵).

با ظهور تجارت الکترونیک، سازمان‌ها در حال تغییر تجارت و کسب‌وکار خو هستند. بازاریابی الکترونیک یکی از زیرمجموعه‌های تجارت الکترونیک است. برخی شرکت‌ها توانسته‌اند با بهره‌گیری از این شیوه‌ی نوین بازاریابی نه تنها درآمد هنگفتی به دست آورند، بلکه عرصه رقابت را چه در بازارهای داخلی و چه در بازارهای خارجی بر رقیبان خود تنگ‌تر کنند (دعائی و بی‌غم، ۱۳۹۴).

بازاریابی دیجیتال که با نام‌های دیجیتال مارکتینگ یا بازاریابی اینترنتی هم شناخته می‌شود، به تمامی فعالیت‌های بازاریابی گفته می‌شود که با استفاده از ابزار دیجیتال یا در فضای اینترنت صورت می‌گیرد. در سال‌های اخیر حوزه‌های تجاری مختلف، برای ارتباط با مشتریان فعلی و آینده خود از انواع کانال‌های دیجیتالی مانند موتورهای جستجوگر، شبکه‌های اجتماعی، وبسایت‌ها و آدرس ایمیل‌ها بهره گرفته‌اند. گفتنی است این روش‌ها با سرعتی بسیار بالاتر از بازاریابی سنتی و آفلاین منجر به توسعه کسب‌وکارها در صنایع مختلف شده است. دیجیتال مارکتینگ در واقع استفاده از چندین تاکتیک و کانال ارتباط دیجیتالی برای برقراری ارتباط با مشتریان در فضایی است که بیشترین وقت خود را در آن به صورت آنلاین سپری می‌کنند. در واقع از وبسایت تجاری گرفته تا انواع تبلیغات دیجیتالی، بروشورهای آنلاین و ... همه به‌نوعی زیر مجموعه بازاریابی دیجیتال به حساب می‌آیند (گولدفارب و تاکر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹).

استراتژی‌های بازاریابی دیجیتال، مانند نظارت دقیق و تحلیل بازخورد مشتری، پاسخ به بازخورد مشتری، ایجاد یک برنامه مدیریت شهرت دیجیتال، نظارت و مطالعه رسانه‌های اجتماعی، و یکپارچه سازی سایتهای بررسی شخص ثالث در وب سایتهای هتل، افزایش عملکرد هتلها شده اند. از سوی دیگر برخی محققین استدلال می‌کنند که تحقیقات بیشتری در مورد چگونگی تأثیر استراتژی‌های بازاریابی دیجیتال بر بهبود عملکرد سازمانها نیاز است (دی-پالسماکر<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۸).

1 Goldfarb.Avi, Tucker.Catherine

2 De Pelsmacker

## بازاریابی شبکه‌های اجتماعی

بازاریابی اجتماعی تلاشی است که با بهره‌گیری از تکنیک‌های بازاریابی تجاری در محیط شبکه‌های اجتماعی انجام شده و هدف آن تاثیر گذاشتن بر مخاطبان کلیدی که همون دایره توسعه یافته دوستان فرد می‌باشند. این فعالیت درجهت ایجاد شرایط برای تغییر رفتار و علایق افراد بصورت ارادی و توسط خودشونه که باعث پایداری این شرایط می‌شه و البته هدف اصلی سودرسانی به تمام اعضاچه چه خریدار نهایی و چه فروشنده یک کالا یا ارائه دهنده یک خدمات (اردگوموسا و سیسک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲).

شبکه‌های اجتماعی در واقع، خدمات مبتنی بر وب است که به افراد اجازه ساخت یک پروفایل عمومی یا نیمه عمومی درون یک سیستم محدود، برقراری ارتباط با کاربران دیگر و مشاهده صفحات و جزئیاتی که کاربران دیگر در درون سیستم ایجاد کرده‌اند، می‌دهد (باران و استوک<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵). شبکه‌های اجتماعی مجموعه‌ای از افراد (یا سازمان‌ها یا سایر نهادهای اجتماعی) است که از طریق مجموعه‌ای از روابط اجتماعی مانند دوستی‌ها، همکاری‌ها یا تبادل اطلاعات با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند (پارک<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۴)؛ به عبارت دیگر، شبکه‌های اجتماعی یک فناوری است که به ترویج آگاهی جمعی با استفاده از مذاکره اجتماعی در میان گروهی از افراد که به یک هدف یا یک عمل مشترک مشغولند، توجه دارد (لاهییری و موسلی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵).

## بازاریابی ویروسی

از سال ۱۹۸۹ که برای اولین بار از واژه بازاریابی ویروسی در یکی از مجله‌های کامپیوتری استفاده شد (کربی و مارسدن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶). تا کنون، تحقیقات زیادی در خصوص این موضوع انجام شده است. در برخی از مطالعات، بازاریابی ویروسی با عنوان تبلیغات نیز شناخته شده است. شاکله اصلی بازاریابی ویروسی بر مبنای ارتباطات دهان به دهان است. ارتباطات دهان به دهان منبع مهمی برای مشتریان محسوب می‌شود و تأثیر مهمی در شکل‌دهی رفتار و نگرش مصرف‌کننده دارد. بدین ترتیب، بازاریابی ویروسی به روندی اطلاق می‌شود که طی آن پیام تبلیغاتی شرکت از طریق مشتری برای همکاران، آشنایان، اقوام و دوستان ارسال می‌شود و این روند تا جایی ادامه می‌یابد که پیام مانند ویروس بین گروه‌های زیادی از مشتریان بالقوه پخش شده و به سرعت موج عظیمی ایجاد می‌کند. تراوو (۲۰۰۴)، نیز بازاریابی

1 Erdogmus & Cicek

2 Baran. K. S., & Stock. W. G.

3 Park, M. S.,

4 Lahiri, M., & Moseley, J. L.

5 Kirby, J. & Marsden, P.

ویروسی را اینگونه تعریف کرده است: «هرگونه اظهارنظری که درباره محصولات یا خدمات شرکتی گفته می شود و از طریق اینترنت در دسترس افراد زیادی قرار می گیرد» (چان و نگای<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). در هر صورت می توان رشد سریع، ارتباط غیررسمی بین مشتریان و انجام آن در بستر اینترنت را از جمله موارد مشترک در تعاریف موجود برشمرد. هدف اصلی بازاریابی ویروسی، استفاده از ارتباطات شخص به شخص - در مقابل ارتباطات مشتری به شرکت - برای گسترش اطلاعات در خصوص محصول یا کالایی است که در نتیجه به پذیرش سریع، گسترده و مؤثرتر در بازار منجر شود (هو و دمپسی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). کاربران با بهره مندی از بازاریابی ویروسی به عنوان یکی از جذابترین اهرمها برای ارتقای برند، می توانند محتوای الکترونیکی را از طریق پست الکترونیک، شبکه های اجتماعی، تالارهای گفتگو، بلاگهای شخصی، پیامک، انجمنها، پیامهای چندرسانه ای و بولتن، به دیگران ارسال کنند. در حالیکه کاربران ممکن است فردی را که برای اولین بار مطلب را نگاشته، شناسند، یا انگیزه، پیش زمینه و قصدی برای دیدن آن نداشته باشند، اما پس از مشاهده پیام، خود به خیل عظیم ارسال کنندگان مطلب پیوسته و در گسترش تعداد بازدیدکنندگان آن مشارکت کنند (دابل<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۵).

### بازاریابی محتوا

"محتوا پادشاه است" عنوان مقاله ای است که بنیانگذار مایکروسافت بیل گیتس نخستین بار در سال ۱۹۹۶ ارائه کرد. در این مقاله بیل گیتس در مورد آینده اینترنت صحبت می کند و در بیان خود می گوید که "محتوا آن جایی است که من انتظار دارم پول زیادی در اینترنت حاصل شود" بازاریابی محتوا یکی از روش های بازاریابی است که در میان مدت و بلندمدت منجر به ایجاد ارزش برای یک کسی و کار یا فروشگاه اینترنتی می شود. بررسی ها نشان می دهد که درصد قابل توجهی از بازاریابان از بازاریابی محتوا استفاده می کنند؛ زیرا ین نوع از بازاریابی در حقیقت یک استراتژی بلندمدت است که بر ایجاد یک رابطه قوی با مخاطب هدف متمرکز است و تلاش می کند با دادن محتوای با کیفیت به مخاطبان با آن ها ارتباط برقرار سازد. بازاریابی محتوا طی چند قرن گذشته راه زیادی را طی کرده است. بسیاری از شرکت های بزرگ جهان همچون شرکت مایکروسافت و سیسکو از این روش بازاریابی استفاده می کنند. البته بازاریابی محتوا تنها به کسب و کارها و شرکت های بزرگ اختصاص ندارد؛ بلکه کسب و کارهای کوچک و حتی فروشگاه های یک نفره ای هم در سراسر جهان وجود دارند که از طریق بازاریابی محتوا کسب و کارشان را توسعه داده اند. رویکرد این شاخه از بازاریابی استراتژیک است و بر ایجاد و

1 Chan, Y. & Ngai, E.

2 Ho, J. Y. & Dempsey, M.

3 Dobe, A.,

توزیع محتوای با ارزش تمرکز دارد. محتوایی که بتواند به جذب مخاطب بینجامد و در نهایت با مشتری به سوی یک کسب و کار، سودآور باشد. زمانی که مشتریان تصمیم به خرید می‌گیرند، به هر حال به عوامل مختلفی توجه می‌کنند و یکی از این عوامل که شاید مهم‌ترین آن‌ها نیز محسوب شود، احساسی است که مشتریان نسبت به یک برند دارند (مولر و کریستاندل<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). بازاریابی محتوا سعی دارد در طول یک فرآیند مشخص احساس مشتریان را به گونه‌ای شکل دهد که آن‌ها در بین برندهای مختلف نسبت به یکی از آن‌ها تعهد و وفاداری بیشتری داشته باشند. اگرچه اینترنت و رسانه‌های اجتماعی بستر اصلی بازاریابی محتوا محسوب می‌شوند، اما این شاخه از بازاریابی صرفاً به حوزه دیجیتال محدود نمی‌شود؛ هنوز هم برخی از شرکت‌ها هستند که از طریق تولید محتوای آفلاین فعالیت‌های بازاریابی محتوا را پیش می‌برند. بازاریابی محتوا در مفهوم کلی به معنای به اشتراک گذاری دانش، مشاوره و سرگرمی در یک قالب قابل استفاده است که این قالب ممکن است شامل مقالات وبلاگ، فیلم، پادکست، بازاریابی از طریق رسانه‌های اجتماعی، ایمیل‌ها، وبینارها، اینفوگرافیک، کاریکاتور، مسابقه و آزمون، ارزیابی‌ها، برنامه‌ها و غیره باشند (کی و ریشاد<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵).

### بازاریابی ایمیلی

ایمیل یک رسانه ارتباطی اینترنتی سریع، ارزان و با کاربرد آسان است و این ویژگی‌ها باعث شده است تا بسیاری از سازمانهای تجاری برای ارتباط با مصرف کنندگان از ایمیل استفاده کنند. با این حال مصرف کنندگان غالباً در مقابل تماس غیر مستقیم از طریق ایمیل مقاومت می‌کنند و ممکن است آنها حتی بدون تماس با مخاطبین واکنش نشان دهند. محققین به این مشاهدات با استفاده از یک جریان در حال رشد ادبیات که رفتار و واکنشهای مصرف کنندگان در برابر استفاده از ایمیل‌های تجاری پاسخ داده اند، به عنوان مثال نرخ تبدیل که در آن مصرف کننده روی پیوندهای ارتباط در تبلیغات ایمیل کلیک می‌کند، شناسایی توالی و تناوب ارتباط از طریق تماس با ایمیل بهینه و مطالعه فراندی که مصرف کنندگان تصمیم می‌گیرند با پیام ایمیل مرتبط شوند را مورد بررسی قرار داده اند (ویلسون<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۵).

بازاریابی ایمیلی یک روش اصولی برای ایجاد وفاداری مشتریان به یک کسب و کار بوده و عاملی مهم در فروش محصولات و خدمات به حساب می‌آید. شما از طریق بازاریابی ایمیلی می‌توانید مشتریان و یا کاربران سایت خود را همیشه در کنار خود داشته باشید. در این مدل از بازاریابی دیجیتال شما ابتدا باید ایمیل کاربران سایت خود را دریافت کنید، سپس از طریق

1 Müller & Christandl

2 Kee, Angel, & Yazdanifard, Rashad

3 Wilson

سرویس های ارسال ایمیل انبوه مانند میرالایت<sup>۱</sup> و میل چیمپ<sup>۲</sup> برای آنها ایمیل های هدفمند ارسال کنید. بازاریابی ایمیلی به اصطلاح همانند شمشیر دو لبه است. اگر آن را درست و اصولی انجام دهید، مشتریان شما بیشتر و وفادارتر خواهند شد و فروش شما طبیعتاً افزایش پیدا خواهد کرد و همچنین از طرف دیگر در صورت ارسال ایمیل های متوالی و بی ارزش می توانید مشتریان را از دست داده و همچنین به اعتبار برند خود لطمه وارد کنید (الیس-چادویک و دوهرتی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵).

### عملکرد هتل

عملکرد در لغت به معنی حالت یا کیفیت کارکرد است، بنابراین عملکرد سازمانی، یک سازه کلی است که به چگونگی انجام عملیات سازمانی اشاره دارد. معروف ترین تعریف عملکرد توسط نیلی و همکاران در سال ۲۰۰۲ ارائه شده است. فرآیند تبیین کیفیت اثربخشی و کارایی اقدامات گذشته. امروزه در فضای رقابتی، کسب و کارها در تلاش اند تا با ایجاد مزیت رقابتی پایدار از طریق ارتقای عملکرد سازمانی رونق یابند و خود را با تغییرات انطباق دهند. بیشتر مطالعات گذشته در زمینه عملکرد سازمانی بر مبنای عملکرد مالی بوده اند، اگرچه شاخص های مالی چندان با اهداف بلندمدت یک کسب و کار همبستگی ندارند و نمی توانند در شرایط حاد رقابتی، مزیت برای سازمان ها ایجاد کنند. (رهنورد و همکاران، ۱۳۹۵).

عملکرد سازمانی، میزانی است که سازمان اهداف موردنظر خود را به انجام می رساند. در واقع عملکرد مفهوم کلی است که عملکرد کلی سازمان را از ابعاد مختلف مدنظر قرار م دهد. ادبیات گذشته از اندازه گیری عملکرد با ابزارهای ذهنی و عینی دفاع می کند، اما مسلماً استفاده از ابزارهای عینی اعتبار بیشتری دارد (کامیسون و لوپز<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴).

سایناگهی<sup>۵</sup> (۲۰۱۰)، پیشنهاد می کند برای اندازه گیری عملکرد هتلها از سه بعد اساسی استفاده شود که عبارتند از: بعد مالی (مانند درآمد هر اتاق موجود (RevPAR<sup>۶</sup>))، عملیاتی (مانند اشغال یا بازدید مکرر) و سازمانی (مانند رضایت مشتری) (به نقل از دی پالسماکر و همکاران، ۲۰۱۸).

در اقتصاد سنتی، مجموعه ای از داشته های درگیر در جریان تولید کالا انباشته می شود. به بیان دیگر در اقتصاد سنتی، مفهوم دارایی ثابت، به ساختمان، تجهیزات تولیدی، مصالح و وسایل

1 MailerLite

2 MailChimp

3 Ellis-Chadwick, F., & Doherty, N. F.

4 Camisón & Villar-López

5 Sainaghi, R.,

6 Revenue per available room (RevPAR)

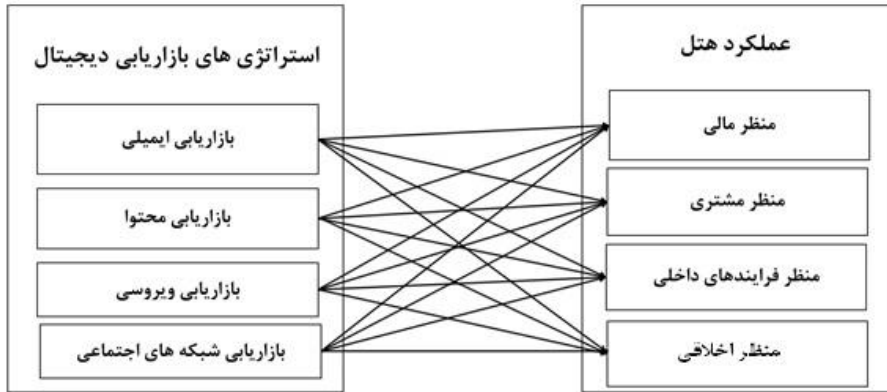
حمل و نقل و ماشین آلات به عنوان کالاهایی که در فرایند تولید، به کار می‌روند و جز در اثر استهلاک تغییر شکل نمی‌یابند، اطلاق می‌گردد. دارایی‌های جاری نیز به عناصر جاری، مانند مواد اولیه و بطور کلی سرمایه در گردش، به عنوان کالاهایی که در فرایند تولید بطور کامل تغییر شکل می‌یابند و یا از بین می‌روند، گفته می‌شود. بر پایه این طرز تلقی، دارایی‌ها عبارتند از: منابع اقتصادی، که در قالب موجودی هزینه و بهای آن در زمان اکتساب می‌تواند سنجیده شده و کنترل شود. ارزش دارایی‌ها اغلب بر مبنای مقایسه جریان‌های مورد انتظار هزینه‌ها و درآمدهای بالقوه مورد محاسبه قرار می‌گیرد. تعدادی از شاخصهای عملکردی مالی که توسط محققین ارائه شده اند عبارتند از: گردش مجموع دارایی‌ها، فروش به سرمایه، نسبت جاری، گردش موجودی، بازده مجموع دارایی‌ها، بازده سرمایه (دی پالساگر و همکاران، ۲۰۱۸).

### مدل و فرضیه‌ها

- H1a: بازاریابی ایمیلی بر عملکرد از منظر مالی تاثیر مثبت معناداری دارد
- H1b: بازاریابی ایمیلی بر عملکرد از منظر اخلاقی تاثیر مثبت معناداری دارد
- H1c: بازاریابی ایمیلی بر عملکرد از منظر مشتری تاثیر مثبت معناداری دارد
- H1d: بازاریابی ایمیلی بر عملکرد از منظر فرایندهای داخلی تاثیر مثبت معناداری دارد
- H2a: بازاریابی محتوا بر عملکرد از منظر مالی تاثیر مثبت معناداری دارد
- H2b: بازاریابی محتوا بر عملکرد از منظر اخلاقی تاثیر مثبت معناداری دارد
- H2c: بازاریابی محتوا بر عملکرد از منظر مشتری تاثیر مثبت معناداری دارد
- H2d: بازاریابی محتوا بر عملکرد از منظر فرایندهای داخلی تاثیر مثبت معناداری دارد
- H3a: بازاریابی ویروسی بر عملکرد از منظر مالی تاثیر مثبت معناداری دارد
- H3b: بازاریابی ویروسی بر عملکرد از منظر اخلاقی تاثیر مثبت معناداری دارد
- H3c: بازاریابی ویروسی بر عملکرد از منظر مشتری تاثیر مثبت معناداری دارد
- H3d: بازاریابی ویروسی بر عملکرد از منظر فرایندهای داخلی تاثیر مثبت معناداری دارد
- H4a: بازاریابی شبکه‌های اجتماعی بر عملکرد از منظر مالی تاثیر مثبت معناداری دارد
- H4b: بازاریابی شبکه‌های اجتماعی بر عملکرد از منظر اخلاقی تاثیر مثبت معناداری دارد
- H4c: بازاریابی شبکه‌های اجتماعی بر عملکرد از منظر مشتری تاثیر مثبت معناداری دارد
- H4d: بازاریابی شبکه‌های اجتماعی بر عملکرد از منظر فرایندهای داخلی تاثیر مثبت معناداری دارد

معناداری دارد





شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

### روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت جزو پژوهش‌های توصیفی از نوع همبستگی است. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها به صورت میدانی - پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده‌اند.

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل تمام مدیران و کارکنان اداری هتل‌های ۴ و ۵ ستاره شهر مشهد است که شامل ۱۹۰ نفر است، برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده است. برای تعیین حداقل حجم نمونه از جدول مورگان استفاده شده است. با توجه به حجم جامعه آماری، این پژوهش نیازمند حداقل ۱۲۳ نمونه می‌باشد، که برای اطمینان از گردآوری تعداد لازم، ۱۵۰ پرسشنامه توزیع شد. این تعداد بین اعضای نمونه به روش حضوری، ایمیل و فاکس ارسال گردید. در نهایت تعداد ۱۲۷ به محققین بازگردانده شد. در این میان تعداد ۲ پرسشنامه دارای داده‌های ناهمگون و غیرقابل اعتماد بودند که حذف گردیدند. در نهایت ۱۲۵ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفت، که طبق قواعد ذکر شده بیش از حداقل مورد نیاز است.

### ابزارهای پژوهش

برای سنجش و اندازه‌گیری تأثیر استراتژی‌های بازاریابی دیجیتال بر عملکرد هتل‌های ۴ و ۵ ستاره مشهد از پرسشنامه‌ای متشکل از ۳۲ سوال بسته با طیف ۵ گانه لیکرت استفاده شده است که طیف آن از بسیار موافقم تا بسیار مخالفم گسترده است. تعداد ۱۷ سوال مربوط به عملکرد هتل‌ها (در چهار بخش مالی، مشتری، فرایندهای داخلی و اخلاقی) و ۱۵ سوال مربوط به ابعاد استراتژی‌های بازاریابی دیجیتال می‌باشد. این پرسشنامه قبلاً در دی‌پالسماکر و همکاران در سال ۲۰۱۸ و عبدالعلیم محمد و همکاران، ۲۰۱۴ بکار گرفته شده است. با این حال

روایی و پایایی با استفاده از آزمون‌های مختلف برای سازه‌ها و معرف‌ها به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است که در بخش یافته‌ها به طور کامل توضیح داده شده‌اند.

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش از روش حداقل مربعات جزئی (PLS) برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. زیرا اولاً این روش به پیش فرض‌های همچون توزیع نرمال معرف‌های مشاهده شده و حجم بالایی نمونه‌ها متکی نیست. ثانیاً از این روش برای مقاصد پیش‌بینی و اکتشاف روابط محتمل استفاده می‌شود. به عبارت دیگر برخلاف روش‌های مبتنی بر کواریانس که سعی در سازگاری داده‌ها با الگوی نظری پژوهش دارند، این روش به دنبال کشف نظریه‌ی است که در داده‌ها نهفته است (فضلی و هوشنگی، ۱۳۹۳).

### یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا به بررسی پایایی، روایی و برازش مدل پرداخته می‌شود و سپس فرضیه‌های تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای بررسی پایایی تحقیق از سه ملاک: (۱) آلفای کرونباخ (۲) ضریب ترکیبی و (۳) بار عاملی معرف‌ها استفاده شده است (هوشنگی و همکاران، ۲۰۱۶). نتایج بررسی ضریب ترکیبی و آلفای کرونباخ در جدول یک قابل مشاهده است. ضریب ترکیبی و آلفای کرونباخ برای همه سازه‌ها به ترتیب بیشتر از  $0/۸۳۶$  و  $0/۷۱۶$  است که از حداقل مقدار  $0/۷$  لازم بیشتر است. نتایج بررسی بارهای عاملی نیز در جدول دو قابل مشاهده است (اعداد هایلایت شده). در روش حداقل مربعات جزئی برای پایایی معرف‌ها، بار عاملی برای هر معرف باید بیشتر از  $0/۶$  باشد (هوشنگی و همکاران، ۲۰۱۷). اکثریت بارهای عاملی (به جزء یکی از بارهای عاملی عملکرد از منظر مالی) دارای بارهای عاملی بالاتر از  $0/۶$  هستند که با توجه به قاعده بایدو<sup>۱</sup> و متوسط واریانس استخراج شده سازه آن (که بالاتر از  $0/۵$  است) می‌توان این معرف را نیز حفظ نمود.

جدول ۱: نتایج بررسی اعتبار متغیرها

متغیر	آلفای کرونباخ	ضریب ترکیبی	متوسط واریانس استخراج شده
بازاریابی محتوا	0.756436	0.859552	0.671129
عملکرد از منظر مشتری	0.742636	0.836692	0.563231

<sup>۱</sup>: بایدو بیان می‌کند که اگر سازه‌ای دارای معرف با بار عاملی کمتر از  $0/۶$  باشد ولی متوسط واریانس استخراج شده آن بالاتر از  $0/۵$  باشد می‌توان آن معرف را حفظ نمود. برای اطلاع بیشتر به کتاب دکتر عادل آذر و همکاران، ۱۳۹۱ مراجعه نمایید.

0.610958	0.886672	0.839864	بازاریابی ایمیلی
0.591618	0.874016	0.811865	عملکرد از منظر مالی
0.647864	0.880309	0.819530	عملکرد از منظر فرایندهای داخلی
0.595212	0.853995	0.775659	عملکرد از منظر اخلاقی
0.639144	0.841379	0.716785	بازاریابی شبکه ای
0.702068	0.904045	0.862635	بازاریابی ویروسی

برای بررسی روایی نیز از سه آزمون متوسط واریانس استخراج شده، آزمون ماتریس همبستگی فرنل - لاکر و بارهای عرضی باید بهره گرفت (فضلی و همکاران، ۲۰۱۳). مقدار حداقلی برای تایید روایی متغیرها در آزمون متوسط واریانس استخراج شده برابر ۰/۵ است. نتایج بررسی این آزمون در جدول یک قابل مشاهده است. مقدار متوسط واریانس استخراج شده برای همه سازه‌ها بیشتر از ۰/۵۶۳ است که از حداقل مقدار ۰/۵ لازم بیشتر است.

برای بررسی روایی معرف‌ها از آزمون بارهای عرضی استفاده می‌گردد که در آن باید بار عاملی هر یک از معرف‌ها برای سازه خودش بیشتر از بار عاملی آن معرف برای سایر سازه‌ها باشد (قانی و همکاران، ۲۰۱۳). نتایج بررسی این آزمون در جدول دو نشان داده شده است. نتایج بررسی بیانگر روایی مناسب معرف‌ها است، چرا که تمامی معرف‌ها دارای بار عاملی بالاتری برای سازه خود در مقابل بار عاملی آن‌ها برای سازه‌ها هستند. به عنوان مثال بار عاملی معرف CM 1 برابر با ۰,۸۳۱ است که از مقادیر ۰,۵۰۵، ۰,۵۲۹، ۰,۵۵۴، ۰,۳۱۳، ۰,۳۵۷، ۰,۴۶۱، ۰,۴۶۰، ۰,۴۶۰ بیشتر است.

جدول (۲) بارهای عاملی و بارهای عرضی معرف‌های پژوهش

معرف‌ها	بازاریابی محتوا	عملکرد از منظر مشتری	بازاریابی ایمیلی	عملکرد از منظر مالی	عملکرد از منظر فرایندهای داخلی	عملکرد از منظر اخلاقی	بازاریابی شبکه ای	بازاریابی ویروسی
CM 1	<b>0.831</b>	0.505	0.529	0.554	0.313	0.357	0.461	0.046
CM 2	<b>0.829</b>	0.543	0.492	0.473	0.243	0.431	0.396	0.212
CM 3	<b>0.798</b>	0.366	0.453	0.432	0.261	0.339	0.355	0.183
CP 1	0.493	<b>0.801</b>	0.573	0.574	0.353	0.387	0.563	0.199
CP 2	0.521	<b>0.806</b>	0.539	0.600	0.262	0.410	0.521	0.192
CP 3	0.341	<b>0.655</b>	0.303	0.450	0.187	0.205	0.355	0.160
CP 4	0.360	<b>0.730</b>	0.330	0.467	0.286	0.389	0.474	0.078
EM 1	0.555	0.555	<b>0.805</b>	0.550	0.410	0.443	0.497	0.144
EM 2	0.481	0.498	<b>0.850</b>	0.643	0.374	0.495	0.572	0.177
EM 3	0.461	0.518	<b>0.759</b>	0.557	0.416	0.421	0.473	0.269
EM 4	0.403	0.305	<b>0.709</b>	0.461	0.314	0.468	0.373	0.258

0.160	0.426	0.458	0.393	0.517	<b>0.778</b>	0.455	0.443	<b>EM 5</b>
0.169	0.356	0.207	0.285	<b>0.438</b>	0.384	0.300	0.296	<b>FP 1</b>
0.261	0.559	0.450	0.318	<b>0.812</b>	0.561	0.607	0.532	<b>FP 2</b>
0.118	0.510	0.446	0.338	<b>0.857</b>	0.558	0.604	0.439	<b>FP 3</b>
0.124	0.560	0.546	0.385	<b>0.832</b>	0.561	0.498	0.483	<b>FP 4</b>
0.154	0.550	0.540	0.453	<b>0.824</b>	0.602	0.571	0.506	<b>FP 5</b>
0.105	0.385	0.251	<b>0.773</b>	0.401	0.340	0.261	0.221	<b>IP 1</b>
0.057	0.389	0.289	<b>0.806</b>	0.333	0.282	0.293	0.212	<b>IP 2</b>
0.167	0.371	0.300	<b>0.814</b>	0.336	0.415	0.286	0.258	<b>IP 3</b>
0.171	0.372	0.336	<b>0.826</b>	0.423	0.505	0.341	0.358	<b>IP 4</b>
0.148	0.486	<b>0.796</b>	0.354	0.578	0.495	0.457	0.513	<b>LP 1</b>
0.201	0.391	<b>0.728</b>	0.254	0.449	0.478	0.339	0.363	<b>LP 2</b>
0.089	0.303	<b>0.703</b>	0.160	0.298	0.283	0.256	0.151	<b>LP 3</b>
0.225	0.406	<b>0.850</b>	0.318	0.424	0.484	0.366	0.305	<b>LP 4</b>
0.212	<b>0.846</b>	0.407	0.365	0.581	0.468	0.583	0.437	<b>NM 1</b>
0.146	<b>0.777</b>	0.425	0.425	0.520	0.544	0.493	0.339	<b>NM 2</b>
0.122	<b>0.773</b>	0.434	0.335	0.500	0.437	0.472	0.416	<b>NM 3</b>
<b>0.849</b>	0.184	0.251	0.217	0.152	0.286	0.132	0.116	<b>VM 1</b>
<b>0.826</b>	0.243	0.176	0.134	0.234	0.214	0.171	0.148	<b>VM 2</b>
<b>0.815</b>	0.062	0.036	0.092	0.091	0.098	0.121	0.105	<b>VM 3</b>
<b>0.860</b>	0.135	0.203	0.078	0.195	0.194	0.262	0.197	<b>VM 4</b>

فرنل - لاکلر برای بررسی روایی سازه‌ها توصیه می‌کند، جذر متوسط واریانس استخراج شده سازه‌ها باید بیشتر از همبستگی آن با سایر سازه‌ها باشد که بیانگر آن است که همبستگی سازه با نشانگرهای خود بیشتر از همبستگی‌اش با سایر سازه‌ها است (آذر و همکاران، ۱۳۹۱). در جدول (۳) نتایج روایی سازه‌ها ارائه شده است.

جدول ۳: ماتریس همبستگی و جذر متوسط واریانس استخراج شده (آزمون فرنل - لاکلر)

بازاریابی ویروسی	بازاریابی شبکه‌ای	منظر اخلاقی	منظر فرایندهای داخلی	منظر مالی	بازاریابی ایمیلی	منظر مشتری	بازاریابی محتوا	همبستگی
							0.819	بازاریابی محتوا
						0.750	0.583	منظر مشتری
					0.782	0.601	0.602	بازاریابی ایمیلی
				0.769	0.502	0.503	0.597	منظر مالی
			0.805	0.466	0.489	0.369	0.333	منظر فرایندهای داخلی
		0.771	0.367	0.587	0.582	0.474	0.460	منظر اخلاقی
	0.799	0.526	0.469	0.668	0.604	0.647	0.496	بازاریابی شبکه‌ای
0.838	0.202297	0.222	0.161	0.213	0.253	0.214	0.175	بازاریابی ویروسی

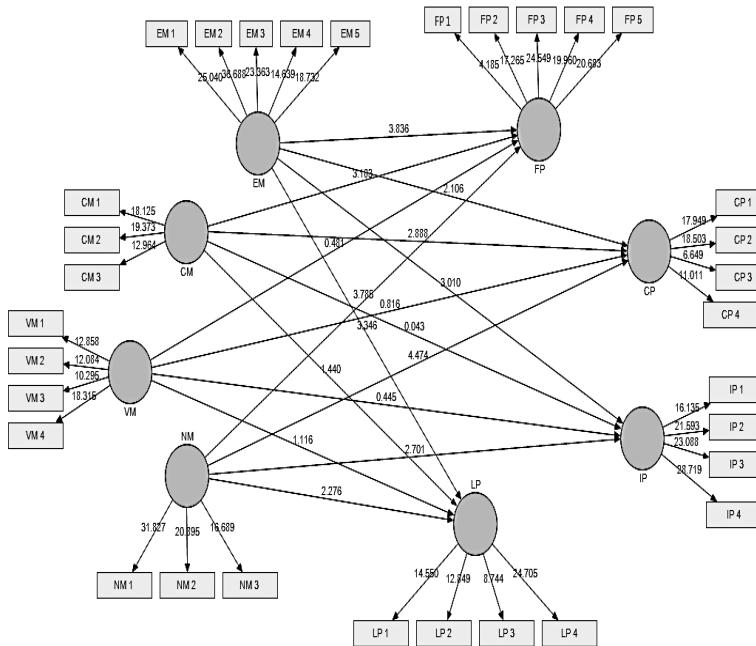
در مدلسازی معادلات ساختاری به کمک روش حداقل مربعات جزئی از شاخصی به نام نیکویی برازش (GOF) برای بررسی برازش مدل استفاده می شود. این شاخص هر دو مدل اندازه گیری و ساختاری را مدنظر قرار می دهد و به عنوان معیاری برای سنجش عملکرد کلی مدل به کار می رود. حدود این شاخص بین صفر و یک بوده و تزلزل و همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار ۰,۰۱، ۰,۲۵ و ۰,۳۶ را به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی نمودند. همانطور که در جدول شماره ۴ قابل مشاهده است مقدار GOF برابر با ۰,۵۳۷ است که بیانگر آن است برازش مدل کلی به صورت قوی تایید می شود.

جدول ۴: برازش مدل

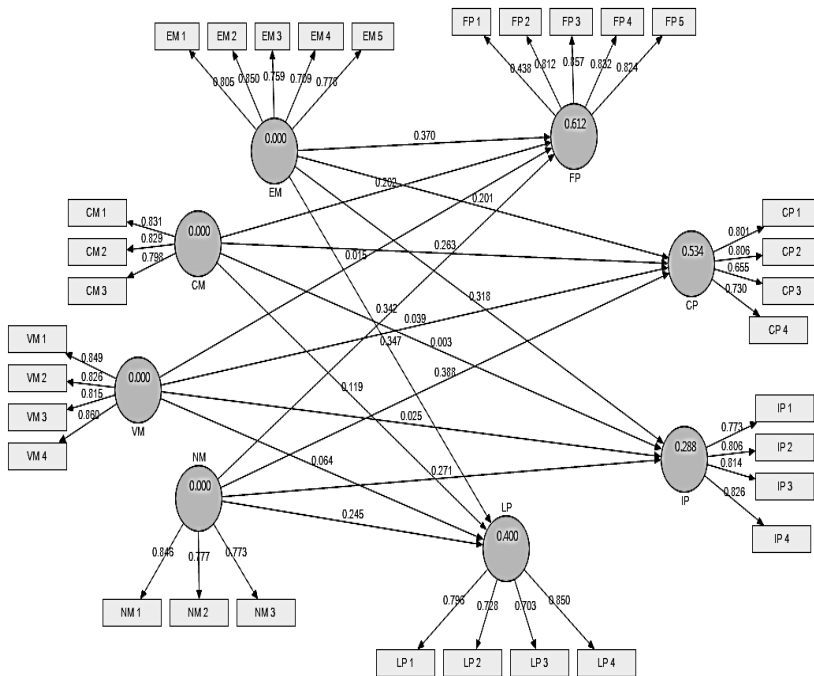
GOF	ضریب تعیین	ضریب اشتراکی	متغیر
۰,۵۳۷	-	0.671129	بازاریابی محتوا
	0.534120	0.563231	منظر مشتری
	-	0.610958	بازاریابی ایمیلی
	0.612498	0.591618	منظر مالی
	0.287871	0.647864	منظر فرایندهای داخلی
	0.400283	0.595212	منظر اخلاقی
	-	0.639144	بازاریابی شبکه ای
	-	0.702068	بازاریابی ویروسی
	۰,۴۵۹	۰,۶۲۸	متوسط

دسته دوم یافته های این پژوهش به آزمون الگوی ساختاری و فرضیه های پژوهش اختصاص دارد که برای این منظور از ضریب مسیر و ضریب تعیین که به وسیله الگوریتم حداقل مربعات جزئی و با نرم افزار اسمارت پی ال اس به دست آمده است. ضریب مسیر سهم هر یک از متغیرهای پیش بین در تبیین واریانس متغیر ملاک را نشان می دهد (هوشنگی و فضلی ۱۳۹۳). برای محاسبه مقدار آماره T از الگوریتم بوت استراپ با ۵۰۰ زیر نمونه استفاده شده است. مقدار ضرایب مسیر و آماره تی به همراه نتیجه فرضیه ها در شکل های ۲ و ۳ و جدول شماره (۵) ارائه شده است.

شکل ۲: ضریب معناداری بین متغیرهای تحقیق



شکل ۳: ضریب مسیر بین متغیرهای تحقیق



## جدول ۵: نتایج آزمون فرضیات

نتیجه	آماره تی	ضریب مسیر	متغیرها
تایید	۳,۸۳۶	۰,۳۷۰	<b>H1a</b> : بازاریابی ایمیلی بر عملکرد از منظر مالی تأثیر مثبت معناداری دارد
تایید	۳,۳۴۶	۰,۳۴۷	<b>H1b</b> : بازاریابی ایمیلی بر عملکرد از منظر اخلاقی تأثیر مثبت معناداری دارد
تایید	۲,۱۰۶	۰,۲۰۱	<b>H1c</b> : بازاریابی ایمیلی بر عملکرد از منظر مشتری تأثیر مثبت معناداری دارد
تایید	۳,۰۱۰	۰,۳۱۸	<b>H1d</b> : بازاریابی ایمیلی بر عملکرد از منظر فرایندهای داخلی تأثیر مثبت معناداری دارد
تایید	۳,۱۰۳	۰,۲۰۲	<b>H2a</b> : بازاریابی محتوا بر عملکرد از منظر مالی تأثیر مثبت معناداری دارد
رد	۱,۴۴۰	۰,۱۱۹	<b>H2b</b> : بازاریابی محتوا بر عملکرد از منظر اخلاقی تأثیر مثبت معناداری دارد
تایید	۲,۸۸۸	۰,۲۶۳	<b>H2c</b> : بازاریابی محتوا بر عملکرد از منظر مشتری تأثیر مثبت معناداری دارد
رد	۰,۰۴۳	۰,۰۰۳	<b>H2d</b> : بازاریابی محتوا بر عملکرد از منظر فرایندهای داخلی تأثیر مثبت معناداری دارد
رد	۰,۴۸۱	۰,۰۱۵	<b>H3a</b> : بازاریابی ویروسی بر عملکرد از منظر مالی تأثیر مثبت معناداری دارد
رد	۱,۱۱۶	۰,۰۶۴	<b>H3b</b> : بازاریابی ویروسی بر عملکرد از منظر اخلاقی تأثیر مثبت معناداری دارد
رد	۰,۸۱۶	۰,۰۳۹	<b>H3c</b> : بازاریابی ویروسی بر عملکرد از منظر مشتری تأثیر مثبت معناداری دارد
رد	۰,۴۴۵	۰,۰۲۵	<b>H3d</b> : بازاریابی ویروسی بر عملکرد از منظر فرایندهای داخلی تأثیر مثبت معناداری دارد
تایید	۳,۷۸۶	۰,۳۴۲	<b>H4a</b> : بازاریابی شبکه های اجتماعی بر عملکرد از منظر مالی تأثیر مثبت معناداری دارد
تایید	۲,۲۷۶	۰,۲۴۵	<b>H4b</b> : بازاریابی شبکه های اجتماعی بر عملکرد از منظر اخلاقی تأثیر مثبت معناداری دارد
تایید	۴,۴۷۴	۰,۳۸۸	<b>H4c</b> : بازاریابی شبکه های اجتماعی بر عملکرد از منظر مشتری تأثیر مثبت معناداری دارد
تایید	۲,۷۰۱	۰,۲۷۱	<b>H4d</b> : بازاریابی شبکه های اجتماعی بر عملکرد از منظر فرایندهای داخلی تأثیر مثبت معناداری دارد

## نتیجه گیری

نگرش عمومی کارکنان به اخلاق بر فعالیت حرفه ای آنها در صنعت هتلداری تاثیرگذار می باشد؛ یعنی می توان از طریق درک نگرش عمومی به اخلاق، به پیشبینی و تبیین اخلاق حرفه ای و ابعاد آن پرداخت. نتایج تحلیل آماری داده‌های تحقیق و آزمون فرضیات نشان داده است که بازاریابی ایمیلی بر ابعاد عملکرد (منظر مالی، منظر اخلاقی، منظر مشتری، منظر فرایندهای داخلی) هتل تاثیر مثبت و معناداری دارد. که این نتیجه نشان می دهد بازاریابی ایمیلی مورد توجه بیشتری توسط هتل‌های شهر مشهد قرار گرفته است و از سوی دیگر این روش بیشتر بر رفتار مشتریان تاثیرگذار می باشد. همچنین نتایج مشخص نمود که بازاریابی محتوا بر عملکرد از دو منظر مالی و مشتری تاثیر مثبت معناداری دارد در حالیکه تاثیر بازاریابی محتوا بر عملکرد از دو منظر اخلاقی و فرایندهای داخلی تایید نگردیده است؛ که نشان دهنده این موضوع است که بازاریابی محتوا هر چند موجب بهبود شرایط مالی و جذب مشتری شده است اما موجب بروز یادگیری و نیز بهبود فرایندهای داخلی سازمان نشده است. در ادامه آزمون فرضیات تحقیق نشان داده است که بازاریابی و پروسی بر عملکرد (منظر مالی، منظر اخلاقی، منظر مشتری، منظر فرایندهای داخلی) هتل تاثیر معناداری ندارد. که نشان دهنده عدم توجه به تبلیغات دهان به دهان و پروسی در این صنعت است و این امر موجب کاهش روابط بین مشتریان با یکدیگر شده است. در نهایت مشخص گردیده است که بازاریابی شبکه های اجتماعی بر ابعاد عملکرد (منظر مالی، منظر اخلاقی، منظر مشتری، منظر فرایندهای داخلی) هتل تاثیر مثبت و معناداری دارد. این نتیجه نشان می دهد توجه به شبکه های اجتماعی در صنعت هتلداری مناسب است و شواهد نشان می دهد برنامه های تورهای مسافرتی و معرفی هتلها در شبکه های اجتماعی بطور گسترده ای افزایش یافته است. دی پالسماکر و همکاران در سال ۲۰۱۸ مورد این فرضیات را مورد بررسی قرار داده اند و تاثیر انواع بازاریابی بر عملکرد هتلها را تایید نموده اند؛ چند آنها عملکرد هتل را با ابعاد دیگری مانند بعد مالی (مانند درآمد هر اتاق موجود (RevPAR<sup>1</sup>))، عملیاتی (مانند اشغال یا بازدید مکرر) بررسی نموده‌اند. در تحقیقی دیگر ختایی و شاه مرادی (۱۳۹۲)، نشان داده اند که بین فعالیتهای ترفیعی، داد و ستدی، پایگاه اطلاعاتی و عملکرد توریسم رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

با توجه به نتایج تحقیق به مدیران هتل‌های ۵ و ۴ ستاره شهر مشهد پیشنهاد می گردد:

✓ مدیران میتوانند از طریق ایجاد آموزشهای مهارتهای اخلاقی، تشویق کارکنان اخلاق مدارتر، استانداردسازی رویه آرایه خدمات، و کنترل و نظارت بیشتر رفتارهای کارکنان

1 Revenue per available room (RevPAR)



کاهش و بهبود یابد.

✓ با تولید محتوا در فضای مجازی و اینترنت مشتریان را به سوی خود جذب نمایند.  
 ✓ تشکیل تیم تولید محتوا و دخالت دادن نظرات آنها در فرایندهای داخلی توصیه می‌گردد.

✓ از آنجا که اعتقادهای و نگرشهای عمومی کارکنان هتلها به اخلاق، بر اخلاق کاری و حرفهای آنها تأثیرگذار است لذا مدیران هتلها بایستی بر این موضوع نظارت بیشتری داشته و در بدو استخدام توجه کافی بنمایند.

✓ برگزاری دوره های آموزشی بازاریابی الکترونیک با تأکید بر تولید محتوا پیشنهاد می‌گردد.

✓ آموزش بازاریابی و پروسی به کارکنان بخش بازاریابی پیشنهاد می‌گردد.

✓ لازم است باشگاه مشتریان در شبکه های مجازی ایجاد شود.

✓ برگزاری قرعه کشی و همچنین پرداخت پورسانت به مشتریانی که افراد دیگر را معرفی نمایند توصیه می‌گردد.

همچنین برای دیگر محققین در زمینه انجام تحقیقات آتی پیشنهاد می‌گردد موارد زیر را بررسی نمایند:

- دلایل عدم توجه به بازاریابی و پروسی در سازمانها بطور عام و هتلهای شهر مشهد بطور خاص.

- راههای بهبود بازاریابی و پروسی در هتلهای شهر مشهد.

- چرایی تأثیر غیر معنی دار بازاریابی محتوا بر عملکرد از منظر اخلاقی و فرایندهای داخلی.

## فهرست منابع

۱. آذر، عادل؛ غلامزاده، رسول؛ فنواتی، مهدی (۱۳۹۱)، مدلسازی مسیری - ساختاری در مدیریت: کاربرد نرم افزار smart-pls، انتشارات نگاه دانش.
۲. حسن، قلی پور:
۳. دعایی، حبیب اله؛ بی غم، زینب (۱۳۹۴). بازاریابی اینترنتی و بازاریابی الکترونیکی بعنوان فرصتهای نوین کسب و کار. کنفرانس بین المللی اقتصاد مدیریت و علوم اجتماعی.
۴. رهنورد فرج اله، داودنیا داود، عباس پور فریبا، فرزین مهر بهاره (۱۳۹۵). بررسی تأثیر آمادگی تکنولوژی بر عملکرد سازمانی از طریق پذیرش فناوری. فصلنامه علمی - پژوهشی فرایند مدیریت و توسعه . ۱۳۹۵؛ ۲۹ (۱): ۹۹-۱۱۸
۵. شریفی، احمد حسین (۱۳۸۴)، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی "؛ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ چاپ اول؛ قم
۶. علمی، محمد (۱۳۸۷)، اخلاق در تجارت: رهنمودهای اخلاقی برای موفقیت در کسب و کار "؛ شرکت چاپ و نشر بازرگانی؛ چاپ اول؛ تهران.
۷. طالقانی، محمد؛ مهدی زاده، مهران (۱۳۹۵). بررسی تاثیر متغیر تعدیلگر بازاریابی الکترونیک بر رابطه بین قابلیت‌های بازاریابی و عملکرد شرکت‌ها. مدیریت بازرگانی. دانشکده مدیریت دانشگاه تهران. دوره ۸. شماره ۲. صص ۳۵۵-۳۷۴.
۸. هوشنگی، محسن؛ فضل، صفر (۱۳۹۳) بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر روابط خریدار-تامین کننده در شرکت‌های تولیدی استان قزوین. مدیریت صنعتی. دوره ۶ شماره ۱ صص ۷۵-۹۶
9. Abdul Alem Mohammed, Basri B. Rashid and 3Shaharuddin B. Tahir (2014). The Mediating Influence of Marketing Capabilities on the Relationship Between Knowledge Management and Organization Performance in Hotel Industry. Middle-East Journal of Scientific Research 19 (12): 1679-1689.
10. Baran. K. S., & Stock. W. G. (2015). Interdependencies between acceptance and quality perceptions of social network services: the standard-dependent user blindness. In Proceedings of the 9th International Multi-Conference on Society, Cybernetics and Informatics (IMSCI 2015).
11. Berson, Y, Da'as, R, & Waldman, D. A. (2015). How do leaders and their teams bring about organizational learning and outcomes?. Personnel Psychology, 68(1), 79-108.
12. Ca misón, C. & Villar-López, A. (2014). Organizational Innovation as an Enabler of Technological Innovation Capabilities and Firm Performance. Journal of Business Research, 67(1), pp. 2891-2902.
13. Cegarra-Navarro, J. G, Soto-Acosta, P, & Wensley, A. K. (2016). Structured knowledge processes and firm performance: The role of

- organizational agility. *Journal of Business Research*, 69(5), 1544-1549.
- 14.Chan, Y. & Ngai, E. (2011). Conceptualising Electronic Word of Mouth Activity An Input-Process-Output Perspective. *Marketing Intelligence & Planning*, 29(5), 488-516.
- 15.Chang, Y. T, Yu, H, & Lu, H. P. (2015). Persuasive messages, popularity cohesion, and message diffusion in social media marketing. *Journal of Business Research*, 68(4), 777-782
- 16.De Pelsmacker .Patrick, Sophie van Tilburg , Christian Holthof(2018). Digital marketing strategies, online reviews and hotel performance. *International Journal of Hospitality Management* 72 (2018) 47–55.
- 17.Dobele, A., Toleman, D. & Beverland, M. (2005). Controlled Infection! Spreading the Brand Message Through Viral marketing. *Bussiness Horizons*, 48(1), 143-149.
- 18.Ellis-Chadwick, F., & Doherty, N. F. (2012). Web advertising: The role of e-mail marketing. *Journal of Business Research*, 65(6), 843–848.
- 19.Erdogmusa, I. E. & Cicek, M. (2012). The Impact of Social Media Marketing on Brand Loyalty. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 58(12), 1353-1360.
- 20.Fazli, S. Hooshangi, M. Hosseini, S.A (2013). The relationship between relational capital and buyer performance. *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*. Vol, 4 (12): 4337-4341
- 21.Ferreira, J. B, da Rocha, A, & Ferreira da Silva, J. (2014). Impacts of technology readiness on emotions and cognition in Brazil. *Journal of Business Research*, 67(5), 865–873.
- 22.Ghani, M, Hooshangi, M, Mobaraki, M, Mirzaei, E.(2013). The Effect of psychological capital on university of Tehran Students' Entrepreneurial Intention. *Asian Journal of Research in Business Economics and Management*. Volume : 3, Issue : 10. Pp 313- 321.
- 23.Goldfarb.Avi, Tucker.Catherine(2019). Handbook of the Economics of Marketing. Available online 10 September 2019.
- 24.Ho, J. Y. & Dempsey, M. (2010). Viral marketing: Motivations to forward online content. *Journal of Business Research*, 63(1), 1000-1006.
- 25.Hooshangi, M. Fazli, S. Mirhosseini, S.S. (2016). The mediation role of buyer's satisfaction in relationship between structural capital with performance. *Int. J. Logistics Systems and Management*, Vol. 23, No. 3. 329- 342.
- 26.Hooshangi, M. Salehi Sadaghiani, J. Rashidi Astaneh, M. Amin Afshar, Z. (2017). The mediation role of supply chain integration in relationship between employee commitments with organizational performance. *Int. J. Business Information Systems*, Vol. 24, No. 2. 210-228.
- 27.Johannes Müller, Fabian Christandl, Content is King – But Who is the King of Kings? The Effect of Content Marketing, Sponsored Content &

- User-Generated Content on Brand Responses, Computers in Human Behavior (2019), doi: 10.1016/j.chb.2019.02.006
28. Kee, Angel, & Yazdanifard, Rashad (2015). The Review of Content Marketing as a New Trend in Marketing Practices. *International Journal of Management, Accounting and Economics*, 2, 1055-1064.
29. Kee, Angel, & Yazdanifard, Rashad (2015). The Review of Content Marketing as a New Trend in Marketing Practices. *International Journal of Management, Accounting and Economics*, 2, 1055-1064.
30. Kim, A. J., & Ko, E. (2012). Do social media marketing activities enhance customer equity? An empirical study of luxury fashion brand. *Journal of Business Research*, 65(10), 1480-1486.
31. Kirby, J. & Marsden, P. (2006). *Connected Marketing, The Viral, Buzz and Word of Mouth Revolution*. Bodmin: Elsevier Ltd.
32. Lahiri, M., & Moseley, J. L. (2015). Learning by Going Social: Do We Really Learn from Social Media?. *International Journal of Learning, Teaching and Educational Research*, 11(2), 14-25.
33. Park, M. S., Shin, J. K., & Ju, Y. (2014). The effect of online social network characteristics on consumer purchasing intention of social deals. *Global Economic Review*, 43(1), 25-41.
34. Pelsmacker, Patrick De, Sophie van Tilburg, Christian Holthof (2018). Digital marketing strategies, online reviews and hotel performance. *International Journal of Hospitality Management*. 72. 47-55.
35. Sainaghi, R., (2010). Hotel performance: state of the art. *Int. J. Contemp. Hosp. Manag.* 22 (7), 920-952.
36. Wetzels, Martin ; Odekerken-Schröder, Gaby; van Oppen, Claudia (2009), Using PLS path modeling for assessing hierarchical construct models: guidelines and empirical illustration, *MIS Quarterly* Vol. 33 No. 1
37. Wilson .E. Vance , Adrienne Hall-Phillips, Soussan Djamasbi (2015). Cognitive predictors of consumers' intention to comply with social marketing email appeals. *Computers in Human Behavior* 52 (2015) 307-314.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۸۸ - ۲۶۱

## شاخصه های شفافیت و مبارزه با فساد و تأثیر سنجه ها و موازین بین المللی

۱ حمید رحیمی

۲ صابر نیاورانی

۳ محمد جلالی

۴ اسدالله یآوری

### چکیده

شاخصه های شفافیت و مبارزه با فساد بعنوان راهکاری برای مقابله با فسادهای موجود در طبقات دولتی و حاکمیتی پیشنهاد شده‌اند و دارای دسته بندیهای مختلفی از منابع گوناگون هستند. فساد در پیشبرد اهداف و توسعه ی کشورها موانع بزرگی ایجاد کرده است. با وجود تلاش های مؤثر در زمینه ی تدوین شاخصه های شفافیت و مبارزه با فساد به نظر میرسد پاسخ های رضایت بخشی در قبال این مسئله وجود ندارد و بسیاری از کشورهای درحالتوسعه، همچنان از فساد در تمامی سطوح رنج میبرند.

مهمترین تقسیم بندی شاخصه های شفافیت و مبارزه با فساد به دو شکل نظرسنجی و ارزیابی مطرح شده اند که شاخصه‌های مبتنی بر نظرسنجی سازمان شفافیت بینالملل در قالب ادراک فساد هستند و شاخص های مبتنی بر کارشناسی بر اساس گزارش هستند.

شیوه های مبارزه با فساد با توجه به بروز شدن فساد نیازمند بروزرسانی هستند. رویکرد

---

۱. دانشجوی دوره دکتری تخصصی حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: hamid.rahimi@srbiau.ac.ir

۲. استادیار، گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: sabberniavarani@gmail.com

۳. دانشیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: mdjalali@gmail.com

۴. دانشیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: yavariamir@hotmail.com

بانک جهانی دارای معیار جامعی برای سنجش شفافیت و میزان ارتباط آن با مقوله‌ی فساد است. یکی از راهکارهای اساسی مبارزه با فساد، محدود ساختن فعالیتهای اقتصادی دولت و تشویق بخش خصوصی به مشارکت در فعالیتهای اقتصادی است. در حوزه بودجه بندی، خط مشی گذاری و تنظیم رویهها، برائربخشی استفاده از منابع و کاهش فساد و ائتلاف منابع تأثیر شایان توجهی دارد. بروز بودن دادهها، ایدهها و چشم اندازهای نهادهای مالی مسیر تازه‌ای از شفافیت سازمانی را فرا روی آنها قرار می دهد و نویدبخش کاهش فساد و بهبود عملکرد آنهاست. فقدان معیاری جامع برای سنجش فساد، چارچوب تحلیلی نامناسب، شناسایی نامناسب اهداف و عدم توجه کافی به منابع قانونی و موازین بین المللی و توجه به مسائل سیاسی جزو محدودیتها و عوامل تأثیرگذار بر عدم توفیق در مسیر مبارزه با فساد است.

### واژگان کلیدی

شاخصه‌های شفافیت و مبارزه با فساد، موازین بین‌المللی، بانک جهانی، سازمان شفافیت

بین الملل.

## طرح مسأله

مسئله ی فساد به عنوان مانع قابل ملاحظه ای در توسعه کشورهاست. (سونسن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰ و آلسینا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲) اندازه گیری ادراک های گوناگون پیرامون فساد، یکی از راهکارهای ممکن برای تعیین وضعیت فساد است.

از سال 1975 که مجمع عمومی سازمان ملل متحد ضرورت ایجاد قوانین بین المللی علیه فساد در معاملات تجاری بین المللی را پیش بینی نمود؛ تهیه گزارشها، کنوانسیونها و توصیه نامه ها برای هماهنگی کشورها با جامعه بین الملل صورت گرفت.

در اواسط دهه 199۰، سازمان شفافیت بین الملل و بانک جهانی (1996) نخستین شاخصه های شفافیت و مبارزه با فساد را ارائه دادند. تلاشهای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در کنوانسیون مبارزه با رشوه خواری مقامهای دولتی خارجی در معاملات تجاری بین المللی و همچنین تدوین سیاست مبارزه با فساد اداری اروپا توسط شورای اروپا، توجه بیش از پیش به این شاخصه ها را در پی داشت.

اگرچه تلاش های مؤثری در زمینه تدوین شاخصه های شفافیت و مبارزه با فساد صورت گرفته است، اما به نظر میرسد این شاخصه ها پاسخهای رضایت بخشی در قبال مسئله شفافیت و مبارزه با فساد و تأثیرات متقابل نداشته است. با توجه به این موضوع و با عنایت به این که کشورهای مختلف، تصورات، تجربیات و تعاریف متفاوتی از فساد دارند؛ تا چه حد این حقیقت متنوع و چندبعدی را میتوان به صورتی هدفمند توسط یک شاخص جامع سنجش نمود.

برای سنجش شاخصه های شفافیت و مبارزه با فساد، ابتدا باید دسته بندیهای مختلف شاخص های شفافیت و مبارزه با فساد را بررسی نمود و قواعد هنجاری و تعاریف گوناگونی که از فساد به دست می دهند را شناخت.

از این رو، این مقاله در قسمت اول با تمرکز بر تقسیم بندی های مختلف شاخص های شفافیت و مبارزه با فساد، سنجه های مهم در این زمینه از نظر شیوه ی اجرا را بررسی میکند. در قسمت دوم، اهمیت بروز بودن شاخصه های شفافیت و مبارزه با فساد و همچنین برداشت مؤسسات و نهادهای تدوین کننده شاخصه ها از فساد و شفافیت و دو شاخص مطرح در این حوزه یعنی شاخص کنترل فساد بانک جهانی و شاخص ادراک فساد شفافیت بین الملل مطرح می گردد. در قسمت سوم و چهارم ضمن بحث در خصوص رویکرد بانک جهانی و شاخصه پیشنهادی این پژوهش جهت سنجش توأمان شفافیت و مبارزه با فساد، محدودیت شاخصه ها در سنجش شفافیت و مبارزه با فساد مورد بررسی قرار میگیرد. در پایان نتیجه گیری از مباحث

1 .Svensson, J

2 .Alesina, A

موضوع آورده شده است.

## مبانی نظری

مطالعات متعددی تأثیر فساد بر کشورهای توسعه یافته و بر کشورهای در حال توسعه را بررسی کرده است، با این وجود مطالعه شاخصهای تأثیرگذار و تأثیرپذیر از فساد کمتر مورد بررسی واقع شده است (دیویس و کینگزبوری<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). شاخصهایی که میزان شفافیت و فساد را تعیین میکنند، بیشمار هستند. بسیاری از صاحب نظران یک عامل که از نظر آنها معیاری برای تعیین فساد یا شفافیت است به عنوان شاخصه لحاظ نموده‌اند. خصوصیات شخصیتی ویژگیهای کشور، جنس، ثروت، تحصیلات، وضعیت تأهل، اندازه شهر، نظام حقوقی، منشأ کشور، وجود دموکراسی و قدرت مؤسسات مردمی از جمله سادهترین شاخصه‌های مرتبط با فساد هستند. ماورو<sup>۲</sup> (1995) معتقد است افزایش فساد ادراک شده در یک کشور با نرخ رشد اقتصادی ارتباط دارد. آدس و دی<sup>۳</sup> (1997) دریافته‌اند رقابت و آزادی اقتصادی رابطه مستقیمی با میزان شفافیت دارند. ریجکگم و ودر<sup>۴</sup> (1997) نشان دادند نسبت حقوق و دستمزد با فساد رابطه دارد. برانتی و ودر استنباط کرده‌اند آزادی مطبوعات معیاری برای شفافیت و مبارزه با فساد است.

شاخصه‌های مطرح دو ویژگی مشترک دارند: نخست بر پایه برداشتهای افراد صاحب نظر هستند و سنجها و موازین بینالمللی در آنها مغفول مانده است و در ثانی پراکنده هستند و گاه بر روی یک کشور مطالعه شده و جامعیت بینالمللی ندارند. لاپورتا و همکاران (1997)<sup>۵</sup> مدعی هستند کشورهای نظام حقوقی کامن لا تمایل کمتری به فساد دارند. جانسون و رابینسون<sup>۶</sup> (۲۰۰۰) مذهب را به عنوان عامل کاهش فساد لحاظ نموده‌اند. مک‌آرتور و ساکس<sup>۷</sup> (۲۰۰۰) جغرافیای سرزمینی، فیشمن و گاتی<sup>۸</sup> (1999) کرسیهای پارلمان را مرتبط با افزایش یا کاهش فساد منظور کرده است.

جدول زیر تعاریف فساد و مضامین مربوط به آن را از منظرهای نهادها و سازمانهای بینالمللی مختلف ارائه داده است.

- 1 . Mauro, P
- 2 . Davis, K. E., & Kingsbury, B
- 3 . Ades, A. & R. Di Tella
- 4 . Rijckeghem, C. Van & Weder, B
- 5 . La Porta, R & etc
- 6 . Johnson, Simon & James A. Robinson
- 7 . McArthur, John W., & Sachs, Jeffrey D
- 8 . Fisman, R. & R. Gatti



جدول ۱- تعاریف فساد از منظرهای مختلف

**تعاریف**

«فساد، سوءاستفاده از قدرت و اگذار شده برای منافع شخصی است فساد و به هرکسی که به یکپارچگی مردم در جایگاه قدرت وابسته است، لطمه میزند» (TI,2003)

«مشری بهعنوان یک رشوه دهنده عمل کرده و پول (همچنین رشوه با عنوانین: باجسیل، زیرمیزی، شیرینی، پاداش، سبیل چرب کردن و غیره شناخته میشود) را به مأمور پرداخت میکند که مرتشی نامیده میشود. در عوض مشتری مزیتی از قبیل خدمات یا مجوزی کسب میکند که حق دستیابی به آن را ندارد. برای مثال، تخفیف مالیاتی یا قرارداد عمومی» (لمسدورف ۱۹:۷۲۰۰)	رشوه دادن
این مأمور برای گرفتن خدمات عمومی، از مشتری پول میگیرد یا سود میبرد. (لمسدورف، ۱۹:۷۲۰۰)	اخاذی
دزدی از منابع عمومی از سوی نماینده دولت (لمسدورف، ۱۹:۷۲۰۰)	اختلاس

**سی پی آی (TI,2003)، لمسدورف، ۲۰۰۷**

**کلاهبرداری:** نماینده دولت همچنین میتواند بهطور فعال، اطلاعات را با استفاده از حیلهرگری، تقلب، فریب، دستکاری یا تحریف اطلاعات، حقایق و تخصصها، از مسئول اصلی (رئیس) پنهان کند.

فساد عظیم اصطلاحی است که برای توصیف فساد استفاده میشود عظیم که به بالاترین سطح دولت و نقض گسترده قدرت، نفوذ کرده است.

فساد جزئی که گاهی بهعنوان «فساد اداری» نیز توصیف میشود، شامل مبادله مقادیر بسیار کوچک پول و اعطای وامهای کوچک است. بااینحال اینها میتوانند خسارات عمومی قابلیتوجهی را موجب شوند. مثلاً افسر گمرک که با محمولههای دارای عوارض بالا، وسوسه میشود و ۲۰۰ دلار یا بیشتر رشوه میگیرد.	جزئی	<b>UN (2004) ملل متحد (United Nations)</b>
---	------	--

ملل متحد: ۳۲:۴۳۰۰

رشوه دادن یا رشوه تصمیم دادن است. اعطای مزیتی به منظور ایجاد تأثیر نامناسب روی عمل

WB) بانک جهانی world bank (فساد و جزئی سوءاستفاده فساد از و نیز

قدرت عمومی سوءاستفاده برای نخبگان منافع برای شخصی منافع به صورت خصوصی عظیم

فساد فعال به عنوان پرداخت یا وعده پرداخت رشوه تعریف میشود	فساد	OECD
(. سوءاستفاده فعال یا غیرفعال از اختیارات مقامهای OECD 2008) دولتی (انتصابی یا انتخابی) برای منافع مالی خصوصی یا سایر مزایا		
سوءاستفاده از قدرت برای منافع شخصی. (کمسیون اروپا ۲۰۰۳)	فساد	کمسیون اروپا
تقاضا، پیشنهاد، ارائه یا قبول کردن، مستقیم یا غیرمستقیم، رشوه یا هرگونه مزیت ناروا یا چشمانداز مربوط به آنکه عملکرد مناسب هر نوع وظیفه یا رفتاری را منحرف میکند.	فساد	کنوانسیون حقوق بشر ۱۷۴ (ETS برای فساد) ماده ۲

وعده، پیشنهاد به یک مقام دولتی مستقیم یا غیرمستقیم برای خود مقام دولتی یا شخص یا نهاد دیگری به این ترتیب که این مقام رشوه دادن فعال رسمی، از عمل کردن یا نکردن به وظایف اداری خود، اجتناب کند.

### کنوانسیون حقوق (شورای اروپا)

**کیفری در مورد فساد** تقاضا یا پذیرش توسط یک مقام رسمی، به طور مستقیم یا باج که این غیرمستقیم شخص برای از مقام عمل رسمی یا کردن یا شخص و نکردن به نهاد وظایف دیگری به خود، منظور اجتناب این کند. (شورای اروپا)

از سال ۱۹۹۰ بین مؤسسات و نهادهای مختلف برای تدوین یک شاخص رقابت چشمگیری بوده است. برخی از این مؤسسات شاخصهای منحصر به فردی تعبیه نموده اند و دستهای از مؤسسات با ترکیب چند شاخص، شاخصهای جدیدی معرفی کرده اند.

### ۱. تقسیم بندی شاخصهای شفافیت و مبارزه با فساد

شاخصهای شفافیت و مبارزه با فساد از نظر شیوهی اجرا به دو شکل نظرسنجی و ارزیابی تقسیم میشوند. آن دسته از شاخصها که به صورت نظرسنجی اجرا میشود در قالب ادراک فساد هستند؛ یعنی ممکن است فساد در کشورهای مورد نظرسنجی اینگونه نباشد ولی درک مردم آن کشور از فساد اینگونه است.

بهموازات شاخصهای مبتنی بر شیوهی نظرسنجی، گروه دوم از شاخصهای شفافیت و مبارزه با فساد در سال ۲۰۰۰ رشد نمود. مبنای این شاخصها کارشناسی بود.

### ۱-۱. شاخصهای مبتنی بر نظرسنجی

از مهمترین شاخصهای مبتنی بر نظرسنجی، شاخص سازمان شفافیت بینالملل است.

شاخص سازمان شفافیت بین‌الملل، شاخص درک فساد و شاخص درک رشوه (بی پی آی)<sup>۱</sup> و سنجش فساد جهانی راباهمکاری مؤسسه گالوپ تدوین نموده است. بررسی بودجه باز تهیه‌شده توسط مؤسسه بودجه بین‌الملل و شاخص بین‌المللی تجارت و شاخص تجربی فساد و شاخص محیط کسبوکار (بی ای ای پی اس)<sup>۲</sup> از جمله شاخصهای مبتنی بر نظرسنجی هستند.

## ۱-۲- شاخصهای مبتنی بر ارزیابی و کارشناسی

دسته دوم شاخصهای شفافیت و مبارزه با فساد به شکل ارزیابی و آزمون اجرا میشوند و سنجش میزان شفافیت و میزان فساد متکی بر نمرات ارزشیابی شاخصهاست.

بارومتر اروپا تهیه‌شده توسط کمیسیون اروپا، برآورد جرم بین‌الملل تهیه‌شده توسط اتحادیه تحقیقاتی (ای یو تی آی اس)<sup>۳</sup> و طرح ارزشهای اروپایی مؤسسه مطالعاتی ارزشهای اروپایی، شاخصهای یکپارچگی آفریقا و شاخص حاکمیت آفریقا و نوتبوکهای فساد و شاخص یکپارچگی جهانی مؤسسه یکپارچگی جهانی و بنیاد مو آبراهیم، شاخصه بینش جهانی مؤسسه اچ آی اس<sup>۴</sup>، گزارش رقابتپذیری جهانی جی آر سی<sup>۵</sup> مؤسسه مدیریت توسعه، لاتینو بارومتر از شرکت لاتینو بارومتر و از شاخصهای مبتنی بر ارزیابی و کارشناسی هستند. جدول ۲ طبقه‌بندی شاخصهای شفافیت و مبارزه با فساد را از نظر شیوهی اجرا نشان میدهد.

جدول ۲- طبقه بندی شاخصهای شفافیت و مبارزه با فساد از نظر شیوهی اجرا

### شاخص تهیه کننده

محیط کسب و کار و بررسی عملکرد بانک اروپایی برای بازسازی و توسعه سازمانی (BEEPS EBRD) و بانکهای جهانی.

### شاخصهای مبتنی بر نظرسنجی

صدای مردم (VOPS)	مؤسسه بین‌المللی گالوپ
شاخص بین‌المللی تجارت شاخص تجربی فساد	بنگاه تجارت جهانی

بررسی بودجه باز مؤسسه بودجه بین‌الملل

شاخص درک فساد سازمان شفافیت بین‌الملل

شاخص درک رشوه (بی پی آی) سازمان شفافیت بین‌الملل و مؤسسه سنجش فساد

- 1 . BEEPS
- 2 . BPI
- 3 . EUICS
- 4 . HIS
- 5 . GRC

جهانی	گالوپ بارومتر اروپا	کمیسیون اروپا
برآورد جرم بینالمللی (ICVS)	اتحادیه تحقیقاتی EUICS	
طرح ارزشهای اروپایی	مؤسسات مطالعاتی ارزشهای اروپایی	
شاخصهای یکپارچگی آفریقا شاخص حاکمیت آفریقا نوتبوکه‌های فساد شاخص یکپارچگی جهانی	مؤسسه یکپارچگی جهانی و بنیاد مو ابراهیم	
بینش جهانی	مؤسسه اچ آی اس	
گزارش رقابتپذیری جهانی (GRC)	مؤسسه مدیریت توسعه (IMD)	
لاتینو بارومترو	شرکت لاتینو بارومترو	
افروبارومترو	دانشگاه ایالتی میشیگان	
شاخص (ICRG)	مجموعه خدمات سیاسی	
شاخص حاکمیت آفریقا (AGI)	کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد	
شاخصهای حاکمیت جهانی (WGI)	بانک جهانی	
راهبرد سرزمینی بانک جهانی و ارزیابی‌سازمانی		

### شاخصهای مبتنی بر ارزیابی و آزمون

ارزش جهانی (WVS) انجمن WVS

### ۲- اهمیت بروز بودن شاخصهای شفافیت و مبارزه با فساد

در عصر حاضر، مبارزه با فساد و شفافیت آفرینی هنگامی موفق میباشد که روشهای سنتی را کنار گذاشته و بر شیوههای جدید و دسترسی الکترونیکی به دادههای مورد واکاوی تکیه نماید (تئودور<sup>۱</sup>، ۱۸۲۰). زیرا شکل فساد روز بروز مدرنتر و شیوههای بروز و بستر فساد روز بروز جدیدتر میشود؛ بنابراین نمیتوان از شاخصهای مرتبط با حوزه شفافیت و فساد زدایی انتظار داشت با توجه با گستردگی اطلاعات، باهمان شیوهی قدیمی به سنجش شفافیت و مبارزه با فساد پردازند.

شاخصهای بسیاری در حوزهی شفافیت مطرح است. از مهمترین شاخصهای مرتبط با شفافیت شاخص سی پی آی یا همان شاخص شفافیت بینالملل است. اگرچه این شاخص در سنجش شفافیت شاخص خوبی است، اما همانگونه که درگاه اینترنتی این سازمان در بخش ما چه میکنیم آمده است منابعمآوری اطلاعات این سازمان عمدتاً محلی و بهصورت موردی

1. Theodore, Kahn

است. در حالیکه شاخص سنجش شفافیت اولاً باید با سنجش فساد توأمان باشد و در ثانی بر اساس منابع قابلیت‌ها از جمله داده‌های معتبر و قابلاستناد باشد.

مقایسه دو شاخص مهم در حوزه‌ی شفافیت و مبارزه با فساد (شاخص کنترل فساد و شاخص استنباط) با بیان تعاریف، اهداف، منابع اطلاعاتی و تعداد کشورهای تحت پوشش در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳- مقایسه دو شاخص مهم (شاخص کنترل فساد و شاخص استنباط)

شاخص استنباط (CPI, 2012)	WGI, 2012 کنترل فساد	
فساد، سوءاستفاده از قدرت و گذار شده برای منافع شخصی است و میتواند به هر کسی که به یکپارچگی مردم در جایگاه قدرت، لطمه وارد سازد.	سوءاستفاده از قدرت عمومی برای منافع شخصی بصورت عظیم و جزئی فساد و نیز سوءاستفاده نخبگان برای منافع خصوصی	<b>تعریف</b>
افزایش آگاهی عمومی در مورد فساد، ارائه اطلاعات درباره ادراکات گسترده فساد در کشورها. (لمسدورف، ۱۹:۷۲۰۰)	ارزیابی یک معیار از حاکمیت که در اصل به ایجاد شاخصهای درون کشور و حاکمیت میانجامد و ایجاد ابزارهای مؤثر کمکهای دولتی، اختصاص دارد. (بانک جهانی، ۷۲۰۰)	<b>هدف</b>
<p>– شاخصهای NGO (شاخصهای حاکمیت پایدار برتلزمان؛ شاخص دگرگونی اساس برتلزمان؛ ملتهای خانه آزادی در ترانزیت؛ درجه بندی ریسک کشور با بینش جهانی؛ شفافیت بینالمللی بررسی شمار رشوه دهندگان)؛</p> <p>– مجریان کسب و کار درجه بندی اداره بانک</p> <p>– توسعه آفریقا؛ سالنامه رقابت پذیری جهانی IMD؛ اطلاعات آسیای مشاوره ریسک اقتصادی و سیاسی؛ خدمات ریسک سیاسی؛ راهنمای ریسک کشوری بینالمللی؛ ارزیابی عملکرد بانک جهانی و ارزیابی سازمانی؛ رتبه بندی ریسک کشوری واحد اطلاعات اکونومیست</p>	<p>– بررسی شرکتها و خانوارها آفریقا؛ بررسی محیط تجاری؛ شفافیت بینالمللی بارومتر فساد جهانی؛ گزارش رقابت پذیری جهانی انجمن اقتصادی جهانی؛ نظرسنجی جهانی گالوپ؛ بارومتر لاتینو؛ فساد اداری مشاوره ریسک اقتصادی سیاسی در آسیا؛ بارومتر آمریکایی دانشگاه وندربیل؛ سالنامه رقابت پذیری جهانی مؤسسه مدیریت توسعه</p> <p>– شاخصهای ریسک و بینش جهانی شرایط کسب و کار</p> <p>– سازمانهای مردمنهاد (شاخص دگرگونی برتلزمان؛ شاخص بنیاد آزادی اقتصادی؛ شاخص انتخاباتی آفریقا؛ تحقیقات بینالمللی و شاخص پایداری شاخص بورس؛ شاخص بودجه باز پروژه بودجه بین الملل)</p> <p>– سازمانهای دولتی (سیاست کشوری بانک توسعه آفریقا و ارزیابیهای سازمانی؛ بانک اروپایی برای بازسازی گزارش توسعه؛ پایگاه دادههای اطلاعاتی حقوق بشری چارلز، پایگاه اطلاعاتی پروفایلهای سازمانی؛ ارزیابیهای سازمان و سیاست کشوری بانک جهانی)</p>	<b>منابع اطلاعاتی</b>

## کشورهای تحت پوشش

### ۳- شاخصهای سنجش شفافیت؛ رویکرد بانک جهانی

از میان شاخصهای انتخابی، راهنمای بانک جهانی برای جامعه مدنی مناسبترین شاخص و درعینحال معیار جامع برای سنجش شفافیت و میزان ارتباط آن با مقوله فساد است (دیوید<sup>۱</sup>)، (۱۷۲۰). این شاخص میگوید برای اینکه شفافیت از طریق نهادهای مدنی ترویج یابد جامعه مدنی سه سنج را مدنظر قرار دهد.

#### ۳-۱- شفافیت نقشها و مسئولیتها

سنجی اول، شفافیت نقشها و مسئولیتها است. آنچه دراینبین مطرح است این است که بهطور بسیار روشنی نقشها و مسئولیتهای افراد شفافسازی شود اینکه یک جایگاه یا یک موسسه، دولتی است یا خصوصی و یا اینکه آثار مترتب بر اشخاص حقوقی عمومی و یا اشخاص حقوقی حقوق خصوصی بر آن بار میشود و چه وظایف و اهداف و مسئولیتهایی بر عهده آن نهاد یا موسسه است جملگی پرسشهایی است که در این سنج ملاک است.

جامعه مدنی با بررسی نقشها و مسئولیتها قادر است کلیه ارکان و سازمانها و نهادها به مرزبندی درونی دولت و بخش خصوصی و نیز احصای فعالیت بخش عمومی و بنگاههای اقتصادی آزاد پردازد و دقیقاً مشخص نماید چهکاری و در چه حوزههای مربوط به چه کسی است. هنگامیکه نقشها و مسئولیتها دچار ابهام شوند، آنگاه اهداف، منافع و خروجی یک سازمان نیز مبهم است و در این صورت بروز فساد قوت میگیرد. شفافیت نقشها و مسئولیتها، که انعکاسدهنده مرزبندی درونی دولت بین فعالیتهای مالی، پولی و بنگاههای اقتصادی عمومی از یکسو و بخشهای عمومی و خصوصی از سوی دیگر است.

#### ۳-۱-۱- مرزبندی درونی دولت و بخش خصوصی

سمنها میتوانند با پیاده کردن یک برنامه از قبل تعیینشده، دخالت کم یا گستردهی دولت درزمینههای مختلف و به علتها و توجیهای متفاوت را به خاطر اینکه رشد و توسعه بخش خصوصی رادر بسیاری محدود میکنند، کنترل نمایند. بهطوریکه رشد و سطح بالای ثروت اقتصادی همزمان توسطبخش خصوصی و دولت به دست آید. جوامعی که سطح بالایی از اقتصادشان در انحصار دولتهاست بهتنهایی نمیتوانند به سطح نسبتاً بالایی از رشد اقتصادی دست یابند، بنابراین سمنها، بیش از هر چیز به کارآمد و شفاف کردن دولت نیاز دارند تا در چارچوب آزادیهای مدنی و حکمرانی خوب عمل کنند و از بیعدالتی، تخصیص غیر بهینه و فساد

جلوگیری کند.

سمنها با تبیین این امر که پدیده فساد یک نقلوانتقال منافع بین بخش دولتی و خصوصی است که طی آن منافع عمومی به سمت منافع خصوصی سوق مییابد به کنترل مؤسسات خصوصی اهتمام میورزند. کنترل برخی مؤسسات خصوصی نیز رسالت مهم سمنها را در راستای شفافیت نقشها و مسئولیتها برجسته مینماید. در شرکتهای بزرگ خصوصی نیز ممکن است فساد متأثر از نفوذ افراد دولتی به هنگام استخدام و همچنین در فعالیتهای خصوصی تنظیمشده توسط دولت دیده شود. در چنین موارد، فساد میتواند سوءاستفاده از قدرت عمومی به نفع یک حزب خاص، طبقه، قوم، دوستان، خانواده باشد. در واقع در بسیاری از کشورها بعضی از درآمدهای حاصل از فساد، در راستای تأمین مالی فعالیتهای حزبهای سیاسی تعریف میشود. کاهش مشارکت بخش خصوصی، فرصت بیشتری برای رانت جویی سیاسی فراهم میآورد و سیاستمداران و بروکراتها فاسدتر میشوند؛ به عبارت دیگر، دولت بزرگتر بازده مورد انتظار از فعالیتهای غیرقانونی را افزایش میدهد و در نتیجه، انگیزهای برای انجام فعالیتهای غیرقانونی همچون فساد میشود.

در کشورمان ایران، تخصیص منابع مالی کافی برای تأسیس و تنفیذ نظام حقوقی و قضایی و توجه به نهادهای مدنی از جمله سمنها به دلیل پایین بودن تولید ناخالص داخلی و اتکا به منبع انحصاری نفت نادیده گرفته میشود. بنابراین به دلیل عدم تأسیس سیستمهای نظارتی، فساد میتواند افزایش یابد. در کشورهای نفتخیز به دلیل عدم پاسخگویی دولتها و نیز انحصارات دولتی، حتی با وجود بالا بودن تولید ناخالص داخلی، فساد میتواند افزایش یابد. وظیفه سمنهای ایرانی شکستن این انحصار است زیرا بهطور کلی شیوع فساد در جایی محتمل است که وجود محدودیتهای و مداخله دولت دستیابی به سودهای کلان و نامعقول را ممکن ساخته باشد. از جمله این محدودیتهای و مداخلات دولت، وجود محدودیتهای و موانع تجاری (مانند تعرفهها و سهمیهبندی واردات)، سیاستهای صنعتی تبعیضآمیز، کنترل قیمتها، چندگانگی نرخ ارز و تخصیص سهمیههای ارزی و اعتبارات دولتی هستند. از اینرو یکی از راهکارهای اساسی مبارزه با فساد، محدود ساختن فعالیتهای اقتصادی دولت و تشویق بخش خصوصی به مشارکت در فعالیتهای اقتصادی از طریق آزادسازی اقتصاد است. وظیفه سمنهای ایرانی شکستن این انحصار است و شکست انحصار جز با شفافسازی مسائل در رسانه‌های عمومی و همگانی میسر نیست.

گرچه فساد در جوامع دارای آزادی فعالیت سمنها نیز وجود دارد، اما باید گفت فعالیت سمنها در حوزه شفافیت نقشها و مسئولیتها این تضمین را میدهد که در صورت وقوع، فساد پنهان نیماند؛ از اینرو این افشاگریها میتواند از رشد و گسترش فساد جلوگیری کند. در

کشورهای دموکراتیک سیاستمداران همواره «پاسخگو» به مردم و احزاب و سمنها میباشند و بهممنظور کسب آرا در انتخابات برای این سازمانها ارزش بسیار قائلند. زیرا رقابت احزاب شدید و کوشش برای آشکار کردن رسوایی حزب مقابل از طریق نهادهای مدنی نسبتاً زیاد است. عدم فعالیت سمنها در این حوزه ممکن است بر سطح فساد در یک کشور تأثیر بگذارد، دولت میتواند در نقش یک عامل بازدارنده یا انگیزهای فساد باشد، در کشورهایی که مالکیت دولتی گسترده بر اقتصاد، مقررات و مالیاتهای افراطی برای کسبوکار و محدودیتهای تجارت زیادی وجود داشته و به کار گرفتن قوانین دلیل باشد، فساد بیشتر است. شیوع فساد در کشورهای فقیر و درحالتوسعه نسبت به کشورهای توسعهیافته بالاتر است. چنانچه طبق آخرین رتبهبندی سازمان شفافیت جهانی، تنها ۱۳ درصد از کشورهای جهان دارای رتبه مناسب در زمینه کنترل فساد بودهاند و بهاصطلاح کشورهای پاک هستند که اکثراً عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی میباشند، درحالیکه نزدیک ۵۲ درصد از کشورهای جهان در سطح ضعیف و یا نسبتاً ضعیفی از کنترل فساد قرار داشتهاند. ۶۳ درصد باقیمانده از کشورها در سطح بسیار وخیمی از فساد به سر میبرند. در این کشورها، سمنها با روشن کردن وظیفه اصلی دولت مانند وظایف اعمال حاکمیت دولت که منافع حاصل از انجام آن شامل همه اقشار جامعه میگردد و بهرهمندی افراد از این نوع خدمات نهتنها موجب ایجاد محدودیت برای استفاده دیگران نمیشود، بلکه تحقق آن اقتدار دولت را نیز افزایش میدهد، از قبیل مدیریت ملی و اداره امور کشور، وضع قوانین و مقررات، ایجاد نظم اجتماعی و استقرار عدالت اجتماعی، حفظ نظم و امنیت ملی، عدالت قضایی و دفاع از مرزهای کشور وظایف مربوط به تصدیهای اجتماعی که منافع اجتماعی حاصل از آن نسبت به منافع فردی برتری دارد و موجب بهبود وضعیت زندگی افراد در جامعه میگردد، از قبیل آموزشوپرورش عمومی و فنی و حرفهای، بهداشت و درمان، تربیتدنی ورزش، فعالیتهای فرهنگی، هنری و تبلیغات دینی ابهام مرزهای درونیدولت و بخش خصوصی را روشن میسازند.

### ۳-۱-۲- احصای فعالیت بخش عمومی و بنگاههای اقتصادی آزاد

دولت دو جنبه مختلف دارد. از طرفی دارای شخصیت حقوقی است و بدین لحاظ وضع حقوقی او نظیر سایر شخصیتها است. بدین اعتبار است که دولت مالک و دائن و مدیون میشود و اعمال حقوقی مشابه اعمال و معاملات سایر افراد انجام میدهد. از طرف دیگر دولت قوه حاکمه جامعه است و بر طبق اختیارات قانونی خویش، اعمال حاکمیت میکند و اعمال حقوقی انجام میدهد که نظیری در حقوق خصوصی ندارد. وظیفه سمنهای فعال در این حوزه تبیین عوامل و اهداف مشترکی است که بهطور نسبتاً ثابت در ایجاد تشکیل دولت در میان اغلب جوامع به چشم میخورد. اینها اموری هستند که نوعاً در اصل وجود و ادامه حیات و بقای جوامع دارای



ضرورت اجتناب‌ناپذیر میباشند، مانند ایجاد نظم و امنیت، پاسداری از مرزهای ملی و تعقیب و کیفر مجرمان و احصای این موارد از فعالیتهای بنگاههای اقتصادی آزاد مهم است.

### ۳-۲- علنی بودن اجرا و ارائه گزارش بودجه

سنجشی دوم با بودجه و مفاهیم مرتبط با آن ارتباط دارد. این سنجش شفافیت بودجه و علنی بودن آن و ارائه گزارش بودجه را راهنمای جامعه مدنی در شفافیت آفرینی و فساد زدایی قرار داد است. بودجه نوعی ابزار حکمرانی جدید است. این ابزار میتواند کارکنان بخش عمومی را پاسخگو نگه دارد؛ از اینرو میان بودجه و ارزشهای دموکراتیک - پاسخگویی به مالیات‌دهندگان و رأی‌دهندگان - رابطه وجود دارد بهیچ‌اندیک، بودجهها ابزار قدرتمندی برای پاسخگویی به شهروندانی هستند که میخواهند بدانند دولت پول آنها را چگونه خرج میکند و آیا دولتها برای ارجحیتهای آنها ارزش قائل هستند یا خیر؛ زیرا بودجه، ارجحیت شهروندان و پیامدهای دولت را به هم وصل میکند.

توجه به این نکته لازم است که منابع مالی بودجه به عموم مردم تعلق دارد و تمام مواردی که دولت منابع مالی خاصی را به آن اختصاص میدهد، باید برای جامعه بازدهی مشخص و قابل قبولی داشته باشد با توجه به اینکه مخارج بودجه و شیوه هزینه کردن منابع مالی در بودجه، نقش شایان توجهی در فرایند توسعه هر کشور دارد، دولت باید تلاش کند تا این منابع را در راستای حداکثر سازی مطلوبیت نهایی جامعه به کار گرفته و در قبال هزینه کردن آن به عموم جامعه پاسخگو باشد (عادل وامیرخانی، 1395).

در کشور شاهد مواردی از هزینه هستیم که دولت هر سال بودجه شایان توجهی را به آن اختصاص میدهد، اما بازده مشخص و تأثیرگذاری برای اقتصاد کشور در برنارد و کارکرد پاسخگویی برای بودجه را با مشکل مواجه میکند. با توجه به این مسئله، شناسایی این هزینهها که باعث هدر رفتن میزان زیادی از منابع عمومی در هر سال مالی میشوند، اهمیت بسیاری دارد.

یکی از ویژگیهای مهم بودجه عمومی این است که کسانی که منابع مالی بخش عمومی را تأمین میکنند، همان کسانی نیستند که در خصوص چگونگی خرج کردن پول تصمیم میگیرند. بهیچ‌اندیک همواره این احتمال وجود دارد که سیاستمداران پول را متفاوت از خواست مالیات‌دهندگان خرج کنند. با توجه به این امر باید سازمانهای مردمنهاد میتوانند در نظم مالی، مسئولیتپذیری و ثبات مالی سوق دادن برنامههای دولت به سمت کارآمدترین استفاده از منابع تخصیص یافته و ارائه اطلاعات شفاف در خصوص هزینه کرد بودجه به عموم مردم در خصوص برنامهها و منابع مالی کمک کنند.

زمانی شفافیت در فراگرد بودجهبندی شکل میگیرد که قوانین و مقررات و رویهها و

روشهای تهیه و تنظیم قوانین، ثابت و شفاف باشند و همگی منتشر شده و در اختیار عموم قرار گیرند. شفافیت تصمیمها، بهخصوص در حوزه بودجهبندی، خطمشی گذاری و تنظیم رویهها، بر اثربخشی استفاده از منابع و کاهش فساد و اتلاف منابع تأثیر شایان توجهی دارد. به همین منظور، اطلاعات باید در دسترس عموم قرار گیرد و قوانین و مقررات شفاف باشند. چراکه دسترسی بهموقع به اطلاعات اقتصادی، میتواند برای تصمیمگیریهای بخش خصوصی بسیار حیاتی باشد و کمک شایانی به کنترل فساد نماید. متخصصان پیشنهاد نمودند که اگر وظایف و مسئولیتها و شرایط مناقصهها و مزایدهها، قروض دولتی و ضمانتنامهها و رویههای بودجهبندی، شفاف شود و با اجرای قانون آزادی اطلاعات و شفافیت اطلاعات، گزارشهای دولتی و قراردادهای دولتی انتشار عمومی یابند، حاکمیت قانون محقق میشود.

این رابطه، از دیدگاه بانک جهانی نیز مورد تأکید قرار گرفته است و اعتقاد بر این است که زمانی شفافیت به پاسخگویی منجر میشود که اقدامات مربوط به کلیه عملیات و اقدامات دولت، در اختیار عموم قرار گیرند و مجلس و مؤسسات عالی حسابرسی را جهت کنترل و نظارت بر دولت توانمند سازند و سایر مجموعههای رسمی و غیررسمی بتوانند از این اطلاعات جهت پاسخگو نگه داشتن دولت استفاده کنند. برخی دیگر از محققان نیز ارتباط شفافیت و پاسخگویی را در انطباق دولت با اصول و استانداردهای بینالمللی و تغییر ساختار سیاسی در راستای پاسخگویی مفید دانستند. پژوهشهای زیادی نیز حلقه اتصال و ارتباط شفافیت و پاسخگویی را در تقویت جامعه مدنی رصد کردهاند (مقیم و همکاران، ۱۳۹۵).

### ۳-۲-۱- پوشش کامل و قابلیت دسترسی به نحوه هزینه کرد بودجه

عموم مردم این حق را دارند که مطلع باشند میلیاردها دلار مبالغ دریافتی از مالیاتدهندگان و منابع مالی دیگر که هر سال مالی دولت از طریق بودجه دریافت میکند، چگونه و به چه نحوی هزینه میشوند. در راستای توانمندسازی شهروندان برای آگاهی از اینکه پارلمان چگونه داراییهای آنان را تخصیص و دولت چگونه آنها را هزینه میکنند، آنها نیازمند دسترسی به گزارشهای بودجه هستند. شفافیت بودجه، بررسیهای آگاهانهتر سیاستگذاران و جامعه مدنی را در رابطه با تخصیص و نتایج سیاستهای مالی کشور ممکن میسازد و در نتیجه، مسئولیت در قبال اجرای آنها را در پی دارد.

دولت بهعنوان تأمینکننده منافع عمومی است و عمدتاً به دنبال تأمین برخی از کالاهای عمومی و خدمات عمومی و رسیدن به اهداف عمومی خاص است. این اهداف به دلایل تجاری و یا مالی نیست بلکه اهداف عمومی را پوشش میدهد. این پوشش شامل حکومت ملی (مرکزی) است که دولتهای محلی (ایالتی، یا محلی) را نیز از لحاظ بودجه، تأمین اجتماعی و اوراق قرضه، درآمدهای اضافی شامل میگردد.

با وجود اینکه تقریباً تمام کشورها میتوانند اطلاعات بودجه مرکزی را ارائه دهند، تنها در حدود دو سوم از کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (اُ ای سی دی) داده‌های بهموقع برای بانک جهانی ارسال میکنند که سالانه در دسترس است. بسیاری از کشورها دسترسی به اطلاعات جامع و بهموقع بودجه را ارائه نمیدهند، این در حالی است که با ارائه پوشش کامل ارقام بودجه و شفافیت آن کمک میکنند بانک جهانی با رصد کردن منابع مالی و نحوه هزینه کردن آن شرایط بحرانی اقتصاد آنها را پیشبینی کند.

معایب دیگری شامل ناهماهنگی و عقبماندگی در تأمین اجتماعی در کشورهایی که از درجه بالای خودمختاری برخوردارند، حادث میگردد. افزون بر این، به دلیل اینکه داده‌های مربوط به عملیات دولتهای فراملیتی بهطور همزمان با دولت مرکزی تدوین نشده و باهم ادغام نشده‌اند، دسترسی کامل به داده‌های عمومی امکانپذیر نیست.

همچنین در راستای شفافیت بودجه جمع‌آوری داده‌ها ممکن است توسط محدودیتهای قانونی یا پیچیدگیهای مرتبط با ادغام یک سطوح اضافی یا محلی در ساختار فرعی ملی مهار شود. باینحال، در برخی از کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار، مشکل اصلی ناشی از فقدان شفافیت مالی و تأخیر در اطلاعات است که بهنوبه خود، میتواند تا حد زیادی به دنبال فقدان سیستمهای مدیریت مالی پاسخگو شفاف باشد.

شواهد بیشتر از مشکل ارائه پوشش کامل و بهموقع این است که در سال ۲۰۱۲ تنها ۴۰ کشور عضو صندوق بینالمللی پول اطلاعات مربوط به بودجه دولتی را برای سال گذشته ارائه دادند؛ ۳۰ عضو دیگر، اطلاعات را با یک تأخیر یکساله ارائه دادند؛ ۳۲ کشور دیگر، با گذشت دو یا چند سال ارائه دادند. برخی کشورها اطلاعات مربوط به یارانهها، بیمهها و مالیات را ارائه نداده و تنها مخارج دولتهای محلی را ارائه میدهند. از اینرو شفافسازی ضروری است و کشوری میتواند داعیهی مبارزه با فساد را داشته باشد که پوشش کامل و قابلیت دسترسی به نحوه هزینه کردن بودجه را فراهم نماید.

### ۳-۲-۲- وحدت داده‌ها در ارائه گزارش بودجه

دسترسی آسان به اطلاعات قابل اعتماد، جامع و بهموقع، قابل درک و قابل مقایسه با شاخصهای بینالمللی و اطلاعات مربوط به فعالیتهای دولتی چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور باید بهگونهای باشد که مردم و بازارهای مالی بتوانند وضعیت مالی دولت را دقیقاً ارزیابی کنند و هزینه‌های واقعی دولت و مزایای فعالیتهای دولت در حال حاضر و در آینده اقتصادی پیشبینی نمایند و پیامدهای اجتماعی آن را در اختیار عموم مردم قرار دهند.

در ابعاد واقعی مردم نیاز به ارائه‌ی اطلاعات قابلاعتقاد و مرتبط با اهداف سیاست‌های مالی دولت و پیشبینی عملیات دولت در آینده از طریق دسترسی کامل به بودجه و انتشار آن در جداول طبقه‌بندی‌شده می‌باشد. این فعالیت ممکن است به‌طور خودجوش یا از طریق تعهد بیرونی به برنامه حمایت از شفافیت بودجه صورت گیرد (کورای<sup>۱</sup>، ۱۷۲۰).

شفافیت مالی بودجه، شرط لازم برای رشد اقتصادی است. سیاست انتشار بهموقع وحدت اطلاعات در ارائه گزارش بودجه نظم و انضباط مالی را به وجود می‌آورد اگرچه شفافیت خطر افزایش فشار گروه‌های سیاسی رقیب وارد کردن اتهامات مالی به دولت را در پی دارد. بودجه باز نهمتها تسریع در دستیابی به پایبندی کلان اقتصادی در پی دارد بلکه با وحدت داده‌های ارائه‌شده، هزینه‌های عمومی اعتماد به دولت را تثبیت می‌کند. به‌طور کلی کشورهایی که از درجه بالای شفافیت برخوردارند، داده‌های بودجه به‌طور یکسان و با همان ارقام قبلی ارائه می‌شود و انضباط مالی و قدرت اقتصادی قوی تلقی می‌شود. در کشورهای که منابع درآمد و بودجه دولت به‌صورت متفاوت ارائه می‌شود، عملکرد اقتصادی آنها فاجعه‌آمیز و بی اعتبار تلقی می‌شود. در کشورهای جنوب شرق آسیا علی‌رغم منابع مالی فراوان، به دلیل شفاف نبودن تعهدات بودجه وحدت داده‌ها در ارائه گزارش بودجه و ارائه اطلاعات مالی نامتقارن، کشورهای غیر شفاف تلقی می‌شوند. وحدت کامل داده‌ها در ارائه گزارش بودجه مطابق استاندارد بانک جهانی شامل وضعیت بیمه، مالیات و یارانه‌ها و همچنین مقررات اقتصادی و تخصیص منابع پولی می‌باشد.

### ۳-۳- دسترسی عمومی به انتشار اطلاعات

سنجی سوم دسترسی داده باز یا آ‌جی دی<sup>۲</sup> است که در چند سال اخیر در بسیاری از کشورهای جهان خصوصاً کشورهای اروپایی اجرا شده است. بسیاری از فعالان در حوزه مبارزه با فساد و شفافیت آفرینی این شیوهی شفافیت‌سنجی را در کشورهای خود مورد آزمایش قرار داده‌اند. در این بین سازمان‌های مردم‌نهادی نیز به چشم می‌خورد که به طور جدی در پی ترویج و دسترسی داده باز هستند. با گسترش دسترسی داده باز، سطح فساد در کشورهایی که این شاخص را اجرا کردند پس از یک دوره کاهش داشته است و کارکرد آن خصوصاً برای سازمان‌هایی که در حوزه شفافیت کار میکنند مثمر ثمر بوده است.

مردم از طریق نظام گزارشگری مالی کارآمد، قادر خواهند بود که از چگونگی ارائه خدمات، نحوه مصرف منابع، استفاده و نگهداری اموال و دارایی‌ها، آگاه گردند و عملکرد مسئولین را مورد ارزیابی قرار دهند. از مسائل و مشکلات موجود در زمینه گزارشگری مالی میتوان از عدم قدرت پاسخگویی سریع و بهموقع به نیازهای اطلاعاتی مشتریان، وجود قوانین و مقررات متعدد و نبود

1. Cooray, Arusha

2 OGD

پاسخگویی که مفهومی کردن آن نیازمند اطلاعات قابلاتکا، قابلفهم، صحیح و بهموقع برای استفاده‌کنندگان میباشد و نیز عدم گزارشگری مالی شفاف، چیزی که شهروندان از مردمسالاری در سطح دولت انتظار دارند، نام برد.

### ۳-۳-۱ - تعهد دولت به انتشار اطلاعات

برخورداری از اطلاعات و خدمات‌رسانی در این خصوص از ابتداییترین حقوق مردم محسوب می‌شود.

مردم در دنیای پیچیده امروز، در بسیاری موارد اطلاعاتی در دست ندارند و به‌طور معمول نه کیفیت اطلاعات را میشناسند و نه بر موارد سود و زیان آن وقوف کامل دارند. چه‌بسا اطلاعاتی در قالب دروغ‌پردازی به‌عموم مردم اطلاع‌رسانی شود که معیوب باشد و مردم با دریافت آنها دچار سردرگمی، ابهام و خسارت و زیان شوند و بر اثر دریافت اطلاعاتی نامتقارن زیان و خسارت متحمل شوند.

تعهد به ارائه‌ی اطلاعات از مفاهیم حقوقی است که سابقه و ریشه‌های طولانی دارد. الزام به ارائه‌ی اطلاعات در هنگام انتشار راهنمای بانک جهانی برای جامعه‌ی مدنی با مقاومت‌هایی روبرو بود. چرا که کشورهای عضو معتقد بودند هرکس باید خودش در پی کسب ارائه‌ی اطلاعات موردنیاز خود باشد و دولت موظف به ارائه‌ی اطلاعات به وی نیست. به‌تدریج، کشورها به دلیل پیچیدگی اطلاعات و ظهور پدیده رانت اطلاعات و عدم تعادل دریافت اطلاعات که بر استقلال افراد و مشارکت آنها در برنامه‌های ملی خدشه وارد میکرد و زمینه‌های فساد را مستعد می‌ساخت، این مقاومت را از بین برد (دیوید کابدو<sup>۱</sup>، ۱۷۲۰).

برای تحمیل این تکالیف و تنظیم قواعد و احکام مربوط به آن، تعهد دولت به انتشار اطلاعات مطرح شد که منشأ آن نهاد حقوقی "تعهد به ارائه‌ی اطلاعات" است. به‌زعم نگارنده، دولت از این‌جهت ملزم به انتشار اطلاعات است که بتواند اعتماد عمومی را جلب نماید و با این وسیله مشروعیت خود را پایدار نماید. تعهد به ارائه‌ی اطلاعات علاوه بر کسب مشروعیت برای دولت از لحاظ اخلاقی نیز مبتنی بر حسن نیت دولت است و در این صورت مشارکت مردم روزافزون میگردد. علاوه بر این طبق یک قاعده‌ی کلی، هرکس ملتزم به عملی شود، نسبت به تهیه‌ی مقدمات و لوازم آن نیز ملتزم خواهد بود؛ از آنجاکه تأسیس یک نظام سیاسی لزوماً از طریق مشارکت و رضایت مردم قابل تحقق است، لذا تمهید مقدمات آن از جمله الزام به انتشار اطلاعات نیز ضروری است.

### ۳-۲- اعطای مجوز داده باز (استفاده و بازنشر اطلاعات)

با در نظر گرفتن حجم وسیع و روزافزون اطلاعات متنی که به‌صورت الکترونیکی و در فضای وب در اختیار کاربران قرار دارد و از طرفی کمبود وقت برای بررسی تمام آنها، مسئله بازنشر داده‌ها به یکی از زمینه‌های موردتوجه در زمینه شفافسازی تبدیل شده است.

افراد، شرکتها و مؤسسات و سازمانها باید مجاز باشند در هر فرمتی به اطلاعات دستیافته و از آنها استفاده نمایند. داده‌های باز داده‌هایی هستند که می‌توانند به‌صورت آزادانه مورد استفاده مجدد قرار گیرند و توسط هر شخصی توزیع شوند. در این صورت، داده‌ها در یک فرم مناسب و قابلیت‌تغییر در دسترس هستند و هیچگونه تبعیضی و محدودیتی در باز توزیع داده‌ها مجاز نمی‌باشند (مالیک<sup>۱</sup>، ۱۷۲۰).

این مقیاس در سنجش سوم شامل انتشار داده‌ها می‌شود تا هرکسی بتواند به آن دسترسی پیدا کند، از آن استفاده کند و آن را به اشتراک بگذارد. یکی از اهداف اصلی اعطای مجوز داده باز، ارتقاء شفافیت است.

برای داده‌های باز و شفافیت‌هایی که منجر به پاسخگویی میشوند، شرایط مورد نیاز عبارتند از: انتشار داده‌های مناسب؛ فعال کردن بازیگران برای یافتن، پردازش و استفاده از اطلاعات و عمل بر روی هر خروجی؛ و قادر ساختن اصول نهادی یا اجتماعی قابلاجرا یا توانایی شهروندان برای انتخاب خدمات بهتر است.

در این صورت، نهادها متعهد به باز بودن و شفافسازی در مورد چگونگی داده‌ها و بسایت هستند و بسایت باز اکثریت اطلاعات شفاف را نگه میدارد و داده‌ها را در یک مکان باز میکند. نهادها اطمینان میدهند که داده‌ها دقیق هستند. باینحال، قبل از تکیه بر داده‌ها، از طریق تیم تضمین اطمینان اطلاعات به‌طور منظم مورد ارزیابی قرار می‌گیرند تا در صورت امکان اطمینان حاصل شود. این ارزیابیها به‌طور منظم به هیئت برنامه مدیریت اطلاعات گزارش میشود.

دولتها، شفافیت داده و داده‌های باز را یک اولویت کلیدی در فساد زدایی به شمار آورده‌اند؛ چرا که باعث افزایش مسئولیت‌پذیری میشود و باعث پیشرفت خدمات عمومی از طریق ترغیب به انتخابات و تحریک به نوآوری و رشد میگردد. حرکت به سمت باز بودن و شفافیت بیشتر بخشی از یک فرایند تحول گسترده‌تر از بازخوانی خدمات عمومی در داخل دولتهای محلی است. پس از فراهم شدن اطلاعات قابلاستفاده و قابل نشر، گام بعدی در شفاف بودن اطلاعات ماشین خوان بودن داده‌هاست.

1. Mallick, Sushanta

### ۳-۳-۳- فراهم کردن ماشین خوان بودن داده‌ها

همانگونه که بیان شد، با در نظر گرفتن حجم وسیع و روزافزون اطلاعات متنی که به‌صورت الکترونیکی و در فضای وب در اختیار کاربران قرار دارد و از طرفی کمبود وقت برای بررسی تمام آنها، مسئله ماشین خوان بودن داده‌ها بسیار ضروری است. داده‌های منتشرشده از سوی دولت باید در قالبها و رویکردهایی باشد که تجزیه و تحلیل و استفاده مجدد از آن داده‌ها را ترویج میکنند. توانایی عمومی تجزیه و تحلیل داده‌های خام، از طریق ماشین خوان بودن داده‌ها میسر است (گریمالی<sup>۱</sup>، ۱۸۲۰).

در یک فضای شفاف، داده‌ها به‌طور منطقی ساختار داده‌دهنده تا پردازش خودکار را انجام دهند. داده‌های عمومی در فرم قابل‌استفاده مجدد و قابل‌خواندن ترویج میشوند. به دلیل اینکه اندازه مجموعه داده‌های عمومی رشد میکند، ماشین خوان بودن، برنامه جالب، آموزنده و نوآورانه‌های از داده‌های دولتی برای جستجو، مرتب‌سازی و یا تبدیل آن به یک فرم جدید است و برای شفاف‌سازی مسائل کاربردی است.

### ۳-۳-۴- بروز بودن و رایگان بودن داده‌ها

بروز بودن داده‌ها، ایده‌ها و چشماندازهای نهادهای مالی مسیر تازه‌های از شفافیت سازمانی را فرا روی آنها قرار میدهد و نویدبخش کاهش فساد و بهبود عملکرد آنهاست. بروز بودن یکی از عوامل مؤثر در تغییر و یا ایجاد استراتژی مناسب در نهادهای مالی است و نتایج حاصل از آن بر روی عملکرد سازمانها از جمله بدهای شفافیت سازمانی مؤثر میباشد.

امروزه شرایط انتشار اطلاعات به حدی سریع، پیچیده و روزافزون شده است که کشورهای دیگر نمیتوانند با تغییرات ظاهری یا سطحی در ساختارها، روشها و سیستمها، افکار نسبی و اعتماد عمومی را برای تحقق اهداف خود همراه سازند بلکه در اجرای ابعاد شفاف‌سازی باید به‌طور مستمر به‌صورت اعلانات گروهی و یا گزارشات فردی توسط رئیس کشور اطلاع‌رسانی صورت گیرد. جدیت و استمرار گزارشها نیازمند ارائه اطلاعات بروز شده است. بروز بودن داده‌ها باعث میشود سیستم ارزیابی عملکرد روشن و صریح بوده و افراد با اتکا به اطلاعات بروز شده در امور عمومی مشارکت داشته باشند.

مفهوم شفافیت بر قابلیت دسترسی به اطلاعات دلالت دارد. نگاه کردن به درون یک‌چیز به‌منظور فهمیدن آنچه در آن میگردد از طریق دسترسی به اطلاعات میسر است. در اینجا کشوری شفاف است که افراد درون یا برون آن بتوانند به‌منظور شکل دادن به نظراتشان در مورد اقدامات و فرآیندهای درون حکومت اطلاعات موردنیازشان را به دست آورند.

بخش عمومی بزرگترین منبع داده‌های باز هستند و از آنجا که خدمات دولتی بر اصل رایگان بودن انجام میشوند، دسترسی به ارقام و اطلاعات مربوط به آنها نیز رایگان محسوب میشوند. در بیشتر کشورهایی که اقتصاد آنها دولتی است، برخورد با مفسدین و کسانی که ثبات اقتصادی را برهم میزنند و یا به پشتوانه برخی از افراد دولتی از رانت استفاده میکنند، بهترین شیوه مبارزه با فساد در دسترس قرار دادن اطلاعات برای همگان است تا واسطه‌های دولتی حذف شوند و فرایند رانت اطلاعاتی صورت نگیرد. یکی از شاخصهای داده باز، رایگان بودن دسترسی به اطلاعات است. در این صورت شفافیت از کارکردبازاری فراتر رفته و به یک پدیده فعال و مقتدر تبدیلشده است

### ۳-۳-۵- دسترسی به گزارش عملکرد نمایندگان، کمیسیونها و مجالس قانونگذاری

یکی از مقیاسهای سنجی سوم دسترسی به گزارش عملکرد نمایندگان، کمیسیونها و مجالس قانونگذاری میباشد. یکی از مختصات کشورهای شفاف مربوط به نمایندگان مجالس قانونگذاری و کمیسیونها میباشد. نمایندگان حساسیت اجتماعی و جایگاه حقوقی مهمی دارند و تلقی آنها از طرحهای ملی در صحن علنی مجلس منتج به قانونگذاری و مشارکت میگردد. قانون اساسی کشورها اصل را بر شفافیت عملکرد نمایندگان گذاشته است. با نصب دستگاههای الکترونیک یا قیام و قعود شفافیت عملکرد یک نماینده در یک نگاه سطحی مورد قضاوت قرار میگیرد. با شفافسازی عملکرد نمایندگان علاوه بر رسیدگی به امورات محلی و حوزهی انتخابیه توسط نمایندگان، مطالعه کارشناسی توسط نمایندگان سرعت میگیرد تا منافع ملی و مرام جریانهای سیاسی در تصویب قوانین و ارائه طرحها، مشخص باشد.

در این صورت نماینده قبل از شروع گفتگوهای مجلس، دستور کار مجلس را مطالعه میکند و چنانچه عملکرد او قابلدسترس نباشد و پنهانکاری صورت پذیرد شأن نمایندگی نمیتواند باراراده و شجاعت تصمیم بگیرد و تصمیمهای نماینده با توجه به منافع حزبی و شخصی میباشد (نیپوز<sup>۱</sup>، ۱۸۲۰). بنابراین کشوری شفاف محسوب میشود که نمایندگان آن شفاف و مجلس شیشه‌های باشد. اعادهی اموال نامشروع، مبارزه با فساد و علنی بودن محاکمه تنها با یک مجلس شیشه‌های و قابلاجرا است. شفافیت به این معنا که عملکرد نمایندگان معلوم باشد و مردم و موکلین بدانند که نمایندگان به چه رأی میدهند و به کدام مسائل رأی نمیدهند، از حقوق مردم میباشد زیرا بخشی از وکالتی که مردم به نمایندگان میدهند آنها را مستحق دانستن سلوک و رفتار نمایندگان میسازد. شفافیت جزء سلوک کاری و حقوق مردم محسوب میشود زیرا نماینده در مقابل مردم فعالیت قانونی و نظارتی دارد که به اصالت نیست و حقی است که مردم به نمایندگان



دارند تا امورات آنها را انجام دهند. نمایندگان در دایره‌ی وکالت انجام وظیفه مینمایند. شفافیت باعث کنترل و بالانس و تقویت چشم‌های مردم و کارآمدی و ارتقاء مسئولیت‌پذیری نماینده و نزدیک کردن نسبت مطالبات مردم و رفتار نمایندگان و کاهش دوگانگی‌ها در جامعه میگردد.

نمایندگان مجلس از ابزارهای کنترل مانند استیضاح، سؤال و تحقیق و تفحص برخوردار هستند و بردیگران نظارت میکنند. پرسشی که پیش می‌آید چه کسی باید بر رفتار نمایندگان نظارت کند؟ مردم باید بر رفتار نماینده نظارت کنند. در جهان تقریباً ۲۰۰ سازمان مردم‌نهاد وجود دارد که بر مجالس نظارت‌تیمیکند و به‌صورت مستقیم نظارت مینمایند و از طریق آن سازمان‌های مردم‌نهاد بر نمایندگان نظارت‌تیمیکند.

زیرا رفتار نماینده ممکن است مفسده‌انگیز باشد. به‌طور مثال ممکن است با ارائه‌ی یک طرح مخارج عمومی را افزایش دهند و با ارائه‌ی یک طرح یک منطقه را به مفهومی آزاد و یا ویژه تبدیل نمایند و از آن منطقه عوایدی به دست آورند. از آنجاکه در کشورهای عدم توسعه‌یافته، نمایندگان فاقد پشتوانه‌ی احزاب و بدنه حزبی برای کارشناسی هستند، شفافیت باعث مشارکت نمایندگان و عملکرد کارشناسی و تقویت پایگاه رأی مردم میگردد.

یکی از سازوکارهای شفافیت عملکرد نمایندگان، نظارت بر حقوق و هزینه‌های جاری آنهاست. ارقام مالی نمایندگان ممکن است بر اثر افزایش حقوق بیرویه و یا دریافت هزینه‌های سفر، مأموریت و هزینه‌های دفتر به تضییع وجوه عمومی بیانجامد. در کشورهای شفاف اعتبارات دفاتر نمایندگی، میزان حقوق نماینده‌ها و اعتبارات اختصاص داده‌شده به امور محلی در فصل‌های بودجه و طرح‌های عمرانی و طرح‌های تملکی مشخص است و مصرف حقوق و اعتبارات که به‌طور شفاف در تارنماها و پایگاه‌های اطلاعاتی مشخص‌شده است، در محلها و منظوره‌های غیر از محل‌های معین و منجز، ممنوع است.

نمایندگان مجلس ممکن است در صورت عدم شفافیت در حوزه‌های بانکی و بیمه‌ها شرکت‌های دولتی و صندوق‌های توسعه، از نظر پرداخت حقوق و مزایا و اعطای تسهیلات بانکی؛ شأن و مصونیت نمایندگی خویش را دچار خدشه نمایند. در کشورهای شفاف افشای حقوق نمایندگان و هزینه‌های جاری نمایندگان به‌طور روزانه، ماهانه و سالانه در اختیار رسانه‌ها و مردم قرار میگیرد.

حقوق و دستمزد و سیستم پرداخت و مزایای نقدی و غیر نقدی به نمایندگان باید متناسب با شرایط محیط کار و همچنین ویژگی‌های شغل و نحوه انجام کار آنها پرداخت شود تا کارایی و وظایف نمایندگی به‌بهبود کیفیت آن صورت گیرد، اما این حقوق و مزایا باید به‌صورت واضح و روشن با تعیین ارقام و نیز وظایف و مسئولیت‌های شغلی نماینده هماهنگ باشد. با توجه به شأن

نماینده‌گی، انصاف و تساوی در نظام حقوق و مزایای متعلق به دوران نمایندگی و پس‌از آن محقق گردد.

علاوه بر حقوق دریافتی نماینده، هزینه‌های جانبی که به او داده میشود از قبیل حق مسکن، حق ایاب و ذهاب و هزینه‌هایی که برای دفتر نماینده در نظر گرفته میشود و پرداختیهایی که به‌صورت جزئی، تحت عنوان احسان و نیکوکاری، بسته‌های حمایتی و معیشتی، بودجه‌های فقرزدایی و تأمین عدالت‌اجتماعی مبالغ پاداش و هزینه‌های سفر باید به‌صورت روشن، اطلاع‌رسانی گردد.

علاوه بر حقوق مجلس و مزایای متعلقه، میزان دریافتی حقوق از سازمان‌های بازنشستگی و پانسیون‌های خصوصی به‌طور مشخص باید لیست شوند و در صورت پنهانکاری نماینده بازخواست صورت‌گیرد. سازمان‌های ناظر بر رفتار نمایندگان و بانک جهانی به همراه اتحادیه پارلمان‌های مشترک‌المنافع سندی را منتشر کردند که در آن پیشنهادهای مفیدی در راستای شفافیت پارلمان و تلاش برای فناوری اطلاعات و ارتباطات ارائه‌شده است. یکی از ابزارهای شفافیت پارلمان، افشای حقوق و هزینه‌های جانبی پارلمان در قالب داده‌های باز می‌باشد.

مسئله‌ی دریافت هدایای غیرقانونی، یکی از مسائلی است که تمامی حکومتها با آن دست‌وپنجه نرم میکنند. راه‌های مختلفی نیز برای کنترل و پیشگیری از آن وجود دارد. یکی از راه‌های مؤثر و کم‌هزینه، شفافیت هدایای دریافتی مسئولین است. شفافیت هدایا در پارلمان و اصول رفتاری پارلمان در مورد دریافت هدیه توسط نمایندگان و مصادیقی از هدایای دریافتی توسط نمایندگان و آمار هدایای دریافتی توسط مسئولان به تفکیک هر بخش در سامانه شفافیت هدایای مسئولان باید بارگذاری شود. نام عضو پارلمان، مسئولیت فرد، اهداکننده، توضیح هدیه و برآورد هزینه و تصویر هدیه و زمان و مکان اهدا علاوه بر این که به هیئت‌رئیس اطلاع داده میشود در این سامانه نیز درج میگردد.

نمایندگان از مزایای مناسب و دستمزد منصفانه‌های برخوردار هستند. آنها نیازی به پذیرش هدیه‌های گران‌بها ندارند؛ اما اگر چنین کاری کنند، مجازات آنها قاطعانه خواهد بود. این مجازات میتواند شامل جرم‌های سنگین و زندان باشد؛ چرا که حتی کوچکترین موارد فساد نیز اعتماد مردم به دولتشان را کم خواهد کرد.

از سوی دیگر، پارلمان وظیفه‌ی مهم تقنین و هدایت و سیاست‌گذاری مصالح کشور را دارد. باید توجه داشت که پارلمان از نمایندگانی تشکیل‌شده است که هر یک از آنها بر اساس یک اصول فکری و حزبی تصمیم‌گیری میکنند و این تصمیمات درنهایت، منتج به اعمال‌النظر پارلمان میشود؛ بنابراین چنانچه بتوان دست‌اندازهای تصمیم‌گیری مناسب نمایندگان را شناسایی کرد، میتوان در جهت تصحیح آن و در نتیجه بهبود عملکرد مجلس قدم برداشت.

یکی از مسائلی که نمایندگان مجلس را در معرض فساد قرار میدهد، تعارض منافع است. مقصود از تعارض منافع، عناصری است که سبب میشود؛ اعمال و اقدامات حرفه‌ای از یک منفعت ثانویه متأثر گردد. این تعارضات عموماً در قسمتهای اجرایی رخ میدهد؛ اما ممکن است نمایندگان مجلس نیز دچار تعارض منافع شوند و با پنهانکاری، مسیر قانون‌گذاری و یا جمع‌آوری رأی و یا نظارت را مبتنی بر منفعت خود قرار دهند. داشتن سهام از یک شرکت، شاغل شدن در یک موسسه و نیز داشتن شغل همزمان با نمایندگیو اجرای طرحهای عمرانی و تملکی که منفعت نماینده یا بستگان وی را در پی دارد، تصدی برخی مناصباز جمله قضاوت، نمایندگی در مجالس محلی، عضویت در نیروهای مسلح، تصدی مناصب مرتبط با انتخابات، تصدی منصب یا استخدام در شرکتهای دولتی طی دوره نمایندگی، نمونه‌های از مصادیق پنهانکاری در تعارض منافع نماینده پارلمان میباشد.

این مقیاس از سنجش سوم، در بسیاری از کشورها در قالب قواعد رفتاری تنظیم شده است. از جمله این قواعد، اذعان به وجود تعارض منافع در زمان مسئولیت نماینده و اعلان رسمی وی بر وجود منافع احتمالی است. اعلام رسمی توسط نماینده در جهت مبارزه با پنهانکاری به صورت عمومی در اختیار مردم قرار میگیرد.

#### ۴- محدودیت شاخصه‌های شفافیت و مبارزه با فساد

ایجاد شاخصه‌های فساد رویهای پویا است که دائماً تحت تأثیر مطالبات هنجاری و سیاسی و غیره قرار میگیرد.

تعریف فساد نیز بسته به عاملین، مأمورین اداری، سیاستمداران و دستگاههای حکومتی، مقیاس کلان یا خرد و ماهیت بخشهای دخیل خصوصی یا عمومی تفاوت چشمگیری دارد. مضافاً شاخصه‌های شفافیت و مبارزه با فساد در معرض چند پارگیای قرار گرفته‌اند که بالطبع امکان ایجاد مقیاسهایی جامع که قادر باشند پیچیدگی این پدیده را مجسم سازند را کاهش داده است. تهیهکنندگان شاخصها بر سر پذیرش یکسان فساد در بخشهای خصوصی و عمومی با یکدیگر اختلاف دارند. به عنوان مثال، سازمان شفافیت بینالملل رشوه دادن را زیرمجموعه‌ای از فساد تعریف میکند، در حالیکه بانک جهانی و دیگر گروههایی که شاخص ایجاد میکنند واژه‌ی فساد را در مورد هر دو عمل «پذیرش یا ارائه رشوه» به کار میبرند. به نظر میرسد به دلیل این عدم یکپارچگی شیوه‌های سنجش شفافیت و مبارزه با فساد، واکنش حقوقی یا سیاسی برای مبارزه با فساد مناسب نیست و پذیرش آنها در نظامهای حقوقی برای دفع افسد به فاسد است.

به عنوان نمونه گرفتن جوهری به غیر از آنچه در قوانین و مقررات تعیین شده است، از نظر قانونگذار و مقام قاضی مصداق رشوه تلقی میشود، اما اداراک فساد که منبعث از شاخصه‌های شفافیت و مبارزه با فساد است توانایی سنجش تخلف را ندارد.

به‌طور مثال سازمان شفافیت بین‌الملل در تعریف رشوه معتقد است: مشتری به‌عنوان یک رشوه دهنده عمل کرده و پول (همچنین رشوه با عناوین: باجسبیل، زیرمیزی، شیرینی، پاداش، سبیل چرب کردن و غیره شناخته می‌شود) را به مأمور پرداخت می‌کند که مرتشی نامیده می‌شود. در عوض مشتری مزیتی از قبیل خدمات یا مجوزی مانند تخفیف مالیاتی یا قرارداد عمومی کسب می‌کند که حق دستیابی به آن را ندارد. این تعریف اگرچه عبارتی دقیق برای تعریف رشوه است اما نمیتواند عبارت "گرفتن وجوهی به‌غیر از آنچه در قوانین و مقررات تعیین شده است" را پوشش دهد و در ثانی میان عبارات درج‌شده و مفهومی که فرد مورد نظرسنجی درک می‌کند، تفاوت وجود دارد.

با فرض جامعیت و هماهنگی شاخصها در وهله‌ی دوم، تکلیف عامل مداخله‌گری مانند قدرت عمومی در شاخصهای شفافیت و مبارزه با فساد چیست؟ ارتباط بین قدرت عمومی و شاخصهای شفافیت و مبارزه با فساد به وجود می‌آید. رابطه‌ی عادی بین فساد و آسیب‌پذیری قدرت عمومی چیست؟ آیا فساد به ضعف قدرت عمومی دامن می‌زند، یا بالعکس آسیب‌پذیری قدرت عمومی است که سیاستمداران و کارمندان دولتی را برمی‌انگیزد تا از قدرت در جهت منافع شخصی سوءاستفاده کنند؟

با توجه به شاخصهایی که توسط بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل اتخاذ شده است، دخالت قدرت عمومی خصوصاً در روشهای مبتنی بر نظرسنجی منجر به بروز خطای استنباطی می‌گردد. عدم همسانی داده‌های ارائه‌شده توسط منابع مختلف، شاخصهای شفافیت و مبارزه با فساد را ریسک‌پذیر می‌کند زیرا داده‌ها در منابع مختلف توسط قدرت عمومی سانسور یا دستکاری میشوند.

پرواضح است شاخصهای شفافیت و مبارزه با فساد اهمیت مربوط به هر منبع قدرت و سنجها و موازین بین‌المللی را دستکم می‌گیرد. نمیتوان فساد را به‌عنوان عملکردی خطی و بدون در نظر گرفتن درآمد، سیاستهای دولت، سیستم قضایی، منبع قدرت، یا تجربه‌ی استعماری محاسبه کرد.

#### ۴-۱- دلایل شکست شاخصهای شفافیت و مبارزه با فساد

اشتباهات نسبت داده‌شده به تدوین‌کنندگان شامل: تقلیل شفافیت و مبارزه با فساد به تغییرات فنی در

«حکومت» بر اساس نظریه امر و مأمور و غفلت از سیاستهای کلی اصلاح جامعه، درک فساد به‌عنوان یک مسئله عمومی، تغییرات جزئی پیشنهادات از جامعهای به جامعه دیگر، اعمال رویکردها از خارج، تعریف دوره‌های زمانی غیرواقعی و تمرکز بر شفافیت و مبارزه با فساد فوری به‌جای اصلاحات معنادار، عدم تعریف مشوقهای تغییر، بلندپروازی مفرط، فقدان حساسیت به

زمینه مسئله، پرداختن بیش‌از حد به تخصیص بودجه شفافیت و مبارزه با فساد، کنارگیری از دخالت در امور (سیاسی)، اتکا بیش‌از حد به گزارش‌های مؤسسات دولتی و نادیده گرفتن مشارکت اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد، توجه بسیار اندک به «طرف‌رضهی فساد» و استقرار شرکت‌های تدوین‌کننده در کشورهای توسعه‌یافته می‌باشد.

اشتباهات نسبت داده‌شده به نحوه پیاده‌سازی شاخص‌های شفافیت و مبارزه با فساد شامل: استفاده از منابع غیرقابل‌دسترس و کیفی و فقدان منابع الحاقی، گسستگی و تقلیل مسئولیت‌ها، قصور در نهادینه سازی اصلاحات، وابستگی بیش‌از اندازه به اعمال قانون، هدف‌گذاری مأموران میان رتبه و نادیده گرفتن مقامات کلان، تمرکز ناکافی بر نتایج، رفتار تدافعی و فقدان شفافیت، نظارت ضعیف بر پروژه‌ها، هماهنگی ضعیف، تمایل و اتکا به کارشناسان خارجی، نگاه به فساد و حکومت به شکل یک «بخش» و نه جریان اصلی، تمرکز بر یک حوزه مبارزه با فساد و شفافیت مانند آژانس‌های ضد فساد، محدودیت نقش‌آفرینان حاضر در مداخلات، حجم پایین همکاری‌های درازمدت، فقدان شاخص‌های اندازه‌گیری نتایج و پیامدها و درک نادرست دوره‌های زمانی می‌باشد.

## نتیجه گیری

اگر به شاخصه‌های فساد در سطح کلی بنگریم، شاخص شفافیت بین‌الملل و شاخص کنترل فساد بانک جهانی در اواسط دهه ۱۹۹۰ منتشر شده‌اند، اما تصویر جهانی از تلاش‌های ضد فساد کاملاً ایستا بوده است و دشوار است بپذیریم تلاش‌های ضد فساد در طول سه دهه اخیر موفقیت‌آمیز بوده است. بسیاری از کشورهای درحالتوسعه، همچنان از فساد در تمام سطوح رنج می‌برند و حتی باوجود استقرار دموکراسی، نخبگان و طبقات سیاسی را نیز درگیر کرده است و روزبه‌روز بدتر می‌شود، درحالی‌که تلاش برای ارزیابی و اندازه‌گیری فساد که معمولاً به‌صورت پنهان و مبهم است صورت گرفته است. در سال‌های اخیر تمایل برای پرسیدن سؤالات اساسی و بنیادی در مورد چگونگی شناسایی و مقابله با فساد افزایش یافته است. به‌طور فزاینده کسانی که در زمینه مبارزه با فساد مشارکت می‌کنند به‌ویژه محققان، سازمان‌های مالی بین‌المللی، سازمان‌های مردمنهاد ضد فساد خواستار بازنگری در مورد شاخصه‌های مبارزه با فساد و چگونگی درک فساد و همچنین چگونگی انجام این کار و پرداختن به آنها هستند.

برای عده‌ای، موفقیت نه‌چندان زیاد در مبارزه با فساد ناشی از فقدان ظرفیت، فقدان اراده‌ی سیاسی و اجرای نامناسب سیاست‌های مبارزه با فساد است. عده‌ای دیگر به مسئله عمیق‌تر مینگرند. دیدگاه دسته اخیر مبتنی بر فقدان معیاری جامع برای سنجش فساد، چارچوب تحلیلی نامناسب، شناسایی نامناسب اهداف و عدم توجه کافی به منابع قانونی و موازین بین‌المللی و توجه به مسائل سیاسی می‌باشد.

## فهرست منابع

## الف) منابع فارسی مقاله

۱. عادل، آذر؛ مریم، امیرخانی، «سیاهچاله‌های بودجه در نظام بودجه‌ریزی ایران»، مجله مدیریت دولتی (دانشگاه تهران)، شماره ۴، ۱۳۹۵، ۲۵۷.
۲. مقیمی، محمد؛ علی اصغر، پور عزت، حسن، دانایی فرد؛ حیدر، احمدی، «طراحی و تبیین مدل بودجه‌بندی بر اساس شاخصهای حکمرانی خوب در ایران»، مجله مدیریت دولتی (دانشگاه تهران) ۴، ۱۳۹۵، ۶۴۷.
۳. قضاوی، حسین، «نگاهی به شاخصهای سنجش مبارزه با فساد»، مجله اقتصادی سال پنجم شماره‌های ۵۱ و ۲۵، ۱۳۸۳.

## ب) منابع انگلیسی

## Books

4. Ades, A. & R. Di Tella, “*National Champions and Corruption: Some Unpleasant Interventionist Arithmetic*”, The Economic Journal, CVII, 1023-1042. 1997.
5. David, Cabedo, “*Improving and measuring transparency in NGOs: A disclosure index for activities and projects*”, Nonprofit Leadership and management, 33, 2017, 331.
6. Davis, K. E., & Kingsbury, B. “*Indicators as interventions: pitfalls and prospects in supporting development initiatives*” (pp. 1–55). Rockefeller Foundation. 2011.
7. Fisman, R. & R. Gatti, “*Decentralization and Corruption: Cross-Country and Cross-State Evidence*” Unpublished Manuscript, World Bank, Washington D.C. .9991
8. IDS. “*An Upside-down View of Governance. Brighton*”, UK: Institute for Development Studies. 2010.
9. Lambsdorff, J. G. “*The Institutional Economics of Corruption and Reform*”. Cambridge University Press. 2007.
10. Nieves, Zangia, “*Land Corruption Topic Guide*”, Third edition, 2018,12.
11. OECD. “*OECD Glossary of Statistical Terms*”. OECD Publishing. 2008.
12. Theodore, Kahn, “*Digital Technologies for Transparency in Public Investment: New Tools to Empower Citizens and Governments*”, First Edition, 2018,14.
13. United Nations. “*United Nations Handbook on Practical Anti-Corruption Measures for Prosecutors and Investigators*”. United Nations. 2004.
14. World Bank. “*Strengthening World Bank Group Engagement on Governance and Anticorruption*”. Washington, DC: World Bank. 2007.

## Articles

15. Alesina, A. and B. Weder, "Do Corrupt Governments receive less Foreign Aid?" American Economic Association. 2002.
16. Cooray, Arusha, "Transparency Pays? Evaluating the Effects of the Freedom of Information Laws on Perceived Government Corruption", journal Of Development Studies , 53, 2017, 118.
17. Glaeser, E., La Porta, F. Lopez-de Silanes and A. Shleifer, "Do Institutions Cause Growth?", Journal of Economic Growth, V9(I3): PP271-303. 2004.
18. Grimmeli, khuijsen, "Do Freedom of Information laws increase transparency of government? A replication of a field experiment", journal of Behavioral Public Administration, 2, 2018, 10.
19. Johnson, Simon & James A. Robinson. "The Colonial Origins of Comparative Development: An Empirical Investigation." The American Economic Review 91(5):1369-1401. 2001.
20. Lambsdorff, J.G., "Background Paper to the 2004 Corruption Perceptions Index", Framework Document, Transparency International and the University of Passau. 2004.
21. La Porta, R., F. Lopez-De-Silanes, A. Shleifer and R.W. Vishny, "Trust in Large Organisations." The American Economic Review, Papers and Proceedings, CXXXVII (2), 333-8 .7991
22. McArthur, John W., & Sachs, Jeffrey D. "Institutions and Geography: Comment on Acemoglu, Johnson and Robinson" NBER Working Paper No. 8114, February 2.100
23. Mallick, Sushanta, "Does Institutional Linkage of Bank-MFI Foster Inclusive Financial Development Even in the Presence of MFI Frauds?", scottish Journal Of Political Economy\_ , 64, 2017, .482
24. Mauro, P. "Corruption and Growth", Quarterly Journal of Economics, CX, 681-712. 1995.
25. Rijckeghem, C. Van & Weder, B. "Corruption and the Rate of Temptation: Do Low Wages in the Civil Service Cause Corruption?", International Monetary Fund Working Paper, 97/73. 1997.
26. Svensson, J. and R. Reinikka, "Survey Techniques to Measure and Explain Corruption," World Bank Policy Research, working paper No 3071. 2003.
27. Transparency International (b). "Corruption Perception Index 2012": Short Methodology Note. Available at: [http://www.transparency.org/files/content/pressrelease/2012\\_CPIUpdatedMethodology\\_EMBARGO\\_EN.pdf](http://www.transparency.org/files/content/pressrelease/2012_CPIUpdatedMethodology_EMBARGO_EN.pdf). 2012.
28. WGI, "Worldwide Governance Indicators". Frequently Asked Questions. Availabe at: <http://info.worldbank.org/governance/wgi/faq.htm>. 2013.



نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۳۱۴ - ۲۸۹

## مدل اخلاقی ارزشی در مدیریت بازاریابی کارآفرینانه

فرشاد حاکم زاده<sup>۱</sup>

حسین وظیفه دوست<sup>۲</sup>

فریده حق شناس کاشانی<sup>۳</sup>

### چکیده

امروزه تدوین ارزش‌های اخلاقی در مباحث مدیریتی بخصوص بازاریابی از ارکان مهمی بشمار می‌رود؛ بروز رفتار اخلاقی زمانی صورت می‌پذیرد که ارزش‌های اخلاقی بتوانند موانع رفتار اخلاقی در سازمان را از بین ببرند. (خدمای و همکاران، ۱۳۹۴) بنابراین، هدف تحقیق حاضر بررسی ادبیات این حوزه و ارائه مدل اخلاقی ارزشی در حوزه مدیریت بازاریابی کارآفرینانه است، در تحقیق حاضر سعی شده است تا از طریق تعریف کارآفرینی بعنوان منبعی از منابع مهم و پایان‌ناپذیر در همه جوامع بشری بحث بشود. منبعی که به توان خلاقیت انسان‌ها برمی‌گردد. این منبع از یک سو ارزان و از سوی دیگر بسیار ارزشمند و پایان‌ناپذیر است. امروزه همگان دریافته‌اند که جوامعی که به منابع انسانی اخلاق‌گرا متکی بوده‌اند تا به منابع زیرزمینی، در بلند مدت موفق‌تر بوده‌اند، منابع زیرزمینی در کشورهای جهان سوم علی‌رغم مزیت‌های آن از جمله موانع توسعه‌یافتگی محسوب شده است. در صورتی که عدم وجود این منابع در بعضی از کشورها باعث شده است تا آن‌ها با استفاده از نیروی فکر، خلاقیت و ابتکار و یا در یک کلمه کارآفرینی، از جمله کشورهای پیشرو در جهان کنونی شوند. خصوصاً در عصر حاضر که عصر ارزش‌گرایی،

۱. دانشجوی دکتری مدیریت بازاریابی، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد تمام مدیریت بازاریابی، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: Vazifehdust@yahoo.com

۳. استادیار مدیریت بازاریابی، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دانایی و خلاقیت و عصر تلفیق اندیشه‌ها و ابتکارات می‌باشد، توجه به کارآفرینی در توسعه و پیشرفت کشورها بسیار اهمیت دارد.

در این پژوهش از روش آمیخته استفاده شده است که شامل دو بخش کیفی و کمی است. در بخش کیفی پژوهش از ابزار مصاحبه استفاده شده است. اطلاعات و داده‌های لازم در بخش کیفی از صاحب نظران و خبرگان حوزه اخلاق، بازاریابی و کارآفرینی به دست آمده است. این تحقیق جمع‌آوری گردیده و سپس با استفاده از روش گرند تئوری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. مقوله‌های حاصل از داده‌های گردآوری شده ارایه گردیده است.

بدین ترتیب جهت ارائه مدل اخلاقی ارزشی در بازاریابی کارآفرینانه در صنعت میکرو الکترونیک از رویکرد کیفی و با طرح شیوه اکتشافی استفاده شد. بدین منظور ابتدا با استفاده از رویکردی کیفی و کدگذاری داده‌ها، مدل برای بازاریابی کارآفرینانه در صنعت میکرو الکترونیک تدوین شد. لذا در ابتدا بخش کیفی اشاره می‌شود و بعد بخش کمی تبیین و نتایج پژوهش ارائه شده است سپس به بررسی نتایج بخش کمی پرداخته شده است.

### واژگان کلیدی

بازاریابی کارآفرینانه، میکرو الکترونیک، پژوهش ترکیبی، مدل اخلاقی ارزشی.

## طرح مسأله

امروزه علیرغم تحولات و پیشرفت‌های بوجود آمده در زمینه‌های گوناگون اعم از رشته‌های تربیتی، تحول در محتوای علوم و فنون مدیریتی، تدوین روش‌های جدید آموزش، توجه به مسائل روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و فلسفی و همچنین تحولات عظیم در زمینه‌هایی چون کسب و کار، مهارت‌های عمومی، تکنیک‌های رشد و تقویت حافظه، نظریه‌های مربوط تمام علوم نوین و کهن متاسفانه در زمینه روش‌های تربیت و رویکردها و آموزش اخلاقی و ارزشی، تلاش‌های کافی و مفیدی صورت نگرفته است. یعنی رویکردها و روشهای تربیت اخلاقی و ارزشی در عرصه علوم مختلف بخصوص علوم انسانی و مدیریتی بیشترین جای بررسی و توجه را دارد و بیشترین چالش‌ها و مناقشات را نیز توانسته به خود اختصاص دهد. از طرفی عصر حاضر که عصر دانایی و خلاقیت و عصر تلفیق اندیشه‌ها و ابتکارات می‌باشد، توجه به کارآفرینی در توسعه و پیشرفت کشورها بسیار اهمیت دارد (زین‌العابدین قمی و همکاران، ۱۳۹۳؛ چاستون، ۲۰۱۷). اکنون در عرصه جهانی افراد خلاق و مبتکر به‌عنوان کارآفرینان منشأ تحولات بزرگی در زمینه‌های گوناگون صنعتی، تربیتی، خدماتی و... شده‌اند. مهارت‌های کارآفرینانه بطور گسترده ای برای هر نوع و اندازه ای از سازمان حیاتی می‌باشد (رویلا، ۲ و همکاران، ۲۰۱۶). جان تامپسون معتقد است که مهارت‌های کارآفرینانه نیازی فراگیر و ضروری برای تمامی سازمانها (دولتی خصوصی داوطلبانه و غیره...) با هر اندازه (بزرگ متوسط و کوچک) است (هوکینز و تامپسون، ۲۰۱۵). کارآفرینی از طریق تولید و انتقال دانش و افزایش رقابت در رشد اقتصادی مشارکت دارد (ناوارو-گارسیا، ۲۰۱۵). کارآفرینی به‌عنوان یکی از ساز و کارها و معیارهای پیشرفت و بقای سازمانهای (زهرا، ۲۰۱۲) امروز بسیار مورد توجه پژوهشگران و مدیران است.

از سوی دیگر، موجودیت هر سازمان وابسته به بازاریابی است. فروش کالاها در یک بازار پر رقابت به مراتب دشوارتر از تولید آنهاست و دشوارتر از آن رویارویی با رقیبان در یک محیط به شدت متغیر است. یکی از مباحثی که در بازاریابی مورد توجه قرار می‌گیرد، شناخت نیاز مشتری است که با کارآفرینی رابطه نزدیکی دارد (عبدی و فیض‌بخش‌بازرگان، ۱۳۸۱؛ ونوگوپال، ۲۰۱۶). شواهدی وجود دارد که بیان می‌کند بازاریابی کارآفرینانه یکی از خصوصیات مثبت برای

1. Chaston
2. Revilla
3. Huggins & Thompson
4. Navarro-Garcia
5. Shaker Zahra
6. Venugopal

هرسازمانی است (نیجسن ۱، ۲۰۱۷). اصطلاح بازاریابی کارآفرینانه برای توصیف فرآیندهای بازاریابی شرکت‌ها جهت تعقیب فرصت‌ها در شرایط مبهم بازار و تحت شرایط با محدودیت در منابع استفاده می‌شود (کولینسون و شاو ۲، ۲۰۰۱؛ کلینتونگ ۳ و همکاران، ۲۰۱۵). بورلند و لوکشین ۴ (۲۰۰۴) بازاریابی کارآفرینانه را به عنوان اعمال اثربخش یا اقتباس نظریه بازاریابی برای نیازهای خاص کسب و کارهای کوچک و متوسط تعریف می‌کنند.

بنابر این، با توجه به آنچه گفته شد، تلفیق این موضوعات مهم در عرصه ارزش‌گرایی و اخلاق مداری در حوزه مدیریت بازاریابی و کارآفرینی ما را بر آن داشت تا پژوهش حاضر در صدد ارائه مدل اخلاقی ارزشی در بازاریابی کارآفرینانه در صنعت میکرو الکترونیک برآید.

با اجرای این پژوهش امید است بتوان به سه هدف زیر دست یافت:

توان بین سازه‌های مورد مطالعه، فرضیه‌های قابل قبولی ارائه نمود که این مهم از لحاظ نظری و اخلاقی حائز اهمیت است.

توان راهکارهای عملی در خصوص بازاریابی اخلاقی ارزشی کارآفرینانه، در اختیار مدیران و کارآفرینان قرار داد.

توان مبانی نظری منسجم در خصوص تئوری‌ها، الگوها، مدل‌ها و مؤلفه‌ها و... در خصوص بازاریابی و کارآفرینی احصاء و تبیین نمود و در اختیار سلسله مراتب مدیران و افراد ذینفع قرار داد.

### پیشینه پژوهش

**پیشینه نظری:** بازاریابی و کارآفرینی دارای رابطه متقابل هستند بازاریابی چیزهای زیادی را برای مطالعه در مورد کارآفرینی فراهم می‌کند و کارآفرینی به بازاریابی به عنوان کلید عملکرد در شرکت نگاه کند که می‌تواند به نوآوری و خلاقیت منجر شود. بازاریابی کارآفرینانه نیز به عنوان یکی از جنبه‌های نوین بازاریابی، همان اهداف اولیه بازاریابی را با کیفیت بالاتر به اجرا در می‌آورد (بردبار کوچصفهانی و خانی رودآبادی، ۱۳۹۱؛ کوالیک و دولینیک ۵، ۲۰۱۵). این بدان معناست که برای دستیابی به مزایای اقتصادی و بهره‌بردن از سود اقتصادی بیشتر، بازاریابی کارآفرینانه یکی از بهترین روش‌ها می‌باشد، که با پیاده‌سازی این روش نوین بازاریابی، می‌توان به اهدافی بالاتر نسبت به بازاریابی سنتی دست یافت (بردبار کوچصفهانی و خانی رودآبادی،

1. Nijssen
2. Collinson & Shaw
3. Kilenthong
4. Beverland & Lockshin
5. Kowalik & Duliniec

۱۳۹۱؛ عشقی‌راقی ۱ و همکاران، ۲۰۱۷).

بازاریابی کارآفرینانه رابط بین کارآفرینی و بازاریابی و منعکس‌کننده رفتار کارآفرینانه در شیوه‌های بازاریابی یک شرکت می‌باشد که توسط آن می‌توان نوآوری را در فعالیت‌های بازار به کار برد. بازاریابی کارآفرینانه از طریق ارایه مفاهیم، ابزارها و زیرساخت‌ها برای از بین بردن شکاف بین نوآوری و موقعیت بازار نقش بسیار مهمی در دستیابی به مزیت رقابتی پایدار ایفا می‌نماید (هیلس و هالتمن، ۲۰۱۱). در واقع، بازاریابی کارآفرینانه مفهومی است که به دنبال توصیف فرایندهای بازاریابی و شناسایی فرصت‌ها در محیط در حال نوسان برای شرکتهای کوچک و متوسط که منابع محدودی در اختیار دارند، می‌باشد (ماناسرا و همکاران، ۲۰۱۳). همچنین، بازاریابی کارآفرینانه با بهره‌گیری از چشم‌انداز گسترده و رویکرد خلاقانه برای تمرکز بر نوآوری، مدیریت ریسک و اهرم کردن منابع، برای توصیف طیف وسیعی از فعالیت‌ها و واکنش‌ها در کسب و کارهای کوچک و متوسط به کار می‌رود (کورگون و همکاران، ۲۰۱۱). بازاریابی کارآفرینانه برای آینده کسب و کارها یک راهبرد مهم تلقی می‌شود که در برگیرنده توجه به فعالیتهای افراد در شرکت، یکپارچه‌سازی اطلاعات مشتری، هوش رقیب، دانش محصول و ارایه ارزش برتر به مشتریان است (جونز و رولی، ۲۰۱۱).

از آنجا که برای هر یک از مفاهیم بازاریابی و کارآفرینی تعاریف مختلفی ارایه شده است، از اینرو، تعاریف بیشماری در خصوص مفهوم بازاریابی کارآفرینانه نیز وجود دارد؛ به نحوی که، می‌توان بیان داشت در این زمینه اتفاق نظر و اجماع کلی وجود ندارد (یونیا، ۲۰۱۲). نوایزوغو و انکام (۲۰۱۴) بازاریابی کارآفرینانه را شناسایی و بهره‌برداری بیش فعالانه از فرصتها به منظور جذب و نگهداری مشتریان سودآور از طریق اتخاذ رویکردهای نوآور به مدیریت ریسک، اهرم کردن منابع و ایجاد ارزش برای مشتری در نظر گرفته‌اند. به همین منوال، کرواس و همکاران (۲۰۱۰) بازاریابی کارآفرینانه را عملکرد سازمانی و مجموعه‌ای از فرآیندهای خلق ارزش و تحویل این ارزش به مشتری در راستای مدیریت ارتباط با مشتری با روش‌هایی می‌دانند که برای شرکت و ذینفعان آن سودآور است.

بازاریابی کارآفرینانه به عنوان مجموعه‌ای از فرایندها شناخته می‌شود که به برقراری ارتباط با مشتریان، ایجاد ارزش و هدایت مؤثر کسب و کارها در محیط‌های در حال نوسان کمک می‌کند. از آنجایی که مشابه بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی، بازاریابی کارآفرینانه نیز یک مفهوم چند بعدی است، محققان و دانشمندان مختلف هر یک ابعاد و مولفه‌های متعددی را برای آن در نظر گرفته‌اند. به عنوان نمونه، مورت و همکاران (۲۰۱۲) چهار استراتژی اصلی

بازاریابی کارآفرینانه را فرصت‌شناسی، برقراری ارتباط نزدیک با مشتری، افزایش منابع و ارایه محصولات نوآورانه با در نظر گرفتن نیازهای پویای مشتریان شناسایی نموده‌اند. از طرفی جونز و رولی (۲۰۱۱) در مطالعه خود به مدلی برای بازاریابی کارآفرینانه دست یافتند که این مدل شامل مؤلفه‌های مشتری‌مداری، گرایش به کارآفرینی، گرایش به نوآوری و جهت‌گیری بازاریابی است. به همین ترتیب، موریس و همکاران (۲۰۰۲) برای بازاریابی کارآفرینانه ابعاد پیش‌دست بودن، ریسک‌پذیری، نوآوری، فرصت‌گرایی و ایجاد ارزش از گرایش بنگاه‌ها به کارآفرینی و اهرم کردن منابع و مشتری‌گرایی از گرایش بنگاه‌ها به بازاریابی را مطرح کرده‌اند که در بسیاری از مطالعات به کار گرفته شده است (میلز و داروچ، ۲۰۰۶؛ پچرر و همکاران، ۲۰۱۳؛ رضوانی و خزایی، ۲۰۱۳؛ نیهام و همکاران، ۲۰۱۳؛ نیوزوگبو و انوکام، ۲۰۱۴).

**پیشینه تجربی:** یانگ و گابریلسون (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی بازاریابی کارآفرینانه شرکت‌های بین‌المللی با تکنولوژی جدید کسب و کار جدید پرداختند. یک مطالعه کیفی با کارآفرینان نشان داد که ماهیت تکراری، افزایشی و خلاقانه فرآیندها و تصمیم‌گیری بازاریابی نقش مهمی در کارآفرینی در بازاریابی شرکت‌های بین‌المللی با تکنولوژی جدید کسب و کار جدید.

پان (۲۰۱۷) در پژوهشی به توریسم کارآفرینی بین‌المللی با تأکید بر ایجاد الگوی شایستگی کارآفرینان بین‌المللی بر اساس نظریه داده‌بنیاد پرداختند. این پژوهش با استفاده از نظریه داده‌بنیاد انجام شد. شرکت‌کنندگان در پژوهش متخصصان کارآفرینی بودند. روش گردآوری داده‌ها مصاحبه بود. نتایج نشان داد دانش حرفه‌ای مدیران، مهارت زبان، دانش کسب و کار بین‌المللی، شایستگی‌های مدیران کارآفرینی، توانایی شناخت بازار، توانایی یکپارچگی منابع، توانایی غلبه بر ریسک‌ها، توانایی ارتباط با جامعه، توانایی یادگیری، شخصیت، خودمختاری، نوآوری، تغییر، اشتیاق رقابت و روحیه پیشرفت از مهمترین عوامل مؤثر بر کارآفرینی هستند.

کیلونتونگ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر سن شرکت، اندازه شرکت و بنیانگذار شرکت بر رفتارهای کارآفرینی در بازاریابی پرداختند. ۷۵۲ نفر از صاحبان کسب و کارها در پژوهش شرکت کردند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل معادلات ساختاری استفاده کردند. نتایج نشان داد که اندازه شرکت و سن شرکت بر کارآفرینی در بازاریابی تأثیرگذار هستند اما پایگاه مدیران شرکت‌ها بر کارآفرینی در بازاریابی تأثیرگذار نیست.

حبیب‌زاده و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به شناسایی و رتبه‌بندی عامل‌های تأثیرگذار بر بازاریابی کارآفرینانه جهت تسهیل صادرات پرداختند. ۳۸۷ نفر از کارآفرینان شهر تهران در

پژوهش شرکت کردند. نتایج پژوهش نشان داد که مهمترین عوامل کارآفرینی در بازاریابی صادرات عبارتند از هوش رقابتی، مزیت رقابتی، عامل‌های بیرونی و عامل‌های درونی.

لی ۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر همسویی جهت‌گیری کارآفرینانه و جهت‌گیری بازاریابی بر عملکرد شرکت در تایوان پرداختند. نتایج پژوهش تأثیر همسویی کارآفرینی - بازاریابی بر عملکرد شرکت را مورد تأیید قرار داد.

کیلونتونگ ۲ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی ابعاد بازاریابی کارآفرینانه پرداختند. بر اساس ادبیات تحقیق ۶ عامل را به عنوان عوامل زیربنایی رفتارهای بازاریابی کارآفرینانه شناسایی کردند: جهت‌گیری رشد، جهت‌گیری فرصت، تمرکز مشتری، خلق ارزش از طریق شبکه‌ها، تحلیل بازار غیررسمی و نزدیکی به بازار.

نیک‌فرجام و ظریفی (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی اکتشاف تأثیرات عامل‌های بازاریابی کارآفرینانه بر کسب و کارهای کوچک پرداختند. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های صنایع غذایی در ایران بودند که ۲۴۹ نفر از کارشناسان آنان در پژوهش شرکت کردند. روش اجرای پژوهش توصیفی پیمایشی بود. نتایج نشان داد که پنج عامل تأثیرگذار بر کارآفرینی در بازاریابی عبارتند از: رویکرد نوآورانه، بازاریابی انعطاف‌پذیر، منابع، استراتژی و محصول.

میلز ۳ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر فرآیندهای بازاریابی کارآفرینانه و خودکارآمدی کارآفرینانه بر آسیب‌پذیری اجتماعی، ریسک و تاب‌آوری پرداختند. نتایج تأثیر فرآیندهای بازاریابی کارآفرینانه و خودکارآمدی کارآفرینانه بر آسیب‌پذیری اجتماعی، ریسک و تاب‌آوری را مورد تأیید قرار داد.

رضوانی و خزایی (۲۰۱۴) در پژوهشی به ارزیابی ابعاد بازاریابی کارآفرینانه مطابق با ویژگی‌های مؤسسات یعنی سن و اندازه پرداختند. هدف پژوهش حاضر این بود که چگونه استفاده از بازاریابی کارآفرینانه به عنوان نتیجه سن و اندازه مؤسسات آموزش عالی متفاوت است. نتایج نشان داد که بر اساس سن و اندازه مؤسسات در ابعاد بازاریابی کارآفرینانه تفاوت وجود دارد. ساراما ۴ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر بازاریابی کارآفرینانه و توسعه کسب و کار بر پایداری کسب و کار پرداختند. روش اجرای پژوهش توصیفی پیمایشی بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل معادلات ساختاری استفاده کردند. نتایج نشان داد بازاریابی کارآفرینانه بر توسعه کسب و کار و پایداری کسب و کار تأثیر مثبت و معناداری دارد. توسعه کسب و کار بر

- 
1. Lee
  2. Kilenthong & Hills
  3. Miles & Gilmore
  4. Samara

پایداری کسب و کار تأثیر مثبت و معناداری دارد.

صفری و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی که با هدف بررسی تأثیر بازاریابی اخلاقی در تمایل به خرید مصرف‌کننده اینترنتی با توجه به متغیر نماد اعتماد الکترونیکی صورت گرفته است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - پیمایشی اجرا شده و جامعه آماری پژوهش شامل کاربران یکی از شبکه‌های اجتماعی در سال ۱۳۹۵ می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، ۳۵۰ پرسشنامه توزیع، دریافت و مورد ارزیابی قرار گرفت. جهت جمع‌آوری اطلاعات، از ابزار پرسشنامه بهره گرفته شده است. به منظور تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS، Amos و همچنین از روش‌های آماری تحلیل رگرسیون و معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج تحقیق الگوی مفهومی ارائه شده را تأیید نمود و نشان داد که بازاریابی اخلاقی بر تمایل به خرید مصرف‌کنندگان اینترنتی با توجه به ضریب تأثیر  $0.09$  تأثیر مثبت و معناداری دارد ( $P < 0.05$ )، بازاریابی اخلاقی بر تمایل به خرید مصرف‌کنندگان اینترنتی با توجه به متغیر تعدیلگر نماد اعتماد الکترونیکی تأثیر مثبت و معناداری دارد ( $P < 0.05$ )، نتایج مدل معادلات ساختاری نیز نشان داد که مؤلفه صداقت و پایبندی به تعهدات بیشترین ضریب تأثیر را بر تمایل به خرید مصرف‌کننده دارد. نتایج تحقیق به فروشگاه‌های مجازی پیشنهاد می‌کند که تأیید فروشگاه‌های اینترنتی توسط یک مؤسسه ثالث دارای اهمیت می‌باشد؛ زیرا که تأثیر زیادی در جلب اعتماد مراجعه‌کنندگان خواهد داشت.

خدای و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با هدف تدوین ارزش‌های اخلاقی در سازمان‌ها برای بروز رفتار اخلاقی کارکنان سازمانی؛ اذعان داشتند که بروز رفتار اخلاقی زمانی صورت می‌پذیرد که ارزش‌های اخلاقی بتوانند موانع رفتار اخلاقی در سازمان را از بین ببرند. بنابراین، هدف تحقیق حاضر بررسی ادبیات این حوزه و ارائه مدلی جهت ارزیابی تحقق این هدف است، در تحقیق حاضر سعی شده است تا از طریق تعریف متغیرهای میانجی موثر بر رفتار اخلاقی و بررسی پیامدهای ارزش‌های اخلاقی در سازمان مدلی طراحی شود که بتواند نقش ارزش‌های اخلاقی سازمانی در بروز رفتار اخلاقی کارکنان را بررسی نماید. روش: تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری تحقیق پرسنل بانک ملت در شهر تهران بوده و تعداد نمونه آماری با استفاده از فرمول کندال و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۳۵۰ پرسنل بود. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد می‌باشد و جهت آزمون مدل از مدل تحلیل مسیر و مدل معادلات ساختاری استفاده گردید. یافته‌ها: مبتنی بر شاخص ضرایب معناداری مشخص شد که ارزش‌های اخلاقی با هر سه بعد عدالت سازمانی رابطه مثبت و معناداری دارند. از ابعاد عدالت سازمانی تنها بعد عدالت تعاملی با هر دو بعد تعهد سازمانی و رضایت شغلی ارتباط دارد و بعد عدالت رویه‌ای نیز تنها با تعهد سازمانی رابطه دارد. تعهد



سازمانی و رضایت شغلی نیز هردو با رفتار اخلاقی رابطه مثبت دارند. نتیجه گیری: مدل تحقیق مورد تأیید قرار گرفت که این مساله نشان می دهد: ارزش های اخلاقی سازمان می توانند از طریق ایجاد عدالت سازمانی، رضایت شغلی و تعهد سازمانی منجر به رفتار اخلاقی کارکنان شوند.

عباس نژاد (۱۳۹۱) در مقاله بازاریابی اخلاقی، بیان میدارد که نوعی ارتباط متقابل میان فروشنده و مشتری به عنوان شکل خاصی از بازاریابی بوجود می آید و در نتیجه فروشنده و مشتری هردو بر نتیجه فروش تأثیر میگذارند فروشنده بعنوان اولین رابط سازمان تأثیر قابل توجهی بر ادراک مشتری از قابل اتکابودن سازمان ارائه دهنده خدمات و ارزش خدماتش و نهایتاً منافع مشتری در ایقاي رابطه خود با سازمان متبوع فروشنده دارد هدف از تحقیق حاضر بررسی بازاریابی اخلاقی بوده و از نوع تحقیقات مروری می باشد. با توجه به نتایج پیشنهادات ذیل ارایه میگردد پیاده سازی اخلاق بازاریابی هنجاری و توصیفی با برگزاری دوره ها و کارگاه های مختلف تشکیل انجمنی برای نظارت بر اخلاقیات فروش خدمات بانکی بروز نمودن اطلاعات بازاریابان بصورت روزانه یا هفتگی ایجاد تنوع در خدمات بانکی اهمیت دادن به خدمات پس از فروش.

فراهانی، شعبانی و غفاری (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر گرایش به کارآفرینی و اطلاعات بازاریابی بر عملکرد شرکت های کوچک و متوسط استان مرکزی پرداختند. جامعه آماری در این تحقیق مشتمل بر مدیران و کارشناسان فروش شرکت های کوچک و متوسط استان مرکزی بودند. ۲۵۰ پرسشنامه در بین آنان توزیع شد که ۲۲۹ پرسشنامه مودر تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که گرایش به کارآفرینی نقش مهمی در ارتقای عملکرد شرکتها دارد. هم به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق اثرگذاری بر بهره برداری از اطلاعات بازاریابی بر عملکرد شرکتها تأثیرگذار است.

گلایی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به مفهوم پردازی نقش فرد کارآفرین در بازاریابی کسب و کارهای خانگی محور پرداختند. چارچوب پژوهشی در این مطالعه، رویکرد تحقیق ترکیبی کیفی- کمی است. در مرحله اول، گردآوری داده ها با به کارگیری مصاحبه های اکتشافی و نیمه ساختار یافته، به همراه طرح سوالات باز با ۱۲ کارآفرین و مالک بنگاه های خانگی انجام شد. در مرحله دوم با اعمال رویکرد کمی و ارسال پرسشنامه به هفتاد و هفت کسب و کار خانگی به گردآوری اطلاعات پرداخته شد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که فرد کارآفرین با بهره گیری از توانایی ها و ویژگی های فردی خود، و به کارگیری تجارب و تکنیک های کاری، قوه شهود و ادراکات شخصی، عملکردهای بیش فعالانه و پایبندی به اصول اخلاقی در بازار سعی در کسب سود بیشتر و ارائه ارزشی بالاتر نسبت به سایر رقبا برای مشتریان اولیه/

ثانویه خود دارد.

مرادنژادی و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهشی به تحلیل سازه‌های مؤثر بر توسعه کارآفرینی در واحدهای تولیدی گلخانه‌ای در ایران پرداختند. نمونه آماری این پژوهش تعداد ۱۴۲ نفر از کارآفرینان واحدهای گلخانه‌ای بوده‌اند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب از هشت منطقه کشور انتخاب و با ابزار پرسشنامه مورد مطالعه قرار گرفتند. ضریب آلفای کرونباخ به منظور تشخیص پایایی پرسشنامه‌ها محاسبه گردیده است که در این پژوهش برابر با ۰,۸۵ محاسبه شده است که حاکی از پایایی مناسب ابزار پژوهش بوده است. روایی محتوایی پرسشنامه نیز با نظر خواهی از کارشناسان و اساتید مرتبط با موضوع تایید شده است. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی نشان داده است که محیط اقتصادی (۳۴,۶٪)، ویژگی‌های روان‌شناختی (۱۱,۱٪)، پویایی محیط (۲,۲۹٪)، دسترسی به منابع (۲,۱٪)، مهارت بازاریابی (۲,۴۷٪)، محیط اکولوژیکی (۱,۳۹٪) و علاقه به کشاورزی (۱,۵۹٪) بر توسعه کارآفرینی در واحدهای تولیدی گلخانه‌ای مؤثر بوده‌اند.

### روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق پژوهش حاضر ترکیبی (کیفی و کمی عددی) از نوع اکتشافی است. توضیح اینکه پژوهش‌های ترکیبی نوعی استراتژی پژوهشی یا روش‌شناسی برای گردآوری، تحلیل و ترکیب داده‌های کمی و کیفی است که برای فهم مسایل پژوهشی در زمان انجام یک پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد (کرسول و کراک، ۲۰۰۷). از طرف دیگر رویکرد پژوهشی حاضر ترکیبی اکتشافی بوده است. در طرح‌های تحقیق ترکیبی اکتشافی، محقق بر آن است که درباره یک پدیده یا موقعیت نامعین اطلاعات اساسی و دقیقی کشف کند.

تعریف پاول ۱ نظریه زمینه‌ای، روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را به جای استنتاج از پیش فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود، به طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند. زمانی که گردآوری و تحلیل داده‌ها متوقف شد، نظریه بدست آمده، درک عمیقی در ارتباط با موجودیت‌های مورد مطالعه فراهم می‌کند. این کار، نظریه را به عنوان یک فرایند، مورد تاکید قرار می‌دهد، یعنی به جای یک فرآورده تکمیل شده، آن را موجودیتی پیوسته در حال تکوین تلقی می‌کنند. در طرح تحقیق ترکیبی اکتشافی در این تحقیق ابتدا از طریق روش تحقیق کیفی اطلاعات مورد نیاز برای ارائه مدل کارآفرینی در بازاریابی گردآوری شده و روابط آنان مشخص می‌شود. این شناخت اولیه امکان صورت‌بندی فرضیه‌ها (هایی) در رابطه با مدل بازاریابی کارآفرینانه فراهم می‌کند. پس از این مرحله محقق به منظور

آزمودن فرضیات تدوین شده با استفاده از روش‌های تحقیق کمی یعنی معادلات ساختاری، داده‌های حاصل از مرحله کیفی را آزمون کرده و اعتبار مدل مفهومی پژوهش را مورد سنجش قرار می‌دهد. بنابراین به منظور انجام پژوهش ترکیبی ابتدا داده‌های کیفی جهت پوشکافی پدیده مورد بررسی، جمع آوری و سپس داده‌های کمی در جهت تعیین نوع روابط میان متغیرها گردآوری و تحلیل می‌شوند. در روش تحلیل داده‌های کیفی از روش کدگذاری باز، تولید مفاهیم اولیه، تولید مقوله‌های عمده، کدگذاری محوری و ارتباط علی بین مقوله‌ها، تعیین مقوله‌های فرآیندی، زمینه‌ای و فرآیندی کدگذاری گزینشی و انتخاب و تعیین مقوله هسته محوری استفاده می‌شود. پس از این مرحله محقق به منظور آزمون مدل تدوین شده با استفاده از روش‌های تحقیق کمی یعنی معادلات ساختاری، اعتبار مدل مفهومی پژوهش را مورد سنجش قرار می‌دهد. پژوهشگرانی که از روش ترکیبی استفاده می‌کنند از داده‌های کمی و کیفی برای پاسخگویی به سؤال یا مجموعه‌ای از سؤال‌ها بهره می‌گیرند. این ترکیب روش‌ها شامل جمع-آوری، تحلیل و ترکیب داده‌های کمی و کیفی در بررسی‌های منفرد یا چند مرحله‌ای است (هانسون، کرسول، پلانوکالارک و پتسکا، ۲۰۰۵). روش‌های آمیخته، حوزه غنی برای ترکیب داده‌ها محسوب می‌شود. زیرا با این شیوه، واژگان، تصویر و روایت‌ها می‌توانند برای اضافه کردن معنا به اعداد به کار روند (جانسون و انوگبوزی، ۲۰۰۴). مفروضه اساسی در تعریف روش ترکیبی این است که ترکیب کردن رویکردهای کمی و کیفی در مقابل استفاده از یک رویکرد (کمی و کیفی) درک و شناخت بهتری از مسئله تحقیق ارائه می‌دهد. از طرفی دیگر از آنجایی که در تحقیق حاضر سعی شده است که به ارائه مدل اخلاقی ارزشی در بازاریابی کارآفرینانه پرداخته شود، می‌توان این پژوهش را از لحاظ هدف تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی به شمار آورد.

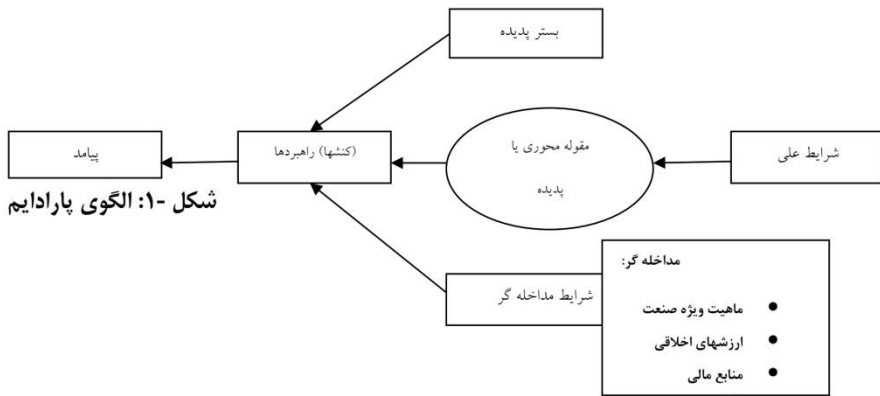
### یافته‌های پژوهش

هدف از کدگذاری گزینشی ایجاد رابطه بین مقوله‌های تولید شده (در مرحله کدگذاری محوری) است. این عمل معمولاً بر اساس الگوی پارادایم انجام می‌شود و به نظریه پرداز کمک می‌کند تا فرایند نظریه پردازی را به سهولت انجام دهد. اساس ارتباط دهی در کدگذاری محوری بر بسط و گسترش یکی از مقوله‌ها قرار دارد.

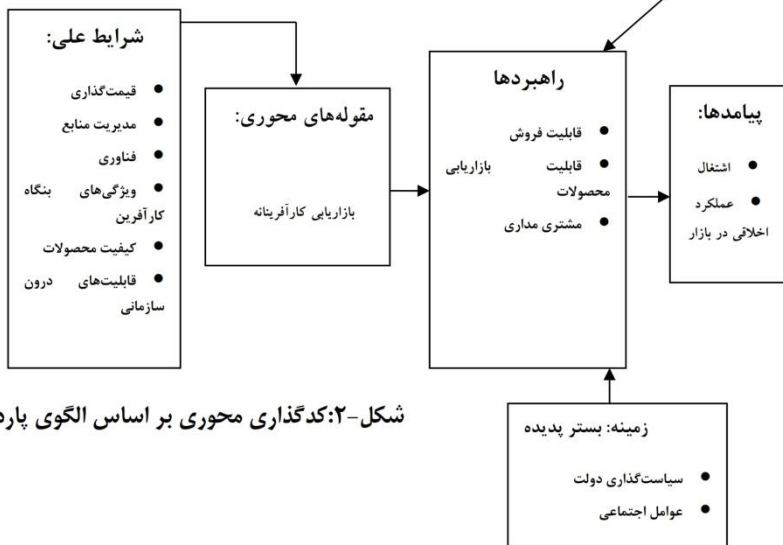
در مرحله کدگذاری گزینشی پژوهش حاضر، ارتباط مقوله اصلی با سایر مقولات مشخص شد. در این مرحله، طبقات اصلی و فرعی با یکدیگر مرتبط شدند تا مفاهیم نظری به منظور ارائه مدلی برای بازاریابی کارآفرینانه در صنعت میکرو الکترونیک توسعه یابند. این اقدامات باعث شد

1. Hanson, Creswell, Plano Clark & Petska
2. Johnson & Onwuegbuzie

تا پژوهشگر بتواند مفاهیم به دست آمده در مراحل کدگذاری باز و محوری را یکپارچه کند و از آن‌ها به منظور ت ارائه مدلی برای بازاریابی کارآفرینانه در صنعت میکرو الکترونیک استفاده کند. به این منظور در قالب روش تحقیق کیفی، با استفاده از پارادیمی که کوربین و استراس (۲۰۰۷) ارائه کرده‌اند نقش مقولات استخراج شده را در قالب مدل پارادایمی شناسایی نمودیم. مدل پارادایمی دارای اجزای زیر است:



شکل ۱- الگوی پارادایم



شکل ۲- کدگذاری محوری بر اساس الگوی پارادایم

واقعه یا رویداد اصلی است که حاصل تعامل میان شرایط متفاوت است. بر این اساس در پژوهش حاضر بازاریابی کارآفرینانه به عنوان پدیده کانونی یا مقوله محوری مطرح شده‌اند. شرایط علی: قیمت‌گذاری، مدیریت منابع، فناوری، ویژگی‌های بنگاه کارآفرین، کیفیت محصولات و قابلیت‌های درون سازمانی

شرایط علی مجموعه‌ای از وقایع و شرایط است که بر مقوله محوری اثر می‌گذارند. شرایط علی رویدادها و وقایعی هستند که از نظر زمانی مقدم بر پدیده اصلی هستند. این شرایط باعث ایجاد و توسعه پدیده یا مقوله محوری می‌شوند. از میان مقوله‌های موجود، "قیمت‌گذاری، مدیریت منابع، فناوری، ویژگی‌های بنگاه کارآفرین، کیفیت محصولات و قابلیت‌های درون-سازمانی" به عنوان علی تلقی می‌شوند که نقش فعال در ارائه مدلی برای بازاریابی کارآفرینانه در صنعت میکرو الکترونیک داشته و تا این عوامل مهیا نشوند الگویی برای بازاریابی کارآفرینانه در صنعت میکرو الکترونیک شکل نمی‌گیرد.

راهبردها: قابلیت فروش، قابلیت بازاریابی محصولات و مشتری‌مداری منظور از راهبردها در رویکرد زمینه بنیاد اقدامات هدفمندی هستند که راه‌حل‌هایی برای پدیده مورد نظر فراهم می‌سازند و منجر به ایجاد پیامدها و نتایج می‌شوند. مهمترین راهبردهای اتخاذ شده در این پژوهش عبارتند از: قابلیت فروش، قابلیت بازاریابی محصولات و مشتری-مداری.

بستر زمینه: عوامل اجتماعی و ماهیت ویژه صنعت

شرایط بستر مجموعه شرایطی هستند که زمینه پدیده مورد نظر را فراهم می‌سازند و بر رفتارها و کنش‌ها تأثیر می‌گذارند. شرایط بستر، مقوله محوری و نتایج منتج از آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شرایط بستر در پژوهش کنونی شامل عوامل اجتماعی و ماهیت ویژه صنعت هستند. شرایط مداخله‌گر: منابع مالی و سیاست‌گذاری دولت، ارزشهای اخلاقی شرایط مداخله‌گر شرایطی ساختاری هستند که به پدیده مورد نظر تعلق دارند و بر راهبردها اثر می‌گذارند. شرایط مداخله‌گر راهبردها را درون بستر خاصی محدود یا تسهیل می‌کنند. در پژوهش حاضر منابع مالی و سیاست‌گذاری دولت به عنوان شرایط مداخله‌گر مدل پارادایمی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

پیامدها: اشتغال و عملکرد بازار

پیامدها نتایجی هستند که از راهبردها و کنش‌های مربوط به پدیده مورد نظر حاصل می‌شوند. هر جا کنش /واکنشی در پاسخ به امر یا مسئله‌ای یا به‌منظور اداره و حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شوند پیامدهایی پدید می‌آید. برخی از این پیامدها خواسته و برخی ناخواسته‌اند. پیامد پژوهش حاضر عبارتند از: اشتغال و عملکرد بازار.

بخش کمی

در این بخش ابتدا به تحلیل تأییدی ابزارهای پژوهش پرداخته شده است، در ادامه شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) متغیرهای پژوهش گزارش شده است، سپس به منظور بررسی روابط علی میان متغیرها، از روش معادلات ساختاری استفاده شده است. در نهایت

به جهت اولویت‌بندی متغیرهای تحقیق از آزمون فریدمن استفاده گردیده است.  
جدول ۱- رتبه‌بندی متغیرهای تحقیق مدل بازاریابی کارآفرینانه

رتبه	نتیجه آزمون	
۱	۱۱/۶۳	کیفیت محصولات
۲	۱۱/۱۴	ارزشهای اخلاقی
۳	۱۱/۱۲	قیمت‌گذاری
۴	۱۰/۱۷	ویژگی‌های مدیران بنگاه کارآفرین
۵	۸/۸۱	مدیریت منابع
۶	۸/۳۸	قابلیت‌های درون‌سازمانی
۷	۸/۳۳	قابلیت بازاریابی محصولات
۸	۸/۱۸	مشتری‌مداری
۹	۷/۹۴	منابع مالی
۱۰	۷/۲۸	ویژگی‌های کارکنان بنگاه کارآفرین
۱۱	۶/۸۸	عوامل اجتماعی
۱۲	۶/۷۴	قابلیت فروش
۱۳	۶/۲۶	سیاست‌گذاری دولت
۱۴	۶/۱۵	ویژگی‌های سازمانی بنگاه کارآفرین
۱۵	۶/۱۳	عوامل فناوری
۱۶	۶	ماهیت ویژه صنعت
آماره آزمون (آزمون فریدمن)		
سطح معنی‌داری	درجه آزادی	خی دو
۰/۰۰۱	۱۴	۵۹۵/۷۹۴

## بحث

سؤال پنجم: بین متغیرهای مدل زمینه‌ای بازاریابی کارآفرینانه در صنعت میکروالکترونیک چه ارتباطی وجود دارد؟

بعد از بخش کیفی فرضیه‌هایی تدوین شد که ارتباط بین متغیرهای مدل زمینه‌ای بازاریابی کارآفرینانه در صنعت میکروالکترونیک را بیان می‌کند.  
**فرضیه اول:** قیمت‌گذاری بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر دارد.

نتایج نشان داد قیمت‌گذاری بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر مثبت و معناداری دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های یانگ و گابریلسون (۲۰۱۷)، کیلوتونگ و همکاران (۲۰۱۵)، نیک-فرجام و ظریفی (۲۰۱۵)، میلز و همکاران (۲۰۱۵)، رضوانی و خزایی (۲۰۱۴)، سارما و همکاران (۲۰۱۳)، فراهانی، شعبانی و غفاری (۱۳۹۱) و گلابی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. این یافته بیانگر این است که استراتژی قیمت‌گذاری بهینه، سود بهینه، استفاده از روش‌های مناسب برای کاهش هزینه و ارائه خدمات با کیفیت با قیمت مناسب بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر مثبت و معناداری دارد.

**فرضیه دوم:** ارزشهای اخلاقی بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر دارد.

نتایج نشان داد ارزشهای اخلاقی بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر مثبت و معناداری دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های خدماتی و همکاران (۱۳۹۴)، عباس نژاد (۱۳۹۱)، صفری و همکاران (۱۳۹۶) همخوانی دارد. این یافته بیانگر این است که استراتژیهای اخلاق‌گرایانه و ارزش‌مدارانه با توجه به بسترسازی‌های لازم و کافی برای ایجاد شرایط عملکرد اخلاقی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی در عملکرد درست بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر مثبت و معناداری دارد.

**فرضیه سوم:** مدیریت منابع بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر دارد.

نتایج نشان داد مدیریت منابع بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر مثبت و معناداری دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های کیلوتونگ و همکاران (۲۰۱۶)، حبیب‌زاده و همکاران (۲۰۱۶)، لی (۲۰۱۶)، کیلوتونگ و همکاران (۲۰۱۵)، نیک‌فرجام و ظریفی (۲۰۱۵)، میلز و همکاران (۲۰۱۵)، رضوانی و خزایی (۲۰۱۴)، سارما و همکاران (۲۰۱۳) و گلابی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. این یافته بیانگر این است که سازمان‌دهی منابع، بهره‌وری منابع، کنترل منابع و ارتقاء کیفی منابع انسانی بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر مثبت و معناداری دارد.

**فرضیه چهارم:** عوامل فناوری بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر دارد.

نتایج نشان داد عوامل فناوری بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر مثبت و معناداری دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های یانگ و گابریلسون (۲۰۱۷)، پان (۲۰۱۷)، کیلوتونگ و همکاران (۲۰۱۶)، میلز و همکاران (۲۰۱۵)، رضوانی و خزایی (۲۰۱۴)، سارما و همکاران (۲۰۱۳)، فراهانی،

شعبانی و غفاری (۱۳۹۱) و گلابی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. این یافته بیانگر این است که قابلیت حصول فناوری، زیرساخت‌های فنی، وجود مراکز آموزش فناوری و وجود صنایع مکمل بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر مثبت و معناداری دارد.

**فرضیه پنجم:** ویژگی‌های سازمانی بنگاه آفرین بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر دارد. نتایج نشان داد ویژگی‌های سازمانی بنگاه آفرین بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر معناداری ندارد. این یافته بیانگر این است که شهرت سازمانی، اندازه بنگاه، استفاده از فناوری هوشمند توسط بنگاه، وجود واحد تحقیق و توسعه، برندسازی شرکتی، اهداف بنگاه، ظرفیت جذب دانش و فرهنگ سازمانی کارآفرینانه بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر معناداری ندارد.

**فرضیه ششم:** ویژگی‌های کارکنان بنگاه آفرین بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر دارد. نتایج نشان داد ویژگی‌های کارکنان بنگاه آفرین بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر مثبت و معناداری دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های کیلوتونگ و همکاران (۲۰۱۶)، حبیب‌زاده و همکاران (۲۰۱۶)، لی (۲۰۱۶)، کیلوتونگ و همکاران (۲۰۱۵)، نیک‌فرجام و ظریفی (۲۰۱۵)، میلز و همکاران (۲۰۱۵)، رضوانی و خزایی (۲۰۱۴)، سارما و همکاران (۲۰۱۳)، فراهانی، شعبانی و غفاری (۱۳۹۱) و گلابی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. این یافته بیانگر این است که تحصیلات دانشگاهی کارکنان، قابلیت همکاری تیمی، دانش محور بودن کارکنان، مهارت تولید کارکنان، خودکارآمدی کارکنان، تاب‌آوری کارکنان، داشتن هوش رقابتی، قابلیت حل مسأله کارکنان، توفیق‌طلبی و تحمل ابهام کارکنان بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر مثبت و معناداری دارد.

**فرضیه هفتم:** ویژگی‌های مدیران بنگاه آفرین بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر دارد. نتایج نشان داد ویژگی‌های مدیران بنگاه آفرین بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر مثبت و معناداری دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های حبیب‌زاده و همکاران (۲۰۱۶)، لی (۲۰۱۶)، کیلوتونگ و همکاران (۲۰۱۵)، نیک‌فرجام و ظریفی (۲۰۱۵)، میلز و همکاران (۲۰۱۵)، رضوانی و خزایی (۲۰۱۴)، سارما و همکاران (۲۰۱۳)، فراهانی، شعبانی و غفاری (۱۳۹۱) و گلابی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که داشتن شهرت، خوشنامی و میزان مقبولیت، خلق رویدادها، تدوین راهبردهای برنامه‌ریزی، نظارت و کنترل، ذهنیت کارآفرینانه، نگرش کارآفرینانه، مخاطره‌پذیری، خلق ارزش، شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه، خلاق و نوآور بودن، داشتن هوش کسب و کار و استقلال طلبی بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر مثبت و معناداری دارد.

**فرضیه هشتم:** کیفیت محصولات بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر دارد. نتایج نشان داد کیفیت محصولات بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر مثبت و معناداری دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های یانگ و گابریلسون (۲۰۱۷)، پان (۲۰۱۷)، کیلوتونگ و همکاران



(۲۰۱۶)، حبیبزاده و همکاران (۲۰۱۶)، لی (۲۰۱۶)، کیلوتونگ و همکاران (۲۰۱۵)، فراهانی، شعبانی و غفاری (۱۳۹۱) و گلابی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می-توان گفت که دوام و ماندگاری محصول، توجه ویژه به طراحی محصول، توسعه محصولات جدید، چرخه عمر محصول، بسته‌بندی محصولات، بهبود موقعیت رقابتی محصول، داشتن سابقه کیفیت محصول و برندسازی محصول بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر مثبت و معناداری دارد.

**فرضیه نهم:** قابلیت درون‌سازمانی بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر دارد.

نتایج نشان داد قابلیت درون‌سازمانی بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر مثبت و معناداری دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های کیلوتونگ و همکاران (۲۰۱۶)، حبیبزاده و همکاران (۲۰۱۶)، لی (۲۰۱۶)، کیلوتونگ و همکاران (۲۰۱۵)، نیک‌فرجام و ظریفی (۲۰۱۵)، میلز و همکاران (۲۰۱۵)، خزایی (۲۰۱۴)، سارما و همکاران (۲۰۱۳)، فراهانی، شعبانی و غفاری (۱۳۹۱) و گلابی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که نزدیکی و ساخت روابط شخصی با کارکنان، روابط شخصی میان کارکنان، جلسات دوستانه با کارکنان و ارتباطات غیراداری بر بازاریابی کارآفرینانه تأثیر مثبت و معناداری دارد.

**فرضیه دهم:** ماهیت ویژه صنعت بر مشتری‌مداری، قابلیت بازاریابی محصولات و قابلیت

فروش تأثیر دارد.

نتایج نشان داد ماهیت ویژه صنعت بر قابلیت بازاریابی محصولات و قابلیت فروش تأثیر منفی و معناداری دارد. اما تأثیر آن بر مشتری‌مداری معنادار نیست. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های پان (۲۰۱۷)، کیلوتونگ و همکاران (۲۰۱۶)، حبیبزاده و همکاران (۲۰۱۶)، لی (۲۰۱۶)، کیلوتونگ و همکاران (۲۰۱۵)، نیک‌فرجام و ظریفی (۲۰۱۵)، میلز و همکاران (۲۰۱۵)، رضوانی و خزایی (۲۰۱۴)، سارما و همکاران (۲۰۱۳)، فراهانی، شعبانی و غفاری (۱۳۹۱) و گلابی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که ماهیت ویژه صنعت جهت شناخت بازار مرتبط با صنعت، شناخت نیازهای ویژه مشتریان صنعت و شناخت پویایی‌های مرتبط با صنعت بر قابلیت بازاریابی محصولات و قابلیت فروش تأثیر منفی و معناداری دارد.

**فرضیه یازدهم:** منابع مالی بر مشتری‌مداری، قابلیت بازاریابی محصولات و قابلیت فروش

تأثیر دارد.

نتایج نشان داد منابع مالی بر مشتری‌مداری، قابلیت بازاریابی محصولات و قابلیت فروش تأثیر منفی و معناداری دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های لی (۲۰۱۶)، کیلوتونگ و همکاران (۲۰۱۵)، نیک‌فرجام و ظریفی (۲۰۱۵)، میلز و همکاران (۲۰۱۵)، رضوانی و خزایی (۲۰۱۴)، سارما و همکاران (۲۰۱۳)، فراهانی، شعبانی و غفاری (۱۳۹۱) و گلابی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که عدم سرمایه در دسترس، عدم تأمین مالی بین‌المللی و

عدم دسترسی به منابع ارزی بر مشتری‌مداری، قابلیت بازاریابی محصولات و قابلیت فروش تأثیر منفی و معناداری دارد.

**فرضیه دوازدهم:** سیاست‌گذاری دولت بر مشتری‌مداری، قابلیت بازاریابی محصولات و قابلیت فروش تأثیر دارد.

نتایج نشان داد سیاست‌گذاری دولت بر مشتری‌مداری، قابلیت بازاریابی محصولات و قابلیت فروش تأثیر مثبت و معناداری دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های یانگ و گابریلسون (۲۰۱۷)، کیلوتونگ و همکاران (۲۰۱۵)، نیک‌فرجام و ظریفی (۲۰۱۵)، میلز و همکاران (۲۰۱۵)، رضوانی و خزایی (۲۰۱۴)، سارما و همکاران (۲۰۱۳)، فراهانی، شعبانی و غفاری (۱۳۹۱) و گلابی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که سیاست‌های کلان دولت، شرایط محیطی باثبات، تسهیل صادرات و فراهم کردن زیرساخت‌ها بر مشتری‌مداری، قابلیت بازاریابی محصولات و قابلیت فروش تأثیر مثبت و معناداری دارد.

**فرضیه سیزدهم:** عوامل اجتماعی بر مشتری‌مداری، قابلیت بازاریابی محصولات و قابلیت فروش تأثیر دارد.

نتایج نشان داد عوامل اجتماعی بر مشتری‌مداری، قابلیت بازاریابی محصولات و قابلیت فروش تأثیر مثبت و معناداری دارد. اما تأثیر آن بر قابلیت بازاریابی محصولات معنادار نیست. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های نیک‌فرجام و ظریفی (۲۰۱۵)، میلز و همکاران (۲۰۱۵)، رضوانی و خزایی (۲۰۱۴)، سارما و همکاران (۲۰۱۳)، فراهانی، شعبانی و غفاری (۱۳۹۱) و گلابی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که ملاحظات زیست‌محیطی، مقبولیت اجتماعی، رضایت گروه‌های مرتبط و افزایش سود اجتماعی بر مشتری‌مداری و قابلیت فروش تأثیر مثبت و معناداری دارد.

**فرضیه چهاردهم:** مشتری‌مداری بر اشتغال و عملکرد بازار تأثیر دارد.

نتایج نشان داد مشتری‌مداری بر اشتغال و عملکرد بازار تأثیر مثبت و معناداری دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های یانگ و گابریلسون (۲۰۱۷)، پان (۲۰۱۷)، کیلوتونگ و همکاران (۲۰۱۶)، حبیب‌زاده و همکاران (۲۰۱۶)، رضوانی و خزایی (۲۰۱۴)، سارما و همکاران (۲۰۱۳)، فراهانی، شعبانی و غفاری (۱۳۹۱) و گلابی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که داشتن دانش درباره مشتریان، جلب رضایت مشتری، تمرکز بر نیازهای مشتریان، شناخت نیازهای و تقاضاهای مشتریان، نزدیکی و ساخت روابط شخصی با مشتریان، تماس‌های مستمر با مصرف‌کننده و ارائه و بهبود محصول مطابق با نظر مصرف‌کنندگان منجر به افزایش اشتغال و بهبود عملکرد بازار می‌شود.

**فرضیه پانزدهم:** قابلیت بازاریابی محصولات بر اشتغال و عملکرد بازار تأثیر دارد.

نتایج نشان داد قابلیت بازاریابی محصولات بر اشتغال و عملکرد بازار تأثیر مثبت و معناداری دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های یانگ و گابریلسون (۲۰۱۷)، نیک‌فرجام و ظریفی (۲۰۱۵)، میلز و همکاران (۲۰۱۵)، رضوانی و خزایی (۲۰۱۴)، سارما و همکاران (۲۰۱۳)، فراهانی، شعبانی و غفاری (۱۳۹۱) و گلابی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که گردآوری اطلاعات بازار، نظارت بر عملکرد بازاریابی، شناخت کانال‌های توزیع محصولات، حضور در شبکه‌های اجتماعی، خلق ارزش از طریق شبکه‌های اجتماعی، حضور در نمایشگاه‌های تخصصی، توانایی نفوذ در بازار و حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی منجر به افزایش اشتغال و بهبود عملکرد بازار می‌شود.

#### فرضیه شانزدهم: قابلیت فروش بر اشتغال و عملکرد بازار تأثیر دارد.

نتایج نشان داد قابلیت فروش بر اشتغال و عملکرد بازار تأثیر مثبت و معناداری دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های یانگ و گابریلسون (۲۰۱۷)، پان (۲۰۱۷)، کیلوتونگ و همکاران (۲۰۱۶)، حبیب‌زاده و همکاران (۲۰۱۶)، لی (۲۰۱۶)، کیلوتونگ و همکاران (۲۰۱۵)، سارما و همکاران (۲۰۱۳)، فراهانی، شعبانی و غفاری (۱۳۹۱) و گلابی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که استفاده از روش‌های مناسب تبلیغات و فروش، بهبود قابلیت‌های پرسنل فروش و جذب کارکنان باتجربه در زمینه بازاریابی منجر به افزایش اشتغال و بهبود عملکرد بازار می‌شود.

#### پیشنهادات

- ۱- با توجه به تأثیر قیمت‌گذاری بر بازاریابی کارآفرینانه به مدیران صنعت میکروالکترونیک پیشنهاد راهکارهای زیر را مدنظر قرار دهند: استراتژی قیمت‌گذاری بهینه، استفاده از روش‌های مناسب برای کاهش هزینه و ارائه خدمات با کیفیت با قیمت مناسب.
- ۲- با توجه به تأثیر ارزش‌های اخلاقی بر بازاریابی کارآفرینانه به مدیران صنعت میکروالکترونیک پیشنهاد راهکارهای زیر را مدنظر قرار دهند: بسترسازی اخلاقی و ارزشی با توجه به آموزش‌های پایه ای و زمینه ای در حوزه اخلاق کاربردی و اخلاق بازاریابی تحلیلی و هنجاری
- ۳- با توجه به تأثیر مدیریت منابع بر بازاریابی کارآفرینانه به مدیران صنعت میکروالکترونیک پیشنهاد راهکارهای زیر را مدنظر قرار دهند: سازمان‌دهی مناسب منابع، بهره‌وری منابع، کنترل منابع و ارتقاء کیفی منابع انسانی.
- ۴- با توجه به تأثیر عوامل فناوری بر بازاریابی کارآفرینانه به مدیران صنعت میکروالکترونیک پیشنهاد می‌شود راهکارهای زیر را مدنظر قرار دهند: از فناوری در فرآیندهای تجاری سازمان استفاده شود، از فناوری اطلاعات در مدیریت سازمان استفاده شود، از فناوری در عملیات سازمان استفاده شود و از فناوری در حوزه‌های کاربردی سازمان استفاده گردد.

۵- با توجه به تأثیر ویژگی‌های کارکنان بنگاه آفرین بر بازاریابی کارآفرینانه به مدیران صنعت میکروالکترونیک پیشنهاد می‌شود راهکارهای زیر را مدنظر قرار دهند: افزایش تحصیلات دانشگاهی کارکنان، قابلیت همکاری تیمی، دانش محور بودن کارکنان، مهارت تولید کارکنان، خودکارآمدی کارکنان، تاب‌آوری کارکنان، داشتن هوش رقابتی و قابلیت حل مسأله کارکنان.

۶- با توجه به تأثیر ویژگی‌های مدیران بنگاه آفرین بر بازاریابی کارآفرینانه به مدیران صنعت میکروالکترونیک پیشنهاد می‌شود راهکارهای زیر را مدنظر قرار دهند: خوشنامی و میزان مقبولیت، خلق رویدادها، تدوین راهبردهای برنامه‌ریزی، نظارت و کنترل، ذهنیت کارآفرینانه، نگرش کارآفرینانه، مخاطره‌پذیری، خلق ارزش، شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه، خلاق و نوآور بودن، داشتن هوش کسب و کار و استقلال طلبی.

۷- با توجه به تأثیر کیفیت محصولات بر بازاریابی کارآفرینانه به مدیران صنعت میکروالکترونیک پیشنهاد می‌شود راهکارهای زیر را مدنظر قرار دهند: دوام و ماندگاری محصول، توجه ویژه به طراحی محصول، توسعه محصولات جدید، چرخه عمر محصول، بسته‌بندی محصولات، بهبود موقعیت رقابتی محصول، داشتن سابقه کیفیت محصول و برندسازی محصول.

۸- با توجه به تأثیر قابلیت درون‌سازمانی بر بازاریابی کارآفرینانه به مدیران صنعت میکروالکترونیک پیشنهاد می‌شود راهکارهای زیر را مدنظر قرار دهند: نزدیکی و ساخت روابط شخصی با کارکنان، روابط شخصی میان کارکنان، جلسات دوستانه با کارکنان و ارتباطات غیراداری.

۹- با توجه به تأثیر ماهیت ویژه صنعت بر مشتری‌مداری، قابلیت بازاریابی محصولات و قابلیت فروش به مدیران صنعت میکروالکترونیک پیشنهاد می‌شود راهکارهای زیر را مدنظر قرار دهند: افزایش شناخت بازار مرتبط با صنعت، شناخت نیازهای ویژه مشتریان صنعت و شناخت پویایی‌های مرتبط با صنعت.

۱۰- با توجه به تأثیر منابع مالی بر مشتری‌مداری، قابلیت بازاریابی محصولات و قابلیت فروش به مدیران صنعت میکروالکترونیک پیشنهاد می‌شود راهکارهای زیر را مدنظر قرار دهند: افزایش سرمایه در دسترس، تأمین مالی بین‌المللی و دسترسی به منابع ارزی.

۱۱- با توجه به تأثیر سیاست‌گذاری دولت بر مشتری‌مداری، قابلیت بازاریابی محصولات و قابلیت فروش به مدیران صنعت میکروالکترونیک پیشنهاد می‌شود راهکارهای زیر را مدنظر قرار دهند: در نظر گرفتن سیاست‌های کلان دولت در تدوین برنامه‌های شرکت، در نظر گرفتن شرایط محیطی باثبات، شرایط صادرات و فراهم کردن زیرساخت‌ها.

۱۲- با توجه به تأثیر عوامل اجتماعی بر مشتری‌مداری، قابلیت بازاریابی محصولات و قابلیت فروش به مدیران صنعت میکروالکترونیک پیشنهاد می‌شود راهکارهای زیر را مدنظر قرار

دهند: ملاحظات زیست‌محیطی، مقبولیت اجتماعی، رضایت گروه‌های مرتبط و افزایش سود اجتماعی.

۱۳- با توجه به تأثیر مشتری‌مداری بر اشتغال و عملکرد بازار به مدیران صنعت میکروالکترونیک پیشنهاد می‌شود راهکارهای زیر را مدنظر قرار دهند: داشتن دانش درباره مشتریان، جلب رضایت مشتری، تمرکز بر نیازهای مشتریان، شناخت نیازهای و تقاضاهای مشتریان، نزدیکی و ساخت روابط شخصی با مشتریان، تماس‌های مستمر با مصرف‌کننده و ارائه و بهبود محصول مطابق با نظر مصرف‌کنندگان منجر به افزایش اشتغال و بهبود عملکرد بازار می‌شود.

۱۴- با توجه به تأثیر قابلیت بازاریابی محصولات بر اشتغال و عملکرد بازار به مدیران صنعت میکروالکترونیک پیشنهاد می‌شود راهکارهای زیر را مدنظر قرار دهند: گردآوری اطلاعات بازار، نظارت بر عملکرد بازاریابی، شناخت کانال‌های توزیع محصولات، حضور در شبکه‌های اجتماعی، خلق ارزش از طریق شبکه‌های اجتماعی، حضور در نمایشگاه‌های تخصصی، توانایی نفوذ در بازار و حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی.

۱۵- با توجه به تأثیر قابلیت فروش بر اشتغال و عملکرد بازار به مدیران صنعت میکروالکترونیک پیشنهاد می‌شود راهکارهای زیر را مدنظر قرار دهند: استفاده از روش‌های مناسب تبلیغات و فروش، بهبود قابلیت‌های پرسنل فروش و جذب کارکنان باتجربه در زمینه بازاریابی.

## فهرست منابع

۱. بردبار کوچصفهانی، آرش؛ خانی رودآبادی، سهیل. (۱۳۹۱). فرآیندهای بازاریابی کارآفرینانه و افزایش سهم فروش. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان.
۲. رضمانی شیروانی، زهرا (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین بازاریابی و کارآفرینی. همایش ملی مدیریت بازرگانی با محوریت: کسب و کارهای کارآفرینانه و اقتصاد دانش بنیان.
۳. زین‌العابدین قمی، امیر؛ پاکروان، امین؛ شفائی، گلناز (۱۳۹۳). نقش کارآفرینی در رشد و توسعه اقتصادی کشور. دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت چالش‌ها و راهکارها.
۴. سید عباس‌زاده، میرمحمد؛ امانی ساری بگلو، جواد؛ خضری آذر، هیمن؛ پاشوی، قاسم (۱۳۹۱). مقدمه ای بر مدل یابی معادلات ایجاداری به روش PLS و کاربرد آن در علوم رفتاری. ناشر: انتشارات دانشگاه ارومیه.
۵. شیرخدایی، میثم؛ رضوانی، مهران؛ خزایی پول، مرتضی (۱۳۹۱). بازاریابی کارآفرینانه: ماهیت و معنی. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان.
۶. عباس نژاد، سعید، ۱۳۹۱، بازاریابی اخلاقی، چهارمین کنفرانس بین‌المللی بازاریابی خدمات بانکی، تهران،، <https://civilica.com/doc/178045>
۷. عبدی، مجید؛ فیض بخش بازرگان، علیرضا (۱۳۸۱). بازاریابی و کارآفرینی. صنایع، ۱۰(۱): ۹-۲۰.
۸. فراهانی، حسن؛ شعبانی، رضا؛ غفاری، هادی (۱۳۹۱). بررسی تأثیر گرایش به کارآفرینی و اطلاعات بازاریابی بر عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط استان مرکزی. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان.
۹. گلابی، امیرمحمد؛ خدادادحسینی، سیدحمید؛ یدالهی، جهانگیر؛ رضوانی، مهران (۱۳۹۰). مفهوم‌پردازی نقش فردکارآفرین در بازاریابی کسب و کارهای خانگی محور. مدیریت بازاریابی، ۱۱(۱): ۶۳-۸۴.
۱۰. مردان‌نژادی، همایون؛ ایروانی، هوشنگ؛ شعبانعلی فمی، حسین؛ حسینی، سیدمحمد؛ کافی، محسن (۱۳۸۶). تحلیل سازه‌های مؤثر بر توسعه کارآفرینی در واحدهای تولیدی گلخانه‌ای در ایران. علوم کشاورزی ایران، ۳۸(۲): ۲۱۹-۲۲۶.
۱۱. هومن، حیدر علی (۱۳۸۷). مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل. تهران: انتشارات سمت.

12. Becherer, R. C., & Helms, M. M. (2016). The Role of Entrepreneurial Marketing in Improving Market Share for Small

- Businesses Facing External Environmental or Resource Challenges. *Journal of Business and Entrepreneurship*, 27(2), 119.
13. Beverland, M., & Lockshin, L. S. (2004). Crafting a competitive advantage: Tempering entrepreneurial action with positioning-based values. *Qualitative market research: an international journal*, 7(3), 172-182.
14. Chaston, I. (2017). Entrepreneurship. In *Technological Entrepreneurship* (pp. 1-24). Springer International Publishing.
15. Collinson, E., & Shaw, E. (2001). Entrepreneurial marketing—a historical perspective on development and practice. *Management decision*, 39(9), 761-766.
16. Creswell, J. W., & Clark, V. L. P. (2007). Designing and conducting mixed methods research.
17. Drucker, P. (2014). *Innovation and entrepreneurship*. Routledge.
18. Eshghiaraghi, M., Azarloo, M., Habibpoor, V., Salehi, S. Y., & Jahangiri, M. (2017). Investigating the Effect of Entrepreneurial Marketing Strategy in SMEs through Fuzzy TOPSIS Method.
19. Habibzadeh, M., Meshkani, F., & Shoshtari, A. (2016). Identifying and ranking the factors affecting entrepreneurial marketing to facilitate exports. *Management Science Letters*, 6(4), 309-314.
20. Hamali, S., Suryana, Y., Effendi, N., & Azis, Y. (2016). Influence of Entrepreneurial Marketing toward Innovation and Its Impact on Business Performance: A Survey on Small Industries of Wearing Apparel in West Java, Indonesia.
21. Hanson, W. E., Creswell, J. W., Clark, V. L. P., Petska, K. S., & Creswell, J. D. (2005). Mixed methods research designs in counseling psychology. *Journal of counseling psychology*, 52(2), 224.
22. Huggins, R., & Thompson, P. (2015). Entrepreneurship, innovation and regional growth: a network theory. *Small Business Economics*, 45(1), 103-128.
23. Johnson, R. B., & Onwuegbuzie, A. J. (2004). Mixed methods research: A research paradigm whose time has come. *Educational researcher*, 33(7), 14-26.
24. Kilenthong, P., Hills, G. E., & Hultman, C. (2015). Entrepreneurial Marketing and its Antecedent: An Empirical Investigation of the Role of Entrepreneurial Orientation. In *The Sustainable Global Marketplace* (pp. 266-266). Springer International Publishing.

25. Kilenthong, P., Hills, G. E., & Hultman, C. M. (2015). An empirical investigation of entrepreneurial marketing dimensions. *Journal of International Marketing Strategy*, 3(1), 1-18.
26. Kilenthong, P., Kilenthong, P., Hultman, C. M., Hultman, C. M., Hills, G. E., & Hills, G. E. (2016). Entrepreneurial marketing behaviours: impact of firm age, firm size and firm's founder. *Journal of Research in Marketing and Entrepreneurship*, 18(1), 127-145.
27. Kowalik, I., & Duliniec, E. (2015). The Entrepreneurial Marketing Concept and Its Application by the International New Ventures. *Chinese Business Review*, 14(5), 253-264.
28. Kuratko, D. F. (2016). *Entrepreneurship: Theory, process, and practice*. Cengage Learning.
29. Lee, Y. H. (2016). Alignment Effect of Entrepreneurial Orientation and Marketing Orientation on Firm Performance. *International Journal of Customer Relationship Marketing and Management (IJCRMM)*, 7(4), 58-69.
30. Lee, Y. H. (2016). Alignment Effect of Entrepreneurial Orientation and Marketing Orientation on Firm Performance. *International Journal of Customer Relationship Marketing and Management (IJCRMM)*, 7(4), 58-69.
31. Miles, M. P., Lewis, G. K., Hall-Phillips, A., Morrish, S. C., Gilmore, A., & Kasouf, C. J. (2016). The influence of entrepreneurial marketing processes and entrepreneurial self-efficacy on community vulnerability, risk, and resilience. *Journal of Strategic Marketing*, 24(1), 34-46.
32. Miles, M., Gilmore, A., Harrigan, P., Lewis, G., & Sethna, Z. (2015). Exploring entrepreneurial marketing. *Journal of Strategic Marketing*, 23(2), 94-111.
33. Morris, M. H., Schindehutte, M., & LaForge, R. W. (2002). Entrepreneurial marketing: a construct for integrating emerging entrepreneurship and marketing perspectives. *Journal of marketing theory and practice*, 10(4), 1-19.
34. Navarro-García, A. (2015). Drivers of export entrepreneurship.
35. Nijssen, E. J. (2017). *Entrepreneurial marketing: an effectual approach*. Taylor & Francis.
36. Nikfarjam, A., & Zarifi, S. (2015). Exploring the effects of entrepreneurial marketing factors on SMEs. *Uncertain Supply Chain Management*, 3(4), 333-338.



37. O'Cass, A., & Morrish, S. (2016). Anatomy of entrepreneurial marketing. *Journal of Strategic Marketing*, 24(1), 2-4.
38. Rezvani, M., & Khazaei, M. (2014). Evaluation of Entrepreneurial Marketing Dimensions According to Characteristics of Institutions: Institutions Age and Size. *International Journal of Basic Sciences and Applied Research*, 3(4), 207-213.
39. Septiani, S., Dewi, F. R., & Siregar, E. H. (2013). The impact of entrepreneurial marketing and business development on business sustainability: Small and household footwear industries in Indonesia. *International Journal of Marketing Studies*, 5(4), 110.
40. Strauss, A. and Corbin, J. , (1998). Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, 2nd ed. , Sage, Thousand Oaks, CA.
41. Van Doorn, S., Heyden, M., Tröster, C., & Volberda, H. (2015). Entrepreneurial Orientation and Performance: Investigating Local Requirements for Entrepreneurial Decision-Making. *Cognition and Strategy (Advances in Strategic Management, Volume 32) Emerald Group Publishing Limited*, 32, 211-239.
42. Venugopal, S. (2016). *Entrepreneurial marketing in subsistence marketplaces* (Doctoral dissertation, University of Illinois at Urbana-Champaign).
43. Wales, W., Wiklund, J., & McKelvie, A. (2015). What about new entry? Examining the theorized role of new entry in the entrepreneurial orientation–performance relationship. *International Small Business Journal*, 33(4), 351-373.
44. Yang, M., & Gabrielsson, P. (2017). Entrepreneurial marketing of international high-tech business-to-business new ventures: A decision-making process perspective. *Industrial Marketing Management*.
45. Zahra, S. A. (2012). Organizational learning and entrepreneurship in family firms: Exploring the moderating effect of ownership and cohesion. *Small business economics*, 38(1), 51-65



نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۳۴۴ - ۳۱۵

## کرامت ذاتی و پاسداشت شخصیت انسانی در بستر اساسی سازی حقوق مسئولیت مدنی

امیر نجفی قامت<sup>۱</sup>ابراهیم شعاریان<sup>۲</sup>حسن پاشازاده<sup>۳</sup>

### چکیده

فرآیند اساسی سازی حقوق خصوصی، که حاصل تحولات تاریخی، سیاسی و توسعه مفهوم حقوق بشر در نیمه دوم قرن بیستم می‌باشد، به معنای استناد به حقوق اساسی تضمین شده در روابط افقی افراد و تابعان حقوق خصوصی است. نفوذ حقوق بنیادین بشری بر حقوق مسئولیت مدنی ضمن مشروعیت بخشی به قواعد سنتی، زمینه را برای توسعه یا بازتعریف برخی مفاهیم و نهایتاً کارآمدی حقوق مسئولیت مدنی فراهم می‌آورد. هدف این تحقیق بررسی آثار و نتایج اساسی سازی در حوزه حقوق مسئولیت مدنی به روش توصیفی تحلیلی است. به اجمال می‌توان گفت به دلیل وجود مصادیق مشترک بین مفاهیمی چون حقوق مربوط به شخصیت و حقوق بنیادین، مانند کرامت ذاتی بشر، حق بر سلامت، خود مختاری و استقلال فردی، حق بر شهرت و اعتبار و ضرورت حفظ حریم خصوصی که ریشه در فردیت انسان دارند، این رابطه دو سویه بوده و نسبت به رابطه دیگر شاخه‌های حقوق خصوصی با حقوق بنیادین، به مراتب عمیق‌تر است. ضمن اینکه یک نوع هم‌پوشانی بین این دو وجود دارد. وضع قوانین بر اساس کرامت ذاتی بشر و ارزش‌های هنجاری، تفسیر قوانین موجود بر مبنای عدل و انصاف، حمایت از حقوق و منافع مشروع، بازتعریف مفهوم تقصیر، جبران کامل خسارات و توسعه خسارات قابل مطالبه، از جمله آثار اساسی سازی در این شاخه از حقوق خصوصی است.

### واژگان کلیدی

اساسی سازی، حقوق مسئولیت مدنی، تاثیر افقی، حقوق بنیادین.

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Email: amirnajafighammat@gmail.com

Email: eshoarian@yahoo.com

۲. استاد حقوق خصوصی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول).

۳. استادیار حقوق خصوصی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Email: pashazade45@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۰

## طرح مسأله

امروزه کشورهای مدرن و دموکراتیک سراسر جهان، این مطلب را که حقوق بشر از بالاترین فضیلت‌ها برخوردار است پذیرفته‌اند. از این رو اولویت سیاست‌های داخلی و خارجی کشورها است. حقوق بشر در طول قرن بیستم، به ارزش‌های جهانی تبدیل شده‌است ولی حقوق‌دانان کشورهای اروپایی به ویژه اتحادیه اروپا که شالوده آن بر پایه کرامت انسانی است، تنها در سال‌های اخیر در گفتمان علمی و حقوقی خود توجه شایانی به رابطه میان حقوق بشر و حقوق خصوصی معطوف ساخته‌اند. منشاء این رابطه نیز، تحقق مدرنیسم در اروپا و ظهور جامعه مدنی و دولت - ملت در فاصله اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم می‌باشد.

برقراری مجدد دموکراسی در بیشتر کشورهای غرب اروپا پس از جنگ جهانی دوم متعاقب از بین رفتن حکومت‌های اقتدارگرای نازیسم و فاشیسم که بعدها، به نسبت در کشورهای اروپای شرقی نیز پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی مشاهده شد، به عنوان یک تحول تاریخی و سیاسی، سبب گردید تا به جای قوانین قدیمی قرن نوزدهم، در اواسط قرن بیستم، قوانین اساسی نوظهور با حقوق بشر و نیز حقوق اجتماعی و اقتصادی تطبیق داده شوند تا جایی که دیگر قوانین اساسی ملی و کنوانسیون‌های حقوق بشری نظام ارزشی بی‌طرفانه نیستند و عملکرد حقوق بشر هم به دفاع در برابر دولت خلاصه نمی‌شود و بدین‌سان گفتمان حقوقی اعمال حقوق بشر در دیگر شاخه‌های حقوق هم چون حقوق خصوصی که از آن بعضاً اساسی‌سازی نیز یاد می‌شود، شکل گرفته است. البته این درک از مفهوم حقوق بشر، از برخی مکاتب فلسفی مانند حقوق بشر مبتنی بر کرامت انسان و حقوق طبیعی بی‌تاثیر نبوده است. مطابق این دیدگاه، حقوق بشر از نظر تقسیم‌بندی مخصوص هیچ تقسیم و شعبه خاصی از علم حقوق قرار نگرفته است<sup>۱</sup> و باید به عنوان قواعد عام و مشترک مدنظر قرار گیرد و حقوق بنیادین بشری در رأس هرم نظام حقوقی قرار دارد<sup>۲</sup>. بهر حال نظریه نفوذ فزاینده حقوق بشر در روابط میان افراد خصوصی، این امکان را داد تا درباره گرایش مشروعیت بخشیدن به قواعد سنتی حقوق خصوصی بحث شود و تغییرات چشمگیر، پیچیده و در عین حال جذاب در سیر تکاملی همه حوزه‌های حقوق خصوصی ایجاد شود. بنیان اولیه این امر نیز در آغاز دادگاه‌های قانون اساسی و پژوهشگران حقوق خصوصی در اروپا بودند. عامل کمک‌کننده اصلی دیگر، رویه قضائی محاکم

۱. دینانی، عبدالرسول، تقی زاده، ابراهیم، بادینی، حسن، شریفی، علیرضا، اعمال حقوق بشر در روابط خصوصی، دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش حقوق مدنی، سال دوم، شماره دوم، (۱۳۹۲)، ص ۲۵.

۲. مولائی، یوسف، شعاریان، ابراهیم، نفوذ حقوق بشر در حقوق قراردادهای در پرتو رویه قضائی اروپائی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۲، (۱۳۹۳)، ص ۴۲۸.

این قاره است که موضوع را از حالت مباحث علمی و دکترین به رویه عملی در دعاوی مبدل نموده‌اند.

این تحقیق در نظر دارد برای این سوال که، اساسی سازی مشخصاً در حقوق مسئولیت مدنی چه آثار و نتایجی در پی دارد؟ به روش توصیفی تحلیلی پاسخی درخور پیدا نماید. به همین منظور، بند اول به مفهوم اساسی سازی و پیش شرط‌های عمده آن اختصاص دارد. بند دوم شیوه‌های مرسوم اساسی سازی را تبیین می‌کند. بند سوم مقاله به حقوق مربوط به شخصیت، که در واقع نقطه عطف تاثیر افقی است می‌پردازد و در بند چهارم نیز، آثار و پیامدهای خاص اساسی سازی در حقوق مسئولیت مدنی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در نهایت، نتیجه تحقیق ارائه خواهد شد.

### ۱- مفهوم اساسی سازی و پیش شرط‌های آن

گفتمان حقوقی قابلیت اعمال حقوق بنیادین بشری در روابط خصوصی منجر به ایجاد یک سیر تکاملی در همه شاخه‌های حقوق خصوصی شده است این سیر تکامل، مدتی است که آغاز شده و به حرکت خود در بطن نظام‌های حقوقی مختلف و خصوصاً در کشورهای اروپائی استمرار می‌بخشد و نفوذ خود را به وضوح در قوانین و رویه قضائی کشورها نشان می‌دهد. بنابراین دوره پاسخ‌گوئی به ابراز تردیدها و نگرانی‌ها به سررسیده و به تعبیر یکی از حقوقدانان غربی دیگر نه از امکان اعمال، بلکه باید از نحوه اعمال و تاثیر آن به عنوان یک ضرورت پذیرفته شده سخن گفت. به نظر بروگه‌مایر، ثابت شده که سیستم بسته و عقلانیت خود مختار حقوق خصوصی، افسانه‌ای بیش نیست.<sup>۱</sup> برای این تحول در خور توجه حقوقی که بعضاً " اساسی سازی حقوق خصوصی"<sup>۲</sup> نیز نامیده می‌شود، یک تعریف کلی ارائه شده است که در آن تعریف، پدیده اساسی سازی همان تاثیر فزاینده حقوق بنیادین بشری در روابط تابعان حقوق خصوصی تلقی می‌گردد. در کشورهای اروپائی مفهوم متداول اساسی سازی حقوق خصوصی اعمال ارزش‌های حقوق عمومی در روابط خصوصی اشخاص است. البته به موجب نظریه برتری حقوق اساسی، این حقوق همانند خورشیدی است که بر کل نظام حقوقی می‌تابد و تنها در زیر مجموعه حقوق عمومی قرار نمی‌گیرد.<sup>۳</sup> اساسی سازی در واقع پاسخی جدید برای یک سوال قدیمی است. اینکه، آیا قواعد حقوق بشری در روابط خصوصی افراد نیز قابلیت اعمال دارند؟

1 . Nuno Ferreira, "Fundamental Rights, Constitutional Principles, and Law Of Torts: Tort Feasors V. Tort Victims", (2004), p.50.

2 . Constitutionalisation Of Privat Law

۳. مولانی، یوسف، شعاریان، ابراهیم، نفوذ حقوق بشر در حقوق قراردادهای در پرتو رویه قضائی اروپائی، فصلنامه

پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۲، (۱۳۹۳)، ص ۶۰

خاستگاه اصلی تردیدها در آنجا نهفته است که منبع اصلی حق‌های تضمین شده و آزادی-های بنیادین همان قانون اساسی است و اجرا و حمایت از آن نیز جزو وظایف دولت‌ها است این تعبیر، همان کارکرد سنتی حقوق بشر و حق‌های تضمین شده می‌باشد که صرفاً در روابط بین دولت و شهروند متصور است. اما باید اذعان داشت که امروزه کارکرد قوانین اساسی کشورها دیگر محدود به نقش سنتی خود که در برگیرنده یک سری مفاهیم انتزاعی بوده و به دیکته کردن قواعد سازمانی برای سطوح مختلف قدرت حاکمیتی می‌پردازد، ختم نمی‌شود. در پی یک سری تحولات سیاسی و اجتماعی و تصویب قوانین اساسی انسان محور در کشورهای مردم سالار قوانین اساسی دارای یک سری ارزش‌های هنجاری و عینی هستند که نه تنها در حوزه حقوق عمومی، بلکه در عین وفاداری به مرزبندی سنتی و غربی بین حقوق عمومی و حقوق خصوصی، در روابط بین افراد یعنی شهروند - شهروند نیز قابل استناد می‌باشند و اساسی‌سازی یا همان تاثیر افقی ریشه در این بافت فکری دارد که فهرست ارزش‌های ارائه شده در قوانین اساسی در بکارگیری و تفسیر قوانین منبع الهام قرارگیرد و به مثابه راهنما باشد.

بسیاری از حق‌ها و آزادی‌های تضمین شده در قوانین اساسی کشورها (حقوق پایه و اساسی) و یا همان حقوق بشر مندرج در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون اروپائی حقوق بشر و منشور حقوق بنیادین، از آنجائی که به فردیت و شخصیت انسان‌ها بستگی دارد و اساساً غیرقابل نقض می‌باشند، می‌توانند در دعاوی مسئولیت مدنی توسط یکی از اصحاب دعوا و یا حتی بطور هم‌زمان، طیف‌های متفاوتی از آن حقوق برتر، مانند حریم خصوصی و آزادی بیان از جانب هر دو طرف دعوا مورد استناد قرارگیرد. به هر ترتیب در حقوق مسئولیت مدنی؛ فرآیند اساسی‌سازی شکل نسبتاً متفاوتی به خود می‌گیرد و بطور سنتی، حقوق مسئولیت مدنی با اثرات حقوق بنیادین ارتباط بیشتری دارد. زیرا حقوق به اصطلاح شخصیتی معمولاً یا به واسطه حقوق مسئولیت مدنی و یا از طریق کیفرانگاری مورد حمایت قرار می‌گیرند. مولفه‌هایی چون تمامیت جسمانی، کرامت ذاتی بشر، حریم خصوصی و حیثیت و اعتبار و .. که در واقع مصادیق حقوق مربوط به شخصیت محسوب می‌شوند در آن واحد، نمونه‌هایی از حقوق بنیادین بشری نیز به حساب می‌آیند و بدین سان، هویت انسان و شان و منزلت آن بطور سنتی در نظام مسئولیت مدنی مورد حمایت قرار می‌گیرد و کرامت انسانی که از شاخص‌ترین آنها است، به عنوان یک ملاک و مینا مورد استفاده قرار می‌گیرد. تا هماهنگی و همسوئی و یا غیرهمسوئی مسائل با آن سنجیده شود. مخصوصاً در پرونده‌هایی مانند تولد غیرقانونی که در آنها مسائل اخلاقی در معرض خطر هستند<sup>۱</sup> البته همه حقوق مسئولیت مدنی، حقوق بشر محسوب

1 . Jan M.Smits, "Private Law and Fundamental Rights: A Sceptical View". Maastricht University Faculty Of Law Maastricht European Private Law Institute

نمی‌شود و هر حق بشری نیز جزو حقوق بشر تلقی نمی‌گردد صرفاً دسته‌ای حقوق بنیادین که دارای مصادیق مشابه با حق بر شخصیت است یا مانند حق آزادی بیان، مصداق پیدا می‌نمایند. اما این دو حوزه با یکدیگر هم پوشانی زیادی دارند. هر دو این شعب، از افراد خصوصی در مقابل قدرت حاکمیت و قدرت بازار حمایت می‌کنند. از این لحاظ حقوق بشر و حقوق مسؤلیت مدنی همانند برادران هم‌رزم هستند. اهمیت فزاینده حقوق اساسی در هر سطح از حکومت و خصوصیت هنجار آفرینی و ماهیت تاثیرگذار قواعد قانون اساسی از یک طرف و کارآمدی نظام مسؤلیت مدنی در جبران خسارات از طرف دیگر به بهترین شکل، گویای این هم پوشانی است.<sup>۱</sup>

به خاطر تمرکز خاص گفتمان علمی حقوقی اساسی سازی در اروپا خصوصاً اتحادیه، نام دیگر اساسی‌سازی "اروپائی شدن حقوق خصوصی است. اینکه اساسی سازی چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ آیا این کار به معنای تقویت حقوق خصوصی سنتی از طریق حقوق اساسی که در اروپای قاره‌ای در چارچوب حقوق مدنی تدوین شده است می‌باشد؟ یا اینکه این کار به معنای ارتقای قواعد حقوق خصوصی تا مرتبه حقوق اساسی است؟ و یا به معنای تاثیر متقابل و مستمر حقوق خصوصی و حقوق اساسی برای حمایت از کرامت انسانی است؟

امروزه در نظام‌های حقوقی اروپائی دیدگاه سوم از حقوق خصوصی به واقعیت بیشتر نزدیک است.<sup>۲</sup> هر چند که اجرای معیارهای جهانی (حقوق بشر) در مورد مساله‌ای در روابط خصوصی مزیت خود را دارد و منصفانه‌تر بنظر می‌رسد، ولی منجر به مطرح گردیدن پرسش‌های مفهومی زیادی در خصوص قابلیت پیش‌بینی تصمیمات دادگاه‌ها، ثبات قانون و چگونگی حفظ تعادل میان منافع طرفین می‌شود.<sup>۳</sup> البته برای همه این دغدغه‌ها نیز از سوی موافقان اساسی‌سازی، استدلال‌های مناسبی ارائه شده است که پرداختن به استدلال مخالفین و موافقان خود پژوهشی مجزا را طلب می‌نماید.

گفته شد یکی از مهم‌ترین جنبه‌های روند اساسی‌سازی کاربرد حقوق و آزادی‌های بشری چه با منشاء بین‌المللی و چه با منشاء قانون اساسی، در روابط خصوصی است.<sup>۴</sup> اما این مساله نه

(M-EPLI) Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=928560>, (2006), p. 3.

1. Maria Dolores Sanchez Caleria, (2008), "Fundamental Rights and Private Law In Europe: A Fundamental Rights to Environment." *European Review Of Private Law*, (2008), p.766.

2. Tom Barkhuysen And Siewerr D.Lindenbergh, *Constitutionalisation Of Private Law*, Martinus Nuhoff Publishers. Leiden/ Boston, (2006), p.37.

3. Solveiga Cirtautienė, "Impact Of Human Rights On Private Law In Lithuania And Other European Countries Problematic Aspects," *Mykolo Romerio Universitetas*, (2013), p.79.

4. Maria Dolores Sanchez Caleria, "Fundamental Rights and private law in Europe: A Fundamental Rights to environment." *European Review Of Private Law*, (2008), p.760.

تنها به نقش حقوق بشر، بلکه به نقش حاکمیت و تعامل آن با جامعه نیز بستگی دارد. بنابراین وجود قوانین حمایتی و انسان محور از یک طرف، و وجود ساختار حکومتی مردم سالار نیز از طرف دیگر، دو پیش شرط تحقق اساسی سازی محسوب می‌شوند. لازم به ذکر است هیچ یک از شرائط مزبور به تنهایی موفقیتی در اساسی سازی ایجاد نمی‌کنند بطور مثال هر چند در قوانین اتحاد جماهیر شوروی در زمان حاکمیت حزب کمونیست نیز، مقرراتی در خصوص حقوق بشر وجود داشت و مرام مارکسیسم نیز برعکس دیگر حکومت‌های توتالیتار، مبتنی بر یک نظریه انسان‌گرا با هدف دستیابی بر آزادی‌های واقعی و ایجاد جامعه بدون طبقه بود.<sup>۱</sup> ولی به دلیل ساختار خاص حکومت و فقدان جامعه مدنی هیچ توفیقی در اساسی سازی مشهود نیست. برعکس، جمهوری‌های نوظهوری مانند چک یا اوکراین، قوانین اساسی خود را نیز هم زمان با نوع حکومت خود با کشورهای همسایه همسو نمودند. بطوری که امروزه قوانین اساسی این کشورها از جمله قوانین مترقی اروپا محسوب می‌شود که بر پایه کرامت ذاتی انسان شکل گرفته‌است<sup>۲</sup> و زمینه لازم را برای اساسی سازی فراهم آورده‌است.

## ۲ - حقوق مربوط به شخصیت نقطه عطف اساسی سازی (تاثیر افقی)

در حوزه حقوق خصوصی، حقوق بشر به طور کلی و حقوق اساسی افراد معمولاً به عنوان "حقوق بر شخصیت"<sup>۳</sup> نامیده می‌شوند. حقوق مرتبط با حمایت از افراد که تحت عنوان حقوق شخصیت مطرح می‌شوند برای کرامت و تمامیت جسمی و روحی افراد ضروری هستند و به وسیله حقوق مسئولیت مدنی بسط یافته و حمایت می‌شوند.<sup>۴</sup> تغییرات اساسی در خصوص حمایت از این حقوق، تقریباً بعد از جنگ جهانی دوم تا حدود زیادی تحت تاثیر اندیشه‌های حقوق بشری<sup>۵</sup> و تشکیل جمهوری فدرال آلمان غربی و به اجرا درآمدن قانون اساسی آن، از سال ۱۹۴۹ میلادی است که مشتمل بر فهرستی از حقوق بنیادین می‌باشد.

حقوق بر شخصیت که دارای حالت دوگانه است یعنی هم جنبه مادی مانند تمامیت جسمانی و هم جنبه معنوی مانند شهرت و آبرو و اعتبار دارد.<sup>۶</sup> در واقع نوعی پاسخ قضائی به

۱. شریفی، علیرضا، مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق بشر، چاپ اول، (تهران: نشر جنگل، ۱۳۹۳)، ص ۱۹.

2. Antonina, Bakardjieva Engelbrekt And Joakim Nergelius, *New Directions In Comparative Law*, Edward Elgar publishing, Inc, (2009), p.157.

3. *Personality Rights*

4. Gert Brugge Meier, Aurelia Colombi Ciacchi And Patrick O, Callaghan, *The Common Core Of European In Private Law Personality Rights In European Tort Law*, Cambridge University Press, (2010), p. 5.

۵. انصاری، باقر، مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مربوط به شخصیت در رسانه‌ها؛ مجله علمی - پژوهشی

حقوق خصوصی، دوره نهم، شماره دوم، (۱۳۹۱)، ص ۶۸.

۶. بادینی، حسن، مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق معنوی مربوطه به شخصیت و حقوق بشر، فصلنامه حقوق،



ارزش‌های مربوط به زندگی، همراه با کرامت و شکوفائی آزادانه در جامعه محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> در ماده ۱۰۲:۲ اصول اروپائی حقوق مسوولیت مدنی ملاک میزان حمایت از حقوق و منافع به والاتر بودن ارزش حق بستگی دارد. در بند دوم این ماده بیان شده که جان، تمامیت جسمانی و ذهنی، شان انسانی از بیشترین حمایت برخوردارند.<sup>۲</sup> به منظور حمایت از حقوق بر شخصیت در بین نظام-نظام‌های حقوقی دو رویکرد وجود دارد که عبارتند از رویکرد شناسائی یک حق کلی این حقوق و رویکرد حمایت در قبال نقض جنبه خاصی از حقوق بر شخصیت.<sup>۳</sup> سوئیس و ایتالیا در زمره کشورهای قرار دارند که حقوق بر شخصیت را بطور کلی مورد شناسائی قرار داده‌اند. همچنین ماده ۸۲۳ قانون مدنی آلمان و مواد ۱۱ الی ۲۲ قانون مدنی اتریش حقوق مربوط به شخصیت نام برده و این حقوق را بطور کلی شناسائی نموده است. برخی کشورها نیز مانند برزیل بدون شناسائی کلی این حق و یا ذکر همه مصادیق در قوانین اساسی خود کرامت انسانی را به عنوان یکی از سنگ بناهای جمهوریت قرار داده‌اند.<sup>۴</sup> برخی کشورها نیز نظیر فرانسه و اسپانیا در قوانین پراکنده مانند قانون مدنی، به ذکر مصادیقی از حقوق مربوط به شخصیت نموده‌اند.<sup>۵</sup>

در فرانسه پیش‌تر، تنها یک سطح حمایتی در ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی این کشور وجود داشت. اما با اصلاح ماده ۹ قانون مزبور مصادیقی از این حقوق (حریم خصوصی) مورد توجه قرار گرفته است. نظام حقوقی این کشور مواردی چون حقوق تصویری ستارگان هنری و ورزشی را در قالب مصادیقی از حق بر شخصیت می‌داند و از حیث مادی و معنوی مورد حمایت قرار می‌دهد.<sup>۶</sup> رویه قضائی فرانسه بر پایه حق بر سلامت، در خصوص آسیب‌های روحی محضی که اطرافیان قربانی حادثه که خود شخصاً صدمه فیزیکی ندیده‌اند، موضع لیبرال و منعطفی حتی نسبت به کشورهای آلمان و انگلیس اتخاذ نموده است و حق جبران آسیب‌های روانی (خسارات

مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۴، شماره ۹۱، (۱۳۹۱)، ص ۹۰.

1. Verica Trstenjak, Petra Weingerl, The Influence of Human Rights and Basic Rights in private Law, Springer International Publishing Switzerland, (2016), p.117.

۲. ایکاوج، برنهارد، رضائی، علی، "گروه اروپائی حقوق مسوولیت مدنی" و "اصول حقوق مسوولیت مدنی"، ماهنامه کانون، شماره‌های ۱۳۸ و ۱۳۹، (۱۳۹۳)، ص ۱۳۶.

۳. انصاری، باقر، مسوولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مربوط به شخصیت در رسانه‌ها؛ مجله علمی- پژوهشی حقوق خصوصی، دوره نهم، شماره دوم، (۱۳۹۱)، ص ۷۱.

4. Verica Trstenjak, Petra Weingerl, The Influence Of Human Rights And Basic Rights In Private Law, Springer International Publishing Switzerland, (2016), p.17.

۵. بادینی، حسن، هدف مسوولیت مدنی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۶۶، (۱۳۹۱)، ص ۹۳.

۶. جعفری، فیض‌الله، مختاری، مهرناز، مطالعه تطبیقی ماهیت حقوق تصویری ستارگان در تبلیغات تجاری، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۲، (۱۳۹۵)، ص ۵۱۶.

معنوی) برای این افراد نه محدود به خویشاوندان و نامزد قربانی بوده و نه نیازی به ابتلاء به یک اختلال روانی و بیماری شناخته شده از منظر پزشکی است و بروز سطح نرمانی از درد و اندوه و اضطراب کفایت می‌نماید.

در حقوق انگلیس نیز، بدون اینکه این حقوق بصورت کلی مورد شناسائی قرار گرفته باشد جنبه‌هایی از آن به موجب قوانین کیفری متعدد همچون قانون هتک حرمت مصوب ۱۹۹۶ میلادی مورد حمایت قانونی قرار گرفته است. با وجود عدم شناسائی مساله حریم خصوصی به عنوان قاعده عمومی، دادگاه‌های این کشور که از سابق در دعاوی عدیده، در ارتباط با حمایت از جنبه‌ای از این حقوق مانند حق فرد بر تصویر خود، احکام فراوانی صادر می‌نمودند، این بار با لازم‌الاجرا شدن قانون حقوق بشر مصوب ۱۹۹۸<sup>۱</sup> از سال ۲۰۰۰ میلادی، در ارتباط با حریم خصوصی، تکلیف قانونی بر اعمال کنوانسیون حقوق بشر اروپائی<sup>۲</sup> گردیدند. بنابراین بند یک ماده ۸ کنوانسیون که به موضوع حریم خصوصی مرتبط می‌باشد در حقوق داخلی این کشور اعمال می‌شود. از این رو تصویب قانون حقوق بشر به عنوان یک نقطه عطف در حقوق انگلیس تلقی می‌شود.<sup>۳</sup> زیرا قانون مزبور کنوانسیون را وارد حقوق انگلیس نمود. البته ناگفته نماند که دادگاه‌ها در ابتدا در اعمال حقوق بنیادین در دعاوی مربوط به حقوق خصوصی مشکل داشتند چرا که بند یک ماده ۶ قانون مزبور صرفاً تکلیف احترام به حقوق بنیادین را بر عهده مقامات عمومی گذارده بود در نتیجه دادگاه‌ها از اعمال آن امتناع می‌نمودند و آن را منبع حقوق محسوب نمی‌نمودند. ولی در پرتو تقویت رویه قضائی در حال حاضر در دعاوی مسئولیت مدنی مانند افترا یا مزاحمت، حقوق تضمین شده در کنوانسیون بصورت افقی غیرمستقیم یعنی به مثابه یک منبع کمکی مورد توجه قرار می‌گیرد.<sup>۴</sup>

در کشورهای اسکاندیناوی نیز وضعیت خاصی حاکم است. بطور مثال در قانون مسئولیت مدنی ۱۹۷۲ میلادی سوئد که جبران پولی آسیب‌های شخصی، اعم از تلفات جانی و خسارات مالی (نقض حق بر شخصیت) فقط در شرایطی ممکن است و مسئولیت مدنی ایجاد می‌نماید که این امر به عنوان یک عمل مجرمانه نیز قابل مجازات باشد.<sup>۵</sup> به عبارت بهتر تنها در فرض تحقق

1 . HRA

2 . ECHR

3. Gert Brugge Meier, Aurelia Colombi Ciacchi And Patrick O,Callaghan. The Common Core Of European In Private Law Personality Rights In European Tort Law, Cambridge University Press, (2010), pp.25-27.

4. Chrispoph Busch Hans Schulte Nolke Forewordsby Viviane Reding, EU Compendium Fundamental Rights And Private Law Apractical Tool For Judges, Sellier European Law Publishiers GmbIt, Munich, (2011), p.13.

5. Gert Brugge Meier, Aurelia Colombi Ciacchi And Patrick O,Callaghan. The Common Core Of European In Private Law Personality Rights In European Tort

جرم است که مساله نقض حقوق مربوط به شخصیت متصور می‌شود و می‌توان دعوای مسئولیت مدنی مطرح نمود. در حقوق ایران نیز، گزاره‌ای که این حقوق را بصورت کلی شناسائی نموده باشد وجود ندارد. ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ صرفاً به مصادیقی از هر دو جنبه حقوق مربوط به شخصیت مانند جان، سلامتی و حیثیت از باب تمثیل اشاره نموده و از حیث مادی و معنوی مورد حمایت قرار داده است ولی نظر به تمثیلی بودن آن و استفاده از عبارت هر حق قانونی دیگر افراد، مانعی بر سر راه شناسائی این حقوق بصورت کلی وجود ندارد. تشابه متن ماده قانونی مزبور با ماده ۸۲۳ قانون مدنی آلمان نیز مویدی بر این امر خواهد بود. گفتنی است در مواد ۷۶۵، ۷۰۰، ۶۹۹، ۶۹۸، ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز تحت عناوین مجرمانه افترا، توهین، هتک حیثیت و نشر اکاذیب جنبه‌هائی از این حقوق را مورد حمایت قانونی قرار گرفته است. با توجه به جایگاه قانونی حق بر شخصیت در نظام حقوقی آلمان، طبیعی است که اولین رای که در ارتباط با حقوق مربوط به شخصیت صادر گردید و منجر به نظریه معروف اثر بر شخص ثالث / تاثیر افقی (Drittwirkung) شد، متعلق به دادگاه‌های این کشور باشد. که به پرونده آقای شاخت معروف است.<sup>۱</sup> از این رو تبیین رای صادره در پرونده مزبور ضروری بنظر می‌رسد.

### پرونده آقای یالمارشاخت (Schacht Haajmar)

در آلمان با آنکه تأثیر هنجارساز قانون اساسی امری بدیهی بود، اما اولین استناد به این تأثیر نه توسط دادگاه فدرال قانون اساسی، بلکه در سال ۱۹۵۴ و توسط عالی‌ترین دادگاه حقوقی (دیوان عدالت فدرال یا به اختصار BGH) و با یک دخالت کاملاً قضایی صورت گرفت. مستندات پرونده، بازتابی از وقایع معمول آن زمان بودند. یک هفته نامه در هامبورگ مقاله‌ای انتقادی درباره فعالیت‌های بازرگانی دکتر یالمارشاخت (Schacht Hjalmar)، رئیس بانک رایش و وزیر سابق آلمان نازی منتشر نمود. وکیل آقای شاخت با ارسال یادداشتی به هفته نامه، کتباً خواستار حذف بخش‌های متعددی از آن مقاله شد. هفته نامه نیز با درج نام وکیل و بدون ذکر

Law, Cambridge University Press, (2010), p.28.

۱. از مشهورترین قضاوت‌ها در تاریخ آلمان پس از جنگ، که دومین رای تأثیرگذار در پیدایش نظریه آلمانی تأثیر افقی بر ثالث و شناسائی حقوق مربوط به شخصیت در بافت یک دعوای مسئولیت مدنی محسوب می‌شود و طی آن مساله مطالبه خسارات معنوی به دلیل نقض و آسیب حقوق مربوط به شخصیت مطرح شد دعوایی است که به پرونده "آقای سوارکار" معروف است. در ای پرونده خواهان مالک یک کارگاه آبجوسازی و همچنین یک اسب سوار ماهر بود. عکس وی - بدون کسب رضایتش - در یک تبلیغ مربوط به داروهای توانبخشی جنسی استفاده شده بود. "آقای سوارکار" از خواننده که یک شرکت داروسازی بود، خواستار غرامت برای خسارات معنوی شد. که دادگاه فدرال به نفع وی رأی داد.

سمت وکالت او در بخش "نامه‌هائی برای سردبیر" منتشر کرد. در نتیجه اینطور به نظر رسید که گویا وکیل مذکور، از طرفداران سیاسی آقای شاخت و حزب نازی (ناسیونال سوسیالیسم) است. وی این هفته‌نامه را تحت پیگیری قرار داد و خواستار اصلاح این مسئله شد. دادگاه بدوی هامبورگ با استناد به نقض مقررات حفاظت از نام و اعتبار افراد (اصل ۲ قانون اساسی) و همچنین مقررات کیفری مربوط به تهمت و افترا به نفع شاکی رأی داد. دادگاه استیناف این شکوائیه را بر مبنای فقدان آسیب به اعتبار حرفه‌ای رد کرد. در دادگاه تجدیدنظر، اولین شعبه حقوقی دیوان عدالت فدرال<sup>۱</sup> به طور کلی مبنایی جدید برای مسئولیت در نظر گرفت. اهمیت این رای به بدان خاطر است که برای اولین بار بر اساس اصولی از قانون اساسی که به ترتیب، به احترام به کرامت انسانی و حق رشد آزاد شخص اشاره دارند، حق بر شخصیت را تحقق بخشید. در رأی مزبور استدلال شده بود: حال که قانون اساسی حق افراد بشری برای برخورداری از کرامت را به رسمیت شناخته است (اصل ۱) و حق برخورداری از امکان شکوفائی و تکامل شخصیت به عنوان یک حق خصوصی که باید در سراسر جهان مورد احترام قرار گیرد. تا جایی که این حق، حق شخص دیگر را نقض نکند یا با نظم حقوقی منبعث از قانون اساسی یا اخلاق عمومی در تعارض نباشد (اصل ۲)، حقوق کلی شخصیت باید به عنوان حقوق اساسی تضمین شده در قانون اساسی شناخته شوند. "رای مزبور که مختصر و تاحدودی مبهم بود، با انتقادات زیر مواجه شد: در رای ذکر نشده که تأثیر افقی حقوق اساسی بر چه مبناست. چگونه یک "حق اساسی تضمین شده در قانون اساسی" که به صورت بین‌المللی و به نظر اکثریت به عنوان یک حق دفاعی اتباع در مقابل دولت در نظر گرفته می‌شود، هم‌زمان می‌تواند یک "حق خصوصی" و دارای اعتبار جهانی باشد؟ آیا قضات کم تجربه دیوان عدالت فدرال که تنها ۵ سال پس از لازم‌الاجرا شدن قانون اساسی با این دعوا مواجه شدند، از تمایز بین کارکرد عمودی و افقی حقوق اساسی ناآگاه بودند؟ در رأی فوق‌الذکر هیچ دلیلی برای تأثیر افقی این حقوق ارائه نشده‌است، بلکه تا حد مشخصی این حقوق صرفاً به عنوان الزاماتی مندرج در قانون اساسی توصیف شده‌اند. البته چنین الزامی در واقعیت وجود نداشت و ندارد. اصل ۱ قانون اساسی در تمام موارد روشن است و امکان هیچ‌گونه سوء تفاهمی در مورد آن وجود ندارد: مخاطب وظیفه احترام به کرامت افراد، دولت است (قوای عمومی) و پیش زمینه تاریخی ترس از بازگشت فاشیسم و نازیسم نیز این خطاب را روشن تر می‌کند. اصل ۱ بیان می‌دارد که حقوق اساسی در رابطه با سه شاخه از قدرت حاکمیت - یعنی قدرت تقنین، اجرا و قضاوت - اعمال می‌شوند. اصل ۹۴ مجدداً امکان طرح دعوای مستند به قانون اساسی را علیه دولت مطرح می‌کند. قانون اساسی به وضوح، خود را تنها در

روابط عمودی بین دولت و اتباعش دخیل می‌داند و به روابط افقی بین شهروندان ارتباطی ندارد. در جایی که قانون اساسی - استثنائاً - بر روابط حقوقی خصوصی تأثیری می‌گذارد، این امر را به وضوح بیان می‌دارد؛ به طور مثال در اصل ۹. در غیر این مورد، تأثیر حقوق اساسی بر روابط افقی بین شهروندان - اگر هم در قانون اساسی دیده شود - امری نادرست.

در دفاع از این نظریه در مورد تأثیر افقی، دادگاه فدرال به آثار مبدع نظریه تأثیر افقی مستقیم اشاره نموده است. او شارح جدید کتاب انسرورس (Enneccerus)، پروفیسور نیپردی (Nipperdey)<sup>۱</sup>، بود که در واقع یکی از مدافعین نظریه اثر افقی مستقیم بود. وی در سال ۱۹۵۴ در ویرایش جدید این کتاب کلاسیک، اینگونه استدلال کرد که "این مقررات" (اصول ۱ و ۲ قانون اساسی) "نه تنها برای نهادهای دولتی، بلکه برای شهروندان نیز الزام‌آور هستند. کرامت ذاتی و حق شکوفایی و رشد آزادانه فردی، بخش‌های جدایی‌ناپذیر حقوق شخصیت هستند که از طریق نظم عمومی به عنوان حقوق شخصی (چه در حوزه حقوق عمومی یا حقوق خصوصی) تضمین شده‌اند.

نظریه‌ای که در این کتاب مطرح شد، در حقوق خصوصی آلمان به طور سنتی به عنوان سند ولادت نظریه تأثیر افقی مستقیم شناخته می‌شود. نیت اصلی قضات دادگاه فدرال این بود که قطعاً با این سنت حقوق خصوصی که بر حقوق اقتصادی متمرکز بود و تضمین منافع فردی را نادیده می‌گرفت، مقابله کنند. قضات مذکور، درگیر سؤالات روش‌شناسانه<sup>۲</sup> نمی‌شدند؛ اما این قضات اساساً می‌دانستند که چه می‌کنند و به علاوه، واقعاً می‌خواستند که این کار را بکنند. قانون اساسی جدید، مبنایی برای ایجاد این تغییر در قانون و به رسمیت شناخته شدن حقوق شخصیت فراهم کرد. راه منطقی رسیدن به این هدف از طریق به رسمیت شناخته شدن منافع شخصیت نظیر حیات، تمامیت جسمانی، سلامت و آزادی در قانون مدنی بود. به این صورت هرگونه آسیبی به این حقوق تضمین شده نوین می‌توانست از طریق قوانین مسؤلیت مدنی جبران شود. این امر دو نتیجه داشت: (۱) قضات با اتکاء به الزامات قانون اساسی (وظیفه حمایتی دولت) حقوق خصوصی را توسعه دادند؛ و (۲) با انجام این کار، آنها تأثیر قانون اساسی بر روابط حقوقی بین شهروندان را به رسمیت شناختند. همین ماهیت دوبعدی، باعث مشکل‌ساز شدن نظریه تأثیر افقی در سطح ملی و بین‌المللی شده است. گفتنی است مساله مستقیم یا غیرمستقیم بودن که بنظر می‌رسد چندان مورد توجه قضات دادگاه فدرال قرار نگرفته بود، در سال‌های آتی به یکی از

۱. پروفیسور نیپردی نماینده اصلی دکتترین اثر افقی مستقیم بود. نیپردی یک حقوقدان ساده نبود. او به عنوان رئیس دادگاه فدرال کار بر رویه قضایی نیز تأثیرگذار بود.

نکات اصلی مجادلات طولانی آکادمیک تبدیل شد<sup>۱</sup> و تا سالیان زیاد مباحثه‌های راجع به تاثیر حقوق بنیادین روی حقوق خصوصی، حول محور دو مولفه تاثیر مستقیم و غیرمستقیم قرار داشت.

### ۳ - شیوه‌های اساسی سازی یا اعمال حقوق بنیادین

نظریه‌ها و دکترین‌های اروپائی درباره تاثیر حقوق اساسی یا اصول قوانین اساسی بر حقوق خصوصی نسبتاً یک شکل هستند. اما فقدان رویکرد واحد به این مسائل نیز تا حدودی به چشم می‌خورد که ناشی از محتوای متفاوت نظام‌های حقوقی مختلف در اروپا نسبت به نظام مسئولیت مدنی و همچنین به دلیل تنوع طرز تفکر در جوامع اروپائی است. در میان این چارچوب‌های نظری که تاثیر حقوق بشر بر حقوق خصوصی را توجیه می‌کنند یافتن عناصر مشابه دشوار نیست ولی به دلیل فقدان معیارهای مدون که احتمالاً ناشی از راه‌حل‌های متفاوت قوانین مدنی مختلف در مورد شرایط مشابه است، شباهت چارچوب‌های نظری چندان عیان نیست. این امر زمانی روشن می‌شود که تفاوت‌های موجود در قوانین اساسی کشورهای اروپائی را مورد ملاحظه قرار می‌دهیم. اروپا از کشورها و ملیت‌های مختلفی تشکیل شده و هر یک ارزش‌های اساسی خود را دارا هستند. بنابراین تاثیر افقی حقوق اساسی در این کشورها به شیوه‌های مختلفی توسعه پیدا کرده است. لازم به ذکر است برخی نظام‌های حقوقی منحصراً از یک روش و رویه قضائی کشورهایمانند یونان، فرانسه، هلند و بلژیک نیز حسب مورد از هر دو روش افقی مستقیم و غیرمستقیم استفاده می‌کنند<sup>۲</sup>. این امر بستگی به موضوع و نوع دعوای مطروح دارد.

#### ۳-۱ افقی مستقیم

تاثیر افقی مستقیم بدین معنا است که حق بنیادین مطروح، کمابیش به همان ترتیبی که در یک رابطه عمودی میان دولت و شهروند اعمال می‌شود در یک رابطه افقی نیز اعمال گردد. زیرا حقوق مذکور هم برای دولت و هم برای شهروندان نیز الزام‌آور است استوار نمودن دعوا بر این امر و واگذر نمودن موضوع مشروعیت یا عدم مشروعیت اقدامات طرفین دعوا در یک دعوای مسئولیت مدنی در واقع اعطای ارزیابی آن بر اساس حقوق بنیادین است و حقوق خصوصی صرفاً اثر عدم مشروعیت که پرداخت خسارت باشد را مقرر می‌دارد. لذا چه بسا استناد به حق‌های اساسی بصورت مستقیم منجر به الغای یک قاعده حقوق خصوصی مغایر با آن شود. در روش مستقیم حقوق بنیادین به عنوان منبع تعهدات مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شیوه به مثابه مبداء

1 . Tom Barkhuysen And Siewerr D.Lindenbergh, Constitutionalisation Of Private Law, Martinus Nuhoff Publishers. Leiden/ Boston, (2006), p.67.

2. Christoph Busch Hans Schulte Nolke Forewordsby Viviane Reding, (2011), EU Compendium Fundamental Rights And Private Law A practical Tool For Judges, Sellier European Law Publishers Gmbh, Munich, (2011), p.13.

پیدایش مساله اساسی سازی است که برای اولین بار توسط رئیس دادگاه کارفدرال<sup>۱</sup> در فاصله بین سال‌های ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۳ آقای هانس کارل نیپردی (Hanscarl Nipperdey) مطرح گردید. بنابراین اولین رائی که در آن به مقوله اعمال حقوق بنیادین پرداخته شد، دادگاه دست به اتخاذ شیوه مستقیم زد. دادگاه در تصمیم اولیه خود در دسامبر ۱۹۵۴، راجع به دعوی یک نماینده کارگر و کار که از سوی کارفرمای خود به دلیل تبلیغ اهداف حزب کمونیست از طریق توزیع کاتالوگ در طی ساعات کار اخراج شده بود و نسبت به این اخراج اعتراض کرده بود رسیدگی کرد و به این موضوع که آیا بند سوم اصل ۳ قانون اساسی راجع به منع تبعیض علیه افراد به دلائل دیدگاه‌های سیاسی آنها و بند یک اصل ۵ راجع که آزادی بیان می‌توانند محدودیت‌های اساسی علیه کارفرما بر اخراج کارگر طبق قانون کار ایجاد کند؟ پرداخت. امروزه سوئیس و هلند از جمله کشورهائی هستند که این شیوه را به رسمیت شناخته‌اند. در دفاع از این شیوه نیز استدلال شده بسیاری از تشکیلات بزرگی که در بخش خصوصی وجود دارد که خطر ناشی از تهدید حقوق بشر در آنها از دولت کمتر نیست. از این رو باید مستقیماً در قبال آنها نیز بتوان استناد نمود. به اعتقاد طرفداران این نظریه، وقتی حقی به عنوان حقوق بشر شناخته شد، همه باید آن را محترم شمرده و هیچ شخصی حق تخطی از آن را ندارد و فرقی نمی‌کند که نقض کننده آن، حکومت باشد یا اشخاص خصوصی و از این حیث تفاوتی بین دولت و اشخاص خصوصی وجود ندارد.<sup>۲</sup>

### ۳-۲ افقی غیرمستقیم

دکترین کاربرد غیرمستقیم که ارزش محدودی برای حقوق اساسی تضمین شده قائل می‌باشد عنوان می‌دارد: که این حقوق تنها از طریق قواعد حقوق خصوصی اعمال شود. این امر به بدان معناست که قواعد وضع شده برای تنظیم روابط خصوصی افراد بر حقوق اساسی برتری دارند و حقوق خصوصی می‌تواند در پرتو آنها تفسیر شود. اما در نهایت نمی‌تواند با آن ترکیب شود. قواعد حقوق خصوصی کماکان برای قضاوت در دعوی تعیین کننده هستند و هر نظری مخالف این، مخرب خواهد بود.<sup>۳</sup> در دفاع از این شیوه استدلال شده که نیازی به ابداع قالب جدید نیست و با همان قالب‌ها و معیارهای سنتی نیز می‌توان به هدف دست پیدا کرد. از دید برخی حقوقدانان اینکه ارزش‌های بنیادین حقوق اساسی منبع الهام بخش برای جامعه برابر و همچنین عدالت بین اشخاص است جوهره روش غیرمستقیم تلقی می‌شود و این منبع مهم از دانش، برای

1 . BAG

۲. مولاتی، یوسف، شعاریان، ابراهیم، نفوذ حقوق بشر در حقوق قراردادها در پرتو رویه قضائی اروپائی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۲، (۱۳۹۳)، ص ۱۷۵.

3. Tom Barkhuysen And Siewerr D.Lindenbergh, Constitutionalisation Of Private Law, Martinus Nuhoff Publishers. Leiden/ Boston, (2006), pp.15-16.

چگونگی ارزیابی دعاوی حقوق خصوصی مورد استفاده قرار گیرد. البته این گفته به این معنا نیست که بر اساس حقوق اساسی در دعاوی خصوصی می‌توان قضاوت کرد. بلکه بدین معنا است که اگر یکی از طرفین دعوی به مستقیماً به حق اساسی خود استناد نمود، طرف دیگر نیز می‌تواند به حق اساسی دیگری به نفع خود استناد نماید و اولویت‌بندی بین منافع و رفع نزاع در این خصوص را باید به حقوق خصوصی واگذار نمود. کارکرد دیگری که در این نظر برای حقوق اساسی تضمین شده می‌توان قائل شد، این است که به عنوان علامت هشدار به دادگاه نشان دهد که کرامت انسانی در خطر است و استناد به نقض حقوق بنیادین توسط خواهان، ممکن است جدیت قضیه را خاطر نشان نماید. در روش غیرمستقیم حقوق بنیادین به عنوان منبع اصلی تفسیر و مظاهر یک نظام عینی ارزش‌ها در حوزه حقوق خصوصی انعکاس و تجلی می‌نماید<sup>۱</sup>. کاربرد غیرمستقیم حقوق بشر در روابط خصوصی به ویژه در چارچوب حقوق مسئولیت مدنی از طریق استانداردهای کلی حقوق مانند حسن نیت، اخلاق حسنه، منفعت عقلانی، انصاف، دقت لازم و سوء استفاده از حق صورت می‌گیرد و این‌ها به عنوان ابزارهای تفسیری بکار گرفته می‌شوند. بطور کلی در طی پنج دهه گذشته، دکتین و رویه قضائی اغلب کشورها شیوه غیرمستقیم را مورد پذیرش قرار داده‌اند این راهکار نخستین بار در نظام حقوقی آلمان اتفاقاً در یک دعوی مسئولیت مدنی، در قضیه آقای لوف (Luth) در دسامبر ۱۹۵۸ میلادی اعمال شد.<sup>۲</sup>

در این پرونده، یک کارگردان برجسته فیلم بنام ویت هارلان که در طی دوره نازی یک فیلم تبلیغاتی علیه یهودی‌ها ساخته بود پس از جنگ به اتهام تحریک تنفر علیه یهودی‌ها مسئول شناخته شده بود ولی در نهایت از این مسئولیت کیفری تبرئه شد. زمانی که هارلان نخستین فیلم خود را پس از این وقایع تولید کرد. اریک لوف (Erich Luth) نویسنده و مقام عالی‌رتبه شهر هامبورگ به شدت از او به دلیل همکاری با رژیم نازی انتقاد کرد و طی نامه سرگشاده ضمن نشان دادن خشم خود از این کارگردان چالشی، درخواست بایکوت فیلم جدید او با نام معشوق جاویدان را نمود. هم کارگردانان و هم شرکت ناشر با موفقیت، درخواست صدور یک حکم مبنی بر ممنوعیت لوف از تکرار این گونه بیانه‌های خود را نمودند دادگاه استیناف هامبورگ پذیرفت که درخواست لوف در صورت موفقیت ممکن است یک آسیب جدی به منافع مالی خواهان وارد سازد. لوف نیز یک دعوی مبتنی بر قانون اساسی علیه این دستور دادگاه طبق بند ۱ اصل ۵ قانون اساسی که راجع به آزادی بیان است اقامه کرد. نهایتاً دادگاه قانون اساسی

1. Chrispoph Busch Hans Schulte NolKe Forewordsby Viviane Reding, EU Compendium Fundamental Rights And Private Law Apractical Tool For Judges, Sellier European Law Publishers GmbLt, Munich, (2011), p.12.

2. Dawn Oliver And Jorg Fedtke, (2007), Human Rights And The Private Sphere a Compaearite Study, Routledge- Cavendish, (2007), p.486.



تشخیص داد که حکم صادره علیه آقای لوف عملاً حق بر آزادی بیان وی را محدود کرده است. این رای که در سال ۱۹۵۸ میلادی شد یک الگوی جدید برای جامعه آلمان به عنوان یک سیستم عینی و بنیادین از ارزش‌ها قلمداد شد که یک برنامه کلی برای جامعه فراهم می‌سازند از نظر دادگاه قانون اساسی فدرال، قانون اساسی آلمان به جای اینکه یک موضع بی طرفانه داشته باشد در بخش حقوق اساسی خود یک سیستم عینی از ارزش‌ها را پایه ریزی کرد. این سیستم که بر محور توسعه آزادی بشر در جامعه است بایستی به عنوان اصل متعارف اساسی در سراسر نظام حقوقی اعمال شود و باید در تصمیمات قضائی، اداری و قانونگذاری جهت داده و بر آن تاثیر گذارد. این سیستم بطور طبیعی بر حقوق خصوصی نیز تاثیر گذار خواهد بود. هیچ قاعده حقوق خصوصی نباید با آن مغایر باشد و همه قواعد بایستی مطابق با ماهیت آنها تفسیر شوند. ایتالیا، اسپانیا، انگلیس و آفریقای جنوبی از جمله کشورهایی هستند که بر مبنای شیوه غیر مستقیم عمل می‌نمایند.<sup>۱</sup>

### ۳-۳ الگوی کاربرد قضائی یا اقدام دولت

در این شیوه مخاطب حقوق اساسی نه افراد و شهروندان، بلکه دولت است که علاوه بر تعهد سلبی مبنی بر خودداری از نقض حقوق اساسی متعهد به رعایت آن در قبال افراد است. از آنجائی که دولت در مفهوم عام شامل دادگاه‌ها و قوه قضائیه نیز می‌شود لذا دادگاه‌ها باید در دادرسی به این مهم عنایت داشته باشند به عبارت دیگر اگر اشخاص دعوای خود را به دادگاه ببرند، دادگاه ملزم به رعایت قواعد حقوق بشر است. طبیعتاً این رویکرد بر اقدامات دادگاه در مورد حل و فصل دعاو تاثیرگذار خواهد بود. در این نظریه دیگر سخنی از استناد افراد به حقوق اساسی در قبال همدیگر و اعمال یکی از روش‌های مستقیم و یا غیر مستقیم مطرح نیست.<sup>۲</sup> این دکتترین در نظام حقوقی کشورهایی چون ایالات متحده آمریکا بکار گرفته می‌شود.

### ۴ - پیامدهای اساسی سازی در حقوق مسئولیت مدنی

اساسی سازی در حوزه حقوق مسئولیت مدنی آثار و نتایجی منحصر به فرد دارد که ذیلاً مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

#### ۴-۱ تغییر در رویکرد روبه قضائی محاکم

در پرتو توسعه مفهوم حقوق بشر در عرصه‌های عملی علم حقوق در چند دهه اخیر طرفین دعاو در دعاوی حقوقی سعی دارند با استناد به این حقوق دعاو را به نفع خود خاتمه دهند و

۱. شهبازی، حشمت اله، تقی زاده، ابراهیم، شهبازی نیا، مرتضی، حقوق بشر در حقوق خصوصی، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال پنجم، شماره نوزدهم، (۱۳۹۶)، ص ۷۸.

2. Aharon Barak, "Constitutional Human Rights And Private Law", Yale Law School Legal Scholar Ship Repository, (1996), p.279.

همانطور که دورکین (Dworkin) می‌گوید؛ طرفین دعوا به این مساله به عنوان برگ برنده نگاه می‌کنند. از این رو قضاات نیز به نوبه خود، بیش از پیش وادار می‌شوند در مورد نقض حقوق بشر رای صادر کنند. اینکه قضاات تحت فشار افکار عمومی و نیروهای اجتماعی، پذیرای استناد مستقیم یا غیر مستقیم به موازین حقوق بشری در روابط بین اشخاص هستند، به تحویلی بنام "خصوصی سازی حقوق بشر" می‌انجامد. تعهدات ایجابی دولت‌ها که نشأت گرفته از کنوانسیون حقوق بشر اروپائی است بر همه قوا از جمله قوه قضائیه بار می‌شود. بنابراین، در جایی که قوای مقننه و مجریه نتوانند حمایت مناسبی در حوزه روابط خصوصی فراهم آورند، این وظیفه قضاات است که حمایت قضائی مطابق با ماده ۱۳ کنوانسیون را ارائه نمایند. مضاف بر این تعهدات ایجابی، دادگاه‌ها ممکن است برای انطباق با کنوانسیون حتی مجبور به تفسیر حقوق و تعهدات بین افراد در روابط خصوصی شوند. همانطور که پیشتر بیان شد، چه بسا سرنوشت دعوا را کاملاً معکوس نماید. بطور کلی قضاات از طریق تائید و تعدیل حقوق بنیادین متعارض مطرح در دادخواهی مبادرت به نظارت قضائی می‌کنند.

برخی از حقوقدانان غربی بر این باورند که قضاوت همیشه در بافت اجتماعی وسیع تری گنجانده شده است. بنابراین همیشه تحت تاثیر شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرد که تحت آن عمل کرده و بر اذهان قضاات و تصمیمات آنها اثر می‌گذارد. اشمید، چنین تاثیری را نامطلوب نمی‌پندارد بلکه در عوض، آن را برای تطبیق حقوق با محیط اجتماعی متغیر آن ضروری می‌داند. او معتقد است که دادگاه حقوق خصوصی، نباید معمولی عمل نماید بلکه به عنوان دادگاه اساسی عمل نماید. با توجه به این دیدگاه در خصوص نظارت قضائی، دادگاه‌ها نقش قضاات و رویه قضائی در خصوص اساسی‌سازی به خوبی روشن می‌گردد. در این بین از نقش پر رنگ دادگاه‌های قانون اساسی که در برخی کشورها مانند آلمان وجود دارد نباید غافل شد. دادگاه قانون اساسی فدرال آلمان که بر همه قوانین اعم از عمومی و یا خصوصی کنترل قضائی دارد ممکن است مقرره‌ای را که ناقض حقوق بشر است باطل اعلام نماید و این مساله، ممکن است در هر مرحله‌ای اتفاق بیافتد و برخلاف اختیار محدود شورای قانون اساسی فرانسه، حتی مقررات ناسازگار و مربوط به قبل از زمان تصویب قانون اساسی را نیز شامل می‌شود.<sup>۱</sup>

طبیعی است، همه قوانین موجود در نظام‌های حقوقی آن هم در همه حالات و بسترها عادلانه نیستند و چه بسا با ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی سازگاری ندارند. از آنجائی که حقوق بنیادین ترجمان واقعی دسته‌ای از هنجارهای اخلاقی، سیاسی و فلسفی هستند که از

1. Dawn Oliver And Jorg Fedtke, Human Rights And The Private Sphere a Comparative Study, Routledge- Cavendish, (2007), p.p.486-487.

آبخور آزادی، عدالت، مردم سالاری و دولت قانون مدار سیراب می گردند<sup>۱</sup>. لذا این رویه قضائی است که قوانین موجود را با معیار تضمین حق های اساسی و آزادی های فردی تفسیر نموده و هنجارهای سنتی حقوق خصوصی را بی آنکه به اضمحلال بکشد کارآمدتر نماید. گفته می شود عصر ما عصر حقوق بنیادین و عصر ضد پوزیتیویسم است که در آن قضات بایستی در رسیدگی به دعاوی حقوقی، مبانی اخلاقی را مورد توجه قرار دهند و همیشه یک تصمیم کاملاً حقوقی، هدف غائی آنها نباشد. زیرا همانطور که گوستاو رادبروخ (Gostav Radbruch) که خود پایه گذار پوزیتیویسم حقوقی است اذعان داشته است "بی عدالتی شدید قانون نیست"<sup>۲</sup>. در حقوق ایران اولاً مطابق اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی قضات صرفاً در فرض فقدان نص کامل یا صریح و یا متعارض و یا فقدان نص اجازه تفسیر قضائی دارند ثانیاً نظارت قضائی به آن مفهوم که در آلمان و ایالات متحده مرسوم است در ایران مشهود نیست و با توجه به اصول ۴، ۷۲ و ۹۴ قانون اساسی، نظارت بر مساله انطباق قوانین و مصوبات مجلس شورای اسلامی با موازین اسلامی و عدم مغایرت آنها با قانون اساسی، منحصرأ از اختیارات شورای نگهبان است از این رو اصولاً دادگاه ها اختیار چشم پوشی از قوانین مغایر با حقوق و آزادی های بنیادین را ندارند. البته با توجه به محرز بودن نقش هنجاری قانون اساسی که ناشی از نظارت شورای نگهبان به منظور اساسی بودن مصوبات مجلس است، کم رنگ بودن نقش دادگاه ها در اساسی سازی را نباید به معنای عدم امکان اساسی سازی در حقوق ایران تلقی نمود.

#### ۴-۲ تغییر در رویکرد قانونگذاران

جایگاه برتر قانون اساسی و ارزش های نهفته در مقررات پذیرفته شده چون کنوانسیون حقوق بشر اروپائی قانون گذاران را برآن داشته که در تصویب قوانین عادی به اصول مورد احترام قانون اساسی توجه ویژه نموده و مقررات را با آن منطبق نمایند بطور مثال بند ۳ اصل اول قانون اساسی آلمان مصوب ۱۹۴۹ میلادی مقرر داشته که قانونگذار ملزم است که حقوق اساسی ذیل را محترم شمارد. این مورد، خود تاثیر غیرمستقیم بر روی حوزه حقوق خصوصی ایجاد می نماید زیرا که بر این اساس قوانین تصویب شده در این حوزه بایستی با اصول اساسی مطابق و سازگار باشند. بنابراین حقوق بنیادین بشری در پرتو اساسی سازی منجر به مبدل گردیدن آنها به عنوان منبع الهام قانونگذاری و به مثابه یک راهنما برای تغییر قوانین ناعادلانه و غیرمنصفانه موجود برای قانونگذاران می شود. گفتنی است با توجه به فرآیند نسبتاً طولانی قانونگذاری تغییرات در این

۱. گرجی، علی اکبر، مبنا و مفهوم حقوق بنیادین، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره دوم، (۱۳۸۳)، ص ۹.

2. Tom Barkhuysen and Siewerr D.Lindenbergh, Constitutionalisation Of Private Law, Martinus Nuhoff Publishers. Leiden/ Boston, (2006), p.96.

بخش غالباً، کمی کندتر از تغییر رویکرد قضائی است و چه بسا موضوعی در بدو امر در رویه قضائی یک نظام حقوقی مورد شناسائی و پذیرش قرارگیرد و پس از طی مدتی به شکل قانون درآید. بطور مثال در قضیه واکن هورست حق عمومی بر شخصیت از سوی دیوان عالی هلند به عنوان یک مبنای حقوقی برای شناسائی حق بر اطلاع از ریشه بیولوژیک خود برای یک کودک که درخواست افشاء شدن هویت واقعی مادر و به تبع آن هویت پدر طبیعی خود نموده بود مورد استناد قرارگرفت که رای چالش برانگیز دیوان عالی که به نفع کودک صادر شد و در زمان خود یک ابداع در رویه قضائی این کشور محسوب می‌گردید، ده سال بعد منجر به گنجانده شدن این حق در قانون مصوب پارلمان هلند شد.<sup>۱</sup> در حقوق ایران نیز وفق اصل ۷۲ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی از وضع قوانین مغایر با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی منع شده است و از طرفی اصولی از قانون اساسی در فصل سوم به حق‌های اساسی و تضمین شده اختصاص دارد از این رو با توجه به جایگاه والای کرامت انسانی در دین اسلام و آموزه‌های فقهی، سنگ محک قراردادن آن و تصویب قوانین منطبق با موازین حقوق بشری از ضروریات و بدیهیات قانونگذاری است. البته اینکه اصل مزبور به جای تعهد ایجابی به تعهد سلبی قوه مقننه (عدم مغایرت) بسنده نموده و همانند اکثر کشورها بر لزوم تصویب قوانین بر پایه کرامت انسانی تاکید نموده است، محل نقد است.

#### ۴-۳ تحقق مبنا برای طرح دعوا

نقض حقوق اساسی ممکن است مبنائی برای مسئولیت مدنی ایجاد کند. مواردی چون نقض یک حق شخصی (مانند حق بر شخصیت)، یا نقض یک تکلیف مبتنی بر حقوق موضوعه و یا اعمال و رفتاری که ناقض حقوق نانوشته، اخلاق و نظم عمومی است که می‌تواند منجر به تحقق مسئولیت مدنی شود.

این دعوی علاوه بر درخواست جبران خسارت، ممکن است بر مبنای نقض یک حق اساسی نیز مطرح شوند. به عنوان مثال حتی در کشور هلند که در سیستم حقوقی خود دادگاه قانون اساسی ندارد یک مثال بارز برای موضوع، دعوی والکن هورست (Valken Horst) است که طی آن طفلی که در منزل مخصوص "مادران تنها" به دنیا آمده بود، توانست با موفقیت در دعوا بر علیه مدیریت این اقامتگاه آنها را به ارائه اطلاعات در مورد هویت پدرش مکلف نماید در این رای صادره از دیوان عالی هلند اعلام شده که: "این موضوع به حقوق کلی شخصیت مرتبط است که حق برخورداری از حریم شخصی، حق آزادی بیان و اندیشه و مذهب بر آن

1. Verica Trstenjak, Petra Weingerl, *The Influence Of Human Rights And Basic Rights In Private Law*, Springer International Publishing Switzerland, (2016), p. 463.

مبتنی هستند.<sup>۱</sup> این رای که در سال ۱۹۹۴ از سوی دیوان عالی هلند در قضیه. در چارچوب بند ۶ ماده ۱۶۲ قانون مدنی صادر شد، مربوط بود به دعوی یک کودک نامشروع متولد شده در یک کلیسای کاتولیک که از مادران بیوه حمایت می‌کرد علیه بنیاد والکن هورست که وظایف کلیسا را انجام می‌داد. کودک مدعی بود که والکن هورست نسبت به او تکلیف دارد که اطلاعات راجع به مادر او که خود نیز هویت پدر او را نیز افشاء می‌کرد را برای او افشاء کند. والکن هورست این ادعا را رد کرد بر این اساس که او Valkenhorst تکلیف داشت که هویت مادر را محرمانه نگه دارد. طبق این تکلیف، در طی حیات مادر اطلاعات راجع به پدر بیولوژیکی او صرفاً در صورتی قابل افشاء بود که مادر او به این کار رضایت می‌داد. با این حال، مادر او که در آن زمان هنوز زنده بود این اجازه را نداد. دادگاه تالی علیه کودک رای داد مبنی بر اینکه تکلیف والکن هورست به محرمانه نگه داشتن هویت مادر بر منفعت کودک مبنی بر شناخت والدین خود برتری دارد. دیوان عالی این تصمیم را رد کرده و ادعای کودک علیه والکن هورست را مورد پذیرش قرار داد.

در این چارچوب، جالب توجه ترین بخش رای دیوان عالی مبنای حقوقی است که بر اساس آن به نفع کودک رای داده است: طبق نظر دادگاه نقطه عطف یک چنین تصمیم گیری در قضیه مربوطه، این است که حق بر شخصیت که منبع یک چنین حقوق اساسی مانند حق بر احترام به حیات شخصی، حق بر آزادی فکر، وجدان و مذهب، و حق بر آزادی بیان است نیز حق بر شناخت والدین خود را در برمی‌گیرند. این حق نیز در ماده ۷ کنوانسیون راجع به حقوق کودک مصوب ۲۰ نوامبر سال ۱۹۸۹ که هنوز از سوی کشور هلند تصویب نشده است مورد شناسایی قرار گرفته است. این حق در برخی شرایط خاص مانند شرایطی که در قضیه مربوطه وجود داشت به یک شخص حق اقامه دعوا علیه یک بنیاد مانند بنیاد والکن هورست مبنی بر افشای اطلاعات موجود نزد بنیاد راجع به والدین او بنا به درخواست او را اعطا می‌کند.<sup>۲</sup> در حقوق ایران تحقق مسئولیت مدنی فرع بر ورود ضرر اعم از مادی و یا معنوی است. بنابراین پذیرش چنین مبنائی با یک چنین خواسته‌ای در حال حاضر بعید بنظر می‌رسد.

#### ۴-۴ حمایت از حقوق و منافع مشروع به مثابه هدف مسئولیت مدنی

نظریه‌های مربوط به هدف مسئولیت مدنی را می‌توان در یک تقسیم بندی کلی به دو دسته ابزارگرا و نظریه‌های مرسوم تقسیم کرد. در نظریات مرسوم، هدف مسئولیت مدنی از طریق ساختار آن تعیین می‌شود به عبارت دیگر از بعد داخلی به آن نگریسته می‌شود. بنا به اقتضای عدالت، اگر فردی حقوق دیگران را زیر پا گذارده باشد و یا از نظر اخلاقی اقدامی سرزنش‌آمیز

1. Verica Trstenjak, Petra Weingerl, THE Influence Of Human Rights and Basic Rights In Private Law, Springer International Publishing Switzerland, (2016), p.463.

انجام داده باشد وظیفه مسئولیت مدنی فراهم نمودن ضمانت اجرایی برای حقوق و تکالیف طرفین خواهد بود.<sup>۱</sup> بنابراین در کنار اهداف سنتی ترسیم شده برای مسئولیت مدنی مانند جبران ضرر و جنبه بازدارندگی، نظریه‌ای موسوم به حمایت از حق و منافع مشروع در برخی کشورها مانند آلمان به نحو صریح و در نظام حقوقی کشورهای از قبیل فرانسه و انگلیس بصورت غیر صریح، به مثابه هدف حقوق مسئولیت مدنی تبیین گردید. در دکترین حمایت از حق، هدف اصلی این است که حق تلف شده در هر حال جبران شود.<sup>۲</sup> روند "خصوصی‌سازی حقوق بنیادین" که همیشه در آلمان وجود داشته چیزی بیش از معاضدت‌های تفسیری صرف است و تبدیل به اصول حاکمیت قانون ماهوی و واقعی شده است. قطع نظر از اینکه آیا استناد به آنها منجر به موفقیت در دعوی شده است یا خیر؟ سیر تکاملی تاثیر افقی حقوق بنیادین و آمادگی دادگاه‌ها برای تجویز نفوذ حقوق مادر در نتیجه یک پرونده، منجر به نقش سرنوشت ساز متون قانون اساسی در حوزه مسئولیت مدنی شده است و هم زمان دامنه منافع مورد حمایت حقوق مسئولیت مدنی با هدف تضمین جبران خسارت در دعاوی را افزایش داده است که از آن به جبران خسارت به روش "احقاق حق تزییع شده" یاد می‌شود. حقوقی که مورد حمایت متن قانون اساسی است و یا دست کم از حیث ماهیتی جزو حقوق بنیادین محسوب می‌گردد، حتی اگر بصورت رسمی در متون قانون اساسی نیامده باشد.<sup>۳</sup>

سوالی که در اینجا پیش می‌آید این است که آیا حقوق مسئولیت مدنی صرفاً به دنبال حمایت از حقوق و منافع مشروع خواهان و زیان دیده است؟ یا خواننده نیز حق برخورداری از چنین حمایتی دارد؟ در پاسخ باید گفت گرچه اثر حقوق بنیادین در زمینه حقوق مسئولیت مدنی، بی‌شک در خصوص وضعیت قربانی خطای مدنی (زیان دیده) و حق وی نسبت به خسارات به معنای دقیق معطوف است تا وضعیت زیان رسانندگان. به عبارت بهتر نفوذ حقوق بنیادین در حقوق مسئولیت مدنی اغلب مستقیماً بر وضعیت زیان دیده تاثیر و تمرکز دارد ولی وضعیت زیان رساننده نیز معمولاً بصورت غیرمستقیم تحت تاثیر قرار می‌گیرد. به اعتقاد برخی حقوقدانان غربی، حقوق مسئولیت مدنی در زمان تحقق عملکردهای خود می‌بایست ارزش‌های اصول مسئولیت‌پذیری، حمایت از افراد، آزادی‌های اقتصادی و توزیع عادلانه خطرات را رعایت نماید و

۱. بادینی، حسن، هدف مسئولیت مدنی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۶۶، (۱۳۸۳)، ص ۵۹.

۲. کاتوزیان، ناصر، تحول مفهوم تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۱، (۱۳۸۸)، ص ۲۰۱.

3. NUNO Ferreira, "Fundamental Rights, Constitutional Principles, And Law Of Torts: Tort Feasors v. Tort Victims", (2004), p.51.

می‌توان گفت که حقوق مسئولیت مدنی برای تحقق و برآوردن همه عملکردها و منافع خود و ارج نهادن همزمان و ترویج ارزش‌های فوق، باید وضعیت زیان رساننده و خطاکار را بصورتی تجزیه و تحلیل کند که صرفاً انعکاس وضعیت زیان دیده نباشد و هیچ ابزاری بهتر از حقوق بنیادین نمی‌تواند این کار را انجام دهد ابزاری پویا که وضعیت هر دو طرف پرونده مسئولیت مدنی را با روشی سنجیده و عادلانه رعایت می‌کند بنابراین نباید از ارزیابی حقوق و اصول بنیادینی که ممکن است در وضعیت زیان رساننده وجود داشته باشد غافل ماند.

بروگه مایر حقوق مسئولیت مدنی را در طول قرن بیستم، حقوق سیاست‌های قضائی می‌داند که به منظور ایجاد حقوق شخصی و حمایت از آنها در رویه قضائی دادگاه‌ها و تحت قانونگذاری‌های مداوم، یک سیر تکاملی طی نموده است و نهایتاً منجر به باز تعریف منافع قانونی و مورد حمایت شده‌است. تصویر برجسته این تفوق منافع و حقوق زیان دیده را می‌توان در آراء محاکم و رویه قضائی آلمان مشاهده کرد که وظایف ایمنی و حقوق جدید را تشکیل داده است که عمدتاً مبتنی بر حقوق بنیادین هستند تا حمایت بیشتری را از آن موضوعی ارائه دهد که قانون مدنی آلمان بطور سنتی برای افراد جائز دانسته است. نمونه‌ای از آن پرونده کارولین، پرنسس موناکوست که خبرگزاری‌ها حریم خصوصی وی را نقض نموده بودند. حق عمومی بر شخصیت، که برگرفته از مواد یک و دو قانون اساسی<sup>۱</sup> (قانون مادر) آلمان و مربوط به کرامت انسان و حق رشد رایگان شخصیت است دامنه اولیه ماده ۸۲۳ قانون مدنی آلمان را گسترش داد و به واسطه مفهوم آلمانی "حق دیگر" خواستار حمایت حقوق مسئولیت مدنی شد. رویکرد حق محور در حقوق مسئولیت مدنی بیش از هر جا در نظام حقوقی آلمان به چشم می‌خورد. ماده ۸۲۳ قانون مدنی آلمان<sup>۲</sup> تعدادی از حقوق را مورد حمایت قرار می‌دهد که عبارتند از حق حیات، تمامیت جسمانی، سلامت، آزادی فردی و مالکیت این حقوق در واقع مبنای اصلی دعوی مربوط به جبران خسارت هستند. استناد صحیح برای خواهان دعوا در حکم عبور از پل پیروزی است.

این موضع، کاملاً با حقوق مسئولیت مدنی در نظام حقوقی کامن لا در تعارض است. به ویژه در زمینه مسئولیت ناشی از تقصیر، که در حقوق عرفی موضوع اصلی نیست. بلکه وظیفه اصلی خواننده برای دقت به خرج دادن (وظیفه مراقبت) نقطه اصلی و کانون بحث می‌باشد و اصل آزادی عمل یک نیروی محرکه قوی به شمار می‌رود. البته در حقوق این کشور، اثر حقوق بشر بر مسئولیت مدنی عمدتاً بهبود وضعیت زیان دیده از طریق ایجاد مسئولیت مدنی‌های جدید بوده است و غالباً از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون حقوق بشر در سال ۲۰۰۰ میلادی اتفاق افتاده است. زیرا این قانون زمینه را برای تاثیر کنوانسیون اروپائی حقوق بشر در حقوق داخلی فراهم

1 . GG

2 . BGB

ساخت. چرخشی که در طی آن در رویکرد و رویه قضائی دادگاه به خصوص در ارتباط با حمایت از حریم خصوصی رخ داد در خور توجه است. زیرا در نظام حقوقی انگلیس رابطه قوانین با حقوق و منافع کامل نیست. این نظام بر سبب دعوا وساز و کارهای جبرانی تاکید دارد نه حقوق و سخن از حقوق، زمانی وجود دارد که از ناحیه سبب دعوا مورد حمایت قرار گیرند و این موضوع ریشه در این واقعیت دارد که حقوق مسئولیت مدنی این کشور از نظام فرمان محور قرون وسطی نشأت یافته است از این رو تاکید بر روی راهکار حل مساله است.

حقوق مسئولیت مدنی فرانسه نیز، با تاکید بر قواعد مسئولیت مدنی بدون تقصیر که در دعاوی مربوط به فوت و جراحات بدنی بکار می‌روند. صراحتاً حق محور نیست اما به طور ضمنی بر این رویکرد صحنه می‌گذارد. هر چند که ممکن است بیش از حقوق مسئولیت مدنی آلمان در دعاوی مسئولیت مدنی به حقوق بشر استناد کنند. با توجه به تشابه ماده یک قانون مسئولیت مدنی با ماده ۸۲۳ قانون مدنی آلمان و تصریح بر حمایت از هرق قانونی افراد، بنظر می‌رسد اتخاذ چنین هدفی برای مسئولیت مدنی در حقوق ایران نیز متصور است.

#### ۴-۵ تغییر در مفهوم فعل‌زبان بار (تقصیر)

مفهوم تقصیر یا همان فعل‌زبان بار، که معمولاً یکی از ارکان تحقق مسئولیت مدنی است در طی فرآیندهای تاریخی، تعاریف عدیده‌ای داشته‌است که به سه گروه عمده تقسیم بندی می‌شوند. در یکی از این سه گروه اصلی، تقصیر عامل حمایت از حق بر تراست یعنی ترکیبی از عدالت توزیعی و کیفری به بیان ارسطو است.<sup>۱</sup> بی‌احترامی به یک حق بنیادین در روابط خصوصی افراد فی نفسه، یک منبع تعهد و مسئولیت مدنی می‌باشد و یک قاضی که به منافع مرتبط اهمیت می‌دهد ملزم به رعایت حدود یک حق بنیادین مقرر در قانون اساسی است. در حقوق فرانسه با اصلاح ماده ۹ قانون مدنی، به مقوله تقصیر در قانون مدنی مرتبه شبه اساسی داده شده است و اخیراً نیز از سوی شورای قانون اساسی مورد شناسائی قرار گرفته است. بعد از تحول مزبور، در این کشور در حال حاضر در دعاوی مربوط به نقض حریم خصوصی صرف نقض حریم خصوصی، خود مصداق تقصیر تلقی می‌شود. در کشور ما تا پیش از تصویب قانون مسئولیت مدنی در سال ۱۳۳۹ تقصیر به آن معنا که در حقوق کشورهای چون فرانسه دارد نقشی در تحقق مسئولیت مدنی ایفاء نمی‌نمود ولی در حال حاضر ماده یک قانون مزبور بر بی‌احتیاطی به عنوان مصداقی از تقصیر، اشاره نموده و از این روح‌وقدانان اصولاً تحقق مسئولیت مدنی را امروزه مبتنی بر تقصیر می‌دانند. اما با توجه به مفهوم خطا و تقصیر در فقه امامیه که منبع اصلی حقوق مسئولیت

۱. کاتوزیان، ناصر، تحول مفهوم تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۱، (۱۳۸۸)، ص ۲۰۷.



مدنی است و افراد را در ورود خسارت چه به عمد و چه به غیر عمد، چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم، مسؤل می‌داند و با توجه به اهمیت مساله حمایت از حقوق مادی و معنوی مربوط به فردیت و شخصیت انسان در فقه، بنظر می‌رسد پذیرش این تحول با مانعی مواجه نیست.

در ایتالیا در مواردی که صدمات جسمانی وارد می‌گردد نفس حق بر سلامت، بطور مستقل از زیان‌های مالی ناشی از آسیب‌های جسمانی مانند فقدان درآمد، شناخته می‌شود. این رویداد از سال ۱۹۸۶ توسط یک دادگاه حقوقی بر پایه این حق بنیادین که در اصل ۳۲ قانون اساسی مورد تاکید قرار گرفته است، استوار گردیده است.<sup>۱</sup> این نوع ارزش‌گذاری منافع غیر مادی و غیر اقتصادی در واقع منتهی به تغییر فعل زیان بار و و مفهوم تقصیر می‌گردد. چرا که برای تحقق تقصیر، نفس نقض یک حق بنیادین کفایت می‌نماید و اثبات امر دیگری لازم نیست و به دیگر سخن صرف نقض، مصداق تقصیر خواهد بود. بنظر می‌رسد این تحولات مرهون نظریه پردازانی چون ژوسران است که در تعریف تقصیر بیشتر به حق دیگری (زیان دیده) تمرکز می‌نمایند. او در تعریف تقصیر، آن را به ضرر زدن به دیگری بدون توان اثبات حقی معادل و یا برتر از آن در رفتاری که مرتکب شده است می‌داند.

#### ۴-۶ توسعه خسارات قابل مطالبه

توسعه خسارات قابل مطالبه به خصوص خسارات معنوی از دیگر پیامدهای اساسی‌سازی محسوب می‌شود. یکسری از دعاوی که حقوق اساسی در آنها نقش بسزایی ایفا می‌کند، به موضوعاتی مربوط می‌شود که در آنها حقوق اساسی می‌تواند برای اثبات یک خسارت مشخص به کار رود. این چارچوب عمدتاً به دعاوی مربوط می‌شود که در آنها هیچ صدمه جسمانی موضوع دعوا نیست، بلکه ارزش‌های بنیادی فردی صدمه دیده‌اند و معمولاً خسارت معنوی عمده‌ای نیز به زیان‌دیده وارد شده است. به ویژه حقوق آلمان در این زمینه، خسارات غیرمادی را بر مبنای "حقوق کلی شخصیت" که در قانون اساسی بیان شده‌اند، به رسمیت شناخته و همچنین حقوق مربوط به خسارات عاطفی را نیز بر مبنای قانون مدنی به رسمیت شناخته است. حقوق هلند نیز در حال تحول مشابهی است.

یک مثال از این تحول را می‌توان در یکی از آراء اخیر دیوان عالی هلند یافت که در آن، شهرداری گرونینگن (Groningen) به دلیل نقض عمده حریم خصوصی مسؤل شناخته شد. در دعوی مذکور، وقتی که خرابکاران در جریان شورش‌های سال نو به یک خانه مسکونی حمله کرده بودند، پلیس نتوانست به موقع در صحنه حضور پیدا کند. در مورد این دعوا، دیوان عالی

1. Antonina, Bakardjieva Engelbrekt And Joakim Nergelius, *New Directions In Comparative Law*, Edward Elgar Publishing, Inc, (2009), p.129.

صراحتاً حق جبران خسارات عاطفی را پذیرفت، حتی با وجود اینکه هیچ خسارت جسمانی یا روحی ایجاد نشده بود. این رأی تنها با توجه به جایگاه مهم حق نقض شده در این دعوا (حق برخورداری از حریم خصوصی) و شدت نقض این حق (حمله خرابکاران به مدت چندین ساعت، علی‌رغم درخواست کمک از پلیس) قابل توجیه است.<sup>۱</sup> گرچه افرادی که مورد حمله قرار گرفته بودند، به وضوح متحمل آسیب عاطفی شدند، اما حق جبران خسارت در چنین دعوایی بر اساس الزام آور بودن قانون نیز قابل توجیه است.

دیوان عالی در یکی دیگر از دعاوی اخیر نیز با موضوع مشابهی مواجه شد. در این دعوا این مسئله مطرح شد که آیا پدر و مادری که حق انتخاب آنها برای تولید مثل (یکی از عناصر حق خودمختاری) به صورت اجباری و در اثر خطای پزشکی نقض شده است، مستحق دریافت خسارت هستند یا خیر؟ در این زمینه، دیوان عالی حتی در نبود هرگونه آسیب روحی یا فکری، حق دریافت خسارت را برای هر دو والد بر مبنای نقض حق اساسی آنها برای تصمیم‌گیری در مورد تولید مثل به رسمیت شناخت.<sup>۲</sup> دعاوی فوق‌الذکر نشان می‌دهند که حقوق اساسی می‌توانند به شرح و بسط منافع ارزشمند فردی کمک کرده و در مواردی که دسته بندی‌های سنتی خسارات، ناکارآمد هستند، به جبران خسارات وارده کمک کند.

با وجود اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز مواد ۱، ۲، ۸، ۱۰، ۱۰۰ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری و تبصره‌های ذیل آن که جایگاه قانونی خسارت معنوی را تبیین می‌نمایند به دلائلی چون عدم اقبال عمومی در طرح دعوای مطالبه خسارت معنوی، رویه قضائی ایران به لحاظ کمی و کیفی هنوز مجالی برای اعمال حقوق بنیادین نیافته است. این در حالی است که اتفاقاً در قاعده مترقی لاضرر، این قسم از حقوق، بر حقوق مادی مرجح دانسته شده و در واقع شان نزول قاعده فقهی مزبور به بحث خسارت معنوی<sup>۳</sup> و حمایت از حریم خصوصی مرد انصاری مربوط است زیرا این حق معنوی مرد انصاری به عنوان بخشی از حقوق مربوط به شخصیت، توسط سمره بن جندب نقض می‌شد.

۱. در همین زمینه دعوای پسر خانواده که در زمان حمله در منزل نبود، رد شد. زیرا نقض حریم خصوصی وی به قدر کافی جدی و عمده محسوب نمی‌شد.

2. Tom Barkhuysen and Siewerr D.Lindenbergh, (2006), Constitutionalisation of Private Law, Martinus Nuhoff Publishers. Leiden/ Boston, (2006), p.123.

۳. محمدزاده، مسلم، تن آدمی شریف است به جان آدمیت؟! پرتوهائی از کرامت انسانی در حقوق خصوصی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۵، شماره ۲، (۱۳۹۴)، ص ۳۳۱.

#### ۴-۷ حمایت از اصل جبران کامل خسارات

تغییر اساسی دیگر به اصل سنتی جبران کامل زیان‌ها مربوط می‌شود. حقوق اساسی در پرتو فرآیند اساسی سازی حقوق مسئولیت مدنی می‌تواند به عنوان حامی قواعد مسئولیت مدنی عمل نماید. با این توضیح که اعمال حقوق بنیادین راه را برای رسیدگی، انعطاف پذیرتر و بهتر نیازهای اجتماعی و انسانی هموار می‌سازد.<sup>۱</sup> اصل جبران کامل خسارت که به معنای استحقاق زیان دیده در دریافت کامل خسارت است یک قاعده کهن می‌باشد که تقریباً در تمامی نظام‌های حقوقی اروپائی اعمال می‌شود. ریشه‌های این اصل را می‌توان در حقوق مسئولیت مدنی یافت.

اگر یک تعهد قراردادی و یا خارج از قرارداد، نقض شده و این امر موجب عواقب زیان باری شود، این اختلال در نظم حقوقی باید جبران شود. در این زمینه بلمبرگن<sup>۲</sup> به اصل بنیادی حاکمیت قانون ارجاع می‌دهد و اصل جبران کامل خسارت می‌تواند به عنوان شعبه‌ای از اصل حاکمیت قانون در نظر گرفته شود. و بدین وسیله اختلالات به وجود آمده ناشی از تقسیم بندی حقوق بر مبنای عدالت توزیعی، باید بر مبنای عدالت مقابله‌ای تصحیح شوند. تفسیر کنوانسیون اروپائی حقوق بشر از ماده ۶ کنوانسیون (حق برخورداری از دادرسی منصفانه) و الحاقیه اول ماده اول آن (حق استفاده صلح آمیز از دارائی‌های شخصی) نشان می‌دهد که حق برخورداری از جبران کامل خسارت، از حمایت حقوق بشری نیز برخوردار است. از آنجائی که اصطلاحات مندرج در کنوانسیون ممکن است با معانی موجود در نظام‌های حقوق ملی متفاوت باشد. به همین دلیل در دعوی ناشی از تقصیر و ایراد خسارت نیز می‌توان آن را مورد استناد قرارداد.<sup>۳</sup>

یکی از مثال‌های اخیر در زمینه یک دعوی موفق بر مبنای ماده اول از الحاقیه یکم کنوانسیون، رای دادگاه استیناف آمستردام است که مقرر می‌دارد که در دعوی مسافری خطوط ریلی هلند<sup>۴</sup> محدوده خسارت تعیین شده در قوانین موضوعه از جمله ماده ۱۱۰ کتاب هشتم قانون مدنی هلند که به موجب آن در موارد فوت یا جراحات حداکثر سیصد هزار گیلدر هلند<sup>۵</sup> پرداخت خواهد شد، باید نادیده گرفته شود. زیرا این امر طبق موازین عقلانیت و انصاف، در این دعوا قابل قبول نبود. دادگاه عقیده داشت که هدف خاص این محدودیت (قابل تخمین بودن ریسک بیمه‌گری) مانع از این موضوع نمی‌شود که نا برابری بین منافع عمومی از یک سو و

1. Aurelia Colonbi Ciacchi, Groningeng, "judicial Governance in private law through the Application of Fundamental Rights", Austrian Law Journal, (2014), p.129.

2. Bloembergen

3. Tom Barkhuysen and Siewerr D. Lindenberg, Constitutionalisation Of Private Law, Martinus Nuhoff Publishers. Leiden/ Boston, (2006), p.121.

4. NC

5. Dutch guilders

حفاظت از حقوق فردی از سوی دیگر در نظر گرفته نشود. بر این مبنا دادگاه این نکته را نیز در نظر گرفت که این محدودیت تعیین شده نسبتاً قدیمی است و نرخ تورم را در نظر نگرفته است حال آنکه در معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی محدودیت حذف شده و یا به رقم بالاتری افزایش پیدا کرده است.

## نتیجه‌گیری

مرور بر نظام‌های حقوقی کشورهای اروپائی مشخص می‌نماید که پدیده اساسی سازی بطور کلی، بطور هم زمان معلول توجه ویژه بر امر مردم سالاری و احترام به فردیت و آزادی انسان‌ها در قوانین و سلوک عملی دولتهاست. برجسته بودن این تحول در کشور های اروپائی و عینی بودن نتیجه تلاش‌های فکری و مطالعات روش مند این امر را به اروپائی شدن حقوق خصوصی ملقب ساخته است.

اروپا متشکل از کشورهای متعدد با ارزش‌های اساسی و هنجارهای متفاوت است که در حوزه حقوق خصوصی هرگز از نظام حقوقی یک دست برخوردار نبوده‌اند. اما ملاحظه شد که اساسی سازی به عنوان یک مفهوم غیر قابل انکار و عینیت یافته در رویه قضائی و قانونگذاری کشورها، عاملی بسیار مهم در راه حرکت بسوی وحدت حقوق خصوصی خصوصاً در بین اعضای اتحادیه محسوب می‌شود.

به دلیل تبعیت روش‌های مزبور از بافت فرهنگی، اقتصادی و دیگر متغیرهای هر جامعه، بسیاری از حقوق دانان اروپائی را بر آن داشته که تمرکز به روش‌های متداول ابداعی برای نحوه اعمال حقوق بنیادین در قانون گذاری و یا حل و فصل دعاوی اساساً به این تفاوت چندان اهمیت نمی‌دهند. زیرا آنچه که مهم است نفس اتخاذ و پذیرش آن است نه روش و یا شدت و ضعف آن.

حمایت‌های قانونی نظام‌های حقوقی از حقوق مربوط به شخصیت به یک روش واحد نیست کشور آلمان جایگاه قانونی ویژه‌ای برای این حقوق قائل شده و دکتترین تاثیر افقی نیز در رویه قضائی این کشور ابداع شده است. برخی کشورها مانند اتریش نیز به دلیل شباهت به سیستم حقوقی آلمان و برخورداری از دادگاه قانون اساسی از پیشرفتی قابل توجه برخوردار هستند. در فرانسه و هلند به عنوان کشور های فاقد دادگاه قانون اساسی، رویه قضائی در پرتو اساسی سازی و تاثیر افقی حقوق بنیادین، به مراتب بیش از دستگاه قانون گذاری بر جنبه‌های از حقوق مربوط به شخصیت پرداخته شده است. برخی کشورها نیز مانند انگلیس با وضع و تصویب قانون مربوط به حقوق بشر در بعد کیفری و هم بعد مدنی تحولات منحصر به فردی را در رویه قضائی دادگاه‌های خویش رقم زده‌اند. حقوق ایران از این منظر که ماده قانونی مشابه

ماده ۸۲۳ قانون مدنی آلمان دارد و از سوی دیگر در قانون مجازات اسلامی از برخی از این حقوق حمایت کیفری می نماید با این مفهوم کاملاً بیگانه نیست. اما در رویه قضائی ایران هنوز در حوزه دعاوی مسئولیت مدنی از منبع در خور توجهی برخوردار نیست.

تغییر در مفهوم تقصیر، حمایت از حقوق به عنوان هدف مسئولیت مدنی، توسعه خسارات قابل مطالبه و حمایت از اصل قدیمی و سنتی جبران کامل خسارات، ابداع مینا برای طرح دعوا، عبور از مرزهای جازم قوانین غیر عادلانه و تفسیر مجدد قواعد سنتی و استفاده از حقوق بنیادین به عنوان یک ابزار تفسیری، همچنین ایجاد یک منبع الهام برای قانونگذاران، از نتایج خاص اساسی سازی است که منجر به کارآمد شدن حقوق مسئولیت مدنی و تشکیل افق‌های جدید برای این شاخه از حقوق خصوصی گردیده است. از آنجائی که نظام حقوقی ایران در امر اساسی سازی با موانع بسیار جدی که آن را ناممکن سازد مواجه نیست، لذا می توان از عمده نتایج اساسی سازی و حمایت قانونی و قضائی از حقوق مربوط به شخصیت در ایران نیز بهره برد. این مدعا بیش از هر چیز نقش شورای نگهبان در نظارت اساسی بر قوانین، کارکرد دیوان عالی کشور در نظارت بر حسن اجرای قوانین در رویه قضائی محاکم تالی، وجود مقرراتی چون قانون مسئولیت مدنی و قاعده لاضرر ابتنا دارد.

## فهرست منابع

### فارسی و عربی

۱. اسدی، عباس، پارساپور، محمدباقر، شهبازی نیا، مرتضی، بادینی، حسن، نظریه تاثیر حقوق اساسی بر حقوق قراردادها و جایگاه آن در حقوق ایران، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۱، شماره ۲، (۱۳۹۶).
۲. انصاری، باقر، مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مربوط به شخصیت در رسانه‌ها؛ مجله علمی - پژوهشی حقوق خصوصی، دوره نهم، شماره دوم، (۱۳۹۱).
۳. ایکاوچ، برنهارد، رضائی، علی، "گروه اروپائی حقوق مسوولیت مدنی" و "اصول حقوق مسوولیت مدنی"، ماهنامه کانون، شماره‌های ۱۳۸ و ۱۳۹، (۱۳۹۳).
۴. بادینی، حسن، هدف مسئولیت مدنی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۶۶، (۱۳۸۳).
۵. بادینی، حسن، مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق معنوی مربوطه به شخصیت و حقوق بشر، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۴، شماره ۹۱، (۱۳۹۱).
۶. جعفری، فیض الله، مختاری، مهرناز، مطالعه تطبیقی ماهیت حقوق تصویری ستارگان در تبلیغات تجاری، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۲، (۱۳۹۵).
۷. دیانی، عبدالرسول، تقی زاده، ابراهیم، بادینی، حسن، شریفی، علیرضا، اعمال حقوق بشر در روابط خصوصی، دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش حقوق مدنی، سال دوم، شماره دوم، (۱۳۹۲).
۸. شریفی، علیرضا، مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق بشر، چاپ اول، (تهران: نشر جنگل، ۱۳۹۳).
۹. شهبازی، حشمت اله، تقی زاده، ابراهیم، شهبازی نیا، مرتضی، حقوق بشر در حقوق خصوصی، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال پنجم، شماره نوزدهم، (۱۳۹۶).
۱۰. طهماسبی، علی، (۱۳۹۱)، فزون خواهی حق‌های اساسی: درآمدی بر اساسی‌سازی حقوق خصوصی، پژوهش‌های حقوق تطبیقی دوره ۱۶، شماره ۳، (۱۳۹۱).
۱۱. کاتوزیان، ناصر، تحول مفهوم تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۱، (۱۳۸۸).
۱۲. گرجی، علی اکبر، مبنا و مفهوم حقوق بنیادین، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره دوم، (۱۳۸۳).
۱۳. محمدزاده، مسلم، تن آدمی شریف است به جان آدمیت؟! پرتوهائی از کرامت انسانی در حقوق خصوصی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۵، شماره ۲، (۱۳۹۴).

۱۴. مولائی، یوسف، "مطالعه تاثیر حقوق بنیادین بر حقوق قراردادها" دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی رساله دکتری، (۱۳۹۴).
۱۵. مولائی، یوسف، مبانی نظری اعمال حقوق بنیادین در حقوق قراردادها، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۹، شماره ۱، (۱۳۹۷).
۱۶. مولائی، یوسف، شعاریان، ابراهیم، نفوذ حقوق بشر در حقوق قراردادها در پرتو رویه قضائی اروپائی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۲، (۱۳۹۳).

#### English Sources:

17. Aharon Barak, "Constitutional Human Rights and private law", yale law school legal scholar ship Repository, (1996).
18. Antonina, Bakardjieva Engelbrekt and joakim Nergelius, *New Directions in comparative law*, Edward Elgar publishing, Inc, (2009).
19. Aurelia colonbi ciacchi, Groningeng, "judicial Governance in private law through the Application of Fundamental Rights", *Austrian Law Journal*, (2014).
20. Cees Van Dam, *European Tort Law*, Secend Edition ,Oxford University Prees, (2013).
21. -Chrispoph Busch Hans Schulte NolKe forewordsby Viviane Reding, *EU Compendium Fundamental Rights and private law Apractical Tool for judges*, sellier European law publishiers GmbLt, Munich, (2011).
22. Dawn Oliver And Jorg Fedtke, *Human Rights And The Private Sphere A compaearite study*, Routledge-Cavendish, (2007).
23. Gert Brugge Meier, Aurelia Colombi Ciacchi And Patrick O,Callaghan, *The Common Core Of Eruopean In Private Law Personality Rights In European Tort Law*, Cambridge University Press, (2010).
24. Gert Bruggemeier And Aurelia Colombi Ciacchi And Givanni Comande, *Fundamental Rights And Private Law In The Eropean Union: Ii. Comparative Anlyess Of Selected Case Patterns*. Cambridge University Press, (2006).
25. Jan M.Smits, "Private Law And Fundamental Ritghs: A Sceptical View". Maastricht University Faculty Of Law Maastricht Eropean Private Law Institute(M-Epli) Available At Ssrn: <http://ssrn.com/abstract=928560>, (2006).
26. Maria Dolores Sanchez Caleria, "Fundamental Rights And Private Law In Europe: A Fundamental Rights To Environment." *European Review Of Private Law*, (2008).

27. Nuno Ferreira, "Fundamental Rights, Constitutional Principles, And Law Of Torts: Tort Feasors V. Tort Victims", *Role Of Tort Law In The Area Of Business And Human Rights*, JETL, (2004).
28. Solveiga Cirtautienė, "Impact Of Human Rights On Private Law In Lithuania And Other European Countries Problematic Aspects", *Mykolas Romeris University*, (2013).
29. Tom Barkhuysen And Siewerr D. Lindenbergh, *Constitutionalisation Of Private Law*, *Martinus Nijhoff Publishers*. Leiden/Boston, (2006).
30. Verica Trstenjak, Petra Weingerl, *The Influence Of Human Rights And Basic Rights In Private Law*, *Springer International Publishing Switzerland*, (2016).



# Abstracts

## **Intrinsic dignity and protection of human personality in the context of the fundamentalization of civil liability rights**

*Amir Najafi Ghamat  
Ebrahim Shoarian  
Hasan Phashazadeh*

### **Abstract**

The process of fundamentalization of private law, which is the result of historical and political developments and the development of the concept of human rights in the second half of the twentieth century, means invoking the fundamental rights guaranteed in the horizontal relations between individuals and subjects of private law. The Influence of Fundamental Human Rights on Civil Liability Rights, while legitimizing traditional rules, provides the basis for the development or redefinition of certain concepts and, ultimately, the effectiveness of civil liability rights. The purpose of this study is to investigate the effects and results of fundamentalism in the field of civil law and responsibility by descriptive-analytical method.

In short, due to the common examples between concepts such as rights related to personality and fundamental rights, such as human inherent dignity, the right to health, autonomy and individual independence, the right to reputation and the need for privacy rooted in individuality. They have human beings, this relationship is two-way and it is much deeper than the relationship between other branches of private law and fundamental law, while there is a kind of overlap between the two. Legislation based on inherent human dignity and normative values, interpretation of existing laws based on justice and fairness, protection of legitimate rights and interests, redefining the concept of fault, full compensation and development of claimable damages, including the fundamental effects of this branch of law. It is private.

### **Keywords**

Fundamentalism, Civil Liability Law, Horizontal Impact, Fundamental Rights.

## **Provide a model for entrepreneurial marketing management in the microelectronics industry**

*Farshad Hekmatzadeh*

*Hossein Vazifehdoost*

*Farideh Haghshenas Kashani*

### **Abstract**

Entrepreneurship is an important and inexhaustible resource for all human societies. A resource that goes back to human creativity. It is cheap on the one hand and very valuable and endless on the other. Today, everyone has realized that societies that have relied on human resources to succeed on underground resources in the long run have considered underground resources in Third World countries to be barriers to development, despite its advantages. However, the lack of these resources in some countries has led them to become among the leading countries in the world today, using the power of thought, creativity and initiative, or in a word, entrepreneurship. Especially in the present age, which is the age of knowledge, creativity and the age of combining ideas and initiatives, it is very important to pay attention to entrepreneurship in the development and progress of countries

In this research, the mixed method has been used, which includes two parts, qualitative and quantitative. In the qualitative part of the research, interview tools were used. The necessary information and data have been obtained in the qualitative section from experts in the field of marketing and entrepreneurship. This research was collected and then analyzed using Grand Theory method. The categories obtained from the collected data are presented.

Thus, in order to provide a model for entrepreneurial marketing in the microelectronics industry, a qualitative approach with exploratory design was used. To this end, a model for entrepreneurial marketing in the electronics industry was first developed using a qualitative approach and data coding. Therefore, first, the qualitative part is mentioned and then the quantitative part is explained and the research results are presented, then the results of the quantitative part are examined.

### **Keywords**

Entrepreneurial Marketing, Microelectronics, Combined Research.

## **Transparency Indices and Anti-Corruption Criteria and the Impact of International Assessment and Standards**

*Hamid Rahimi  
Saber Niavarani  
Mohammad Jalali  
Assadollah Yavari*

### **Abstract**

Transparency and anti-corruption indicators are a way to deal with corruption in the government and ruling classes and have different categories. Corruption has created obstacles in advancing the goals and development of countries. Although there have been effective efforts to create an index of transparency and the fight against corruption, there is no satisfactory answer to this problem, and many developing countries continue to suffer from corruption at all levels. The most important divisions of transparency and anti-corruption indicators are presented in two forms: polls and evaluations.

### **Keywords**

Transparency and Anti-Corruption, Indices International Standards, World Bank, Transparency International.

## **Investigating the Impact of Ethical Attitudes on Digital Marketing Strategies On the performance of the hotel industry**

*Ali Nakhchian*

*Ali Hosseinzadeh*

*Hossein momeni mahmouei*

*mohamad ghasemi namaghi*

### **Abstract**

Work ethic is the most important factor in the success of the hotel industry. The contemporary world is evolving at an Amazing speed Organizations, as one of the most prominent characteristics of today's societies, are rapidly changing and evolving, and in the current system, improving performance is one of the main goals of any living and active organization. So it is clear that examining the variables that affect it can be a guide for managers to improve the company. In this regard, in this study, we seek to investigate the effect of digital marketing strategies On the performance of the hotel industry. In terms of type and nature, this research is a descriptive-analytical research and in terms of purpose, it is a type of applied research. In this study, the introduced model was tested using 125 specimens and using paltial least squares (PLS) method. The findings show a positive and significant effect of email marketing and network marketing, content marketing on the dimensions of hotel performance (from all 4 financial perspectives, customer, internal and ethical processes). But the impact of viral marketing on performance was not confirmed. This research clarifies for managers the fact that by investing in digital marketing strategies, they not only do no harm, but also achieve a competitive advantage by improving performance.

### **Keywords**

Digital Marketing Strategies, hotel industry, Network Marketing.

## **The Ethical Principles of Judicial Oversight in Criminal Proceedings**

*Abdolreza Mansouri Dehbid*

*Ahmad Ramezani*

*Mansour Atashaneh*

### **Abstract**

The enactment of numerous laws and regulations in accordance with ethical standards all results from knowing and respecting the inherent dignity of individuals. The inherent dignity of the human being requires that due process be observed in the process of criminal proceedings in order to maintain and uphold this criterion to protect the rights of the parties, in particular the accused. The premise of innocence or the principle of absurdity, the principle of the rule of law, the principle of accountability and the avoidance of distortion of justice and judicial errors can be considered as one of the most important ethical principles of judicial supervision. In this regard, the observance of citizenship rights, in the domestic and international context as reflected in the Code of Criminal Procedure adopted in 2013, has led to judicial oversight of judicial authorities' conduct in the process of prosecution and investigation in relation to the fundamental rights of individuals. Special attention is given to the law. The basic principles of the law in criminal proceedings, and consequently the responsibility and accountability of the relevant judicial authorities, to prevent the abuses and violations of the rights of individuals, in particular the defendants; Descriptive analysis of the philosophy and ethical foundations of the legal establishment of judicial oversight in modern criminal justice systems.

### **Keywords**

Ethical supervision, Ethical standards, Inherent human dignity, Presumption of innocence, Judicial errors.

## **The cassock of Meritocracy legal system, over the status of human dignity as a Ethics concept**

*Saeed Ghabidian  
Ali Akbar Gorji Azandariani  
Bijan Abbasi*

### **Abstract**

Human dignity is one of the most important issues in the field of law . This issue is important because is known as the basis of many of the human rights, privileges and duties. Today, human dignity not only is recognized as an indestructible right, but also is the basis of human rights. Whereas the administration of public affairs relies on legal system, specifies the roles, rights and duties, responds the needs of society, affects the fate of society and human dignity. Meritocracy as a specified concept in the management, and because of its influence on the proper administration of public affairs, via responding to human needs, predicts human abilities and has an important rule in improving the legal system. The research question of this study is whether this research is descriptive, analytical and library based whether meritocracy in the legal system leads to human dignity? It seems that meritocracy because of its influence on creation the legal system, via responding to human needs and the creation a describe public administration, leds to the improvement of public ethics and human dignity. It would be noted that this research is Descriptive and analytical method library method and the library compilation method and by reviewing and critisizing the information, to describe and interpret what should be.

### **Keywords**

administration administration of public affairs, Ethics, Human dignity, legal system, Meritocracy.

## Ethical requirements in Islamic banking

*Ali Arabi*  
*Mahmoud Bagheri*  
*Mahmoud Erfani*

### **Abstract**

A saying from the Holley Prophet of Islam says: “praying has 70 parts, the best one is Halal earning”. Accordingly the real believers strongly value the professional banking morality for earning Halal income and from their point of view the bank which is based on Islamic morality must follow 6 important aims as will be described in the article such as executing economic justice in the society. As a result the idea of Islamic Banking was first made in the 1950s and the first Islamic investment banking was established in Egypt and Malaysia in the 1960s. There are over 100 kinds of Islamic banks and the law of banking without usury was passed and enforced in 1983 after Iran Islamic revolution. The theoretical, religious jurisprudence and Islamic morality related discussions among the people who are the users of this method of banking and among the bank clerks who enforce this methods, is yet to be answered and they are not fully justified that this method is right from the religious point of view, and the money taken and given is usury. We have tried to survey the activities of the banks focusing on monetary value of time and value of money during time in Islamic jurisprudence and find an appropriate answer. It is clear that the banks pay profit to customers when attracts their money and receives profit from them when loans them. These two issues happen during time and the method of paying and taking profit separates the way of Islamic banking from regular banking. Usury that is clearly forbidden in Islam takes place in elapse of time. We have used indisputable contracts in religious jurisprudence such as Salaf (buying in advance) and Nesiye (selling in advance) to differentiate these two with usury.

### **Keywords**

morality, Islamic Banking, regular banking, profit, usury, time, Salaf Nesiye..



## **A Fair Moral Assessment of Arbitration before Judicial Quasi-Judicial Processes in the Iranian Legal System with Emphasis on the Principles of Fair Procedure**

*Jamshid Abbaszadeh*

*Bijan Abbasi*

*Vali Rostami*

*Ebrahim Musazadeh*

### **Abstract**

The arbitration body, as a method of dispute settlement based on the agreement and contention of the parties to the dispute, has long been favored by the public. This popular system of arbitration has privileges that make it superior to other methods of dispute resolution. Diversification and diversification of references as well as their functioning make it difficult to formulate a single administrative code of law that is based on fair trial principles, But the quasi-judicial nature and their differentiation from judicial and rule of law principles and administrative practices can be common ground for investigating the conduct of investigations that may create a single trial and non-compliance with legal requirements.

In judgment, arbitration, administrative hearings, and in general, any type of legal action based on fairness is a moral conscience that recognizes the issue. In general, the principle of fairness can be characterized as impartiality, rejection of bias, rejection of bias, listening to the other party's (fair hearing), performance of duty without regard for personal and group tendencies, with due diligence, reinforcement and trustworthiness, and ... enumerated. We therefore seek to examine the ethical assessment of fair arbitration prior to quasi-judicial hearings in the Iranian legal system with an emphasis on the principles of fair trial.

### **Keywords**

Ethics, Administrative Procedure, Quasi-Judicial Authorities, Fair Trial.

## **Investigation of Environmental Ethics and Legal in Oil Contracts**

*Masoud Taheri*

*Masoud Alborzi Varki*

*Abdullah Kiai*

### **Abstract**

The deterioration and detrimental consequences of unnecessary exploitation of nature and the environment and the emergence of various pollutants, endanger human life and other creatures on Earth, and the development of comprehensive planning that damages and pollutes the environment. Life has led environmentalists to the theoretical foundations of human interaction with nature, including ethics. The consideration and observance of the principles of environmental ethics that are in line with the ideals of divine ethics and at the same time include economic development and prosperity are more serious than ever in explaining the theory of appropriate environmental ethics. It is one of the necessities of protection and exploitation of the environment. The environment is anything around us that affects us and we can influence them. From Islam's point of view, the most important are: justice in the environment, environmental development, environmental protection and prevention of environmental degradation and pollution, destructive effects of development plans, optimal consumption, Environmental health, the creation of a recycling system, and so on. Given the status of the oil industry in today's world, it should not be left out of control and ignored by human and environmental damage, but should seek solutions. To reduce these damages. Today, refineries emit millions of pollutants into the air, posing a serious threat to human health and the environment. In this article, while considering the ethical and legal principles of the environment, the environmental considerations in oil contracts and the position of Iranian laws and regulations are examined.

### **Keyword**

Principles, Ethics, Legal Requirements, Environment, Oil Contracts.

## **Designing a Research Quality Improvement Model in Iranian Higher Education System**

*Fahimeh Talebi  
Hossein Ali Jahed  
Nahid Sari Khani*

### **Abstract**

The purpose of this article is to determine the components and indicators of research quality improvement in Iranian higher education system. This study, using qualitative research approach and thematic analysis, has studied the components and indicators of research quality improvement in Iranian higher education system. The statistical population of this study consisted of experts, experts and faculty members who were selected through purposeful sampling from 12 members. In-depth interviews were used for data collection and thematic analysis techniques were used to analyze the data. The validity of the research findings was ensured by member review methods, peer review, and participatory research. Also, in order to evaluate the reliability of the coded data, test-retest reliability and in-subject agreement were used. Findings showed that dimensions and components of research quality improvement in Iranian higher education system (organizational supervision, physical equipment, expert researchers, up-to-date resources, clear goals, organizational support, applicability of research and promotion of educational centers) are indicators. Promoting research includes training a researcher, preventing academic theft, reforming university structures and laws, observing justice, and addressing needs.

### **Keywords**

Higher Education, Research Quality, Faculty.

## **The Relationship between Religion and Ethic ( with the Philosophical Approach)**

*Masoumeh saeed*

### **Abstract**

The relationship between religion and ethics is one of the most controversial discussions of religious thought. Philosophers of Religion and Ethics in Relationship between Religion and Ethics, the Origin of Religion or Ethics, the Implementation of Ethics by Religion, the Origin of Religion from Ethics or Ethics from Religion and Other Religions and Needs of Religion and Ethics. But the question of the 'relation of religion and ethics' is still one of the most important issues that have occupied the minds of scholars. The present study first deals with the meanings of religion and ethics and the goals of each of these two categories, then the views of some scholars. And finally, after evaluating the above, this gives his opinion.

### **Keywords**

Religion, Ethics, Controversy, Opposition, Opinion.

## **Assessing the Impact of Level of Social Responsibility Disclosure on Banks' Financial Performance with Emphasis on Ethics**

*Mohammad Saadatnia*

*Farhad Dehdar*

*Mohammad Reza Abdoli*

### **Abstract**

Corporate Social Responsibility is a commitment beyond the legal and economic requirements in which the company addresses ethical issues and participates in economic development while improving the quality of the workforce on a broader scale, namely society and managing its business process. Banking with the social and environmental consequences of investing is one of the most sensitive enterprises in terms of social responsibility, which is looking for the ethical banking movement for social and economic development in a society. Accordingly, the purpose of this study is to evaluate the impact of the level of disclosure of social responsibility on the financial performance of banks. For the purpose of this study, the data of 10 banks listed in Tehran Stock Exchange during the period 2011-2011 were analyzed using Eviews software. The findings show that the level of disclosure of social responsibility of banks has a positive and significant effect on EBITDA, as well as the level of disclosure of social responsibility of banks has a negative effect. And has a significant effect on the market value to book value (MTB) ratio. These results suggest the need for the central bank to establish standardized standards and the need for integrated reporting to disclose social responsibility in banks.

### **Keywords**

Evaluation, Social Responsibility, Financial Performance.

## **Designing a Model of Managing organizational Political Behavior With Ethical Approach in Public Sector Banking industry**

*Farzad Ramezani Rad*

*Mahmood RezaeiZade*

*DavoodKiaKojouri*

*Mehran MokhtariBayeKolaei*

### **Abstract**

the purpose of this study was to design a model of organizational political behavior management with an ethical approach in the public sector banking industry. For this purpose, after reviewing the literature and theoretical foundations of the research, it has been done using a mixed technique (content analysis and structural equations). In this research, in the qualitative section, using the content analysis technique to examine the opinions of 15 experts who are successful bosses and exemplary managers in the banking sector of the public sector at the level of the country's ranks and headquarters through open and in-depth interviews (semi-structured) Snowball sampling was performed. In order to obtain validity and evaluate the strength of the extracted data from the interview, transferability, reliability and verification criteria were used. Data extracted from interviews conducted by thematic analysis method, as 164 open codes (concepts) and 4 pivotal (category) in seven factors in two categories of organizational political behavior and management of organizational political behavior with the approach of ethical principles using MAXQDA software analysis and analysis Were And the research model was drawn from the software output. In a small section, using the questionnaire and after measuring the reliability and reliability and reliability, 365 employees of Bank Melli and Sepah employees based in Tehran province's branches and headquarters were examined by classification method and random sample. Then, using LIZREL software and confirmatory factor analysis technique (CFA), the effect of organizational political behavior management with the approach of ethical principles on the six identified factors of the occurrence of organizational political behavior was examined. And it has the greatest impact on personal factors (individual and moral). And to confirm the proposed model of the final model, structural equation modeling with PLS software was used.

### **Keywords**

Political Behavior, Ethics Aporoach , Banking Industry.Political Behavior Management.

## **Islamic indicators for selecting and recruiting human resources**

*Hossein Tajabadi  
Kaveh Namvar*

### **Abstract**

In Islamic teachings, the process for selecting the right people is not directly expressed but there exist some overviews. In Islam, it is mentioned that the decision on hiring the employees should be fair and rational, and since the believers are more honest, employees should be obliged to Islamic beliefs such as praying, fasting, zakat and so on. The human resource manager should consider such criteria while hiring the needed employees. The current research is accomplished to develop Islamic indicators of recruiting human resources and to clarify the relations among its components by conducting an explorative mixed method. The first step was a qualitative study (Delphi analysis) in order to propose the research model, and the second one was the quantitative study. To this end, a sample size of 225 employees of a public organization was randomly selected for data gathering. Obtained data resulted in one main aspect, 10 components and 24 indicators based on which a questionnaire was developed and distributed. Findings of the second step validated the proposed model since the construct of "Islamic HR Recruitment" was statistically associated with its components and indicators.

### **Keywords**

Human resources, recruitment indicators, selection indicators, Islam, Delphi Technique.

# **Judicial and Ethical Guarantee of Economic, Social and Cultural Rights in the Legal System of the Islamic Republic of Iran**

*Sadegh Asadollahi*

*Ali Akbar Gorji Azandariani*

*Bijan Abbasi*

*Saber Niavarani*

## **Abstract**

This study is an attempt to shed light on the government's threefold human right obligations, and how they are guaranteed in the Iranian legal system. The legislator, in its obligation to protection, has taken a desirable step to ensure these rights by establishing public courts. In its obligation to respect, the Administrative Justice Tribunal has, to some extent, guaranteed the right of citizens to petition. In its obligation to fulfill to the court's failure to comply with these obligations, it has practically disregarded itself, and the legislator has neglected to envisage an appropriate legal regime by failing to designate a competent judicial body. Therefore, the issue addressed in this study is the extent to which the Iranian legal system has been successful in securing the constitutional welfare rights. Besides, has the legislator, by predicting Article 173, been able to satisfy the right to petition under Article 34?

In addition to explaining the judicial guarantees, this study attempts to examine how the Ethical guarantees of these rights derive from the oath of the President in our legal system. And to what extent has this oath been able to move forward in realizing and guaranteeing these rights? This article seeks to answer these questions by collecting data using a descriptive-analytical method. The current paper comes to conclusion that by creating a solid legal system, these rights and also ensuring the right to petition citizens can be strengthened.

## **Keywords**

Welfare rights, obligation to protect, obligation to respect, obligation to fulfill.



## **Ethical Research**

*The Quarterly Journal*

*Vol. 11, No. 2, Winter 2021/ No: 42/ ISSN: 2383-3279*

**Proprietor:** *Iranian Association for Islamic Thought. (ISSN: 2383-3279)*

**Chief Director:** *Reza Haji Ebrahim Ph. D*

**Chief Editor:** *Mahmoud ghayyomzade Ph. D*

---

### **Board of Writers**

*Hojatoleslam Alireza Amini; Mohsen Javadi, Ph. D; Ahmad Deilami, Ph. D; Amir Divani, Ph. D; Jafar Shahnazari, Ph. D; Jafar Sadri, Ph. D; Amir Abbas Alizamani, Ph. D; Mahmoud ghayyomzade, Ph. D; Abdollah Nasri, Ph. D.*

---

**Internal director and Editorial- board director:** *Alireza Moazami*

**Translator:** *Ehsani*

**Page Design:** *Ehsan Computer*

**Editor:** *Hamidreza alizadeh*

---

### **Note**

*The Journal Ethical Research accepts papers on the Ethics ‘Islamic Ethics ‘applied ethics ‘comparative ethics ‘and ethical challenges of Modernism and moral training. The papers received will be published provided that they are written according to the house style of the journal. The authors will bear responsibilities for their own papers.*

---

**Address:** *Bolward Al-Ghadir ‘University of Qom ‘Central Library ‘office of the journal.*

**Tel:** *0098-25-32103360*

**Fax:** *0098-25-32103360*

**Email:** *Akhlagh\_1393@yahoo.com*

---

*This journal is cooperatively being published by Iranian Association for Islamic Thought.*



فرم اشتراک مجله علمی " پژوهش‌های اخلاقی " انجمن معارف اسلامی

لطفا در این قسمت چیزی ننویسید کد اشتراک:			
نام و نام خانوادگی			
نام سازمان (مخصوص سازمان‌ها)			
شغل، محل کار، سمت			
میزان تحصیلات و رشته تحصیلی			
آدرس پستی			
پست الکترونیک			
شماره فیش بانکی	تاریخ فیش بانکی	تعداد نسخه دریافتی	شروع اشتراک از شماره
امضای متقاضی		تاریخ	

هزینه اشتراک (با احتساب هزینه پست)

اشتراک یک ساله برای اشخاص (افراد حقیقی): ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک دو ساله برای اشخاص (افراد حقیقی): ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک یک ساله برای دانشجویان با ارائه کپی کارت دانشجویی: ۷۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک یک ساله برای سازمان‌ها (افراد حقوقی): ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک دو ساله برای سازمان‌ها (افراد حقوقی): ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال

خواهشمند است مبلغ اشتراک یا خرید شماره‌های قبلی را به حساب ۱۵۳۱۰۷۱ بانک تجارت

شعبه صفائیه قم واریز و اصل فیش را به همراه فرم تکمیل شده اشتراک به نشانی

قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، کتابخانه مرکزی،

دفتر فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی

ارسال فرمایید:

جهت اطلاع بیشتر با تلفن ۰۲۵ - ۳۲۱۰۳۳۶۰ تماس حاصل فرمایید.